



BP۱۴۷۸.ج

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۸)
 علوم و بیانیه گام دوم، (علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست، مدیریت) / جلد اول
 زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: سید عیسی مسترحمی - مهدی جهانی
 چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق
 ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ
 ● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۹۹۹ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸؛
 تلفن: ۰۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ +۹۸ ۲۵ تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵
 ▶ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۰۶

pub_almustafa

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

● ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر چاپ: ایوب جمالی



دیر خانه حمایت از طرح های پژوهشی

این اثر با حمایت «دیرخانه حمایت از طرح های پژوهشی»
 معاونت پژوهش حوزه های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۸)

علوم و بیانیه گام دوم

(علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست، مدیریت)

جلد اول

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: سید عیسی مسترحمی - مهدی جهانی



مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراروی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه‌چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد.

«جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمية» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

امام خامنه‌ای ع:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دَوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدّن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی رهبر و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.

فهرست

- مقدمه ریاست کنگره ۱۱
- مقدمه مدیر علمی ۱۳
- مقدمه معاون علمی ۲۷
- مقدمه مدیر کمیته ۳۱

۱. علوم اجتماعی

- بررسی جایگاه عنصر «پیروان» در سعادت امت های ثابت قدم از منظر قرآن کریم ۳۵
- مهدی شامحمدی بنی (نویسنده مسئول)؛ ۳۵
- غلامرضا خوش نیت؛ ۳۵
- زینب واعظی ۳۵
- ساخت و طراحی مدل جامع تبیین بعثت پیامبر اکرم ﷺ از منظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه ۶۳
- دکتر محمدعلی زکی ۶۳
- موانع اجرای عدالت اجتماعی با محوریت بیانیه گام دوم ۱۰۱
- صدیقه طوسی ۱۰۱

۲. اقتصاد

- نقش دولت و مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری ﷺ با تأکید بر نهج البلاغه ۱۲۷
- زینب یوسفی ۱۲۷

- تأثیر استقامت بر رشد اقتصادی جامعه اسلامی از منظر قرآن _____ ۱۴۷
- سیده معصومه تقوی (نویسنده مسئول) _____ ۱۴۷
- خدیدجه حسین زاده باردئی _____ ۱۴۷
- تحلیل قرآنی - روایی بایسته‌های دستگاه‌های دولتی در حوزه‌ی کسب و کار از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام _____ ۱۷۳
- مریم شمشیری (نویسنده مسئول) _____ ۱۷۳
- خدیدجه حسین زاده باردئی _____ ۱۷۳
- جایگاه رفاه اقتصادی در بیانیه گام دوم و تبیین مبانی دینی آن بر اساس معادشناسی شهید بهشتی _____ ۲۰۱
- محمد مهدی رفیعی (نویسنده مسئول) _____ ۲۰۱
- محمد حسین رفیعی _____ ۲۰۱
- ویژگی طهارت اقتصادی مسئولان حکومتی در تراز انقلاب اسلامی در آیین نهج البلاغه _____ ۲۲۱
- محمد خورشیدی اطهر _____ ۲۲۱

۳. علوم سیاسی

- دموکراسی و نظام سیاسی قرآنی با تأکید بر بالندگی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی _____ ۲۵۱
- عبدالوهاب باهنر (نویسنده مسئول) _____ ۲۵۱
- حمید جزایری _____ ۲۵۱
- مبانی حاکمیت بر فضای سایبری در گام دوم انقلاب از منظر فقه حکومتی _____ ۲۷۹
- سعید حسنی _____ ۲۷۹
- راهکارهای تحقق استقلال سیاسی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم _____ ۳۰۷
- محمدعلی احمدی (نویسنده مسئول) _____ ۳۰۷
- حمید رضا طوسی _____ ۳۰۷
- مبانی قرآنی و حدیثی دولت ملت سازی در جمهوری اسلامی _____ ۳۳۹
- محمد رضا مهدوی (نویسنده مسئول) _____ ۳۳۹
- فاطمه اسلام پناه _____ ۳۳۹
- مستندسازی قرآنی راهبردهای مزیتی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی _____ ۳۶۳
- محمد امیری (نویسنده مسئول) _____ ۳۶۳
- علی آقا صفری _____ ۳۶۳

مؤلفه‌های وفاداری به نظام اسلامی در آیه ۲۹ سوره فتح (با تأکید بر بیانیه گام دوم) _____ ۳۹۹

حسن خواجه‌وند صالحی (نویسنده مسئول) _____ ۳۹۹

علی آقا صفری _____ ۳۹۹

۴. مدیریت

بررسی مؤلفه‌های مدیران فاسد از منظر قرآن (با تأکید بر بیانیه گام دوم) _____ ۴۳۷

سید رضا انوری (نویسنده مسئول) _____ ۴۳۷

علی آقا صفری _____ ۴۳۷

تبیین معیارهای گزینش و انتخاب نیروی انسانی از منظر قرآن کریم (بر اساس آیه شریفه ۲۶ سوره مبارکه قصص) _____ ۴۶۵

سید علی حسینی _____ ۴۶۵

ظرفیت‌های جسمی جوانان و مدیریت آن‌ها برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن

وحدیث _____ ۴۸۳

روح اله مقدسی (نویسنده مسئول) _____ ۴۸۳

مجید حیدری فر _____ ۴۸۳

محمد رضا جواهری _____ ۴۸۳

آمنه قلی پور _____ ۴۸۳

مبانی مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب _____ ۵۱۱

سید علی اصغر علوی _____ ۵۱۱

مقدمه ریاست کنگره

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی‌العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

مقدمه مدیر علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی علیه السلام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت علیهم السلام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد ﷺ برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رحمه الله برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای رحمه الله برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله وعده السلام داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای رحمه الله برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعة المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت علیهم السلام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست‌های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه‌رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به‌ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت‌الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعة المصطفی العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره‌های تاریخ ایران گشت، والحمد لله رب العالمین.

گزارش اجمالی کنگره

۱. اهداف کنگره:

- همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:
۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
 ۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
 ۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
 ۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
 ۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
 ۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعة المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
 ۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

۲. محورهای کنگره:

گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث	گام دوم، عقلانیت و قرآن و حدیث
گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی	گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث
گام دوم و آینده‌پژوهی	گام دوم و غرب و شرق
راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث	گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی
رسالت طلاب جامعة المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم	مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم
نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی	نقش جوانان در تحقق بیانیه بیانیه گام دوم

۳. شورای سیاست گذاری کنگره

حضرت آیت الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی العالمیه و ریاست حوزه های علمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه های علمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرمییدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین سیدیوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت الاسلام والمسلمین مسلم احمدلومعاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

۴. شورای علمی کنگره

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه های علمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بهجت پور ریاست حوزه های علمیه خاوران	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبیدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بی آزار شیرازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرآنت مجتمه عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی معاون آموزش مجتمه آموزش عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمه عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمه عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمه عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان
حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمه عالی قرآن و حدیث
دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی	حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان	دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه
دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان	دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان

۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمه عالی قرآن و حدیث)
 معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی
 معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
 مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی
معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد
معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری
معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی
مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد	حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیزی علویجه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	

دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد هادی منصوری	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	جناب آقای محمد زینلی

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسن زمانی	حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

اعضای کمیته:

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

هشتم: کمیته تخصصی بانوان

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

اعضای کمیته:

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

نهم: کمیته بین الملل

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان

اعضای کمیته:

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجیکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکر: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمد فاکر میبیدی، محمد حسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسیٰ مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الہی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمد رضا حقیقت سمنانی، مهدی جہانی، علی رضا شاہین، محمد باقر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبیٰ رحمانی، سید مجتبیٰ رضوی اصیل، سید رضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرہمندیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبیٰ انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زادہ، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمد ہادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راہی، مهدی ہمتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بہجت پور، زینب طیبی، نسترن بہرمان، منیژہ کاشانی، محبوبہ جوکار، معصومہ حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیدہ نفیسہ حسینی واعظ، فاطمہ طائبی، سمیہ پاپی، حمیدہ کرمی، عفت رمضانیان، صدیقہ بہرامی، فاطمہ حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثہ سلیمانی، فہیمہ ربیعی، فاطمہ قنبری، طاہرہ سادات ضیاء حسینی، فاطمہ عطارد، مہدیہ علوی فر، طیبہ توکلی، سیدہ معصومہ فاطمی، طاہرہ عبداللہی، زہرا فتحی، الناز جہان پور، راضیہ شیرینی، پریوش علیزادہ، فاطمہ درویشی، صدیقہ کاویانی.

۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>علیه السلام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>
۲۱. دانشگاه امام صادق <small>علیه السلام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رحمته الله علیه</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>علیها السلام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صادق <small>علیه السلام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

سخن پایانی

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتاب ها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نوبخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی علیه السلام حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

مقدمه معاون علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متأثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است.

به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرائط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابتهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

مقدمه مدیر کمیته

الهامی از بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۴۲ مصادف با ۲۵ فروردین ۱۴۰۰ با موضوع قرآن و علوم

تأمل و تفکر در آیات قرآن کریم هر انسان منصفی را به این نتیجه رهنمون می‌شود «که هزاران برجستگی در قرآن وجود دارد» که بخش زیادی از آن را «عقل ما و فهم ما قادر به درکش نیست. در میان همه اینها هدایت قرآنی شأن بالایی دارد؛» به نحوی که «خود قرآن مجید هم با مسئله هدایت آغاز می‌شود؛ به تعبیر مرحوم علامه طباطبائی رحمه الله سوره حمد از اول تا آخر ادب سخن گفتن با خدا را به ما تعلیم می‌دهد.» و انسان را برای گفتگو با خدا تربیت می‌کند. تربیت و هدایت قرآنی عام است و «مخصوص یک گروه خاصی نیست؛ مخاطب قرآن، همه بشریت است،» از طرفی دیگر هدایت قرآنی تمام ساحت‌های زندگی بشر را در بر می‌گیرد «و مربوط به همه گستره عظیم زندگی بشر است؛ یعنی این جور نیست که قرآن در یک بخشی انسان را هدایت کند و در یک بخش دیگری از موارد مورد نیاز بشر و زندگی بشر، انسان را مهمل بگذارد و بی‌اعتنا عبور کند؛ نه، قرآن مشرف به همه گوشه و کناره‌های صحنه زندگی و میدان حضور بشر است؛ از عروج معنوی انسان و کمال معنوی انسان بگیرد - که بالاترین خواسته بشر است تا مسئله جوامع بشری و اداره جوامع انسانی و بشری و اقامه عدل و رفتارهای مدیریتی برای اداره جوامع انسانی، تا خانواده، و تربیت فرزند و امثال اینها،» که دانش بشری از پاسخگویی به نیازهای انسان در این بخش ناتوان مانده‌اند «تا مسئله آرامش و سکون روحی، سکینه و آرامش روانی انسان که یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است، و فرونشاندن تلاطم‌های درونی‌ای که انسان در حوادث زندگی با آنها مواجه می‌شود» و

روان شناسی صرفاً تجربی نتوانسته است به این مسائل نیز پاسخی جامع و کامل بدهد. قرآن کریم در حوزه علوم طبیعی نیز با «توصیه به علم و شناخت و کشف حقایق طبیعت، به تبیین بایسته‌های مطالعه در آفرینش و طبیعت پرداخته و معارف شگرفی برای جهت دهی به اهداف، مبانی و حتی روش‌های این علوم در اختیار بشر قرار داده است. «و چقدر غافلند کسانی که خیال می‌کنند قرآن به مسائل زندگی، به مسائل سیاست، به مسائل اقتصاد، به مسائل حکومت کار ندارد؛ نه، بخش عمده قرآن راجع به همین مسائل اجتماعی زندگی است.» به نحوی که هرگاه «ما از قرآن نسبت به حادثه‌ای استنتاج کنیم و از قرآن هدایت بطلبیم، قرآن کریم پاسخ مناسب و کافی را در اختیار ما خواهد گذاشت.»

«آن کسانی که قرآن را و اسلام را به مسائل شخصی و مسائل عبادی و مانند اینها منحصر می‌کنند و انسان‌ها را به گوشه‌نشینی» دعوت می‌کنند که «وقتی وارد جامعه بشوند دیگر باید قرآن را کنار بگذارند، قرآن را بلد نیستند؛ انصافاً با قرآن آشنا نیستند، قرآن را نشناخته‌اند؛ باید گفت قرآن را نخوانده‌اند؛ لذا است که این جور اشتباه و خطا حرف می‌زنند و قضاوت می‌کنند؛ حقیقتاً با قرآن آشنا نیستند. قرآن خودش را از چالش‌های سیاسی و اجتماعی به هیچ وجه کنار نمی‌کشد و از مقابله با طاغوتها، با مستکبرها، با مُسْرِفها، با ستمگران اجتناب نمی‌کند؛ همیشه در مقابل اینها ایستاده است، و اگر شما اهل قرآن هستید، قهراً میدان زندگی شما، میدان حضور قرآن است. پس قرآن متکفل هدایت و دستگیری آحاد بشر در همه بخش‌ها است؛ در این تردیدی نیست.»

آنچه در متن فوق مذکور آمد، الهامی از تنها یکی از سخنرانی‌های عالمانه مقام معظم رهبری است که در جای جای آن بر نقش قرآن کریم در ساحت‌های مختلف زندگی تأکید دارد. این نقش در دانش‌های انسانی بسیار پررنگ‌تر و تعالی بخش است.

وظیفه حوزه و دانشگاه است که منویات مقام معظم رهبری علیه السلام در گام دوم که نقشه راه انقلاب در ادامه مسیر است، را مبتنی بر قرآن و روایات تبیین، اجرایی و عملیاتی کنند.

مدیر کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

سید عیسی مسترحمی

۱۴۰۰/۹/۴

علوم اجتماعی

بررسی جایگاه عنصر «پیروان» در سعادت امت‌های ثابت‌قدم از منظر قرآن کریم

مهدی شامحمدی بنی (نویسنده مسئول)؛^۱

غلامرضا خوش‌نیت؛^۲

زینب واعظی^۳

چکیده

انقلاب اسلامی ایران با بن‌مایه ایمانی خود، با رهبری مردانی الهی و با ایستادگی مردمی متمسک به قرآن، چلّه اول عمر خود را پشت سر نهاده است و اکنون گام بلند و سرنوشت‌ساز دیگری را در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی در پیش روی خود دارد. قرآن کریم علل و عناصر دخیل در پیروزی و سعادت امت‌های ثابت‌قدم را به شکلی جامع بیان کرده است. در این میان «پیروان» انبیاء و ادیان، به عنوان عنصری که هدف از ارسال رسل و انزال کتب، سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها بوده است، جایگاهی بس مهم دارند. لذا بررسی و احصاء ویژگی‌های پیروان امت‌های پیروز - که امروز مصداق بارز آن مردم ایران هستند - و

۱. مدرس گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی رحمته‌الله، قم
mahdi1433@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی رحمته‌الله، قم
r_khoshneyat@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق z.vaezi@gmail.com

کاربست آن‌ها، یکی از ضروری‌ترین و پراهمیت‌ترین مسائل پیش روی مردم ما در حرکت تمدن‌ساز گام دوم انقلاب اسلامی است. هدف این پژوهش پاسخ به این سوال است که قرآن چه ویژگی‌هایی برای پیروان امت‌های سعادت‌مند برشمرده است؟ در پاسخ به این سوال با روش کیفی توصیفی - تحلیلی، آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته و تعداد هشت ویژگی برای پیروان امت‌های پیروز احصاء گردیده است. این ویژگی‌ها عبارتند از: ایمان و توکل، ولایت‌مداری، خودباوری، استقامت، وحدت، شهادت‌طلبی و امید.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، گام دوم، مردم ایران، سعادت امت‌ها، جامعه‌شناسی

مقدمه

امت‌ها و ملت‌ها در طول تاریخ بشر به تناسب سطح معرفتی خود، دنبال پیروزی، مانایی و سعادت خویش بوده‌اند. اما هر امتی معنای حقیقی و بایسته‌های سعادت را درک نمی‌کند و هر امتی به کمال سعادت واقعی نائل نمی‌گردد. قرآن کریم علل و عناصر دخیل در پیروزی و سعادت امت‌ها را به شکلی جامع بیان کرده است. عناصری همچون: الله، تنها منبع بی‌پایان قدرت در عالم؛ انبیاء و اوصیاء آن‌ها، به عنوان عنصر رهبری و امامت جامعه؛ دین، به عنوان عنصر قانون زندگی و سعادت؛ و پیروان، عنصر امت‌ساز و سرنوشت‌ساز.

در این میان پیروان انبیاء و اوصیای آن‌ها جایگی خطیر و والا دارند. چراکه پایه و اساس شکلگیری جامعه مؤمنان بر انتخاب و خواست مردم در پذیرش دین الهی و نبوت انبیاء و وصایت جانشینان آنها استوار است و استنکاف آنها در این امر، اساساً اجازه تشکیل جامعه ایمانی را نمی‌دهد. از طرف دیگر ثبات و ماندگاری جامعه مؤمنان و رشد و تعالی آن نیز جز با خواست و انتخاب مردم امکان پذیر نیست. چراکه این مردم هستند که اگر در راه حق ایمان و توکل به خداوند را در خود نهادینه کنند، از رهبر خود حمایت و پیروی کنند، در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات امیوار باشند و در برابر دشمنان و مستکبران، قدرت خود را باور داشته، وحدت نمایند و استقامت ورزند و جان و مال خود را در این راه فدا کنند، چنین مردمی جامعه ایمانی خود را به سعادت و کمال دنیوی و اخروی می‌رسانند. اما ضعف و فقدان چنین اموری در مردم، ادامه راه پیروزی و مجد را بسیار سخت یا ناممکن می‌کند. لذا باید بدانیم که پیروان امت‌های سعادت‌مند و پیروز در طول تاریخ چگونه زیسته‌اند و چه ویژگی‌هایی داشته‌اند. در این مسیر منبعی موثق تر از قرآن کریم وجود ندارد.

ملت ایران امتی است ایمانی که در برابر مستکبران قیامی دینی نموده است و در چله اول عمر خود در راه نظام‌سازی و جامعه‌سازی دینی قدم‌های بلندی برداشته است اما راه طولانی در پیش رو دارد که چالش‌ها و فراز و نشیب‌های بی‌حدی خواهد داشت. لازمه طی چنین راهی جز با داشتن صفات و ویژگی‌های مردمی حقیقتاً ایمانی که قرآن آنها را توصیف

نموده است امکان ندارد.

در پژوهش پیش رو به پیشگاه قرآن رفته و با روش کیفی توصیفی - تحلیلی آیات متناظر بر موضوع را جمع‌آوری و تحلیل نموده و برخی از مهمترین ویژگی‌های امتهای سعادت‌مند را احصاء کرده ایم. ابتدا معنای «سعادت» به عنوان کلیدی ترین واژه پژوهش بررسی گردیده است، آنگاه هشت ویژگی مهم پیروان امتهای سعادت‌مند را بر اساس آیات قرآن کریم بررسی نموده ایم.

۱. مفهوم شناسی

سعادت

ابن فارس «سعد» را اصلی می‌داند که دلالت بر نیکویی و سرور می‌کند برخلاف نحس، پس سعد به معنای نیکویی در امور است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۷۵). ابن منظور نیز سعد را علاوه بر نیکویی به معنای مساعدت و معاونت دانسته و شقاوت را مخالف سعادت و نحس و نقیض سعد و نیکویی دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۱۲). اصحاب لغت فارسی سعادت را خوشبختی؛ نیک‌بختی؛ خوشبخت شدن؛ نیک‌بخت شدن؛ و سعادت‌مند را نیک‌بخت؛ خوشبخت؛ بختیار بیان کرده‌اند. در دیگر کتب لغوی همچون اساس البلاغه الزمخشری، و صحاح اللغة الجوهری، و مصباح المنیر الفیومی، و «العین» الفراهیدی نیز معنا و مفهومی مشابه مشاهده می‌شود. با توجه به دو معنای نیکویی و معاونت می‌توان گفت عرب کلمه سعید را بر کسی اطلاق می‌کرده که علل و اسباب به کمک و معاونت او آمده باشد؛ لذا متناسب است با توفیق الهی، چنان که در معجم الوسیط و کلیات ابی‌البقاء و مفردات راغب آمده است: السعادة معاونة الله للانسان على نيل الخيرو تضاده الشقاوة.

ولی مهم‌تر از آن به دست آوردن معنای اصطلاحی است، زیرا این معنا در نظر هر گروهی متفاوت است، چرا که هر گروهی سعادت را در چیزی و شقاوت را نیز در چیزی دیگر می‌داند،

لذا می‌توان گفت که سعادت و شقاوت براساس جهان‌بینی‌ها مختلف می‌شوند، اما به طور اجمال می‌توان گفت که اعمال سعادت‌مندانه عبارت است از اعمالی که انسان را به کمال مطلوب برساند، کمالی که استعدادش را خدای متعال در نهاد انسان قرار داده است و چون انسان از راه اعمال خاصی که با اراده‌اش انجام می‌دهد، به سعادت می‌رسد، می‌توان گفت که این معنا با معنای لغوی سعادت که به معنای یاری و مساعدت است، متناسب است. بنابراین، سعادت‌مند کسی است که به کمال مطلوب خود رسیده باشد، از این‌رو، سعادت انسان عبارت است از کمال واقعی او، لذا کمال حقیقی برای انسان همان هدف واقعی است که او به منظور رسیدن به آن آفریده شده و آن وصول انسان به خیر مطلق است و چنان‌که فلاسفه گفته‌اند: خیر مطلق، مقصود و غایت همه موجودات عالم است.

در طول تاریخ درباره اصطلاح سعادت تحلیل‌های متفاوتی ارائه شده است که برخاسته از جهان‌بینی‌های متفاوت و ناشی از بینش و نحوه نگرش افراد به هستی و انسان است. انسان‌هایی که از بینش کمتری برخوردارند و طالب و تابع لذتند، سعادت را به گفته ارسطو نوعی لذت و کامجویی می‌پندارند و آنها که دارای بینش عمیق هستند، معنایی فراتر از لذت را مورد نظر دارند که در نظر حکیمان به معنای نظریه پردازی و اندیشیدن درباره حقایق هستی است. اما به رغم همه تفاوت‌هایی که در تحلیل و تفسیر سعادت وجود دارد همه فیلسوفان و اندیشمندان در این نکته اتفاق دارند که سعادت، مطلوب‌نهایی و کمال واقعی انسان است و اینکه همه انسان‌ها طالب سعادت بوده و به سوی آنچه سعادت می‌پندارند در حرکتند.

۲. پیشینه

مطابق بررسی صورت پذیرفته، مشخصاً در خصوص موضوع پژوهش پیش رو کتاب یا مقاله‌ای به رشته تحریر درنیامده است. عمده منابع قابل استفاده در این موضوع کتب و مقالاتی است که در زمینه قصص قرآنی و سرگذشت اقوام در قرآن نوشته شده است. آثاری همچون کتب قصه‌های قرآنی از مهدی حاج‌محمدحسینی، برگزیده تاریخ انبیاء و قصص قرآنی از علی ذوالفقاری، سرگذشت گذشتگان، عبرت برای آیندگان از نظر قرآن از رضا

حیدری، سرگذشت پیامبران بر اساس آیه‌های قرآن از مجید علیرضا جذبی، و مقالات سرگذشت قوم حضرت هود علیه السلام و قوم عاد در قرآن کریم با توجه به عبرت‌های تاریخی مهناز مهدی زاده، بازکاوی راهبرد استقامت در مقابله با دشمنان از حبیب زمانی محبوب و دیدگاه قرآن کریم درباره عوامل پیشرفت و انحطاط امت‌ها نویسنده: مصطفی گوهری فخرآباد، سمانه گوهری فخرآباد.

لذا لازم می‌نماید برای رسیدن به نتیجه مطلوب، آیات قرآن کریم درباره ویژگی‌های پیروان صدیق انبیاء که صحنه‌های پیروزی آن‌ها را رقم زده است، به طور مستقیم مورد بررسی قرار گیرد.

۳. ویژگی‌های پیروان امت‌های ثابت قدم

۱.۳. ایمان و توکل

ارتباط با خدا و ایمان حقیقی به او، ریشه و اساس همه سعادت‌ها و شقاوت‌های فردی و اجتماعی است. هرآنچه موفقیت برای فرد و اجتماع به دست می‌آید، در پرتو صلاح و سلامت ارتباط انسان‌ها با خالقشان است. و هرآنچه شقاوت و بدبختی گریبانگیر فرد و جامعه می‌گردد، همه به خاطر ضعف و فساد همین نوع ارتباط است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که میانه خود و خدا را اصلاح کند خداوند میانه او و مردم را اصلاح خواهد کرد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۵۷۸).

مطابق آیات قرآن کریم (بقره: ۶۲، ۱۱۲، ۱۷۷، ۲۸۵؛ لقمان: ۲۲. احقاف: ۱۳؛ فصلت: ۳۰؛ مائده: ۶۹. محمد: ۲. حدید: ۲۱-۱۹) می‌توان متعلق‌های ایمان را در توحید، نبوت و معاد که به عنوان اصول عقاید اسلام شناخته می‌شوند خلاصه نمود. ایمان به کتب دراصل نبوت منظور می‌گردد. اساسی‌ترین این سه ایمان، ایمان به الله خواهد بود که در صورت جامع و کامل بودن در فرد، ایمان به معاد و نبوت را نیز تأمین خواهد کرد.

ایمان والاترین سرمایه انسان است. قرآن کریم می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا

شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک‌رهایی می‌بخشد؟ به خدا ایمان بیاورید» (صف: ۱۱ - ۱۰). قرآن در این آیه از ایمان به خدا به عنوان تجارت و سرمایه یاد کرده است. اما به دست آوردن و حفظ کردن این سرمایه عظیم کار ساده‌ای نیست و گاه باید تا سرحدّ جان مشقتها و مشکلات را تحمل نمود.

یکی از عوامل سعادت امت ابراهیم علیه السلام ایمان به خدا بود. عاملی که باعث می‌شد آنان در سختیها از خود پایداری و استقامت نشان دهند. هنگامی که ابراهیم در روزهای داغ و شب‌های سرد و تاریک هاجر و اسماعیل را در بیابان و در برابر درندگان رها کرد، هاجر گفت: «چه کسی به تو دستور داده که ما را در سرزمینی بگذاری که نه گیاهی در آن وجود دارد و نه حیوان شیردهنده و نه حتی یک قطره آب، آن هم بدون زاد و توشه و مونس؟ ابراهیم گفت: پروردگارم به من چنین دستور داده است. هاجر گفت: اکنون که چنین است خداوند هرگز ما را به حال خود رها نخواهد کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۳). در جریان ذبح، اسماعیل به پدرش گفت: «هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت» (صافات: ۱۰۲) او برای اینکه پدر را در انجام این مأموریت کمک کرده و ازرنج و اندوه مادر بکاهد، گفت که پدر جان ریسمان را محکم ببندد، کارد را تیزکن و با سرعت بر گلویم بگذران تا تحملش بر من (وبرتو) آسانتر باشد. پدر، پیراهن را از تنم بیرون کن که به خون آلوده نشود، چرا که می‌ترسم مادرم چون آن را ببیند عنان صبر از کفش بیرون رود (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۲؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۱۳).

در امت موسی ع علاوه بر ساحران، همسر حزقیل و آسیه همسر فرعون، نمونه‌هایی از کسانی هستند که ایمان به خدا از آنها انسان‌هایی بااستقامت ساخته بود. در میان سپاه بنی اسرائیل نیز تنها کسانی توانستند به موفقیت‌نهایی نائل آیند که در سایه ایمان به خدا تا آخرین مرحله استقامت کردند گفتند که به اذن خداوند سپاه اندک بر لشکر عظیم دشمن پیروز می‌شود (بقره: ۲۴۹). آنان با ایمان به خداوند برای پیمودن ادامه مسیر به خداوند متوسل شده و از او خواستند که استقامتشان افزون و گام‌هایشان استوار گردد و در نهایت بر

دشمن پیروز گردند (همان: ۲۵۰). بنابراین بنی اسرائیل توانستند با ابزار ایمان به خدا خیل عظیم دشمن را درهم شکسته و نابود سازند (همان: ۲۵۱).

مهمترین عامل پایداری و استقامت رسول خدا ﷺ و یارانش ایمان و اطمینان قلبی آنها به خدا بود (بقره: ۲۸۵؛ فصلت: ۳۰). پیامبر اسلام در آغاز رسالت یاران اندکی داشت. مشرکان همین تعداد اندک را شکنجه می کردند، اما آنها با قاطعیت و شهادت وصف ناپذیر در مقابل دشمنان ایستادند و دچار سستی نشدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۸؛ آیتی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۷؛ ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۱۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴۳). مشرکان سه سال اصحاب پیامبر را در سخت ترین شرایط در شعب ابی طالب محاصره کردند (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۵۰؛ یعقوبی، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۳۸۹؛ حلبی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۴، طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۰ - ۲۰۸)؛ جنگ های زیادی را بر آنان تحمیل نمودند، اما یاران پیامبر به او عشق می ورزیدند و برای شهادت در راه آرمان های اسلام پیشگام می شدند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۵)، حتی جوانان حبله عروسی را رها کرده و به میدان نبرد می آمدند (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۷۹). این تحول نبود مگر در پرتو ایمان به خدا.

در جنگ بدر تعداد نیروهای سپاه اسلام یک سوم نیروهای دشمن بود. خداوند سبحان با نزول آیاتی، تعداد کم نیروی انسانی مسلمانان را در برابر انبوه دشمن کم اهمیت قلمداد کرد، به شرطی که آنها از ایمان برخوردار بوده و استقامت و پایداری ورزند. (بقره: ۲۴۹) چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند! و خداوند، با صابران و استقامت کنندگان است.»

مقام معظم رهبری ﷺ در بیانیه گام دوم، مایه های ایمان مردم ایران را بسی ریشه دار و عمیق می داند و مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور را، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی دانسته و ایمان را عامل تاب آوری ملت در برابر همه سختیهای چله اول انقلاب می داند: آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به

جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد... دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأیید شده امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد.

توکل به خداوند متعال از ارزش‌هایی است که قرآن کریم مسلمانان را بارها بدان توصیه می‌کند (آل عمران: ۱۲۲ و ۱۶؛ توبه: ۵۱). حقیقت توکل این است که انسان تلاشگر، کار خود را به خدا بسپارد و حل مشکلات خود را تنها از او بخواهد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۶۵)؛ رسول خدا ﷺ وقتی از جبرئیل درباره حقیقت توکل سوال فرمود، عرض کرد: حقیقت توکل علم و آگاهی به این است که مخلوق نمی‌تواند زیانی برساند و نه سودی، و نه چیزی ببخشد، و نه از او باز دارد، و (دیگر) به کار بستن یاس از خلق است (یعنی همه چیز را از سوی خدا و به اذن و فرمان او بداند). سپس فرمود: هنگامی که بنده خدا چنین باشد، جز برای خدا عملی انجام نمی‌دهد و امید و ترسی جز به خدا ندارد، و به هیچ کس جز خدا دل نمی‌بندد، این است حقیقت توکل» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۱۳۸).

انسان باید ایمان و یقین پیدا کند که قدرت خداوند بر همه چیز و همه کس احاطه دارد و انسان که مخلوق خداست، تحت حکومت و قدرت او خواهد بود. هر چه ایمان و معرفت مؤمن به خداوند بیشتر و خالص‌تر باشد، اتصال و درجه اتکا و توکلش نیز قویتر خواهد شد. هر وقت مؤمن و مسلمانی قلب خود را با رابطه‌های اتکا و توکل به دریای قدرت و عظمت الهی متصل نماید، اراده و روحیه‌اش چنان قدرتمند می‌گردد که مغلوب هیچ عاملی نمی‌شود. چنین فردی، هرگز یأس و نومیدی را به خود راه نمی‌دهد، در برابر مشکلات احساس ضعف و ناتوانی نمی‌کند و در برابر حوادث سخت، مقاومت می‌کند و همین فرهنگ و عقیده، چنان به او قدرت می‌بخشد که می‌تواند بر مشکلات پیروز شود.

خداوند متعال صبر و استقامت را از صفات متقین و متوکلین دانسته (آل عمران: ۱۵ -

۱۷؛ نحل: ۱۶؛ ابراهیم: ۱۲) و در قرآن تصریح فرموده که مؤمنان را به سبب ایمان و توکلشان در زندگی دنیا استوار و ثابت قدم می‌سازد (احقاف: ۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۷۲). کسانی که اعتماد و توکلشان به خداوند است، از کسی جز او نمی‌هراسند؛ به همین سبب در برابر ستمگران و مخالفان حق می‌ایستند و هرگز حیات معنوی خود را فدای حیات مادی نمی‌کنند (عبدالحمیدی، ۱۳۹۱، ص ۷۷).

در روایات معصومین نیز به این موضوع اشاره شده است. امام باقر علیه السلام فرموده است: کسی که بر خدا توکل کند مغلوب نمی‌شود و کسی که به دامن لطفش چنگ زند، شکست نمی‌خورد» (ریشه‌ری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۶۸۱). حضرت علی علیه السلام توکل را رمز قوت قلب دانسته است: ریشه اساسی داشتن قلب قوی، توکل به خدا می‌باشد» (همان، ج ۱، ص ۳۱۸). و در جای دیگر می‌فرماید: کسی که به خدا توکل نماید سختیها برای او هموار و اسباب و ابزار لازم برای او آسان می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۵).

همراهی مسلمانان و سه سال مقاومت شگفت‌آور آنان در شرایط بسیار تلخ، هراس‌انگیز و توأم با گرسنگی و فشارهای روانی، با عنایت به ایمان قلبی آنان امری غریب و محال نبود؛ زیرا ایمان سرچشمه توانایی، پایداری، دلیری، توکل و اعتماد به نفس است و بزرگترین عامل پیروزی بر مشکلات محسوب می‌شود (آل عمران: ۱۳۹).

مقام معظم رهبری علیه السلام در تحلیل استقامت مسلمانان در شعب ابی‌طالب می‌فرماید: «همان ایستادگی اول بعثت، منجر می‌شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی‌طالب... عمود مستحکم این خیمه، آن دل «متوکل علی الله» است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می‌آورد که آحاد صبر می‌کنند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم).

ایمان ریشه و اساس سایر عوامل موفقیت امت‌های استقامت‌کننده محسوب می‌گردد؛ چرا که ایمان است که توکل می‌آورد، در بین مردم وحدت ایجاد می‌کند، مردم را پیرو رهبر می‌گرداند و در نهایت روح استقامت و پایداری در بین امت می‌دمد.

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم در توصیه دوم خود، توکل که یکی از ارزشهای معنوی و اخلاقی برمی‌شمارند که جهت‌دهنده همه حرکاتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است که بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

۲.۳. ولایت‌مداری

یکی دیگر از ویژگی‌های پیروان امت‌های ثابت‌قدم که عاملی مهم در سعادت آن‌ها به شمار می‌آید، ولایت‌مداری آن‌ها در برابر انبیاء است. پیروان ابراهیم با تأسی به پیشوای خود و الگو قرار دادن وی توانستند در برابر مشکلات و حکومت‌های ظالم ایستادگی نمایند. ایشان در پرتو پیروی از دستورهای ابراهیم و شکیبایی در راه خدا توانستند به موفقیت‌های بزرگی برسند و این پیروی محض از ابراهیم علیه السلام بود که آنان را به بهترین و شایسته‌ترین افراد در نزد وی تبدیل کرده بود (آل عمران: ۶۸).

یکی از ویژگی‌های پیروان سعادت‌مند موسی - در برخی مقاطع - را می‌توان اطاعت آن‌ها از دستور رهبرشان برشمرد. چراکه تنها کسانی توانستند تا پایان مسیر استقامت کنند که تمامی ذهن خود را معطوف دستورات فرمانده خود کرده بودند. به عنوان مثال سپاهیان طالوت به هنگام حرکت با بیانی عجیب از جانب فرمانده‌شان مواجه شدند و آن عدم نوشیدن آب بود. طالوت در بیان خود صراحتاً آورده بود که هر کس آب بنوشد از من نخواهد بود. تعداد بسیاری از فرمان صریح فرمانده خود سرباز زدند و در این امتحان الهی مردود شدند (بقره: ۲۴۹) و تنها کسانی به موفقیت دست یافتند که تا پایان راه در مسیر رهبرشان باقی ماندند.

نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام نیز نشان می‌دهد مسلمانان تا زمانی که در مسیر اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله استقامت بیشتری از خود نشان دادند پیروز شدند و هر زمان این اصل مهم کمرنگ شد به شکست آنها انجامید. در جریان شعب‌ابی طالب استقامت و پایداری مسلمانان تحت اطاعت از اوامر رسول الله صلی الله علیه و آله، منجر به پیروزی مسلمانان و شکست

محاصره اقتصادی دشمن گردید اما، در جنگ احد به خاطر نافرمانی از دستور رسول اکرم ﷺ شکست تلخی بر مسلمانان وارد شد.

۳.۳. خودباوری

یقیناً امروزه یکی از اساسی‌ترین ضربه‌هایی که از جانب سیاست‌های استکبار متوجه کشورهای به استضعاف کشیده شده و به ویژه مسلمانان می‌باشد، پدیده «خودباختگی» است و متأسفانه به جای آنکه روشنفکران این کشورها بنا به جایگاه اجتماعی و به تناسب عنوانی که بر خود نهاده‌اند، پرچمداران مبارزه با این پدیده بنیان‌سوز و بنیاد برانداز باشند، خود در پیشاپیش سرسپردگان قرار گرفته و بیش از یکصد سال است که بر طبل خودباختگی و خودفروشی می‌کوبند.

مقام معظم رهبری ﷺ در بیانیه گام دوم انقلاب، درباره حس خودباوری ملت ایران و اعتقاد به شعار «ما می‌توانیم» می‌فرماید: انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی وقاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

ایشان در جای دیگری از بیانیه گام دوم، اعتماد به نفس ملی و خودباوری را عامل غلبه بر همه سختی‌ها و استواری در راه و پیشرفتهای بزرگ دانسته و می‌فرمایند: به رغم همه این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و

انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید.

از کارآمدترین حربه‌های ممالک سلطه‌گر، مسخ شخصیت و بی‌هویت نمودن ملل تحت سلطه است؛ زیرا کسی که هویت و جایگاه خود را نشناسد و دچار بحران هویت شود، استقامت و پایداری را از دست می‌دهد و برای ادامه حیات حیوانی خود نیازمند قدرتی خواهد شد تا به آن متکی شود و این از سیاست‌های استکباری فرعون است که برای تداوم سلطه فرعونی خود و استثمار مستضعفان به کار می‌گرفت: پس قوم خود را سبک مغز شمرد (و آنان را تحقیر کرد) و اطاعتش کردند چرا که آن‌ها مردمی منحرف بودند. (زخرف: ۵۴)

بدون شک جباران مستکبر، برای تحکیم پایه‌های سیاست جابرانه خود، قبل از هر چیز قربانیان خویش را به استضعاف فکری و فرهنگی می‌کشاند، و به تحقیر و توهین و تخریب بنیادهای فرهنگی، ملی، مدنی و سوابق افتخارآمیز آنان می‌پردازند، تا بتوانند به زندگی انگلی خود، ادامه دهند: فرعون در سرزمین (مصر) به سرکشی روی آورد و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت... (قصص: ۴)

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های یاران سعادتمند طالوت را در مبارزه با مستکبر زمان، یعنی جالوت، خودباوری آنها می‌داند که ریشه در ایمان آنها داشت: و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: "امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیان نیست." «کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: "بسا گروهی اندک که برگروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است. (بقره: ۲۴۹)

و قرآن خطاب به یاران پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: در راه حق سستی نکنید و خود را نبازید، شما بر همه دشمنان برتری دارید به شرط آنکه ایمان داشته باشید: و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید. (آل عمران: ۱۳۹)

۴.۳. استقامت

استقامت، از ریشه «قَوَمَ»، به معنای طلب قیام از هرچیز است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۱، ص ۷۷ - ۸۱). راغب اصفهانی می‌نویسد: «استقامت درباره‌ی راهی گفته می‌شود که بر روی خط هموار می‌باشد و راه حق به آن تشبیه شده است... و استقامت انسان، یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم» (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۹۲) به گفته‌ی طریحی، استقامت انسان، یعنی ملازم بودن او با راه حق (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۵۱۸، ۱۵۳۲).

استقامت آدمی در یک کار، یعنی اینکه از نفس خود بخواهد که درباره‌ی آن امر قیام نماید و آن را تا اصلاح کند، به طوری که دیگر فساد و نقص نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۴۷). مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «استقامت یعنی ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن، متوقف نشده، این رمز کار است، باید پیش برویم» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۸۷> (بنابراین امت با استقامت،

از یک سو، به هدف می‌رسد و، از سوی دیگر، آن اهداف و ثمرات را حفظ می‌کند.

ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص مقاومت و استادگی ملت ایران بر سر آرمانها و شعارهای خود در چله اول انقلاب می‌فرمایند: از میان همه ملت‌های زیرستم، کمترملت‌ی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده.

ایشان در جایی دیگر از بیانیه می‌فرمایند: نماد پُراپهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی

در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

قرآن، پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، که بهترین بندگان خدایند، اهل استقامت معرفی می‌کند (نساء: ۶۹) و هرکس پیرو خدا و رسولش باشد، از استقامت کنندگان به‌شمار می‌آید (نساء: ۶۸ - ۶۹). امام علی استقامت و پایداری را شرط سلامت ایمنی می‌شمارد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۱۱۷، ۸۴۹۷، ۸۰۴۱، ۱۰۵۵۶، ۶۱۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۲۱۳) و می‌فرماید: هرکس استقامت کند، ره به بهشت برد و هر که بلغزد، به دوزخ در افتد (شریف رضی، ص ۲۲۹). پیامبر نیز به استقامت کنندگان وعده رستگاری داده است (متقی هندی، بی تا ۵۴۷۹).

استقامت در هر امری موجب ثبات و بقاء آن است. از این رو، با استقامت دین ثبات می‌یابد و اگر استقامت در دین نباشد، موجب هلاکت و نابودی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۳۰۳). کسانی که دارای استقامت در دین می‌شوند، هیچ قدرتی نمی‌تواند در آنها تزلزل ایجاد کند (احقاف: ۱۴؛ فصلت: ۳۰).

ظلم و ستم جامعه نوح فشار روحی و روانی بسیاری را بر یاران نوح وارد می‌کرد. استقامت در برابر فشارهای داخل جامعه از یک سو و ایستادگی در برابر آزمایشات سنگین الهی از سوی دیگر، صف مؤمنان حقیقی را از دشمنان جدا ساخت. هنگامی که نوح علیه السلام از خداوند

برای قوم خود درخواست عذاب آسمانی نمود، خداوند جبرئیل را با هفت هسته خرما نزد وی فرستاد و دستور داد که هسته‌ها را بکارد و فرمود زمانی که هسته‌ها به درخت تبدیل شده و میوه دادند فرج و خلاص نصیب تو گردد و این را به پیروان مؤمن خود مژده بده. درخت‌ها روئید و میوه‌های آنها به ثمر رسید اما خدا هفت مرتبه دیگر این دستور را به نوح می‌دهد. در این بین تعداد بسیاری از یاران نوح از ایمان خود بازگشتند تا آنکه اطراف او هفتاد و چند نفر باقی ماند. سپس خدای تبارک و تعالی به او وحی کرد که ای نوح اکنون به دستور و نظارت ما کشتی را بساز (همان). گروهی به مساعدت او برخاستند، اما بیشتر مردم او را مسخره می‌کردند سپس خداوند باران تندی فرستاد. فرات طغیان کرد و همه چشمه‌ها جوشیدن گرفت و همگی غرق شدند و تنها نوح و همراهان او در کشتی نجات یافتند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۲۸۱).

ابراهیم علیه السلام و یارانش برای دستیابی به موفقیت‌های پیش رو سختی‌های فراوانی را متحمل شدند که از آن میان می‌توان به هجرت آنان از بابل به سمت مصر اشاره کرد. وقتی نمرود، ابراهیم علیه السلام را از شهر بیرون راند (همان، ص ۱۱۵)، ابراهیم علیه السلام و پیروانش (از جمله لوط، ساره و...)، با یکدیگر تصمیم گرفتند که به مصر هجرت کنند (همان، ص ۱۰۰). ترک سرزمین پدری و مشقت‌های راه و سکونت در کشوری غریب نیازمند پایداری فراوان است. خداوند نیز در مقابل به آن مردم ستم‌دیده و رنج‌کشیده لطف کرد و اراده نمود تا به واسطه ابراهیم خلیل (نساء: ۱۲۵) که با امتی برابری می‌کرد (نحل: ۱۲۰)، آنها را از چنگال جهل و نادانی و پرستش بت و طاغوت و ظلم ستمگران نمرودی رهایی بخشد.

۵.۳. وحدت

وحدت و همبستگی جوهره قوام و پایداری است که در سایه آن توان استقامت مسلمانان در برابر دشمنان چندین برابر می‌شود و در مقابل، تفرقه و تشتت جز ذلت و پراکندگی و به هدر رفتن نیروهای فکری و سرمایه‌های انسانی امت اسلامی ثمری نخواهد داشت. چنان که در جریان جنگ احد، اختلاف و نزاع در بین مسلمانان، مقاومت آنها را

درهم شکست و نتیجه تلخی را برای مسلمانان رقم زد (آل عمران: ۱۵۲). از این رو، پیامبر اکرم ﷺ با ایجاد وحدت و جلوگیری از افتراق، صفوف مسلمین را به بنیان مرصوص تبدیل کرد و از ثمرات شیرین اتحاد و همدلی، به نفع اسلام و تحکیم مبانی سیاسی و اجتماعی و دفاعی امت اسلام بهره گرفت (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۰؛ ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۹۰؛ احمدی، ۱۴۳۸، ج ۱، ص ۲۴۱ - ۲۶۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۲۲۴؛ طبرسی، ۱۳۹۹، ص ۶۹؛ یعقوبی، ۱۳۴۷، ج ۲، ص ۴۳). از مهم ترین برنامه‌های پیامبر در این مسیر، عقد اخوت میان مسلمانان بود.

خداوند متعال با یادآوری ضرورت همبستگی و همدلی و لزوم مقابله با اختلافات قومی و دینی، همه مسلمانان را به حفظ اتحاد توصیه می‌کند و می‌فرماید: و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست و بددل می‌شوید، و قدرت و شوکتان از میان می‌رود. و شکیبایی ورزید که خدا با شکیبایان است. (انفال: ۴۸)

اتحاد و همبستگی یکی از ضرورت‌های مهم اجتماعی و سیاسی مسلمانان در جهت ایستادگی و پویایی و هویت امت اسلامی و از مهم‌ترین عوامل عزت و پیروزی آنها در صحنه‌هاست. امام علی علیه السلام در اشاره به این واقعیت می‌فرماید: «امت‌های پیشین مادامی که با هم اتحاد و وحدت داشتند، در حال پیشرفت و شکوفایی بودند، و به عزت و اقتدار دست یافتند، خلافت و وراثت در زمین را به دست آوردند و رهبر و زمامدار جهان شدند» (شریف رضی، ۱۵۷). قرآن به مسلمانان چنین می‌فرماید: و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله رحمت) چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید». (آل عمران: ۱۰۳)

مقام معظم رهبری ﷺ در این باره می‌فرماید: اتحاد ملّی را حفظ کنید. کشور ما احتیاج به اتحاد دارد؛ اتحاد ملّت ایران. ملّت ایران در خیلی از امور صدایشان صدای واحد است، خواستشان خواست واحد است، [اما] مسئولان میتوانند این را از بین ببرند. مسئولین کشور

مراقب باشند که این اتحاد را زیاد کنند. (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۹۸۸>

ایشان وحدت ملی را یکی از عناصر قدرت می‌دانند که دشمن درصدد نابودی آن است: از قدرت اسلامی و قدرت انقلابی می‌ترسند لذا سعی می‌کنند عناصر قدرت را مخدوش کنند و از بین ببرند. عناصر قدرت ما چیست؟ استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است. (بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی)

۳.۶. شهادت‌طلبی

درس شهادت و درس چگونه شهید شدن در مکتب مکتب قرآن آمده است. آیات فراوانی در قرآن کریم به مسئله شهادت اشاره نموده است: از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند (احزاب: ۲۳). بگو: «آیا برای ما جز یکی از این دونیکی را انتظار می‌برید؟ درحالی‌که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند. پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم (توبه: ۵۲). هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (آل عمران: ۱۶۹). و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نخوانید، بلکه زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌دانید (بقره: ۱۵۴). و هرکس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد (نساء: ۷۴). در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این

معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است (توبه: ۱۱۱).

جامعه‌ای در راه رسیدن به آرمان‌های خود موفق‌تر است که علاوه بر تجهیزات و امکانات مادی، مردمانش نیز دارای روحیه بردباری و تحمل سختی‌ها باشند و در راه رسیدن به اهداف از جان خود نیز بگذرند و کشته‌شدن در راه حفظ آرمان‌ها را یک ارزش بدانند. از این رو، می‌توان گفت چنین جامعه‌ای شکست‌ناپذیر است و به خوبی می‌تواند در مقابل دشمن به پیروزی برسد و آن را شکست دهد. با بررسی تاریخ زمان شعیب درمی‌یابیم که یکی از عوامل موفقیت در آنها وجود این روحیه در میانشان بود که در بین آنان می‌توان به افرادی چون ابن صالح، حسان بن سنان، حارث بن شعیب غسانی اشاره کرد. شعیب بن صالح، که از طرف حضرت شعیب علیه السلام به عنوان نماینده به سمت قوم فرستاده شده بود تا دین خدا را تبلیغ کند، ابتدا او را زدند، سپس او را در میان چاه انداخته و چاه را پر خاک کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۳۸۳). حسان بن سنان أوزاعی، که از سوی ایشان برای دعوت مردم به یکتاپرستی رفته بود، را تکذیب کرده و در اطاقی میان چاه زندانی کردند (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص: ۳۸۲). حرث بن شعیب غسانی، را تکذیب کرده و کشتند (همان). اما سرانجام استقامت شعیب علیه السلام و یارانش به ثمر نشست و باعث موفقیت و نجات آنان از عذاب الهی گردید: و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم و آنها را که ستم کردند، صیحه (آسمانی) فروگرفت و در دیار خود، به روافتانند (و مردند) (هود: ۹۴).

روحیه ایثار و شهادت طلبی از عوامل پیروزی آفرین و از امتیازهای سپاه اسلام در برابر جبهه کفر می‌باشد. مسلمانان صدر اسلام با تکیه بر این عامل همواره پیروزی‌های بزرگی را برای جبهه حق به ارمغان می‌آوردند؛ چرا که در این سوی جبهه مجاهدانی بودند که کشته شدن در میدان جنگ را حیات و افتخار دانسته و در آن سوی جبهه مهاجمانی که از مرگ گریزان و آن را هلاکت و بیهوده می‌دیدند. نتیجه چنین نگرشی برای جبهه حق، ارتقاء انگیزه و اشتیاق، تقویت روحیه استقامت و پایداری و برای جبهه باطل بی‌ رغبتی، بی‌انگیزگی، سستی و عدم

ایستادگی بود. نمونه و مصادیق فراوانی از این روحیه در میان مجاهدان عصر رسول خدا ﷺ وجود دارد: دفاع جدی از جان رسول خدا ﷺ در روز بدر با به خطر انداختن جان خود (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۹) و نیز در جنگ احد به هنگام مجروح شدن پیامبر ﷺ، گریه و ناراحتی تعدادی از کسانی که به لحاظ سلاح و مال توانایی حضور در غزه تبوک را نیافتند و به بگائین معروف شدند (همان، ص ۷۰)، شور و اشتیاق صحابه برای حمایت مالی و پشتیبانی از جنگجویان و نیز علاقه آنان برای خروج از مدینه برای مقابله با دشمن در نبرد احد، ناراحتی و نگرانی کسانی که به لحاظ کمی سن اجازه حضور در جنگ احد و بدر را نیافتند (همان، ص ۱۶)، حضور حنظله غسیل الملائکه در نبرد بدر که تنها یک شب از ازدواجش می‌گذشت (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۷۹)، اختلاف پدر و فرزند برای شرکت در بدر، که هریک دوست داشتند به جای دیگری به نبرد اعزام شوند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۵)؛ جنگیدن عمرو بن جموح که معلول بود (همان، ص ۲۶۵) و نیز فرزند او یعنی معاذ بن عمرو که در جنگ بدر به هنگام نبرد با ابوجهل در حالی که یکی از دستانش تقریباً قطع شده و تنها به پوست آویخته بود می‌جنگید و وقتی احساس کرد این دست مانعی برای جنگیدن اوست پای بر آن گذاشته و آن را کند و کناری افکند و جنگید تا شهید شد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۹۷۳)، و... نشان از ایثار، شوق و رغبت به جهاد و شهادت در راه خدا دارد.

مقام معظم رهبری ﷺ در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی ﷺ، وحدت و انسجام داخلی، تلاش برای حل مشکلات مردم و تقویت ارزش‌های انقلاب، از جمله روحیه شهادت‌طلبی و فداکاری را عوامل اصلی ایستادگی و رفع تهدیدها برمی‌شمارند: خرمشهر با سلاح و تجهیزات پیشرفته نظامی فتح نشد، بلکه توکل بر خدا، شجاعت، شهادت‌طلبی و فداکاری رزمندگان و مردم ایران، موجب آزادسازی خرمشهر گردید و امروز نیز تنها راه مقابله با تهدیدها تقویت این عوامل پایداری است. (بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی ﷺ، مندرج در:

۷.۳. امید

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم اولین توصیه خود به ملت ایران را امید و نگاه خوش‌بینانه بیان می‌کنند: اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفلها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین وریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

امید به عنوان یک عامل معنوی افزایش روحیه، در همه زمینه‌ها می‌تواند انسان را در برابر سختی‌ها مقاوم و استوار سازد و سختی‌ها و ناملایمات را در برابرش آسان گرداند. در مقابل، یأس و ناامیدی آفت استقامت و پایداری است؛ به گونه‌ای که انگیزه حرکت و تلاش را از انسان سلب می‌کند. انسان اگر از پیروزی و موفقیت در برابر دشمن ناامید گردد، ترس و دلهره

بر او مستولی و قدرت مقاومت را از دست خواهد داد. امید، نیروی استقامت و پایداری را تقویت می‌کند و دودلی را از میان بر می‌دارد، ولی نومی‌دی، ضعف و دودلی را بر انسان چیره می‌کند. به وسیله استقامت، می‌توان امیدوار بود و به وسیله امید، می‌توان پایداری کرد و استقامت نمود. کسی که از رسیدن به مقصود نومید شود و دارای استقامت نباشد، همه مشکلات در نظرش غیر قابل حل می‌آید و موانع را غیر قابل تسخیر و شکست‌ناپذیر می‌شمارد، ولی کسی که دارای استقامت باشد، عدد مشکلات در نظرش بسیار کم و هر یک را به آسانی قابل حل می‌داند و موانع را بسیار کوچک و نابود شدنی می‌انگارد. پس نتیجه نومی‌دی، سستی و مرگ است و نتیجه امید، استقامت است و حیات.

بهترین مرجع امید انسان‌ها خداوند متعال است. اوست که یاری‌بخش استقامت‌کنندگان است و این را به مؤمنان وعده داده است. ازاین رو، استقامت و پایداری در راه حق نیازمند نصرت و یادآوری وعده‌های الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۴۲)؛ چراکه آنچه را خداوند سبحان وعده کرده، هم حق است و هم به صورت قطعی محقق می‌شود و خداوند این مفهوم را چندین بار در قرآن به صراحت ذکر کرده است (روم: ۶۰؛ غافر: ۵۵، ۷۷). خداوند متعال پس از بیان مبارزات انبیاء بزرگ و کارشکنی مشرکان و مخالفان، از سنت الهی موفقیت‌نهایی اصل حق بر اهل باطل خبر می‌دهد تا مؤمنان مظلوم، در هر زمان و مکان، به وعده‌های الهی دلگرم و امیدوار باشند و گرد و غبار یأس و نومی‌دی را از دل و جان بشویند و برای ادامه مبارزه با لشکر باطل آماده و مقاوم گردند و بدانند که شکست کفار و موفقیت مؤمنان حتمی است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۳۴۶).

حضرت امام خمینی رحمته‌الله می‌فرماید: به شما می‌گویم که از هیچ کس نترسید الا خدا، و به هیچ کس امید نبندید الا خدای تبارک و تعالی، و اگر امید خودتان را به خدای تبارک و تعالی تمام کنید، من به شما اطمینان می‌دهم که آسیبی این مملکت نبیند (موسوی، ج ۱۳، ص ۱۴۹). دیگر از ویژگی‌های پیروان انبیاء الهی که آن‌ها را در مسیر حق که برگزیده بودند استوار می‌گردانید، امیدواری و خوش‌بینی بود. امید به وعده‌های الهی و خوش‌بین به آینده روشن

در دنیا و آخرت. این عامل نقش بسزایی در پیروزی نوح و یارانش داشت به طوری که پیمودن ادامه مسیر را آسانتر و گامهای آنان را استوارتر کرد. آزار و اذیت کفار مردم را به ستوه آورده بود و ادامه زندگی را برای آنان دشوار کرده بود، کار تا جایی برای یاران نوح سخت شده بود که مردم به وی پناهنده و متوسل شده و از او درخواست می‌کردند که برای آنان دعا کند. بنابراین نوح علیه السلام دست به دعا بلند کرد و درخواست عذاب الهی نمود اما بنا به مصلحت الهی وعده عذاب چندین بار به تأخیر افتاد که در هر مرحله چندین نفر دست از یاری نوح علیه السلام کشیده و به زمره کفار ملحق می‌شدند. اما نوح علیه السلام با صبر و حوصله فراوان آنان را نصیحت کرده و وعده الهی را به آنان گوشزد می‌نمود اما آنان با کمال گستاخی می‌گفتند: «ای نوح با ما جرّ و بحث کردی و بسیار بر حرف خود پافشاری نمودی (بس است!) اکنون اگر راست می‌گویی آنچه را از عذاب الهی به ما وعده می‌دهی بیاور.» از سوی خدا به نوح علیه السلام وحی شد: «جز آنانکه (تاکنون) ایمان آورده‌اند، دیگر هیچکس از قوم تو، ایمان نخواهد آورد، بنابراین از کارهایی که بت پرستان انجام می‌دهند غمگین مباش» (هود: ۳۳ و ۳۶). در این هنگام بود که خداوند دستور ساختن کشتی را به حضرت نوح علیه السلام داد. (هود: ۳۷). حضرت نوح علیه السلام و یارانش به هنگام ساختن کشتی نیز همواره مورد تمسخر و آزار و اذیت کفار قرار می‌گرفتند. آنها با انواع سرزنش و تمسخر، نوح علیه السلام و یارانش را می‌آزردند ولی نوح علیه السلام به آنها می‌فرمود: «روزی خواهد آمد که ما نیز شما را مسخره می‌کنیم و به زودی خواهید دانست که عذاب خوارکننده‌ای بر شما نازل خواهد شد» (همان، ۳۹ - ۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۲۳). در نهایت عذاب الهی آمد و تنها کسانی نجات یافتند که وعده الهی را جدی گرفته و استقامت ورزیدند.

خداوند متعال فراوان به پیامبر اسلام و امتش نتایج موفقیت حتمی متقین را در سایه صبر و استقامت وعده می‌داد (زمر: ۱۰) و این مسأله را با تبیین داستان‌های واقعی از زندگی گذشتگان روشن می‌ساخت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۶۲). این وعده‌ها در صدر اسلام به مسلمانان و به‌ویژه کسانی که تازه به رسول خدا و آئین او ایمان آورده بودند، روح

تازه‌ای از امید می‌دمید و آنان را در رویارویی با مشکلات صبور و مقاوم می‌ساخت و بر پایداری آنان می‌افزود (انفال: ۶۵).

خانواده یاسر، که به پیشنهاد پسرشان، عمار، اسلام آوردند، از سوی ابوجهل و عده‌ای دیگر از مشرکان، مورد شکنجه قرار گرفتند. آخرین سخن سمیه این بود که: «ما راه خود را یافته‌ایم و به محمد ایمان آورده و رهبری او را پذیرفته‌ایم و هرگز از ایمان و هدفمان دست بر نمی‌داریم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۲۴۱). پیامبر اکرم ﷺ با دیدن استقامت خانواده یاسر از آنان دلجویی کرد و با مهربانی به آنها فرمود: ای آل یاسر! صبر و مقاومت کنید که وعده‌گاه شما بهشت است» (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۶۱).

از دیگر امتیازهای مهم جبهه حق وعده نصرت الهی با امدادهای غیبی بود. روشن است که اتکاء به چنین پشتوانه‌ای نیرومند تا چه اندازه موجب دلگرمی پیامبر ﷺ و پیروانش می‌گردید و آنان را به پایداری و استقامت برای رسیدن به هدف مصمم می‌ساخت؛ زیرا خداوند در قرآن کریم تحقق وعده نصرت الهی را مشروط به صبر و استقامت مؤمنان نموده است.

در جریان جنگ بدر خداوند به مسلمانان وعده داد که در صورت استقامت، موفقیت و نصرت الهی شامل آنها خواهد بود: (نفال: ۶۵) ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند. هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است بنابراین، هر گاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند و اگر یک هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است!"

نتیجه‌گیری

ملت ایران بعد از یک دوره چهل ساله و برداشتن گام‌های بلند در حفظ انقلاب و نظام خود، اکنون گام دوم خویش را شروع نموده است. چله اول چراغ راه گام دوم است و باید از آن چله برای طی این گام درس گرفت. باید نقاط قوت و ضعف را شناخت و در تقویت و برطرف نمودن آنها تمرکز نمود. در این میان مردم ایران به عنوان پیروان راستین اسلام و پیامبر اسلام و جانشینان ایشان، جایگاهی بس والا و خطیر دارند. باید بدانند که برای پیمودن مسیر پر مشقت آینده چه خصایص و ویژگی‌هایی داشته باشند. قرآن به بهترین شکل ممکن این توصیف را برای پیروان امت‌های گذشته و امت صدر اسلام ارائه داده است. قرآن، پیروان امت‌های سعادت‌مند را دارای ایمانی راسخ به حق و همراه با توکلی راستین به خدا میدانند. آنها را تسلیم امر پیامبر و ولیشان می‌داند. آنها را مردمی می‌داند که به واسطه ایمان و توکلشان قدرتهای خود را باور دارند، در راه حق حول محور ولی خود متحد می‌گردند و در مسیر سختی‌ها به کمک هم می‌شتابند و نیروهای خود را هم‌افزایی می‌کنند و به پیروزی و آینده روشن خود امید حقیقی دارند و در راه اعتلای حق و جامعه خود جان خود را تقدیم می‌کنند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمہ فولادوند، محمد مہدی، تہران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نہج البلاغہ، ترجمہ سید علی نقی فیض الاسلام، بی چا، تہران: موسسہ انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن اثیر، اسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابۃ، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.
۵. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، دارالکتب العلمیۃ، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغہ، تحقیق عبدالسلام محمد ہارون، قم، الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البدایۃ والنہایۃ، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابن ہشام، السیرۃ النبویۃ، دارالفکر، بیروت، ۱۳۷۱ ق.
۱۰. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، قم، موسسہ دارالحديث، ۱۴۳۸ ق.
۱۱. آیتی، محمد ابراہیم، تاریخ پیامبر اسلام، تجدید نظر و اضافات از ابوالقاسم گرگی، انتشارات دانشگاه تہران، ۱۳۶۱ ش.
۱۲. بیانیہ گام دوم انقلاب اسلامی.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، ترجمہ آقا جمال خوانساری، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. حلبی، علی بن برہان الدین، السیرۃ الحلبيۃ، المكتبة الاسلامیہ، بیروت، بی تا.
۱۵. خمینی، روح اللہ، صحیفہ امام، موسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تہران، ۱۳۷۸ ش.
۱۶. راغب اصفہانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ترجمہ جہانگیر ولدبیگی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمہ محمد باقر موسوی، قم، جامعہ مدرسین، ۱۴۱۷ ق.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. طبرسی، محمد بن حسن، اعلام الوری، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
۲۰. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷ ق.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. عبدالمحمدی، حسین، تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت، قم، موسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی، ۱۳۹۱ ق.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. قمی، عباس، منتهی الامال، تحقیق صادق حسن زاده، مؤمنین، قم، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، تحقیق عبدالله نعمه، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۲۷. متقی هندی، حسام الدین، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری، موسسه الرساله، بیروت. بی تا.
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. محمدی اشتهااردی، محمد، قصه‌های قرآن، مؤسسه انتشارات نبوی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۳۰. محمدی ریشه‌ری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۵ ش.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، تحقیق محمد حسین اسکندری، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۱ ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، تهران، ۱۳۴۷ ش.

۳۵. بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۸۸>

۳۶. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۹۸۸>

۳۷. بیانات در دیدار کارگزاران نظام مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۹۶>

۳۸. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی رحمته الله علیه مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۸۲۱>

۳۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=۳۵۸۰&nt=۲&year=۱۳۸۷&tid=۱۸۰۹>

۴۰. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۸۷۱>

۴۱. بیانات در دیدار دست اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۹۸۸>

۴۲. بیانات در همایش ده ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۹۸۸>

ساخت و طراحی مدل جامع تبیین بعثت پیامبر اکرم ﷺ از منظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه

دکتر محمد علی زکی^۱

چکیده

بعثت پیامبر اکرم ﷺ اساس و کانون دین اسلام بوده و همچنین مهم‌ترین فراز از تاریخ اسلام است که به عنوان حادثه‌ای بس بزرگ و عظیم نقش مهم و تأثیرگذاری در سرنوشت انسان‌ها و خصوصاً شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران داشته است. بی‌شک بعثت پیامبر اکرم ﷺ خاستگاه اساسی و بنیادین انقلاب اسلامی ایران بوده و لازمه تداوم انقلاب بر اساس بیانیه گام دوم، شناخت و تبیین جامع انقلاب نبوی خواهد بود. از آنجاکه علی بن ابیطالب علیه السلام از عالیت‌ترین کمالات برخوردار بوده و با عنایت به اینکه معرفت و شناخت امیرالمؤمنین به آن پیشوای الهی در حد اعلا بوده است، این سؤال مطرح می‌شود که بعثت پیامبر اکرم ﷺ از منظر علی علیه السلام چگونه ترسیم شده است؟ چگونه می‌توان از تبیین بعثت پیامبر اکرم ﷺ در راستای بیانیه گام دوم بهره برد؟ براین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر «شناخت بعثت پیامبر اکرم ﷺ از زبان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه» خواهد بود. نوع پژوهش بر اساس «استفاده از منابع موجود» و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شد. بررسی و مطالعه

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه امام حسین علیه السلام Mazaki42@yahoo.com

دقیق هشت منبع و فهرس موضوعی نهج البلاغه درمجموع تعداد ۳۸ موردنهایی، استخراج و شناسایی گردید. پژوهش دریافته که موضوع بعثت پیامبر اکرم ﷺ ۳۸ مرتبه (و ۹۱ فراز) در نهج البلاغه شمارش گردیده است. مطالب ۳۸ موردنهایی در قالب ۶۶ موضوع اصلی و ۳۴۳ موضوع فرعی فیش برداری، فهرست و استخراج شده اند. پدیده بعثت از نظر جامعه‌شناسی انقلاب، از آغازتابه سرانجام سه مرحله شرایط قبل از بعثت، فرآیند وقوع بعثت و ثمرات بعثت را طی می‌کند و براین اساس مدل جامع پیشنهادی پژوهش حاضر طراحی گردیده است. نتایج نهایی پژوهش درباره مدل جامع بیانگران بوده که موضوع بعثت نبوی در نهج البلاغه قابل تفکیک و دسته بندی در چهاربخش اصلی شامل فلسفه و چیستی بعثت (۱۱ بار و ۴۲ ویژگی)، خصائص پیامبر در حوزه بعثت (۲۳ مرتبه و ۱۲۱ خصوصیت)، شرایط قبل از بعثت (۱۷ بار و ۱۰۸ وضعیت) و آثار و ثمرات بعثت (۱۵ مرتبه و ۱۷۲ اثر) بوده است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، بعثت پیامبر اکرم ﷺ، تحلیل

محتوا

مقدمه

مبعث اسم زمان از ریشه بعث است، وبعث در لغت برانگیختن و روانه کردن چیزی است. بعثت در فرهنگ اسلامی عموماً به معنای برانگیختن و برگزیدن پیامبران از سوی خداوند برای هدایت مردم است که آغاز رسالت هر پیامبر است. بعثت پیامبر اسلام ﷺ حادثه‌ای بس بزرگ در سرنوشت، هدایت بشری بوده و عظمت این امرعاملی بود که خداوند متعال به عنوان مقدمه این امر بزرگ، تربیت و پرورش آن حضرت رابه عهده داشته و ایشان را برای آینده دشواری که درپیش روداشتند، آماده سازد.

بعثت پیامبر ﷺ یابرانگیخته شدن آن حضرت به مقام رسالت، مهم‌ترین فراز از تاریخ اسلام است که به عنوان حادثه‌ای بس بزرگ و عظیم نقش مهم و تأثیرگذاری در سرنوشت انسان‌ها در طول تاریخ و همچنین شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در دوران معاصر داشته است. بعثت پیامبر ﷺ منشایزرگ‌ترین تحولات فکری، عقیدتی جوامع بشری و خصوصاً ظهور و بروز انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود؛ بی‌شک بعثت پیامبر اکرم ﷺ خاستگاه اساسی و بنیادین انقلاب اسلامی ایران بوده و لازمه تداوم انقلاب بر اساس بیانیه گام دوم، شناخت و تبیین جامع انقلاب نبوی خواهد بود. فضای حاکم بر بیانیه گام دوم، همزمان آن با چهل‌مین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی ایران است. برجسته بودنش به خاطر اهمیت تداوم بزرگ‌ترین انقلاب قرن با وجود دشمنان سرسخت دنیا بوده است:

نکته اول: تکریم و تعظیم ملت ایران

نکته دوم: توصیف انقلاب اسلامی به عنوان یک نهضت بزرگ دینی

نکته سوم: گسترش شعارهای انقلاب اسلامی

نکته چهارم: انقلابی ماندن (نظریه نظام انقلابی یا به تعبیری نظریه انقلاب دائم)

نکته پنجم: ایجاد تمدن نوین اسلامی به منزله هدف غایی انقلاب اسلامی

نکته ششم: تأکید بر بدیع و نوآورانه واصل بودن انقلاب اسلامی

نکته هفتم: بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل

نکته هشتم: اعتقاد به اصل «ما می توانیم» باتکیه بر مدیریت جهادی

نکته نهم: تأکید بر دستاوردهای انقلاب اسلامی

نکته دهم: باور عمیق به انقلاب و انقلابی گری به مثابه مشی و منش

نکته یازدهم: کارنامه درخشان ۴۰ ساله انقلاب اسلامی (داخلی و خارجی)

نکته دوازدهم: امید و نگاه خوش بینانه به آینده

بنابر گفتار امام علی (ع) که آگاه ترین شخص به احوال رسول خدا (ص) است، از همان زمان که پیام (ص) از شیر گرفته شد، خداوند، بزرگ ترین فرشته اش را با وی قرین ساخت تا همواره او را به زیباترین خلق و خوی هدایت کند، چنان که خود حضرت می فرماید: «کنت نبیاً و آدم بین الروح والجسد» «من نبی بودم در حالی که هنوز روح به کالبد آدم دمیده نشده بود».

حضرت علی (ع) در مواقع مختلف از جمله در دوران خلوت گزینی های پیامبر (ص) همراه حضرت بود، این سخن امام علی (ع) در نهج البلاغه نیز به طور خاصی بیان می دارد که ایشان در لحظه نزول اولین وحی، در کنار پیامبر حضور داشته اند. البته مطالعات تاریخی بیانگر آن است که تنها شخصی که در آن لحظات پیامبر را همراهی نموده، امام علی (ع) بود و احدی جز ایشان، ادعای همراهی رسول اکرم در آن لحظات را ننموده است. همراه اولین نزول وحی و در لحظه بعثت، حوادثی بزرگ اتفاق افتاد که از آن جمله می توان به شنیده شدن صدای ناله ای اشاره کرد. حضرت علی (ع) در این باره می گوید:

«صدای ناله شیطان را در هنگام نزول اولین وحی به آن حضرت شنیدم. عرضه داشتم: "یا رسول الله این ناله چیست؟" فرمود: "این شیطان است که از اطاعت شدن مأیوس و ناامید شده و چنین به ناله درآمده است." سپس رسول اکرم (ص) اضافه فرمود: "تومی شنوی آنچه رامن می شنوم و می بینی آنچه راکه من می بینم؟" این که تو مقام نبوت نداری و فقط وزیر و کمک کار من هستی و از راه خیر جدا نمی شوی»

بعثت به برگزیده شدن حضرت محمد (ص) به پیامبری و آغاز رسالت او اشاره دارد که بنابر مشهور، در ۲۷ رجب سال چهل و یکم الفیل روی داده است. از این رو در فرهنگ شیعی

۲۷ رجب، به عنوان «عید مبعث» گرامی داشته می‌شود. روزی که در آن پیامبر ﷺ به نبوت برگزیده شد به مبعث شناخته می‌شود.

بعثت پیامبر سرآغاز دین اسلام و مقدمه بر چیدن شدن بت پرستی از حجاز بود. بعثت به معنای برگزیدن فردی به پیامبری از سوی خدا و آغاز دوره نبوتش است. هر چند بعثت درباره برگزیدن همه پیامبران به نبوت کاربرد دارد اما از آن برگزیدن حضرت محمد به پیامبری متبادر می‌شود. از این رو در فرهنگ اسلامی، روز مبعث به روزی گفته می‌شود که حضرت محمد ﷺ به رسالت مبعوث شده است. بعثت در لغت به معنای برانگیختن است. همچنین به معنای ارسال و روانه کردن نیز آمده است. بعثت در قرآن کریم، به معنای برانگیختن و فرستادن پیامبران برای هدایت مردم (بقره/۲۱۳، نحل/۳۶، اسراء/۱۷) و نیز حشر مردگان به کار رفته است (یس/۵۲، بقره/۵۶، حج/۷)

از آنجاکه علی بن ابیطالب ﷺ از همه استعداد های بزرگ و معرفت های بنیادین انسان و جهان و عالیتین کمالات برخوردار بوده است و نظریه اینکه آن حضرت دارای شخصیت فوق تصویری است که بوسیله آن توانسته است از هرگونه علائق نژادی و عاطفی و احساسات خام و خودمحوری و گرفتار شدن در میان حلقه های زنجیر تاریخ و جاذبه های مقام پرستی خود را رها و آزاد سازد، و با عنایت به چگونگی رابطه ای که از دوران طفولیت بار رسول خدا ﷺ داشته است و در یک کلام معرفت و شناخت امیرالمؤمنین به آن پیشوای الهی در حد اعلا بوده است، این سؤال مطرح می شود که شخصیت پیامبر اکرم ﷺ به طور عام و بعثت نبوی به طور خاص از منظر امام علی ﷺ چگونه ترسیم شده و دیدگاه امام علی ﷺ در معرفی ابعاد شخصیت آسمانی رسول خدا ﷺ به طور عام و بعثت نبوی به طور خاص چیست؟ (نمودار شماره ۱)

شناخت بعثت پیامبر اسلام ﷺ در نهج البلاغه

سیمای محمد ﷺ و شناخت سیره نبوی در نهج البلاغه

نمودار شماره ۱) اهمیت موضوع تحقیق: سیمای بعثت پیامبر اسلام ﷺ بر اساس نهج البلاغه

پدیده انقلاب از نظر جامعه شناسی انقلاب، از آغاز تا به سرانجام سه مرحله را طی می کند. اولین مرحله، شکل گیری شرایط انقلابی در جامعه است، یعنی دگرگونی هایی که در جامعه رخ می دهد و آن را از وضعیتی عادی به وضعیت انقلابی می رساند. در وضعیت انقلابی احتمال وقوع جنبش انقلابی وجود دارد، یعنی ممکن است عواملی دست به دست هم بدهند و سبب وقوع انقلابی شوند. مرحله دوم، با وقوع جنبش انقلابی آغاز می شود که ممکن است در شرایط خاصی موفق به سرنگون کردن رژیم حاکم شده و انقلابیون را به قدرت برساند. بررسی فرآیند جنبش انقلابی و عوامل موثر در قوت و ضعف آن از بخش های مهم جامعه شناسی انقلاب است. سومین مرحله پس از به قدرت رسیدن انقلابیون شروع می شود، که در آن انقلابیون سعی در ساختن دولت و جامعه آرمانی خود می کنند تا به تدریج جامعه به سوی عادی شدن مجدد حرکت کند و انقلاب به پایان برسد. بحث نظریه های مربوط به پیامدهای انقلاب، که از جدیدترین بخش های مطالعات انقلاب است، معطوف به این مرحله و عوامل اثرگذار در کم و کیف دستاوردهای انقلاب است (پناهی، ۱۳۸۹: ۲۴).

بعثت پیامبر اسلام ﷺ به منزله واقعی و حقیقی انقلابی الهی و اسلامی محسوب شده و بر این اساس سعی مقاله حاضر تبیین چگونگی آن، بر اساس سه مرحله پیشین (شرایط قبل از بعثت، مرحله وقوع و شکل گیری بعثت و همچنین آثار و ثمرات بعثت) از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه خواهد بود.

سوالات اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. شناخت ابعاد گوناگون بعثت پیامبر اسلام ﷺ از زبان امام علی (ع) در نهج البلاغه چگونه

است؟

۲. امام علی (ع) در نهج البلاغه چگونه بعثت پیامبر اسلام ﷺ را توصیف، معرفی و ترسیم

نموده است؟

۳. بر اساس جمع بندی تصویر ارائه شده چگونه می توان مدلی جامع طراحی نمود؟

سوالات فرعی پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. چه بخشی از نهج البلاغه اختصاص به موضوع شناخت بعثت پیامبر اسلام ﷺ داشته

است؟

۲. تعداد عناوین مورد بررسی به تفکیک ساختار نهج البلاغه (خطب، نامه ها و حکمت

ها) چگونه است؟

۳. تعداد عناوین مورد بررسی در زمینه شناخت بعثت پیامبر اسلام ﷺ به چه مباحثی

پرداخته اند؟

۴. چگونه می توان موضوعات اصلی مطرح شده در عناوین مورد بررسی در خصوص

شناخت بعثت پیامبر اسلام ﷺ را دسته بندی و فهرست نویسی کرد؟

۵. بر اساس دسته بندی مورد نظر، موضوعات اصلی در خصوص شناخت بعثت

پیامبر اسلام ﷺ در نهج البلاغه چگونه اولویت بندی می شوند؟ رتبه گذاری آنها چگونه است؟

کدامین موضوعات اصلی از فراوانی بیشتری برخوردارند؟ چگونه می توان موضوعات اصلی

را رتبه بندی نمود؟

۶. عناصر اساسی مدل جامع پیشنهادی شناخت بعثت پیامبر اسلام ﷺ در نهج البلاغه

کدامند؟

۱. سابقه و پیشینه تحقیق

جرج جرداق نهج البلاغه پژوه مسیحی در کتاب ارزشمند «شگفتی های نهج البلاغه»

(۱۳۵۶، ۳۴) به بررسی کاربردی و جامع یازده موضوع خاص، از جمله علی و خدا، علی

و پیامبران، علی و محمد ﷺ، علی و امامت، علی و قرآن، علی و دنیا، علی و آخرت، علی

و عدالت، علی و حکومت، علی و اخلاق، و علی و علی پرداخته است.

کتاب «بہج الصباغہ فی شرح نہج البلاغہ» نوشته علامہ محمد تقی شوشتری (۱۳۷۶،

ج ۲، ص ۱۲۱ تا ۵۱۲)، یکی از شرح های مهم نهج البلاغه است که در چهارده مجلد نسبتاً

قطوراتتشار یافته، نقطه عطفی در شرح نویسی نهج البلاغه ایجاد کرده است. این شرح به مثابه «نخستین شرح موضوعی نهج البلاغه» تلقی می شود که مرحوم علامه شوشتری در ۶ فصل تنظیم کرده است. هریک از این فصل ها در موضوع خاصی است و در مجموع، ۹۳۳ عنوان را دارا می باشد. فصل ششم کتاب مذکور (جلد دوم) در خصوص «نبوت خاصه در نهج البلاغه» (شامل ۵۲ عنوان و ۲۹ صفحه) گزارش شده است

کتاب "مصادر الدراسه عن نهج البلاغه" نوشته "حیدرالکاظم الحیدری" بوده که توسط آستان مقدس علوی (نجف - عراق) در سال ۲۰۱۱ میلادی در ۱۴۷ صفحه منتشر شده و به معرفی کتابشناختی ۵۹۳ مدرک علمی پرداخته است. بررسی تحقیق محمد علی زکی (۱۳۹۸، ص ۴) در خصوص معرفی و نقد کتاب مذکور بیانگر آن بوده که تعداد ۵۹۳ اثر علمی معرفی شده در حوزه نهج البلاغه قابل تفکیک در "پنج موضوع اصلی و ۵۶ موضوع فرعی" بوده اند که چهار اثر علمی معرفی شده در زمینه «محمد ﷺ در نهج البلاغه» شمارش شده است.

تولیدات علمی در خصوص موضوع تحقیق حاضر در دو بخش مقالات مجلات و همچنین حوزه نشر کتاب به تفکیک ذیل قابل ارائه می باشند:

الف) مقالات مجلات علمی

۱. سیمای پیامبر اسلام ﷺ در آینه نهج البلاغه (جواد حسینی، ۱۳۸۳)
۲. سیمای پیامبر اعظم ﷺ در نهج البلاغه (مرتضی رحیمی، ۱۳۸۵)
۳. شخصیت پیامبر اعظم ﷺ از منظر نهج البلاغه (عبدالمجید زهادت، ۱۳۸۵)
۴. زمینه های تاریخی و جامعه شناختی بعثت (علی اکبر نوایی، ۱۳۸۶)
۵. اهداف و دستاوردهای بعثت پیامبران ﷺ در قرآن و نهج البلاغه (تهمینه پارسایی، ۱۳۹۰)
۶. تحلیل اهداف بعثت پیامبر اسلام در روایات (مهدی مهریزی، ملیحه نقوی مقدم، ۱۳۹۱)
۷. قرابت قرآن و نهج البلاغه در بیان اوصاف پیامبر اکرم ﷺ (شهین قهرمان ایزدی

و منصور پهلوان، ۱۳۹۳)

ب) کتابهای منتشره

۱. سیمای محمد ﷺ در نهج البلاغه (شکرالله جهان مهین، ۱۳۵۹)
۲. پیامبر اعظم ﷺ در نهج البلاغه (قادر فاضلی، ۱۳۸۸)
۳. سیمای پیامبر اعظم درآینه نهج البلاغه (محمدتقی مصباح یزدی، ۱۳۹۰)
۴. سیمای پیامبر اکرم ﷺ در نهج البلاغه (عبدالمجید زاهدت، ۱۳۹۲)
۵. سیره الرسول الاعظم ﷺ فی نهج البلاغه (السیدهاشم میلانی، ۲۰۱۲ میلادی)
۶. صوره النبی ﷺ فی نهج البلاغه (عباس علی حسین فحام، ۱۳۹۳)

بررسی سابقه تحقیق گویای آن است که کتاب سیمای محمد ﷺ در نهج البلاغه نوشته شکرالله جهان مهین، عمدتاً سعی بر آن داشته که نواقص کتاب الدلیل را برطرف نماید. علاوه بر آن جلد دوم اثر ارزشمند بهج الصباغه شرح نهج البلاغه شیخ شوشتری به مثابه تحقیقی جامع درخصوص موضوع تحقیق تلقی شده که اثر شکرالله جهان مهین را نیز کامل تر نموده و چندین مورد از نهج البلاغه را به آن تحقیق افزوده است. کتاب هاشم میلانی نیز سعی نموده به معرفی موضوعی ابعاد گوناگون سیره نبوی در نهج البلاغه پرداخته و نمونه‌ها یی از متن نهج البلاغه بر اساس عنوان کتاب گزارش نموده است. اگرچه اثری ارزشمند در این حوزه شمرده شده ولیکن خواننده به طور مشخص، کامل و جامع نسبت به سیمای ابعاد مختلف بعثت پیامبر ﷺ آشنایی پیدا نمی‌نماید.

تحقیق حاضر اگرچه باتکیه بر اطلاعات ارزشمند اثر علمی شیخ شوشتری بنیان گذاشته شده است ولیکن آن اثر معتبر به معرفی هر کدام از موارد نهج البلاغه به صورت جداگانه پرداخته و شناختی جزیره‌ای و بریده بریده در اختیار خواننده قرار داده است. براین اساس، هدف اصلی مقاله حاضر برطرف نمودن این چالش علمی بوده است. بنابراین پس از معرفی تمامی موارد نهج البلاغه، در پایان سعی بر آن داشته که نگرشی منسجم، منظم و سیستماتیک نسبت به موضوع بعثت پیامبر اسلام ﷺ از زبان امام علی علیه السلام گزارش شود. تاب‌دین وسیله

نگاهی جامع، منسجم و یکپارچه در قالب ارائه مدلی کامل وجدیدنسبت به موضوع تحقیق در اختیار خواننده قرارداد شده و این مهم بیانگر برجستگی، تمایز و تفاوت پژوهش حاضر در مقایسه به سایر تحقیقات انجام شده پیشین می باشد.

۲. چارچوب روش تحقیق

باتوجه به هدف تحقیق، نوع پژوهش بر اساس «استفاده از منابع موجود» (مطالعه کتابخانه‌ای یا اسنادی) و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شد. مراحل تحقیق حاضر به صورت ذیل انجام گرفته است:

الف) مراجعه به منابع و فهرس موضوعی نهج البلاغه در راستای شناسایی اولیه موارد مربوط به موضوع اسلام:

۱. الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه اثر جواد مصطفوی

۲. تصنیف نهج البلاغه اثر لبیب بیضون

۳. الهادی الی موضوعات نهج البلاغه تألیف آیه اله مشکینی

۴. الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، تألیف علی انصاریان

۵. المعجم الموضوعی ل نهج البلاغه اثر اویس کریم محمد

۶. الکتاب المعجم لموضوعات نهج البلاغه اثر سید کاظم ارفع

۷. شرح نهج البلاغه صبحی صالح

ب) استخراج موارد معرفی «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» در نهج البلاغه» بر حسب دو منبع مرجع

نهج البلاغه:

۱. بهج الصباغه شرح نهج البلاغه شیخ شوشتری (جلد دوم) (گزارش ۵۲ مورد)

۲. سیمای محمد صلی الله علیه و آله در نهج البلاغه (شکر الله جهان مهین، ۱۳۵۹) (گزارش ۴۹ مورد)

بر اساس دو منبع مورد بررسی، در مجموع ۵۲ عنوان در بخش «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»

در نهج البلاغه شناسایی گردید که در مرحله ارزیابی و پالایش تعداد ۱۴ مورد خارج از موضوع

«بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» ارزیابی شده و حذف گردیدند و در پایان بررسی تعداد ۳۸ عنوان نهایی

شد.

ج) مطالعه، فیش برداری و فهرست نویسی نهایی و جامع درخصوص معرفی «بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهج البلاغه» بر حسب ۳۸ عنوان نهایی به تفکیک خطب، نامه‌های نهج البلاغه.

د) نگارش نهایی گزارش تحلیل داده‌های تحقیق بر اساس ۳۸ عنوان معرفی «بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهج البلاغه» به ترتیب ساختار نهج البلاغه (خطب، نامه‌های نهج البلاغه) بر اساس ترجمه فارسی فیض الاسلام.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

بخش اول: خطبه‌های نهج البلاغه

۱. خطبه ۱ افراز ۳۸ تا ۴۱:

«إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِإِنْجَازِ عِدَّتِهِ وَاتِّمَامِ نُبُوتِهِ، مَأْخُذًا عَلَى النَّبِيِّينَ مِثَاقَهُ، مَشْهُورَةً سِمَاتُهُ، كَرِيمًا مِيلَادُهُ. وَأَهْلُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ مِلَّةٌ مُتَّفِقَةٌ، وَأَهْوَاءُ مُنْتَشِرَةٌ، وَطَرَائِقُ مُتَشَتَّتَةٌ، بَيْنَ مُشَبِّهِ اللَّهِ بِخَلْقِهِ، أَوْ مُلْحِدٍ فِي اسْمِهِ، أَوْ مُشِيرٍ إِلَى غَيْرِهِ، فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَأَثَقَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ. ثُمَّ اخْتَارَ سُبْحَانَهُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِقَاءَهُ، وَرَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ، وَ أَكْرَمَهُ عَنْ دَارِ الدُّنْيَا، وَرَغِبَ بِهِ عَنْ مَقَامِ الْبَلْوَى، فَقَبَضَهُ إِلَيْهِ كَرِيمًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ خَلَّفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَمِهَا، إِذْ لَمْ يَثْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بِغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ، وَلَا عِلْمٍ قَائِمٍ» «و خداوند سبحان، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را فرستاد تا وعده خود برآورد و دور نبوت به پایان برد. در حالی که از پیامبران برایش پیمان گرفته شده بود. نشانه‌های پیامبری‌اش آشکار شد و روز ولادتش با کرامتی عظیم همراه بود. در این هنگام مردم روی زمین به کیش و آیین پراکنده بودند و هر کس را باور و عقیدتی و آیین و رسمی دیگر بود: پاره‌ای خدا را به آفریدگانش تشبیه می‌کردند. پاره‌ای او را به نام‌هایی منحرف می‌خواندند و جماعتی می‌گفتند که این جهان هستی، آفریده دیگری است. خداوند به

رسالت محمد ﷺ آنان را از گمراهی برهانید و ننگ جهالت از آنان بزدود خداوند سبحان، مرتبت قرب و لقای خود را به محمد ﷺ عطا کرد و برای او آن را پسندید که در نزد خود داشت. پس عزیزش داشت و از این جهان فرودین که قرین بلا و محنت است، روی گردانش نمود و کریمانه جاننش بگرفت. درود خدا بر او و خاندانش باد. محمد ﷺ نیز در میان امت خود چیزهایی به ودیعت نهاد که دیگر پیامبران در میان امت خود به ودیعت نهاده بودند زیرا هیچ پیامبری امت خویش را بعد از خود سرگردان رها نکرده است، بی آنکه راهی روشن پیش پایشان گشوده باشد یا نشانه‌ای صریح و آشکار برای هدایتشان قرار داده باشد

*فلسفه و چیستی بعثت (۵مورد، فراز ۳۸ و ۴۱)

*شرایط قبل از بعثت (۵مورد، فراز ۳۹)

*آثار و ثمرات بعثت (۲مورد، فراز ۳۹)

*خصائص پیامبر در حوزه بعثت (۵مورد، فراز ۴۰)

۲. خطبه ۲ فراز ۵ تا ۱۰:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْدِّينِ الْمَشْهُورِ، وَالْعِلْمِ الْمَأْثُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ، وَالتُّورِ السَّاطِعِ، وَالضِّيَاءِ اللَّامِعِ، وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ، إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ، وَاحْتِجَاجاً بِالْبَيِّنَاتِ، وَتَحْذِيرًا بِالْآيَاتِ، وَتَخْوِيفاً بِالْمَثَلَاتِ، وَالتَّائُسِ فِي فِتْنٍ انْجَدَمَ فِيهَا حَبْلُ الدِّينِ، وَتَرْعَزَتْ سَوَارِي الْيَقِينِ، وَاخْتَلَفَ النَّجْرُ، وَتَشَتَّتَ الْأُمُرُ، وَضَاقَ الْمَخْرَجُ، وَعَمِيَ الْمَصْدَرُ، فَالْهُدَى خَامِلٌ، وَالْعَمَى شَامِلٌ. عُصِيَ الرَّحْمَنُ، وَنُصِرَ الشَّيْطَانُ، وَخُذِلَ الْإِيمَانُ، فَانْهَارَتْ دَعَائِمُهُ، وَتَنَكَّرَتْ مَعَالِمُهُ، وَكَدَرَتْ سُبُلُهُ، وَعَفَتْ شُرُكُهُ. أَطَاعُوا الشَّيْطَانَ فَسَلَكُوا مَسَالِكَهُ، وَوَرَدُوا مَنَاهِلَهُ، بِهِمْ سَارَتْ أَعْلَامُهُ، وَقَامَ لَوَاؤُهُ، فِي فِتْنٍ دَاسَتْهُمْ بِأَخْفَافِهَا، وَوَطَّئَتْهُمْ بِأُطْلَافِهَا، وَقَامَتْ عَلَى سَنَابِكِهَا، فَهَمَّ فِيهَا تَائِهُونَ حَائِرُونَ جَاهِلُونَ مُفْتُونُونَ، فِي خَيْرٍ دَارٍ، وَشَرِّ جِيرَانٍ، نَوْمُهُمْ سُهُودٌ، وَكُحْلُهُمْ دُمُوعٌ، بِأَرْضٍ عَالِمُهَا مُلْجَمٌ، وَجَاهِلُهَا مُكْرَمٌ.» «و شهادت می‌دهم که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده او و پیامبر اوست که او را فرستاد با آیینی چون آفتاب

تابنده، پرآوازه و دانشی برتر و کتابی نوشته شده و فروغی تابان و پرتوی درخشان و فرمانی قاطع تا حق از باطل بازشناساند، و زنگ شبهت از دلها بزدايد. محمد (صلی الله علیه و آله) برای اثبات پیامبری خویش حجتها آورد و مردمان را با آیات کتاب خود بیم داد و با ذکر عقوبتها و کیفرها که بر امتهای پیشین رفته بود، بترسانید. مردمان در فتنه‌هایی گرفتار بودند، که در آن رشته دین گسسته بود و پایه یقین شکست برداشته و می‌لرزید. هرکس به چیزی که خود اصل می‌پنداشت چنگ زده بود. کارها پراکنده و درهم، راه بیرون شدن از آن فتنه‌ها باریک، طریقی هدایت مسدود و کوری و بی‌خبری انسان شایع و همه‌گیر که هدایت را آوازه‌ای نبود. خدا را گناه می‌کردند و شیطان را یار و یاور بودند. ایمان خوار و ذلیل بود، ستونهایش از هم گسیخته و نشانه‌هایش دگرگون و راههایش ویران و جاده‌هایش محو و ناپدید، همگان در راه شیطان گام می‌زدند و از آب‌شخور او می‌نوشتیدند. به یاری این قوم بود که شیطان پرچم پیروزی برافراشت و فتنه‌ها برانگیخت و آنان را در زیر پاهای خود فرو کوفت و پی سپر سمهای خود نمود. آنان، در آن حال، حیرت زده و نادان و فریب خورده بودند و بهترین خانه‌ها را بدترین همسایه. شبها خواب به چشمانشان نمی‌رفت و سرمه دیدگانشان سرشک خونین بود. آنجا سرزمینی بود که بر دانایش چون ستوران لگام می‌زدند و نادانش را بر اورنگ عزت می‌نشانند.

*شهادت به رسالت نبوی (فراز ۵)

*فلسفه و چیستی بعثت (۱۰مورد، فراز ۵)

*شرایط قبل از بعثت (۲۵مورد، فراز ۶ تا ۱۰)

۳. خطبه ۲۶ فراز ۱ تا ۳:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ، وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ، وَأَنْتُمْ مَعْشَرُ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ، وَفِي شَرِّ دَارٍ، مُنِيعُونَ بَيْنَ حِجَارَةِ حُسَيْنٍ، وَحَيَاتِ صُمٍّ، تَشْرَبُونَ الْكَدْرَ، وَتَأْكُلُونَ الْجَشِبَ، وَتَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ، وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنُصُوبَةٌ، وَالْأَنْثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ.» «خداوند، پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ را هشداردهنده

جهانیان مبعوث فرمود، تا امین و پاسدار وحی الهی باشد، آنگاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشته، و در بدترین خانه زندگی می‌کردید، میان غارها، سنگهای خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی، بسر می‌بردید، آبهای آلوده می‌نوشیدید. و غذاهای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید، و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید، بتها میان شما پرستش می‌شد، و مفسد و گناهان، شما را فرا گرفته بود.

*خصائص پیامبر در حوزة بعثت (دومورد، فرازا)

*شرایط قبل از بعثت (۱۱مورد، فرازا تا ۳)

۴. خطبه ۳۳ فرازا و ۲:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا، وَلَا يَدْعِي نُبُوَّةً، فَسَاقِ النَّاسَ حَتَّى يَبُوءَهُمْ مَحَلَّتَهُمْ، وَبَلَّغَهُمْ مَنْجَاتَهُمْ، فَاسْتَقَامَتْ قَنَاتُهُمْ، وَاطْمَأَنَّتْ صِفَاتُهُمْ.» «همانا خداوند هنگامی محمد ﷺ را مبعوث فرمود که هیچ کس از عرب، کتاب آسمانی نداشت، و ادعای پیامبری نمی‌کرد، پیامبر ﷺ مردم جاهلی را به جایگاه کرامت انسانی پیش برد و به رستگاری رساند، که سرنیزه‌هایشان کندی نپذیرفت و پیروز شدند و جامعه آنان استحکام گرفت.

*شرایط قبل از بعثت (۲مورد، فرازا)

*آثار و ثمرات بعثت (۴مورد، فرازا ۲)

۵. خطبه ۷۱ فرازا تا ۷:

«اللَّهُمَّ ذَا حِي الْمَذْخَوَاتِ، وَذَاعِمِ الْمَسْمُوكَاتِ، وَجَابِلِ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا: شَقِيهَا وَسَعِيدِهَا. اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ، وَتَوَاقِي بَرَكَاتِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ، وَالْمُعْلِنِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ، وَالِدَافِعِ جَيْشَاتِ الْأَبَاطِيلِ، وَالِدَامِغِ صَوْلَاتِ الْأَصَالِيلِ، كَمَا حُمِّلَ فَاصْطَلَعَ، قَائِمًا بِأَمْرِكَ، مُسْتَوْفِزًا فِي مَرْضَاتِكَ، غَيْرَ نَاكِيلٍ عَنْ قُدَمٍ، وَلَا وَاهٍ فِي عَزَمٍ، وَاعِيًا لَوْحِيكَ، حَافِظًا لِعَهْدِكَ، مَا ضِيًّا عَلَى نَفَاذِ أَمْرِكَ: حَتَّى أَوْزَى قَبَسَ الْقَابِسِ، وَأَضَاءَ الطَّرِيقَ لِلْخَاطِبِ، وَهَدَيْتَ بِهِ الْقُلُوبَ بَعْدَ خَوْصَاتِ الْفِتَنِ، وَالْآثَامِ وَأَقَامَ بِمُوضِحَاتِ

الْأَعْلَامِ، وَنِيرَاتِ الْأَحْكَامِ، فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ، وَخَازِنُ عِلْمِكَ الْمُخْزُونِ، وَشَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ، وَبَعِيْثُكَ بِالْحَقِّ، وَرَسُولُكَ إِلَى الْخَلْقِ.

الدعاء للنبي

اللَّهُمَّ افسَحْ لَهُ مَفْسَحاً فِي ظِلِّكَ، وَاجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ أَعْلِ عَلَى بِنَاءِ الْبَانِينَ بِنَاءَهُ، وَأَكْرِمْ لَدَيْكَ مَنْزِلَتَهُ، وَأَتِمِّمْ لَهُ نُورَهُ، وَاجْزِهِ مِنْ اِثْبَتَائِكَ لَهُ مَقْبُولِ الشَّهَادَةِ، مَرْضَى الْمَقَالَةِ، ذَا مَنْطِقٍ عَدْلٍ، وَخُطْبَةٍ فَضْلٍ. اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فِي بَرْدِ الْعَيْشِ، وَقَرَارِ الْبِئْعَةِ، وَثَمَنِ الشَّهَوَاتِ، وَأَهْوَاءِ اللَّذَاتِ. وَرَحَاءِ الدَّعَةِ وَمُنْتَهَى الطَّمَأِينَةِ، وَنُحْفِ الْكِرَامَةِ «بارخدایا! ای گستراننده هر گسترده، و ای نگهدارنده آسمانها، و ای آفریننده دلها بر فطرتهاى خویش، دلهاى رستگار و دلهاى شقاوت زده. گرامى‌ترین درودها و افزون‌ترین برکات خود را بر محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ات اختصاص ده، که خاتم پیامبران گذشته است، و گشاینده درهاى بسته و آشکارکننده حق با برهان است. دفع‌کننده لشگرهاى باطل، و درهم کوبنده شوکت گمراهان است، آنگونه که بار سنگین رسالت را بر دوش کشید، و به فرمانت قیام کرد، و به سرعت در راه خشنودی تو گام برداشت، حتى یک قدم به عقب برنگشت، و اراده او سست نشد، و در پذیرش و گرفتن وحی، نیرومند بود، حافظ و نگهبان عهد و پیمان تو بود، و در اجرای فرمانت تلاش کرد تا آنجا که نور حق را آشکار، و راه را برای جاهلان روشن ساخت، و دل‌هایی که در فتنه و گناه فرو رفته بودند هدایت شدند. پرچم‌های حق را برافراشت احکام نورانی را برپا کرد، پس او پیامبر امین، و مورد اعتماد، و گنجینه‌دار علم نهان تو، و شاهد روز رستاخیز، و برانگیخته تو برای بیان حقائق، و فرستاده تو به سوی مردم است.

دعا برای پیامبر ﷺ پروردگارا! برای پیامبر ﷺ در سایه لطف خود جای با وسعتی بگشای، و از فضل و کرامت پاداش او را فراوان گردان. خداوندا! کاخ آیین او را از هر بنایی برتر، و مقام او را در پیشگاه خود گرامی دار، نورش را کامل گردان، و پاداش رسالت او را پذیرش گواهی و شفاعت و قبول گفتار او قرار ده، زیرا که دارای منطقی عادلانه، و راه جداکننده حق

از باطل بود. بارخدايا! بين ما و پيغمبرت در نعمتهای جاويدان، و زندگانی خوش، و آرزوهای برآورده، و خواسته‌های به انجام رسیده، در کمال آرامش، و در نهایت اطمینان، همراه با مواهب و هدایای باارزش، جمع گردان!

*خصائص و شخصیت پیامبر در حوزه بعثت (۱۳ مورد، فرازا تا ۳ و ۴)

*آثار و ثمرات بعثت (۵ مورد، فرازا ۳ و ۴)

*دعای برای پیامبر (فرازا ۵ تا ۷)

۶. خطبه ۸۲ فرازا ۳:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ لِإِنْفَازِ أَمْرِهِ، وَإِنْهَاءِ عُذْرِهِ وَتَقْدِيمِ نُذْرِهِ». «وگواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، اورا فرستاده تا فرمانهای خدا را اجرا کند و بر مردم حجت را تمام کرده، آنها را در برابر اعمال ناروا برساند.

*شهادت به رسالت نبوی (فرازا ۳)

*فلسفه و چیستی بعثت (۳ مورد، فرازا ۳)

۷. خطبه ۸۸ فرازا تا ۳:

«أَرْسَلَهُ عَلَى حِينِ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ، وَطُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَمِ، وَاعْتِزَامِ مِنَ الْفِتَنِ، وَانْتِشَارِ مِنَ الْأُمُورِ، وَتَلَظُّظٍ مِنَ الْحُرُوبِ، وَالْدُّنْيَا كَاسِفَةُ الثُّورِ، ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ، عَلَى حِينِ اضْغِرَارٍ مِنْ وَرَقِهَا، وَإِيَّاسٍ مِنْ ثَمَرِهَا، وَأَعْوَارٍ مِنْ مَائِهَا، قَدْ دَرَسَتْ مَنَاوِ الْأَهْدَى، وَظَهَرَتْ أَغْلَامُ الرِّدَى، فَهِيَ مُتَجَهِّمَةٌ لِأَهْلِهَا، عَابِسَةٌ فِي وَجْهِ طَالِبِهَا، ثَمَرُهَا الْفِتْنَةُ، وَطَعَامُهَا الْحِيْفَةُ، وَشِعَارُهَا الْخَوْفُ، وَدِتَارُهَا السَّيْفُ. فَاعْتَبِرُوا عِبَادَ اللَّهِ، «خدا پیامبر اسلام را هنگامی مبعوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیشین مدتها گذشته، و ملت‌ها در خواب عمیقی فرو رفته بودند، فتنه و فساد جهان را فرا گرفته و اعمال زشت رواج یافته بود، آتش جنگ همه جا زبانه می‌کشید و دنیا بی‌نور، پر از مکر و فریب گشته بود، برگهای درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه آن خبری نبود، آب حیات فرو خشکید و نشانه‌های هدایت کهنه و ویران شده بود، پرچمهای هلاکت و گمراهی آشکار و دنیا با قیافه زشتی به مردم می‌نگریست، و با چهره‌ای عبوس و

غم‌آلود با اهل دنیا روبرو می‌گشت. میوه درخت دنیا در جاهلیت فتنه، و خوارکش مردار، و درونش وحشت و اضطراب، و بر بیرون شمشیرهای ستم حکومت داشت. ای بندگان خدا! از روزگار جاهلیت عبرت گیرید،

*شرایط قبل از بعثت (۱۷مورد، فراز ۱ تا ۳)

۸. خطبه ۹۳ فراز ۴ تا ۷:

«حَتَّى أَفْضَتْ كَرَامَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَادِنِ مَنِيًّا وَأَعَزَّ الْأَرْوَامَ مَغْرَسًا مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَمْنَهَا أَنْبِيَاءُهُ، وَانْتَجَبَمْنَهَا أُمَنَاءُهُ. عَثْرَتْهُ خَيْرُ الْعَثَرِ وَأَسْرَتْهُ خَيْرُ الْأَسْرِ، وَشَجَرَتْهُ خَيْرُ الشَّجَرِ؛ نَبَتْ فِي حَرَمٍ، وَبَسَقَتْ فِي كَرَمٍ، لَهَا فُرُوعٌ طَوَّالٌ، وَثَمَرٌ لَا يَنَالُ. فَهُوَ إِمَامٌ مَنِ اتَّقَى، وَبَصِيرَةٌ مَنِ اهْتَدَى، وَسِرَاجٌ لَمَعَ ضَوْؤُهُ، وَشِهَابٌ سَطَعَ نُورُهُ وَزَنَدٌ بَرَقَ لَمْعُهُ؛ سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَشَتَّتُهُ الرُّشْدُ، وَكَلَامُهُ الْفَضْلُ، وَحُكْمُهُ الْعَدْلُ؛ أَرْسَلَهُ عَلَى حِينٍ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ، وَهَفْوَةٍ عَنِ الْعَمَلِ، وَغَبَاوَةٍ مِنَ الْأُمَمِ.» «تا اینکه کرامت اعزام نبوت از طرف خدای سبحان به حضرت محمد ﷺ رسید، نهاد اصلی وجود او را از بهترین معادن استخراج کرد، و نهال وجود او را در اصیل‌ترین و عزیزترین سرزمینها کاشت و آبیاری کرد، او را از همان درختی که دیگر پیامبران و امنیان خود را از آن آفرید به وجود آورد، که عترت او بهترین عترتها، خاندانش بهترین خاندانها، و درخت وجودش از بهترین درختان است، در حرم امن خدا رویید، و در آغوش خانواده کریمی بزرگ شد، شاخه‌های بلند آن سر به آسمان کشیده که دست کسی به میوه آن نمی‌رسید. پس، پیامبر ﷺ پیشوای پرهیزکاران، و وسیله بینایی هدایت خواهان است، چراغی با نور درخشان، و ستاره‌ای فروزان، و شعله‌ای با برقه‌های خیره‌کننده و تابان است، راه و رسم او با اعتدال و روش زندگی او صحیح و پایدار، و سخنانش روشن‌گر حق و باطل، و حکم او عادلانه است. خدا او را زمانی مبعوث فرمود که با زمان پیامبران گذشته فاصله طولانی داشت و مردم از نیکوکاری فاصله گرفته، و امتهای، به جهل و نادانی گرفتار شده بودند.

*خصائص و شخصیت پیامبر در حوزه بعثت (۲۰مورد، فراز ۴ تا ۶)

*شرایط قبل از بعثت (۳ مورد، فرازا ۷)

۹. خطبه ۹۴ فرازا تا ۳:

«بَعَثَهُ وَالتَّائِسُ ضَلَالٌ فِي حَيْرَةٍ، وَحَاطِبُونَ فِي فِتْنَةٍ، قَدْ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ، وَاسْتَزَلَّتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ، وَاسْتَحَقَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ؛ حَيَارَى فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأَمْرِ، وَبَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ، فَبَالَغَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي النَّصِيحَةِ، وَمَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ، وَدَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.» «خدا پیامبر اسلام را به هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها بسر می‌بردند، هوی و هوس بر آنها چیره شده، و خود بزرگ بینی و تکبر به لغزشهای فراوانشان کشانده بود، و نادانیهای جاهلیت پست و خوارشان کرده، و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند، و بلای جهل و نادانی دامنگیرشان بود پس پیامبر ﷺ در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کرد، و آنان را به راه راست راهنمایی، و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود.

*شرایط قبل از بعثت (۷ مورد، فرازا ۱ و ۲)

*خصائص و شخصیت پیامبر در حوزه بعثت (۳ مورد، فرازا ۳)

۱۰. خطبه ۹۵ فرازا تا ۶:

«مُسْتَقَرُّهُ خَيْرٌ مُسْتَقَرٍّ، وَمَنْبِئُهُ أَشْرَفُ مَنْبِئٍ، فِي مَعَادِنِ الْكَرَامَةِ، وَمَمَاهِدِ السَّلَامَةِ، قَدْ صُرِفَتْ نَحْوُهُ أَفِيدَةُ الْأَبْرَارِ، وَوُثِّبَتْ إِلَيْهِ أَرْزَمَةُ الْأَبْصَارِ، دَفَنَ اللَّهُ بِهِ الصَّغَائِنَ، وَأَطْفَأَ بِهِ الثَّوَائِرَ، وَأَلَّفَ بِهِ إِخْوَانًا، وَفَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا، أَعَزَّ بِهِ الدَّلَّةَ، وَأَذَلَّ بِهِ الْعِزَّةَ، كَلَامُهُ بَيَانٌ، وَصَمْتُهُ لِسَانٌ.» «قرارگاه پیامبر ﷺ بهترین قرارگاه و محل پرورش و خاندان او شریفترین پایگاه است، در معدن بزرگواری و گاهواره سلامت رشد کرد، دلهای نیکوکاران شیفته او گشته، توجه دیده‌ها به سوی اوست. خدا به برکت وجود او کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنیها را خاموش نمود، با او میان دلها الفت و مهربانی ایجاد، و نزدیکانی را از هم دور ساخت. انسان‌های خوار و ذلیل و محروم در پرتو او عزت یافتند، و عزیزانی خودسر ذلیل شدند، گفتار او روشنگر، و سکوت او زبانی دیگر بود

*خصائص و شخصیت پیامبر در حوزه بعثت (۵ مورد، فراز ۳)

*آثار و ثمرات بعثت (۸ مورد، فراز ۴ تا ۶)

۱۱. خطبه ۹۹ فراز ۱ تا ۳:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ، وَالْبَاسِطِ فِيهِمُ بِالْجُودِ يَدَهُ. نَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ، وَنُسْتَعِينُهُ عَلَى رِعَايَةِ حُقُوقِهِ، وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعًا، وَبِذِكْرِهِ نَاطِقًا، فَأَدَّى أَمِينًا، وَمَضَى رَشِيدًا، وَخَلَفَ فِيْنَا رَايَةَ الْحَقِّ، مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقٌ، وَمَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ، «ستایش خداوندی را سزااست که احسان فراوانش بر آفریده‌ها گسترده، و دست کرم او را برای بخشش گشوده است، او را بر همه کارهایش می‌ستاییم، و برای نگهداری حق الهی از او یاری می‌طلبیم، و گواهی می‌دهیم جز او خدایی نیست و ویژگی‌های پیامبر ﷺ و گواهی می‌دهیم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست. او را فرستاد تا فرمان وی را آشکار و نام خدا را بر زبان راند. پس با امانت، رسالت خویش را به انجام رساند، و با راستی و درستی به راه خود رفت، و پرچم حق را در میان ما به یادگار گذاشت، هر کس از آن پیشی گیرد از دین خارج و آن کس که از آن عقب ماند هلاک گردد و هر کس همراهش باشد رستگار شود

*شهادت به رسالت نبوی (فراز ۲)

*فلسفه و چیستی بعثت (۴ مورد، فراز ۳)

*آثار و ثمرات بعثت (۱ مورد، فراز ۳)

۱۲. خطبه ۱۰۳ فراز ۱ تا ۳:

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَفْقَرُ كِتَابًا، وَلَا يَدْعِي نُبُوَّةَ وَلَا وَحْيًا، فَقَاتَلَ بِمَنْ أَطَاعَهُ مِنْ عَصَاهُ، يَشُوقُهُمْ إِلَى مَنْجَاتِهِمْ، وَيَبَادِرُ بِهِمُ السَّاعَةَ أَنْ تَنْزِلَ بِهِمْ، يَحْسِرُ الْحَسِيرُ، وَيَقِفُ الْكَسِيرُ فَيَقِيمُ عَلَيْهِ حَتَّى يُلْحَقَهُ غَايَتُهُ، إِلَّا هَالِكًا لَا خَيْرَ فِيهِ، حَتَّى أَرَاهُمْ مَنْجَاتَهُمْ وَبَوَّاهُمْ مَحَلَّتَهُمْ، فَاسْتَدَارَتْ رِحَاهُمْ، وَاسْتَقَامَتْ قَنَاتُهُمْ» «پس از ستایش پروردگار، همانا خداوند سبحان، حضرت محمد ﷺ را مبعوث فرمود، در

روزگاران‌ی که عرب کتابی نخوانده و ادعای وحی و پیامبری نداشت پیامبر اسلام ﷺ با یارانش به مبارزه با مخالفان پرداخت تا آنان را به سرمنزل نجات کشاند، و پیش از آنکه مرگشان فرا رسد آنان را به رستگاری رساند، با خستگان مدارا کرد، و شکسته‌حالان را زیر بال گرفت تا همه را به راه راست هدایت کرد، جز آنان که راه گمراهی پیمودند، و در آنها خیری نبود همه را نجات داد، و در جایگاه مناسب رستگاری، استقرارشان بخشید، تا آنکه آسیاب زندگی آنان به چرخش درآمد، و نیزه‌شان تیز شد

*شرایط قبل از بعثت (۲مورد، فرازا)

*اثر بعثت (۸مورد، فرازا ۲ و ۳)

۱۳. خطبه ۱۰۴ فرازا:

«حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، شَهِيدًا، وَبَشِيرًا، وَنَذِيرًا، خَيْرَ الْبَرِيَّةِ طِفْلًا، وَأَنْجَبَهَا كَهْلًا، أَظْهَرَ الْمُطَهَّرِينَ شَيْمَةً، وَأَجْوَدَ الْمُسْتَمْطَرِينَ دِيْمَةً.» «تا اینکه خدامحمد ﷺ را برانگیخت، گواهی دهنده، بشارت دهنده، هشدار دهنده. پیامبری که بهترین آفریدگان درخردسالی، و درسن پیری نجیبترین و بزرگوارترین مردم بود، اخلاقی از همه پاکان پاک‌تر و باران کرمش از هر چیزی بادوام‌تر بود

*خصائص پیامبر در حوزه بعثت (۷مورد)

۱۴. خطبه ۱۰۵ فرازا تا ۸:

«حَتَّى أَوْزَى قَبْسًا لِقَابِسِي، وَأَنَارَ عَلَمًا لِحَابِسِي، فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ، وَشَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ، وَبَعِيْثُكَ نِعْمَةً، وَرَسُولُكَ بِالْحَقِّ رَحْمَةً. اللَّهُمَّ أَفْسِمُ لَهُ مَقْسَمًا مِنْ عَدْلِكَ، وَاجْزِهِ مَضْعَفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ أَعْلِ عَلَى بَنَاءِ الْبَانِينَ بَنَاءَهُ، وَأَكْرِمِ لَدَيْكَ نُزْلَهُ، وَشَرِّفْ عِنْدَكَ مَنَزِلَهُ، وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ، وَأَعْطِهِ السَّنَاءَ وَالْفَضِيلَةَ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ غَيْرَ خَزَايَا، وَلَا نَادِمِينَ، وَلَا نَاكِبِينَ، وَلَا نَاكِثِينَ، وَلَا ضَالِّينَ، وَلَا مُضِلِّينَ وَلَا مُفْتُونِينَ.» «تا آنکه خداوند با دست پیامبر ﷺ شعله‌ای از نور برای طالبان آن برافروخت، و بر سر راه گمشدگان چراغی پرفروغ قرار داد. خداوند! پیامبر ﷺ امین و مورد اطمینان و گواه روز قیامت است، و نعمتی است که برانگیخته و

رحمتی است که به حق فرستاده‌ای، خداوند! بهره فراوانی از عدل خود به او اختصاص ده، و از احسان و کرم خود فراوان به او ببخش، خدایا! بنای دین او را از آنچه دیگران برآورده‌اند، عالی‌تر قرار ده. او را بر سر خان کرم‌ت گرامیتر دار، و بر شرافت مقام او در نزد خود بیفز، و وسیله تقرب خویش را به او عنایت فرما، و بلندی مقام و فضیلت او را بی‌مانند گردان، و ما را از یاران او محشور فرما، چنانکه نه زیانکار باشیم و نه پشیمان، نه دور از راه حق باشیم و نه شکننده پیمان، نه گمراه باشیم و نه گمراه‌کننده بندگان، نه فریب هوای نفس خوریم و نه وسوسه شیطان.

*آثاربعثت (۲مورد، فراز۵)

*خصائص پیامبردروحه بعثت (۴مورد، فراز۶)

*دعای حضرت درحق رسالت (فراز۷ و ۸)

۱۵. خطبه ۱۰۷فراز۴:

«اخْتَارَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَمَشَكَاةِ الضِّيَاءِ، وَذُوَابَةِ الْعَلْيَاءِ، وَسُرَّةِ الْبَطْحَاءِ، وَمَصَابِيحِ الظُّلُمَةِ، وَيَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ». «پیامبر ﷺ را ازدرخت تنومندپیامبران، ازسرچشمه نورهدایت، ازجایگاه بلندیهمانند، ازسرزمین بطحا، از چراغهای برافروخته درتاریکیها، وازسرچشمه‌های حکمت برگزید.

*خصائص پیامبردروحه بعثت (۶مورد، فراز۴)

۱۶. خطبه ۱۰۸فراز۳۱تا۳۳:

«مِنْهَا فِي ذِكْرِ النَّبِيِّ ﷺ: قَدْ حَقَّرَ الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا، وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا، وَبَسَطَهَا لِغَيْرِهِ اخْتِقَارًا، فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ، وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا عَنْ نَفْسِهِ، وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ، لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا، أَوْ يُرْجَوَ فِيهَا مَقَامًا. بَلَّغَ عَنْ رَبِّهِ مُعْذِرًا، وَنَصَحَ لِأَمَّتِهِ مُنْذِرًا، وَدَعَا إِلَى الْجَنَّةِ مُبَشِّرًا، وَخَوْفَ مِنَ النَّارِ مُحْذِرًا». «پیامبر ﷺ دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد، آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی فرمود. و می‌دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او

دور ساخت و آن را برای ناچیز بودنش به دیگران بخشید، پیامبر ﷺ از جان و دل به دنیا پشت کرد، و یاد آن را در دلش میراند، دوست می‌داشت که زینت‌های دنیا از چشم او دور نگهداشته شود، تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد، یا اقامت در آن را آرزوها نکند، و برای تبلیغ احکامی که قطع‌کننده عذرهایست تلاش کرد، و امت اسلامی را با هشدارهای لازم نصیحت کرد، و با بشارتها مردم را به سوی بهشت فرا خواند، و از آتش جهنم پرهیز داد.

*شخصیت و خصائص پیامبر در حوزه بعثت (۱۴مورد)

۱۷. خطبه ۱۱۵ فرازا تا ۳:

«أَرْسَلَهُ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ، وَشَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ، فَبَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ غَيْرَ وَاٍ وَلَا مُقَصِّرٍ، وَجَاهَدَ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاهِنٍ وَلَا مُعَذِّرٍ، إِمَامًا مَنِ اتَّقَى، وَبَصُرَ مَنِ اهْتَدَى» «خداوند پیامبر ﷺ را فرستاد تا دعوت‌کننده به حق، و گواه اعمال خلق باشد، پیامبر ﷺ بدون سستی و کوتاهی، رسالت پروردگارش را رسانید، و در راه خدا با دشمنانش بدون عذر تراشی جنگید، پیامبر ﷺ پیشوای پرهیزکاران، و روشنی‌بخش چشم هدایت شدگان است

*فلسفه و چیستی بعثت (۲مورد، فرازا)

*شخصیت و خصائص پیامبر در حوزه بعثت (۴مورد، فرازا ۲ و ۳)

۱۸. خطبه ۱۳۳ فرازا ۵ و ۶:

«أَرْسَلَهُ عَلَى حِينٍ فُتِّرَ مِنَ الرُّسُلِ، وَتَنَازَعَ مِنَ الْأَلْسِنِ، فَقَفَى بِهِ الرُّسُلُ، وَخَتَمَ بِهِ الْوَحْيُ، فَجَاهَدَ فِي اللَّهِ الْمُدْبِرِينَ عَنْهُ، وَالْعَادِلِينَ بِهِ.» «خدا پیامبر ﷺ را پس از یک دوران طولانی که دیگر پیامبران نبودند، فرستاد، و زمانی که میان طرفداران مذاهب گوناگون نزاع درگرفته و راه اختلاف می‌پیمودند، پس او را در پی پیامبران فرستاد، و وحی را با فرستادن پیامبر ﷺ ختم فرمود، پس پیامبر ﷺ با تمام مخالفانی که به حق پشت کردند، و از آن منحرف گشتند به مبارزه پرداخت.

*شرایط قبل از بعثت (۲مورد، فرازا ۵)

*فلسفه و چیستی بعثت (۲مورد، فرازا ۵)

*شخصیت و خصائص پیامبر در حوزه بعثت (۲ مورد، فرازا ۶)

۱۹. خطبه ۱۴۷ فرازا:

«فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ، وَمَنْ طَاعَ الشَّيْطَانَ إِلَى طَاعَتِهِ، يَقُزَّانَ قَدْ بَيْنَهُ وَأَحْكَمَهُ، لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ رَبَّهُمْ إِذْ جَهِلُوهُ، وَلِيَقْرُوا بِهِ بَعْدَ إِذْ جَحَدُوهُ، وَلِيُثْبِتُوهُ بَعْدَ إِذْ أَنْكَرُوهُ. خداوند حضرت محمد ﷺ را به حق برانگیخت تا بندگان خود را از پرستش دروغین بتها رهایی بخشیده و به "پرستش خود راهنمایی کند، و آنان را از پیروی شیطان نجات داده به اطاعت خود کشاند، با قرآنی که معنی آن را آشکار نمود و اساسش را استوار فرمود، تا بندگان عظمت و بزرگی خدا را بدانند که نمی دانستند، و به پروردگار اعتراف کنند پس از انکارهای طولانی، و او را به درستی بشناسند پس از آنکه نسبت به خدا آشنایی نداشتند.

*فلسفه بعثت (۲ مورد، فرازا)

*قرآن به منزله معجزه رسالت (فرازا)

*سه هدف و فلسفه و چیرستی بعثت از طریق قرآن (فرازا)

۲۰. خطبه ۱۵۱ فرازا تا ۳:

«وَأَحْمَدُ اللَّهُ وَأَسْتَعِينُهُ عَلَى مَدَاجِرِ الشَّيْطَانِ وَمَزَاجِرِهِ، وَالْإِعْتِصَامِ مِنْ حَبَائِلِهِ وَمَخَاتِلِهِ. وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَنَجِيْبُهُ وَصَفْوَتُهُ، لَا يُؤَاوِي فَضْلُهُ، وَلَا يَجْبِرُ فَقْدُهُ، أَصْبَاءٌ بِهِ الْبِلَادُ بَعْدَ الضَّلَالَةِ الْمُظْلِمَةِ، وَالْجَهَالَةِ الْغَالِبَةِ، وَالْجَفْوَةِ الْجَافِيَةِ، وَالنَّاسُ يَسْتَحِلُّونَ الْحَرِيمَ، وَيَسْتَنْدِلُونَ الْحَكِيمَ، يَحْيُونَ عَلَى فِتْرَةٍ، وَيَمُوتُونَ عَلَى كُفْرَةٍ!»

«خدای را می ستایم، و در راندن شیطان، و دور ساختن و نجات پیدا کردن از دامها و فریبهای آن، از خدا یاری می طلبم، و گواهی می دهم که جز خدای یگانه معبودی نیست، و شهادت می دهم، که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده برگزیده و انتخاب شده او است، که در فضل و برتری، همتایی ندارد و هرگز فقدان او جبران نگردد، شهرهایی به وجود او روشن گشت، پس از آنکه گمراهی و حشمتناکی همه جا را فرا گرفته بود، و جاهل و نادانی بر اندیشه ها

غالب و قساوت و سنگدلی بر دلها مسلط بود، و مردم حرام را حلال می‌شمردند، و دانشمندان را تحقیر می‌کردند، و جدای از دین الهی زندگی کرده و در حال کفر و بی‌دینی جان می‌سپردند.

*شهادت به رسالت نبوی (فراز۲)

*خصائص پیامبردروحه بعثت (۲مورد، فراز۲)

*آثاربعثت (۲مورد، فراز۳)

*شرایط قبل ازبعثت (چهارمورد، فراز۳)

۲۱. خطبه ۱۵۷ فراز۱ تا ۳:

«أَرْسَلُهُ عَلَىٰ حِينِ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ، وَطُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَمِ، وَأَنْتِقَاضِ مِنَ الْمُبَرَمِ، فَجَاءَهُمْ بِتَصْدِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَالنُّورِ الْمُقْتَدَىٰ بِهِ. ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطَقُوهُ، وَلَنْ يَنْطِقَ، وَلَكِنْ أُخْبِرْكُمْ عَنْهُ: أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي، وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي، وَدَوَاءَ دَائِكُمْ، وَنَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ». «خداوند پیامبر ﷺ را هنگامی فرستاد که پیامبران حضور نداشتند، و امتها در خواب غفلت بودند، و رشته‌های دوستی و انسانیت از هم گسسته بود، پس پیامبر ﷺ به میان خلق آمد در حالی که کتابهای پیامبران پیشین را تصدیق کرد، و با نوری هدایتگر انسان‌ها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند و آن، نور قرآن کریم است. از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم، بدانید که در قرآن علم آینده، و حدیث روزگاران گذشته است، شفادهنده دردهای شما، و سامان‌دهنده امور فردی و اجتماعی شما است.

*شرایط قبل ازبعثت (۳مورد، فراز۱)

*قرآن به منزله معجزه رسالت (فراز۲)

*چهارویزگی قرآن منزله معجزه رسالت (فراز۳)

۲۲. خطبه ۱۶۰ فراز۱ تا ۵:

«ابْتَعَثَهُ بِالنُّورِ الْمُضِيءِ، وَالْبُرْهَانِ الْجَلِيِّ، وَالْمِنْهَاجِ الْبَادِي، وَالْكِتَابِ الْهَادِي. أُسْرَتْهُ خَيْرُ

أُسْرَةٍ، وَشَجَرَتُهُ خَيْرُ شَجَرَةٍ، أَغْصَانُهَا مُعْتَدِلَةٌ، وَثَمَارُهَا مُتَهَدِلَةٌ. مَوْلَدُهُ بِمَكَّةَ، وَهَجْرَتُهُ بِطَبِيبَةَ، عَلَا بِهَا ذِكْرُهُ، وَأَمْتَدَّ مِنْهَا صَوْنُهُ. أَرْسَلَهُ بِحُجَّةٍ كَافِيَةٍ، وَمَوْعِظَةٍ شَافِيَةٍ، وَدَعْوَةٍ مُتَلَافِيَةٍ. أَظْهَرَ بِهِ الشَّرَائِعَ الْمَجْهُولَةَ، وَقَمَعَ بِهِ الْبِدْعَ الْمَدْخُولَةَ، وَبَيَّنَ بِهِ الْأَحْكَامَ الْمَفْصُولَةَ. «خداوند پیامبرش را با نوری درخشان، و برهانی آشکار، و راهی روشن، و کتابی هدایتگر برانگیخت. خانواده او نیکوترین خانواده، و درخت وجودش از بهترین درختان است، که شاخه‌های آن راست و میوه‌های آن سر به زیر و در دسترس همگان است، زادگاه او مکه، و هجرت او به مدینه پاک و پاکیزه است، که در آنجا نام او بلند و دعوتش به همه جا رسید، خدا او را با برهانی کامل و کافی (قرآن) و پندهای شفافبخش، و دعوتی جبران‌کننده فرستاد، با فرستادن پیامبر ﷺ شریعت‌های ناشناخته را شناساند، و ریشه بدعت‌های راه‌یافته در ادیان آسمانی را قطع کرد، و احکام و مقررات الهی را بیان فرمود.

*فلسفه و چیستی بعثت (۴ مورد در فرازا و ۳ مورد در فرازا ۴)

*اهل بیت نبوت (فرازا ۲)

*خصائص و شخصیت پیامبر در حوزه بعثت (۳ مورد، فرازا ۳)

*آثار بعثت (۳ مورد، فرازا ۵)

۲۳. خطبه ۱۶۸ فرازا:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ رَسُولًا هَادِيًا بِكِتَابٍ نَاطِقٍ وَأَمْرٍ قَائِمٍ، لَا يَهْلِكُ عَنْهُ إِلَّا هَالِكٌ، «همانا خداوند پیامبری راهنما را با کتابی گویا، و دستوری استوار برانگیخت، هلاک نشود جز کسی که تبه‌کار است

*فلسفه و چیستی بعثت (۲ مورد)

*قرآن به منزله معجزه رسالت (فرازا ۱)

۲۴. خطبه ۱۷۲ فرازا:

«أَمِينُ وَحْيِهِ، وَخَاتَمُ رُسُلِهِ، وَبَشِيرُ رَحْمَتِهِ، وَنَذِيرُ نِقْمَتِهِ. «پیامبر اسلام ﷺ امین وحی

پروردگار، و خاتم پیامبران، و بشارت دهنده رحمت، و بیم دهنده کفر الهی است

*خصائص پیامبرد در حوزه بعثت (چهارویژگی)

۲۵. خطبه ۱۷۷ فراز ۳:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، الْمُجْتَبَى مِنْ خَلَائِقِهِ، وَالْمُعْتَمَدُ لِشَرْحِ حَقَائِقِهِ، وَالْمُخْتَصَّ بِعَقَائِلِ كَرَامَاتِهِ، وَالْمُصْطَفَى لِكِرَائِمِ رِسَالَاتِهِ، وَالْمَوْضَّحَةُ بِهِ أَشْرَاطُ الْهُدَى، وَالْمَجْلُوبُ بِهِ غُرَيْبُ الْعَمَى.» «وشهادت می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده و برگزیده او از میان انسان‌هاست پیامبر ﷺ برای تشریح حقائق آیین الهی انتخاب، و به ارزشهای ویژه اخلاقی گرامی داشته شد. او را برای رساندن رسالت‌های کریمانه‌اش برگزید، نشانه‌های هدایت به وسیله او آشکار، و تاریکیهای جهل و گمراهی با نور هدایت او از میان رفت.

*شهادت به رسالت نبوی (فراز ۳)

*خصائص پیامبرد در حوزه بعثت (چهارویژگی) فراز ۳

*آثاربعثت (دومورد، فراز ۳)

۲۶. خطبه ۱۸۵ فراز ۲:

«وَنَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، خَاصَّ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ كُلِّ عَمْرَةٍ، وَتَجَرَّعَ فِيهِ كُلِّ غُصَّةٍ، وَقَدْ تَلَوْنَ لَهُ الْأَدْنُونَ، وَتَأَلَّبَ عَلَيْهِ الْأَقْصُونَ، وَخَلَعَتْ إِلَيْهِ الْعَرَبُ أَعْنَتَهَا، وَضَرَبَتْ إِلَى مُحَارَبَتِهِ بُطُونٌ رَوَّاحِلَهَا، حَتَّى أَنْزَلْتُ بِسَاحَتِهِ عَدَاوَتَهَا، مِنْ أُبْعَدِ الدَّارِ، وَأَسْحَقِ الْمَرَارِ.» «وشهادت می‌دهیم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست که در راه رضایت حق در کام هرگونه سختی و ناراحتی فرو رفت، و جام مشکلات و ناگواریها را سرکشید، روزگاری خویشاوندان او به دورویی و دشمنی پرداختند، و بیگانگان درکینه‌توزی و دشمنی با او متحد شدند، اعراب برای نبرد با پیامبر عنان گسیخته، و باتازیانه بر مرکبها نواخته و از هر سو گردمی آمدند، و ازدورترین سرزمین، و فراموش شده‌ترین نقطه‌ها، دشمنی خود را بر پیامبر ﷺ فرود آوردند.

*شهادت به رسالت نبوی

*خصائص و شخصیت پیامبرد در حوزه بعثت (۸ مورد)

۲۷. خطبه ۱۸۶ فراز ۳:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ وَأَعْلَامُ الْهُدَى دَارِسُهُ، وَمَنَاهِجُ الدِّينِ طَامِسُهُ، فَصَدَعَ بِالْحَقِّ، وَنَصَحَ لِلخَلْقِ، وَهَدَى إِلَى الرُّشْدِ، وَأَمَرَ بِالْقَصْدِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.»
«وگواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، خدا پیامبرش را به هنگامی فرستاد که نشانه‌های هدایت از یاد رفته، و راه‌های دین ویران شده بود، او حق را آشکار، و مردم را نصیحت فرمود، همه را به رستگاری هدایت، و به میانه‌روی فرمان داد (درود خدا بر او و خاندانش باد).

*شهادت به رسالت نبوی (فراز ۳)

*شرایط قبل از بعثت (دومورد، فراز ۳)

۸ فلسفه و چیستی بعثت (چهارمورد، فراز ۳)

۲۸. خطبه ۱۸۷ فراز ۱:

«بَعَثَهُ حِينَ لَا عِلْمَ قَائِمٌ، وَلَا مَنَارٌ سَاطِعٌ، وَلَا مَنَهْجٌ وَاضِحٌ.» «خداوند هنگامی پیامبر ﷺ را مبعوث فرمود که نه نشانه‌ای از دین الهی برپا، و نه چراغ هدایتی روشن، و نه راه حقی آشکار بود
*شرایط قبل از بعثت (سه مورد، فراز ۱)

۲۹. خطبه ۱۸۹ فراز ۲:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا نَجِيبُ اللَّهِ، وَسَفِيرُ وَحْيِهِ، وَرَسُولُ رَحْمَتِهِ.» «وگواهی می‌دهم که حضرت محمد ﷺ برگزیده خدا، سفیر وحی، و رسول رحمت اوست.

*شهادت به رسالت نبوی (فراز ۲)

*خصائص پیامبر در حوزه بعثت (سه مورد، فراز ۲)

۳۰. خطبه ۱۸۹ فراز ۱۶ و ۱۷:

«ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِالْحَقِّ حِينَ دَنَا مِنَ الدُّنْيَا الْإِنْقِطَاعُ، وَأَقْبَلَ مِنَ الْآخِرَةِ الْإِطْلَافُ، وَأَظْلَمَتْ بَهْجَتُهَا بَعْدَ إِشْرَاقِ، وَقَامَتْ بِأَهْلِهَا عَلَى سَاقٍ، وَخَشَنَ مِنْهَا مِهَادٌ، وَأَزَفَ مِنْهَا قِيَادٌ، فِي انْقِطَاعٍ مِنْ مُدَّتِهَا، وَاقْتِرَابٍ مِنْ أَشْرَاطِهَا، وَتَصَرُّمٍ مِنْ أَهْلِهَا، وَانْفِصَامٍ مِنْ حَلَقَتِهَا، وَانْتِشَارٍ مِنْ سَبَبِهَا، وَعَفَاءٍ مِنْ أَعْلَامِهَا، وَتَكْشُفٍ مِنْ عَوْرَاتِهَا،

وَقَصِّرْ مِنْ طُولِهَا. جَعَلَهُ اللَّهُ بَلَاغًا لِرِسَالَتِهِ، وَكَرَامَةً لِّأُمَّتِهِ، وَرَبِيعًا لِأَهْلِ زَمَانِهِ، وَرَفْعَةً لِأَعْوَانِهِ، وَشَرَفًا لِأَنْصَارِهِ.» (سپس خداوند سبحان حضرت محمد ﷺ را هنگامی مبعوث فرمود که دنیا به پایان خود نزدیک، نشانه‌های آخرت نزدیک و رونق آن به تاریکی گرایید، و اهل خود را بپا داشته، جای آن ناهموار، آماده نیستی و نابودی، زمانش در شرف پایان، و نشانه‌های نابودی آن نزدیک، موجودات در آستانه مرگ، حلقه زندگی آن شکسته، و اسباب حیات درهم ریخته، پرچمهای دنیا پوسیده، و پرده‌هایش دریده. و عمرها به کوتاهی رسیده بود، در این هنگام خداوند پیامبر ﷺ را ابلاغ‌کننده رسالت، افتخارآفرین امت، چونان باران بهاری برای تشنگان حقیقت آن روزگاران، مایه سربلندی مسلمانان، و عزت و شرافت یارانش قرار داد.

*شرایط قبل از بعثت (۱۳ مورد، فراز ۱۶)

*آثار بعثت (پنج مورد، فراز ۱۷)

۳۱. خطبه ۲۰۴ فراز ۵:

«أَرْسَلُهُ بِالضِّيَاءِ، وَقَدَّمَهُ فِي الْإِضْطِفَاءِ، فَرَتَّقَ بِهِ الْمَفَاتِقَ، وَسَاوَرَ بِهِ الْمُغَالِبَ، وَذَلَّلَ بِهِ الصُّعُوبَةَ، وَسَهَّلَ بِهِ الْحَزُونََةَ، حَتَّى سَرَّحَ الضَّلَالَ، عَنْ يَمِينِ وَشِمَالِ.» «خدا پیامبر ﷺ را باروشنایی اسلام فرستاد، و درگزینش، او را بر همه مقدم داشت، با بعثت او شکافهارا پر، و سلطه‌گران پیروز را درهم شکست، و سختی‌ها را آسان، و ناهمواریها را هموار تا آنکه گمراهی را از چپ و راست تار و مار کرد

*فلسفه و چیستی بعثت (یک مورد، فراز ۵)

*شخصیت پیامبر در حوزه بعثت (یک مورد، فراز ۵)

*آثار بعثت (پنج مورد، فراز ۵)

۳۲. خطبه ۲۲۲ فراز ۲ و ۱:

«فَصَدَعَ بِمَا أَمَرَبِهِ، وَبَلَغَ رِسَالَةَ رَبِّهِ، فَلَمَّ اللَّهُ بِهِ الصَّدْعَ، وَرَتَّقَ بِهِ الْفَتْقَ، وَأَلَفَ بِهِ بَيْنَ ذَوِي الْأَرْحَامِ، بَعْدَ الْعِدَاوَةِ الْوَاعِرَةِ فِي الصُّدُورِ، وَالضَّغَائِنِ الْقَادِحَةِ فِي الْقُلُوبِ.» «پیامبر اسلام ﷺ آنچه را که به او فرموده شد آشکار کرد، و پیامهای پروردگارش را رساند، او شکافهای اجتماعی ر

به وحدت اصلاح، و فاصله‌ها را پیوستگی بخشید، میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد پس از آنکه آتش دشمنی‌ها و کینه‌های برافروخته در دل‌ها راه یافته بود.

* خصائص پیامبر در حوزه بعثت (دومورد، فرازا)

* آثار بعثت (دومورد، فرازا)

* شرایط قبل از بعثت (دومورد، فرازا)

۳۳. خطبه ۲۲۷ فرازا ۸ و ۹:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الصَّافِي، وَأَمِينُهُ الرَّضَى - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أُرْسِلَهُ بِوُجُوبِ الْحُجَجِ، وَظُهُورِ الْفَلَاحِ، وَإِضْاحِ الْمُنْهَجِ، فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِهَا، وَحَمَلَ عَلَى الْمَحَبَّةِ دَالًّا عَلَيْهَا، وَأَقَامَ أَعْلَامَ الْإِهْتِدَاءِ وَمَنَارَ الضِّيَاءِ، وَجَعَلَ أُمُرَاسَ الْإِسْلَامِ مَتِينَةً، وَعُرَا الْإِيمَانِ وَثِيقَةً.»

«گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده خدا، و پیامبر برگزیده، و امانتدار پسندیده اوست (درود خدا بر او و وعترت او باد) خدا او را با حجت‌های الزام‌کننده، و پیروزی آشکار، و راه روشن فرستاد، پس رسالت خود را آشکار رساند و مردم را به راه راست واداشت، و به همگان نشان داد، و نشانه‌های هدایت را برافراشت، و چراغهای روشن را بر سر راه آدمیان گرفت، رشته‌های اسلام را استوار کرد، و دستگیره‌های ایمان را محکم و پایدار نمود.

* شهادت به رسالت نبوی (فرازا ۸)

* خصائص پیامبر در حوزه بعثت (سه مورد، فرازا)

* شرایط قبل از بعثت (سه مورد، فرازا)

* آثار بعثت (شش مورد، فرازا)

۳۴. خطبه ۲۳۲ فرازا ۲:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، دَعَا إِلَى طَاعَتِهِ، وَقَاهَرَ أَعْدَاءَهُ جِهَادًا عَنْ دِينِهِ، لَا يَثْنِيهِ عَنْ ذَلِكَ اجْتِمَاعُ عَلَى تَكْذِيبِهِ، وَالْتِمَاشُ لِإِظْفَاءِ نُورِهِ.»

«وگواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست، انسان‌ها را به اطاعت خدا دعوت کرد، و با دشمنان خدا در راه دین او پیکار کرد و مغلوب‌شان نمود، هرگز همدستانانی دشمنان که او را دروغگو خواندند، او را از دعوت

حق باز نداشت، و تلاش آنان برای خاموش کردن نور رسالت به نتیجه‌ای نرسید.

*شهادت به رسالت نبوی (فراز۲)

*خصائص پیامبر در حوزه بعثت (چهارمورد)

۳۵. خطبه ۲۳۳ فراز ۳:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، ابْتَعَثَهُ وَالنَّاسُ يَضْرِبُونَ فِي غَمْرَةٍ، وَيُمُوجُونَ فِي حَيْرَةٍ، قَدْ قَادَتْهُمْ أَرْمَةٌ الْحَيْنِ، وَاسْتَغْلَقَتْ عَلَى أَفْئِدَتِهِمْ أَقْفَالُ الرَّيْنِ». «گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، به هنگامی اورامبعوث فرمود که مردم در گرداب جهالت فرو رفته، و در حیرت و سرگردانی به سر می‌بردند، هلاکت آنان رامهار کرده به سوی خود می‌کشید، و گمراهی بر جان و دلشان قفل زده بود.

*شهادت به رسالت نبوی

*شرایط قبل از بعثت (چهارمورد)

۳۶. خطبه ۲۳۴ فراز ۴ تا ۵:

«فَانْظُرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعَمِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا، فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ، وَجَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ أُلُفَّتَهُمْ، كَيْفَ نَشَرْتَ النِّعْمَةَ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَامَتِهَا، وَأَسَأَلْتَ لَهُمْ جَدَاوِلَ نَعِيمِهَا، وَالتَفَّتِ الْمِلَّةُ بِهِمْ فِي عَوَائِدِ بَرَكَتِهَا، فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرِيقِينَ، وَفِي خُضْرَةِ عَيْشِهَا فَكِيهِينَ، قَدْ تَرَبَّعَتِ الْأُمُورُ بِهِمْ، فِي ظِلِّ سُلْطَانٍ قَاهِرٍ، وَأَوْتَهُمُ الْحَالُ إِلَى كَنْفٍ عِزٍّ غَالِبٍ، وَتَعَطَّلَتِ الْأُمُورُ عَلَيْهِمْ فِي دُرَى مُلْكٍ ثَابِتٍ، فَهُمْ حُكَّامٌ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَمُلُوكٌ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ، يَمْلِكُونَ الْأُمُورَ عَلَى مَنْ كَانَ يَمْلِكُهَا عَلَيْهِمْ، وَيَمْضُونَ الْأَحْكَامَ فِيمَنْ كَانَ يَمْضِيهَا فِيهِمْ! لَا تُغْمَرُ لَهُمْ قَتَاةٌ، وَلَا تُنْقَرُ لَهُمْ صَفَاةٌ!» «حال به نعمتهای بزرگ الهی که به هنگامه بعثت پیامبر ﷺ بر آنان فرو ریخت بنگرید، که چگونه اطاعت آنان را بادیان خود پیوند داد؟ و باد عوتش آنها را به وحدت رساند؟ چگونه نعمتهای الهی بالهای کرامت خود را بر آنان گستراند، و جویبارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت؟ و تمام برکات آیین حق آنها را در بر گرفت؟ در میان نعمتها غرق گشتند، و در خرمنی زندگانی شادمان شدند،

امور اجتماعی آنان درسایه قدرت حکومت اسلام استوار شد، و در پرتو عزتی پایدار آرام گرفتند، و به حکومتی پایدار رسیدند، پس آنان حاکم و زمامدار جهان شدند، و سلاطین روی زمین گردیدند، و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند، و قوانین الهی را بر کسانی اجرامی کنند که آنها مجریان احکام بودند، و در گذشته کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت، و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.

* آثار بعثت (۱۷ مورد)

۳۷. خطبه ۲۳۴ فرار از ۶۲ و ۶۳:

«وَلَقَدْ كَانَ يَجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِجَاءٍ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي، وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَخَدِيجَةَ وَأَنَا ثَالِثُهُمَا، أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرِّسَالَةِ، وَأَشْمُ رِيحَ التُّبُّوَّةِ. وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّنَّةُ؟ فَقَالَ: «هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ أَيْسَ مِنْ عِبَادَتِهِ، إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ، وَلَكِنَّكَ وَزِيرٌ، وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ» (پیامبر ﷺ چند ماه از سال را در غار حراء می‌گذراند، تنهامن او را مشاهده می‌کردم، و کسی جز من او را نمی‌دید، در آن روزها، در هیچ خانه مسلمانی راه نیافت جز خانه رسول خدا ﷺ که خدیجه هم در آن بود و من سومین آنان بودم، من نور وحی و رسالت را می‌دیدم، و بوی نبوت را می‌بوییدم. من هنگامی که وحی بر پیامبر ﷺ فرود می‌آمد، ناله شیطان را شنیدم، گفتم ای رسول خدا، این ناله کیست؟ گفت: شیطان است که از پرستش خویش مایوس گردید و فرمود: (علی! تو آنچه را من می‌شنوم، می‌شنوی، و آنچه را که من می‌بینم، می‌بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می‌روی

* همراهی امام علی علیه السلام با رسول اکرم ﷺ در زمان نزول وحی

۴. بخش دوم: نامه‌های نهج البلاغه

نامه ۶۲ فرار از:

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ - نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ،

وَمُهَيِّمِنَا عَلَى الْمُرْسَلِينَ» «خداوند سبحان محمد ﷺ را فرستاد تا بایم دهند جهانیان، وگواه پیامبران پیش از خود باشد
*خصائص پیامبر در حوزه بعثت (دومورد)

نتیجه‌گیری

بعثت در فرهنگ اسلامی عموماً به معنای برانگیختن و برگزیدن پیامبران از سوی خداوند برای هدایت مردم است که آغاز رسالت هر پیامبر است. بعثت پیامبر ﷺ یا برانگیخته شدن آن حضرت به مقام رسالت، مهم‌ترین فراز از تاریخ اسلام است که به عنوان حادثه‌ای بس بزرگ و عظیم نقش مهم و تأثیرگذاری در سرنوشت انسان‌ها و خصوصاً شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران داشته است. مطالعات تاریخی بیانگر آن است که تنها شخصی که در لحظات نزول وحی بر پیامبر همراهی نموده، امام علی ﷺ بود و احدی جز ایشان، ادعای همراهی رسول اکرم در آن لحظات را ننموده است. بعثت پیامبر سرآغاز دین اسلام و مقدمه برجیدن شدن بت‌پرستی از حجاز بود. بعثت به معنای برگزیدن فردی به پیامبری از سوی خدا و آغاز دوره نبوتش است. از آنجاکه علی بن ابیطالب ﷺ از همه استعدادهای بزرگ و معرفت‌های بنیادین انسان و جهان و عالیت‌ترین کمالات برخوردار بوده و با عنایت به اینکه معرفت و شناخت امیر المؤمنین به آن پیشوای الهی در حد اعلای بوده است، این سؤال مطرح می‌شود که بعثت پیامبر اکرم ﷺ از منظر امام علی ﷺ چگونه ترسیم شده است و دیدگاه امام علی ﷺ در معرفی ابعاد بعثت رسول خدا ﷺ چیست؟

با توجه به هدف تحقیق، نوع پژوهش بر اساس «استفاده از منابع موجود» (مطالعه اسنادی) و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شد. بر اساس بررسی و مطالعه دقیق هشت منبع و فهراس موضوعی نهج البلاغه در مجموع تعداد ۵۲ مورد (عنوان) استخراج و شناسایی گردید که البته در مرحله پالایش تعداد ۱۴ عنوان خارج از موضوع تحقیق حاضر از یابی شده و حذف گردیدند. مطالعه، فیش برداری و فهرست نویسی نهایی و جامع در خصوص «شناخت بعثت پیامبر اکرم ﷺ در نهج البلاغه» بر اساس ۳۸ عنوان (۹۱ فراز) انجام

گرفته است.

نتایج پژوهش نشان از آن داشته که موضوع بعثت نبوی ۳۸ مرتبه (در ۹۱ فراز) در نهج البلاغه شمارش گردیده که بر اساس ساختار نهج البلاغه در ۳۵ خطبه و یک نامه شناسایی و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شده اند (۳۸ مورد شامل ۳۷ مورد در خطبه ها و یک مورد در نامه ها) (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱) نتایج نهایی موارد بررسی شده موضوع بعثت نبوی در نهج البلاغه

تعداد موارد	تعداد ساختار	ساختار نهج البلاغه
۳۷	۳۵	خطبه ها
۱	۱	نامه ها
۰	۰	حکمت ها
۳۸	۳۶	جمع کل

پدیده انقلاب از منظر جامعه شناسی انقلاب، از آغاز تا به سرانجام سه مرحله شرایط قبل از بعثت، فرآیند وقوع بعثت و همچنین آثار و ثمرات بعثت را طی می کند. بعثت پیامبر اسلام ﷺ به منزله واقعی و حقیقی انقلابی الهی و اسلامی محسوب شده و بر این اساس سعی مقاله حاضر تبیین چگونگی آن، بر اساس سه مرحله پیشین (شرایط قبل از بعثت، مرحله وقوع و شکل گیری بعثت و همچنین آثار و ثمرات بعثت) از منظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه داشته است.

بر اساس دو منبع بهج الصباغه شرح نهج البلاغه شیخ شوشتری و سیمای محمد ﷺ در نهج البلاغه شکر الله جهان مهین، در مجموع ۵۲ عنوان در بخش «پیامبر اکرم ﷺ» در نهج البلاغه شناسایی گردید که در مرحله ارزیابی و پالایش تعداد ۱۴ مورد خارج از موضوع «بعثت پیامبر اکرم ﷺ» ارزیابی شده و حذف گردیدند و در پایان بررسی تعداد ۳۸ عنوان نهایی شد. مطالب ۳۸ عنوان نهایی مورد بررسی موضوع بعثت پیامبر اکرم ﷺ در نهج البلاغه در قالب ۶۶ موضوع اصلی و ۳۴۳ موضوع فرعی فهرست و استخراج شده اند. نتایج نهایی

پژوهش درخصوص «ساخت و طراحی مدل جامع تبیین بعثت پیامبر اکرم ﷺ از زبان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه» بر اساس سه مرحله جامعه‌شناختی انقلاب پیشین به قرارذیل قابل ارائه می‌باشند (جدول شماره ۲):

۱. ۱۱ مرتبه در نهج البلاغه درخصوص «فلسفه و چیستی بعثت» شمارش گردید که در آنها ۴۲ ویژگی، مشخصه و صفت برای بعثت پیامبر اکرم ﷺ از زبان امام علی علیه السلام ترسیم و محاسبه گردید.

۲. ۲۳ بار در نهج البلاغه درباره «خصائص پیامبر ﷺ در حوزه بعثت» گزارش شده که در آنها ۱۲۱ خصوصیت برای پیامبر اکرم ﷺ از زبان امام علی علیه السلام بیان شده است.

۳. ۱۷ مرتبه در نهج البلاغه درباره موضوع «شرایط قبل از بعثت» شناسایی گردید که در آنها به ۱۰۸ وضعیت و شرط قبل از بعثت پیامبر اکرم ﷺ از منظر امام علی علیه السلام پرداخته شد.

۴. ۱۵ بار در نهج البلاغه به بخش «آثار و ثمرات بعثت» توجه شده که در آنها به ۷۲ کارکرد بعثت پیامبر اکرم ﷺ از دیدگاه امام علی علیه السلام اشاره شده بود.

البته علاوه بر آن، یازده مورد امام علی علیه السلام صریحاً شهادت و گواهی به رسالت و بعثت پیامبر اکرم ﷺ پرداخته و همچنین سه مورد درخصوص قرآن به منزله همراه و معجزه بعثت نبوی و دو مورد درباره دعا‌های امام علی علیه السلام در حق رسالت نبوی نیز شمارش شده است (جدول شماره ۳).

هدف اصلی پژوهش حاضر «ساخت و طراحی مدل جامع تبیین بعثت پیامبر اکرم ﷺ از زبان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه» باتکیه با جهت‌گیری جامعه‌شناختی انقلاب بوده که بر اساس نتایج گزارش گردیده می‌توان ابراز داشت که مدل پیشنهادی مبتنی بر «عناصر سه گانه» بوده که ارتباط تنگاتنگ بین عناصر سه گانه مذکور می‌توان تصویری جامع از مفهوم بعثت پیامبر اکرم ﷺ در نهج البلاغه ارائه داد (نمودار شماره ۲)

جدول شماره ۲) نتایج نهایی شناخت بعثت پیامبر اسلام ﷺ از زبان امام علی علیه السلام

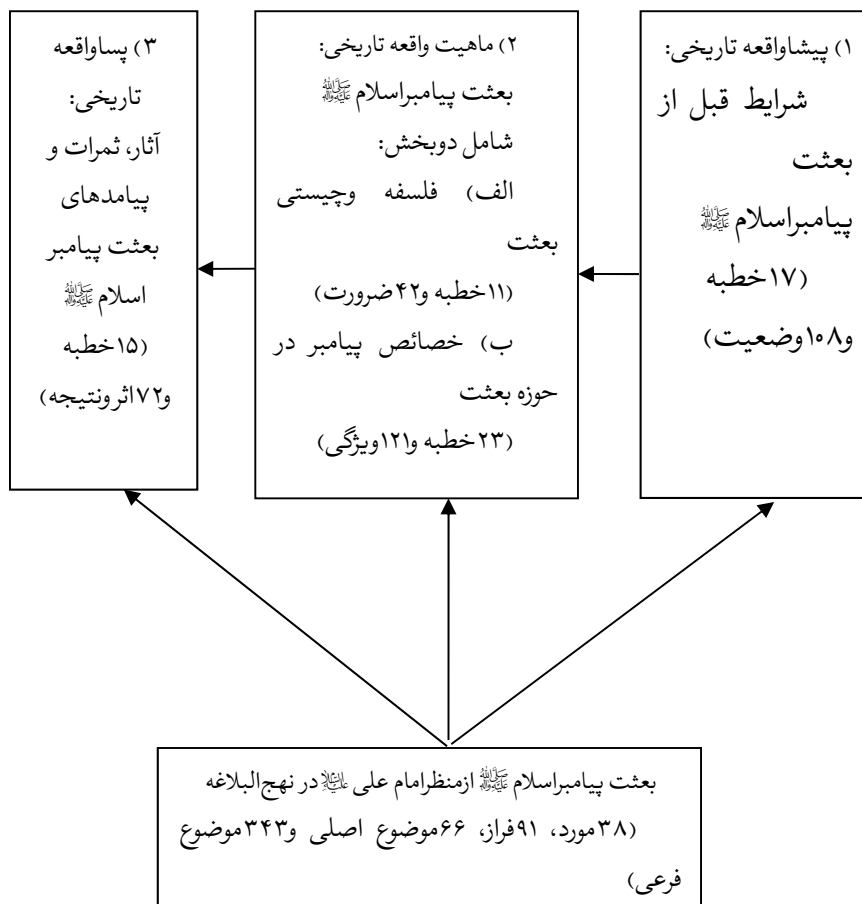
در نهج البلاغه

به ترتیب موضوع، شماره و تعداد ردیف‌های متن و تعداد موضوعات اصلی

ردیف	موضوع اصلی	شماره ردیف‌های موضوعات گزارش شده در متن مقاله حاضر	تعداد ردیف	تعداد موضوع
۱	فلسفه و چیستی بعثت نبوی	۱-۲-۶-۱۱-۱۷-۱۸-۱۹-۲۲-۲۳-۲۷-۳۱	۱۱	۴۲ ضرورت
۲	خصائص نبوی در حوزه بعثت	۱-۳-۵-۸-۹-۱۰-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸- ۲۰-۲۲-۲۴-۲۵-۲۶-۲۹-۳۱-۳۲-۳۳- ۳۴-۳۸	۲۳	۱۲۱ ویژگی
۳	شرایط قبل از بعثت نبوی	۱-۲-۳-۴-۷-۸-۹-۱۲-۱۸-۲۰-۲۱-۲۷- ۲۸-۳۰-۳۲-۳۳-۳۵	۱۷	۱۰۸ وضعیت
۴	آثار و ثمرات بعثت نبوی	۱-۴-۵-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴-۲۰-۲۲-۲۵-۳۰-۳۱- ۳۲-۳۳-۳۶	۱۵	۱۷۲ اثر

جدول شماره ۳) نتایج فرعی شناخت بعثت پیامبر اسلام ﷺ از زبان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه

ردیف	موضوع فرعی	شماره ردیف‌های موضوعات گزارش شده در متن مقاله	تعداد ردیف
۱	قرآن به منزله همراه و معجزه بعثت نبوی	۱۹- ۲۱- ۲۳	۳
۲	شهادت و گواهی امام علی علیه السلام بر رسالت نبوی	۲- ۶- ۱۱- ۲۰- ۲۵- ۲۶- ۲۷- ۲۹- ۳۳- ۳۴- ۳۵	۱۱
۳	دعاهای امام علی علیه السلام در حق رسالت نبوی	۵ و ۱۴	۲



نمودار شماره ۲) نتیجه گیری نهایی پژوهش:

عناصر سه گانه ساخت و طراحی مدل جامع تبیین بعثت پیامبر اکرم ﷺ از زبان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ارفع، کاظم. (۱۳۷۹). الکتاب المعجم لموضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات فیض کاشانی.
۴. انصاریان، علی. (۱۳۵۷). الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات مفید.
۵. اویس، کریم محمد. (۱۴۰۸ ق). المعجم الموضوعی ل نهج البلاغه، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. بیضون، لیب. (۱۴۰۸ ق) تصنیف نهج البلاغه، تهران، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۹). نظریه های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۸. جهان مهین، شکرالله. (۱۳۵۹). سیمای محمد ﷺ در نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، انتشارات برهان.
۹. جرداق، جورج. (۱۳۵۶). شگفتیهای نهج البلاغه، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران، انتشارات بعثت.
۱۰. زکی، محمدعلی. (۱۳۹۸). نقش واهمیت کتابشناسی در نهج البلاغه پژوهی: معرفی و نقد کتاب "مصادر الدراسة عن نهج البلاغه" حیدر کاظم الجبوری، مجموعه مقالات پذیرفته شده در کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای علوم انسانی اسلامی، تهران، ۳۰ مرداد.
۱۱. شوشتری، محمد تقی، (۱۳۷۶). بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۲. مشکینی، علی. (۱۳۶۳). الهادی الی موضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات چاپخانه ی وزارت اسلامی
۱۳. مصطفوی، جواد. (۱۳۵۴). الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. المیلانی، سید هاشم. (۱۴۳۲ ق). سیره الرسول الاعظم فی نهج البلاغه، العتبه المقدسه العلویه، نجف الاشرف، مکتبه الروضه الحیدریه.

موانع اجرای عدالت اجتماعی با محوریت بیانیه گام دوم

صدیقه طوسی^۱

چکیده

عدالت آرمانی انسانی است و سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد. از سپیده دم آفرینش به عنوان یک گرایش فطری در نهاد همه انسان‌ها نهادینه شده و یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیاء الهی اجرای صحیح آن در سطح جوامع بشری بوده است. یکی از مهمترین اقسام عدالت، عدالت اجتماعی به معنای بهره‌مندی همه افراد جامعه از امکانات عمومی، بر اساس ظرفیت‌ها و استعدادهاشان است. اجرای این امر ضروری جامعه، علاوه بر ایجاد زمینه‌های لازم، نیازمند رفع موانع و چالش‌های پیش روی آن نیز می‌باشد. به همین دلیل رهبر معظم علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب که یکی از سیاست‌های بلند مدت جمهوری اسلامی و چراغ هدایت نسل جوان کشور است، با مخاطب قرار دادن ملت ایران به ویژه جوانان و مسئولان و کارگزاران نظام، برخی از موانع سدّ راه اجرای عدالت اجتماعی را بیان نموده‌اند که پژوهش ذیل با محوریت این بیانیه ارزشمند به روش توصیفی - تبیینی و با بهره‌گیری از کتب اخلاقی، سیاسی، روایی و تفسیری، به نگارش درآمده است. این موانع عبارتند از: فساد، وسوسه امیالی مثل مال و مقام و ریاست، حرص و طمع و حرام‌خواری (لقمه حرام) است و منشأ این آفات در واقع چیزی جز پیروی اشخاص از هواهای نفسانی

۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه الزهراء علیها السلام گلدشت. reza.zh.2018@gmail.com

آنها نیست و بهترین راه برطرف کردن این مانع، تلاش برای جهاد با نفس و تزکیه می باشد. بخشی از این موانع ناظر به قوای سه گانه و عدم نظارت و قاطعیت آنها نسبت به بخش های مرتبط و ذی ربط آنها می شود که رفع این مانع نیازمند نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع بر عملکرد آنهاست.

کلید واژگان: اجرای عدالت اجتماعی، بیانیه گام دوم، فساد، موانع.

مقدمه

عدالت اجتماعی یکی از والاترین ارزش‌های انسانی است که با فراگیر شدن آن، هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و همه عناصر و اشخاص جامعه به تناسب ظرفیت‌ها و استعدادهایشان در جایگاه شایسته خویش قرار می‌گیرند. در تعالیم دین مبین اسلام، مهم‌ترین فلسفه تشکیل حکومت الهی ارسال رسل، اجرای این فضیلت اجتماعی معرفی شده، همچنین روایات ناب معصومین و سیره علمی آنها در پیاده‌سازی این امر حیاتی، موید اهمیت این مطلب می‌باشد. از طرفی نیز اجرای این آرمان والا همیشه آسان نیست و با موانعی که برخی از آنها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، مواجه می‌شود که غفلت از این عوامل پرواز به سوی قله‌های رفیع عدل و داد را با مشکلات بسیاری روبه رو می‌سازد. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب که منشور تمدن‌سازی نسل آینده محسوب می‌شود در چهارمین بند از توصیه‌های هفت گانه خود به جوانان و مسئولین نظام اهمیت این مسئله را بیان نموده و در قالب ارائه راهکارهای اجرای عدالت به برخی از موانع نیل به این آرمان اشاره داشته‌اند که تحقیق حاضر با محوریت این بیانیه برخی از موانع اجرای عدالت اجتماعی را بیان و بررسی نموده است.

لازم به ذکر است که منظور معظم له و پژوهش حاضر از بیان برخی از این موانع، این نیست که نظام اسلامی، نظامی ناعادلانه است یا همه مسئولین کشوری از عدل و انصاف به دورند، بلکه منظور این است که در اجرای این امر مهم، با شاخصه‌های اسلامی و الهی فاصله داریم و کم کردن این فاصله جز با شناخت موانع و تلاش همگانی برای رفع آنها میسر نخواهد شد. در مورد پیشینه این مقاله می‌توان به این موارد اشاره نمود؛ کتاب اصلاحات، راهنمای مبارزه با فقر، فساد و تبعیض تألیف اسماعیل پرور (۱۳۸۰)، کتاب استکبار و استضعاف در قرآن، تألیف محمد سروش (بی تا)، «بیانیه گام دوم انقلاب» بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام (۹۷/۱۱/۲۲) تدوین و در سایت farsi.khamenei.ir قابل دسترسی است که این مقاله به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب ابتدا به تبیین دستاوردهای

شگرف چهل دهه گذشته پرداخته، سپس با ایراد توصیه‌هایی کلیدی هفت‌گانه ملت ایران به چاپ رسیده که در این مقاله بعد از بیان ویژگی‌های بیانیه گام دوم، به بیان عدالت و الزامات تحقق عدالت در بیانیه که شامل قوانین عادلانه و مجریان عادل و با تقوی و نظارت و آگاهی مردم -گفتمان سازی، مجاهدت، مبارزه ایستادگی و تحقق همزمان عدالت و دیگر ارزش‌ها می‌شود، پرداخته است. مقاله عدالت اجتماعی یعنی یکسان بودن فرصت‌ها جمله تأمل برانگیز رهبر انقلاب علیه السلام درباره عدالت اجتماعی، «دانشجویان در مطالبه عدالت کوتاهی کرده‌اند.» (۹۳/۱۱/۱۵) که این مقاله گفتگویی با صمد عزیزی که یکی از فعالین سابق دانشجویی ترتیب داده و درباره سخنان رهبر انقلاب علیه السلام در مورد عدالت اجتماعی سئوالاتی مطرح و این فعال دانشجویی پاسخ می‌دهد.

۱. مفهوم شناسی:

آشنایی با موانع اجرای عدالت اجتماعی، درگام اول نیازمند آشنایی با مفهوم عدالت اجتماعی است؛ لذا در ابتدا تعریف مختصری از این واژه ارائه می‌گردد:

۱. مفهوم عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، اصطلاحی سیاسی، اجتماعی به معانی برقراری شرایط و دفع موانع جهت بهره‌مندی همه مردم به طور یکسان از امکانات عمومی موجود است به این معنا که هر کسی به تناسب شایستگی‌های فردی و اجتماعی، صنفی و طبقاتی خود بتواند در جایگاه شایسته خودش قرار گیرد و پایگاه و منزلت او بنابر استعداد و استحقاقش تعیین گردد. (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷).

حضرت امیر علیه السلام در پاسخ به این سؤال که عدل برتر است یا جود ابتدا به معنای عدل و جود پرداخته، آنگاه عدل را اشرف و افضل معرفی کرد. آنجا حضرت علیه السلام در معنای عدل فرمودند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (شریف رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۳۷، ص ۵۵۳). «عدالت یعنی؛ هر چیزی را جای خود قرار دهیم.» بنابراین طبق فرمایش امام علی علیه السلام عدل

جریان‌ها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد، اما جود جریان‌ها را از مجرای طبیعی خود خارج می‌سازد. زیرا به هر کس به اندازه توانایی و شایستگی‌اش استحقاق‌های طبیعی و واقعی خود را می‌دهد. عدالت اجتماعی در اسلام ایجاد حالت توازن میان افراد اجتماع متناسب با وضع اجتماعی شهروندان از وظایف اصلی حکومت اسلامی است که این اصل عدم انعطاف در اجرای عدالت را ثابت می‌کند. (مرکز تحقیقات قائمیه، ۱۳۹۱، ص ۳۱۴). www.madiryar.com تحقق و اجرای عدالت اجتماعی در طول تاریخ بشریت همواره با موانعی رو به رو است به هر آنچه که کسی را از کاری باز دارد و یا مانع اجرای کاری گردد مانع گفته می‌شود. و موانع یعنی چیزهایی که بازدارند و ممانعت کنند کسی را از کاری و هر آنچه مانع اجرای کاری گردد. (دهخدا، بی‌تا، www.vajeab.com) با توجه به تعریف فوق موانع اجرای عدالت اجتماعی به آن عواملی است که جامعه را از نیل و رسیدن به اجرای عدالت باز می‌دارد. به عبارت دیگر اگر زمینه‌های اجرای عدالت ایجاد نشود یا مطابق آن رفتار نگردد همه آنها به موانع اجرای عدالت مبدل می‌شود.

۲.۱. مفهوم حرص

حرص عبارت است از تعدی و افراط علاقه و تجاوز میل انسان به سری امور مادی و منافع دنیوی، به طوری که از حد اعتدال و میزان صحیح و حدود و وظایف الهی خارج گشته و فعالیت‌های ناروا و حرکات برخلاف عبودیت از او سر بزند و مسلم است که مهربانی و رحمن حق تعالی در مواردی که جریان عدالت و انجام وظایف عبودیت رعایت شود، جریان پیدا کرده و ظهور می‌کند. (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص ۱۳۳)

فضیل بن عیاض: امام صادق علیه السلام از من پرسید: آیا می‌دانی شحیح کیست؟ عرض کردم شخص بخیل، فرمود؛ تنگ نظری (شحیح) بیشتر از بخیل می‌باشد، زیرا بخیل شخصی را می‌گویند که از بخشیدن آنچه خویش دارد، خودداری می‌کند و (شحیح) کسی است که حرص و لثامت دارد، هم نیست به دارائی‌های خود و هم نسبت به آنچه مردم دارند و علاوه بر آن چنان اسیر حرص و آز می‌باشد که هر چیزی در اختیار مردم ببیند دلش می‌خواهد

جزء اموال او باشد، چه از راه حلال و چه از راه حرام بدست آورد و به آنچه نصیبش نموده سیر و قانع نمی‌گردد. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ۲ / ۱۰۲) بنابراین نعمت‌های مادی دنیا ذاتاً مذموم و زشت نیستند بلکه تابع چگونگی بهره‌گیری از آنهاست که به آنها این شکل را می‌دهد. اگر از آنها به طور صحیح بهره‌گیری شود، چهره‌ای محبوب و مطلوب دارد در غیر این صورت منفورند. هر گاه مواهب دنیا ابزاری برای وصول به آخرت و کمک به نیازمندان و حمایت از ضعفا و ترویج و تحکیم پایه‌های حق و عدالت باشد، چیزی بهتر از آن نیست و اگر در مسیر گناه و حرص صرف گردد، چیزی بدتر از آن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲ / ۱۱۶)

حرص توأم با غضب الهی است در صورتی که ایمان یقینی نیست حرص جریان پیدا می‌کند و در صورتی که ایمان کسی به مرتبه یقین، تسلیم شدن در مقابل فرمان و حکم و صلاح دید پروردگار متعال است و هرگز طمع و حرص در این مرحله، صورت خارجی پیدا نخواهد کرد. (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص ۱۳۳)

۲. اهمیت اجرای عدل در اسلام از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام

از منظر اسلام عدل از اهمیت ویژه و جایگاه والایی برخوردار است و مانند مساله‌ی توحید در تمام اصول و فروع اسلام ریشه دوانده است. عدالت یک آرمان مقدس و با ارزش است که مسلمانان هم به صورت فردی و هم به صورت اجتماعی و در تمام روابط و پیوندهای خود باید آن را عملی سازند. (خاتمی ساروی، ۱۳۹۶، ص ۴۶). مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: نظام اسلامی، نظام عدالت است لذا در آیه شریفه قرآن، فرستادن پیامبران و نازل شدن کتب آسمانی را به هدف اقامه قسط معین فرموده است (جاویدی، ۱۳۸۵، ص ۴۵). «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، آیه ۲۶). «قسط» در بیشتر موارد استعمال بر همان عدالت اجتماعی تطبیق می‌شود، راغب می‌نویسد «قسط» بهره‌ای است که از راه عدل عاید می‌شود. (حیدری نراقی، ۱۳۹۰، ص ۴۶۹). بنابراین عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت الهی و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۹۷/۱۱/۲۲، farsi.khamenei.ir)

به طوری که رهبر انقلاب علیه السلام به عنوان حاکم جامعه و یکی از رهروان مکتب اسلام و انبیاء و اولیاء وارسته این دین مقدس، بعد از چهل سال تلاش مستمر و گذر از موانع و چالش‌ها و در مطلع فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی ایران، با بیان شأن و جایگاه این فریضه در دین، بر این اصل مهم و حیاتی اشاره نموده و برخی از موانع مهم تحقق و اجرای آن را بیان فرموده است که اگر قرار باشد قطار انقلاب همچون گذشته روشن خود و برتر از آن، مسیر تکامل و سعادت خویش را به بهترین وجه طی کند، باید این موانع برطرف گردد که طبق بیان رهبر حکیم انقلاب علیه السلام این موانع از مفاسد اخلاقی، سیاسی و اقتصادی نشأت می‌گیرد و اجرای عدالت مستلزم شناخت و رفع این مفاسد است که در ذیل به برخی از این موانع اشاره می‌گردد.

۳. موانع اخلاقی

یکی از وظایف حکومت اسلامی زمینه‌سازی برای رشد ایمان و اخلاق اسلامی در جامعه است که اگر این زمینه فراهم نشود و مردم و مسئولین در رأس جامعه با پیروی از هواهای نفسانی خویش و با زیاده‌خواهی و افزون طلبی روی آورند و دچار انحرافات اخلاقی باشند از جمله موانع اخلاقی عبارتند از:

۱.۳. فساد

عدالت قانونی است فراگیر که همه ابعاد زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد و نظام هستی بر محور آن می‌چرخد. عدالت اجتماعی مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد که شامل ابعاد روحی، جسمی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی می‌شود. همان گونه که فرشتگان به هنگام خلقت انسان بر روی زمین پیش بینی کردند و گفتند: «آیا بر روی زمین کسانی را قرار می‌دهی که در آن فساد می‌کنند و خون می‌ریزند؟» از همان آغاز فساد حاکم شد، جور و ستم آغاز گردید، قابیل برادرش هابیل را به قتل رسانید و تاکنون این فساد و تباهی سرتاسر گیتی را فراگرفته است. و اگر در نوار خاصی از مکان و محدوده خاصی از زمان (چون عهد رسالت و ایام

خلافت مولای متقیان) عدالت حاکم بوده، از نظر زمان و مکان آنقدر محدود بود، که در برابر جور و ستم حاکم بر کره خاکی در طول قرون و اعصار بسیار ناچیز می‌باشد. از این رهگذر به جرأت می‌توان گفت: هدف نهایی از بعثت پیامبران، (که برقراری قسط و عدل است) هنوز جامه عمل نپوشیده است. (مهدی پور، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸-۱۱۹).

به همین دلیل یکی از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب علیه السلام برای برقراری عدالت مبارزه با فساد می‌باشد. ایشان دو مفهوم گسترش عدالت و مبارزه با فساد را لازم و ملزوم هم دانسته و هر یک از مصادیق فساد مانند فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی را توده چرکین کشورها بیان نموده‌اند که در بدنه حکومت‌ها عارض شود زلزله‌ای ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها خواهد بود. به طوری که از دیدگاه ایشان شرط مشروعیت همه مقامات حکومت اسلامی «طهارت اقتصادی» معرفی شده است. فساد در میان کارگزاران شامل موارد ذیل می‌شود:

۲.۳. وسوسه مال و مقام و ریاست

نگاه اجمالی به آیات قرآن نشان دهنده این است که دنیا بازار است و تمام مردم، عمر و توان و استعداد خودشان را در آن عرضه می‌کنند و فروش جنس در این بازار اجباری است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نفس کشیدن انسان گاهی به صورت مرگ است. پس انسان الزاماً عمر را هر لحظه از دست می‌دهد و در این بازار آنچه مهم است، انتخاب مشتری است و بستگی به افراد دارد که چه مشتری انتخاب کنند. افرادی با خدا معامله می‌کنند و هر چه دارند در طبق اخلاص گذاشته و در راه او و برای رضای او گام برمی‌دارند، این افراد عمر فانی باقی کرده و دنیا را با بهشت رضوان الهی معامله می‌کنند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱۰/۵۸۵). همانند حضرت علی علیه السلام که عارفی آگاه، زهد این امام همام را اینگونه توصیف می‌کند. دنیا در نظر ایشان پست‌تر از خاکستری بود که در برابر گردبادهای طوفانی قرار گرفته باشد، و مرگ از نظر وی آسان‌تر از خوردن آب هنگام تشنگی شدید بود. حکومت برای ایشان هدف نبود و حرص به مقام و به دست آوردن تخت و صندلی نداشت، امام حکومت را برای رسانیدن هر صاحب حقی به حقش، و جهت گسترانیدن عدالت در همه شئون

زندگی می‌خواست. (انصاریان، بی‌تا، ۸ / ۳۰۶).

افرادی نیز هستند که در این بازار، عمر خود را به هوس‌های خود و یا دیگران بفروشد و به فکر رضای خداوند نباشند که در دید این گروه، زنگ و زیرک کسی است که بتواند با هر کار و کلام و شیوه‌ای، خواه حق و خواه باطل، زندگی مرفهی برای خود درست کند و در جامعه شهرت و محبوبیتی یا مقام و مدالی کسب کند، اما در فرهنگ اسلامی زیرک کسی است که از نفس خود حساب بکشد و آنرا رها نکند، برای زندگی ابدی کار کند و هر روزش بهتر از دیروزش باشد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱۰ / ۵۸۷).

به همین دلیل رهبر حکیم و زاهد جمهوری اسلامی علیه السلام می‌فرماید: وسوسه مال و مقام و یاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود امیرالمؤمنین علیه السلام کسانی را لغزاند پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند هرگز بعید نبوده و نیست. (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و همگان به ویژه کارگزاران حکومتی را از این صفت رذیله برحذر داشته و آنها را به زهد و قناعت توصیه می‌نماید. به عبارت دیگر مسأله اساسی که در انقلاب اسلامی هدف اعلی و والا به حساب می‌آید عبارت از تزکیه نفس است برای مردم واقع بین روشن است که منشأ شرور نفسانی و آفات اخلاقی کشش‌های غریزی و خواهش‌های نفسانی است. غرایز و تمایلات، با قدرتی در وجود انسان حکومت می‌کند و در خواسته‌های خود حد و مرزی نمی‌شناسد بلکه فقط رضای خود را می‌طلبد و برای نیل به هدف هر عمل زشت و ضد اخلاقی را روا می‌دارند. (حیدری نراقی، ۱۳۹۰، ص ۳۲) به همین دلیل جهاد اکبر، در لسان روایات، جهاد با نفس سرکش و غلبه بر هوی و تمایلات است. کسی که در پرتو قدرت اراده و تصمیم جهاد با نفس پیروز می‌شود هرگز دستش به تجاوز و ستم دراز نمی‌شود و دامن خود را به تعدی و ظلم به این و آن آلوده نمی‌نماید. (همان، ص ۴۱)

۳.۳. حرص و طمع

عدل مقدمه تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسان هاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران الهی برای همین است. (جاویدی، ۱۳۸۵، ص ۹۴). «انما بعثت لأتم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱/۱۶) پیامبر (ﷺ) می فرماید: «همانا من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شدم.»

تخلق به اخلاق و صفات الهی جز با شناخت آنها و برطرف کردن راه های کسب آنها میسر نمی شود. همان طور که قبلاً گفته شد، عدل یعنی اعتدال و میانه روی (افرام بستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۲) و این میانه روی در بهره مندی از نعمت های دنیوی نیز ملاک و مورد توجه دین است در حالی که گاهی اوقات، برخی از انسان ها به ویژه زمانی که به منصب و مقامی می رسند، از حد اعتدال در بهره مندی از نعمت های مادی خارج شده و با حرص و طمع بیشتر خواهاد افزایش مال خود می شوند. به همین دلیل امام خامنه ای (ع) در بیانیه گام دوم خویش در بیان موانع اجرای عدالت به این رذیله اخلاقی اشاره نموده و همگان به ویژه مسئولین را از حرص برحذر داشته، فرموده اند: «همه باید از حرص برحذر باشند و از خداوند در این باره کمک بخواهند.»

۴.۳. استفاده از لقمه حرام

رزق حلال و درآمد مشروع، نعمت الهی است و ثروت های بدست آمده از راه گناه و خلاف، حرام است و خوردن آن حرام خواری نامیده می شود. در مورد نکوهش حرام خواری رسول خدا (ﷺ) فرمودند: «من اكل لقمه حرام لم تقبل له صلاه اربعین ليله» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۳ / ۳۱۴). «هر کس یک لقمه حرام بخورد، تا چهل روز نماز او قبول نمی شود.» همچنین فرمودند: «من اکتسب مالا من غیر حله کان راده الی النار» (مفید، ۱۳۱۳، ص ۲۴۹). «هر کس از راه غیر حلال، ثروت بدست آورد او را به دوزخ بازمی گردانند.» این روایات بیانگر این است که یک مسلمان باید در زندگی خود یک انضباط اقتصادی داشته باشد. و از خط قرمز دین عبور نکند و هر مالی را از هر راهی که باشد بدست نیاورد از طرفی

نیز خرج کردن اموال در راه خدا پسند و جایز و مشروع باشد. (محدثی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹) مرحوم ملا احمد نراقی مال حرام را بزرگترین عامل هلاکت انسان و مهم‌ترین موانع رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی معرفی می‌کند و می‌فرماید: بیشتر کسانی که به هلاکت رسیدند، به سبب خوردن مال حرام بوده و اکثر مردمی که از فیوضات و سعادات محروم ماندند به واسطه آن است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۴۶۹)

حرام خواری آثار منفی بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی بشر به جای می‌گذارد که در ذیل به اختصار بیان می‌گردد: در سخنان اولیای دین؛ عدم استجابت دعا، عدم قبولی اعمال، سیاهی دل، لعن فرشتگان و عدم شناخت اهل بیت از جمله آثار فردی این گناه است. (همان)

بررسی آثار اجتماعی مال حرام نشان می‌دهد که وقتی فرد اجتماع، از گرفتن مال حرام ابائی نداشته باشند و هر کس تنها به این فکر باشد که چگونه جیب خود را از جیب دیگران پر کند، روح برادری و نوع دوستی از جامعه رخت برمی‌بندد و در نتیجه اخلاق اجتماعی در جامعه به خطر می‌افتد، چرا که تغییر سرنوشت اجتماع، در گرو تغییر اخلاق و رفتار مردم است. به عبارت دیگر درآمدهای حرام در جامعه، منشأ ایجاد کینه و دشمنی می‌شود و صلح و صفا را از بین می‌برد و چون افراد حریم‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرند فرقی میان خیانت، دزدی، کلاه‌برداری و... نیست و باعث می‌شود امنیت اجتماعی از بین برود. همچنین گسترش لقمه حرام در جامعه موجب از بین رفتن فضائل می‌گردد، و نه تنها فرد را از انسانیت ساقط می‌کند بلکه اجتماع را نیز به مخاطره می‌اندازد و باعث متلاشی شدن اصول اخلاق اجتماعی و شیوع هرج و مرج و بی‌بندوباری در جامعه می‌گردد. (همان، ص ۴۷۰) عدالت اجتماعی یکی از مهمترین اصول اخلاق اجتماعی است که رواج لقمه حرام در جامعه باعث آسیب‌های جدی به پیکره این اصل می‌شود.

به همین دلیل مقام معظم رهبری علیه السلام حکیم با درایت، با آگاهی از خطرات و آثار جبران ناپذیر حرام خواری در جامعه، همگان به ویژه مسئولان نظام را از این بیماری مهلک که از

حرص و طمع و ضعف ایمان اشخاص سرچشمه می‌گیرد، برحذر می‌دارند و می‌فرماید: همه باید از لقمه حرام بگریزند و در این راه از خداوند کمک بخواهند.

بنابراین، اجرای عدالت اجتماعی به پرورش و تربیت انسان‌هایی نیازمند است که با مجاهدت خود، نفس خویش را از هرگونه آلودگی، پیروزی از هواهای نفسانی، وسوسه‌های شیطانی و حرص و طمع بازداشته و از حرام‌خواری منع نموده تا با رفع این موانع جاده نیل به این غایت مهم هموار گردد.

۴. موانع اجتماعی سیاسی

دنیا لغزشگاه است و جاذبه‌های دنیا لغزش آفرین که متأسفانه برخی از کارگزاران دولتی و حکومتی به این جاذبه‌ها و لغزش‌ها آلوده می‌شوند که اگر نیروی نظارتی قاطع بر آنها نظارت و دقت لازم را نداشته باشد یا در برابر این ناهنجاری‌ها سکوت کرده و با این مسئولین مدارا داشته باشد و به این خاطیان میدان دهد، مسلماً اجرای عدالت اجتماعی به معنای واقعی میسر نخواهد شد. که در ذیل این موانع بیان و بررسی می‌گردد:

۱.۴. عدم نظارت و قاطعیت مستمر بر قوای سه گانه

با توجه به اینکه ارکان قدرت در کشور ما قوای سه گانه (مقننه، قضائیه، مجریه) هستند، مسلماً اگر پیکره این سه قوه با فساد توأم باشد یا بر دستگاه‌های زیر دست خود نظارت نداشته باشند و آنها دچار فساد باشند این نقص و نابسامانی بر همه بخش‌های حکومتی سرایت کرده و حرکت کاروان کشور به سوی اجرای هر چه بهتر عدالت اجتماعی، یا مشکلات فراوانی مواجه می‌گردد. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانیه گام دوم می‌فرماید: باید دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند. (بیانیه گام دوم انقلاب). (بیانیه گام

دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

مسئولان در گزینش کارگزاران باید نهایت دقت را داشته باشند تا مردمی، نیک خوی و

استوار را برای کاربرگزینند. اگر به چنین هدفی نائل آمدند نیز نباید از امکان فساد اداری و به وجود آمدن تخلف از قانون و ناهنجاری در رفتار آسوده خاطر باشند. از این رو تشکیلاتی که ناظر بر رفتار کارگزاران و نگران لغزش‌ها و ناهنجاری‌های اداری باشد، ضروری است.

امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه، تجسس در اموال شخصی را در نظام حکومتی به شدت ممنوع نمودند از طرفی نیز بر مراقبت از کارمندان نظام و نظارت بر رفتار کارگزاران از طریق اطلاعاتی، تأکید ورزیدند تا مبادا کارگزاران در انجام وظایف کوتاهی کنند و با تأکید بر قدرت و مسندی که در اختیار دارند به حقوق مردم تجاوز روا دارند. (محمدری شهری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶).

قاطعیت به معنای فیصله دادن به امور و حل مشکلات است. این امر با یکدندگی و لجبازی تفاوت دارد. برخی قاطعیت و پافشاری بیش از حد و عدم انعطاف‌پذیری و برخی دیگر آن را سخت‌گیری می‌دانند در حالی که قاطعیت دارای دو نمود مهم است: یافتن تصمیمی کارساز و کامل و دیگری؛ ابراز تصمیم قاطع و به دور از شک و تردید.

یقیناً تردید، دودلی، ترس، هوس‌های زودگذر، استهزاء و حرف مردم از موانع قاطعیت هستند. (مرکز تحقیقات قائمیه، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱. Madiryar.com) به همین دلیل رهبر معظم انقلاب در ادامه بیانیه خویش می‌فرماید: این مبارزه و قاطعیت، نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر، منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است که امید است مسئولین کشور، بیش از پیش در این راه تلاش نمایند و با تهذیب نفس و تقوا و توکل بر خدا در این مسیر پرفراز و نشیب گام گذارند.

۲.۴. مدارا با ویژه‌خواری و انحصارطلبی

انحصارطلبی و ویژه‌خواری در مقابل «ایثار» به کار می‌رود و معنای مقدم داشتن خود یا وابستگان و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواست‌ها، یا ویژه ساختن خود یا نزدیکان برخلاف منطق و عقل و فطرت. (محمدری شهری، ۱۳۸۸، ۱/ ۲۰۵). به عبارت دیگر یعنی انسان مال و متاع یا چیزی را که مورد نیل و رغبت و نیاز دیگران است، ویژه

خودسازد و با خودکامگی و استبداد دست دیگران را از آن کوتاه کند. (حکیمی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۴).

عدالت از گذشته‌های دور یک بحث عامه پسند بوده است و همواره ملت‌ها خواستار اجرای آن در جامعه بوده‌اند، به خصوص در دین اسلام، موضوع عدالت یک بحث محوری است. البته در مقوله عدالت مخالفانی هم دارد که ویژه‌خواری و انحصارطلبی از موانع بزرگ سد راه اجرای عدالت است. (هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۳۹).

به طوری که رهبران و بزرگان دین اسلام از جمله رهبر معظم انقلاب علیه السلام در سخنان ارزنده خویش مدارا کردن و میدان دادن به اشخاصی که باعث ایجاد و رشد این آفات در جامعه اسلامی می‌شوند را مورد نکوهش قرار داده‌اند.

۲.۴-۱. علل و ریشه‌های انحصارطلبی و ویژه‌خواری

اصلی‌ترین عوامل و ریشه‌های انحصارطلبی (ویژه‌خواری)، خودخواهی، بی‌ایمانی و یا ضعف ایمان است. اگر ایمان و خودخواهی ذاتی انسان را هدایت و مهار نکند، انسان خودخواه، به طور طبیعی، انحصارطلب می‌شود و همه چیز را برای خود و وابستگان خود می‌خواهد و به فرموده امام علی علیه السلام: «مَنْ مَلَكَ إِسْتَأْثَر» هر کس به فرمانروایی رسید انحصارطلبی پیشه می‌کند. (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰۰)

تمام ناتوانایی‌های بشر معلول یک خطای نابخشودنی است که عبارت از مقدم داشتن «می‌خواهم» بر عدالت اجتماعی است. زیرا عدالت اجتماعی آن همای سعادت است که اگر روزی به نفع فرد یا گروهی از انسان‌ها بال و پر بگشاید، روزی هم به ضرر او به پرواز در می‌آید در صورتی که اگر قدرتمندان احساس کنند، عدالت قصد مواخذه آنها را دارد، نه تنها عدالت را به سود خود تفسیر می‌کنند بلکه سفارش مکتبی می‌دهند که در آن «تنازع بقا» منطق اصیل زندگی می‌شود. (مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۹۵۳)

۲.۴-۲. برخی از روایات معصومین در مورد حرمت انحصارطلبی و ویژه خواری

پیامبر خدا ﷺ تا آنجا مراقب انحصارطلبی بود که از هرگونه رنگ و بوی این خصلت زشت نیز اجتناب می‌کرد و اجازه نمی‌داد کسی حتی ایشان را بر خود مقدم بدارد. از این رو هنگامی که بند کفش او در طواف، پاره می‌شود و شخصی به احترام ایشان بند کفش خود را باز می‌کند و به ایشان می‌دهد نمی‌پذیرد و می‌فرماید: «هذه أثره و لا أقبل أثره»، این نوعی امتیاز است و من امتیاز را نمی‌پذیرم، اهل بیت پیامبر خدا نیز نه تنها از انحصارطلبی اجتناب می‌کردند بلکه حقوق خود را نیز ایثار می‌کردند. مطالعه سیر عملی آنها در هر دو زمینه به ویژه برای دولت مردان، بسیار آموزنده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ۲۰۱/۱). پیامبر خدا ﷺ و ائمه اطهار علاوه بر اجتناب خود از انحصارطلبی و ویژه خواری همگان به ویژه جامعه اسلامی را از این مانع بزرگ سعادت بشر آگاه نموده و بر حرام بودن آن تأکید دارند که به چند نمونه اشاره می‌گردد: پیامبر خدا ﷺ به روایت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: پنج گروه هستند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه آن را لعنت کرده است؛ آن کس که در کتاب خدا آیه‌ای زیاد کند، کسی که سنت و روش مرا رها کند، و کسی که مال عمومی را به خود منحصر سازد و آن را حلال شمارد. «خمسه لعنتهم..... و المستأثر بالفی، المستحل له» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۲۳۹)

امام علی علیه السلام نیز فرموده‌اند: هر کس در اموال انحصار طلب باشد هلاک می‌شود. (ابن شعبه حرانی، ص ۱۳۶۳. حکیمی، ۱۳۸۳، ۳/۱۱۸)

استثنا و انحصارطلبی یکی از خطرناک‌ترین رذایل اجتماعی سیاسی است که موجب فساد و انحطاط اجتماعی و سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها می‌شود و ویژه‌خواران و انحصارطلبان ضربه‌های جبران‌ناپذیری به پیکره جامعه اسلامی وارد می‌آورند. بنابراین مبارزه قاطع با آنها در صدر رهبران الهی بوده است و مدارا با این قشر سودجو و انحصارطلب به هیچ وجه مورد قبول شریعت و رهبران دین نبوده و نخواهد بود به همین دلیل رهبر انقلاب نیز مدارا و میدان دادن به آنها را منع نموده است.

بنابراین اگر در هر یک از ارکان قدرت کشور، نقص و نابه سامانی باشد، سقف عدالت بر سر مردم سایه نخواهد افکند و عدم نظارت بر رفتار کارگزاران دولتی و عدم برخورد قاطعانه با کارگزاران خاطی و مجرمان دستگاه‌های اداری، دولتی زمینه را برای گسترش ظلم و بی‌عدالتی فراهم ساخته و مدارا با ویژه خواران و انحصارطلبان ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره نظام اجتماعی وارد ساخته و مردم را از چشیدن طعم شیرین قسط و عدل در اجتماع محروم می‌سازند.

۵. موانع اقتصادی

برخی از عوامل اقتصادی، تعادل و توازن جامعه را بر هم می‌زند و باعث می‌شود با تبعیض‌ها و تفاوت‌های ویرانگر و ایجاد فاصله‌های طبقاتی مخرب، فقر و نابسامانی عدیده‌ای بر جامعه حاکم سازند که در ذیل این موانع اقتصادی بررسی می‌گردد:

۱.۵. تبعیض در توزیع منابع عمومی

در منطق قرآن کریم همه انسان‌ها از یک سرچشمه و فرزندان یک پدر و مادرند و هیچ فرقی میان‌شان نیست این مساوات و برابری به تمام معنا در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم وجود داشته است. اسلام تنها تفاخرها و امتیازهای نژادی و اختلاف‌های طبقاتی و برتری‌جویی‌های اجتماعی را نفی کرده. (کریمی نیا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲) و با صداقت اعلام نموده است که «أَنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ» (حجرات: ۱۳)

اما معمولاً در جوامع مختلف، گروهی با توقعات نابجا، از امکانات بیشتری برخوردار می‌شوند. از این رو، دین اسلام، مانع افزون طلبی است. قوانین اقتصادی اسلام به گونه‌ای است که ثروت در میان مردم توزیع می‌شود و نه تنها از تجاوز به حقوق دیگران و استثمار و بهره‌کشی جلوگیری می‌گردد، بلکه ثروت مشروع توانگری نیز از راه‌های مختلف تعدیل می‌گردد. (سروش، بی‌تا، ص ۱۱۲). «تبعیض» و تفاوت ناعادلانه نهادن بین افراد و گروه‌های گوناگون، در واقع یک نحوه ظلم است. ظلم از نظر اهل لغت عبارت است از: نهادن چیزی

در غیر جای ویژه آن یا کمتر و یا بیشتر، و یا آنرا در زمان و مکان خود انجام ندادن. در نظام آفرینش هر چیز جایگاه و حد ویژه‌ای دارد که اگر در آن حد و جایگاه قرار گرفت عدل، و اگر قرار نگرفت ظلم است. زیرا موجب ستم گروهی از مردم بر گروهی دیگر است. به عبارتی «تبعیض» را باید یک نحوه «ظلم اجتماعی» یا گروهی دانست. (پرور، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲) در مکتب اسلام، اصل بر «مساوات و عدالت» در برخورداری از امکانات گوناگون عمومی است و وظیفه حاکم عادل نیز پاسداری از ارزش است. در این آیین، میان مؤمنان رابطه اخوت یا برادری برقرار است. (حجرات: ۱۰) تعابیری همچون اخوت و آئینه بودن مؤمن برای دیگر مؤمنان، همگی از یک بینش ژرف درباره روابط معنوی یکایک افراد جامعه حکایت می‌کند. وجود این روابط و حقوق و تکالیف متقابل میان افراد جامعه، اقتضا می‌کند که مردم، هم نسبت به یکدیگر احساس وظیفه و تکلیف کنند و هم به حقوق یکدیگر وفادار باشند. در چنین بینشی و با تکیه بر چنان روابطی، همگان از حقوق و امکانات مساوی برخوردار خواهند بود. (سروش، بی تا، ص ۱۴۶)

امام خمینی (قدس ره) که اندیشه‌های نابش برگرفته از کتاب و سنت است درباره مالکیت در اسلام می‌فرماید: اسلام مالکیت را قبول دارد، ولی قوانینی در اسلام می‌باشد که مالکیت را تعدیل می‌نماید. اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین‌های بزرگ نمی‌شود مالکیت در اسلام به صورتی است که تقریباً همه در یک سطح قرار می‌گیرند. (همان، ص ۱۴۷) رهبر انقلاب علیه السلام هم که رهرو راستین فرهنگ اسلام و امام خمینی رحمته الله علیه است می‌فرماید: «کسب ثروت نه تنها جرم نیست بلکه مورد تشویق نیز هست اما تبعیض در توزیع منابع عمومی به شدت ممنوع است.» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب)

۲.۵. شکاف طبقاتی و غفلت از نشر نیازمند

در جامعه‌ای عدل و داد به فراموشی سپرده شده و امکانات عمومی، ناعادلانه توزیع گردد، پیدایش دو قطب محروم و ثروتمند قطعی خواهد بود و این معضل اجتماعی در برگیرنده دهها و صدها معضل دیگر است. به عبارتی فقر و محرومیت با همه گستردگی آن

تنها یکی از آثار دردناک بی عدالتی است. (پرور، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵)

لذا امام علی علیه السلام دلیل پذیرش خلافت را در خطبه ۳ نهج البلاغه این گونه بیان می فرماید:

«اگر عهد و پیمان خدای یکتا از دانایان نبود که نباید بر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم، رضایت دهند و هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می انداختم و جام آفرینش را به جام اولین آن سیراب می کردم.» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰). پس شکاف طبقاتی که در شکل شکم بارگی ظالمان و گرسنگی مظلومان نمایان می شود، چنان دردناک و مصیبت زاست که عالمان دین اجازه سکوت در مقابل آن را ندارند. (پرور، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام که تعلیم یافته همین مکتب است نیز در این مورد سکوت ننموده اند و در زمان ها و مکان های مختلف این مسئله را گوشزد نموده اند، و ایجاد شکاف طبقاتی را نوعی عقب ماندگی می دانند و می فرمایند: باید همه تلاش ما این باشد که عقب ماندگی ها را جبران کنیم. من معتقدم تلاش برای عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف های طبقاتی بزرگترین مسئولیت ماست و باید این شکاف بین فقیر و غنی را پر کنیم. (بانک جامع بیانات مقام معظم رهبری، ص ۸۲۳۴)

و در بیانیه خویش در توصیه به جوانان که امیدهای آینده کشور هستند می فرماید: دل های مسئولان باید برای رفع محرومیت ها بتپد و از شکاف های عمیق طبقاتی بیمناک باشد و غفلت از قشر نیازمند به هیچ روی مورد قبول نیست. (خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>))

بنابراین یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی، این است که با وضع قوانین عادلانه و نظارت صحیح برای آن، از هر گونه افزون خواهی افراد جلوگیری نموده و به آنان اجازه ندهد که به هر طریقی با برهم زدن تعادل اقتصادی و اجتماعی باعث ایجاد تبعیض و شکاف

طبقاتی بین فقیر و غنی و به تبع آن جامعه را از مسیر عدالت منحرف نموده و به ورطه ظلم و بی‌عدالتی سوق دهد.

نتیجه‌گیری

عدالت اجتماعی، اصطلاحی سیاسی - اجتماعی است به این معنا که هر کس به تناسب شایستگی‌های فردی، اجتماعی، صنفی، طبقاتی خود بتواند در جایگاه شایسته خویش قرار گیرد. این مقصود و مطلوب همه جوامع به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران است که متأسفانه مورد غفلت برخی از مردم به ویژه مسئولین و کارگزاران نظام قرار گرفته است. این در حالی است که رهبران جامعه از جمله مقام معظم رهبری علیه السلام در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به اهمیت و ضرورت اجرای این گمشده جوامع اشاره نموده‌اند. در راستای اجرای عدالت اجتماعی، موانعی از جمله؛ موانع اخلاقی، موانع سیاسی اجتماعی و موانع اقتصادی، وجود دارد که با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب که یکی از مهمترین و اساسی‌ترین بیانات رهبر وارسته و حکیم انقلاب علیه السلام است، و به اهمیت عدالت و مبارزه با فساد، اشاره نموده‌اند پرداخته شده است. این موانع عبارتند از: فساد، وسوسه امیالی مثل مال و مقام و ریاست، حرص و طمع و حرام‌خواری (لقمه حرام) است و منشأ این آفات در واقع چیزی جز پیروی اشخاص از هواهای نفسانی آنها نیست و بهترین راه برطرف کردن این مانع، تلاش برای جهاد با نفس و تزکیه می‌باشد. بخشی از این موانع ناظر به قوای سه‌گانه و عدم نظارت و قاطعیت آنها نسبت به بخش‌های مرتبط و ذی‌ربط آنها می‌شود که رفع این مانع نیازمند نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع بر عملکرد آنهاست. مدارا و میدان دادن به فریبکاران اقتصادی که با خودخواهی‌های ظالمانه خود، ضربه‌های سهمگین بر پیکره نظام اجتماعی وارد می‌آورند، یکی دیگر از موانع بزرگ اجرای عدالت اجتماعی که صلابت و استواری همه مسئولین به ویژه قوه قضائیه را می‌طلبد تا مسیر بهره‌برداری‌های سودجویانه این قشر را محدود و در صورت ممکن آنها را اصلاح کرده و در غیر این صورت به اشد مجازات برسانند.

تبعیض در توزیع منابع عمومی و در نهایت ایجاد شکاف طبقاتی و پیدایش دو قطب محروم و ثروتمند از دیگر موانع اجرای عدالت است که رهبر انقلاب علیه السلام این مانع را نوعی عقب ماندگی تلقی می کنند و برای پیشرفت همه جانبه کشور به ویژه هموار کردن مسیر عدالت، باید این موانع و آثار توأم با آن برطرف شود. در مسیر اجرای عدالت اجتماعی تحقیقات بسیاری انجام گرفته است ولی تحقق کامل این امر حیاتی، علاوه بر کسب معرفت و علم نسبت به موانع آن مستلزم بسیج همگانی و حرکتی مصمم با گام هایی استوار است. در پایان پیشنهاد می شود تا به بررسی راهکارهای اخلاقی و اجتماعی اجرای عدالت اجتماعی نیز پرداخته شود، تا بتوان گام موثری در راستای تحقق عدالت اجتماعی برداشته شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.

منابع فارسی

۱۵. احمدی، علی اصغر، ۱۳۹۱ ه ش، «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه»، قم، چاپ اول، موسسه بوستان کتاب.
۱۶. افرام بستانی، فؤاد، ۱۳۷۵ ه ش، فرهنگ ابجدی، تهران، چاپ دوم، انتشارات اسلامی.
۱۷. انصاریان، حسین، بی تا، تفسیر حکیم، قم، چاپ اول، نشر دارالعرفان.
۱۸. پرور، اسماعیل، ۱۳۸۰ ه ش، اصلاحات: راههای مبارزه با فقر فساد و تبعیض، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی.
۱۹. جاویدی، مجتبی، ۱۳۸۵ ه ش، قاموس عدالت، تهران، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. حیدری نراقی، علی محمد، ۱۳۹۰ ه ش، اخلاق نراقی، قم، چاپ اول، انتشارات مهدی نراقی.
۲۱. حکیمی، محمد، ۱۳۷۹ ه ش، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد مقدی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۲. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۰ ه ش، الحیاه، ترجمه؛ احمد آرام، ج ۳، تهران، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. خاتمی ساروی، عطیه، ۱۳۹۶ ه ش، معیارهای روابط اجتماعی موفق از منظر قرآن، قم، مرکز نشر هاجر، چاپ اول،
۲۴. خامنه ای، علی، ۱۳۹۰ ه ش، بانک جامع بیانات مقام معظم هبری، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
۲۵. سروش، محمد، بی تا، استکبار و استضعاف در قرآن، قم، چاپ اول، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۶. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ ه ش، تفسیر نور، ج ۱۰، تهران، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس هایی از

قرآن.

۲۷. کریمی نیا، محمد علی، ۱۳۷۷ ه. ش، تربیت اجتماعی، قم، چاپ اول، انتشارات پارسیان.

۲۸. محدثی، جواد، ۱۳۹۲ ه. ش، زندگی مهدوی (اخلاق و اوصاف منتظران)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی.

۲۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۸ ه. ش، گزیده دانشنامه امیرالمؤمنین، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

۳۰. -----، بی تا، دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱، قم، (ترجمه؛ رضا شیخی)، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

۳۱. مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۸۵ ه. ش، پرتوی از دهه مهدویه، اصفهان، مرکز جهانی حضرت ولی عصر (عج الله).

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷ ه. ش، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم، چاپ اول، مدرسه امام علی بن ابی طالب.

۳۳. هاشمی، ایوب، هاشمی، ریحانه، ۱۳۹۳ ه. ش، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی در شعر فارسی، قم، صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران مرکز پژوهشهای اسلامی.

۳۴. منابع عربی

۳۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ ه. ش، تحف العقول، محقق علی اکبر غفاری، قم، چاپ دوم، جامعه مدرسین.

۳۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۷ ه. ش، معانی الاخبار، ج ۲، ترجمه محمدی، تهران، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه.

۳۷. شریف رضی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ه. ق، نهج البلاغه، قم، چاپ اول، انتشارات هجرت.

۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ه. ق، اصول کافی، ج ۱، محقق علی اکبر غفاری محمد آخوندی، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه.

۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ه. ق، بحار الانوار، ج ۱۶، بیروت، چاپ دوم، دارالحیاء التراث العربی.

۴۰. مفید، محمد بن محمد، ۱۳۱۳ ه. ق، الاختصاص، قم چاپ اول، المؤتمر العالمی لالفقیه الشیخ المفید.

۴۱. -----، ۱۴۱۳ ه ق، الأمالی (للمفید)، قم، چاپ اول، کنگره شیخ مفید.
۴۲. منسوب به جعفر بن محمد امام ششم علیه السلام، ۱۳۶۰ ه ش، مصباح الشریعه، ترجمه مصطفوی، تهران، چاپ اول، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

مقالات و سایت‌ها

۴۳. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴ ه ش، «سوژه سخنرانی فاطمیه»، مجله مبلغان، قم، حوزه علمیه قم، چاپ اول، مرکز مدیریت.
۴۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، www.vajeab.com
۴۵. خامنه‌ای، علی، ۹۷/۱۱/۲۲، «بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران» farsi.khamenei.ir
۴۶. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱ ه ش، «مدیریت اسلامی»، اصفهان، .
www.madiryar.com
۴۷. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱ ه ش، «مدیریت علوی»، اصفهان.
www.madiryar.com

نقش دولت و مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه

زینب یوسفی^۱

چکیده

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده است. رشد اقتصادی تضمین‌کننده عدالت اجتماعی است و این رویکرد زمانی با موفقیت اجرا می‌شود که مردم و دولت مسئولیت‌های خود را به خوبی بشناسند و عملی کنند. رهبری نیز تأکید بسیاری بر این مقوله دارند از این رو محقق در این نوشتار به «نقش دولت و مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری با تأکید بر نهج البلاغه» به روش نقلی - وحيانی و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و پردازش داده‌ها به روش توصیفی - تحلیلی در دو بخش نقش دولت و مردم پرداخته است. از دیدگاه رهبری و نهج البلاغه نقش دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از: ردیابی دقیق نارسائی‌ها و مشکلات و تثبیت نرخ ارز در بازار و اشتغال‌زایی و تورم‌زدائی و اصلاح ساختار دولتی و ضرورت تشکیل نهادهای مبارزه با اشرافی‌گری و ساده‌زیستی مدیران و توجه به ظرفیت‌های داخلی و استقبال از فعالیت‌های

۱. دانش پژوه دکتری فلسفه و کلام اسلامی، معاون پژوهش مدرسه علمیه ریحانه الرسول علیه السلام قشم

مردمی؛ و نقش مردم عبارتند از: مدیریت مصرف و دوری از تجملات و حذف ثروت‌های کاذب و ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، نقش دولت، نقش مردم، تحریم اقتصادی، رهبری، نهج البلاغه.

مقدمه

بیان مسئله

با ظهور انقلاب اسلامی، شکل جدیدی از حکومت در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشته و به مبارزه با استکبار پرداخت. ظهور چنین حکومتی آن هم در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار زیاد است، باعث شدن نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه‌های نظامی، تهاجمات به عرصه‌های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه‌ها که خصوصاً در سال‌های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است «عرصه اقتصادی» است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم «اقتصاد مقاومتی» است.

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده است. در شرایطی که صادرات و واردات هیچکدام برای آن کشور مجاز نیست. کشور ایران فرصت‌های بسیاری از قبیل نفت، گاز و معدن در اختیار دارد، اما برای استفاده هرچه تمام‌تر از این منابع، باید از خام فروشی پیشگیری کرد. حمایت از تولید و استفاده از ظرفیت‌های داخلی قطعاً باعث ایجاد اشتغال زایی و ثروت آفرینی برای کشور خواهد شد، لذا باید کار و تولید، در فرهنگ ایران نهادینه شود. از اینرو مدتی است نظریه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است.

در این میان، علاوه بر سخنان رهبری، کتاب «نهج البلاغه» که برادر قرآن و تالی تلو آن است، بسیاری از مسائل اقتصادی، به ویژه نقش مردم و مسئولان را در بردارد و سخنان نورانی آن حضرت، می‌تواند پایه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی را ترسیم کند.

با توجه به گستره قلمرو اقتصاد مقاومتی، مسئله اصلی این مقاله، در گام نخست، شناخت چیستی اقتصاد مقاومتی و در گام دوم تبیین و تحلیل نقش دولت و مردم در تحقق

آن از دیدگاه رهبری با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه به روش نقلی و وحیانی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پردازش داده‌ها به روش تحلیلی - توصیفی است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه وضعیت اقتصادی از بایسته‌های جداناپذیر مردم استدر چند سال اخیر و با شدت گرفتن تحریم‌های غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران، واژه ای جدید تحت عنوان اقتصادمقاومتی به ادبیات اقتصادی و سیاسی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است.

مقام معظم رهبری اقتصادمقاومتی را اقتصادی دانسته‌اندکه درشرایطدشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد. بنابراین برای تبیین کاربرد موضوع به صورت عملیاتی، تحقیق و بررسی نقش دولت و مردم در تحقق آن ضروری به نظر می‌رسد، از این‌رو نگارنده انگیزه یافت تا با توجه به سخنان گرانقدر مقام معظم رهبری و با تأکید بر آموزه‌های حکیمانه نخستین حاکم عدالت گستر شیعه یعنی امیرمؤمنان (علیه السلام) نگاهی دقیق به مقوله تحقق اقتصادمقاومتی داشته باشد و در جامعه اسلامی، خلأهای قانونی و اجرایی نیز در این باره اصلاح گردد.

ج) پیشینه تحقیق

هرچند درباره اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، پژوهش‌هایی در قالب مقاله و پایان‌نامه‌های علمی انجام شده است؛ اما در خصوص نقش مردم و دولت از منظر مقام معظم رهبری با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه اثری نگاشته نشده است. در این زمینه می‌توان تنها به یک مقاله مشابه اشاره کرد:

«نقش مردم در اقتصاد مقاومتی با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب»، نوشته: یوسفی، احمدعلی؛ غفاری، مجتبی؛ مجله: پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، شماره ۱، بهار و تابستان

۱۳۹۵. وی پس از مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی، به تبیین ضرورت‌ها، آسیب‌ها، سیاست‌ها پرداخته و همچنین وظایف مردم در قبال این موضوع را در بیانات رهبر معظم انقلاب بررسی کرده است و از این رهگذر نظر ایشان را استخراج و راهکاری ارائه نموده: همانطور که از نظر امام نظام جمهوری اسلامی دارای یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی است. برای نظام اقتصادی هم که در واقع یکی از زیرنظام‌های نظام جمهوری اسلامی است، می‌توان یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی در نظر گرفت. در این مقاله نقش این دو ساخت در مشارکت مردم در اقتصاد تبیین شده است.

هرچند مباحث این مقاله پژوهشی، ارتباط تنگاتنگی با مقاله پیش روی دارد؛ لیکن تمرکز آن صرفاً به نقش مردم آن هم از بعدی دیگر پرداخته است و همچنین از سخنان حکیمانه بسیار امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه و دیگر مصادر روایی تهی است. بنابراین امتیاز مقاله پیش روی، اهتمام به همه آموزه‌های علوی در نهج البلاغه در ساختاری جدید از تمام زوایا است.

مفاهیم تحقیق

در این بخش، به بررسی لغوی و اصطلاحی کلیدواژه‌ها و متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود:

مفهوم اقتصاد

یکم. اقتصاد در لغت

این کلمه در زبان واژه‌شناسان، از ماده قَصَدَ در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن و امثال آن به کار رفته است. (انوری: ۱۳۸۱، ج ۱/ص ۵۰۴). همچنین اقتصاد به معنای اعتدال و میانه‌روی نیز آمده است. (معین: ۱۳۸۶، ج ۱/ص ۲۹۱).

راغب می‌گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور است بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع» همچنین در لسان العرب، عمده معنای «اقتصاد» همان اعتدال و میانه‌روی ذکر شده است در آیه: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» نیز به همین معنی آمده است. (راغب اصفهانی: ۱۳۸۶، ص ۶۷۲).

دوم. اقتصاد در اصطلاح

اقتصاد در اصطلاح علم اقتصاد به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود. (نظری: بی تا، ص ۳۹).

چیستی اقتصاد مقاومتی

این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دودلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور: ۱۶ / ۶ / ۸۹ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-۸۹/۶/۱۶> content?id=۱۰۰۷۷).

بر این اساس اقتصاد مقاومتی، به معنای یک نوع اقتصادی است که اولاً: در ساخت درونی خودش برخوردار از قوام باشد و ثانیاً: در مقابل تهدیدات بیرونی نیز قدرت ایستادگی و پایداری داشته باشد.

هدف اقتصاد مقاومتی، مصون ساختن اقتصاد ایران از تکانه‌های خارجی و غلبه بر ضعف‌های داخلی بر اساس فرصت‌های خارجی و قوت‌های داخلی است، اقتصاد مقاومتی، نوعی خط‌مشی‌ها دی است که باید بر همه قوانین و مقررات و بینش و رفتارهای مسئولان و فعالان اقتصادی حاکم باشد.

نقش دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی

شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، یکی از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی خویش در عرصه جهانی است که برای تحقق آن باید همکاری نزدیکی میان دولت و مردم صورت گیرد.

دولت در شرایط امروز اقتصاد ایران، بزرگترین رسالت را دارد. هریک از سیاست‌هایش از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، هزینه فرصت‌ها به شدت بالاست و نیاز به هوشمندی و دقت خاصی از ناحیه دولت احساس می‌شود. مطمئناً خطیربارترین راه رسیدن به اقتصاد مقاومتی برعهده‌ی دولت است که با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب رسیدن به هدف را مقدور کند.

از جمله کارهایی که بر عهده‌ی دولت است می‌توان به اتخاذ سیاست‌های ارزی مناسب برای تثبیت قیمت ارز و رسیدن به یک اقتصاد قابل اتکا، ایجاد اشتغال به منظور بهره‌برداری از حداکثر توان داخلی برای رونق تولیدات ملی، کنترل نرخ تورم به عنوان عاملی که باعث بی‌بازده بودن تولید داخلی می‌شود و اصلاح ساختار دولتی و ایجاد مسیری مناسب برای رسیدن به اهداف مشخص شده در اصل ۴۴ قانون اساسی و تسهیل فرآیند خصوصی سازی اشاره کرد.

ازجمله سیاست‌های مناسب از ناحیه دولت در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند

از:

أ) ردیابی دقیق نارسائی‌ها و مشکلات جامعه

در اجرای اقتصاد مقاومتی عقلانیت اقتصادی حکم می‌کند که مشکلات و نارسائی‌ها به طور دقیق شناسایی و ردیابی گردد و دلایل آن‌ها بررسی و ارزیابی و پیشبینی شود. باید مشکلاتی نظیر تورم، نقدینگی، ریخت و پاش‌های دولتی و غیردولتی را مورد به مورد بررسی کرد و اگر ریشه داخلی دارند به گردن مسائلی نظیر تحریم نینداخت. تشخیص صحیح مشکل، حل آن را ساده یا امکان پذیر می‌کند. اگر مشکل خوب و درست تشخیص داده

شود و علت مرض معلوم گردد، مطمئناً پیچیدن نسخه برای حل آن آسان و عملی می شود. بنابراین، ضرورت وجود نهادهای پژوهشی و کارشناسی مستقل در امر اقتصاد مقاومتی اجتناب ناپذیر است. (ر. ک بیانات رهبری در دیدار با مسئولان: ۴/۷: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۵۸۱۳۷۴>).

بنابراین، حرکت با برنامه و تکیه بر توان داخلی از جمله الزامات اقتصاد مقاومتی است که باید مسئولان اجرایی به آن توجه جدی داشته باشند. قطع وابستگی به نفت از دیگر ضرورت‌های اقتصاد مقاومتی است که رهبر معظم انقلاب سال‌هاست به آن تاکید دارد، ولی متأسفانه دولت‌ها نتوانسته‌اند به آن جامه عمل بپوشانند.

حضرت علی علیه السلام در این زمینه فرمودند:

یکی از آثار وجودی در یک مدیر و مسئول دورنگری و ژرف‌اندیشی است به وضعیت امروز و فردا نمی‌نگرد و به آن بسنده نمی‌کند بلکه در رابطه با تشکیلات و سازمان اداری خود و موفقیت در کار و پیروزی خودش در خدمت به جامعه و ملت همیشه روزهای آینده و دور را در نظر می‌گیرد و همواره جهت رسیدن به هدف کمر همت را محکم می‌بندد و نارسائی‌های موجود را شناسایی می‌کند و با همت بالا به رفع آن‌ها می‌پردازد. (ر. ک: عزیزی، نامه ۵۳، ص ۶۴۳). همچنان که در جنگ جمل به فرزند خود محمد حنفیه می‌فرماید: «پای خود را محکم بر زمین بکوب و با استقامت باش و آخرین افراد دشمن را در نظر بگیر و دورترین نقطه را هدف خود قرار ده و چشمان را برهم گذار که موانع نزدیک تو را از تصمیم باز ندارد و بدان که پیروزی از جانب خدای بزرگ است».^۱ (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۳۲/ ص ۱۷۴).

ب) تثبیت نرخ ارز در بازار

از جمله ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی از سوی دولت در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مدیریت منابع ارزی و تثبیت نرخ ارز در بازار است؛ چرا که در صورت بی‌ثباتی، بازار

۱. «تد فی الارض قدمیک ارم ببصرک اقصى القوم و غض بصرک و اعلم ان النصر من الله».

را مختل خواهد نمود. امام جواد علیه السلام از قول امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «تدبیر و برنامه ریزی مقدمه ضروری ورود به عمل است؛ برای اینکه مانع پشیمانی (حاصل از اشتباه کاری) می‌گردد». (کافی: ۱۳۹۰، ج ۸/ص ۲۲). از مولای متقیان علی علیه السلام در بیانی دیگر آمده است: «اندازه‌گیری کن، آنگه پُر و فکر کن، آنگه بگو و با ارزیابی و روشن شدن جوانب کار به آن اقدام کن»^۱. (غررالحکم: ۱۳۷۳، ص ۲۳). این مهم بیانگر نقش مدیریت ارزی برای مقابله با تحریم‌ها و مدیریت و برنامه ریزی صحیح اقتصادی است تا اقتصاد کشور دچار شوک‌های شدید ناشی از اتخاذ تدابیر سطحی و زودگذر نشود. حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره مدیریت منابع ارزی می‌فرماید:

«مساله منابع ارزی مسأله مهمی است؛ آقایان روی این مسأله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعا باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعا یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود». (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)

ج) اشتغال زائی

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«آنچه امروز برای ما مشهود است و مقابل چشمان می‌بینیم این است که خلأهای اقتصادی ما خلأهای بزرگی است. یکی مسأله بیکاری است؛ به خصوص بیکاری جوانان و به خصوص بیکاری جوانان تحصیلکرده. این یک خلأ است، یک حفره است. این را باید تأمین کرد. مسئله معیشت طبقات ضعیف مهم است؛ ما اطلاعات را دائما دنبال می‌کنیم و

۱. «قَدِّرْ ثُمَّ اقْطَعْ وَ فَكِّرْ ثُمَّ انْطِقْ وَ تَبَيَّنْ ثُمَّ اَعْمَلْ».

از وضع مردم در بخش‌های مختلف کشور مطلع می‌شویم؛ مردم از لحاظ معیشت دچار مشکلند. مسئله بیکاری عست، مسئله سختی معیشت هست؛ و مشکلات گوناگونی که در زمینه فرهنگی و اجتماعی به دنبال این‌ها می‌آید». (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۶ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=/۱/۱>)

حضرت علی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

«سرمایه‌گذاری خصوصی و ایجاد اشتغال از وظایف دولت و اغنیا است اهمیت این رفتار به گونه‌ای است که در کنار انفاقات قرار می‌گیرد. می‌توان گفت این روش از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا در این روش، فرد بعد از دست‌یابی به مزد حاصل از اشتغال خود، احساس سربلندی دارد».

با اشتغال‌زائی و سرمایه‌گذاری می‌توان اطمینان یافت که اقتصاد ملی دچار رکود نمی‌شود. ایجاد اشتغال با برخورداری از کارآمدی لازم در پیشگیری از ظهور فقر در آینده، همراه با کاهش بیکاری و کاستن فاصله طبقاتی و امنیت اقتصادی را نیز تضمین می‌کند. (ر.ک رشاد: ۱۳۸۲، ج ۷/ ص ۲۳۰).

برگزیده‌تر بودن این روش که دارای آثار مثبت مضاعف است، در سخن علی علیه السلام نیز تأیید شده است: «برترین مال‌ها، مالی است که نشانه‌اش در تو آشکارتر باشد». (آلامدی‌الامیمی: ۱۳۷۳، ح ۳۱۴۵، ص ۴۲۸).

(د) تورم زدایی

تورم یکی از زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی که به آن توجه کمتری شده است، و بعضاً نحوه بودجه ریزی و برخی تصمیم‌گیری‌ها در نظام پولی و مالی موجب تورم‌زایی شده است. تورم در حال حاضر تبدیل به بیماری اقتصادی کشور گردیده و این مسئله باعث شده است که در عرصه بین‌المللی، صادرات کشور دچار مشکل شود و در طرف مقابل واردات افزایش پیدا کند و دلیل آن بالا بودن قیمت کالاها در داخل کشور است. اقتصاد در شرایط تورمی بازدهی ندارد و به موجب آن تولید داخل افزایش پیدا نمی‌کند و بیکاری افزایش می‌یابد و

در نتیجه، بالا رفتن نرخ بیکاری در جامعه و افزایش مفاسد اجتماعی، متعاقباً هزینه‌های اجتماعی و سیاسی و امنیتی کشور افزایش یافته و این مسئله کشور را از تحقق اقتصاد مقاومتی دور خواهد کرد. (ر. ک بیانات رهبری دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت: ۱۳۸۷/۶/۲).

در این رابطه امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

خرید و فروش باید آسان و با میزان عدل انجام گیرد، با نرخ‌هایی نه به زیان فروشنده و نه خریدار. (شهیدی: شرح نهج البلاغه، نامه ۳). بنابراین، حضرت اصل قیمت‌گذاری را می‌پذیرد؛ اما تنها در وضعیتی که قیمت‌ها به دلایل گوناگون به قیمت‌های اجحافی تبدیل شود این نکته مسلم است حاکم اسلامی بی‌واسطه یا با واسطه باید از تغییر قیمت‌ها اطلاع یابد و نیز در صورت لزوم برای اصلاح آن اقدام کند. (رشاد: ۱۳۸۲، ج ۷/ص ۵۲۱).

ه) تشکیل ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی

رهبر معظم انقلاب اسلامی از جمله اقدامات لازم برای تحقق اقتصاد مقاومتی را تشکیل ستاد فرماندهی برای اقتصاد مقاومتی معرفی نموده‌اند. ایشان معتقدند که باید به معنای واقعی کلمه، فرماندهی صورت بگیرد؛ زیرا الان در جنگ اقتصادی قرار گرفته‌ایم؛ هرچند در آن توپ و تیر و تفنگ نیست، اما ابزارهای خطرناک تر از توپ و تفنگ وجود دارد. یک جنگ است، قرارگاه لازم دارد، قرارگاه هم فرمانده لازم دارد. ایشان تصریح می‌نمایند:

«بنابراین ستاد فرماندهی لازم دارد که به طور دائم رصد کند، نگاه کند، ببیند کدام دستگاه توانسته و پیش رفته، کجا مشکل وجود دارد. چون حرف زدن آسان است، برنامه ریزی هم خیلی مشکل نیست، ولی عمل کردن با این‌ها فرق دارد؛ حُب آدم بخواهد در میدان وارد بشود و پیش برود، گاهی اوقات یک موانعی پیش می‌آید که قبلاً پیش بینی نشده، بعضی پیش بینی هم شده، لکن موانعی است که پیش می‌آید؛ بایستی آن ستاد بتواند به صورت ضربتی آن موانع را بر طرف کند، راه را باز کند و پیش برود؛ و نافذ الکلمه باشد، یعنی باید گوش کنند» (بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت

(۳۰۵۹۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۴/۶/۴>).

و) مبارزه با مفاسد اقتصادی و اشرافی گری

از منظر مقام معظم رهبری، تحقق اقتصاد مقاومتی بدون مبارزه با مفاسد اقتصادی و اشرافی گری امکان پذیر نیست. ایشان معتقدند که واقعا نمی شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ ایشان این مسئله را ناشدنی می دانند و می فرمایند:

“تصور نشود ما می توانیم سرمایه گذاری مردمی و کار سلم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ تصور نشود که مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می شود که ما مشارکت مردم و سرمایه گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که می خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم های ناسالم پیدا می شوند. باید با چشم های تیز بین، ریز بین و دور بین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید» (بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۶/۲- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۸۳۱۱۳۹۱>).

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

وجود شرایط والای انسانی در یک مدیر و مسئول و کارگزار مستلزم جلوگیری از طمع دیگران به وی می شود، چنانچه انسان از صفات والائی برخوردار نباشد افراد خلافکار جهت گره گشائی و چشم پوشی از خلاف کاری خودشان متوسل به تطمیع مدیر و مسئول ذیربط می گردند و اگر آن مسئول از صفات یاد شده برخوردار باشد خلافکاران چه در داخل و چه در خارج از کشور چشم امید به او ندارند و از امید و طمع آنها به دور خواهد بود و هیبت و پاکی آن مسئول و مدیر در جامعه آن چنان شایع می شود که کمترین احتمال انحراف و خودفروشی نسبت به او در ذهن احدی پیش نخواهد آمد. (ر. ک بحرانی، شرح نهج البلاغه:

ز) ساده زیستی مدیران

تجربه بیش از ۳۳ ساله انقلاب نشان می‌دهد هرگاه و در هر برنامه‌ای معیارهای گفتمان امام ره و انقلاب مورد توجه و اقدام و عمل مدیران قرار گرفته است، موفقیت قطعی و سرشار از برکت الهی نصیب ملت شریف ایران شده است. ساده‌زیستی علاوه بر آنکه بر روحیه همکاری و مقاومت در برابر مشکلات و ناملازمات مردم می‌افزاید، باعث می‌گردد تا روحیه صرفه جویی و قناعت نهادینه شود و در نتیجه سبب می‌شود که بهره‌وری‌ها بالا رود. مدیریت هزینه در کشور و اجزاء آن جزء لاینفک اقتصاد مقاومتی است. در اقتصادمقاومتی همه مسئولند از هزینه‌های بی‌مورد و غیرضرور و بدون اولویت پرهیز کنند و در عوض برنامه‌ریزی و اولویت‌دار کردن برنامه‌ها و تأمین بودجه، جایگزین هر نوع چانه‌زنی موردی گردد. در اقتصادمقاومتی باید روحیه انقلابی و اسلامی بر مدیران حاکم گردد طوری که در هر نوع حرکت و اقدام خود، خدا را ناظر و حاضر ببینند و خود را مسئول و پاسخگو در مقابل اقدامات و تصمیمات خود ملاحظه کنند. خرج تراشی برای دولت و مردم از طرف هر فرد و سازمانی ممنوع است. در این صورت اقتصاد مقاومتی با بهره‌وری بسیار بالا و انسجامی مثال زدنی پیش می‌رود و به موقعیت‌های جدید خود می‌رسد. (ر. ک سلطانی: ۱۳۹۴، ص ۳۸).

مدیر کم هزینه الگوی جامعه می‌گردد و این الگو سرمشق تک تک افراد و همکاران و هم قطاران قرار می‌گیرد که نتیجه آن بالا رفتن بهره‌وری دستگاه‌های اجرائی است. خصوصاً مدیران کم‌خرج باعث محبوبیت مردمی و بالا رفتن اعتماد عمومی می‌گردد و همه اجزاء کشور را ترغیب به تلاش و فعالیت خلاقانه می‌نماید.

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام به شدت با زندگی تشریفاتی مخالف بودند که این مطلب را در زندگی ایشان به وضوح می‌توان مشاهده نمود حتی لباس پوشیدن حضرت هیچ شباهتی به حاکمان و پادشاهان نداشت و در نهایت سادگی بود تا این حد که در میان

جمعی از مردم اگر تازه‌واردی می‌آمد نمی‌توانست تشخیص دهد که کدام یک از حاضران حضرت علی علیه السلام است، با توجه به اینکه آن حضرت در میان مردم بودند و به گفته «ضرار» که از کوفه به دمشق نزد معاویه رفته بود، امیرمؤمنان علیه السلام در میان آنها مثل یک فرد عادی بود.^۱

حضرت علی علیه السلام با اینکه حاکم اسلام و دارای بالاترین منصب زمان بودند ولی هیچ گاه برای خود گارد ویژه‌ی محافظین، محافظ شخصی یا تشریفات حکومتی تشکیل ندادند با وجودی که قدرت این کار را داشتند. زیرا پایگاه حکومتی آن حضرت در قلب‌های مردم بود، تا آنجا که به دشمنان خود نیز لطف و مرحمت می‌فرمودند.

وقتی مخالفین آن حضرت در برابر ایشان سخنان ناشایستی می‌گفتند یا جسارتی می‌کردند حضرت مجازاتشان نمی‌کردند، به همین دلیل بود که مخالفین نیز ایشان را رهبری شایسته یافته و خود را در حکومت آن حضرت آزاد می‌دیدند. (ر. ک جعفری: ۱۳۷۹، تفسیر نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۵).

ح) مردمی شدن اقتصاد و عدم تصدی گری دولت

در منظر مقام معظم رهبری، دولت باید اقتصاد کشور را مدیریت کند و نباید این مدیریت را با تصدی گری اشتباه گرفت؛ زیرا تصدی گری دولت در امر اقتصاد به ضرر تمام کشور است. ایشان می‌فرمایند این مساله را ما عملاً در انقلاب تجربه کردیم و می‌دانیم که تصدی گری دولت خوب نیست. ایشان می‌فرمایند: «اصلاً سیاست‌های اصل ۴۴ برای این بود که این تصدی گری انجام نگیرد؛ {پس} آن را به کلی از حوزه فکر خارج کنیم، یعنی این مدیریتی که من می‌گویم، مطلقاً اشتباه نشود با تصدی گری در مسأله اقتصاد». (بیانات

رهبری، ۱۳۹۷/۶/۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۷/۶/۷> ۴۰۳۹۹)

۱. «كَانَ فِينَا كَأَحَدِنَا».

۴. نقش مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

در مورد نقش مردم در ایجاد اقتصاد مقاومتی می‌توان به اصلاح الگوی مصرف ملی از سوی مردم و دوری از تجملات و حرکت به سمت استفاده از تولیدات ملی به جای محصولات خارجی و همچنین استفاده از فرصت‌های شغلی قانونی برای کسب درآمد اشاره کرد.

أ) مدیریت مصرف

امروزه تعادل در مصرف يك حرکت جهادی است و همه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و همچنین آحاد مردم باید موضوع پرهیز از اسراف و استفاده از تولیدات داخلی را جدی بگیرند. جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر، مهمترین اصل در ارائه يك الگوی اسلامی مصرف است. فرد یا جامعه‌ای که در مسیر پایداری در مصرف حرکت کند به پایداری در اقتصاد می‌رسد و جامعه به همان مطلوب؛ یعنی اقتصاد سالم، شکوفا و مقاومتی دست خواهد یافت. (ر. ک بیانات

رهبری در جمع کارگزاران نظام: ۳/۵- <https://farsi.khamenei.ir/speech/>

?id=۲۰۵۳۴۱۳۹۱content

بدیهی است اسلام بهره‌برداری از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های زندگی را از طریق مشروع و حلال آزاد و روا می‌داند ولی اسراف و زیاده‌روی و گذشتن از حد اعتدال را حرام و ناروا می‌داند و این بدان جهت است که هر فرد مسلمان به مقیاس امکانات و توانایی خود نسبت به جامعه اسلام مسئولیت دارد و به موازات وسعت و گستردگی امکانات بر مسئولیتش افزوده می‌گردد در این صورت فردی که در تجمل و ظواهر زندگی اسراف و زیاده‌روی کند قهراً از اجرای مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی خود باز خواهد ماند و از این رهگذر ضربه‌ای بزرگ بر پیکر اجتماع اسلامی خواهد خورد همانگونه که فرمانروایان بر اثر تجمل پرستی و افراط در اینگونه اعمال قشری از اجزای تعهدات و مسئولیت‌های زعامت و رهبری خود بازمانده و مسلمانان را بسوی پستی و انحطاط سوق دادند. (ر. ک جعفری: تفسیر و ترجمه نهج البلاغه، نامه ۲۱، ص ۴۲۷).

ب) قناعت و دوری از تجملات

امیرمؤمنان علی علیه السلام بهترین اقتصاد و زندگی سالم اقتصادی که آسایش انسان را تأمین کند، اقتصاد مبتنی بر قناعت تعریف می کند، و می فرماید: قانع از آسیب های آزمندی مصون است.^۱ (شرح غرر الحکم: ۱۴۰۷، ج ۲ / ص ۴۴۳).

کسی که اسیر حرص شد هر چه دارد به نظرش کم و هر چه به دست آورد در مقابل دریای بیکران آز او ناچیز است. اما آنکه قناعت پیشه کند دایره آمال او محدود است به هر یک از خواسته های خود دست یابد، گوئی بر نعمتی بزرگ دست یافته است. خدا را به آن نعمت سپاس می گوید و با شادی خاصی سفره ی زندگی خویش را با آن رنگین می کند و به همان خوشنود است. آدم قانع با ناداری می سازد و با درآمد جزئی خود را خوشبخت و دارا می داند.

بنابراین، قناعت و اقتصاد واقعی به معنای مصرف به مقدار کفایت است که مهم ترین عامل در ایجاد آسایش پایدار و راحتی دانسته شده است. مردم جامعه باید تفکر خود را نسبت به مصرف تغییر دهند و از مصرف گرایی و ریخت و پاش غیرضروری در همه موارد خودداری کنند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «قناعت ثروتی است که تمام نمی شود».^۲ (شیروانی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۴۷۵، ص ۹۳۳).

ج) حذف ثروت های کاذب

تولید ثروت حلال باید در جامعه نهادینه شود و در کنار آن تولید ثروت های کاذب از طریق دلالی به امر مذموم در میان آحاد جامعه تبدیل شود. خداوند متعال در قرآن در مورد کسب ثروت می فرماید: «مال پاکیزه را به خبیث تبدیل نکنید» (سوره نساء: آیه ۲).

د) ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی

مردم حق استفاده از کالای باکیفیت را دارند، ولی ترجیحاً باید کالای ساخت داخل را

۱. «الْقَانِعُ نَاجٍ مِنْ أَفَاتِ الْمَطَامِعِ»

۲. «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ»

مصرف کنند و این امر نیازمند تحکیم نگاه علمی است، به نحوی که دست اندرکاران عرصه تولید، دولت و دانشگاه‌ها حلقه ارتباط صمیمی و تعامل پایداری را باید با یکدیگر داشته باشند؛ زیرا صیانت از اعتبار تولید داخلی در عرصه جهانی وظیفه ملی و اسلامی است، و منافع زودگذر نباید منفعت ملی را به خطر بیندازد. (زهرایی: بی تا، ص ۲۰).

البته تولیدات داخل هم باید سعی در بالا بردن کیفیت خود داشته باشند؛ زیرا هنگامی که اجناس مشابه با کیفیت در داخل باشد خودبه خود مردم به طرف خریدن اجناس و کالاهای خارجی نمی‌روند.

نتیجه‌گیری

در مهم‌ترین دستاوردها و نتایج این پژوهش می‌توان گفت:

اقتصاد مقاومتی‌این معنا که در شرایط فشار و تحریم نیز موجبات رشد و شکوفایی را فراهم می‌سازد.

بررسی‌های نشان می‌دهد نقش حداکثری دولت در اقتصاد می‌تواند پیامدهای منفی بدنال داشته باشد و کماکان اقتصاد کشور کج‌داره‌مین روند را طی و در برابر تکانه‌های جهانی به خصوص سیاست‌های تحریمی و فشار کشورهای متخاصم خاصه آمریکا تاب نیاورد.

نقش مردم در اقتصاد بر اساس مباحث پیش‌گفته و اصل ۴۴ قانون اساسی و توجه و عنایت به بیانات مقام معظم رهبری در این خصوص می‌تواند تا حدود زیادی اقتصاد کشور را در خصوص فشارها و تحریم‌های بین‌المللی بیمه نماید.

نقش دولت در تحقق اقتصادمقاومتی عبارتند از: ردیابی دقیق نارسائی‌ها و مشکلات و تثبیت نرخ ارز در بازار و اشتغال‌زایی و تورم‌زدائی و اصلاح ساختار دولتی و ضرورت تشکیل نهادهای مبارزه با اشرافی‌گری و ساده‌زیستی مدیران و توجه به ظرفیت‌های داخلی و استقبال از فعالیت‌های مردمی.

نقش مردم عبارتند از: مدیریت مصرف و دوری از تجملات و حذف ثروت‌های کاذب و ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی است.

منابع

قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، تهران، چ۱، شرکت رایانه پژوهان شرق.
نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.

کتاب فارسی

۴۸. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۱ ه. ش.
۴۹. جعفری، محمد تقی، خلاصه ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، (تلخیص محمدرضا جوادی)، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ه. ش.
۵۰. راغب اصفهانی، حسن بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: نشر سبحان، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه. ش.
۵۱. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (ع)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲ ه. ش.
۵۲. زهرایی، مصطفی، نظریه های تحریم اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت خارجه، بی تا.
۵۳. سلطانی، مصطفی، مبانی مدل در اقتصاد مقاومتی، تهران، انتشارات حائر، ۱۳۹۴ ه. ش.
۵۴. شیروانی، علی، ترجمه نهج البلاغه، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ ه. ش.
۵۵. شهیدی، سید جعفر، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ ه. ش.
۵۶. عزیزی، عباس، نهج البلاغه موضوعی، چاپ هفتم، قم: انتشارات صلاه، ۱۳۸۵ ه. ش.
۵۷. عبدالملکی، حجت الله، درآمدی بر مبانی، سیاست ها و برنامه عمل، تهران: انتشارات سدید، ۱۳۶۸ ه. ش.
۵۸. نظری، حسن آقا، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، تهران: بی نا، ۱۳۸۷ ه. ش.
۵۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات نامن، ۱۳۸۶ ه. ش.

کتاب عربی

۶۰. آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ه. ش.
۶۱. آلامدی، عبد الواحد تمیمی، شرح غرر الحکم و درر الکلم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ه. ق.
۶۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۸ ه. ش.

۶۳. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه ابن میثم، قم: نورالهدی، چاپ اول، ۱۴۲۷.ق.

۶۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، انتشارات، تهران: بی تا.

۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصولکافی، قم: موسسه انتشارات هجرت، ۱۳۹۰.ش.

۶۶. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۸، چاپ دوم، بیروت: انتشارات موسسه الوفاد، ۱۴۰۳. مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۳۲/ص ۱۷۴).

ج) مقالات

۶۷. یوسفی، احمدعلی؛ غفاری، مجتبی؛ مجله: پژوهش های اقتصاد مقاومتی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

تأثیر استقامت بر رشد اقتصادی جامعه اسلامی از منظر قرآن

سیده معصومه تقوی^۱ (نویسنده مسئول) - خدیجه حسین زاده باردئی^۲

چکیده

در آیات بسیاری از قرآن بر اهمیت اقتصاد مستقل، قدرتمند و نفوذناپذیر و در حال پیشرفت برای جامعه اسلامی تصریح شده است. دستور داده شده است که خود را از نظر اقتصاد توانمند سازیم. طبق بیانیه گام دوم انقلاب کوتاهی در امر تولید و مصرف بی ضابطه از اموری هستند که علاوه بر تعارض با اصول و شاخص های اقتصاد اسلامی، زمینه نفوذ و سیطره بیگانگان را فراهم می سازد. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی تأثیر استقامت را از منظر آیات قرآن بر رشد اقتصادی جامعه مورد بررسی قرار داده و بیان می کند که استقامت موجب تحول فرهنگی در عرصه تولید و هم در حوزه مصرف شده و به تبع آن در رشد اقتصادی مؤثر است. استقامت در حوزه تولید موجب خودباوری، رفع موانع تولید، افزایش توان اقتصادی و در حوزه مصرف موجب اصلاح الگوی مصرف، قناعت و ساده زیستی، ترویج عدالت و ساده زیستی، حفظ اتحاد، مقابله با تحریم ها و مفاسد اقتصادی می شود و زمینه ایجاد عدالت در همه سطوح را فراهم می آورد.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب؛ استقامت؛ رشد اقتصادی؛ تولید؛ مصرف؛ خودباوری تولید؛

عدالت ورزی.

۱. دانش آموخته سطح ۴ رشته تفسیر، گرایش علوم و معارف قرآن، جامعه الزهراء (ع). Taqavi@chmail.ir

۲. دانش آموخته ی سطح ۴ رشته ی تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه

الزهراء سلام الله علیها و مدرس مجتمع عالی بنت الهدی؛ Hosinzadeh110@gmail.com

مقدمه

استقامت و پایداری یک اصل راهبردی، برگرفته از قرآن کریم، سنت و سیره پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است که انسان‌های مؤمن، به صورت فردی و گروهی، از آن بهره می‌برند تا در سایه آن و امداد و نصرت الهی بتوانند در برابر هواهای نفسانی، جاذبه‌های دنیا، فشارها و نقشه‌های دشمنان داخلی و خارجی به موفقیت دست یابند. این مقاله به تأثیر استقامت بر رشد اقتصادی می‌پردازد؛ چرا که تجربه‌های موفق تاریخی امت‌های استقامت‌کننده نشان می‌دهد دفاع از استقلال، هویت، عزت و شرافت هر امت و ملتی از طریق پایداری جمعی امکان‌پذیر است. در طول تاریخ، در بیشتر مواقع این‌گونه بوده است که هرگاه امت اسلامی در مبارزه حق‌طلبانه با دشمنان، مقاومت می‌کردند، موفق گشته و هرگاه یک گام عقب کشیده، دشمن یک گام پیش نهاده است و نتیجه‌ای جز پذیرش ذلت برای مسلمانان در پی نداشته است. مانند جنگ احد که ناپایداری عده‌ای موجب دگرگون شدن اوضاع جنگ شد (سبحانی، ۱۳۷۷: ۲۵۷).

از سویی این امر مسلمی است که استقامت و پایداری تنها راه موفقیت در برابر دشمن است؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حاکمیت طاغوت جای خود را به حاکمیت اسلام و قرآن سپرد؛ از این رو، طاغوتیان و دشمنان اسلام و ایران، برای ضربه‌زدن و نابودکردن این انقلاب خیز برداشتند و در این مسیر فشارهای متعددی را علیه ایران آغاز کردند، از فشارهای سیاسی و اقتصادی تا تهاجم فرهنگی و تهاجم نظامی (رشیدی آل هاشم و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۶). در عصر حاضر، دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، مصمم‌تر از پیش، تمام توان و امکانات مادی و انسانی خود را برای نابودی این کشور به کار گرفته‌اند؛ دنیای غرب، به سردمداری امریکا، بیشترین تحریم‌ها و فشارها را علیه ایران به کار برده است تا با افزایش سطح نارضایتی مردم، حاکمیت مشروع نظام مقدس جمهوری اسلامی را به چالش بکشد؛ چراکه خود بهتر می‌دانند تا زمانی که امت مسلمان ایران از انقلاب و نظام حمایت کند، ره به جایی نخواهند برد. حال در این مقطع حساس راهبرد استقامت و

پایداری در عرصه تولید و مصرف، به عنوان راهبردی موفقیت‌آمیز، فشارها و تهاجم اقتصادی را بی‌اثر خواهد کرد. این پژوهش که با روش تحلیلی توصیفی سامان یافته است، پاسخگوی دو پرسش کلیدی است؛ ۱. «استقامت در رشد اقتصادی در حوزه تولید چه نقشی دارد؟» ۲. «استقامت در رشد اقتصادی جامعه اسلامی در حوزه مصرف چیه نقشی دارد؟»

پیشینه

با توجه به تحقیقات صورت گرفته کتاب یا مقاله‌ای با این موضوع و یا هم‌مضمون با این موضوع وجود ندارد. البته با در نظر گرفتن اهمیت موضوعات اقتصادی در اسلام، «در مورد عوامل رشد اقتصادی جامعه» پژوهش‌های متعدد و کتاب‌ها و مقالات زیادی منتشر شده است و با نامگذاری سال ۱۳۹۰ به نام سال «جهاد اقتصادی» مراکز تحقیقی و پژوهشگران متعددی در این زمینه شروع به تحقیق کردند که نتایج برخی از این تحقیقات به چاپ رسیده است. از جمله مقاله «عوامل مؤثر در رشد اقتصادی» نوشته فرهاد دژپسند که با تأکید بر مبانی نظری مدل‌های رشد، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی را بررسی کرده است. و همچنین مقاله «عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی ایران» نوشته زکریا فرج‌زاده و دیگران؛ در این مقاله انواع سرمایه در رشد اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. و مقاله «صبر استقامت در برابر فشارهای اقتصادی» نوشته محمد رسول آهنگران» که به راهکار صبر و استقامت در برابر مشکلات اقتصادی می‌پردازد. درکتاب و مقالات موجود به صورت کلی به موضوع رشد اقتصادی پرداخته شده است در صورتی که مقاله حاضر با توجه به آیات قرآن کریم و با در نظر گرفتن دو مقوله تولید و مصرف، تأثیر استقامت بر رشد اقتصادی به طور خاص مطرح می‌شود.

۱. مفهوم شناسی

در این قسمت از مقاله مفاهیم استقامت و رشد اقتصادی بررسی می‌شود و همچنین به

رابطه تعالیم دینی با رشد اقتصادی اشاره خواهد شد.

۱.۱) استقامت

استقامت از مباحث مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است. استقامت برگرفته از واژه «قَوَم» و به معنای طلب قیام است. به نوشته راغب اصفهانی، استقامت برای راه همواره کار می‌رود، که راه حق به آن تشبیه شده است. همچنین، استقامت انسان یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۹۲). از دیدگاه علامه طباطبایی، مراد از استقامت آدمی در هر کار این است که انسان از نفس خود بخواهد بدان امر قیام و آن را اصلاح کند، به طوری که دیگر فساد و نقص نیابد و به کمال و تمامیت خود برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۱ / ۴۷). هم‌چنین مقام معظم رهبری علیه السلام در تعریف استقامت می‌فرمایند: «استقامت» یعنی منحرف نشدن - درست حرکت کنید، در همین طریق مستقیم حرکت بکنید، مسلماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد، گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد، ضعفها برطرف خواهد شد؛ ما باید به این نکته همیشه توجه داشته باشیم. اهمّیت راهی که ملت ایران تا امروز طی کرده بسیار بالا است؛ ما بایستی به این اهمّیت واقف باشیم» (بیانات مقام معظم رهبری در سالروز قیام ۲۹ بهمن مردم تبریز، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹) سایت مقام معظم رهبری: KHAMENEI.IP؛ بنابراین استقامت به معنای ایستادگی و باقی ماندن بر آرمان خود تا رسیدن به اهداف مورد نظر است و برای محقق شدن اهداف جهاد اقتصادی نیاز به فداکاری، ایستادگی و تحمل مشقات و به بیان دیگر پایداری و مقاومت در همه زمینه‌ها داریم.

۲.۱) رشد اقتصادی

اصطلاح «رشد اقتصادی» مرکب از دو واژه «رشد» و «اقتصاد» است؛ از این رو به تبیین معنای هر کدام از این واژگان خواهیم پرداخت تا معنای دقیقی از این اصطلاح ارائه شود. واژه «رشد» در لغت به معنی راه یافتن به مقصد است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۶ / ۲۴۲).

در فرهنگ فارسی عمید به معنی به راه راست شدن، از گمراهی به راه آمدن، پایداری و ایستادگی در راه راست، نمو، ترقی و بالیدگی آمده است. (عمید، ۱۳۶۳، ۶۵۲) همچنین این کلمه به معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و راه میانه نیز آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳/۱۷۵). از سویی واژه‌ی «اقتصاد» در لغت از ریشه قصد در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی کردن، خواست، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن و امثال آن به کار رفته است. (آذرتاش آذرنوش، بی تا: ۵۴۴) اقتصاد به معنای اعتدال و میانه روی است (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۱۲۷). خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب «العین» در بیان مفهوم اقتصاد گفته است: «قصد به معنای پایداری در راه است. میانه روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه «تقصیر» و سخت گیری (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵/۵۴). اغب در مفردات می گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور است بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۲).

واژه‌ی «اقتصاد» در علم اقتصاد به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع، و مصرف به کار می رود. (آقانظری، ۱۳۹۱: ۳۹). پل ساموئلسن اقتصاددان معاصر انگلیسی می گوید: «اقتصاد، بررسی روش هایی است که بشر با وسیله یا بدون وسیله پول، برای به کار بردن منابع کمیاب تولید، به منظور تولید کالاها خدمات در طی زمان و نیز برای توزیع کالاها و خدمات بین افراد و گروه ها در جامعه به منظور مصرف در حال و آینده، انتخاب می کند» (قدیری اصل، ۱۳۶۶: ۲۰)؛ بنابراین اقتصاد، فعالیت فردی و اجتماعی است که اساساً به منظور تأمین رفاه مادی به کار می رود.

از آنچه که در معنای «رشد» و «اقتصاد» گفته شد؛ در می یابیم که رشد اقتصادی عبارت است از افزایش مادی کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین و در مفهوم کلی خود نیز، صرفاً پدیده ای کمی است. دانشمندان تعاریف متعددی از این واژه ارائه نمودند. برخی بر این باورند که رشد اقتصادی، فرایند پایداری است که در اثر ظرفیت تولید اقتصادی طی زمان افزایش می یابد و سبب افزایش درآمد ملی می شود. برخی دیگر

قائلند که رشد اقتصادی مفهومی دقیق‌تر دارد و عبارت است از افزایش بلندمدت ظرفیت تولیدی به منظور عرضه کالاهای هر چه متنوع‌تر اقتصادی به مردم (مصباحی مقدم، ۱۳۹۲: ۶۶). با مرور اکثر تعاریف با اندکی تغییرات جزئی مشخص می‌شود که همه دارای یک مفهوم مشترک است که عبارتند از: «افزایش کمی تولید در یک دوره مشخص نسبت به دوره مشابه» (محمد زاده اصل، ۱۳۸۱: ۷۷). از این رو هر چه در مورد رشد اقتصادی تعبیر و تعاریف مختلفی وجود دارد، آنچه در این پژوهش از واژه رشد اقتصادی مدنظر ما است این است که رشد اقتصادی عبارت است از افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد (جهانیان، ۱۳۸۸: ۳۵).

۲. تأثیر استقامت بر رشد اقتصادی در حوزه تولید

بدون شک یکی از ارکان مهم پیشرفت و اقتدار هر کشوری، توسعه اقتصادی آن بوده و دستیابی به این مهم نیز مانند دیگر امور، در گرو صبر و استقامت در برابر ناملایمات خواهد بود. از تأثیرات استقامت بر رشد اقتصادی مبارزه با بیکاری، رفع موانع تولید، خودباوری و خوداتکایی و افزایش توان تولید خواهد بود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۱.۲ استقامت و مبارزه با بیکاری

از تأثیرات استقامت بر رشد اقتصادی، تحول و تغییر در خصلت‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه است به گونه‌ای که بتوانند از مفاهیم اساسی توسعه مثل کار و زمان تصوّر درستی داشته باشند؛ چرا که بعضی از جوامع گذشته، کار را امری سخیف و مخصوص برده‌ها می‌دانستند (رادمهر، ۱۳۹۰: ۱۱۱) ولی در دین اسلام، کار و فعالیت‌های تولیدی، جایگاهی بس ارجمند دارد، طبق آیات قرآن کریم انبیاء الهی در کنار هدایت انسان‌ها به شغل‌های چوپانی، نجاری، آهنگری، زراعت، تجارت و... می‌پرداختند. نیازهای مادی خود را از راه این شغل‌های معمولی تأمین می‌کردند.

قرآن کریم در آیه‌های فراوانی بیان می‌کند که خداوند، منابع و امکانات تولید را در

اختیار انسان‌ها قرار داده و با تأکید بر تصرف در عوامل تولید، آنان را به آباد کردن زمین و برطرف کردن نیازهای معیشتی خود تشویق کرده است: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (سوره اعراف، آیه ۱۰)؛ ما شما را در زمین جای دادیم و در آنجا برای شما وسائل زندگی قرار دادیم ولی سپاسی که می‌دارید اندک است «تمکین، تنها به این معنا نیست که شخصی را در محلی جای دهند، بلکه به این معنی است که تمام وسائل کار را در اختیار او بگذارند، به او قدرت و توانایی بخشند، ابزار کار را فراهم کنند و موانع را برطرف سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹۵/۶). در برخی آیات «آب» به عنوان یکی از منابع تولید معرفی شده است؛ به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه‌ی «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ» (سوره مؤمنون، آیه ۱۸)؛ و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم و آن را در زمین (در جایگاهی ویژه) ساکن نمودیم... یا آیه‌ی «... وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ» (سوره بقره، آیه ۲۲)؛ و از آسمان، آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد...» به این مهم پرداخته است.

درآیات دیگر قرآن باران را از عوامل مهم تولید می‌داند؛ از این رو برای رشد اقتصادی باید مناطق پرباران کشور را شناسایی کرده و با استقامت و تلاش پیگیر از هدر رفتن آن جلوگیری شود و از روش‌های جدید آبیاری برای زمین‌های کشاورزی استفاده کرد. علاوه بر این از دیگر منابع تولید در قرآن گیاهان و دانه‌های روغنی مثل زیتون هستند که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاحٍ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٍ لِلَّكِلَيْنِ» (سوره مؤمنون، آیه ۲۰ - ۱۹)؛ سپس به وسیله آن باغ‌هایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغ‌هایی که در آن میوه‌های بسیار است و از آن می‌خورید. * و (نیز) درختی را که از طور سینا می‌روید [= درخت زیتون] و از آن روغن و نان خورش برای خوردگان فراهم می‌گردد، (آفریدیم)». در کشور ما با توجه به تنوع آب و هوایی می‌توان انواع گیاهان از جمله زیتون را نقاط مختلف کاشت. با برنامه‌ریزی دقیق و با استقامتی جهاد گونه در اجرای آن می‌توان این دانه روغنی را به تولید

انبوه رساند و علاوه بر استفاده دارویی از این نعمت خدادادی آن را به نقاط دیگر جهان صادر کرد و باعث رشد اقتصادی کشور شد.

از آنجا که طبق آیات قرآن منابع تولید بسیار گسترده است؛ زیرا «غیر قابل شمارش بودن نعم» در آیهی «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا (سوره ابراهیم، آیه ۳۴)؛ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد» و «فراهم ساختن وسایل زندگی» در آیهی «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ (سوره اعراف، آیه ۱۰)؛ ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم...» دال بر فراهم بودن گسترده‌ی منابع تولید است.

انسان از لحاظ اعضاء بدن و تفکر و اراده، طوری آفریده شده که می‌تواند در این جهان تصرف کند... وسایل زندگی برای او در جهان و روی زمین به وجود آمده است و اگر آب و خاک و هوا و خورشید و ماه و... نبود زندگی برای انسان میسر نمی‌شد. (قرشی، ۱۳۷۷، ۳ / ۳۷۷)؛ بنابراین با برنامه ریزی و مدیریت صحیح می‌توان از این منابع خدادادی نهایت استفاده را برای رشد اقتصادی کشور عزیزمان به کارگیری هر چند در این مسیر با سختی‌ها و مشکلات فراوانی روبرو خواهیم شد ولی با صبر و استقامت به رشد اقتصادی مطلوب خواهیم رسید. انسان باید با به کارگیری روحیه عمران و آبادانی و در سایه خلاقیت، ابتکار و تلاش جهاد گونه رزق و روزی خویش را از منابع طبیعت به دست آورد.

«مبارزه با بیکاری» از تأثیرات مهم استقامت در رشد اقتصادی است؛ زیرا نقش عمده‌ای بر حوزه فرهنگ دارد. همگان بر این امر واقفند که بیکاری نه تنها ضربه اقتصادی به فرد و جامعه می‌زند، بلکه ضرر و خطر بزرگ‌تر آن متوجه آسیب‌های روحی و روانی فرد می‌شود. از ره‌آورد استقامت در عرصه جهاد اقتصادی این است که برای رفع بیکاری جوانان، آنها را تشویق به کار کشاورزی می‌کند. چرا که یکی از عوامل اصلی تولید، طبیعت (صدر، بی‌تا: ۶۳) و یا زمین است. امکانات موجود در زمین آب و خاک است که در امر کشاورزی

استفاده می‌شود و همچنین معادن نفت، گاز و... می‌باشد که در صنعت می‌توان استفاده کرد.

در آیات قرآن بر این امر که تا زمانی که انسان گامی برندارد و تلاش نکند بهره‌ای از روزی‌های زمین نخواهد داشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳۸/۲۴)؛ به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه‌ی «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَيْهِ تُنْشَرُونَ» (سوره ملک، آیه ۱۵)؛ او است آن کسی که زمین را برای شما رام کرده پس در اقطار آن آمد و شد کنید و از رزق آن بخورید و بدانید که زنده شدن بار دیگر شما به سوی او است. «و آیه‌ی «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَى * ثُمَّ يَجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى» (سوره نجم، آیه ۴۱ - ۳۹)؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست، و اینکه تلاش او بزودی دیده می‌شود، سپس به او جزای کافی داده خواهد شد!» بر این امر مهم تأکید کرده‌است. هرچند این آیات در مورد سعی و تلاش برای آخرت ولی دارای ملاک و معیاراصیلی است که دنیا را نیز در برمی‌گیرد. به این معنی که افراد مسلمان نباید در انتظار دیگران بنشینند که برایشان کار کنند و مشکلات جامعه‌شان را حل نمایند، بلکه باید خود دامن همت به کمر بزنند و به سعی و تلاش و کوشش برخیزند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/ ۵۵۳- ۵۵۲). (برخی از جوانان گمان می‌کنند که بهترین کاری که می‌تواند نیازهای معیشتی آنها را برطرف سازد کار و فعالیت دولتی است. در حالی که با تغییر این فرهنگ غلط می‌توان آنها را به سوی مشاغل تولیدی از جمله کشاورزی تشویق کرد. فعالیت‌های زراعی و باغی با دامپروری و صنایع، اعم از صنایع تبدیلی و صنایع مربوط به ماشین‌آلات کشاورزی، کود و سم و غیره ارتباط دارد. به طوری که افزایش محصولات کشاورزی باعث موفقیت در دیگر عرصه‌ها از جمله ایجاد شغل برای جوانان خواهد شد (رزاقی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

۲.۲) استقامت در رفع موانع تولید

برای رسیدن به هر هدفی از جمله رشد اقتصادی باید صبور بود و با تلاش پیگیر پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری پیمود قرآن کریم نیز به این امر اشاره دارد: «فَاسْتَقِمْ كَمَا

أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ (هود/۱۱۲)؛ هم‌چنان که امر شده‌اید در انجام وظایف استقامت داشته باشید». هیچ هدفی بدون استقامت و تلاش مستمر، محقق نمی‌شود؛ بنابراین در آیه مذکور به پیامبر خدا ﷺ دستور داده شده است که به همراه پیروانش برای انجام وظیفه که همانا تحقق بخشی به اهداف نظام اسلامی است، صبر و شکیبایی پیشه کنند. امروز هم مسئولیت مهم ما مسلمانان و مخصوصاً رهبران اسلامی در این چهار جمله خلاصه می‌شود: استقامت، اخلاص، رهبری مؤمنان و عدم طغیان و تجاوز، و بدون به کار بستن این اصول، پیروزی بر دشمنانی که از هر سو از داخل و خارج ما را احاطه کرده‌اند و از تمام وسائل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و نظامی بر ضد ما بهره‌گیری می‌کنند امکان پذیر نمی‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۹/۹).

شهرنشینان آرزوی زندگی در کشورهای صنعتی و یا در کوی و برزن‌های شمال شهر تهران را دارند؛ روستاییان بسیاری نیز پذیرفته‌اند که روستایی بودن ضد ارزش و شهری شدن ارزش است و زندگی کردن در شهر آرزوی آنها است. دلیل این امر وجود مشکلات کشاورزی و دام پروری و از همه مهم‌تر فقر فرهنگی است که باعث شده ارزش‌ها تبدیل به ضد ارزش شود و به همین دلیل است که می‌بینیم الگوی مصرف وارداتی بر مردم سایه افکنده است. برای حل مشکل باید با تکیه بر روستائینی که هنوز در زادگاه خویش هستند و به آبادانی آن می‌اندیشند و با استفاده از توان اردوهای جهادی طلاب و دانشجویان که در سال‌های اخیر بروز و ظهور کرده است؛ روند خالی شدن روستاها را روز به روز کاهش دهد.

۳.۲) خودباوری و خوداتکایی

عدم اعتماد به نفس و ایمان به شایستگی‌ها و توانایی‌ها از عوامل عقب ماندگی در همه کارها مخصوصاً در فعالیت‌های اقتصادی است. قرآن کریم در مورد خودباوری و خوداتکایی می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران / ۱۳۹)؛ اگر ایمان به خدا دارید از سستی پرهیزید و غمگین می‌شوید؛ همانا شما در مقایسه با غیرمؤمنین از برتری و شایستگی برخوردارید». این آیه امر کرده است که مردم سستی و کاهلی را کنار

بگذارند و اگر این روحیه را در خود تقویت کنند؛ با کار و تلاش به هدف خواهند رسید و در نتیجه روحیه خودباری و خوداتکایی در آنها تقویت خواهد شد.

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «ایمان موجب از بین رفتن رخوت و سستی و تقویت روح حماسه و پایداری است. شما اگر مؤمن باشید برترید و کافران پست و پایین‌اند. مطمئن باشید از دیگران برترید، زیرا مؤمن هستید. اعتلای مکتب و علو روحیه ایمانی سبب اعلا بودن مؤمن است و او با عبودیت، مظهر اعتلای الهی می‌شود. بر اساس این آیه، برای سعادت ابدی و بهشت برین، باید در کنار دیگر فضایل، جنگ و جهاد همراه با صبر و مقاومت نیز باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵ / ۵۹۶). عدم اعتماد به نفس سبب می‌شود که افراد در پیشبرد اهداف، استعدادهای خود را باور نداشته باشند و به خودکم‌بینی دچار شوند؛ بنابراین، اگر مسلمانان، به خداوند ایمان داشته باشند، در پرتو قدرت الهی چنان توانمند خواهند شد که هیچ کس نمی‌تواند بر آنان غالب شود. با ایمان به این حقیقت، مردم و مسئولین جامعه اسلامی، عزت و عظمت را تنها از درگاه خداوند می‌خواهند و خود را از دیگران بی‌نیاز خواهند دید.

۴.۲) افزایش توان اقتصادی

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب خاطر نشان می‌کنند: «فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است؛ منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده باقی

مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بی شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷: ۸). تولید، موجب توسعه کسب و کار و بنگاه‌های اقتصادی زودبازده می‌شود و زمینه پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌کند. با افزایش تولید می‌توان از قاچاق کالا جلوگیری کرده و بالعکس آن، بازارهای دیگر کشورها را در دست گرفت. از تأثیرات استقامت بر رشد اقتصادی، مشارکت مردم و افزایش توان اقتصادی است که نجات از اقتصاد تک محصولی و نفت را در پی خواهد داشت (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

خداوند متعال نیز در قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «... وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ ... (مائده / ۲)؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید». در این آیه مشارکت و تعاون به طور صریح ذکر شده است. مشارکت از نظر قرآن صرفاً در کارهای نیک و پسندیده مورد تأیید است و مؤمنان از مشارکت در اموری که تعدی و گناه را در برگیرد برحذر شده‌اند. در یکی از تفاسیر، مشارکت یک اصل کلی اسلامی شمرده شده است: «آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد. طبق این اصل مسلمانان موظف‌اند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است، هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد. اگر این اصل در اجتماعات اسلامی زنده شود و مردم بدون در نظر گرفتن مناسبات شخصی و نژادی و خویشاوندی با کسانی که در کارهای مثبت و سازنده گام بر می‌دارند همکاری کنند، و از همکاری کردن با افراد ستمگر و متعدی در هر گروه و طبقه‌ای که باشند، خودداری نمایند،

بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی سامان می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/ ۲۵۰).

۳. تأثیر استقامت بر رشد اقتصادی در حوزه مصرف

پایداری و استقامت زمینه‌ساز استقلال و نفی وابستگی است. مصرف یکی از شاخص‌های ارزیابی سبک زندگی و یکی از مؤلفه‌های کلیدی در اقتصاد است که نقش بسزایی در توسعه کشور دارد؛ از این رو با اصلاح الگوی مصرف که به معنی روش صحیح استفاده از منابع است می‌توان از اقتصاد وابسته و مصرفی رها شد و به سوی توسعه و پیشرفت گام برداشت. استقامت سبب ایجاد تحول فرهنگی در حوزه مصرف، قناعت و ساده زیستی، ترویج عدالت‌ورزی، حفظ اتحاد و انسجام ملی، مقابله‌ی با تحریم‌ها و مفاسد اقتصادی می‌شود.

۱.۳ تحول فرهنگی در حوزه مصرف

یکی از تأثیرات استقامت بر رشد اقتصادی این است که فرهنگ جامعه را از مصرف‌گرایی و اسراف به اعتدال و میانه روی سوق می‌دهد. آسیب‌شناسی فرهنگ مصرف‌گرایی، طرد اسراف‌کاران، خشکاندن فرهنگ وارداتی خودنمایی و دوری از تربیت خانوادگی و اجتماعی مصرف‌گرا و فاصله گرفتن از شیوه‌های انحرافی و استعماری مصرف - در سطوح فردی، اجتماعی و سازمانی - که استعمارگران را در تسخیر بازارهای مصرف جامعه اسلامی یاری می‌رساند از راه‌کارهای نهادینه کردن فرهنگ صحیح اقتصادی است. عملی کردن این راه‌کارها نیاز به صبر استقامت آحاد جامعه اعم از مردم و مسئولین دارد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (سوره فرقان، آیه ۶۷)؛ و کسانی که چون خرج می‌کنند اسراف نکنند و بخل نورزند و میان این دو معتدل باشند». خداوند متعال در این آیه انسان را از اسراف و زیاده روی منع کرده است. انسان مؤمنی که وظیفه نفقه خانواده خود را به عهده دارد باید دخل و خرج حساب و کتاب داشته باشد. نه ممسک و بخیل باشد و نه آن چنان سخاوتمند که حسرت و پشیمانی به بار

آورد؛ بلکه باید میانه رو باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۲۴).

از آنجا که ما در اجتماعی زندگی می‌کنیم که موارد اسراف در لباس پوشیدن، در مراسم عروسی و عزاداری‌ها و... بسیار زیاد به چشم می‌خورد اگر بخواهیم خود اسراف نکنیم و خانواده خود را از اسراف پرهیز دهیم مانند حرکت خلاف جهت آب، بسیار سخت و طاقت‌فرساست و نیاز به استقامتی جهاد گونه دارد.

بعضی از افراد در اثر جهل و یا غفلت به گونه‌ای زندگی می‌کنند که با احکام و ارزش‌های اسلامی همخوانی ندارد؛ به عنوان مثال با اینکه اسلام به زندگی اعتدالی و میانه‌رو و همراه با قناعت، سفارش می‌کند، به‌ویژه در شرایطی که فراهم‌سازی رفاه برای همه مردم میسر نیست، اما بعضی از مردم با پیروی از هوی و هوس یا غرق‌شدن در زرق و برق زندگی، به اسراف و اتراف (خوشگذرانی) آلوده می‌شوند. در آیات فراوانی تذکر داده شده است که از چنین آلودگی‌هایی خودداری شود؛ چرا که این امور، پیامدهایی همچون فقر و احتیاج و وابستگی به بیگانگان و سیطره و تسلط دشمنان را به همراه دارند. بر این اساس، اگر ضمن تلاش مجدّانه در عرصه تولید و سرمایه‌گذاری در مصرف، به تأمین نیازهای واقعی در حدّ اعتدالی اکتفا شده و از اسراف و تبذیر و شادخواری پرهیز شود، خانواده‌ها در برابر چشم و هم‌چشمی‌های موجود بین اقوام و آشنایان مقاومت کرده و در زندگی از تجملات دور باشند. علاوه بر آن که فقر و کمبود به وجود نمی‌آید، نیاز به واردکردن کالا از خارج نیز ایجاد نمی‌شود و در نتیجه زمینه برای نفوذ و سلطه دشمنان فراهم نمی‌گردد.

خداوند متعال در آیات قرآن می‌فرماید: «... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

(اعراف / ۳۱)؛ و بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، چون خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد؛ و از اسراف بیش از ۲۳ بار در آیات متعدد قرآن به اشکال مختلف به‌کار رفته است. این واژه به معنای هرگونه کوتاهی، زیاده‌روی، تجاوز از حد اعتدال و گرایش به سوی افراط و تفریط است. اعتدال در مصرف به معنی حد مطلوب بهره‌مندی و استفاده از نعمت‌های الهی است به گونه‌ای که به اندازه باشد. میانه روی در مصرف، که در روایات از آن به «قصد»

و «اقتصاد» تعبیر شده، حد وسطی است که اسراف و تقتیر (سخت گیری) در آن نباشد. البته این حد نسبت به افراد مختلف و شأن و شخصیت اجتماعی آنان متفاوت است. متأسفانه برخی از مدیران و کارمندان دولت در جامعه اسلامی ما به این مسأله با تسامح نگرسته، عملاً مراقبت و دقت لازم را ندارند. اسراف و تبذیر در اموال عمومی و بیت المال، منحصر به زیاده روی در مصرف یا بهره برداری غیر صحیح نیست، بلکه به وجود آوردن یک محیط شیک و تشریفاتی و خرید چراغ‌ها و صندلی هایی با قیمت های گزاف و تعویض آرایه های اتاق از مصادیق بارز اسراف و تبذیر در بیت المال می باشند. (موسوی، ۱۳۷۱: ۱۸۷)؛ بنابراین انتظار می رود که مدیران در مقابل زیاده خواهی نفس اماره و همچنین سرزنش های بی دلیل اطرافیان در این زمینه، نهایت استقامت را به خرج دهند و با روحیه قناعت و ساده زیستی که در ادامه به آن می پردازیم به کار خود مشغول باشند.

۲.۳ قناعت و ساده زیستی

قناعت و ساده زیستی از ویژگی ها و امتیازات انسان های با فضیلت است. افراد خود ساخته و آراسته دارای روحیه قناعت و عزت هستند و در پرتو این روحیه عالی هیچ گاه چشم به مال و منال دیگران ندوخته و برای کسب مال و مقام شخصیت والای خویش را خرد نمی کنند. افراد قانع و ساده زیست در زندگی به مقدار ضرورت و کفاف بسنده کرده و به کمتر از آن نیز خشنودند. مهم ترین بارزه آنها همان رضایت خاطر و روحیه بالای انسان های قانع نسبت به مقدرات عالم است (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۶۳۵). امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «... وَاقْنَعْ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ لَكَ وَلا تَنْظُرْ إِلا إِلَى مَا عِنْدَكَ وَلا تَتَمَنَّ مَا لَسْتَ تَنَالُهُ فَإِنَّ مَنْ قَنَعَ شَيْعَ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ....: به آنچه خدا روزی ات کرده قناعت کن و نگاهت جز به مال خودت نباشد. و چیزی را که بدان نمی رسی آرزو نکن زیرا آنکه قناعت پیشه کند سیر شود و کسی که قناعت نکند سیر نگردد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۴۳). حد مطلوب بهره مندی و استفاده از نعمت های الهی آن است که همراه با رعایت اعتدال و به قدر کفاف باشد. اعتدال و قناعت در مصرف موجب بقای نعمت و پدیدآورنده زمینه

مناسبی برای رشد صفات و کمالات معنوی در انسان است (رادمهر، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

در پرتو جهاد اقتصادی روحیه قناعت و ساده‌زیستی در جامعه تقویت می‌شود؛ به این صورت که با نهادینه شدن این فرهنگ حرص و بی‌نیازی کنترل می‌شود و در پی آن مشکلات و فشارهای اقتصادی قابل تحمل می‌گردد و فرهنگ استفاده از منابع و دوری از اسراف ترویج می‌یابد. تجمل‌گرایی باعث بالا رفتن سن ازدواج و مشکلات اجتماعی و خانوادگی می‌شود. عصر حاضر، نگاه افراطی به مادیات همه‌گیر شده و بعضی افراد دچار زرق و برق دنیا گشته‌اند و اسراف و تبذیر رواج یافته؛ در چنین جامعه‌ای استفاده درست از منابع و اصلاح الگوی مصرف نیاز به این دو راهکار یعنی قناعت و ساده‌زیستی دارد تا استقلال، عزت و مقاومت کشور در مقابل تحریم‌ها و تهدیدها حفظ گردد و بی‌نیازی از دیگر دولت‌ها حاصل گردد. همچنین ترویج قناعت، ذکر آثار و ضرورت‌های آن بهترین راه به سوی اقتصادی همراه با استقامت و بی‌نیازی است. استقامت در برابر تمایلات نفسانی و چشم و هم‌چشمی‌های کمرشکن که کم و بیش در جوامع وجود دارد؛ موجب هم‌دردی و شرکت عملی در غم مستمندان می‌شود. اگر افراد جامعه به خصوص مدیران و رهبران، با وجود توانایی مالی در مقابل امر شیطان به تجمل‌گرایی استقامت کنند. علاوه بر اینکه درد و رنج محرومان را لمس می‌کنند؛ با آنها هم‌دردی کرده‌اند. لازم به ذکر است که سرچشمه بسیاری از نارضایتی‌های مردم و شکایت آنها از وضع زندگی، کمبودها و فقر نیست، بلکه گاه می‌بینیم همه چیز دارند، اما باز ناله و فریاد می‌کنند که عامل اصلی آن عدم قناعت و توقعات بی‌حد و حساب است و اگر همگی به قدر نیاز قانع باشند؛ همه افراد جامعه طعم عدالت را خواهند چشید و آرامش بی‌مانندی در جامعه حکم فرما می‌شود و کرامت انسانی و پاکی دامن فراهم می‌شود.

۳.۳ ترویج عدالت ورزی

فقط اصول مکتب نجات دهنده اسلام، زیربنای اجتماعات بشری و رکن عظیم بقاء حکومت را عدالت قرار داده و اساس فلسفه قیام حکومت اسلامی را روی نشر عدالت

اجتماعی و مبارزه با ظلم و تجاوز استوار کرده است. عدالت در عرصه‌های تولید، توزیع، مصرف و فرصت‌ها و خدمات دولت ظهور پیدا می‌کند. عدالت ایجاب می‌کند، هر کس به حق خود قانع باشد و از تجاوز به حقوق مالی دیگران پرهیزد (عزیزان، ۱۳۹۰: ۴۲). قرآن کریم برای تحقق عدالت اجتماعی از تمام مؤمنان خواسته است که با جدیت بکوشند و همیشه و در همه حال عادل باشند؛ به عنوان نمونه خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اْعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (سوره مائده، آیه ۸)؛ هان ای مردمی که ایمان آوردید در آنجا که هوای نفس وادارتان می‌کند تا به انگیزه دشمنی، بنا حق شهادت دهید به خاطر خدا قسط را بپا بدارید، و دشمنی با اشخاص و اقوام شما را به انحراف از حق نکشاند، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است، و از خدا بترسید که خدا از آنچه می‌کنید با خبر است.»

به دلیل همین عدالت ورزی نخبگان است که در آموزه‌های دینی برای افرادی همچون ولی فقیه، مرجع تقلید، مجتهد، امام جماعت، قاضی، شاهدان در دادگاه و... عدالت شرط است. و بدون ویژگی عدالت این افراد صلاحیت ورود به عرصه‌های مذکور را ندارند. عدالت با روحیه جهادی و استقامت در برابر ظالمین و طعنه‌زنان به حاکمیت اسلامی به دست می‌آید؛ به این صورت که در همه عرصه‌ها مخصوصاً در عرصه تلاش برای رشد اقتصادی کشور هر جایی تقابل یا تضادی در مقام حکم یا تراحمی در مقام اجرای قوانین اقتصادی با اعدالت پیش آید، باید عدالت به عنوان اصل حاکم مقدم گردد و به هیچ وجه نمی‌توان از ابزار یا روشی استفاده کرد که عدالت را تضعیف یا ساقط کند. عدالت آن گاه تحقق می‌یابد که رفتار و روابط اجتماعی و اقتصادی بر میزان حق تنظیم شده باشد. واژه عدالت با واژه حق گره خورده است. اگر حقوق افراد جامعه بر اساس موازین الهی محقق شود، عدالت رعایت شده است (رجایی و معلمی، ۱۳۹۰: ۲۷)؛ بنابراین برای رشد اقتصادی کشور باید برای برپایی عدالت، استقامت داشت به این صورت که برای برپایی عدالت و مبارزه با ظلم

با استقامت تمام در مقابل طعنه‌زنان و شبهه‌افکنان ایستاد. در مرحله بعد باید در مقابل کسانی که تمایل به زیاده‌خواهی دارند و به حق خود قانع نبوده و به تجاوز به حقوق مالی دیگران عادت کردند برخورد قاطعانه صورت بگیرد و در مقابل تهدیدهای آنان مقاومت کرد.

۴.۳ حفظ اتحاد و انسجام ملی

یکی دیگر از تأثیرات استقامت بر رشد اقتصادی حفظ اتحاد بین اقشار مختلف مردم و انسجام ملی است. اتحاد و انسجام در عرصه ملی از عوامل لازم برای حرکت سریع رو به رشد در هر کشوری است و ایران نیز از این مسأله مستثنی نیست. پرهیز از حرکات و بیانات تفرقه افکنانه از ضروریات حرکت جامعه در مسیر یک اقتصاد مقاومتی حقیقی است.

قرآن کریم همه مؤمنان را به اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و تشتت فرا می‌خواند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران / ۱۰۳)؛ و همگی به وسیله حبل خدا خویشان را حفظ کنید و متفرق نشوید و نعمت خدا بر خویشان را بیاد آرید، بیاد آرید که با یکدیگر دشمن بودید و او بین دلهایتان الفت برقرار کرد و در نتیجه نعمت او برادر شدید. و در حالی که بر لبه پرتگاه آتش بودید، او شما را از آن پرتگاه نجات داد. خدای تعالی این چنین آیات خود را برایتان بیان می‌کند تا شاید راه پیدا کنید.»

این آیه شریفه نه تنها همه مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان محکم الهی دعوت می‌کند، بلکه از آنان می‌خواهد که «همه با هم» به این مهم بپردازند. «حبل الله» هر عمل صالحی است که می‌تواند در راه تقرب انسان‌ها به پروردگار به آنان مدد رساند. از جمله برجسته‌ترین اعمال صالح، کمک به پیشرفت جامعه اسلامی است، که یکی از ابعاد پیشرفت جامعه در بعد اقتصادی و معیشتی است که با جهاد همگانی حاصل می‌شود. (عزیزان، ۱۳۹۰: ۴۶). این جهاد همگانی، به خاطر اینکه فراگیر است و همه مردم در آن

مشارکت دارند می‌تواند باعث اتحاد و انسجام مردم شود البته در جامعه‌ای که مردم با نظرات و عقاید و تفکرات مختلف مواجه هستند. ایجاد اتحاد و انسجام، بسیار مشکل خواهد بود به همین علت باید با وجود اختلاف آرا، منافع ملی را در نظر گرفت، و در مقابل خواش‌های نفسانی که باعث می‌شود که انسان فقط منافع خود را در نظر بگیرد مقاومت کرد؛ و برای حفظ کشور و پیشرفت در عرصه اقتصادی استقامت نمود.

استقامت احاد جامعه در برابر مشکلاتی که در راه تولید و اعتدال در مصرف وجود دارد، علاوه بر اینکه باعث اتحاد و یکپارچگی مردم می‌شود استقلال و اقتدار اقتصادی کشور عزیزمان را نیز به همراه دارد.؛ چرا که یکی از اهداف دشمنان انقلاب اسلامی ایجاد تفرقه بین مذاهب، قومیت‌ها و دیگر اقشار جامعه می‌باشد تا بدین وسیله استقلال و اقتدار کشور ایران را خدشه‌دار کنند. ولی با استقامت در مقابل مشکلات اقتصادی می‌توان توطئه دشمنان را خنثی کرد.

قرآن کریم از ما خواسته است در همه عرصه‌ها باید آنقدر قوی و نیرومند باشیم که اجازه تعرض و تجاوز به جامعه اسلامی را از دشمنان سلب کنیم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (سوره انفال، آیه ۶۰) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید؛ بر طبق آیه حفظ اتحاد و انسجام ملی و استقامت مردم در این زمینه باعث قدرتمندی کشور در همه عرصه‌ها از جمله جنگ اقتصادی و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان خواهد شد.

علاوه بر استقلال، توصیه و تاکید اسلام، به دست آوردن اقتدار اقتصادی است. یادآوری این نکته لازم است که استقلال غیر از اقتدار است. چه بسا ممکن است کشوری به لحاظ اقتصادی مستقل باشد ولی مقتدر نباشد؛ یعنی به پای خود بایستد ولی نتواند حرف اول را در روابط تجاری با دیگران بزند. در این صورت، استقلال دارد ولی اقتدار و قدرت چانه‌زنی ندارد. از این‌رو، چنین کشوری قادر نیست در روابط تجاری شرایط خود را به دیگرانقبولاند. بنابراین استقلال، شرط اقتدار است و بدون آن نمی‌توان به اقتدار دست یافت؛ ولی اقتدار، شرط

استقلال نیست بلکه اقتدار، بالاتر از آن است. اقتدار، مس تلزم توانمندی کمی و کیفی در سرمایه‌گذاری و تولید است (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵).

مفاد آیه مذکور به ضرورت قدرت‌یابی مسلمانان و رسیدن آنان به حدی از شکوه و عظمت اشاره دارد که دشمنان هرگز این جرأت را به خود ندهند که نسبت به جامعه اسلامی تعرض کنند یا حتی به فکر آسیب‌زدن به آن بیفتند. بدیهی است چنین اقتداری علاوه بر امور سیاسی و فرهنگی، شامل عرصه اقتصاد هم می‌شود؛ بنابراین تولید کالا به‌منظور برطرف‌سازی نیازهای داخلی و افزایش بهره‌وری و برای صادرات با هدف کسب سرمایه و دستیابی به عزّت و اقتدار در سطح جهانی، که از اهداف مهم اقتصاد اسلامی است، در مفهوم فراهم‌آوری قوه و قدرت که در آیه، مورد تأکید است، لحاظ شده است. این امر علاوه بر اهتمام به کار جهادی و سرمایه‌گذاری در تولید، به مصرف کالای داخلی و پرهیز از واردات و استفاده از کالای خارجی بستگی دارد. چرا که با مصرف کالای خارجی، علاوه بر خروج سرمایه، به مسئله اشتغال و قدرت تولید و سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری و رشد صنعت و فناوری و ارتقای علم و دانش که ارکان مهم اقتدار اقتصادی هر جامعه‌ای هستند، به شدت آسیب وارد می‌شود.

یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم، سگّان هدایت جامعه را در دست می‌گیرد، اقتصاد آن کشور است و اتحاد و انسجام مردم در راه اصلاح و بهبود آن می‌تواند به منزله گام‌هایی در جهت تعالی دیگر بخش‌های جامعه و رفاه حال عمومی و فعالیت در اعتلای پایه نظام و کشور باشد. در نظام اقتصاد اسلامی، تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و نیز رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است. و این امر حاصل نمی‌شود مگر اینکه، تبدیل به یک خواسته عمومی شود. و همه مردم با اتحاد خود، دست در دست هم برای رسیدن به این هدف تلاش کنند.

۶.۳. مقابله با تحریم‌های اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی به واسطه اهداف و آرمان‌های الهی‌اش مورد

دشمنی کشورهای بزرگ قرار گرفت و از همان ابتدا بدخواهان انقلاب با تنظیم توطئه‌های اقتصادی، قطع روابط سیاسی با ایران، مسدود کردن اموال و دارایی‌های ایران در بانک‌های خارج از کشور، دامن زدن به بحران‌های قومی و منطقه‌ای و صدها نقشه گوناگون علیه انقلاب نوپای اسلامی، تمام عزم شیطانی خود را جزم کردند تا مسیر انقلاب را به انحطاط بکشانند. اما در خلاف خواست آنها و به برکت مقاومت اسلامی این انقلاب پس از گذشت چهار دهه با قدرت هر چه تمام تر به پیش می‌رود. جهاد اقتصادی که مقام معظم رهبری فرمودند راهبردی اساسی برای مقابله با تمام تحریم‌ها در ابعاد مختلف است ایشان می‌فرمایند: «... ما خواهیم توانست در مدت یک برنامه مشخصی، کاری کنیم که دیگر کشور در عرصه اقتصادی دنیا از تحریم اقتصادی و محاصره اقتصادی، هیچ باکی نداشته باشد. این وظیفه ملی ماست، باید انجام دهیم. هر کسی می‌تواند نقش داشته باشد. سرزمین وسیع و امکانات فراوانی هم داریم» (سبحانی فر، ۱۳۹۱: ۲۰)؛ بر طبق فرمایشان مقام معظم رهبری با جهاد اقتصادی، استقامت و مقاومت اسلامی و تکیه بر توان، استعدادها و امکاناتی که در کشور وجود دارد می‌توانیم از نظر اقتصادی به جایی برسیم که دیگر تهدید به تحریم و محاصره اقتصادی معنا پیدا نکند.

یکی از راه‌های مقابله با تحریم‌ها به دست آوردن و حفظ کردن استقلال اقتصادی است. چرا که اگر برای رفع احتیاجات خود به امکانات داخلی متکی باشیم چیزی برای تحریم از سوی دشمنان باقی نمی‌ماند. در آیات قرآن کریم ضرورت استقلال اقتصادی بیان شده است: «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نسا/ ۱۴۱)؛ خداوند هرگز برای کافران نسبت به اهل ایمان، راه سلطه و نفوذ قرار نمی‌دهد. عدم وابستگی به کافران و استقلال در همه عرصه‌ها مخصوصاً عرصه اقتصادی از اهداف تشکیل حکومت اسلامی است. از مفاد این آیه، ضرورت استقلال اقتصادی به خوبی فهمیده می‌شود؛ پس اغلب فقهای اسلام برای نفی هرگونه سلطه بیگانگان بر مقدرات مسلمانان به این آیه استناد می‌کنند؛ از این رو، لازم است مسلمانان امور خود، از جمله سیاست‌های اقتصادی‌شان را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که هیچ‌گونه زمینه نفوذ و سیطره بر کفار در فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان ایجاد نشود.

در این راستا، توجه به تولید و مصرف کالاهای داخلی، حائز اهمیت بسیار است؛ زیرا بی‌توجهی به بهبود و افزایش تولید به میزان نیازها و ضرورت‌های پیشرفت، زمینه احتیاج و دست‌درازکردن به سوی بیگانگان را فراهم می‌کند. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إِحْتِجَ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۴۲۰)؛ به هر کس که خود را محتاج کنی اسیر او می‌گردد. از رهگذر احتیاج، تسلیم به بیگانگان و در نتیجه سلطه و سیطره آنها بر مقدرات مسلمانان تحقق می‌یابد. پس بر مسئولین و افراد جامعه اسلامی لازم است که به تولید و مصرف کالای داخلی اهتمام بورزند تا هم به استقلال اقتصادی دست یابند و هم از وابستگی به بیگانگان و تسلط دشمنان بر امور جامعه اسلامی در امان بمانند. برای رسیدن به این هدف علاوه بر صبر و استقامت باید به نظرات مدیران شایسته نیز توجه کرد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «مَوْفَقِيَّتِ هَر مَلَّتْ در پیشرفت‌های خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد. نسبت اینها متعکس است؛ یعنی هرگاه بیگانه و یک قدرت خارجی، ولو آن قدرت خارجی علناً اظهار دشمنی نکرده باشد، نفوذش در بین مردم، قشرهای مختلف و فضای سیاسی بیشتر باشد، این ملت از آینده‌ای همراه با عزّت و همراه با افتخار و تأمین‌شده، فاصله‌اش بیشتر است...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان و جانبازان: ۱۱/ ۰۸/ ۱۳۷۹) (سایت مقام معظم رهبری: KHAMENEI.IP).

۷.۳) مقابله با مفاسد اقتصادی

از تمامی مسئولین جامعه اسلامی انتظار می‌رود برای انتخاب مدیران اقتصادی در همه عرصه‌ها نهایت دقت را داشته باشند و در گزینش افراد در برابر پیشنهادات افراد مغرض استقامت داشته و به سوابق، تعهد و تدین توجه داشته باشند. چرا که انتخاب افراد کارآمد، مؤمن و دلسوز برای رشد اقتصادی جامعه بسیار مؤثر خواهد بود. و در مقابل انتخاب افراد سفیه، بی‌ایمان اقتصاد کشور اسلامی را فاسد می‌کند. فساد اقتصادی پدیده شومی است که دیر زمان در تمام حکومت‌ها وجود داشته است و با شکل‌گیری انقلاب اسلامی که از اهداف مهم و

اساسی آن ریشه کن کردن فساد در تمامی ابعاد بود مقابله با فساد اقتصادی به طور جدی صورت گرفت. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «یکی از مصداق‌های عدالت، مبارزه با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود. من سال‌ها پیش هم این را گفته‌ام، بارها هم تأکید کرده‌ام، تلاش‌های خوبی هم انجام گرفته است و دارد انجام می‌گیرد؛ اما مبارزه با فساد، کار دشواری است؛ کاری است که انسان، مخالف پیدا می‌کند. شایعه درست می‌کنند، دروغ می‌گویند و آن کسی که در این میدان جلوتر از دیگران حرکت کند، بیشتر از همه مورد تهاجم قرار می‌گیرد.... مفساد اقتصادی، جریان آلوده‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کل فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست؛ برخورد با مفساد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد.» (سایت مقام معظم رهبری: KHAMENEI.IP). طبق آیات قرآن کریم اقتصاد مایه قوام جامعه است. بنابراین نباید اموال خود را به دست سفیان بسپاریم: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (سوره نساء، آیه ۵)... اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید...».

جمع بندی و نتیجه گیری

در طول تاریخ اسلام، نمونه‌های بی‌شماری از استقامت جهادگونه مسلمانان وجود دارد که نشان‌دهنده روحیه انفاق، ایثار و ولایت‌مداری مسلمانان است. طبق دین اسلام، کار و فعالیت‌های تولیدی بسیار ارزشمند است و مسلمانان می‌توانند با استقامت و تلاش جهادگونه رزق و روزی خویش را از منابع طبیعی به دست آورند. با این کار توان اقتصادی کشور را افزایش دهند و علیه مصرف‌گرایی و اسراف مبارزه کرده و روحیه قناعت ساده‌زیستی را در جامعه تقویت کنند. همچنین با استقامت در عرصه جهاد اقتصادی، عدالت را در زمینه‌های تولید، توزیع، مصرف و فرصت‌ها و خدمات در اجتماع نهادینه کنند و با تکیه بر توان، استعداد و امکاناتی که در جامعه وجود دارد با تحریم‌های ظالمانه مبارزه کنند؛ پس باید با برنامه‌ریزی دقیق، تکلیف‌مداری، وظیفه‌مداری و ارزشمند دانستن خدمت به جامعه و همنوع روحیه استقامت در عرصه جهاد اقتصادی را تقویت کنیم؛ تا به رشد اقتصادی مطلوب برسیم.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی‌جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، تهران، چ ۱، شرکت رایانه پژوهان شرق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، بی‌جا، دارالفکر.
۵. آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۹۱، فرهنگ عربی معاصر، ویراست دوم، تهران، بی‌جا، نشر نی.
۶. آقائظری، حسن، ۱۳۹۱، نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی، قم. بی‌جا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بناء رضوی، مهدی، ۱۳۹۱، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مشهد، بی‌جا، انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، مفاتیح الحیاه، قم، چ ۱۹، انتشارات اسراء.
۹. -----، ۱۳۸۸، تفسیر تسنیم، قم، ج ۱۵، چ ۱، انشارات اسراء.
۱۰. جهانیان، ناصر، ۱۳۸۸، اسلام و رشد عدالت محور، تهران، چ ۱، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، چ ۱، بی‌جا.
۱۲. دهقانپور، بابک، ۱۳۹۴، اقتصاد مقاومتی؛ مطالعه مروری ابعاد و ویژگی ها، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ش ۱۸۶.
۱۳. رادمهر، احسن الله، ۱۳۹۰، جهاد اقتصادی و بسترهای تحقق آن، تهران، چ ۱، پیام عدالت.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۴ ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، چ ۱، دارالقلم.
۱۵. رزاقی، ابراهیم، ۱۳۸۱، آشنایی با اقتصاد ایران، تهران، چ ۴، انتشارات نشر نی.
۱۶. رشیدی آل هاشم، سید رکن الدین، ۱۳۹۳، بایسته‌های فرهنگ، اقتصاد و مدیریت جهادی، قم، چ ۱، زمزم هدایت.
۱۷. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، تهران، چ ۱۰، مشعر.
۱۸. سبحانی، محمد جواد و همکاران، ۱۳۹۱، اندیشه‌های دفاعی فرمانده معظم کل قوا، تهران، چ ۱، انتشارات دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

۱۹. شیخ صدوق، جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، مترجم: فهری زنجانی، ۱۳۸۵، خصال، قم، بی‌چا، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. صدر، سید محمد باقر، بی‌تا، اقتصاد ما، مترجم: محمد کاظم موسوی، مشهد، بی‌چا، انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، چ ۵، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، چ ۳، نشر مرندوی.
۲۳. عزیزان، مهدی، ۱۳۹۰، جهاد اقتصادی (الزامات، عوامل، موانع)، قم، چ ۱، زمزم هدایت.
۲۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۱۳۶۳، تهران، بی‌چا، انتشارات امیرکبیر.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم، چ ۲، نشر هجرت، قم.
۲۶. قاسمی، علی، ۱۳۹۲، حماسه سیاسی و اقتصادی، قم، چ ۲، زمزم هدایت.
۲۷. قدیری اصل، باقر، ۱۳۶۶، کلیات علم اقتصاد، بی‌جا، چ ۵، انتشارات سپهر، بی‌جا.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، کافی، تهران، چ ۸، بی‌چا، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. محمدزاده اصل، نازی، ۱۳۸۱، «آزمون نظریه رشد نئوکلاسیک»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ش ۶.
۳۰. مصباحی مقدم، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۲، «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی، سال ششم، ش ۱۱.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، چ ۱، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. موسوی، سید مهدی، ۱۳۷۱، پژوهشی در اسراف یا آفت سرمایه‌ها، قم، بی‌چا، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳. مهدوی کنی، محمد رضا، ۱۳۹۰، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران، بی‌چا، دانشگاه امام صادق (ع).
۳۴. سایت مقام معظم رهبری، (KHAMENEI.IP)

تحلیل قرآنی - روایی بایسته‌های دستگاه‌های دولتی در حوزه‌ی کسب و کار از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام

مریم شمشیری^۱ (نویسنده مسئول)

خدیدجه حسین زاده باردئی^۲

چکیده

سبک زندگی مهمترین دغدغه‌ی مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است. حوزه‌ی کسب و کار از موثرترین حوزه‌های سبک زندگی است که مقام معظم رهبری برای بهبود فضای آن، تکالیفی را بر دوش عموم مردم، فعالان اقتصادی، نخبگان علمی با اولویت نهادهای دولتی قرار داده است. تحلیل قرآنی این بایسته‌ها در تدوین سیاست‌های کسب و کار و غیر مستقیم در بهبود وضع اقتصادی بسیار موثر است. مقاله پیش رو با روش توصیفی و تحلیلی به تحلیل بایسته‌های وظایف نهادهای دولتی در حوزه کسب و کار از منظر مقام معظم رهبری می‌پردازد. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که بایسته‌های ایجابی دولت در این مساله «رعایت حقوق مالکیت»، «ایجاد پنجرهی واحد صدور مجوز»، «تشکیل دادگاه‌های تجاری»، «تعامل تکریم آمیز با فعالان سالم و معتبر»، «حمایت از صادرات» و

۱. طلبه‌ی سطح ۲ جامعه الزهراء علیها السلام (نویسنده مسئول) m.shamshiri2014@gmail.com

۲. پژوهشگر رشته‌ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء سلام الله علیها و مدرس

مجتمع عالی بنت الهدی، Hosinzadeh110@gmail.com

«برداشتن مقررات مزاحم» و بایسته‌های سلبی «منع جدی قاچاق و مبارزه» و «منع جدی واردات بی‌رویه» است که دارای تحلیل‌های قرآنی و روایی هستند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی؛ بایسته‌های دستگاه دولتی، فضای کسب و کار؛ بایسته‌های ایجابی؛ بایسته‌های سلبی، بیانیه گام دوم.

۱. مقدمه

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب درحقیقت منظومه‌ای کامل و جامع درباره همه ابعاد انقلاب اسلامی است؛ به طوری که به جرأت می‌توان گفت هیچ موضوعی در آن مغفول نمانده و به تمام مسائل نگاهی دقیق شده است. یکی از مسائلی که امروزه جامعه‌ی اسلامی نیازمند توجه اساسی به آن است، سبک زندگی است و مقام معظم رهبری ﷺ نیز در بندهای آخر بیانیه به صورت مختصر آن را تبیین کرده است. مقام معظم رهبری ﷺ در مورد سبک زندگی در بیانیه فرمودند: «سخن لازم در این باره بسیار است، فقط به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که چشم امید در آن، به جوان‌ها است.» و همچنین باتوجه به فرمایشات قبلی که هدف انسان را رستگاری و فلاح و نجات می‌داند و آن را درگرو سبک زندگی اسلامی می‌نامد پس می‌توان نتیجه گرفت روح انقلاب و سیرت انقلاب اسلامی چیزی جز سبک زندگی نیست. از این روست که طبق بیانات و فرمایشات ایشان، روح اصلی بیانیه سبک زندگی است. این نکته به اهمیت بحث از سبک زندگی می‌افزاید، پس باید دید در زمینه‌ی سبک زندگی چه باید گفت و چه می‌توان گفت.

آیت‌الله خامنه‌ای ﷺ، انقلاب را فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی می‌دانند (ر.ک. بیانات

دردیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-۱۳۹۱/۷/۲۳>، [content?id=۲۱۲۵۲](https://www.khamenei.ir/content?id=۲۱۲۵۲)) از سویی از منظر ایشان تشکیل تمدن اسلامی دارای دو بخش محوری است: بخش ابزاری که عبارت است از ارزش‌هایی که ما امروزه به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن و وسیله است اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهند؛ یعنی همان سبک زندگی. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن،

نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار و غیره. این وسعت و گستردگی در حوزه سبک زندگی شامل تمام جنبه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان می‌شود که مسائل کسب و کار را نیز در بر می‌گیرد. مقام معظم رهبری برای بهبود فضای کسب و کار راهکارهایی را برای اقشار مختلف جامعه پیشنهاد داده‌اند که بدین شرح هستند:

گروه اول مردم جامعه هستند که قوی‌ترین دولت‌ها هم بدون مشارکت مردم قادر نیستند موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازند و هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصادش را سامان بدهد. وظیفه‌ای که بر دوش عموم مردم است استفاده از کالاهای ساخت داخل است که باعث رونق تولید و فضایی کسب کار می‌شود.

گروه دوم فعالان اقتصادی هستند که وظیفه‌ی تشکیل زنجیره‌های تخصصی با برنامه‌های عملیاتی و نقشه‌ی راه دارند؛ یعنی از تولید علم، فناوری، طراحی و مهندسی تا ساخت تجهیزات، تا ماشین‌آلات، تا تأمین موادّ اولیه، تا تولید محصول، بازاریابی، توزیع، اینها همه کارهایی است که بر عهده‌ی فعالان اقتصادی است.

گروه سوم نخبگان علمی و دانشگاهی هستند که وظیفه‌ای که این گروه دارند پرداختن به حل مسائل اصلی اقتصاد است. در کشور مسائل اقتصادی زیادی وجود دارد که دانشگاهی‌ها و نخبگان علمی می‌توانند روی آنها کار کنند و مسائل را حل کنند و همچنین می‌توانند با دستگاه‌های تولیدی همکاری کنند و هم‌افزایی کنند.

گروه چهارم دستگاه‌های دولتی است که عمده‌ترین توصیه‌ها و وظایف از منظر رهبری بر عهده‌ی این گروه است؛ از این رو این مقاله سعی دارد با روش توصیفی تحلیلی به تحلیل قرآنی - روایی بایسته‌های دستگاه‌های دولتی در حوزه‌ی کسب و کار از منظر مقام معظم رهبری بپردازد.

۲. پیشینه

با جستجوهای انجام شده اثری با عنوان «تحلیل قرآنی - روایی بایسته‌های

دستگاه‌های دولتی در حوزه‌ی کسب و کار از منظر رهبری وجود ندارد اما آثاری وجود دارد که به طور ضمنی به مباحث حوزه‌ی کسب و کار یا به طور کلی به سبک زندگی اسلامی پرداختند؛ به عنوان نمونه علی محمد میر جلیلی و سمیه یوسفی در مقاله‌ی «عوامل موثر در حمایت از کار، تولید و سرمایه‌گذاری مسلمین از دیدگاه قرآن و حدیث» به موضوع کسب و کار و سمیه منگالی در مقاله‌ی «نقش سبک زندگی اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی»، نوروز امینی و کوثر حلال‌خور در مقاله‌ی «مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای» به سبک زندگی اسلامی پرداختند. در این مقالات با اینکه مؤلفه‌های سبک زندگی تمدن‌ساز معرفی شده‌اند اما هیچ کدام به طور جداگانه به بررسی عوامل و وظایف گروه‌های مختلف برای تشکیل سبک زندگی اسلامی پرداخته‌اند. از سویی تحلیل قرآنی و روایی در این مقالات انجام نشده‌است؛ از این رو سؤال اساسی این است که دیدگاه مقام معظم رهبری ﷺ در رابطه با بایسته‌های دستگاه‌های دولتی که مهترین وظیفه را در بهبود فضای کسب و کار دارند چیست؟ بنابراین ابتدا به تبیین بحث مفهوم‌شناسی و سپس به تحلیل قرآنی و روایی بایسته‌های دستگاه دولتی در حوزه کسب و کار در سبک زندگی اسلامی خواهیم پرداخت.

۳. مفهوم‌شناسی

کسب و کار (Business)، یک سازمان است که برای فراهم کردن کالا، خدمات یا هر دو به مشتری ایجاد شده است. کسب و کارها در اقتصاد سرمایه داری نقش اساسی است؛ از آنجا که این کلمه مرکب است، از این رو ابتدا به تبیین معنای لغوی هر یک از واژه‌های آن پرداخته می‌شود.

۱.۳ کسب و کار

واژه‌ی «کسب» اسم مصدر عربی در معانی به دست آوردن؛ حاصل کردن، انجام دادن کاری برای فراهم کردن هزینه زندگی به کار رفته است (ر. ک: ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۷۹/۵).

واژه‌ی «کار» در لغت به معنای «آنچه از شخص یا چیزی صادر گردیده» یا «آنچه شخص خود را بدان مشغول ساخته و فعل و عمل و کردار» آمده است (ر. ک: معین، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۳۲؛ عمید، ۱۳۸۹: ۴۱۸). از منظر مقام معظم رهبری کار دو معنا دارد. یکی معنای عام، یعنی شامل کار معنوی، دنیایی، اخروی، اقتصادی، فکری، جسمی، بدنی و در مجموع کار، [یعنی] عمل؛ و دیگری کار به معنای خاص اقتصادی که امروز، مسئله‌ی کار و کارگر به معنای ویژه‌ی خود در دنیا مطرح است؛ کار به هر دو معنا در اسلام مطرح است؛ اما در آن معنای اول که معنای عمومی است در آیه ۳۹ سوره‌ی نجم: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»، به این معنا اشاره دارد و همچنین اینکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ» (شریف رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۷۶). کار، کار؛ این شعار است، این شعار دادن امیرالمؤمنین است: کار، کار؛ و آنگاه «النَّهْيَةُ»؛ یعنی به سرانجام رساندن کار. یکی از مشکلات ما این است که کار را گاهی شروع می‌کنیم ولی نیمه‌کاره می‌ماند. امروز در کشور، یکی از مسائل ما، مشکلات ما، طرح‌های نیمه‌تمام ما است؛ کار را به نهایت نرساندن، یکی از عیوب کار ما است. اینجا امیرالمؤمنین می‌فرماید کار و به سرانجام رساندن کار. بنابراین، این معنای عمومی کار است، این مخصوص کار به معنای اقتصادی آن نیست؛ کار عملی است، کار دینی است، کار دنیایی است، کار دسته‌جمعی است، کار سیاسی است، کار جهادی است؛ این عمل، همه جورکاری را شامل می‌شود؛ که در قرآن هم شما ملاحظه می‌کنید «عَمِلُوا الصَّالِحَات» چقدر تکرار شده؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَات»، «وَعَمِلَ صَالِحًا». راجع به «عمل» در قرآن تکرار شده و بحث عمل در قرآن به طور مکرر آمده است. (ر. ک. بیانات در ارتباط تصویری

مجموعه‌های تولیدی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-99/2/17>

«اینجا تکیه‌ی بر روی این معنای از کار، نقطه‌ی مقابل مفت‌خواری است. یعنی توجه بکنیم به اینکه انتظار نداشته باشیم به طور مفت چیزی گیر ما بیاید؛ چه در زمینه‌ی مسائل دینی و پاداش اخروی، چه در زمینه‌ی مسائل دنیایی، چه در مقوله‌ی مسائل مهم کشوری، مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی، باید کار کرد، دنبال کار باید بود، نتیجه‌ی کار

را باید مطالبه کرد؛ مفت خواری و مفت جویی غلط است؛ پس تکیه‌ی بر عمل به این معنا به خاطر این خصوصیت است. و اما تکیه‌ی به کار به معنای دوم - که معنای اقتصادی است - هم در اسلام مطرح است. اینکه پیغمبر اکرم دست کارگر را می‌گیرد و می‌بوسد، این خیلی چیز مهمی است. یا پیغمبر اکرم می‌فرماید که «وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمَلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» (بقره: ۶۲) خدای متعال آن کسی را که عمل انجام می‌دهد، کار انجام می‌دهد و آن کار را به طور محکم و متقن انجام می‌دهد، با احساس مسئولیت انجام می‌دهد، دوست می‌دارد. بنابراین در اسلام مقوله‌ی کار به هر دو معنا مطرح است. (ر. ک. بیانات در ارتباط تصویری مجموعه‌های تولیدی، ۱۷/۲ / ۹۹ [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۵۱۷)

نویسندگان مختلف، تعاریف اصطلاحی متفاوتی از کسب و کار دارند. برخی کسب و کار را به خرید و فروش و تجارت معنا می‌کنند. در واژه نامه‌ی لانگ من، کسب و کار به فعالیت پول در آوردن و تجارتي که از آن پول حاصل شود، گفته می‌شود. به زبان ساده، کسب و کار عبارت است از حالتی از مشغولیت و به طور عام، شامل فعالیت‌هایی است که تولید و خرید کالاها و خدمات با هدف فروش آنها را به منظور کسب سود، در بر می‌گیرد. بر طبق نظر (ارویک و هانت) کاری که در آن خدمات یا کارهایی که دیگر افراد جامعه به آن نیاز دارند و مایل به خرید آن هستند و توان پرداخت بهای آن را دارند، تولید، توزیع و عرضه می‌شود. کسب و کار عبارت است از هر نوع کسب. پترسن و پلومن بر این باورند که هر تبادلی که در آن خرید و فروش صورت گیرد، کسب و کار نیست، بلکه کسب و کار، هر نوع تبادل تکراری و تجدید شونده‌ی خرید و فروش است. ([https://fanpnu.com/article/Goals-and-business-](https://fanpnu.com/article/Goals-and-business-types)

تعاریف گوناگون که در مورد یک اصطلاح وجود دارد ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها و نظریات است که صاحبان هر تعریف دارند و در صدد این هستند که جامع‌ترین تعریف را طبق نقطه نظر خود نسب به موضوع بیان کنند. تعریفی که مد نظر نگارنده این مقاله از اصطلاح

کسب و کار است به این صورت است که؛ کسب و کار یعنی «خرید و فروش کالا، تولید و توزیع آن و عرضه خدمات پس از آن که به منظور بدست آوردن سود است.» در این تعریف، هدف بدست آوردن سرمایه ناشی از کسب و کار به منظور تامین معاش زندگی است که از راه‌های درست، قانونی و مشروع صورت گرفته باشد.

۲.۳) دستگاه‌های دولتی

مقام معظم رهبری علیه السلام برای رونق تولید و در نهایت بهبود فضای کسب و کار وظایفی را بر شمرده‌اند که مهمترین این وظایف را برعهده‌ی دستگاه‌های دولتی قرار داده‌اند؛ وقتی صحبت از دستگاه دولتی به میان می‌آید فقط قوه مجریه به ذهن متبادر می‌شود ولی مراد ایشان از دستگاه‌های دولتی فقط قوه مجریه نیست بلکه تمام قوه‌ها و دستگاه‌های حکومتی را نیز شامل می‌شود و این وظایف برعهده تمام آنها قرار داده است. در همین راستا ایشان در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی‌ها به این امر اشاره کردند و فرمودند: «دولت هم وظایف مهمی دارد. دولت که می‌گوییم، منظور سه قوه است، نه فقط قوه مجریه؛ یعنی هم قوه مجریه، هم قوه مقننه، و هم قوه قضائیه، به عنوان دولت جمهوری اسلامی، اینها وظایفی دارند که وظایف مهمی است.» (ر. ک. بیانات در ارتباط تصویری مجموعه‌های تولیدی ۹۹/۲/۱۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۹۹/۲/۱۷> (۴۵۵۱)).

۴. بایسته‌های دستگاه‌های دولتی در حوزه کسب و کار

از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در حوزه کسب و کار مهم‌ترین وظیفه‌ها برعهده‌ی دستگاه‌های دولتی است. (ر. ک. بیانات در ارتباط تصویری مجموعه‌های تولیدی، ۹۹/۲/۱۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۹۹/۲/۱۷> (۴۵۵۱)) می‌توان این وظایف را به دو صورت دسته‌بندی نمود. «بایسته‌های ایجابی» و «بایسته‌های سلبی» که در ذیل به طور مفصل به آنها پرداخته می‌شود.

۱.۴) بایسته‌های ایجابی

از جمله بایسته‌های ایجابی از نظر رهبری علیه السلام «رعایت حقوق مالکیت»، «ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوز»، «تشکیل دادگاه‌های تجاری برای رفع اختلافات اقتصادی»، «تعامل تکریم‌آمیز با فعالان سالم و معتبر»، «حمایت از صادرات و سرمایه‌گذار»، «برنامه ریزی برای فناوری‌های اساسی»، «سپردن کار به افراد متعهد و متخصص» و «برداشتن قوانین مزاحم» می‌توانند برای ایجاد سبک زندگی اسلامی در حوزه کسب و کار مهم‌ترین مسئولیت بر عهده‌ی دستگاه‌های دولتی باشد که این موارد دارای مستندات قرآنی و روایی هم است که در ادامه بررسی خواهند شد.

۱.۴-۱) رعایت حقوق مالکیت

یکی از مهم‌ترین وظیفه‌هایی دستگاه‌های دولتی از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام در حوزه کسب و کار که به دستگاه‌های دولتی علی‌الخصوص قوه قضاییه تذکر داده است رعایت حقوق مالکیت و همچنین امنیت آن است. امنیت حقوق مالکیت، نقشی مؤثر در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و کارآفرینی دارد. حقوق مالکیت ضعیف به عنوان مانعی برای سرمایه‌گذاری مجدد سود حاصل از تولید، توسط شرکت‌ها تلقی شده و تضعیف عملکرد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل رهبر انقلاب هم بر رعایت حقوق مالکیت تأکید کرده‌اند و از آن به عنوان یکی از وظایف کلیدی قوه قضائیه در راستای تحقق جهش تولید نام برده‌اند. (ر.ک. بیانات در دیدار مسئولان قضائی کشور، ۱۳۸۷/۴/۵ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۸>)

مالکیت به رابطه‌ای گفته می‌شود که بین شخص با شیء یا وسیله‌ای مادی (خانه، ماشین و...) وجود دارد. در صورتی که شخص این رابطه را از راه مشروع و درست به دست آورده باشد، قانون آن را معتبر می‌شناسد و مورد حمایت قرار می‌دهد. حق مالکیت از جمله حقوقی است که بر طبق موازین شرعی دارای احترام مطلق است. مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است؛ بدین معنا که اولاً تعدی و تجاوز نسبت به آن‌ها

جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز، مسئول و ضامن است. (یزدی، ۱۴۰۶ ه. ق، ۱، ۲۱۳) مهمترین مستند این قاعده از قرآن کریم، آیات مشهور به «اکل مال بالباطل» است و عمده دلیلی که قاعده اکل مال به باطل از آن استنباط شده، آیتی از قرآن کریم است که عبارتند از: «و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام...» (بقره/۱۸۸) و همچنین آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل، الا آن تكون تجارة عن تراض منکم...» (نساء/۲۹) در این دو آیه تصرف در مال دیگری به طور مطلق نهی شده و در آیه دیگر «یا ایها الذین آمنوا آن کثیراً من الاحبار و الرهبان لیاکلون اموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل الله...» (توبه/۳۴) این عمل یهودیان و مسیحیان مورد نکوهش قرار گرفته است.

از سویی قاعده احترام مستند به دوروایت مهم و مشهور است. یکی روایت امام باقر علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرموده است: «سباب المؤمن فسوق، وقتاله کفر و اکل لحمه معصية و حرمة ماله کحرمة دمه (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۸، ۵۹۹)؛ ناسزا گفتن به مؤمن فسق است و جنگ با او کفر است و خوردن گوشت او معصیت است و احترام مال او همانند احترام خون (جان) او است». دیگری حدیث شریف «لا یحل مال امرئ الا بطیب نفسه (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۲۵، ۳۸۶)، یعنی مال مردم حلال نیست، مگر با رضایت خاطر آنان». حدیث اول تصرف در مال دیگری بدون رضایت او را حرام شمرده و حدیث دوم حرمت مال مسلمان را همانند حرمت خون او دانسته است. رعایت حقوق مالکیت و برقراری امنیت در آن می‌تواند تا حدودی به بهبود فضای کسب و کار کمک کند و قوه قضائیه مهم‌ترین مسئولیت را در ایجاد این امنیت دارد. دلیل این مطلب این است که اگر امنیت برقرار باشد و حقوق مالکیت نیز رعایت شود این دو عامل باعث تشویق و ترغیب سرمایه‌گذارها و کارآفرینان می‌شود تا با وارد کردن سرمایه و ایجاد اشتغال، فضای کسب و کار به سمت بهبود برود؛ ولی اگر امنیت برقرار نباشد و حقوق مالکیت نیز رعایت نشود در نتیجه هیچ سرمایه‌گذار جرأت وارد کردن سرمایه خود را در کشور ندارد و این یعنی افت تولید و اشتغال و در نتیجه وخیم

شدن فضای کسب و کار که عمده دلیل مشکلات اقتصادی جامعه و خانواده نیز همین عامل می‌باشد.

۱.۴-۲) ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوز

یکی دیگر از بایسته‌های ایجابی از نگاه رهبری برای بهبود فضای کسب و کار «ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوز» است. «وزارت اقتصاد با بررسی‌های کارشناسی که کردند، می‌گویند که اگر دو اقدام در زمینه‌ی مسائل اقتصادی انجام بگیرد، جایگاه کشور از لحاظ شاخص کسب و کار چهل رتبه تا پنجاه رتبه ارتقا پیدا خواهد کرد؛ یکی از این دو کار عبارت است از ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوز؛ یعنی همه دستگاه‌ها بیایند در یک نقطه تجمع داشته باشند و کسی که [مجوز] می‌خواهد، در ظرف نصف روز بتواند مجوز خودش را تحصیل کند و زمان را کوتاه بکند. جمع کردن تمام دستگاه‌ها در یک مکان برای تسریع در امر دادن مجوز وظیفه‌ی دولت مردان است.» (ر. ک. بیانات ارتباط تصویری مجموعه‌های تولیدی، ۹۹/۲/۱۷) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4551> پنجره واحد صدور مجوز در واقع یک ساختمان است که تمام دستگاه‌هایی که برای شروع کسب و کار باید مجوز بدهند، در آن مستقر می‌شوند تا متقاضی شروع کسب و کار بتواند تمام کارهای لازم را در همان یک ساختمان پیگیری کرده و به انجام برساند. یکی از سخت‌ترین مراحل برای شروع کسب و کار مجوز گرفتن از نهادهای دولتی است که حدود ۷۲ روز به طول می‌انجامد و شاید هم بخاطر دوندگی بین ادارات و وضع قوانین سنگین؛ اصلاً به فرجام نرسد و شروع یک کسب و کار در همان اول راه متوقف شود. (<https://www.yjc.news/>) برای رهایی از این معضل بزرگ که بسیاری از کسب‌ها از آن شکایت دارند، راه حل، ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوز است که طی ۳ روز مجوز را برای شروع کسب و کار صادر می‌کند و دیگر نیازی نیست که برای گرفتن مجوز هفت خان رستم طی شود؛ از این رو می‌توان ایجاد واحد صدور مجوز را نوعی گره‌گشایی از کار خلق دانست، که خدمت به خلق خدا، در فرهنگ تعالیم قرآن و عترت، ارزش و ثواب فراوانی دارد. حتی در روایات، دستگیری از دیگران و گره‌گشودن از

مردم، نسبت به برخی اعمال عبادی نظیر حج یا عمره مستحب، از ثواب بالاتری برخوردار است.

از آنجا که «ایجاد پنجره صدور مجوز» مصداق گره‌گشایی از کار مؤمن است؛ روایتی از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده که حضرت می‌فرماید: «هرکس خانه خدا را طواف کند، خداوند عزوجل شش هزار حسنه برای او می‌نویسد و شش هزار گناه از او می‌آمرزد و شش هزار درجه به وی عطا می‌فرماید و شش هزار حاجت از او برآورده می‌سازد. سپس فرمودند: «قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا؛ گره‌گشایی از کار یک مؤمن، ده برابر این طواف فضیلت دارد!» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲، ۱۹۲) همچنان‌که امام رضا علیه السلام فرمودند: «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هرکه گره از کار مؤمنی بگشاید، خداوند در روز قیامت گره غم از دل او بگشاید. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲، ۲۰۰)

۱.۴-۳) تشکیل دادگاه‌های تجاری

یکی دیگر از وظیفه‌هایی ایجابی دستگاه‌های دولتی، علی‌الخصوص قوه قضائیه در نگاه رهبری علیه السلام برای بهبود فضای کسب و کار؛ تشکیل دادگاه‌های تجاری برای حل اختلافات اقتصادی است؛ ایشان می‌فرمایند: «تشکیل دادگاه‌های تجاری برای رفع اختلافات اقتصادی که این هم باز مربوط به قوه قضائیه است؛ گفته‌اند اگر این کار انجام بگیرد، رتبه‌ی کشور از لحاظ فضای کسب و کار، چهل رتبه یا پنجاه رتبه به بالا ارتقا پیدا خواهد کرد؛ خب اینها مهم است» (ر.ک. بیانات در دیدار تصویری مجموعه‌های تولیدی کشور، ۱۳۹۹/۲/۱۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4551>). حوزه تجارت و بازرگانی داخلی و بین‌المللی از جمله ساحت‌های چند لایه‌ای است که نیاز مبرم به تشکیل مجتمع‌های قضایی تجاری دارد؛ زیرا ماهیت امور تجاری سرعت و دقت فراوانی را می‌طلبد. وجود اصطلاحات و عبارات و مهارت‌های بازرگانی و تعاملات تجاری فی‌مابین بازرگانان داخلی و خارجی قالب‌هایی فراتر از حقوق مدنی سنتی را به وجود آورده است. همچنین این مراجع حقوقی موجب تقویت تعاملات بازرگانی و استحکام توافقات تجاری

می‌شود و دلگرمی سهامداران را به ویژه در شرکت‌های سهامی بیشتر تامین می‌کند و موجب افزایش سرمایه‌ها در حوزه سهامداری می‌شود.

تشکیل دادگاه برای رفع اختلافات اقتصادی را می‌توان مصداقی برای برقراری عدالت در جامعه از طریق رسیدگی به اختلافات و شکایات مردم در حوزه اقتصاد قرار داد زیرا دادگاه محل بررسی شکایات و اختلافات است و با از بین رفتن اختلافات، عدل و داد در جامعه نمایان می‌شود. آیات بسیاری در موضوع برقراری عدالت و به عدالت قضاوت کردن وجود دارد؛ ه عنوان نمونه خداوند متعال در آیه‌ی «إِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده/۴۲)؛ اگر داوری کردی، میان آنان به عدل داوری کن که خدا دادگران را دوست دارد» یا در آیه‌ی «أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ...» (نساء/۵۸)؛ و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد» به این مساله اشاره دارد. همچنین در روایتی امام علی علیه السلام فرمودند «بِالْعَدْلِ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ» (غرر الحکم: ۴۲۱۵)؛ با عدالت است که کار رعیت اصلاح می‌شود».

۱.۴-۴) تعامل تکریم‌آمیز با فعالان اقتصادی

یکی دیگر از عواملی که از نگاه رهبری سبب بهبود فضای کسب و کار می‌شود تعامل تکریم‌آمیز با فعالان اقتصادی است. این تعامل، داد و ستد کردن یکی از راه‌هایی پیشرفت و ترقی در عرصه‌های مختلف می‌شود. از نگاه ایشان برای پیشرفت در حوزه کسب و کار هر تعاملی عامل پیشرفت نیست بلکه تعاملی که تکریم‌آمیز باشد و در آن به آداب و معاشرت‌های دینی توجه شود. از سویی ایشان تعامل با هر فعال اقتصادی را قبول ندارند بلکه فعال اقتصادی باید سالم و معتبر و به لحاظ اعتقادی پایبند به مسائل دینی باشد. اگر چنین فعال اقتصادی در کشور وجود دارد باید با نهایت تکریم و احترام با او تعامل و داد و ستد داشت تا سبب پیشرفت در فضای کسب و کار شود. «خوشبختانه جمع کثیری از فعالان اقتصادی ما مردمان سالم و معتبر و ریشه‌دار هستند، دارند واقعاً کار می‌کنند، بعضی برای خدا هم کار می‌کنند. من دیدم کسی را که پولدار بود، از آشناهای مشهد ما بود، گفت که

من می‌توانستم این پول را بگذارم در بانک و یک سود کلانی از آن بگیرم بدون هیچ دردسری، بدون مالیات، بدون مشکل، بدون بررسی و غیره، [اما] دلم نیامد - در کار پرورش مرغ و مانند آن بود - رفتم گذاشتم آنجا؛ کارِ پُردردسر، تولیدی اما محض رضای خدا؛ گفت دیدم برای انقلاب، این لازم است. ببینید، سود هم می‌برد اما خدا هم به او ثواب می‌دهد.» (ر.ک.، بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی ۱۳۹۸/۸/۲۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۴۱۰۵>)

تعامل تکریم‌آمیز یعنی داد و ستدی که در آن آداب و معاشرت‌های دینی رعایت می‌شود. خداوند متعال معاشرت سالم و درست را از طریق پیامبران به مؤمنان می‌آموزد و می‌گوید: «هان ای کسانی که ایمان آورده اید: [در هیچ کار و برنامه ای] از خدا و پیامبرش پیشی مجوید و از خدا پروا دارید که خدا شنوا و داناست. ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نکنید، و آن سان که برخی از شما با برخی دیگر [به صورت] بلند سخن می‌گویید، با او بلند سخن مگویید، مباد [که از این رهگذر] در حالی که شما در نمی‌یابید کارهایتان تباه گردد. به یقین آن کسانی که نزد پیامبر صدای خود را فرو می‌کشند [و سنجیده و با ادب سخن می‌گویند]، همان کسانی هستند که خدا قلب‌های آنان را برای پرواپیشگی آزموده است؛ برای آنان آموزش و پاداشی پرشکوه خواهد بود. بی‌گمان کسانی که از پشت اتاق‌ها [و خانه ات] تورا ندا می‌دهند [و بدون رعایت ادب انسانی، تورا به فریاد می‌خوانند]، بیشترشان خرد خود را به کار نمی‌گیرند. و اگر آنان [اندکی] شکیبایی کنند تا به سوی آنان درآیی، برایشان بهتر است؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» (حجرات ۱/ تا ۵). پس تعامل تکریم‌آمیز با فعالان سالم و معتبر عاملی در بهبود فضای کسب و کار است.

۱.۴-۵) حمایت از صادرات و سرمایه‌گذار

یکی دیگر از وظایف دستگاه‌های دولتی از نگاه رهبری علیه السلام در حمایت از سرمایه‌گذار؛ فرهنگ‌سازی سرمایه‌گذاری است که باید بر پایه‌ی ارزش‌های دینی و نهادینه کردن آن باشد؛ به گونه‌ای که سرمایه‌گذار با نیت رفع نیازهای جامعه دست به تولید کالاهای باکیفیت بزند

تا بتواند قدم در عرصه‌ی تولید و سرمایه‌گذاری بگذارد. «ما از ظرفیت دیپلماسی مان میتوانیم استفاده کنیم. اطراف خود ما، سیصد چهارصد میلیون جمعیت چسبیده‌ی به ما، [یعنی] همسایه‌های ما هستند که با بعضی‌شان هم روابط، عادی و خوب است؛ می‌توانیم ما با اینها ارتباطات خوبی داشته باشیم. مسئولین دیپلماسی کشور، نشانهای ایرانی را در بیرون برجسته کنند؛ فرض کنید که وقتی شما در فلان جلسه‌ی بین‌المللی شرکت می‌کنید، کت و شلواری که پوشیده‌اید نشان خیاط ایرانی دارد - [مثلاً] یک خیاطی در سمنان این را دوخته، خیلی هم قشنگ دوخته - وقتی این برود، این نشان ترویج می‌شود؛ [باید] نشانهای ایرانی را ترویج کنند. حرف‌ها و مفاهیم ایرانی را هم ترویج کنند.» (ر.ک. بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی، ۹۸ / ۸ / ۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۴۱۰۵>)

به این امر مهم در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز اشاره شده و ایشان در واگذاری سرمایه خود به یکی از اصحابش به نام «عذافر» برای انجام کار تجارت فرمود: «أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ لِي رَغْبَةٌ فِي رِبْحِهَا وَإِنْ كَانَ الرِّبْحُ مَرْغُوبًا فِيهِ وَلَكِنِّي أَحَبُّتُ أَنْ يَرَانِيَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ مُتَعَرِّضًا لِفَوَائِدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵، ۷۶)؛ توجه کن که مرا رغبتی در سود آن نیست - گرچه سود تجارت امر مرغوبی است - ولیکن من از آن جهت درصدد انجام آن هستم که دوست دارم خداوند مرا در حالی که به دنبال فواید آن [برای جامعه] هستم ببیند». چنین افرادی در جامعه مصداق بارز «يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ (توبه/۴)» که با اموال خود اقتصاد جامعه را رونق می‌بخشند و باید مورد احترام و تکریم قرار گیرند. دولت اسلامی ما باید فضای مناسبی را برای سرمایه‌گذار و فعالیت‌های تولیدی‌ها فراهم کند و همچنین از هر چه که به زیان جامعه اسلامی است جلوگیری کند؛ چنانچه امام علی علیه السلام در نامه‌ی خود به مالک اشتر؛ پس از توصیه و سفارش‌هایی در مورد بازرگانان و صنعت گران؛ چنین می‌فرماید: «ثُمَّ التَّجَارُ وَذَوِي الصَّنَاعَاتِ فَاسْتَوْصِ وَأَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا..... فَاحْفَظْ حُرْمَتَهُمْ وَأَمِنْ سُبُلَهُمْ وَخُذْ لَهُمْ بِحُقُوقِهِمْ» (شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳ / ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰ / مجلسی،

۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۵۸) سفارش مرا در مورد بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، ... حرمتشان را پاس بدار؛ راههای فعالیتشان را امن گردان و در حفظ حقوق‌ها آن بکوش».

۱.۴ - ۶) برنامه ریزی برای فناوری‌های اساسی

یکی دیگر از وظایف دولت برای بهبود فضای کسب در کلام رهبری برنامه‌ریزی برای فناوری اساسی است. ایشان می‌فرمایند: «آن اندیشه‌ی دقیقی که می‌تواند بدون هیچ کمکی سلول‌های بنیادی را در کشور تولید کند - آن روزی که ما تولید کردیم، دست یافتیم، یک صنعت بسیار پیچیده و نادری در دنیا بود - یا می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را از سه درصد و سه و نیم درصد به بیست درصد برساند در حالی که هیچ دستگاه بین‌المللی و دارندگان این صنعت حاضر نیستند اندکی کمک بکنند، نمی‌تواند در زمینه‌ی استحصال بهتر و بیشتر چاه‌های نفت به دولت کمک کند؟ قطعاً می‌تواند؛ یکی از کارهای اساسی همین باشد» (ر. ک. بیانات در دیدار تصویری مجموعه‌های تصویری، ۹۹/۲/۱۷) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۵۱۷>). برنامه‌ریزی علل خصوص در مورد زمینه‌های اساسی کشور از جمله نفت، پتروشیمی، خودرو و غیره باعث می‌شود که هم نیاز داخلی کشور برطرف شود و نیازی نباشد که برای تولید خودرو و یا استخراج نفت از چاه و یا غیره دست به دامن کشورهای خارجی شده و از آنها کمک بگیریم و هم باعث ایجاد شغل و فرصت‌های شغلی زیادی در جامعه می‌شود.

خداوند متعال در آیات قرآن به اهمیت تعیین اولویت‌ها و پرداختن به مهم‌ترین کارها با برنامه ریزی مناسب اشاره کرده و فرموده «وَجَعَلْنٰكُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوْوُنْ عِنْدَ اللّٰهِ». (توبه/ ۱۹) «آیا رتبه سقایت و آب دادن به حاجیان (یعنی مقام عباس) و تعمیر کردن مسجد الحرام (یعنی مقام شئیه) را با (مقام) آن کس که به خدا و به روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده (چون علی علیه السلام) یکسان شمردید؟ هرگز آنان نزد خدا یکسان نخواهند بود.» بر طبق آیه ایمان به خدا و آخرت و

جهاد در راه خدا مهم‌تر از آب رساندن به حجاج است؛ یعنی می‌بایست با اولویت‌بندی کارها، زمان را به درستی مدیریت نمود و ابتدا کارهایی را انجام داد که اهمیت بیشتری دارند. اگر انسان به کاری بپردازد که در اولویت نیست، در حقیقت زمان در اختیارش را ضایع کرده است. امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، و همه فرزندان و تمامی کسانی که وصیت نامه حضرت به آنان می‌رسد این گونه وصیت کرد: «شما دو نفر را به تقوای الهی و نظم و برنامه‌ریزی در کارها سفارش می‌کنم.» (ر.ک: شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۴۷، ص ۵۵۸)؛ بنابراین برنامه‌ریزی در کارها از جمله برای فناوری‌های اساسی یکی از مسائل مهم است.

۱.۴ - ۷) سپردن امور به افراد متعهد و متخصص

از وظایف دیگر دولت برای بهبود فضای کسب و کار کلام رهبری علیه السلام تربیت افراد متعهد و متخصص در انتقال فناوری‌های دستگاه‌های نظامی به دستگاه‌های غیر نظامی است. ایشان در ضمن اینکه انتقال فناوری‌های بالای دستگاه‌های نظامی را به دستگاه‌های غیرنظامی در جهت بهبود فضای کسب و کار عاملی موثر می‌دانند؛ بر سپردن امور به افراد متعهد و متخصص در این زمینه تأکید دارند و می‌فرمایند: «توانایی‌های مهندسی و فناوری بسیار بالای دستگاه‌های نظامی منتقل بشود به دستگاه‌های غیرنظامی؛ سطح فعالیت مهندسی ما در بخش نظامی خوشبختانه خیلی بالا است. این کارهایی که الان دارد انجام می‌گیرد، خیلی مهم است و فقط هم مال امروز نیست؛ من شاید این را در صحبت‌های عمومی یک بار، دو بار گفته‌ام که یک مقاله‌ای من خواندم از یک ژنرال اسرائیلی در چند سال قبل از این که یک موشکی را بچه‌های ما آزمایش کرده بودند؛ او مقاله نوشته بود در یک جایی؛ که من با ایران بد هستم، با ایرانی‌ها بد هستم اما در مقابل این حرکت تعظیم می‌کنم: [کشور] ایرانی که در این محاصره‌ی شدید قرار دارد، در حال محاصره بتواند یک چنین کاری بکند! البته بعد از آن کار، کارهای خیلی فراوان بهتر و مهم‌تر و جالب‌تری انجام گرفته.... خوب این توان مهندسی، این توان فناوری می‌تواند در مورد خودرو، در مورد نفت، در مورد بخش‌های گوناگون، در مورد مسائل فضایی، در مسائل غیرنظامی به کار گرفته بشود.» (ر.ک. بیانات در

دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی (۱۳۹۸/۸/۲۸) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۴۱۰۵>

پیامبر اکرم ۹ می‌فرمایند: «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ» (کلینی ۱۴۰۷ ق، ۱، ۴۴)؛ «هرکس بدون علم (مهارت و تخصص) کاری انجام دهد بیش از آن که آباد سازد، خراب می‌کند.» همچنین خداوند در قرآن کریم، خطاب به حضرت یوسف، به تقدّم مهارت و شناخت برعمل تصریح می‌کند (ر. ک: یوسف ۱۲). همچنان‌که امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر در زمینه‌ی حکومت‌داری فرمودند: «فَوَلِّ جُنُودَكَ.... أَجْمَعَهُمْ عِلْمًا وَ سِيَاسَةً مِمَّنْ.... يَرَأْفُ بِالضُّعَفَاءِ وَيَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳/ ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۴، ۱۳۲) مسئولیت را به کسانی واگذار کن که گذشته از مهارت علمی و توانمندی در سیاست‌گذاری، طرفدار ضعیفان باشند و به زورمندان گرایش نیابند و راه را برای سلطه و استثمار آنان نگشایند.

۱۰۴- ۸) برداشتن مقررات مزاحم

یکی دیگر از وظایف دستگاه‌های دولتی به خصوص مجلس شورای اسلامی برداشتن قوانین مزاحم در حوزه تولید و کسب و کار است. ایشان در این زمینه فرموده‌اند: «نیروی کار؛ سرمایه‌گذار، مهندسین؛ تمامی اینها مانند یک دونده‌ی پرشتاب می‌مانند که شوق و میل شدید به حرکت دارد که دستگاه‌های دولتی موظف هستند تمامی موانع را از سر راه آنها بردارند و زمین را برای آنها صاف کنند تا بتوانند به حرکت خودشان ادامه دهند.» (ر. ک. بیانات ۹۹/۲/۱۷، همان). شاید به همین دلیل سال ۱۴۰۰ را سال تولید؛ پشتیبانی و مانع‌زدایی نامگذاری کردند. مصداق بارز مانع‌زدایی برداشتن قوانین مزاحم بر سر راه تولید است که این قوانین نه تنها فایده‌ای ندارند بلکه آسیب جدی به اقتصاد و چرخه‌ی تولید می‌زنند. وجود مقررات مزاحم مصداق بارز آزاروآذیت مؤمن است زیرا این قوانین علاوه بر اینکه باعث عدم تولید و رونق اقتصادی و در نهایت افت فضای کسب و کار می‌شود؛ باعث آزار رساندن به تولیدکننده هم می‌شود؛ زیرا تولیدکننده آنقدر در پیچ و خم‌های اداری و

کاغذبازی بانک‌ها اسیر می‌شود که دیگر توانی برای کار و تولید ندارد این هم زمانی صدق می‌کند که کارش پیش رفته است وگرنه این همه وقت را صرف این قوانین مزاحم و دست و پا گیر کرده و در نهایت هیچ نتیجه‌ای هم نداشته است، اگر این مصداق بارز اذیت مؤمن نیست پس چه می‌تواند باشد؟

روایات متعددی در این زمینه وجود دارد؛ از جمله: امام زین العابدین علیه السلام عدم آزار دیگران را نشانه کمال عقل و راحتی در دنیا و آخرت معرفی کرده، فرمود «كُفَّ الْأَذَى مِنَ كَمَالِ الْعَقْلِ وَفِيهِ رَاحَةُ الْبَدَنِ عَاجِلًا وَآجِلًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱، ۲۰)؛ آزار نرساندن، از کمال خرد است و در دنیا و آخرت، مایه راحتی تن است. و همچنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، اذیت مؤمنان را مساوی با آزار خود معرفی کرد و فرمود «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي» (روضة الواعظین، ۱۴۲۳ق، ۲، ۲۹۳)؛ هر که مؤمنی را بیازارد مرا آزار داده است. یا در روایت امام صادق علیه السلام عقوبت کسی که به دیگران آزار می‌رساند این است که در قیامت با صورت بی‌گوشت محشور می‌شود و جایگاهش جهنم است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲، ۳۵۱).

۲.۴) بایسته‌های سلبی

از نگاه رهبری علیه السلام «منع جدی قاچاق و مبارزه با آن»، «عدم وجود فساد مالی در دولت» و «منع جدی و اردات» از جمله بایسته‌های سلبی دستگاه‌های دولتی است که در ذیل بحث می‌شود.

۲.۴-۱) منع جدی قاچاق و مبارزه با آن

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار در اندیشه‌ی رهبری منع جدی قاچاق و مبارزه با آن است. ایشان تأکید فراوان بر این امر داشته‌اند و در سخنرانی‌های متعددی به این موضوع اشاره کرده‌اند و فرمودند: «مبارزه با قاچاق؛ یعنی واقعاً قاچاق یک آفتی است برای کشور که باید به معنای حقیقی کلمه با این آفت مبارزه کرد» (ر.ک. بیانات، ۹۹/۲/۱۷، همان). قاچاق پدیده‌ای شوم و مخرب است که صدمات فراوانی بر پیکر

اقتصاد ملی کشور می‌زند. با ورود کالاهای قاچاق به کشور چرخه‌ی تولیدات داخلی تعطیل می‌شود. پیامد زیان‌بارتر قاچاق این است که دیگر بستری برای حمایت سرمایه‌گذاران و کارآفرینان فراهم نمی‌شود زیرا یکی از عواملی که باعث می‌شود سرمایه‌گذار حمایت کند و سرمایه خود را در کاری وارد کند اطمینان از بازار کار است. زمانی که شرایط قاچاق کالا فراهم است دیگر بازار برای کار و تولید در کشور نخواهد ماند. علاوه بر این آسیب، آسیب‌های دیگری همچون ورود فرهنگ‌های بیگانه، مصرفی بار آمدن جامعه، انفعال و شکست صنایع داخلی و افزایش بیکاری را در پی خواهد داشت.

قاچاق را می‌توان با توجه به نتیجه مخرب آن - یعنی از بین رفتن سرمایه‌ی کارفرما و ضرر و زبانی که می‌بیند - به سرقت تشبیه کرد؛ زیرا نتیجه‌ی سرقت هم از بین رفتن اموال و ضرر و زیان فردی است که مالش به سرقت رفته است. با توجه به تشابه این دو امر آیه‌ی در قرآن کریم وجود دارد که اشاره به این موضوع دارد و مجازات فرد گنهکار و دزد را بیان می‌کند «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده/۳)؛ دست مرد و زن دزد را به کیفر عملشان به عنوان مجازات الهی قطع نمایید و خداوند توانا و حکیم است». مالکیت در اسلام محترم شمرده شده و هرکس صاحب دسترنج خود و یا آنچه که از طریق شرعی چون هبه، ارث، دیه و غیره به وی تعلق دارد، است. بدیهی است اگر کسی بی‌آنکه حقی داشته باشد، بخواهد سرمایه شخص و یا جامعه‌ای را بزور غصب کند و یا با فریب برباید یا مخفیانه بدزدد، مجرم است و باید مجازات کار خود را ببیند. همچنین امام سجاد علیه السلام در مورد حق اموال چنین می‌فرماید: «و اما حق المال: فان لا تأخذ الا من حله ولا تنفقه الا فی حله. ولا تحرفه عن مواضعه ولا تصرفه عن حقائقه ولا تجعله اذا كان من الله إلا الیه و سببا الی الله؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۱۹۱) باید اموال را، جز از راه حلال نگیری و جز به راه حلال صرف نکنی و از موضعش منحرف نکنی و از واقعیت ماهوی اش دور نسازی و چون مال از او است، جز در مسیر او به کار نگیری و جز مایه‌ی حرکت بسوی او قرار ندهی.

۴.۲-۲) نبود فساد مالی در دولت

مقام معظم رهبری علیه السلام عدم وجود فساد مالی در دولت را یکی از بایسته‌های سلبی برای بهبود فضای کسب و کار می‌داند. ایشان دریکی از سخنرانی‌های خود چنین فرموده‌اند: «خشکانیدن ریشه‌ی فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه به وسیله‌ی قوای سه‌گانه مخصوصاً دو قوه‌ی مجریه و قضائیه است. قوه‌ی مجریه با نظارتی سازمان یافته و دقیق و بی‌اغماض، از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه‌ها پیشگیری کند، و قوه‌ی قضائیه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاک‌دامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه‌ی مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راهکارهای قانونی است و نیز در ایفاء وظیفه‌ی نظارت، بسیار مهم و کارساز است» (ر. ک. بیانات در مورد شرحی از مواعظ حضرت عیسی به حواریون، ۱۰ / ۲ / ۱۳۸۰). همچنین ایشان در بیانیه گام دوم فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، را توده‌ی چرکین کشورها و نظامها می‌داند و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، مثل زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها خواهد بود. این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی تراز مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. (بیانیه گام دوم (سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش بینانه به آینده بخش چهارم مبارزه با فساد، ۹۷/۱۱/۲۲)

فساد مالی در اقتصاد یعنی به دست آوردن ثروت از راه‌هایی که در شرع مقدس اسلام ممنوع گردیده است. هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال دولتی فساد مالی است که دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اخاذی و رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی است. (کشفگر جلودار، ۱۳۸۹) از آثار فساد مالی بر متغیرهای اقتصادی می‌توان تخصیص منابع به صورت غیرکارآمد، توزیع نابرابر درآمد و افزایش نابرابری، تولید غیرکارآمد و از بین رفتن انگیزه، توجه

کمتر به خدمات عمومی، تحمیل هزینه‌های زیاد بر جامعه، تغییر فرهنگ اقتصادی، گسترش فقر و... رامی‌توان نام برد. (زاهد غروی و همکاران، ۱۳۹۶) هرکدام به تنهایی می‌تواند مشکل جدی در بخش‌های اقتصادی کشور و در نهایت تولید و کسب و کار ایجاد کند. پس با توجه به اهمیت و جایگاه این امر و آسیب‌های مخرب آن، باید دستگاه‌های دولتی با تمام توان خود جلوی این فساد را بگیرند و با آن مبارزه کنند و ریشه آن را از جامعه برکنند.

خداوند متعال هم در آیات قرآن از فساد مالی نهی کرده است؛ به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (رعد/۲۵)؛ و آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور برقراری آن را داده قطع می‌کنند؛ و در روی زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آنهاست و بدی (و مجازات) سرای آخرت!» در این آیات بخشی از صفات از مفسدان یعنی شکستن پیمان، قطع رابطه‌ها، فساد روی زمین اشاره می‌کند و آن‌ها را مذمت و عاقبت بدی را برایشان ترسیم می‌کند که چون مطلق مفسدان را گفته شامل مفسد مالی هم می‌شود. فساد که نقیض صلاح است به معنای خروج هر چیزی از حد اعتدال و تعادل است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۶۳۶) زیرا صلاح هر چیزی، همان حالت طبیعی است که براساس نظام احسن الهی بر اصول عدالت و اعتدال آفریده شده است. بنابراین تمام نابسامانی‌هایی که در کارها ایجاد می‌گردد و همه افراط و تفریط‌ها در کل مسائل فردی و اجتماعی، مصداق فساد است. در قرآن مجید نیز در بسیاری از موارد فساد و صلاح در برابر یکدیگر قرار گرفته اند. یا در آیه «وَأَصْلَحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (اعراف/۱۴۲)؛ اصلاح کن و راه مفسدان را پیروی مکن»؛ از مطلق فساد نهی می‌کند که شامل نهی از فساد مالی هم می‌شود.

۲.۴ - ۳) منع جدی واردات بی‌رویه

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظایف نهادهای دولتی برای بهبود بخشیدن به فضای کسب و کار از منظر رهبری علیه السلام «منع واردات بی‌رویه کالا» است. ایشان در دیدار با کارگران

می‌فرمایند: «نباید بگذاریم با واردات بی‌رویه، با برخی از سیاست‌های غلط، این تولیدکننده‌ی داخلی دچار مشکل بشود؛ اوکه دچار مشکل شد، تولید می‌خواهد، کارگریکار می‌شود، کشور، نیازمند باقی می‌ماند.» (ر.ک. بیانات، ۹۸/۲/۴). از سویی ایشان در بیانیه گام دوم راه حل مشکلات اقتصادی را سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دانسته‌اند که با درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّیگری نکردن دولت، می‌توان به این اقتصاد مقاومتی دست یافت. تمامی این مواردی که برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی بیان شده به نحوی به منع واردات ارتباط دارد. (بیانیه گام دوم (سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده بخش سوم اقتصاد)، ۹۷/۱۱/۲۲) به طور مثال درون‌زایی اقتصاد یعنی کشور در اقتصاد، خودکفا باشد و هیچ نوع وابستگی نداشته باشد که بخواهد با واردات، کمبودهای خود را جبران کند به خصوص واردات برخی از کالاها که به راحتی می‌شود در داخل تولید کرد. واردات بی‌رویه به دنبال خود، بیکاری جوانان و تعطیلی کارخانجات داخلی و به حاشیه بردن تولیدات داخلی را دارد. درنهایت به تدریج قدرت رقابت‌پذیری کالاهای تولید داخل در مقابل کالاهای خارجی کاهش می‌یابد که این کاهش قدرت رقابت است که به اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کند نه این که واردات به تنهایی عامل نابسامانی اقتصاد باشد.

خداوند متعال در آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۲۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، محققا بدانید که مشرکان نجس و پلیدند و بعد از این سال (که عهدشان به پایان می‌رسد) نباید قدم به مسجد الحرام گذارند و اگر (دراثر دور شدن تجارت و ثروت آنها از شما) از فقر می‌ترسید خدا اگر بخواهد شما را به فضل خود (از خلق و از مشرکان) بی‌نیاز خواهد کرد، که خدا دانا و در کمال عنایت و حکمت است؛ برخلاف تصور ساده برخی که گمان می‌کنند قطع واردات و تحریم اقتصادی و مانند آن موجب می‌شود تا جامعه اسلامی با بحران اقتصادی مواجه شود، باید گفت که قطع واردات و حتی تحریم، خود مهم‌ترین عامل تکیه بر خدا و منابع داخلی خواهد شد.

هم چنین از آیهی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) استفاده می‌شود که استقلال اقتصادی برای مسلمانان ضرورت دارد؛ در حالی که واردات بی‌رویهی کالا باعث وابسته شدن به بیگانگان می‌شود و آیه مسلمانان را از این مهم نهی می‌کند. غالب فقهای اسلام برای نفی هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان به این آیه استناد کرده‌اند، یعنی مسلمانان باید کاری کنند که کفار بر آنان مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه‌ی کفار شود نامشروع است. یکی از راه‌های سلطه کفار بر مسلمانان، سلطه اقتصادی است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ۲۰۲). در آیهی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال/۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید و اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد» مسلمانان مکلف هستند تلاش کنند خود را از وابستگی‌ها - از جمله وابستگی اقتصادی - رها سازند. اگرچه ظاهر آیه بیانگر تلاش برای تدارک نظامی و قوای جنگی است، اما از دید مفسران کلمه «من قوه» هر نیرویی را شامل می‌شود و نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حفظ استقلال و تمامیت ارضی یک کشور ایجاب می‌کند که در هر زمینه، از جمله در زمینه‌های اقتصادی مستقل باشد و استقلال اقتصادی را به منظور کسب توان لازم برای مقابله با توطئه دشمنان محقق گرداند. در مجموع با این تفاسیر می‌توان دریافت که اسلام با مطرح ساختن بحث خودکفایی به دنبال تأمین نیاز جامعه اسلامی در حد بالایی از رفاه و اتکا به توانمندیهای داخلی است و در بحث استقلال اقتصادی به دنبال حضور فعال و قدرتمند در عرصه تجارت به منظور قطع وابستگی و عزت و سربلندی جامعه اسلامی است (احمدی، ۱۳۸۰، ۲۶۳).

نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام حاکی از این است که وظایف دستگاه‌های دولتی در راستای بهبود فضای کسب و کار به دو دسته‌ی بایسته‌های سلبی و ایجابی تقسیم می‌شود. از جمله بایسته‌های ایجابی «رعایت حقوق مالکیت»، «ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوز»، «تشکیل دادگاه‌های تجاری برای رفع اختلافات اقتصادی»، «تعامل تکریم‌آمیز با فعالان سالم و معتبر»، «برنامه‌ریزی برای فناوری‌های اساسی»، «سپردن امور به افراد متخصص» و «برداشتن مقررات مزاحم» در کلام رهبری علیه السلام است. از سویی ایشان به «منع جدی قاچاق و مبارزه با آن»، «نبود فساد مالی در دولت» و «منع جدی واردات بی‌رویه» را جزء بایسته‌های سلبی بیان می‌کنند که این موارد دارای مستندات قرآنی و روایی هستند. ان شاء الله مسئولین نظام با به کارگیری رهنمودهای معظم له در بهبود فضای کسب و کار قدم موثری بردارند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، قم، چ ۲، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.
۴. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ه. ق، معجم مقاییس اللغة، قم، جلد ۳، ۵، چاپ اول.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الإسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعة؛ قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق و بیروت، دارالعلم الدار الشامیة.
۸. رضایی اصفهانی، ۱۲۳۶، محمد علی، سبک زندگی قرآنی، قم، دفتر نشر معارف.
۹. شریعتی، علی، ۱۳۶۸، تاریخ تمدن، تهران، قلم.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۱۱۱ ق، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم، چ اول، بینا.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، ۱۲۳۷، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، چاپ ۲، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۲. عمید، حسن، ۱۳۸۹ ش، فرهنگ عمید، تهران، چاپ چهل و دوم، انتشارات امیرکبیر.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، چ ۴، انتشارات اسلامیة.
۱۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۴، منتخب میزان الحکمه، حمید رضا شیخی، قم، موسسه فرهنگی دارالحديث.
۱۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۲۸۳، دایرة المعارف قرآن کریم، قم، چ ۳، بوستان کتاب.
۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، صدرا.
۱۸. معین، محمد، ۱۲۶۷، فرهنگ فارسی، تهران، چ چهارم، انتشارات تهران.
۱۹. نیشابوری، فتال، ۱۴۲۳ ق، روضه الواعظین، قم، دلیل ما.

۲۰. یزدی، سیدمصطفی محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، تهران، چ ۱۲، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۱. احمدی، علی محمد، «رهایی از اقتصاد وابسته (خودکفایی) راهبرد امام خمینی (علیه السلام) در عرصه اقتصاد»؛ در دبیرخانه دومین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام خمینی (س)، ۱۳۸۰، بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (س): مجموعه مقالات دومین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)، تهران، چ اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، موسسه چاپ و نشر عروج.
۲۲. جهان بین، فرزاد، معینی پور، مسعود، ۱۳۹۳، «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری»، مطالعات اسلامی، شماره ۳۹.
۲۳. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۶، منظومه فکری مقام معظم رهبری، تهران، چ ۱، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۴. رجایی، محمدکاظم، ۱۳۸۱، «حقوق مالکیت و راهبردهای تثبیت آن»، معرفت، شماره ۵۳.
۲۵. زاهد غروی، مهدی و کریمی پتانلار، سعید و علمی، زهرا (میل) و گیلک حکیم آبادی، محمد تقی، ۱۳۹۸، «اثر فساد مالی بر رشد اقتصاد ایران: رویکرد تخصیص استعدادها»، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، دوره ۱۶، شماره ۳۲.
۲۶. میرجلیلی، علی محمد، یوسفی، سمیه، ۱۳۹۲، «عوامل موثر در حمایت از کار و تولید مسلمین از دیدگاه قرآن و حدیث»، دوفصلنامه پژوهشی قیم، شماره ۹.
۲۷. معین، محمد، ۱۳۷۱ ش، فرهنگ معین، تهران، جلد ۱، امیرکبیر.
۲۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانات، <https://farsi.khamenei.ir>.
۲۹. نرم‌افزار حدیث ولایت (مجموعه‌ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری)، خدمات فرهنگی مرکز نور.
۳۰. خبرنگار اقتصاد و انرژی گروه اقتصادی باشگاه خبرنگاران جوان، پنجره واحد فیزیکی کسب و کار چیست؟ / دریافت مجوز آغاز به کار در ۳ روز، <https://www.yjc.news/>، اردیبهشت ۱۴۰۰.
۳۱. موسسه آموزش عالی آزاد فن پردازان، اهداف و انواع کسب و کار، <https://fanpnu.com/article/Goals-and-business-types>، اردیبهشت ۱۴۰۰.

۳۲. کفشگر جلودار، حسین، فساد مالی، <http://pajoohe.ir>، فرهنگ - علوم - انسانی - و - اسلامی/اقتصاد/اقتصاد - خرد/فساد - مالی - Financial-Corruption__a- ۴۶۳۴۶ - ۱۶۲۲۱ - ۱۶۲۲۳ - ۶۴۷۶۷.aspx، اردیبهشت ۱۴۰۰.
۳۳. خبرنگار فرهنگی باشگاه خبرنگاران پویا، حدیث: رفع گرفتاری از مردم و ثواب بالای آن، <https://tn.ai/>، اردیبهشت ۱۴۰۰.
۳۴. جعفرپور، امیر، حمل و نقل در آیات قرآن، <https://tn.ai/>، اردیبهشت ۱۴۰۰.

جایگاه رفاه اقتصادی در بیانیه گام دوم و تبیین مبانی دینی آن بر اساس معادشناسی شهید بهشتی

محمد مهدی رفیعی^۱ (نویسنده مسئول)

محمد حسین رفیعی^۲

چکیده

بی شک یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انقلاب اسلامی، تأمین رفاه اقتصادی بوده و هست. این اهمیت در جای جای سخنان رهبران انقلاب اسلامی نمود داشته و در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط آیت‌الله خامنه‌ای صادر شده، بخش قابل توجهی را به خود جلب کرده است. سوالی که ذهن مخاطبان را به خود درگیر می‌کند آن است که با توجه به اصول اسلام، جایگاه رفاه اقتصادی و مادی در این مکتب و به تبع تمدن اسلامی چیست؟ پاسخ این سؤال از زوایای مختلف قابل بررسی است، اما در مقاله حاضر سعی می‌شود بر اساس معادشناسی شهید سید محمد حسینی بهشتی، به عنوان یکی از رهبران انقلاب اسلامی، به این مسأله پرداخته شود. شهید بهشتی بر اساس برداشت‌های قرآنی خویش، معاد را جسمانی عنصری معرفی می‌کند و به این ترتیب بهشت را صرفاً بستری برای تکامل و حرکت

۱. طلبه سطح عالی حوزه علمیه قم Mahdi.rafiee.1511@gmail.com

۲. استادیار گروه قرآن و علوم جامعه المصطفی العالمیه. Rafiee57@gmail.com

انسان به سوی سعادت می‌داند. این نگرش موجب می‌شود تا مسأله رفاه مادی که بهشت نیز عهده‌دار تأمین آن است، جلوه دیگری پیدا کند. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی پس از تبیین مبانی فکری شهید بهشتی، با محوریت قرارداد دیدگاه او؛ به جایگاه رفاه اقتصادی در نظام ایدئولوژیک اسلام و تمدن اسلامی پرداخته می‌شود، تا همخوانی تفکر این اندیشمند با محتوای گام دوم از این دریچه روشن گردد.

واژگان کلیدی: رفاه اقتصادی، سعادت، تمدن اسلامی، بیانیه گام دوم، شهید بهشتی

۱. مقدمه

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در بهمن ماه سال ۱۳۹۷ هـ ش از جانب آیت الله خامنه‌ای علیه السلام صادر شده، اساس و مبانی تمدن سازی اسلامی ارائه گردیده و مسیر رسیدن انقلاب اسلامی به تمدن اسلامی در گام دوم آن روشن شده است.

یکی از مسائل مورد تأکید در این بیانیه، رشد اقتصادی و رفاه عمومی است. اساساً با تکیه بر این مسئله بسیاری از سیاست‌های حکومت نیز شکل می‌گیرد و در واقع رفاه و اقتصاد رکنی جداناپذیر از تمدن اسلامی و مسیر رسیدن به آن در نظر گرفته شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۰)

در این میان مسئله‌ای که از اهمیت بسیاری برخوردار است این است که با توجه به اصول اسلام، جایگاه اقتصاد و رفاه مادی چیست؟ رفاه عمومی و جامعه بی‌دغدغه یا کم‌دغدغه در حوزه اقتصاد، چه امتیازی دارد که آن را جزء جدا ناپذیر تمدن اسلامی در نظر گرفته‌اند؟. یکی از ایده‌پردازان انقلاب اسلامی که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری جمهوری اسلامی و برپایی نظام حاضر داشته، شهید آیت الله سید محمد حسینی بهشتی است. بهشتی؛ فقیه، فیلسوف و اندیشمند معاصر است که در حوزه مسائل اجتماعی و انسانی صاحب رأی و نظر بوده و بر همین اساس به نظریه پردازی در این حوزه پرداخته است.

در نگاه شهید بهشتی سعادت انسان در گرو تلاش برای ساخت جامعه است، اما این ساختن صرفاً منحصر در دعوت به توحید و معاد نیست، بلکه او معتقد است اگر انسان تا پای جان برای نظام عادل اجتماعی نکوشد، سعادت نخواهد داشت. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۲۲۰) به این ترتیب بهشتی برای جامعه سازی اهمیت بسیاری قائل است و در همین راستا معتقد است رفاه و اقتصاد نیز ضرورت داشته و از ارکان جامعه سازی و به تبع سعادت جامعه است. وی بر آن است که «انسانی که نیازهای اولیه‌اش تامین شود، شانس توجه و تربیت نیازهای برتر (خداگرایی) معمولاً در او بالاتر است». (همان: ۴۷)

بهشت، مظهر یک زندگی کامل و جامع انسانی است، و هدف اسلام ساختن این چنین

زندگی است... در این جهان (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۶۸)

این دیدگاه شهید بهشتی برخاسته از نظری در خصوص سعادت و معاد است و با توجه به تعریفی که از بهشت و دوزخ و فلسفه وجودیشان ارائه می‌کند؛ تلاش انسان برای ساخت بهشتی دنیوی را ضروری و عامل سعادت می‌داند. گفتنی است نظریات شهید بهشتی برخاسته از برداشت‌های او از کتاب و سنت است که ذیل هر یک از مسائل مطروحه، به مستندات قرآنی او اشاره خواهد شد.

در این مقاله سعی می‌شود بر اساس مبانی نظری شهید بهشتی؛ اهمیت مسئله اقتصاد در تمدن اسلامی - که آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله آن را یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده معرفی کرده است؛ (امام خامنه ای، (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>) تبیین شود. اگرچه جایگاه اقتصاد در تمدن اسلامی از زوایای مختلف قابل بررسی است، اما در این مقاله جایگاه اقتصاد از آن جهت که مؤثر در تسریع حرکت انسان به سوی سعادت است، مورد توجه قرار می‌گیرد. به این منظور نخست به مراد از اقتصاد و رفاه مطلوب در تمدن اسلامی پرداخته و سپس با تبیین نظر شهید بهشتی در مورد سعادت انسان و نگاه وی به مسئله معاد؛ اهمیت اقتصاد و رفاه مادی در نظام فکری شهید بهشتی که برخاسته از مبانی قرآنی و روایی او است، روشن خواهد شد.

۲. پیشینه

در حوزه رفاه اقتصادی در اسلام آثاری نگاشته شده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: «رفاه اقتصادی از منظر قرآن و آموزه‌های رضوی» (حسینی، احمدی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۲۳) و «نگرش اسلام به رفاه اقتصادی» (معصومی‌نیا، رشیدیان، ۱۳۹۴: ۵۵). در خصوص مسائل اقتصادی مطروحه در بیانیه گام دوم نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است که مقاله «واکاوی مؤلفه‌های اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تطبیق با مفاهیم بنیادین اسلام با استفاده از روش تحلیل مضمون» (جعفری، رئیس‌یان، ۱۳۹۹: <https://civilica.com/doc/1127769/>) را

می‌توان از این دسته نام برد.

اما در خصوص تبیین مبانی دینی جایگاه رفاه اقتصادی در بیانیه گام دوم و تمدن اسلامی، به خصوص بر اساس منظومه فکری شهید آیت‌الله بهشتی، اثری تألیف نشده است. به این ترتیب نویسنده درصدد بررسی این عنوان و تحلیل آن برآمده است.

۳. مفهوم‌شناسی

۱.۳. رفاه

واژه رفاه در لغت به معنی «زندگانی فراخ و به عیش زیستن» (دهخدا، «رفاه») و «آسودگی و آسایش» (معین، ۱۳۸۵، ج ۲، «رفاه») به کار رفته است. رفاه در اصطلاح کاربردهایی دارد و تعاریفی از آن ارائه شده که در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: «رفاه عبارت است از بهره‌مندی اکثریت افراد جامعه از امکانات مادی، تا از تغذیه، مسکن، لباس، بهداشت، تفریح و... به نحوی مطلوب استفاده کنند.» (حسینی، احمدی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۲۶) البته در مراد نویسنده از رفاه، لزوماً «اکثریت جامعه» اخذ نشده و هر دو بُعد فردی و اجتماعی مسأله رفاه مورد توجه است. اما توضیح در مورد رفاه اقتصادی مطلوب در نگاه شهید بهشتی را به ادامه موکول می‌کنیم.

۲.۳. اقتصاد

اقتصاد در لغت از ریشه «قصد» و به معنی اعتدال و میانه روی است. (طریحی، ج ۳، ۱۷۲) فراهیدی می‌نویسد: میانه روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه تقصیر و سختگیری. (فراهیدی، ج ۵، ۵۴) در تفسیر «و مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» (فاطر/۳۲) آورده‌اند: «فجعل أعلى مقاماتهم الاقتصاد وهو «أوسط» مقامات هذه الأمة و فوق ذلك رتبة السابقين» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ۱۳۵) برخی نیز گفته‌اند: «الفريق الثاني وسط «مُقْتَصِدٌ» تتعادل سیئاته و حسناته» (سید بن قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ۲۹۴۴).

اما «در اصطلاح، دانشی است که به بررسی فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالا و خدمات می‌پردازد.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ۱۲۲)

۴. جایگاه اقتصاد در اندیشه شهید بهشتی

انسان موجودی اجتماعی است که در زندگی خود ناچار از ارتباط و تعامل با دیگران می‌باشد، برخی از این تعاملات ریشه در لوازم ابتدایی زندگی از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن دارند. انسان‌ها به واسطه این دسته از نیازمندی‌هایشان، به یکدیگر نیازمند خواهند بود و به همین دلیل دست به تعامل و تبادل می‌زنند. این گونه روابط که انسان به خاطر تامین اشیاء و خدمات؛ آن را ایجاد می‌کند؛ روابط اقتصادی نام دارد. (بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۴۰) بنابراین دانش اقتصاد را می‌توان دانشی دانست که از این روابط - آن گونه که هستند - سخن می‌گوید. (همان)

در اسلام مسئله اقتصاد از آن جهت مورد بحث قرار می‌گیرد که انسان را موجودی دارای مراتب می‌بیند که در هر مرتبه از وجودش نیازمندی‌هایی دارد. از این رو انسان در مرتبه مادی وجودش، نیازهایی مادی دارد که در صورت تأمین این نیازها امید بیشتری برای پرداختن و رسیدگی به نیازهای مراتب بالاتر و یا به تعبیر دیگر نیازهای متعالی دارد. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۷).

بر این اساس اگر چه انسان بدون پرداختن به نیازهای مادی، امید پیمودن مراتب وجودی و حرکت به سمت کمال را دارد؛ اما این برای قالب انسان‌ها به مرحله عمل نمی‌رسد، چرا که از دشواری‌های بسیاری برخوردار است. پس رفاه مد نظر شهید بهشتی، برخورداری از نعمات مادی است، به قدری که انسان را از توجه به نیازهای مادی بی‌نیاز سازد.

شهید بهشتی بر اساس برداشت‌های قرآنی خود، معاد را جسمانی مادی خوانده و از همین رو باب جدیدی را در خصوص بهشت و دوزخ می‌گشاید. گشودن باب جدید از آن روست که نظریه غالب در حکمت متعالیه، معاد جسمانی مثالی است، نه معاد جسمانی

مادی و عنصری (رفیعی قزوینی، ۱۳۷۶: ۱۶۶) اگر چه برخی از بزرگان این مکتب نیز معاد عنصری و مادی را پذیرفته‌اند. (مدرس طهرانی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۹۳)

بهشتی بر خلاف آنچه اکثر فیلسوفان مسلمان بدان اذعان داشته‌اند می‌گوید:

من نه بهشت مجرد و عقلانی را پذیرفتم و نه نیمه مجرد و نیمه مادی و نه مجرد درجه پایین، یعنی مثالی و امثال اینها. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۱)

این نگاه شهید بهشتی موجب می‌شود تقریر دیگری از بهشت و دوزخ ارائه کند که برای تبیین بهتر این مسئله نخست به مسئله معاد جسمانی مادی در نگاه شهید بهشتی و سپس بهشت و دوزخ در نگاه وی خواهیم پرداخت.

۱.۴. معاد از دیدگاه شهید بهشتی

شهید بهشتی نیز همچون دیگر اندیشمندان مسلمان معاد را از اصول غیر قابل انکار اسلام می‌داند. بهشتی در این باره می‌نویسد:

انسان در پرتو بعد الهی‌اش با مرگ نابود نمی‌شود، بلکه به ابدیت می‌پیوندد. انسان را با همه ارزشهای والا که برایش شناختیم در محدوده‌ای چند ساله در این زندگی دنیا اسیر نمی‌دانیم و مرگ نیستی‌آور را با همه اندوخته‌های حیاتی و تعاونی فوق مادی‌اش ناسازگار می‌یابیم. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۸۰)

شهید بهشتی انسان را محدود در زندگی چند ساله این دنیا ندانسته و معتقد است انسان در این زندگی زودگذر هر مسیر و جهتی را که طی می‌کند، در راستای همان در جهانی دیگر به زندگی ادامه خواهد داد. (همان: ۳۸۱) نگاه بهشتی به مسئله معاد نگاهی عجیب و ناسازگار با طبع نیست. او معتقد است زندگی انسان در بهشت و جهنم نه یک زندگی ما فوق تصور، که همین زندگی عادی است ولی با خلوص در دو بعد ثواب و عقاب. (همان: ۳۸۱) یعنی انسان در این دنیا لذات توأم با رنج و رنج‌های توأم با لذت و به عبارتی رنج و لذت ناخالص دارد، اما همین رنج و لذت در بهشت و جهنم به صورت خالص نمود پیدا کرده و هر انسانی یا در بهشت در لذت خالص و بدون رنج به سر می‌برد و یا در جهنم و

دوزخ در رنجی خالص، جاودان خواهد بود. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۵۱)

[بهره مندی‌های مادی در آن دنیا] تفاوتش با این دنیا این است که نوش این دنیا به نیش آمیخته است و در آن دنیا، دیگر نوش خالص است. وقتی می‌گویند تو در بهشت نوش داری دیگر نیشی همراهش نیست؛ ولی نوشش همین نوش است، تفاوت در خالص بودن است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۰)

از خصوصیات معادشناسی شهید بهشتی این است که معاد روحانی و همچنین معاد جسمانی ملاصدرا یعنی جسم مثالی و خیالی را نمی‌پذیرد و بر این باور است که معاد جسمانی؛ مادی و عنصری است. درباره این ادعای او مهم‌ترین دلیل را می‌توان ظاهر آیات دانست که او را وادار به پذیرش معاد جسمانی عنصری می‌کند و همه برداشت‌های دیگر را نادرست و مخالف با صریح آیات کثیری که در این باره نازل شده‌اند می‌داند. (همان: ۴۱) با این حال می‌گوید ادله عقلی اقامه شده بر رد معاد جسمانی عنصری هرگز کافی نبوده و ناشی از خلط برخی از احکام فلسفی است.

بهشتی معتقد است نباید احکام مربوط به «موجودات» را از جمله قانون علیت، بر «وجود» نیز تعمیم داد. وی بر این اساس می‌گوید ادله‌ای که برای رد معاد جسمانی مادی آورده‌اند و در مقابل معاد عقلانی یا مثالی را اثبات کرده‌اند، همگی ناتمام و چیزی جز یک خدشه سست نیستند. (همان: ۲۱۹، ۲۲۰) در واقع معتقد است اندیشمندان نباید قانون علیت حاکم بر موجودات را در مورد ارتباط مخلوقات با آفریدگار نیز جریان دهند، و این در نگاه وی نه یک تخصیص و استثنا که تخصص است، یعنی «وجود» موضوعاً از دایره علیت بین «موجودات» خارج است. (همان: ۲۲۰)

در این خصوص بهشتی توضیح بیشتری نداده است و با توجه به مخاطبین خود، شرح مطلب را به موعدهای دیگر واگذار کرده و متأسفانه چنین شرحی در آثار وی یافت نشد. (همان: ۲۲۰) بنابراین ناچار از استمداد از مطالب دیگر فیلسوفان معاصر خواهیم بود تا به تشریح این مطلب از شهید بهشتی بپردازیم.

دکتر ابراهیمی دینانی در مورد تفاوت وجود و موجود بر آن است که؛ «وجود» کلمه‌ای عربی است که معادل فارسی آن «هستی» می‌باشد، و «موجود» نیز کلمه‌ای عربی است که از وجود گرفته شده و اگر بخواهیم آن را به فارسی تبدیل کنیم، معادل «هستنده» خواهد بود. (دینانی: <https://www.mehrnews.com/news/2421307/>) وی در مورد تفاوت موجود و وجود می‌گوید:

شک نیست که هر چه غیر هستی (هستندها - موجودات) است در هست شدن و هست بودن محتاج است به هستی (وجود) و هستی به خود هست و نه هستی دیگر. و هر چه محتاج است نه حق است. پس حق، عین هستی باشد که به خود «هست» است. و همه چیز (موجودات) به او (وجود) هستند. (دینانی: همان)

بنابراین ماسوی الله همه موجودند و «هستنده» و فقط حق تعالی است که هستی و وجود است. هر «موجودی» هستی خود را از موجودی دیگر می‌گیرد و یا به عبارت دقیق‌تر هر موجودی هستی خود را از «وجود» می‌گیرد، اما «وجود» هستی‌اش به خودش است. با این نتیجه می‌توان گفت شهید بهشتی در تعمیم دادن علیت منتزع از رابطه موجودات با یکدیگر به رابطه بین وجود و موجودات، به این جهت مخالف است که رابطه موجودات، رابطه یک سلسله متشکل از عناصر متعلق به غیر و محتاج است و لذا علیت بین آن‌ها برخاسته از همین نحوه وجود آن‌هاست، در حالی که خداوند نه «موجود» که «وجود» است و فراتر از آن است که احکام بین این موجودات فقری بر او هم که وجودی مستقل و بی‌نیاز است، تحمیل گردد.

از آنچه بیان شد مشخص شد که شهید بهشتی قائل به معاد جسمانی مادی است و دلیل خود را نیز آیات کثیره قرآن و روایات پرشمار می‌داند و درمقابل اشکالات فیلسوفان را ناتمام و غیر صحیح و حاصل خلط احکام موجود با وجود می‌داند.

۲.۴. نیازهای مادی و سعادت انسان

انسان در نگاه بهشتی موجودی در حال شدن است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۰۳) که

از نقطه صفر وجودی حرکت خود را آغاز کرده و مسیر تکامل را طی می‌کند. این موجود کاملاً مختار و انتخابگر است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۲۰۰) و مسیر خود را در دو جهت صعود و نزول تعیین می‌کند. وی حرکت انسان را در هر دو طرف صعود و نزول بی‌نهایت دانسته و معتقد است انسان با اختیار تام می‌تواند از ملائکه نیز برتر باشد و یا آنکه از حیوانات هم پست‌تر گردد. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

از این‌جا بهشتی به این مسئله می‌پردازد که حتی بهشت هم نمی‌تواند سعادت نهایی انسان باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۵۷)، چرا که گفته شد او حرکت انسان را در جهت رشد بی‌نهایت می‌داند و لذا انسان در بهشت نیز متوقف نخواهد شد. شهید بهشتی می‌گوید:

معاد و بهشت جای خوردن و خوابیدن بی‌خودی نیست، وگرنه خیلی ارزش نداشت. بهشت عبارت است از جایی که انسان‌هایی در حد انسان‌های به صلاح رسیده بتوانند فارغ از غم نان شب، به خودسازی‌هایی فراتر از نان شب ادامه دهند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۲۱۷)

اما اگر سعادت انسان در راهیابی به بهشت نیست، پس نقش بهشت در سعادت انسان چیست؟. بهشتی همان‌گونه که دنیای مادی را زمینه و بستر برای رشد و حرکت انسان به سمت تکامل می‌داند، معتقد است بهشت نیز مکانی است برای رشد انسان.

بهشت برای این انسان‌ها هدف نیست، اگر هدف نیست پس چیست؟ جای مستعدی برای ادامه بی‌نهایت تکامل رضوانی است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۵۷)

وی با باور به اینکه انسان مادامی که کشش به غیر خدا داشته باشد شرایط سخت‌تری برای حق‌طلبی و خداجویی دارد، می‌گوید: «انسانی که نیازهای اولیه‌اش تامین شود، شانس توجه و تربیت آن نیازهای برتر (خداگرایی) معمولاً در او بالاتر است.» (همان: ۴۷)

در تحلیل این مطلب می‌توان گفت انسان مادامی که کشش به غیر خدا دارد، از مسیر تکاملی خود باز می‌ماند، اما اگر این کشش از بین رفت و انسان در جانب نیازهای مادی

خود تأمین شد؛ به قدری که نیازی در آن نمی‌بیند، دیگر فقط تمایل به خیر و حق باقی می‌ماند و انسان که موجودی است با قابلیت رسیدن به بالاترین مراتب وجودی، می‌کوشد تا به آن نیاز بالاتر و اصلی و حقیقی برسد.

و نیز می‌توان گفت اگر بدن و مزاج انسان سالم باشد دیگر نیازی نیست نفس بیش از حد به کار بدن و مزاج از او بپردازد، و هنگامی که اشتغال نفس به بدن کم شود، در این صورت توجه نفس به باطن خود بیشتر و در نتیجه تعقلاتش قوی‌تر خواهد شد، (حسینی، بی‌تا، ج ۳، ۳۱) که حاصل آن پرداختن نفس به گرایش‌های فرامادی خواهد بود. البته این جوازی برای از بین بردن جلوه‌های شرّ و بستن باب فساد بر انسان نیست، چراکه در آن صورت اختیار انسان سلب می‌شود. بلکه مراد این است که انسان خود و با اختیار خود، دست به تعدیل خواسته‌ها زده (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۸۴) و بی‌نیاز شدن از لذات و گرایش‌های مادی؛ حرکت خود را در مسیر تکامل و رضای حق جریان بدهد. حال هرچه بی‌نیازی در بعد مادی بیشتر باشد نفس انسان در تعدیل خواسته‌ها به سمت تکامل موفق‌تر خواهد بود.

با توجه به این نکته است که شهید بهشتی معتقد است حرکت انسان در بهشت فقط به سمت رشد است و انسان بهشتی حرکت نزولی ندارد:

فرق آنجا با اینجا این است که میدان برای نیکان در یک جهت به سوی نیکی و برای دوزخیان در یک جهت به سوی شر و تیره بختی و تیره روزی است. (حسینی بهشتی، ۲۱۹: ۱۳۹۲)

پس در اندیشه بهشتی اصل حرکت در جهان آخرت غیر قابل انکار است و همه انسان‌ها چه بهشتیان و دوزخیان در مسیری بی‌نهایت حرکت می‌کنند، (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸ الف: ۲۰۴) اما جهت این حرکت در این دنیا به صورت انتخابی است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۳۰۳) و در آن دنیا برای بهشتیان اختیاری و برای دوزخیان اجباری است.^۱

۱. در مورد تفاوت انتخاب و اختیار باید گفت انتخاب در جایی است که گرایش‌ها و تمایلات متضاد وجود

به این ترتیب بهشت نیز ادامه زندگی مادی است و بستری برای حرکت تکاملی انسان، با این تفاوت که اولاً لذت‌های بهشتی برتر و بهتر از لذت‌های این دنیا است، (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۵۱) ثانیاً لذت‌های بهشتی خالص‌اند، (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۰) و ثالثاً حرکت در بهشت فقط صعودی است و نزول ندارد. (همان: ۲۱۹)

نتیجه این دیدگاه آن خواهد بود که رفاه مطلوب در تمدن اسلامی شبیه‌ترین رفاه به آسایش و نوش بهشتی است. یعنی اقتصاد نه فقط از آن جهت که در سیاست تأثیرگذار است و بدین سبب حکومت و حکمرانی اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>)، بلکه از آن جهت که برای انسان آسایش و سعادت نسبی به بار می‌آورد نیز مورد توجه است. (همان)

۳.۴. رفاه اقتصادی از دیدگاه شهید بهشتی

با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان گفت شهید بهشتی برای نیازهای مادی انسان جایگاه مهمی می‌بیند و از همین جاست که معتقد است نباید به بهانه دستیابی به بهشت، جامعه را از رفاه محروم ساخت. اساساً بهشتی رسیدن به بهشت و جاودانگی در آن را هدف انسان نمی‌بیند تا به این بهانه؛ جامعه فقیر را به صبر دعوت کنیم و در ازای آن وعده بهشت بدهیم. بلکه بر اساس آنچه از اندیشه وی در خصوص فلسفه بهشت و دوزخ مطرح شد، مشخص می‌شود که وی بهشت را بستر و زمینه رشد و تعالی انسان می‌بیند. بنابراین اگر انسانی خواستار رشد و تعالی باشد، نباید حرکت خود را تا رسیدن به آن بستر متوقف سازد، بلکه با این رویکرد؛ انسان باید برای خود بهشتی زمینی فراهم آورد، تا حرکت خود را تعجیل ببخشد. تحلیل این مدعا را ضمن چند مقدمه بیان خواهیم کرد:

داشته باشد، اما اختیار در جایی که یک گرایش وجود داشته باشد و انسان با قدرت و اراده خود عمل کند نیز صادق است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۹: ۱۰۷)

۱. بر اساس آیه: «یا ایها الإنسان إناک کادح إلی ربک کدحاً فملاقیه» (انشقاق/۶)؛ انسان موجودی در حال حرکت به سمت هدف نهایی و سعادت خویش است. این حرکت در نظر بهشتی بی‌نهایت است و منحصر در عالم ماده نیست تا با رسیدن به بهشت یا دوزخ متوقف شود. (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

۲. با توجه به اینکه حرکت انسان بی‌نهایت است، بهشت نمی‌تواند تامین‌کننده سعادت انسان باشد، چرا که اگر سعادت انسان در راه‌یابی و جاودانگی در بهشت بود، انسان با رسیدن به این هدف، از حرکت می‌ایستاد و نه آن که همچنان در بهشت نیز در جستجوی کمال و سعادت باشد.

۳. بهشت از دیدگاه شهید بهشتی، صرفاً بستری برای رشد و تکامل رضوانی بی‌نهایت انسان است، (بهشتی، ۱۳۹۲: ۵۷) و این از آن جهت است که بهشت با متکفل شدن تأمین نیازهای مادی و ابتدایی انسان (فصلت/۳۱)، زمینه‌ساز توجه انسان به نیازها و گرایش‌های والاتری چون خداگرایی خواهد شد.

۴. اگر انسان پیش از راه‌یابی به بهشت از نیازهای ابتدایی بی‌نیاز شده و یا صرف نظر کند، به گونه‌ای که با وجود نیازمندی در ابعاد مادی، به حداقل اکتفا کرده و خود را متوجه نیازهای عالی‌تر سازد، این انسان در همین دنیا بستر رشد و تکامل‌یابی خود را فراهم ساخته است و پیش از آنکه به بهشت برسد، خود را در مسیر تکامل رضوانی قرار داده است. شهید بهشتی در این باره می‌گوید:

این که در بعضی روایات آمده است بهشت آنها نقد است، کاملاً معنی دارد؛ یعنی همین‌جا حالت بهشتی دارند. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۵۷)

با توجه به این مقدمات، روشن می‌شود که از نظر آیت الله بهشتی، انسان نباید منتظر رسیدن به بهشت باشد، بلکه انتظار او باید متوجه قرار گرفتن در مسیر تکامل باشد. اگر رویکرد انسان مد نظر اسلام چنین باشد، حاصل این خواهد بود که نیازهای خود و جامعه خود را در همین دنیا تأمین کرده و انتظار جهانی دیگر را نمی‌کشد.

بهشت مظهر یک زندگی کامل و جامع انسانی است، و هدف اسلام ساختن این چنین زندگی است... در این جهان. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۶۸)

به عبارتی بهشتی اقتصاد را وسیله‌ای در خدمت انسان می‌بیند که می‌تواند عامل رسیدن به سعادت باشد. (بهشتی، ۱۳۹۷: ۴۲)

۴.۴. رفاه اقتصادی مطلوب

از آن چه گفته شد مشخص می‌شود که فقر در منظومه فکری شهید بهشتی از جایگاهی برخوردار نبوده و قطعاً مذموم است. بنابراین پرداختن به مسأله رفاه عمومی و فقرزدایی از اصول حکمرانی شهید بهشتی می‌باشد. اما آیا بهشتی به رفع فقر اکتفا کرده و آرمان او جامعه‌ی بشری غیر فقیر است، یا آن‌که این رفاه نسبی ابتدای انتظارات اوست و زمین را چون بهشت؛ سرشار از نعمات و لذات می‌خواهد و هیچ حدی برای آن قائل نیست؟

در پاسخ به این سوال بار دیگر به معادشناسی و بهشت در نگاه شهید بهشتی اشاره کرده و می‌گوییم: زمین و عالم ماده با همین قوانین حاکم بر این جهان، مثار تضاد و تزاحم و تدریج است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱۷۹)، بنابراین لذت خالص در آن معنا نخواهد داشت و هر لذتی، آمیخته با رنجی است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۰) بر این اساس اگرچه پرداختن به نیازهای مادی انسان لازم و ضروری است، اما ارضا و اغناء این نیازها در این جهان ممکن نخواهد بود، چراکه هرچه بیشتر به لذت پرداخته شود، رنجی هم متناسب با آن بر انسان عارض می‌شود.

باتوجه به این نکته باید گفت بهشتی همانگونه که در تعریف لغوی «اقتصاد» گذشت، معتقد است اعتدال در امر معاش، اقتصاد و رفاه مطلوب در این دنیا می‌باشد. نه فقر مورد پذیرش است، چون انسان را از نیازهای عالی باز می‌دارد، و نه زیاده‌روی و تکاثر قابل قبول است، چراکه اولاً این زیادت در لذت؛ رنج‌هایی در پی دارد، و ثانیاً توجه بیش از حد به امورات مادی در این دنیا، خود عامل بازماندن از نیازهای برتری چون خداگرایی است.

هیچ یک از دو مفسده تکاثر در این دنیا، در بهشت وجود نخواهد داشت. چون اولاً

لذت‌های بهشتی خالص‌اند بر خلاف دنیا (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۰)، و ثانیاً همه نعمات بهشت تجلی ذات باری تعالی هستند و بهشتیان متوجه این تجلی، بر خلاف این دنیا. اساساً بهشتیان واقف به این هستند که رضایت الهی، بالاترین لذت است (رضوان من الله اکبر) (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۸)، بنابراین هیچگاه از خداگرایی غافل نخواهند بود.

۵.۴. ضرورت عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی، نگاه اجتماعی به مسأله اقتصاد است. آن‌چه تاکنون از مسأله اقتصاد مطرح شد ناظر به شخص انسان و سعادت او بود. اما یکی از ابیحات قابل توجه در مسأله اقتصاد، جنبه اجتماعی آن بوده که تأثیر بسزایی در سعادت آحاد دارد.

شهید بهشتی مسأله عدالت اجتماعی را در بسیاری از آثار خود مورد توجه قرار داده است. یکی از اقسام این عدالت، عدالت اقتصادی است. بهشتی پرداختن به سعادت‌یابی دیگران را جزئی از مسیر سعادت شخص دانسته و بر همین اساس اسلام را دین سیاسی و اجتماعی معرفی می‌کند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۴) از این رو این‌که هر یک از اشخاص صرفاً به رفاه خود و خانواده خود بپردازد و برنتاییده و این امر را عامل بازماندن از مسیر کمال می‌داند. چنان‌که برخی اذعان داشته‌اند شهید بهشتی بر این نکته تأکید دارد که شاخص و مصداق خوب عمل کردن و کسب انسانیت و رسیدن به انسانیت در «رابطه با دیگران» است. (منوچهری، ۱۳۹۸: ۶۸)

بهشتی انسان را نه فقط مسئول ساختن خود، که مسئول ساختن محیط و اجتماع نیز می‌داند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۱۸) به این ترتیب کوشیدن برای رفاه عمومی نیز جزء مسئولیت‌های انسان است که پرداختن به آن از ضروریات مسیر تکامل رضوانی انسان خواهد بود.

نظام عادل اجتماعی چگونه است؟ بالاخره قرار بر این است که فقط معاد و معاد؟ عدل هم برای معاد؟ کسانی که در این‌جا ظلم می‌کنند، خداوند در سرای دیگر جزای کارشان را می‌دهد و کسانی که به آن‌ها ظلم شده، در آن جهان به بهشت می‌روند؟ خیر،

اصلاً به شرطی به بهشت می‌روی که در اینجا تا پای جان برای نظام عادل اجتماعی بکوشی، وگرنه سعادتی در معاد نداری. بی‌خود اینجا ظلم‌پذیری نکن که آن‌جا به نعمت می‌رسی. (همان: ۲۲۰)

بهشتی نمی‌پذیرد که انسان بدون تلاش برای رفاه عمومی و واگذار کردن این امر به آخرت، انسان سعادتمند باشد، بلکه از نظر وی رسیدن به بهشت نیز در گرو تلاش برای ساخت بهشتی زمینی است.

نتیجه‌گیری

شهید بهشتی در معادشناسی خود از معارف قرآن بهره برده و بر این اساس معاد را جسمانی مادی می‌داند. این رویکرد وی موجب می‌شود تا نگاه او نسبت به مسأله بهشت نیز متفاوت باشد و آن را نه مقصد و سعادت انسان، بلکه بستری برای رشد و تکامل بی‌نهایت رضوانی معرفی کند.

آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ ضمن اشاره به ابعاد مختلف اقتصاد، به مسأله تأثیر آن در رشد و تعالی معنوی پرداخته‌اند. ایشان با اشاره به فرصت‌های مادی کشور، اهمیت تأمین رفاه و ساخت جامعه مرفه (با همان معنایی که گذشت) را گوش زد کرده و جوانان را به بهره‌وری از این فرصت‌ها و پیشرفت در تولید و اقتصاد ملی فراخوانده‌اند.

با توجه به معادشناسی بهشتی، می‌توان نگاه او به مسأله اقتصاد و رفاه مادی را تبیین نمود. او معتقد است انسان به بهشت می‌رود تا کار ناتمام خود را به اتمام رسانده و به رضوان و خشنودی الهی نائل آید که این سعادت انسان است. پس انسان در مسیر کمال نباید دنیا را رها کرده و تکامل خود را به آخرت و بهشت واگذار کند، بلکه باید درصدد آن برآید که از زمین بهره بهشتی ببرد.

بهشت از نظر شهید بهشتی، نیازهای مادی و اولیه انسان را تأمین می‌کند تا انسان فرصت پرداختن به نیازهای برتری چون خداگرایی را داشته باشد. بهشتی سپس تبیین

می‌کند که اگر انسان در این دنیا برای ساخت جامعه عادل و برای تعالی فردی و اجتماعی نکوشد و ظلم‌پذیر باشد، به امید این که در بهشت در بستر تکامل قرار گیرد، این انسان اصلاً به بهشت نخواهد رسید، چرا که شرط رسیدن به بهشت تلاش برای ساخت زمینی بهشتی است.

بدین ترتیب تأثیر رفاه اقتصادی در سعادت انسان و جامعه انسانی و تمدن اسلامی؛ روشن می‌شود که با تأمین نیازهای مادی، بستر برای رشد و تعالی معنوی نیز فراهم می‌شود. و نیز اهمیت کوشش برای ساخت بهشت زمینی و نظام عادل اجتماعی، با طریقتش برای راهیابی به بهشت تبیین خواهد شد. بدین ترتیب جایگاه رفاه اقتصادی در تمدن اسلامی که مورد تأکید بیانیه گام دوم انقلاب است، بر اساس منظومه فکری شهید بهشتی تبیین شد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: مؤسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. <https://www.mehrnews.com/news/2421307>. ۱۴۰۰
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. ۱۴۱۹ ق. تفسیر القرآن العظیم. بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵. جعفری، ابوالفضل؛ رئیس‌یان، امیر محمد. واکاوی مؤلفه‌های اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تطبیق با مفاهیم بنیادین اسلام با استفاده از روش تحلیل مضمون. <https://civilica.com/doc/1127769/>. ۱۳۹۹.
۶. حسینی، سید علی؛ احمدی‌فر، مصطفی. ۱۳۹۵. رفاه اقتصادی از منظر قرآن و آموزه‌های رضوی. فرهنگ رضوی. سال چهارم، شماره چهاردهم
۷. حسینی بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۶. آزادی، هرج و مرج، زورمداری. تهران. انتشارات روزنه.
۸. ... ۱۳۹۲. درس گفتارهای فلسفه دین. تهران. روزنه.
۹. ... ۱۳۸۸. حزب جمهوری، مواضع تفصیلی. تهران. نشر بقیه.
۱۰. ... ۱۳۹۷. نظام اقتصادی در اسلام (مباحث کاربردی). تهران. نشر بقیه.
۱۱. ... ۱۳۸۶. سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تدوین: سرابندی، محمد رضا. تهران. انتشارات مرکز اسناد.
۱۲. حسینی بهشتی، سید محمد؛ باهنر، محمد جواد؛ گلزاده غفوری، علی. ۱۳۹۴. شناخت اسلام. تهران. نشر روزنه.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۷. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
۱۴. ... ۱۴۰۰. منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای؛ تدوین: عبدالحسین خسروپناه و جمعی از پژوهشگران. تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. رفیعی قزوینی، سید ابوالحسن. ۱۳۷۶. غوصی در بحر معرفت. تهران، اسلام.
۱۷. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲ ق. فی ظلال القرآن. بیروت، دارالشروق.

۱۸. طریحی، فخرالدین. ۱۳۶۲. مجمع البحرين. تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ ق. کتاب العین. قم مؤسسه دارالهجره.
۲۰. مدرس طهرانی، آقا علی. ۱۳۷۸. مجموعه مصنفات حکیم موسس آقا علی مدرس طهرانی؛ گردآوری: محسن کدیور. تهران.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۹۳. معارف قرآن ۳-۱. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. ... ۱۳۹۹. انسان شناسی در قرآن. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. معصومی نیا، علی؛ رشیدیان؛ سمیه. ۱۳۹۴. نگرش اسلام به رفاه اقتصادی. معرفت اقتصاد اسلامی. سال هفتم، شماره اول.
۲۴. معین، محمد. ۱۳۸۵. فرهنگ فارسی. تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۵. منوچهری، عباس. ۱۳۹۸. زیست و اندیشه شهید آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی. تهران. روزنه.
۲۶. موسوی خمینی، سید روح الله. بی تا. تقریرات فلسفه؛ تدوین: سید عبدالغنی اردبیلی. تهران، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۲۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر. ۱۳۸۳. فرهنگ قرآن. قم، بوستان کتاب.

ویژگی طهارت اقتصادی مسئولان حکومتی در تراز انقلاب اسلامی در آیینۀ نهج البلاغه

محمد خورشیدی اطهر^۱

چکیده

حکومت‌ها از دیرباز برای حفظ بقاء نظام سیاسی خود به شایستگی مسئولان حکومتی توجه ویژه‌ای کرده و به نقش به‌سزای ملاک‌های صلاحیت مدیران در پیشبرد اهداف آنان اذعان داشته‌اند. در بینش سیاسی مکتب اسلام، هدف از تکفل مسئولیت‌های حکومتی، مبتنی بر شالوده نظام اسلامی یعنی انسان‌سازی منطبق با فرامین شرع انور است؛ در واقع، ویژگی‌ها و شاخصه‌های مسئولان را هم باید معیار گزینش اشخاص محسوب نمود و هم از آن مهم‌تر، مسئول هدایت معنوی جامعه به عنوان علت غائی تشکیل حکومت تلقی کرد. به جایگاه و کارکرد این مسئله، در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران با ذکر «طهارت اقتصادی» به عنوان «شرط مشروعیت» مسئولان جمهوری اسلامی ایران، جلوه‌ای خاص بخشیده شده است و تطبیق شاخصه‌های این ویژگی اقتصادی مقامات در تراز انقلاب اسلامی با آموزه‌های جاودانه امام علی (ع) از طریق مطالعه سیره حکومتی امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه به روش تحلیل بنیادین آن، ضروری می‌نماید و حاصل آن، الگوبرداری عمیق از

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری msun4@mailfa.org

اندیشه سیاسی امام علیه السلام در تدوین این بیانیه به منزله منشور دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی پس از طحّیّ چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران است. در منظومه فکری این بیانیه با به‌کار رفتن واژه «طهارت اقتصادی» در بیان ویژگی مسئولان نظام در قالب ماهیتی خارجی به مثابه عامل مؤثر در احراز مشروعیت این اشخاص بر سه شاخصه زهد، ساده‌زیستی و مناعت طبع در بعد ایجابی شرط طهارت، لازم بر شمرده شده و دگر باره، اجتناب از وسوسه، دوری از حرص و پرهیز از حرام‌خواری به عنوان مؤلفه‌های سلبی طهارت متصدیان مسئولیت در تراز انقلاب اسلامی ذکر گردیده که در تطبیق با معارف امام علیه السلام در گفتارهای نهج‌البلاغه به وضوح مثبت تعمق و تدبّر در مفاهیم این آموزه‌ها در نگارش بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

کلید واژه‌ها: نهج‌البلاغه، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، طهارت اقتصادی، مسئولان حکومتی.

۱. مقدمه

ثبات و دوام حکومت‌ها از گذشته، منوط به صلاحیت و شایستگی مسئولان و مقامات آن است؛ صاحبان اندیشه در فلسفه تاریخ نظام‌های سیاسی، نقش مسئولان صالح و کارآمد را در پایداری و بقاء حکومت‌ها اعم از دینی و یا غیر دینی آن، بی‌بدیل دانسته‌اند و به جایگاه به‌سزای آن در پیشبرد اهداف آن‌ها اذعان نموده‌اند؛ هر نظام حکومتی بدون توجه به اهلیت و لیاقت کارگزاران خود، پیشرفتی آن‌چنانی در تحصیل دستاوردها و نیل به اهداف خود نخواهد کرد و بی‌شک، در فرض بروز ضعف در انتخاب و گزینش مسئولان و مقامات حکومتی منجر به فروپاشی ساختارهای آن خواهد شد و چنانچه دارای مشروعیت اولیه در هنگامه تشکیل بوده باشد، موجب زوال آن می‌گردد. نقش سلامت و طهارت اقتصادی مسئولان در نهادهای مختلف حکومتی به گونه‌ای است که اگر مبنای تاسیس یک حکومت، فاقد مشروعیت تلقی گردد، ولی متصدیان مسئولیت‌های درون‌نهادی آن از شایستگی و کارایی لازم برخوردار باشند به فراخور زمان، امکان تحصیل مشروعیت مردمی در آن، چیز بعیدی به نظر نمی‌رسد (امامزاده و صفری، ۱۳۸۸: ۱۰).

در مکتب اسلام، ضرورت توجه به شایستگی کارگزاران به جهت نیل به اهداف متعالی با تاسیس نظام سیاسی از حیث تاثیر آن در انحطاط جامعه و سقوط حکومت در سایه ناکارآمدی و فساد مسئولان به طور ویژه مورد عنایت قرار گرفته است. سیره منطقی و معقول حکومتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تاریخ تطوّر حکومت اسلامی، الگویی مناسب در اثبات مطلب پیش گفته نسبت به زوال نظام سیاسی بر اثر عدم شایستگی کارگزاران آن است. حساسیت و دقت امام علی (علیه السلام) در گزینش کارگزاران حکومتی را به وضوح می‌توان در خطبه‌ها و نامه‌های این بزرگوار (علیه السلام) در نهج‌البلاغه برداشت کرد و به عاملیت مدیریت ناسالم در زوال حکومت‌ها و انحطاط جوامع پی برد؛ اهمیت فوق‌العاده امام (علیه السلام) نسبت به انتخاب کارگزاران و ویژگی‌های آن‌ها و اناطه سلامت یا فساد آنان به هدایت یا هلاک یک جامعه در شیوه زمام‌داری او آشکارا معلوم است و این اندیشه سیاسی جاودانه ایشان بر تارک تاریخ

می‌درخشد؛ از این رو، در ادبیات سیاسی حضرت علیه السلام، صلاحیت کارگزاران نقشی بی‌بدیل و اساسی در استمرار اقتدار و قوام حکومت اسلامی ایفاء می‌کند و لذا، مطالعه و بازخوانی این سیره، کمک شایانی به بهره‌گیری در خصوص شناخت شاخصه‌های ویژگی اقتصادی کارگزاران دارد.

در آستانهٔ چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران در مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، بیانیهٔ گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران از سوی مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) منتشر گشت؛ در چنین نقطهٔ عطفی، این بیانیه با تبیین دستاوردهای شگرف چهار دههٔ گذشتهٔ انقلاب اسلامی، رهنمون‌هایی در قالب توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» به مثابهٔ فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است؛ در توصیهٔ چهارم از بخش مربوط به مسائل آیندهٔ انقلاب اسلامی، «عدالت و مبارزه با فساد» بر شمرده شده است و در این توصیه به فساد اقتصادی به منزلهٔ «زلزلهٔ ویرانگر و ضربه زنده به مشروعیت» حکومت‌ها توجه شده و اشاره‌ای مستقیم به تاثیر شایستگی یا عدم شایستگی مسئولان بقاء یا زوال نظام‌های سیاسی جوامع دارد. در ادامهٔ این توصیه، «طهارت اقتصادی» مقامات حکومت جمهوری اسلامی ایران در تراز انقلاب اسلامی به عنوان «شرط مشروعیت» تصدی این مسئولیت‌ها محسوب گردیده است. بدین ترتیب، آگاهی از مفهوم اصطلاح «طهارت»، تبیین «شرط مشروعیت» مسئولان در داشتن طهارت اقتصادی و اهمیت «طهارت اقتصادی» مسئولان حکومتی ضروری می‌نماید که در فصل اول این پژوهش در قالب ادبیات نظری به آن پرداخته شده است. در فصل دوم آن با عنوان «سیمای اقتصادی مسئولان حکومت اسلامی از منظر نهج‌البلاغه» با استفاده از روش مطالعهٔ اسنادی و شیوهٔ تحلیلی-توصیفی به صورت بنیادین، در دو مبحث ایجابی و سلبی شاخصه‌های «طهارت اقتصادی» مسئولان حکومت اسلامی با استخراج ۶ شاخصه از بیانیهٔ گام دوم انقلاب اسلامی به تطبیق این شاخصه‌ها با آموزه‌های حکومتی امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه اقدام شده است؛ این ۶ شاخصه، مشتمل بر زهد، ساده زیستی، مناعت طبع، اجتناب از

وسوسه، دوری از حرص و پرهیز از حرام خواری است. در پایان، «نتیجه‌گیری» عهده‌دار نتیجه این مطابقت در تمسک به اندیشه سیاسی امام علی (ع) در حوزه اتصاف مسئولان به ویژگی‌های لازم آنان در بعد اقتصادی خواهد بود.

۲. ادبیات نظری

به فراخور موضوع پژوهش و کاربرد برخی اصطلاحات محوری در آن، با مذاقه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران در توجه به ویژگی اقتصادی مقامات حکومتی جمهوری اسلامی، تعریف و تشریح مفاهیمی مهم و تبیین مبادی بحث، ضروری می‌نماید که بدان پرداخته می‌شود:

۱.۲. مفهوم اصطلاحی «طهارت»

طهارت، واژه‌ای است عربی و مصدر از طهر به فتحه یا ضمه عین الفعل و در لغت به معنای پاکی و پاکیزگی به کار می‌رود (الانصاری، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ۵۰۴) و نیز بر دو گونه است: طهارت جسم و طهارت نفس که هریک، محمول برخی آیات قرآن کریم قرار گرفته است به گونه‌ای که ۳۱ مرتبه از واژه «طهر» و مشتقات آن در قرآن به کار رفته است؛ برای مثال، منظور از طهارت کردن در آیه ۶ سوره مائده^۱، طهارت جسمانی است، در حالی که در آیه ۲۲۲ سوره بقره^۲ در معنای طهارت روح به کار رفته است (الراغب، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ۳۰۷). معنای طهارت در عرف شرع نیز از معنای لغوی آن، دور نیفتاده است و با وجود بیان ثبوت حقیقت شرعی بر واژه طهارت و اختصاص یک باب از ابواب فقهی بر آن از سوی فقهاء، تنها نسبت به دایره شمول این اصطلاح در خصوص طهارت از خبث و حدث و تعریف آن اختلاف کرده‌اند و بر دو نوع طهارت ظاهر از نجاسات و طهارت باطن که با وضو، غسل یا تیمم حاصل می‌شود، تقسیم نموده‌اند (العاملی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ۴۷ و ۴۸).

۱. «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا»

۲. «وَيَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»

از «طهارت» در علم اخلاق نیز بحث می‌شود؛ طهارت اخلاقی به معنای زدودن ریشه‌های شرک و رذایل اخلاقی از باطن و آراستن آن به توحید و صفات کمال انسانی است که با حصول کمال آن به عصمت انسان منتهی می‌شود. در واقع، طهارت اخلاقی، پاک کردن قلب و روح از آلودگی‌های معنوی و بد اخلاقی هاست و از آن به عنوان «تطهیر قلوب از قذرات معنویه و کثافات خلقیه» یاد کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۷) که به واسطه آن، هر انسانی از ننگ و عار خبائث باطنی رهایی می‌یابد و غیر خدا از دل او پاک و نفس از کثافات اخلاق مذموم و صفات خبیثه تنزیه می‌شود (نراقی، ۱۳۹۱: ۸۳۸)؛ تا جایی که طهارت معنوی را مهمترین سرّ اعمال عبادی بر شمرده‌اند، چه اینکه به موجب آن‌ها، انسان از رذائل تطهیر می‌گردد و فضائل برای او تحصیل (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۳۰ و ۳۹).

طهارت نزد اهل معرفت، دارای مراتب و درجاتی است که تفصیل و توضیح آن، خارج از این مجال است، ولی آنچه که مرتبط با موضوع این تحقیق است، مرتبه تطهیر قلب از رذائل اخلاقی و آراسته شدن به فضائل اخلاقی و برترین ملکات است تا از آنچه که خارج از دایره اعتدال و مذموم عقل و شرع است، رهایی یابد یعنی همان طهارتی که از آن با عنوان «متحلّی شدن به فضائل اخلاق و فواضل ملکات» و «نفس مرتبه متجلیه به مراقبت کامله در تحت انقیاد و اطاعت احکام شرع و نوامیس الهی» یاد شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۶۱ و حسن زاده آملی، ۱۳۷۱: ۱۵۳).

به نظر می‌رسد منظور از طهارت در عبارت «طهارت اقتصادی» در مفهوم اخلاقی در مرتبه یاد شده آن استفاده گردیده است و مؤید این ادعا نیز قرائن مقالی آن در جملات ماقبل و مابعد آن در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که پس از ذکر طهارت اقتصادی به عنوان شرط مشروعیت مقامات حکومت جمهوری اسلامی، این گونه از رذائل و محاسن اخلاقی یاد می‌شود: «... و سوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتّی در علّوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی

میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست... همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند... این مبارزه نیازمند انسان‌هایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است...»؛ به بیان دیگر، عباراتی چون «وسوسه»، «زهد»، «ساده زیستی»، «شیطان حرص»، «باایمان»، «منیع‌الطبع» و «دل‌هایی نورانی» در حول طهارت اقتصادی، مبتنی آن است که طهارت گفته شده در کاربرد اخلاقی - معنوی آن استفاده شده است و بر لزوم حفظ نفس و اعتلاء نظارت درونی نسبت به مقامات حکومتی تأکید دارد و در واقع، شرط مشروعیت ایشان را، زدودن رذائل اخلاقی در امور اقتصادی و آراستگی به محاسن معنوی در نگاه به امور مالی دانسته شده است. از این رو می‌بایست عامل درونی مبارزه با فساد اقتصادی مقامات حکومتی جمهوری اسلامی ایران در تراز انقلاب اسلامی را ترکیه نفس از خبائث باطنی و آغشتن آن به فواضل اخلاقی برشمرد. لازم به ذکر است، به کاربرد اصطلاح «طهارت اقتصادی» به جای «سلامت اقتصادی» که بیشتر معمول بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرد، نشانگر تدقیق مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در واژه‌گزینی عبارات بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است؛ چه اینکه طهارت اقتصادی بیانگر یک ملکه قوی نفسانی است که عموماً در گذشته، حال و آینده در نفس صاحب طهارت وجود دارد، ولی آنچه که از واژه سلامت برداشت می‌شود، تنها ناظر بر گذشته و حال شخص سالم است و اشاره‌ای بر آینده وی ندارد و در عین حال، بر خلاف طهارت که امری وجودی است، سلامت، موضوعی اثباتی تلقی می‌گردد و این مسئله بر وجود اندیشه در ورای این نگاشته پرمعنا دلالت دارد؛ بنابراین، رابطه طهارت اقتصادی و سلامت اقتصادی از نوع عموم و خصوص مطلق است با این توضیح که با برخورداری کارگزار از طهارت اقتصادی، قطعاً دارای سلامت اقتصادی خواهد بود، در حالی که خلاف آن، صادق نیست.

۲.۲. تبیین «شرط مشروعیت» مسئولان در داشتن طهارت اقتصادی

شرط در لغت به معنای الزام و التزام به چیزی آمده است و در مباحث مختلف فقه، اصول فقه و علم نحو به کار رفته است که پرداختن به آن‌ها خارج از قلمرو این نوشتار است ولی هرگاه در محاوره از آن استفاده می‌شود به معنای چیزی است که شرط کننده، خود را به آن ملزم ساخته است؛ به عبارت دیگر، شرط آن است که تاثیر موثر متوقف بر آن است و بر خلاف رکن، مداخلیتی در تحقق مشروط ندارد و فقط زمینه ساز آن محسوب می‌شود، بدون اینکه قسمتی از وجود مشروط باشد (موسسه دایرة المعارف فقه فارسی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۶۳۶). بنابراین، وقتی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، طهارت اقتصادی مقامات حکومتی، شرط مشروعیت آنان برشمرده شده است به این معناست که طهارت اقتصادی، نوعی التزام مسئولان حکومتی است تا در فرض دارا بودن آن در مشروعیت ایشان تاثیرگذار باشد. در واقع، طهارت اقتصادی به عنوان رکن وجودی مشروعیت نیست، بلکه تنها ماهیتی تاثیرگذار خارجی در تحقق مشروعیت مقامات است و بدون دخالت در ساختار مشروعیت کارگزاران، بستر آن را فراهم می‌آورد.

علت پرمعنای اینکه طهارت اقتصادی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری (دام ظلّه الشریف) به عنوان شرط مشروعیت مسئولان در نظام جمهوری اسلامی محسوب گردیده است نه رکن تشکیل دهنده مشروعیت آنان به عوامل سازنده مشروعیت وجودی مقامات و مناصب حکومتی بر می‌گردد؛ چه اینکه به حسب تفاوت جایگاه مسئولان و مدیران حکومت جمهوری اسلامی ایران، عامل مشروعیت آنان نیز بر اساس قوانین و مقررات تغییر می‌یابد؛ به عنوان مثال، عوامل مشروع سازی ریاست جمهوری اسلامی ایران بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احراز آراء اکثریت مردمی شرکت کننده در انتخابات و تنفیذ آن از سوی رهبری است، ولی همین عوامل نسبت به معاونت یکی از وزارتخانه‌های دولتی، انتصاب از سوی وزیر یا سرپرست وزارتخانه است. این ترکیب واژه‌ها در بیان لزوم طهارت اقتصادی مسئولان نظام جمهوری اسلامی در این

بیانیه بی نظیر و ذکر آن به عنوان «شرط مشروعیت» مقامات، دلالت بر دقت نظر در کاربرد اصطلاحات و بینش صحیح رهبر فرزانه انقلاب اسلامی (دامت برکاته) نسبت به مفهوم مشروعیت مقامات و ارکان آن است.

۳.۲. اهمیت «طهارت اقتصادی» مسئولان حکومتی

اشخاصی که در مسئولیت‌ها و مناصب حکومت اسلامی قرار می‌گیرند، بایستی دارای ویژگی‌هایی باشند که در معارف ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بر آن تأکید شده است؛ چرا که هدف از تکفل مسئولیت‌های حکومتی از نوع حکومتی که پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) عهده دار آن بودند، چیزی غیر از خود این مناصب است و در واقع، همان چیزی است که هدف از بعثت انبیاء (علیهم‌السلام) در آن نهفته است، یعنی انسان سازی منطبق بر فرامین الهی که شالوده ساز تمامی نظام اسلامی محسوب می‌گردد؛ لذا ایجاد نظام حکومتی برای ترویج دین انور اسلام از ضروریات به حساب می‌آید و سیره حکومتی اولیاء الله (صلوات الله علیهم) بر این مهم تأکید دارد. وجه تمایز اندیشه ایجاد حکومت اسلامی از دیگر حکومت‌ها، توسل به ابزار حکومتی برای نیل به علت غائی است که بر مبنای اصل «خليفة اللهی»، جامعه اسلامی رهنمون شود و بشر به سر حد کمال خود برسد. مدیریت اسلامی جامعه از سوی زمامداران مکتبی آن مبتنی بر نهج اسلامی، هدایت دینی شهروندان را به عهده می‌گیرند و در واقع امر، این ملاک‌ها و معیارهای مکتبی هستند که شخص را به سمت سیادت جامعه سوق می‌دهند و در او اهلیت انتخاب و گزینش به عنوان کارگزار حکومتی را فراهم می‌کنند و زمینه ساز تشکیل «حکومت نخبگان» بر جامعه محسوب می‌گردند (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۲۴ و ۱۱۸). اعلی مصداق زعامت و زمامداری جامعه بر مبنای چنین بینشی را بایستی سیره حکومتی امام علی (علیه السلام) تلقی نمود، چنانچه که امام علی (علیه السلام) در خطبه یکم نهج البلاغه این چنین می‌فرماید:

«فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ وَ يَذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالْتَّبْلِغِ وَ يَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَ يَرْوُهُمُ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ؛ خداوند پیامبران

خود را مبعوث فرمود، و هر چندگاه، متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت خدا را بر آنها تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند (دشتی، ۱۳۹۱: ۲۵)."

بر همین مبنا، مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در بیانات خویش، هدف نظام جمهوری اسلامی ایران در دیدار مردم قم در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۹۲ عبارت از «رسیدن به آرمانهای اسلام، یعنی سعادت مادی و معنوی بشر، یعنی پیشرفت در امور زندگی مادی و معنوی» عنوان می‌نماید (<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1194>) و «رستگاری انسان» را هدف نهائی نظام بر می‌شمرد (بیانات ۱۰ آذر ۱۳۸۹ در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1194>) و اساساً نظام جمهوری اسلامی را این گونه در دیدار ۱۸ مهر ۱۳۸۵ کارگزاران نظام تعریف می‌نماید: «نظامی است که می‌خواهد سعادت مجموعه‌های انسانی را با همان پیامی که پیغمبران در طول تاریخ نبوتها آورده‌اند و به بشر رسانده‌اند، تامین کند» (<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1194>)؛ از این رو، هر آنچه که وظیفه حکومت اسلامی از پیگیری مصالح مردمان و سامان بخشیدن به امور جامعه تلقی شود، بر اساس زمینه سازی دین داری مردمان و ترویج ارزش‌های الهی در جامعه تنظیم می‌گردد و دیدگاه حقه مکتب اسلام در هدف تشکیل حکومت، تامین معنویت مردم و سعادت اخروی آنها عنوان شده است (درّی نجف آبادی، ۱۳۷۹: ۱۱۷) و این هدف غائی حکومت اسلامی یعنی حاکمیت حدود الهی و تقوا مداری جامعه در کلام امام علی (ع) این سان در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَّامِ وَلَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْإِضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛ خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست

آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در آمن و آمان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد) دشتی، ۱۳۹۱: ۱۷۵.”

از نگاه فلسفه تاریخی - سیاسی حکومت‌ها از دیرباز، مسئله صلاحیت مسئولان حکومتی از عوامل اساسی ثبات و کارآمدی حکومت‌ها به شمار می‌آید؛ افلاطون در کتاب "جمهوریت" و ارسطو در کتاب "سیاست" خویش به تفکیک به طور مفصل به عدالت حاکمان جامعه به عنوان عامل پایداری حکومت‌ها، عنایت خاصی داشته‌اند و صلاحیت مسئولان و مدیران را عامل بقا حکومت‌ها بر شمرده‌اند و شایستگی حکومت را تنها مختص کسانی دانسته‌اند که به درجاتی از فضائل نائل آمده باشند (امامزاده و صفری، ۱۳۸۸: ۱۲). گرایش دولت‌مردان به فساد اقتصادی از مهم‌ترین علل زوال مشروعیت حکومت‌ها محسوب می‌شود و لذا، قوام حکومت‌ها قبل از هرچیز به «طهارت اقتصادی» بر می‌گردد و از این حیث، نقش کارگزاران صالح در تحقق اهداف منظور، تفاوتی میان حکومت‌های دینی و غیر دینی ندارد. به مسئله ارتباط فساد اقتصادی مسئولان و بقای حاکمیت جمهوری اسلامی در بیانیه ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران این گونه از سوی مقام معظم رهبری (دامت برکاته) توجه شده است: «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است» و همین طور در حوزه آسیب شناسی نظام از سوی معظم له نسبت به مقوله عدم طهارت اقتصادی مسئولان در مراسم بیستمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۴/۰۳/۱۳۹۰، این سان اذعان می‌نمایند: «آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آراء مردم و متکی به ایمان مردم

است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافیگری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم بارها توصیه میکرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافیگری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند... از نظر امام بزرگوار، تکیه‌ی به ثروت و تکیه‌ی به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خطرهای بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود» (<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1027>).

۳. سیمای اقتصادی مسئولان حکومت اسلامی از منظر نهج‌البلاغه

بهره‌گیری از مسئولان متعهد و شایسته برای پیشبرد تعالی افراد جامعه به وضوح در نامه‌ها و خطبه‌های امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه مشهود است؛ حساسیت و دقت حضرت علیه السلام در گزینش کارگزاران و بیان صفات آنان در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، فردی و... با تأکید بر تاثیر و نقش مسئولان در اقتدار سیاسی نظام اسلامی، مشتمل بر آموزه‌های جاودانه‌ای است (عبدوس و محمدی‌اشتهاردی، ۱۳۹۲: ۶۷) که از جامعیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و نکات ارزنده‌ای را فراروی جوامع اسلامی می‌گذارد. خطر و پیامد تصدّی اشخاص نا اهل نسبت به مسئولیت‌های حکومتی، این چنین در کلام مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ۶۲ نهج‌البلاغه بیان شده است:

«لَكِنِّي أَسَى أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاؤُهَا وَفُجَارُهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَعِبَادَهُ خَوْلًا وَ الصَّالِحِينَ حُزْبًا وَ الْفَاسِقِينَ حِزْبًا؛ لکن از این اندوهناکم که بی‌خردان، و تبه‌کاران این امت، حکومت را به دست آورند، آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند، و بندگان او را به بردگی کشند، با نیکوکاران در جنگ، و با فاسقان همراه باشند (دشتی، ۱۳۹۱: ۴۲۷).»

در این مبحث با نگاه به ویژگی‌ها و بایستگی‌های حوزه اقتصادی مسئولان حکومتی امیرالمؤمنین علیه السلام در دو بعد ایجابی و سلبی آن در سیره حکومتی این بزرگوار علیه السلام به الگوگیری و تمسک مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در بیانیه ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران در بیان شرط مشروعیت مسئولان با برخورداری از طهارت

اقتصادی آنان نسبت به آینده نظام جمهوری اسلامی ایران در تجسم اندیشه سیاسی مکتب اسلام توجه ویژه‌ای شده است؛ چه اینکه مسئله طهارت اقتصادی مسئولان حکومت جمهوری اسلامی ایران در توصیه چهارم از بخش مسائل آینده انقلاب اسلامی ایران عنوان گردیده و حول محور این مقوله، مبانی طهارت اقتصادی مسئولان برشمرده شده است. به بیانی دیگر، شش شاخصه مثبت و منقی نگر نسبت به احراز شرط «طهارت اقتصادی» مسئولان در مشروعیت ایشان در بیانیه مذکور قابل استخراج است که مبین شاخصه‌های این شرط به حساب می‌آید.

۱.۳. شاخصه‌های بعد ایجابی طهارت اقتصادی مسئولان حکومت اسلامی

الف) زهد

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی علیه السلام در بخش توصیه‌ها در پرتو امید و نگاه خوش بینانه به آینده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران با اختصاص توصیه چهارم به عدالت و مبارزه با فساد اقتصادی و برشمردن طهارت اقتصادی به عنوان شرط مشروعیت مسئولان در تراز انقلاب اسلامی، با اشاره به سابقه «زهد انقلابی» مدیران و مسئولان انقلاب اسلامی، در واقع به کارکرد زهد در تبیین واژه طهارت اقتصادی تأکید داشته اند. زهد در بیانات ارجمند معظّم له در دیدار جمعی از اساتید، فضلاء و طلاب حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۳۸۹/۰۸/۰۲ این گونه تعریف شده است: «... زهد به معنای این نیست که انسان دنیا را یکباره کنار بگذارد؛ این که نه ممشای بزرگان دین بوده است، نه معنای زهد این است. زهد بی‌رغبتی است، حرص نزدن است، نجسبیدن به دنیا و زخارف مادی است. به دنیا نجسبیم. بهترین دستاورد یک انسان در زندگی هم همین است؛ خود را چسبیده دنیا، معلق به دنیا، آویخته‌ی به این زخارف نکند... برای دنیا کار کردن، برای دنیا درس خواندن، برای دنیا تلاش کردن، اینها همه جزو همان چیزهایی است که در باب زهد، کنار گذاشتن آنها و بی‌رغبتی به آنها مورد تأکید قرار گرفته است...» (<https://...>)

مسئولان جمهوری اسلامی از سوی ایشان به نحو مستقیم تری در دیدار ۱۷ دی ۱۳۷۱ کارگزاران نظام، این گونه مطرح گردیده است: «... هر کدام از مسئولین کشور باید سعی و تلاششان این باشد که آن چهره‌ی زهد امیرالمؤمنین (ع) را در خودشان منعکس کنند. البته زهد علی (ع)، برای ما نه قابل عمل است و نه حتی قابل درک. ما که نمی‌توانیم آن گونه زندگی کنیم! اما پرتوی از آن عدالت و زهد را، شاید بتوانیم داشته باشیم.... چسبیدن به دنیا و دویدن دنبال دنیا، برای یک مسئول در جمهوری اسلامی، نقص است و به همان معنایی که عرض شد، یک نقطه‌ی منفی است» (https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2071). از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، برجسته ترین نقطه و نکته نهج البلاغه، زهد است و ایشان نهج البلاغه را کتاب زهد می‌دانند؛ ندویدن دنبال دنیای شخصی، فائق آمدن بر تمایلات و سرکشی‌های بیرون و درون، پاک نگه داشتن دامن، پارسایی، پرهیز از حرام، نیفتادن در دام تعینات و تکلفات زندگی، غرق نشدن در اشرافی‌گری، مذموم بودن دل سپردن به دنیا، بی‌رغبتهی به دنیا، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، هدف قرار ندادن منافع دنیا و خود، استقامت در برابر وسواس شیطانی و تمایلات حیوانی، سرگرم نشدن به نعم الهی، دل‌باخته و دل‌بسته دنیا نشدن و خصائصی از این قبیل در بیانات ایشان در تعریف و تبیین زهد عنوان گردیده است که دلالت بر کلام‌های نورانی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در خصوص زهد ورزی اولیاء الله دارد (https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2071). با عنایت به وسعت مفهومی زهد، به نظر می‌رسد تمام شاخصه‌های طهارت اقتصادی مسئولان حکومتی را بایستی برابر با داشتن زهد و تقویت آن در باطن خویش دانست و در واقع، طهارت اقتصادی را نباید چیزی جز زهد محسوب کرد و بایستی، جمیع شاخصه‌های طهارت اقتصادی را «زهد» خلاصه و جمع کرد.

الگوی بی‌بدیل زهد زمامداران، امام علی (ع)، در بیان زهد خویش و لزوم برخورداری دیگر

مسئولان از آن در نامه ۴۵ نهج البلاغه، آن هنگام که از خروج یکی از کارگزاران خود یعنی، عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، از زهد با پذیرفتن دعوت مجلس مهمانی سرمایه داری اطلاع یافته بود، این گونه ابراز می نمایند:

«إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ. وَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبَرًّا وَ لَا ادَّخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًّا وَ لَا أَعْدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طِمْرًا وَ لَا حُرْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَبْرًا وَ لَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا كَفُوتِ أَتَانٍ دَبْرَةٍ وَ لَهِي فِي عَيْنِي أَوْهَى وَ أَوْهَنُ مِنْ عَفْصَةِ مَقْرَةٍ... وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَنَّفِي هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمْحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَرِّ وَ لَكِنْ هِيَ هَاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَارِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبْعِ أَوْ أُبَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بُطُونٌ غَزَوِيَّ وَ أَكْبَادٌ حَرَيَّ أَوْ أَكُونُ...؛ آگاه باش که پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه ژنده، و از خوراکش به دو قرص نان بسنده کرده است. زنهار، که شما توان این کار را ندارید، ولی مرا به پرهیزگاری و کوشش و پاکدامنی و درستی یاری دهید. که به خدا سوگند من از دنیای شما زرباره‌های نیندوختم، و از غنیمت‌های آن مالی ذخیره نکردم، و به جای جامه کهنه ام جامه‌ای دیگر فراهم نساختم، و یک وجب هم از زمین آن تصرف نکردم، و از آن جز به اندازه خوراک بیماری کم اشتها بر نگرفتم، و همانا دنیا در دید من پست تر و بیارج تر از شیرۀ تلخ درخت بلوط است... من اگر بخواهم می‌توانم به بهترین نوع این عسل و مغز گندم و جامه‌های دیبا راه یابم، ولی هیئات که هوای نفسم بر من چیره شود، و حرصم مرا به انتخاب غذاهای لذیذ بکشانند - با آنکه شاید در حجاز یا در یمامه کسی باشد که به یافتن قرصی نان امید نداشته و هرگز طعم سیری را نچشیده باشد - یا شب را سیر ند، یا چنان بخواهم و پیرامونم شکم‌هایی گرسنه و جکرهایی سوخته شب را به روز آور باشم... (دستی، ۱۳۹۱: ۳۹۵)».

امام علیه السلام فلسفه زهد حکمرانان را در هم‌دردی با محرومان جامعه، آن وقتی که منزل فراخ و مجلل علاء بن زیاد را دید، در خطبه ۲۰۹ نهج البلاغه این سان بیان می نمایند:

«... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَارَضَ عَلَى أُمَّةٍ [الْحَقِّ] الْعَدْلَ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ؛ خداوند بر پیشوایان عادل واجب گردانیده که خود را با مردم ضعیف و تنگدست برابر دارند، تا فقر و تنگدستی فقیر بر او فشار نیآورد (دشتی، ۱۳۹۱: ۳۰۷).»

حضرت علیه السلام، همچنین در بیان زهد پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه جهانیان در تمسک و الگوبرداری در نظام حکمرانی نسبت به گزینش مسئولان این گونه در پایان خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه عنوان می‌دارند:

«قَدْ حَقَّرَ الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا وَبَسَطَهَا لِغَيْرِهِ اخْتِقَارًا. فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا [مِنْ] عَنْ نَفْسِهِ وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِبَاشًا أَوْ يَرْجُو فِيهَا مَقَامًا؛ پیامبر دنیا را حقیر و ناچیز جلوه داد و پست و بی‌مقدار شمرد، و دانست که خداوند از روی اختیار آن را از حضرتش بازداشت، و به خاطر حقارتش برای دیگران گسترده. پس با دلش از دنیا روی گرداند، و یاد آن را از باطنش میراند، و دوست داشت که زینت آن از نظرش نهان باشد تا از آن جامه‌ای آراسته برنگیرد، یا هوس ماندن در آن نکند (دشتی، ۱۳۹۱، ۱۴۷).»

امام علی علیه السلام در نامه‌های خویش به کارگزاران حکومتی به ضرورت اهتمام آنان به برقراری اعتدال میان دنیا و آخرت و خودسازی برای کسب سعادت بی‌پایان بهشت برین با ترک حرام دنیا، در اختیار گرفتن هوای نفس، خویشتن داری از غیر حلال، پیمودن مسیر انصاف در لذات و ناخوشایندی‌ها، بخل ورزیدن به نفس، مخالفت کردن با خواسته دل و بهره‌گیری از توشه‌ای از نیکی‌ها توصیه نموده‌اند و از به عنوان تجارتی پر سود یاد کرده‌اند؛ نمونه این توصیه‌ها در ابتدای نامه‌های ۲۷ و ۵۳ نهج البلاغه به ترتیب به فرمانداران بصره و مصر، محمد بن ابی بکر و مالک بن حارث اشتر مشهود است. امام علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر که نمونه کامل شیوه زمام‌داری است، سفارش می‌نمایند که مسئولان باید از میان اشخاصی برگزیده شود که «أَقْلُ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا» باشد و زهد آنان بیشتر از سایر ویژگی‌هایشان جلوه نماید و آنگاه که ویژگی‌های قضات عادل را بر می‌شمرد، مسئولیت‌ها را

وسیله دست بدکارانی می‌دانند که به اسم دین به هواپرستی پرداخته و دنیای خود را با آن تحصیل می‌کنند:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يَعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَتُظَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا» (دشتی، ۱۳۹۱: ۴۱۱).

ب) ساده زیستی

شاخصه دیگری که از سوی مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران به عنوان وصف بی سابقه مسئولان پیشین انقلاب اسلامی بر شمرده شده، «ساده زیستی» آنان است که در واقع عنصر دیگر شناخت شرط مشروعیت مسئولان در تراز انقلاب اسلامی یعنی «طهارت اقتصادی» به حساب می‌آید.

ساده زیستی مسئولان، یکی از ارزش‌های پذیرفته شده مکتب انبیاء (علیهم‌السلام) و کمال انسان در بهره‌گیری از دنیا معرفی شده است (الدیلمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۲۶)؛ امام علی (علیه‌السلام) در بیان شیوای خویش در خطبه ۱۶۰ نهج‌البلاغه این گونه به توصیف ساده زیستی حضرات موسی، داود، عیسی و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرداخته‌اند و آن را به عنوان دلیل راه و اسوه‌ای بی‌همتا برای جهانیان معرفی نموده‌اند تا بر اتصاف مسئولان بر این عنصر تأکید ورزند:

«وَإِنْ شِئْتَ ثَنَيْتُ بِمُوسَىٰ كَلِيمِ اللَّهِ ﷺ حَيْثُ يَقُولُ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ وَ اللَّهُ مَا سَأَلُهُ إِلَّا خُبْرًا يَأْكُلُهُ لِأَنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ بَقْلَةَ الْأَرْضِ وَ لَقَدْ كَانَتْ خُضْرَةُ الْبَقْلِ تُرَى مِنْ شَفِيفِ صِفَاقِ بَطْنِهِ لِهَزَالِهِ وَ تَشَدُّبِ لَحْمِهِ. وَ إِنْ شِئْتَ ثَلَّثْتُ بِدَاوُدَ (صلوات الله علیه) صَاحِبِ الْمَزَامِيرِ وَ قَارِيِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلَقَدْ كَانَ يَعْمَلُ سَفَائِفَ الْخُوصِ بِيَدِهِ وَ يَقُولُ لِبُجْلَسَائِهِ أَيْكُمُ يَكْفِينِي بَيْعَهَا وَ يَأْكُلُ قُرْصَ الشَّعِيرِ مِنْ ثَمَنِهَا. إِنْ شِئْتَ قُلْتُ فِي عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ (علیه‌السلام) فَلَقَدْ كَانَ يَتَوَسَّدُ الْحَجَرَ وَ يَلْبَسُ الْخَشَنَ وَ يَأْكُلُ الْجَشَبَ وَ كَانَ إِذَا مُمُّهُ الْجُوعَ وَ سِرَاجُهُ بِاللَّيْلِ الْقَمَرَ وَ ظِلَّالُهُ فِي الشِّتَاءِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبَهَا وَ فَاكِهَتُهُ وَ رِيحَانُهُ مَا تُنْبِتُ الْأَرْضُ لِلْبَهَائِمِ وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ تَفْتَنُهُ وَ لَا وَلَدٌ يَحْزَنُهُ وَ لَا مَالٌ يَلْفِتُهُ وَ لَا طَمَعٌ يَذُلُّهُ دَابَّتُهُ رِجْلَاهُ وَ خَادِمُهُ يَدَاهُ. فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَظْيَبِ الْأَظْهَرِ ﷺ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأَسَّى وَ عَزَاءً لِمَنْ تَعَزَّى وَ أَحَبُّ

الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ وَالْمُقْتَضِ لِأَثَرِهِ قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَلَمْ يَعِزْهَا ظَرْفًا أَهْضَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا كَشْحًا وَأَحْمَضُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَظْنًا عَرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا... وَلَقَدْ كَانَ ﷺ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَيُخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَيَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَيَزِدُّ خَلْفَهُ وَيَكُونُ السِّتْرُ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ يَا فَلَانَةُ لِإِخْدَى أَرْوَاجِهِ غَيْبِهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا؛ اگر می‌خواهی دومی را، موسی ﷺ و زندگی او را تعریف کنم، آنجا که می‌گوید: «پروردگارا هر چه به من از نیکی عطا کنی نیازمندم» به خدا سوگند، موسی ﷺ جز قرص نانی که گرسنگی را بر طرف سازد چیز دیگری نخواست، زیرا موسی ﷺ از سبزیجات زمین می‌خورد، تا آنجا که بر اثر لاغری و آب شدن گوشت بدن، سبزی گیاه از پشت پرده شکم او آشکار بود. و اگر می‌خواهی: سومی را، حضرت داوود ﷺ صاحب نی‌های نوازنده، و خواننده بهشتیان را الگوی خویش سازی، که با هنر دستان خود از لیف خرما زنبیل می‌بافت، و از همنشینان خود می‌پرسید چه کسی از شما این زنبیل را می‌فروشد و با بهای آن به خوردن نان جوی قناعت می‌کرد. و اگر خواهی از عیسی بن مریم ﷺ بگویم، که سنگ را بالش خود قرار می‌داد، لباس پشمی خشن به تن می‌کرد، و نان خشک می‌خورد، نان خورش او گرسنگی، و چراغش در شب ماه، و پناهگاه زمستان او شرق و غرب زمین بود، میوه و گل او سبزیجاتی بود که زمین برای چهارپایان می‌رویانند، زنی نداشت که او را فریفته خود سازد، فرزندی نداشت تا او را غمگین سازد، مالی نداشت تا او را سرگرم کند، و آرزو و طمعی نداشت تا او را خوار و ذلیل نماید، مرکب سواری او دو پایش، و خدمتگزار وی، دستهایش بود. پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن، که راه و رسم او الگویی است برای الگو طلبان، و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد، و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، و گام بر جایگاه قدم او نهد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند، و به دنیا با گوشه چشم نگریست، دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته تر، و شکمش از همه خالی تر بود، دنیا را به او نشان دادند اما نپذیرفت... و همانا پیامبر «که درود خدا بر او

باد» بر روی زمین می نشست و غذا می خورد، و چون برده، ساده می نشست، و با دست خود کفش خود را وصله می زد، و جامه خود را با دست خود می دوخت، و بر الاغ برهنه می نشست، و دیگری را پشت سر خویش سوار می کرد. پرده ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود، به یکی از همسرانش فرمود:، این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هر گاه نگاهم به آن می افتد به یاد دنیا و زینت های آن می افتم (دشتی، ۱۳۹۱: ۲۱۵ و ۲۱۳).

مظهر و نماد ساده زیستی مسئولان، امام علی (ع)، وقتی از تجمل گرایی و اشرافی گری فرماندار خود در بصره آگاه گشتند، با دعوت مسئولان به ساده زیستی، این سان به وصف ساده زیستی خویش در نامه ۴۵ نهج البلاغه اقدام می نمایند:

«لَا رَوْصَنَ نَفْسِي رِيَاضَةً تَهْشُ مَعَهَا إِلَى الْقُرْصِ إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهِ مَطْعُومًا وَ تَنْفَعُ بِالْمَلْحِ مَأْدُومًا؛ چنان نفس خود را به ریاضت وادارم که به يك قرص نان، هر گاه بیابم شاد شود، و به نمک به جای نان خورش قناعت کند (دشتی، ۱۳۹۱: ۳۹۷).

ج) مناعت طبع

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در توصیه چهارم از بخش مسائل آینده انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران به مبارزه با فساد، آن را مستلزم وجود انسان های «منیع الطبع» می دانند تا با دستانی پاک و دل هایی نورانی در راستای استقرار عدالت در جامعه بکوشند.

همت والای انسان مستوجب فعالیت بیشتر در او می گردد و موفقیت او را روزافزون می کند. بی نیازی انسان را در پس پرده مناعت طبع اوست و این بلند همتان هستند که با استغنائی نفس خویش، رنج خواهش دیگران را بر خود هموار نمی کنند و با بردباری منتظر رسیدن زمان مناسب خواسته مشروع خود هستند و هیچ گاه برای نیل به اهداف خویش، دست نیاز به سوی دیگران دراز نمی کنند و حفظ عزت نفس را سرلوحه کار خود قرار می دهند. از این رو، مسئولان بلند نظر حکومتی نیز با فعالیت دو چندان خود در مقایسه با

دون همتان در جهت نیل به اهداف تلاش کرده و با توفیقی بیشتر و اظهار بی‌نیازی به غیر، عزّت نفس را وجهه همت خویش می‌نهند. امام علی علیه السلام، برترین همت‌ها را بلندترین آن بر شمرده و مناعت طبع را برترین شرافت در هنگام طلب چیزی از دیگری را توصیه نموده و آن را مایه حفظ حرمت‌ها و است (ری شهری، ۱۳۸۷: ۱۰۵) و نیز کارگزاران شایسته را در راستای آموزش شیوه زمامداری در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر نخعی این گونه معرفی می‌نماید:

«أُولَئِكَ أَخْفَ عَلَيْكَ مَثُونَةٌ وَ أَحْسَنُ لَكَ مَعُونَةٌ وَ أَحْنَىٰ عَلَيْكَ عَظْفًا وَ أَقْلُ لِعَيْرِكَ إِفْئًا؛ هزینه این گونه از افراد بر تو سبک تر، و یاریشان بهتر، و مهربانی‌شان بیشتر، و دوستی آنان با غیر تو کمتر است (دشتی، ۱۳۹۱: ۴۰۷).»

۲.۳. شاخصه‌های بعد سلبی طهارت اقتصادی مسئولان حکومت اسلامی

الف) اجتناب از وسوسه

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران، وسوسه مال، مقام و ریاست را مایه لغزش برخی مسئولان حتی در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام قلمداد می‌کنند و بر این اساس می‌توان در بعد سلبی ویژگی طهارت اقتصادی مسئولان در تراز انقلاب اسلامی، ایجاد پرهیز درونی نسبت به وسوسه شدن در برابر اموال مادی دنیا به شمار می‌آید.

وسوسه، آفتی است که در جان همه می‌نشیند و اصولاً همه انسان‌ها در لحظه لحظه زندگی خود به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه دچار وسوسه می‌شوند که نفس، شیطان یا دیگر افراد بشری در وجود انسان پدید می‌آورند و این تنها مؤمنان هستند که با تائید خداوندی از شرّ وسوسه خلاصی می‌یابند و سست باوران در برابر آن تسلیم می‌شوند؛ در نصوص دینی اقسام و راهکارهای برای دفع وسوسه بیان شده است (عرفان، ۱۳۷۳، ۷). آنچه از وسوسه که در مسئولان نظام منجر به فساد اقتصادی می‌گردد، وسوسه نفس در امور غیرعبادی است

که با پارسایی می‌توان در مقابل آن ایستاد و نسبت به سیاست‌های فریبکارانه شیطان برحذر بود. دستورالعمل‌های اعتقادی معصومین (ع) در خصوص برحذر بودن انسان از طرح اندیشه‌های وسوسه انگیز حدیث نفس در او راهکار اجتناب از این رذیله است و بر اساس آن، ایمان قوی و تقوا، نقشی اساسی و اصلی را در بستن راه‌های نفوذ وسوسه در انسان ایفاء می‌نماید. امام علی (ع) در خطبه ۱۲۱ نهج البلاغه، نقش شیطان در وسوسه انگیزی در وجود انسان و دوری از آن این چنین می‌فرماید:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَ يَرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفُتْنَةَ فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَغَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ وَ اقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاها إِلَيْكُمْ وَ اغْضُوا عَلَيْهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ؛ همانا شیطان، راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد، تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزاید. از وسوسه و زمزمه و فریب کاری شیطان روی گردانید، و نصیحت آن کس را که خیرخواه شماست گوش کنید، و به جان و دل بپذیرید (دشتی، ۱۳۹۱: ۱۶۳).»

و نیز حضرت (ع)، جایگاه نفس را در ایجاد وسوسه در بیان علل انحراف خوارج در حکمت ۳۲۳ این سان توصیف می‌نماید:

«لَشَيْطَانُ الْمُضِلُّ وَ الْأَنْفُسُ الْأَمَّارَةُ بِالسُّوءِ غَرَّتْهُمْ بِالْأَمَانِي وَ فَسَحَتْ لَهُمُ بِالْمَعَاصِي وَ وَعَدَتْهُمْ الْإِظْهَارَ فَافْتَحَمَتْ بِهِمُ النَّارُ؛ شیطان گمراه کننده، و نفسی که به بدی فرمان می‌دهد، آنان را با آرزوها مغرور ساخت، و راه گناه را بر ایشان آماده کرد، و به آنان وعده پیروزی داد، و سرانجام به آتش جهنم گرفتارشان کرد (دشتی، ۱۳۹۱: ۵۰۵).»

ب) دوری از حرص

رهبر انقلاب اسلامی (ع) در بیانیه مزبور پس از عنوان طهارت اقتصادی مسئولان در پی شرط مشروعیت ایشان در حکومت جمهوری اسلامی ایران، بر حذر بودن از «شیطان حرص» را برای همه لازم بر می‌شمرد و به این خاطر، دوری از حرص را می‌توان یکی دیگر از عناصر متشکل طهارت اقتصادی مسئولان در تراز انقلاب اسلامی در بعد سلبی محسوب نمود. واژه

گزینی معظّم له در بیان رذیله اخلاقی حرص ورزیدن در ترکیب با شیطان، بیانگر دقت نظر ایشان در توجه به کارکرد شیطان درون یعنی نفس در داشتن این وصف ناپسند انسانی است. از این رو، حرص، صفت نفسانی است که انسان را به جمع آوری بش از نیاز خود وا می‌دارد، بدون اینکه به مقدار معینی اکتفاء کند و در کلام گهربار امام علی (علی) به «طَلَبُ الْقَلِيلِ بِإِضَاعَةِ الْكَثِيرِ» به معنای اینکه انسان حریص، چیز کوچکی در برابر از دست دادن چیز بزرگ جست و جو می‌کند، تعریف شده است (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ۳۲). اگر این صفت پسند، همانند سم مهلک در جان مسئولین نظام نفوذ کند، شرط مشروعیت خویش را در داشتن طهارت اقتصادی از دست خواهد داد و تنها خیر خود را در مال دنیا خواهد دید و صرفاً برای آن تلاش خواهد کرد تا اینکه خود را هلاک نماید و بالتبع، آثار منفی فراوانی را برای نظام در بر خواهد داشت. حضرت ﷺ در حکمت ۲۶۷ نهج البلاغه این سان به پرهیز از حرص ورزی توصیه می‌نمایند و در حکمت ۳۷۱ آن به کارکرد حرص در بی‌پروایی در انجام گناه اشاره می‌کنند:

«يَا ابْنَ آدَمَ لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي قَدْ أَتَاكَ فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ؛ ای فرزند آدم اندوه روز نیامده را بر امروزت میفز، زیرا اگر روز نرسیده، از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند (دشتی، ۱۳۹۱: ۴۹۵)؛

الْحَرْصُ ... دَوَاعٍ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الذُّنُوبِ؛ حرص ورزی... عامل بی‌پروایی در گناهان است (دشتی، ۱۳۹۱: ۵۱۳).»

ج) پرهیز از حرام خواری

رهبر انقلاب اسلامی ﷺ، پس از آنکه طهارت اقتصادی را در بیانیّه مذکور، شرط مشروعیت مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران اذعان می‌کنند، گریز از لقمه حرام را ضرورتی در احراز این ویژگی در مسئولان عنوان می‌نماید؛ از همین رو، بر حذر بودن مسئولان از حرام را می‌توان شاخصه دیگر مسئولان در تراز انقلاب اسلامی دانست؛ این مطلب در بیانیّه گام دوم انقلاب اسلامی ایران خطاب به ملت ایران در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ در

آستانه چهل سالگی این انقلاب به این شیوه است: «... طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند...».

حرام خواری از صفات رذیله متعلق به قوه شهویه است و از نتایج حرص محسوب شده و از مهم‌ترین موانع سعادت بشری تلقی می‌شود و در صورت اجتناب نکردن از مایه هلاکت بشر و آثار منفی بسیاری بر حیات اوست (الکاشانی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). لزوم بر حذر بودن از دنیای حرام نسبت به مسئولان حکومتی به موجب سهولت دسترسی آنان به بیت المال دو چندان می‌نماید. امام علی علیه السلام در نامه ۵ نهج البلاغه، خطاب به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، در خصوص پرهیز از استفاده ناروا از بودجه عمومی این گونه هشدار می‌دهد: «إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ؛ همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است (دشتی، ۱۳۹۱: ۳۴۴)».

همچنین امام علیه السلام پس از اطلاع از حرام خواری منذر بن جارود عبدی با خیانت اقتصادی در فرمانداری خود، ای سان او را وصف نموده و به فقدان شایستگی کارگزاری که از حرام خواری پرهیز نمی‌کند، اشاره دارند:

«وَلَيْتَ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقًّا لَجَمَلِ أَهْلِكَ وَ شِسْعِ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يَسَدَّ بِهِ ثَعْرٌ أَوْ يَنْقُذَ بِهِ أَمْرٌ أَوْ يُغْلَى لَهُ قَدْرٌ أَوْ يَشْرَكَ فِي أَمَانَةٍ أَوْ يُؤْمَنَ عَلَى جَبَايَةٍ؛ اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد، شتر خانه ات، و بند کفش تو، از تو با ارزش تر است، و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد، و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند، یا ارزش او بالا رود، یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند (دشتی، ۱۳۹۱: ۴۳۷)».

نتیجه‌گیری

مسئولان در هر حکومت صالحی به ویژه در مکتب اسلام، می‌بایستی از ویژگی‌ها و بایسته‌ها بی‌برخوردار باشند تا به موجب آن، ثبات و قوام نظام سیاسی آن حفظ گردد. اگر

انتخاب مسئولان بر اساس شایستگی و لیاقت آنان باشد و نیز، استمرار آن بر بقاء ایشان در تصدی مسئولیت‌ها با نظارت دقیق و جامع کنترل گردد، عدالت در جامعه به نحو کامل قابل اجراست و بر اساس آن، اهداف حکومت هم دست یافتنی تلقی خواهد شد و در صورت ایجاب مدیریت ناکارآمد بر اثر تصدی مسئولان ناصالح بر جوامع دینی یا غیردینی، انتظار انحطاط حکومت‌ها را باید کشید. بر این اساس، تاریخ سیاسی آیین زمام‌داری مکتب اسلام، مبین تأکید و عنایت ویژه حضرات معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) نسبت به اهلّیت مسئولان حکومتی است؛ در این میان، شیوه حکمرانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) با اعمال دقت نظر این بزرگوار (علیه السلام) در گزینش کارگزاران در طول سیره حکومتی آن حضرت (علیه السلام) و نظارت بر عملکرد آن‌ها، اعلی مصداق الگویی توجّه به لیاقت مسئولان در حکومت‌ها به شمار می‌رود؛ نمونه‌های موجود در سرتاسر نهج‌البلاغه با برشمردن عواقب تخلف از این مهم در هلاکت جامعه و سقوط نظام حکومتی، گواه این مطلب است و از این رو، مطالعه و بازخوانی آن از حیث الگوبرداری و شناخت سیمای کارگزاران از اهمّیت والایی برخوردار است.

توجّه به این مسئله از بینش عمیق مقام معظم رهبری (علیه السلام) در بیانیه ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی، مغفول نمانده است و در بیانی پرمعنا، «طهارت اقتصادی» مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان «شرط مشروعیت» آنان اذعان گردیده و عکس آن، مستوجب فروپاشی نظام و جامعه دانسته شده است؛ با امعان نظر در مفهوم این دو اصطلاح بدیع به وضوح جایگاه و کارکرد لزوم وجود برخی ویژگی‌های اقتصادی در ارتباط با انتخاب اشخاص در تصدی مسئولیت مناصب حکومتی استنباط می‌گردد؛ استفاده از اصطلاح «طهارت» در ارتباط با ویژگی اقتصادی مسئولان نظام، دلالت بر تطهیر قلب از رذائل اخلاقی، زدودن باطن از ریشه‌های وصایف مذموم و آراستن درون به محاسن معنوی در ارتباط به بهره‌گیری مسئولان از اموال دنیا دارد؛ به‌کاربردن این اصطلاح به جای واژه معمول «سلامت اقتصادی» و مؤید محسوب

شدن سایر عبارات مقالی در اظهار این شرط در بیانیه مزبور، مؤید این ادعاست. همچنین، نظر به بیان «طهارت اقتصادی» به عنوان «شرط مشروعیت» مقامات و نه خود مشروعیت مناصب آنان، دلیل بر بینش صحیح معظّم له در شناخت نقش ویژگی اقتصادی مسئولان در مشروعیت تصدی آن‌هاست؛ چه اینکه، «طهارت اقتصادی» نوعی التزام مسئولان به عامل مؤثر در مشروعیت آنان است و ارکان تشکیل دهنده ماهیت مشروعیت مقامات را باید حسب نوع منصب تحت تصدی در عناصر دیگری جست‌وجو کرد.

برای شناخت شاخصه‌های «طهارت اقتصادی» مسئولان در تراز انقلاب اسلامی بایستی به مرجع متذکر این «شرط مشروعیت»، یعنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مراجعه کرد؛ با نگاه دقت‌بار به این بیانیه عظیم، می‌توان شش شاخصه را نسبت به احراز این ویژگی برداشت کرد؛ زهد، ساده‌زیستی و مناعت طبع را می‌توان در دسته ایجابی شاخصه‌های «طهارت اقتصادی» مسئولان در تراز انقلاب اسلامی بر شمرد، و سه شاخصه سلبی یعنی، اجتناب از وسوسه، دوری از حرص و پرهیز از حرام‌خواری را ابعاد منفی نگر «طهارت اقتصادی» متصدیان مسئولیت‌ها در تراز انقلاب اسلامی عنوان کرد. بررسی و تطبیق هریک از این مؤلفه‌ها از منظر سیره حکومتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آیینۀ نهج البلاغه، مثبت تعمق و تدبّر در جزء جزء معارف این کتاب گهربار با آگاهی جامع از اندیشه سیاسی امام (علیه السلام) در احصاء این شاخصه‌های متشکّل «طهارت اقتصادی» مسئولان در تراز انقلاب اسلامی است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. نهج البلاغه، ۱۳۹۱، ترجمه محمد دشتی، قم، چاپ دهم، پیام مقدس
۴. امامزاده، سید احمد و صفری، فاطمه، ۱۳۸۸، «امام علی علیه السلام و کارگزاران»، مجله پژوهشهای نهج البلاغه، شماره ۲۶ و ۲۵
۵. الانصاری الرویفی الافریقی، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴قمری، لسان العرب، بیروت، جلد ۴، چاپ سوم، دار صادر
۶. بشیر، حسین، ۱۳۸۵، «سیمای کارگزاران در مدیریت اسلامی»، نشریه اندیشه، سال دوازدهم، شماره پنجم
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، اسرار عبادات، بی جا، چاپ چهارم، انتشارات الزهرا
۸. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۷۱، رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، تهران، بی جا، انتشارات تشیع
۹. درّی نجف آبادی، قربانعلی، ۱۳۷۹، «مبارزه با فساد در حکومت علوی علیه السلام»، فصلنامه حکومت اسلامی، دوره ۸
۱۰. الدیلمی، حسن بن محمد، ۱۳۷۱، ارشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، قم، چاپ سوم، منشورات الشریف الرضی
۱۱. الراغب الاصفهانی، حسین بن مفضل، ۱۴۰۴قمری، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، جلد ۱، چاپ دوم، نشر الکتاب
۱۲. ری شهری، محمد، ۱۳۸۷، حکمت نامه بسیج، قم، چاپ ۴، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث
۱۳. العاملی، زین الدین بن علی [شهید ثانی]، ۱۴۲۲قمری، روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان، بی جا، جلد ۱، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی
۱۴. عبدوس، محمدتقی و محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۹۲، آموزه های اخلاقی - رفتاری امام شیعه علیه السلام، قم، چاپ نهم، بوستان کتاب

۱۵. عرفان، حسن، ۱۳۷۳، موضوعات تحقیقی معارف اسلامی و علوم انسانی، بی جا، بی جا، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
۱۶. الکاشاری، محسن، ۱۳۹۱، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، چاپ یازدهم، انتشارات اسلامی.
۱۷. کراجکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ قمری، کنز الفوائد، قم، جلد دوم، چاپ ۱، دارالذخائر
۱۸. موسسه دایرة المعارف فقه فارسی، ۱۳۷۴، فرهنگ فقه فارسی، زیر نظر آیت الله شاهرودی، قم، جلد ۴، چاپ دوم، انتشارات موسسه دایرة المعارف فقه فارسی
۱۹. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۸، آداب الصلاة، تهران، چاپ ۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۹۲، سر الصلاة (معراج السالکین و صلوة العارفين)، تهران، چاپ ۱۶، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام
۲۱. نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۳۹۱، معراج السعادة، قم، چاپ نهم، موسسه انتشارات هجرت

دموکراسی و نظام سیاسی قرآنی با تأکید بر بالندگی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی

عبدالوهاب باهنر^۱ (نویسنده مسئول)

حمید جزایری^۲

چکیده

با پیروزی مقتدرانه و روشنگرانه جمهوری اسلامی در ایران و تداوم عزت مندانه آن در طول چهار دهه اخیر، اینک می‌توان آنرا بعنوان سرمایه بزرگ سیاسی در جوامع اسلامی به مثابه بدیل مطمئن در برابر دموکراسی یاد نمود. نظم سیاسی قرآنی، که اینک در جهان معاصر در شکل «جمهوری اسلامی ایران» تجلی یافته است علاوه برداشتن مزیت‌های رفاهی دموکراسی، به رشد و سعادت انسان نیز توجه دارد «». بیانیه گام دوم انقلاب» که بعنوان سفارش نامه عظیم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی صادر گردیده، ترسیم‌کننده ساختار راهبردی حرکت جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب با برکت اسلامی است. پرسش اساسی این است که با توجه به آرمان قرآنی انقلاب اسلامی، واقعیت‌های سیاسی و فرهنگی جامعه ایران، روابط بین‌الملل و دامنه به

۱. دانش پژوه دکتری قران و علوم سیاسی جامعه المصطفی العالمیه. مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه

wahabbahonar@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه jazayeri@almustafa.com

شدت گسترده و پرهیاهوی فرهنگ دموکراسی غربی، چگونه می‌توان تهاجم فرهنگی و سیاسی غرب و نظام لیبرال دموکراسی را بی‌اثر ساخته و ملت حق طلب ایران با اقتدار کامل از آرمانهای قرانی و دینی انقلاب و دستاوردهای عظیم جمهوری اسلامی با تکیه بر مفاد بیانیه گام دوم انقلاب، حفاظت نموده و مسیر گام دوم انقلاب را تا رسیدن به اوج عزت سیاسی و تحقق جامعه مطلوب قرانی بپیماید. فرضیه تحقیق با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی و تفسیر علمی برون متنی با این محور و زوایا دنبال می‌شود که دموکراسی دارای نقاط ضعف تئوریک و عملیاتی بسیاری است، در این میان تنها نظام سیاسی قرانی و مردم سالاری دینی می‌تواند با انسان شناسی و معرفت شناسی جامع خویش، نظام شایسته‌ای در برابر دموکراسی باشد و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی جامعه اسلامی و ایران معاصر نیز باشد. بر این اساس بدون شک جمهوری اسلامی و ملت متدین و حق طلب ایران با الهام از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و با تکیه بر اصول و ارزشهای نظام سیاسی قرانی و مردم سالاری دینی می‌تواند گام دوم انقلاب را با دستاوردهای عظیم طی نماید.

کلید واژه: دموکراسی، نظام سیاسی اسلام، قرآن کریم، سعادت، گام دوم انقلاب اسلامی

مقدمه

دموکراسی به مثابه یک روش و نظام سیاسی مبتنی بر خواست و اراده مردم که در بستر تمدن غرب شکل گرفته و رواج یافته است و سایر واحدهای سیاسی را نیز در گستره جهانی متأثر ساخته است، دارای جذابیت میباشد و لذا تعدادی از متفکران غرب آنرا اصیل ترین سیستم حکومتی و نویدبخش رفاه و آزادی میدانند اما به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، دموکراسی نه تنها امن ترین و مصون ترین سیستم سیاسی نیست بلکه دارای عیوب و کاستی های فراوان است. با وجود مشکلات جدی در سیستم سیاسی دموکراسی، مهمترین مساله، یافتن نظام سیاسی مطلوب که بتواند نقایص دموکراسی را برطرف کند و در همان حال راه حل پایدار برای جوامع سیاسی معاصر به ویژه جامعه اسلامی ارائه کند، می باشد. در این خصوص قرآن و مکتب وحی ارشادات و نصوص لازم را برای تدوین ساختار نظام سیاسی مطلوب دارد و می توان تمامی اصول و نمودارهای قطعی آنرا بدست آورد. گفتار حاضر در همین راستا درصدد برجسته ساختن کاستی های دموکراسی و معرفی نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم در راستای گام دوم انقلاب اسلامی است. گام دوم انقلاب بعنوان فصل دوم حرکت مقتدرانه جمهوری اسلامی نیازمند نقشه و طرح جامع علمی و فرهنگی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام با عنایت به این امر مهم بیانیه مهم راهبردی را در جهت حرکت صحیح جمهوری اسلامی اعلام فرموده است. زیرا استکبار جهانی با چهره به ظاهر مردم سالارانه اش ممکن است برای تعدادی و سوسه انگیز گردد. اما بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نقشه راه ماندگار در جهت ترسیم خطوط حرکت رو به پیشرفت جمهوری اسلامی است. هرچند مظاهر مادی و قدرت تبلیغاتی غرب گسترده است و برای تبیین ماهیت و دستاوردهای دموکراسی صدها کتاب و مقاله علمی منتشر ساخته است که آثار حسین بشیریه و تعدادی دیگر از مترجمین سیاسی درایران عمدتاً بازتاب و انتقال دهنده اندیشه سیاسی غرب و دموکراسی است اما درعین حال در برابر چنان تهاجم سنگین علمی، تلاش های ماندگار شخصیت های ارزشمند چون مرحوم آیت الله مصباح یزدی در جهت

برجسته ساختن حقایق دینی و اندیشه‌های ناب سیاسی اسلام، دارای ارج و منزلت ویژه در جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی است. توجه ویژه به قرآن کریم و تبیین مفاد و مدلول علمی و سیاسی قرآن کریم همواره از جمله مسایل مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام بوده است در این خصوص اندیشه‌های دقیق و روان اساتید و بزرگان چون مرحوم آیت الله معرفت، جناب استاد قرائتی، تلاشها و آثار گرانمایه استاد دکتر رضایی اصفهانی و صدها مقاله و اثر علمی که از سوی پژوهشگران در جهت مرجعیت علمی و سیاسی قرآن کریم ارائه شده است در جهت معرفی جامعیت قرآن کریم در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد، ارزشمند است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که بر اساس اهداف متعالی قرآن و ماهیت الهی جمهوری اسلامی ارائه شده است برای تاثیر گذاری و ساماندهی کامل نظم عمومی در گام دوم انقلاب، نیازمند تبیین قرآنی است زیرا اندیشه و سرشت مردم متدین ایران با قرآن و مفاد بلند آموزه‌های وحیانی در آمیخته است که این مهم با ارائه آثار فاخر علمی و تبیین مسایل سیاسی و علمی از منظر قرآن و حدیث قابل تحقق خواهد بود. مقاله حاضر با توجه به اهمیت مرجعیت علمی قرآن کریم و جایگاه راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در صدد بیان این نکته اساسی است که دموکراسی با وجود مظاهر گسترده مادی، دارای چالش‌های اساسی است و نظام سیاسی قرآنی جمهوری اسلامی با تکیه بر مفاد ارزشمند بیانیه گام دوم انقلاب، می‌تواند گام دوم را با افتخار طی کند.

روش و نوآوری پژوهش

دموکراسی عمدتاً اشاره به نظام سیاسی دارد که بر اساس خواست و اراده مردم و با معیارهای رأی اکثریت شکل می‌گیرد. مدافعان دموکراسی معتقدند که سیستم سیاسی مبتنی بر اصول دموکراتیک آخرین دستاورد بشر و تنها نظم موجود در جوامع معاصر است که می‌توان برای رهایی بشر از استبداد سیاسی پیشنهاد کرد و بعنوان تنها راه حل سیاسی در مقایسه با سایر الگوهای سیاسی در نظر گرفت. با توجه به ناکامی عمده دموکراسی و تلاش‌های عالمان متعهد برای یافتن اصول و بنیادهای نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن،

اینک با بهره‌گیری از روش تفسیر قران کریم و پژوهش در علوم سیاسی، به دستاوردهای مهمی در زمینه کشف نظام سیاسی مطلوب با تکیه بر هدایتها و سفارش‌های قرانی دست یافته‌اند. نگاه گفتار حاضر با تکیه بر روش علمی تفسیر قران و بر اساس متدپژوهش در علوم سیاسی، بر این باور است که جامعه اسلامی با مراجعه به قران کریم می‌تواند نظام سیاسی که رفاه مادی و سعادت انسان را تامین کند بدست آورد. با توجه به گسترده بودن مباحث دموکراسی در غرب و نظام سیاسی مطلوب در کشورهای اسلامی به‌ویژه فضای مثبت و ساختاری جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات گسترده در قالب کتاب و مقالات علمی درخصوص دموکراسی و نیز نظام سیاسی اسلام ارائه شده است. پژوهش حاضر کوشیده است با تکیه بر داده‌های علمی علوم سیاسی و بهره‌گیری از تحقیق کیفی به تبیین و توصیف مفهوم، معایب و چالش دموکراسی، ایجاد ارتباط پژوهشی میان دموکراسی و نظام سیاسی و ارائه نظام سیاسی به قران کریم و یافتن پاسخ از این کتاب بزرگ آسمانی و وحیانی بر اساس فرایند روش تفسیری استنباطی که در این نوع روش تفسیر علمی، از مساله شناسی و جمع‌آوری اطلاعات آغاز و به ارائه مساله به قران کریم و اخذ پاسخ از قران کریم پایان می‌یابد، تلاشی جدیدی را در عرصه تبیین نظام سیاسی مطلوب قرانی و حرکت افتخار آمیز جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب بیافریند. از این رهگذر، جمهوری اسلامی برابندی مبارکی است که بعنوان نظام سیاسی مطلوب قرانی در برابر دموکراسی ارائه شده است و با توجه به تداوم معایب دموکراسی، می‌تواند با حفظ اصول سیاسی قران کریم و مفاد ارزشمند بیانیه گام دوم انقلاب، نظام منحصر به فرد و متعالی برای امروز و فردای جامعه بشریت باشد.

۱. مفهوم و ماهیت دموکراسی

از دموکراسی بعنوان مرحله‌ای جدید در عبور از نظام دیکتاتوری (کالین‌های، ۱۳۸۵: ص ۳۹۷) تعریف واحدی وجود ندارد. علوم سیاسی با توجه به پیچیدگی جوامع سیاسی، ارتباطات و کنش سیاسی پیچیده، در تحلیل سیاسی قطعی با مشکلات و دشواریهای زیادی روبرو است. (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ص ۹) تشخیص قطعی و تعیین مفهوم واحد از دموکراسی

نیز باتوجه به معضل فوق، دشوار است. با این وجود برای تبیین محل بحث لازم است به صورت مختصر اشاره به مفهوم و اصول دموکراسی بشود.

۱.۱. مفهوم دموکراسی

دموکراسی (Democracy) واژه‌ای یونانی و از واژه «Demokrata» مشتق شده است (زرشناس ۱۳۸۲، ص ۱۲۶) دموکراسی از دو واژه‌ای دموس و کراتوس تشکیل شده است؛ دموس می‌تواند هم به معنای کلیه شهروندانی باشد که در دولت شهر زندگی می‌کند و هم به معنای ارادل و اوباش یا توده عوام و یا اقشار فرودست به کار میرود (آتنونی آربلاستر: ص ۲۹) برخی معتقدند که دموکراسی واژه یونانی است و معنای آن حاکمیت مردم یا حق همگانی برای شرکت در تصمیم‌گیری در امر همگانی است (قریشی، ۱۳۶۹: ص ۷۹). در فرهنگ سیاسی دموکراسی به معنای حکومت اکثریت یا نصف به اضافه یک مجموع رأی دهندگان است و درعین حال دموکراسی فعالیت است سیاسی و مثبت که تلاش می‌کند آزادی، برابری، و برادری، را در جامعه پیاده کند (آشوری، ۱۳۵۷: ص ۸۸). «دیوید بیتهام و کوین بویل» معتقد اند دموکراسی مفهوم مطلق نیست کشوری را می‌توان دموکراتیک نامید که حکومت آن از طریق رقابت در انتخابات به مسند قدرت رسیده باشد و نیز مسئول پاسخگویی به مردم باشد و تمامی افراد بزرگسال آن کشور از حق مساوی انتخاب کردن و نامزد شدن برخوردار باشد و قانون مبتنی بر نظام مردمی متضمن حفظ حقوق مدنی و سیاسی شهروندان باشد (بیتهام و بویل ۱۳۸۴: ص ۱۸). می‌توان گفت که برای دموکراسی تعریف واحدی در دسترس نیست و عبارت‌های کوتاهی که ظاهراً برای تعریف دموکراسی به کار می‌روند، حتی اگر با توافق عمومی مواجه شوند، مطلب را خیلی روشن نمی‌کند (کوهن، ۱۳۷۳: ص ۲۱). بنابراین برای ارزیابی درست دموکراسی لازم است اصول و مفروضات آن روشن شود.

۲.۱. ارکان دموکراسی

کارشناسان سیاسی و محافل علمی غرب باتوجه به ماهیت هر چند کوتاهی که از دموکراسی ارائه شد، اصول وارکان مهمی برای ساختار چنان نظام سیاسی در نظر گرفته‌اند که فقدان آن به معنای نبود دموکراسی تعبیر می‌شود:

حاکمیت ملی: مقصود از حاکمیت ملی که یکی از ارکان اساسی دموکراسی است این است که سازمانها و تصمیمات حکومت مستند به رأی مردم باشد به شخص معین و یا طبقه حاکمه متکی نباشد طبیعی است که این رأی مردم توسط نمایندگان ایشان اعمال می‌شود و نمایندگان هستند که تاسیس سازمانها و وضع قوانین را بر عهده دارند در این نظام اقلیت هیچ نقشی ندارد بلکه حاکمیت و سیادت از آن اکثریت مردم است (بشیریه، ۱۳۸۱: ص ۴۳)

برابری و مساوات: یعنی هر فردی از افراد جامعه در برابر قانون برابرند و همه حق برخورداری یکسان از فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را دارد. بنابراین حق آزادی بیان و آزادی در انتخاب، و انتقاد در تمامی شئون حکومتی برای همه میسر می‌باشد بر اساس اصل مساوات و برابری باید به تمامی اعضای جامعه فرصت کافی داده شود تا در امور سیاسی و حکومتی به میزان که می‌خواهند دخالت کنند. بنابراین دموکراسی با نابرابری‌های حقوقی و سیاسی سازش ندارد و به لحاظ سیاسی شهروندان در تحت حاکمیت نظام دموکراسی از حقوق و آزادیهای اساسی بهره‌مندند. (بشیریه، ۱۳۸۲: ص ۲۵۹).

مجلس شورای ملی: وجود پارلمان به لحاظ نظری سمبول حاکمیت مردم در یک کشور به حساب می‌آید و طبیعتاً دو امر باید در این خصوص مورد توجه قرار گیرد؛ نخست آنکه نمایندگان مردم در طی یک انتخابات آزاد و بی طرفانه و رقابت آمیز با آرای مستقیم مردم انتخاب شوند و مجلس یا پارلمان مظهر حضور واقعی مردم باشد. دوم آنکه نمایندگان، وقتی به اراده و خواست سیاسی مردم و جامعه آگاهی یافتند، باید برای انجام و تحقق عینی و عملی آن کوشا باشند اما اگر سستی و بی دقتی به خرج دادند و چرخهای سیاست و مدیریت کشور

را به عوض آنکه به وفق خواست مردم بچرخاند، بر طبق خواسته‌های خویش به حرکت درآورند در این صورت آنها حاکم اند نه مردم (آشوری، همان: ص ۵۳، و آربلاستر، همان: ص ۱۳۰).

حکومت اکثریت: حکومت بر اساس خواست مردم یک امر بنیادی است اما شکل‌گیری حکومت بر اساس خواست همه مردم امکان‌پذیر نیست، روش سیاسی مطلوب در دموکراسیها عموماً بر اساس خواست اکثریت است و معنای آن این است که باید تمامی تصمیمات دولت در هر امری موافق با خواست اکثریت باشد، اگر در میان ملت در یک امری اختلاف نظر پیدا شد دولت باید ملاک عمل خویش را توافق اکثریت قرار دهد. دیگر اینکه در نظام دموکراسی لازم نیست همه تصمیمات دولت بر تمامی افراد جامعه عرضه شود بلکه باید آنرا بر اکثریت جامعه عرضه کند. (آربلاستر، همان: صص ۱۰۸ - ۱۱۱ و کارل کوهن، همان: ص ۱۱۰)

آزادی‌های اساسی: اعطای آزادی به تمامی افراد مردم در دموکراسی بعنوان یک امر بنیادین پذیرفته شده است. که از مظاهر آن، آزادی کامل مطبوعات و عدم دخالت دولت در هیچ یک از امور مربوط به آن است زیرا مطبوعات مهم‌ترین وسیله برای تصمیمات دولت و نیز خط دادن به افکار عمومی است و به عنوان رکن چهارم پس از قوه قضائیه، مجریه و مقننه توصیف شده است. بسیاری از صاحب نظران سیاسی به این باورند که مطبوعات آئینه‌ای است برای انعکاس وضع و فضای سیاسی کشور و اگر بخواهیم بدانیم که میزان توجه به آراء عمومی و آزادی شهروندان و افراد یک جامعه مورد توجه است، باید مطبوعات آن جامعه را مطالعه کنیم و در واقع مطبوعات پنجره است برای فهم و ارزیابی توسعه سیاسی و عدم آن در یک کشور. (کوهن، همان: ص ۱۸۴)

یکی از بارزترین مظاهر آزادی که نظام دموکراسی به آن توجه دارد اعطای آزادی اقتصادی به هر فرد از افراد ملت است و به همین لحاظ دولت نباید چنان طرحهای اقتصادی را در جامعه به اجرا درآورد که نشاط و فعالیت فرد را در امور اقتصادی از وی بگیرد (بیتهم،

۱۳۸۴: ص ۹۷) فرد گرایان از این آزادی دفاع کرده‌اند و معتقدند که اعطای کامل فردی نه تنها به صلاح فرد است بلکه به صلاح تمامی افراد جامعه نیز می‌باشد. (آشوری، همان: ص ۸۸)

۳.۱. نقایص و کاستی‌های دموکراسی

انتقاد افلاطون و ارسطو از دموکراسی: افلاطون یکی از مشهور ترین منتقدان دموکراسی است. در میان تمام فیلسوفان سیاسی به حق می‌توان افلاطون را سرسخت ترین دشمن دموکراسی و مخالف تمام عیار آن دانست (آربلاستر، همان: ص ۳۴) به عقیده افلاطون ایراد نخست به دموکراسی این است که سرنوشت جامعه را بازیچه هوس توده‌ای مردم می‌کند که سخت عاطفی، متعصب و غیرفن سالارند. ایراد دوم از نظر افلاطون آن است که در چنین جامعه‌ای که توده مردم بر آن غالبند، رهبران نیز تحت تاثیر و فشار آنها و برحسب ضرورت دنباله رو توده گشته و از نقش رهبری اصلاحی خود غافل شده و فقط خرسندی توده‌ها را لحاظ میکنند که مایه تباهی اجتماعی است. به عقیده افلاطون نقص دیگری که در دموکراسی دیده می‌شود، در مورد جوهره دموکراسی یعنی آزادی است. به نظر او چنین آزادی بی حد و حصر به شدت وفاق اجتماعی و یگانگی اجتماعی را درهم میریزد و نتیجه آن هرج و مرج و ستیزه اجتماعی و فردی است. به عقیده افلاطون حکومت امری تخصصی است. (آربلاستر، همان: ص ۳۸) و باید کار کشور داری را به آگاهان به حکومت سپرد و برای این منظور حق انتخاب فرمانروایان باید از آن دانایان باشد. (کوهن، همان: ص ۳۱۱ و عالم ۱۳۸۶: ص ۹۶) ارسطو در تقسیماتی که در کتاب سیاست برای انواع حکومت‌ها قایل شده است، حکومت دموکراسی را به نوع فاسد و انخطاط یافته‌ای حکومت پولیتی تعریف کرده و آنرا عبارت از حکومت طبقه پست و افراطی میداند (پازارگاد، ۱۳۴۴: ص ۸۴ و آربلاستر، همان: ص ۳۸)

تعارض بین اصل آزادی و اصل برابری: یکی از مهمترین تعارض‌های که در فلسفه سیاسی غرب و در مبانی و نظام دموکراسی مطرح است تعارض بین دو اصل آزادی و برابری است. به این معنی که اگر همه مردم برابر شمرده شوند، آزادی آنها به خطر خواهد افتاد؛ زیرا

ایجاد برابری محتاج دخالت دولت در زندگی افراد و تهدید آزادیهای آنها است و اگر همه مردم آزاد گذارده شوند خواه ناخواه برابری به خطر خواهد افتاد، زیرا عموم افراد بواسطه اختلاف‌های که در ثروت و قدرت و... دارند، پس از مدت کوتاهی سعی در برتری جویی نسبت به سایرین می‌کنند. (بیت‌هام ۱۳۸۳: ص ۲۲ و بشریه ۱۳۸۱: ص ۳۸)

صوری بودن اصل برابری در دموکراسی: آنچه که در دموکراسی از آن تحت عنوان برابری یاد می‌شود در واقع همان مساوات رسمی و صوری است نه واقعی. در زیر لوای مساوات صوری بر بسیاری از نابرابریهای واقعی در جامعه سرپوش گذاشته شده و برابری در دموکراسی به برابری در شانس و فرصت محدود گردیده است. به عبارت دیگر دموکراسی نه به معنای برابری انسان‌ها است، نه به معنای همسانی وضع و حال مردم است بلکه به معنایی برابری صوری شهروندان در مقابل قانون و فرصت یکسان آنان برای دست‌یابی به مناصب دولتی استوار شده است و برابری‌های بوجود می‌آورد که در همه جوامع تحول یافته شرط توسعه است. هدف دموکراسی ایجاد فرصت برای برابر شدن افراد نیست بلکه دادن فرصت‌هایی برابر به انسان‌ها است. (کوهن، همان: ص ۱۷۶ و آشوری، همان: ص ۸۹).

دموکراسی و امکان بروز استبداد اکثریت (بیت‌هام، ۱۳۸۳: ص ۱۵۰)؛ دموکراسی اندیشه قدرت مطلقه را دور نمی‌اندازد، تنها این نظریه را نمی‌پذیرد که قدرت وجه امتیاز یک نفر باشد. دموکراسی همچنین قانون حاکمیت قوی تر را منکر نمی‌شود زیرا «اصل اکثریت» نوعی قانون است و پیروی افراد از اکثریت الزاماً این نیست که اکثریت حق دارند و معرف حقیقت اند بلکه به این علت است که اکثریت زور بیشتری دارند. (آربلاستر، همان: صص ۱۰۷ - ۱۱۱) «ساموئل هانتینگتون»، انتخابات علنی، آزاد و عادلانه را جوهر دموکراسی دانسته و می‌نویسد «حکومت‌های که بر پایه انتخاب آزاد بر سر کار می‌آیند ممکن است ناتوان، فاسد، کوتاه بین، و غیر مسئول باشند از منافع خاصی حمایت کنند یا در اجرای سیاست‌های که به خواست و سود عامه باشد در بمانند اما چون چنین دولت منتخب اکثریت است، نمیتوان چنین حکومت‌ها را غیر دموکراتیک خواند.» (هانتینگتون، ۱۳۸۸:

ص ۱۲) بنابراین قبول رأی اکثریت و تحمیل آن بر اقلیت یکی از چالش‌های اساسی برای دموکراسی که مدعی نظام مبتنی برخواست مردم می‌باشد، به شمار می‌آید. علاوه بر این می‌توان گفت اگر تنها به بزرگسالان حق رأی دهیم حقوق خردسالان یا سالخورده‌گان که نمی‌توانند در انتخابات شرکت کنند رعایت نکرده ایم چون بی‌درنگ با این سوال مواجه می‌شویم که آیا در جوامع دموکراتیک حاضران نسبت به غایبان و بزرگسالان نسبت به خردسالان و سالخورده‌گان ناتوان چه مزیتی دارند، آیا بر آنها وکالت دارند یا ولایت یا هیچ‌کدام. با این وصف، شمردن رأی اکثریت بعنوان رأی مردمی و منعکس‌کننده منافع عمومی بسیار دشوار است.

بروز استبداد فردی و خطر نابودی اصول دموکراسی: با آنکه امروزه اندیشمندان و مدافعان دموکراسی از این نظام دموکراتیک به نیکویی یاد میکنند و مدعی قداست و عظمت معنوی دموکراسی هستند درعین حال دموکراسی را به طور مطلق مصون از انحراف نمی‌داند و پیدایش استبداد را محتمل می‌شمارند. آنها معتقدند که دموکراسی شیوه کاملاً مطمئن و تضمین شده‌ای نیست زیرا تحقیقات نشان می‌دهد که تعدادی از دیکتاتورها از جریان دموکراسی سوء استفاده نموده و مطامع خویش را اعمال نموده است بعنوان نمونه کافی است نگاهی بیفکنیم به آتشی که رایش سوم بر آفروخت، آتشی که بشریت باتلاش زیاد سرانجام آنرا خاموش کرد. ادلف هیتلر که یکی از جنایت‌کارترین دیکتاتورهای تاریخ شمرده می‌شود با توسل به انتخابات به قدرت رسید هیتلر در انتخابات آزاد بیش از تمام زمامداران پیش از خود رأی آورد (آربلاستر، همان: ص ۱۲). البته کارشناسان راه سوء استفاده از دموکراسی را نیز یادآور می‌شوند که آنرا می‌توان به تحریک عواطف، احساسات نژادی و شوونیستی در میان نسل جوان و مردمان ساده لوح خلاصه کرد. چنانکه هیتلر به این باور بود که ظاهر از باطن مهم‌تر است و مطمئن بود که پیامش فوق‌العاده خریدار دارد. از همین رو هیتلر پیام خود را در قالب برنامه‌های نمایشی عرضه می‌کرد. پرچم‌های سفید، سرخ و سیاه، پارچه‌های با نشان عقاب، استفاده از گروه‌های نوازنده، مارش‌های نظامی، سخنرانی‌های امیدبخش و... برای

از بین بردن هر گونه تردید و شک در ذهن مخاطبان کافی بود.

با توجه به دشواریها و چالش‌های مذکور که در برابر دموکراسی وجود دارد تعدادی از اندیشمندان به نقد دموکراسی پرداخته‌اند (کوهن، همان: ص ۲۱ - ۲۳ و بیتهام و بویل، همان: ۱۸) برخی حتی معتقدند که دموکراسی نام پرمراقی چیزی است که هرگز وجود نداشته است و با توجه به چالش‌های موجود در دموکراسی بر این باور تأکید می‌کند که اگر به اصل لغت مراجعه کنیم بهتر است متذکر شویم که این شکل از حکومت به معنای دقیق کلمه وجود ندارد مسلماً شعارها و اقوال و مقدمات قانون اساسی پر است از اشارات دهان پرکن و اغراق آمیز در باره قدرت مردم که باید توسط آنها و برای آنها اعمال شود اما در هیچ جهان به راستی قدرت مردمی فعال که توده‌ای شهروندان قدرت را مستقیماً در دست داشته باشند وجود ندارد (ارمه، ۱۳۷۹: ص ۲۰) «هانتینگتون به صراحت به مشکلات فراوری دموکراسی اشاره می‌کند و میگوید «در تعریف دموکراسی دشواری‌هایی جدی و ابهام‌ها وقتی پا به میان می‌گذارند که بخواهیم از منابع قدرت حکومت و یا مقاصدی که حکومت در پیش دارد بهره بگیریم» (هانتینگتون، ۱۳۸۸: ص ۱۲). برخی از منتقدان دموکراسی بر این باورند که دموکراسی ظاهراً به معنای قدرت مردم است، حال آنکه رژیم‌های دموکراتیک زیر سلطه قشرهای خاصی چون سرمایه داران و صاحبان صنایع بزرگ، نظام اداری، مقامات عالی رتبه دولتی و سیاسی قرار دارند. مسلماً در این رژیم‌ها مردم حقوقی دارند اما قدرت ندارند، آنها نه حکومت می‌کنند و نه بر حکومت نظارت دارند. (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ص ۷۲).

با توجه به کاستی‌ها و نقایص اساسی موجود در دموکراسی، می‌بایست راه حل‌های اساسی‌تری را برای مدیریت سیاسی جهان به‌ویژه کشورهای که مردم آن بادیین و مبانی دینی اعتماد دارند، در نظر گرفت. زیرا دموکراسی با محتوای غیردینی هیچ جایگاهی در ساختار مدیریت سیاسی کشورهای اسلامی ندارد. توقع مردم و مؤمنان از متخصصان دینی معرفی و اجرای نظام سیاسی با محوریت گزاره‌های قطعی قرآن کریم است.

۲. مفهوم و ماهیت نظام سیاسی در قرآن کریم

۲.۱- مفهوم نظام سیاسی

نظام مجموعه عناصری که بین خود به شکل معینی پیوند می‌یابد و یک نوع کل واحدی را به وجود می‌آورند. به صورت کلی نظام عبارت است از هر مجموعه عناصری که بتواند به نحوی به طور متداخل با یکدیگر عمل کند می‌تواند به صورت یک سیستم نگریسته شود»، نظام چه به صورت طبیعی پدید آمده باشد مانند آنچه در طبیعت شاهد هستیم و چه ساخته اندیشه بشر باشد منظور این است که نظام مجموعه‌ای از عناصر و احاد افرادی است که با ایجاد روابط متقابل، کلیت واحدی را بوجود می‌آورند (آقابخشی و افشاری راد:، ۱۳۸۵، ص ۵۲۶) همچنین مهمترین ویژگی نظام‌ها و سیستم‌ها عبارتند از: کل گرایی، هدف جثویی،

تعادل و تعامل عناصر، انعطاف با محیط، پویایی و تکامل، همبستگی و خود تنظیمی می‌باشد.

منظور از نظام سیاسی؛ ساختاری است فراگیر و پیچیده که موجودیت جامعه را به مثابه یک ارگانیسم واحد که به وسیله یک قدرت سیاسی مرکزی اداره می‌شود، حفظ می‌کند. نظام سیاسی از دیگر نظام‌های اجتماعی در درجه اول به خاطر سرکردگی آن متمایز می‌شود. در مفهوم محدود معمولاً دولت به عنوان نهاد اصلی نظام سیاسی تلقی می‌شود که دستگاه قهر را در اختیار دارد و در مفهوم وسیع، دولت بیان و نمود رسمی تمام جامعه است. مفهوم دولت همچنین به عنوان مترادف نظام سیاسی به کار می‌رود (آقابخشی و افشاری راد:، همان)

۲.۲- مفهوم نظام سیاسی در قرآن

باتوجه به کاستی اساسی موجود در نظام سیاسی دموکراسی، و تفاوت آشکاری که مبانی وهستی شناسی و جهان بینی چنین نظام با باورهای اساسی کشورهای اسلامی و جامعه اسلامی دارد، ضرورت دارد نظام سیاسی مطلوبی را که خداوند برای رهایی بشریت از

استبداد، فقر، بی‌عدالتی و رسیدن به سعادت و رفاه عمومی ارائه فرموده است توجه کنیم. از طرف دیگر نظام سیاسی دینی مبتنی بر گزاره‌های قرآنی می‌بایست به مثابه یک ساختار نیرومند تمامی بخشها و اجزای آن علاوه بر نظم درونی به یک نظم کل و منبع غیر قابل زوال و دائمی منتهی شود تا هم قابلیت و شایستگی خود را حفظ کند و هم بتواند حافظ ارزشها و هنجارهای دینی و الهی باشد. بدین ترتیب توحید آغاز و مبدء نظام سیاسی و درعین حال انسجام دهنده تمام ابعاد و سطوح مدیریت و رهبری سیاسی است. به عبارت دیگر نظام سیاسی در قرآن به منبع و احدی بنام توحید منتهی می‌شود ساختار، اهداف، کارکرد، شکل بندی قدرت، قوانین سیاسی و حقوقی و کارگزاران در نهایت بر اساس مفهوم توحید و خالق هستی برمیگردد. حقایق فوق، هستی‌شناسی، جهان بینی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی نظام سیاسی قرآنی را تشکیل می‌دهد.

۲.۳- نظام سیاسی قرآنی و مساله مشروعیت سیاسی

مشروعیت سیاسی یکی از مباحث مهم علوم سیاسی است. هرگاه حکومتی شکل گرفته است اولین پرسش این است که مشروعیت یا حق حکم راندن و یا مجوز حضور فرد در جایگاه نخست قدرت و رهبری چه بوده است. در این خصوص همانگونه که قبلا اشاره شد در نظام دموکراسی مشروعیت سیاسی و مجوز شکل‌گیری قدرت سیاسی بر اساس اراده عمومی، برگزاری انتخابات و رأی اکثریت شکل میگیرد که درجای خودش مورد بررسی و چالش قرار گرفت. اما در نظام سیاسی قرآن، مشروعیت سیاسی صرفا بر اساس خواست خداوند بزرگ است. زیرا او خالق و مالک هستی و انسان است.

«أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۚ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (آگاه باشید که ملک افرینش خاص خدا است و حکم نافذ فرمان اوست، پس منز و بلند مرتبه است خدای یکتا که پروردگار عالمیان است) اعراف/۵۴.

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» «مَلِكِ النَّاسِ» «إِلَهِ النَّاسِ» سوره مبارکه ناس، آیات ۱، ۲، ۳. آیات مبارکه فوق صراحت دارد که منحصر خداوند پروردگار مردم، مالک و حاکم مردم و معبود

مردم است. بر اساس بنیش الهی مالک مطلق هستی خداوند است بشروانسان به طور کلی دارای مشروعیتی نیستند تا به دیگری اعطا کند. حق مشروعیت صرفاً از جانب پروردگار و کسانی به صورت صریح ماذون از طرف خداوند است می‌باشد. قرآن کریم در موارد دیگر مشروعیت سیاسی ولایت و سرپرستی جامعه را منحصر به خداوند، پیامبر و ائمه طاهرین میدانند:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (سرپرست و ولی شما خداوند شما تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آوردند؛ همانها که ایمان آورده اند، همانها که نماز برپا میدارند و در حال رکوع زکات میدهند) مائده / ۵۵.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا » (ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوا الامر را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید آنرا به خدا و پیامبر بازگردانید اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید؛ این کار برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است) نساء / ۵۹

۲.۴- قانون و قانون گذاری در قرآن کریم

در دموکراسی قانون و قانون گذاری به نمایندگان مردم سپرده شده است. اما این روند با ویژگیهای هرقانونگذار، باید دارا باشد، در تضاد است. از منظر فیلسوفان سیاست و حقوق، قانونگذار دارای شرایط ویژه است:

یک: قانونگذار باید کسی باشد که هدف قانون را خوب بشناسد؛

دو: دوم آنکه قانونگذار مصالح جامعه را فدای مصالح شخصی خودش نکند؛

سه: اسلام علاوه بر آنکه دو شرط فوق را به طور کامل ملحوظ میداند بر این نظر نیز تأکید می‌ورزد که قانونگذار حتماً باید به همه مصالح مادی و معنوی انسان آگاهی داشته باشد، دیگر آنکه قانون گذاری حق کسی است که بتواند به انسان‌ها امر و نهی کند و این حق اصالتاً از آن خداوند است (ایت الله مصباح یزدی: ۱۳۹۱، ص ۲۲۸). لذا قرآن کریم و اسلام

منشاء حاکمیت را خداوند متعال میدانند و هیچ یک از افراد بشر حق ندارند به نظر خود قانون یا نظامی را روی کار آورند زیرا تمامی قوانین و احکام باید از جانب خداوند باشد. واضع قانون را منحصر به خداوند متعال میدانند (قاضی زاده، ۱۳۸۶: ص ۱۰۳) خدایی که احکام، مقررات و حدود را آن گونه که مصلحت عمومی اقتضاء دارد و دربردارنده سعادت جامعه انسانی است بیان کرده است از نظر قرآن نظام حکومتی که دولت باید در زمینه‌های عمومی و خصوصی برطبق آن حرکت کند نمی‌تواند نظام متکی به کمیسیونهای خاص متشکل از قانون‌گزاران باشد در نظام اسلامی دولت باید بر اساس شرع و قانون سیاسی قرآنی حرکت کند و مشکلات مردم را حل و فصل کند. زیرا در قرآن به صراحت قانون‌گذاری و حق تقنین را منحصر به خداوند میدانند:

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُضُّ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» (حکم و فرمان تنها از آن خداست؛

حق را از باطل جدا می‌کند و او بهترین جداکننده حق از باطل است). انعام/۵۷

«أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (بدانید که حکم و داوری مخصوص خدا است

و او سریع‌ترین حسابگر است). انعام/۶۲

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

«(حکم تنها از آن خدا است فرمان داده که غیر او را نپرستید. این است آیین پابرجا ولی

بیشتر مردم نمی‌دانند) یوسف / ۴۰

در آیات مبارکه فوق به صراحت مساله حکم، قانون و قانون‌گذاری را منحصر به خداوند نموده است زیرا شرایط که برای قانونگذار بیان شد صرفاً خداوند دارا می‌باشد. شرط اول که عبارت بود از اینکه قانونگذار باید بیشترین علم و آگاهی را به مصالح انسان‌ها داشته باشد به نحو اکمل در خداوند موجود است چون خداوند خالق انسان است، آگاهی کامل به مصالح انسان دارد. شرط دوم که قانونگذار نباید مصالح فردی را بر مصالح اجتماعی مقدم بدارد، نیز به صورت کامل در خداوند موجود است زیرا خداوند هیچ نفعی در رفتار بندگان ندارد. اما شرط سوم نیز مخصوص خداوند است و خداوند اصالتاً دارای حق امر و نهی است. مردم

هیچ حقی بر همدیگر ندارد چون همه انسان‌ها در برابر خداوند مساوی است و خداوند مالک و مدبر عالم خلقت و انسان است. (ایت الله مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۹).

۵.۲) قرآن کریم و مساله رأی اکثریت

مهمترین پرسش اکنون این است که اعتبار رأی اکثریت در اسلام چگونه است و اصولاً اسلام و قرآن چه ارزشی برای اکثریت قایل می‌باشد؟ جواب این است که اکثریت منهای منطق و استدلال و بنیش صحیح دارای هیچگونه ارزش عقلی و یا تجربی نیست. زیرا ارزشها از دیدگاه عقل و علم بستگی به واقعیت‌ها و شناخت حقایق دارد. و شناخت حقایق به صورت درست فقط در چارچوب معیارهای است که خداوند برای انسان تعیین کرده است. زیرا بشر همواره در معرض خطا و نسیان و غفلت است. بدین ترتیب با مراجعه به آیات قرآن روشن می‌شود که خداوند متعال هرگز اکثریت را محور و میزان حق قرار نداده است:

“وَإِنْ تَطْعُ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ” (واگر پیروی کنی از اکثر مردم زمین، تو را از راه خدا گمراه خواهد کرد که اینان جز از پی گمان نمی‌روند) انعام/۱۱۶.

“وَإِنْ كَثِيرًا لَيَضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ” (و بسیاری به هوای نفس خود از روی نادانی به گمراهی می‌روند) انعام/۱۱۹.

“أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَكَثُرُوهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ. لَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ” (بلکه او دین حق را بر آنها آورده و لکن اکثر آنها از حق متنفرند و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمان و زمین و هر چه در آنها است فاسد خواهد شد بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان به ناحق از آن اعراض کردند) مؤمنون/۷۰-۷۱.

باتوجه به مدلول و مفاد آیات مبارکه فوق، اعتبار و ارزش واقعی درهمه جا با حق است هر چند اهل حق و جمعیت آن کم و محدود باشد. در برابر حق و سعادت باید تسلیم بود هر چند بیشتر مردم از آن روی گردان باشند. خداوند بزرگ این قاعده کلی را بیان فرموده

تابرخی برای ارتکاب گناه، عمل اکثریت را در برخی محیطها، وسیله توجیه قرار ندهند. از منظر قرآن کریم اکثریتی قابل پذیرش است که به سوی حق گام بردارد.

۲. ۶- قرآن کریم و مساله برابری

مساوات و برابری در میان اعضا جامعه که یکی از ارکان دموکراسی است، خود باچالش زیادی مواجه است چون هم مفهوم عدل و هم مصداق عدل مبهم است. اسلام بیش از همه نظامهای سیاسی به این امر مهم توجه کرده است:

“يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً” (ای مردم تقوای الهی پیشه کنید، پرودگاری که شما را از یک نفس آفرید و از آن جفت اورا آفرید و از آن دوتن، زنان و مردان بسیاری پراکنده نمود) نساء/ ۱.

“إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ” (خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان میدهد و از فحشاء و منکروستم نهی می کند) نحل/ ۹۰

بر اساس منطق و بینش قرآن کریم، حاکم اسلامی در قبال ستمها و ظلمها و نابرابریها موجود در جامعه مسئول است و او موظف است که برای تحقق عدالت و احقاق حقوق مردم تلاش کند “إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ فَرَضَ عَلَىٰ أُمَّةٍ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ” (خداوند برپیشوایان عادل واجب کرده است که زندگی خود را با ضعیف ترین مردم برابر قرار دهند تا فقرا در فقر خود احساس دلتنگی نکنند» نهج البلاغه / خطبه ۲

البته کشف معیار عدل و مفهوم عدالت و برابری صرفاً بر اساس معیارهای که خالق انسان تعیین کرده است ممکن است. تفسیر عدل و عدالت بر اساس کشف و خواست انسان، چون بر اساس آگاهی کامل از سرشت و ابعاد وجودی انسان و جامعه صورت نمی گیرد، دارای منطق حقیقت جویانه نیست.

۲.۷- اهداف نظام سیاسی در قرآن کریم

اهداف دموکراسی اهداف مادی صرف است به طوری که مقصود آن تلاش در جهت رشد ثروت عمومی جامعه یا کسب افتخار جنگی و دست یابی به برتری مادی صرف شهروندان است درحالیکه اهداف اسلام سعادت و اصلاح زندگی دنیوی و اخروی بشر است. اسلام بین دو زندگی ارتباط برقرار کرده و مسلمانان را به انجام اعمال برای هردو زندگی تشویق کرده است. در نظام دموکراسی به ارزشهای اخلاقی توجهی نشده و به سیستم اقتصادی و سیاسی بیشتر اهمیت داده شده است در این نظام از صفات بارز انسانی مثل ترحم، ایثار و تعاون هیچ حمایتی نشده است. اسلام حکومت و تشکیلات سیاسی را تنها در راستای مقاصد و برای تحقق اهداف خاصی طلب و دنبال می‌کند. نظام سیاسی و قدرت را صرفاً بعنوان یک ارزش و هدف اساسی نمی‌شناسد. علی علیه السلام به زیبایی این مطلب را بیان فرموده است: «وَاللّٰهُ لَهٰی اَحَبُّ اِلٰی مِنْ اِمْرَتِكُمْ اِلَّا اَنْ اُقِيْمَ حَقًّا اَوْ اُدْفَعَ باِطِلًا» (به خدا سوگند همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب تر است مگر آنکه حقی را با آن به پا دارم یا باطلی را دفع نمایم) نهج البلاغه خطبه/۳۳.

اسلام سیاست را بخشی از هدایت کلی دین میداند و لذا اهداف و مقاصدی که دنبال می‌کند در راستای تحقق هدف‌های اساسی دین است. و بر اساس همین هدف اساسی یعنی هدایت و کمال انسان، اهداف جزئی تر را مطرح فرموده است که میتوان انرا در چند بخش جمع بندی نمود:

یک - فراهم نمودن زمینه برای استکمال و تعالی انسان‌ها. زیرا هدف خلقت در قرآن کریم عبادت و عبودیت تعریف شده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ذاریات/۵۶. در سوره نحل می‌فرماید «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (وهمانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که اعلام کنند که خدا پرستند و از پرستش طاغوت بپرهیزند) نحل/۳۶.

دو- تربیت و آموزش همگانی: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ

وَيَعْلَمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيَعْلَمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ" (همانطوریکه در میان شما، فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم که آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک میگرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد میدهد) بقره/۱۵۱.

سه - برقراری عدالت اجتماعی: محور همه احکام اجتماعی وفقه سیاسی اسلام، تامین حقوق انسانی و برقراری عدالت اجتماعی است. علی‌علیه در این خصوص می‌فرماید: "وَلَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَى ظُلْمٍ، فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ وَهُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ وَلَيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَةِ، فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يَجْجِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ، وَإِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يَغْتَفِّرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ" (چیزی چون ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد که خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است. دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب رضایت و خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند) (خطبه/۵۳).

چهار - تامین نیازمندیهای اجتماعی که یک جامعه سالم به آن نیاز دارد مانند ایجاد امنیت داخلی و دفاع شایسته از امت اسلامی در برابر دشمنان، حفظ و برقراری نظم اجتماعی و جلوگیری از تراحم حقوق و تنازعات، رسیدگی به وضعیت افراد ناتوان، تنظیم روابط خارجی مبتنی بر احکام الهی. (حاجی صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶). اسلام شکوفایی اقتصادی را بر مبنای اخلاق و همبستگی و تعاون اجتماعی مقرر داشته است و این مسئولیتی است که کلیه مسلمانان در مقابل تهیدستان بر عهده دارند. باتوجه به اهمیت سعادت و کمال در نظام سیاسی دینی و قرانی، تمام تلاشها و ساماندهی اجتماعی در جهت فراهم ساختن زمینه سعادت و کمال انسان شکل میگیرد. سیمای کارگزاران، ویژگیها و مقررات حقوقی و سیاسی در جامعه اسلامی صرفاً در راستای هدایت و سعادت بشر تنظیم شده است. تولید و رفاه اقتصادی صرفاً در چارچوب سعادت و کمال انسان قابل توجیه است.

۸.۲- خصوصیات و ویژگیهای رهبر در نظام سیاسی قرآنی

به طور کلی قرآن، پیامبران و رهبران حقیقی جامعه اسلامی حامل پیامهای سعادت و کمال انسان است. بدین جهت خصوصیات زعیم جامعه اسلامی و مسأله رهبری در اسلام را از آنچه که در نظام دموکراسی مورد پسند و قبول است ممتاز می‌سازد زیرا رهبر وزعیم در جامعه اسلامی کسی است که دارای ویژگیهای چون عدالت، ورع و تقوا، بینش سیاسی کافی، مدیریت و مدبریت، تخصص و تعهد، التزام قلبی و عملی به اسلام، عالم به کتاب الله و سنت و مقتضیات زمان باشد و صرفاً شهرت و یا تخصص کافی نیست. امام حسین در نامه‌ای که هنگام اعزام مسلم بن عقیل به کوفه نوشت صفات حاکم اسلامی را اینگونه بیان فرمود: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْجَالِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ» به جان خودم سوگند؛ پیشوای جامعه جز آن کسیکه که بر اساس کتاب خدا حکم کند و به قسط قیام نماید و متدین به دین خدا باشد و نفس اش را وقف ذات حق کند، نیست» (شیخ مفید: ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۵)

باتوجه به مطالب و مباحث گذشته اگر بخواهیم در خصوص مقایسه میان نظام سیاسی در قرآن و دموکراسی اشاره‌ای داشته باشیم چنین می‌توان گفت که در دموکراسی رأی مردم پایه و اساس مشروعیت و قانونی شدن دستگاه حکومت و رهبری است ولی در حکومت دینی و قرآنی، احکام خداوند خاستگاه مشروعیت و قانونی شدن حکومت و رهبری است. در دموکراسی نصب رهبری و ریاست سیاسی جامعه تابع خواست مردم یا نمایندگان آنان است ولی در نظام دینی و قرآنی، نصب و عزل منوط به احکام خداوند است و رهبر با ازدست دادن صفاتی مثل تقوا و عدالت از منظر خداوند معزول می‌باشد. بدین ترتیب دموکراسی و نظام سیاسی مبتنی بر گزاره‌های دینی و قرآنی، از نظر محتوا و اصول باهم فرق می‌کند حکومت اسلامی با دموکراسی ذاتی سنخیتی ندارد چرا که طبق توحید افعالی حکومت مخصوص ذات پاک خداست و آن حکومت و حاکمی مشروعیت دارد که از جانب خداوند تایید شده باشد که چنین حکومتی با دموکراسی به مفهوم لیبرالی آن سازگار نیست زیرا دموکراسی به

معنای مردم سالاری محض و بی قید و شرط است و اصل در انتصاب حکومت، مردم هستند. یعنی می‌توانند هر گونه حکومتی را تعیین کنند و هر گونه حاکمی را انتخاب نمایند و چون نوعاً در این مساله توافق نظر وجود ندارد ضرورتاً بدنبال مکانیزم رأی اکثریت می‌روند. اما حکومت دینی و اسلامی با نوع دیگری از دموکراسی مغایرتی نخواهد داشت و آن دموکراسی شکلی است در زمینه مشارکت سیاسی، تساوی افراد در برابر قانون، آزادی اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و حمایت از آزادی بیان و عدم سرکوب شهروندان. هرچند ماهیت مشارکت سیاسی، انتخاب کارگزاران و قانون اساسی و آزادیهای فرهنگی در حکومت اسلامی صرفاً در چارچوب هدایت و کمال معنی پیدا می‌کند.

۳. استمرار کاستی‌های دموکراسی و بالندگی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر آموزه‌های وحیانی، ایمان مردم و رهبری روشن و قاطع امام خمینی علیه السلام و با تدبیر حکیمانه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در چارچوب مردم سالاری دینی که شکل پالایش شده دموکراسی بر اساس اصول و شرایط نظام سیاسی در قرآن کریم است تداوم یافت. با توجه به نقایص اصولی و بنیادین دموکراسی و ناکامی‌های گسترده نظامهای سیاسی غربی در عرصه سیاست، تامین امنیت، رفاه مادی، سعادت و کمال بشر، جمهوری اسلامی و تاسیس نظام سیاسی قرآنی در میان انبوهی از خلاءهای شکل گرفته در نظامهای سیاسی موجود در جهان معاصر، شکل گرفت. استقرار آن و استقبال عمومی و تاریخی مردم حق طلب ایران از امام بزرگوار و روحانیت متعهد، صرفاً به دلیل ناکامی و ناکارآمدی نظام سیاسی بود که غرب با تمام قدرت از آن دفاع میکرد. مردم ایران اسلامی که ایمان و معنویت و نور تابنده قرآن در وجودشان موج میزند، نیازها و خواسته‌های اصلی شان را در نظام ستم شاهی که با حمایت و قدرت سیاسی و نظامی غرب و امریکا تسلط یافته بود قابل پیگیری و تحقق نمی‌دیدند. بدین جهت بود که با استقبال وصف ناپذیر، دل به پیام امام و انقلاب سپردند و نظام قرآنی بی نظیری را بوجود آوردند. بدنبال آن با حمایت قاطع مردم دین باور ایران از مقام معظم رهبری، علی رغم فشارهای سیاسی و تهاجم اقتصادی استکبار

جهانی، قدرت و ایمان راسخ شان را به قران، انقلاب و مقام عظمای ولایت به نمایش گذاشته اند. گام اول انقلاب در چهار دهه اخیر با قدرت و صلابت و پیشرفت های برجسته ای در عرصه فرهنگ، صنعت، سیاست و هنر به پایان رسید. چشم انداز گام دوم انقلاب اسلامی که به ابتکار و دانش ممتاز رهبر فرزانه انقلاب ترسیم و اعلام گردیده است، استوار تر از گذشته قابل تحقق خواهد بود اما عبور افتخار امیز از مقطع دوم انقلاب اسلامی و رسیدن به اوج شکوفایی در پرتو رهنمودهای قران، نیازمند تلاش، هوشیاری، و حمایت قاطع از بیانات حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی است بدین ترتیب همانگونه که گذشته ای چهل ساله انقلاب اسلامی نشان می دهد برای عبور از سختی ها و کاستی های اقتصادی و فنی، نیازی به پناه بردن به دموکراسی غربی نیست. مردم سالاری دینی که از کلیدواژه های ابتکاری رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی در برابر دموکراسی غربی است، به نحو شایسته می تواند هم نیازهای مادی و فنی جامعه را تامین کند، و هم در مسیر رسیدن به قله افتخار، نور و معنویت قران و رضایت پروردگار را بدست آورد. زیرا به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب «مردم سالاری دینی نظامی سیاسی است که در آن حاکمیت متعلق به خداوند می باشد که با عقیده و ایمان و عواطف و آرای مردم پیوند خورده است» (جمعی از نویسندگان: اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، بی تا، ص ۹۵) معظم له در شکل بندی مردم سالاری می فرماید «مردم سالاری دینی» به معنای ترکیب دین و مردم سالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلامی است چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی شود، ضمن آنکه تحقق حکومت مردم سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست» (جمعی از نویسندگان: همان: همان) بدین ترتیب مردم سالاری دینی وجه الجمعی میان دستاوردهای دموکراسی، و حقایق دینی و قرآنی است.

۴. شرایط و الزامات بالندگی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در راستای عظمت و سربلندی ملت و دولت جمهوری اسلامی برای فصل چهل ساله دوم انقلاب اسلامی از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی صادر

شده است در این بیانیه حکیمانه با اشاره به شرایط بوجود آمدن انقلاب اسلامی و پیروزی مردم مسلمان ایران و استقرار کامل جمهوری اسلامی، دستاوردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نظام، و تأکید بر «نظام انقلابی» عدالت و مدیریت جهادی، معنویت و اخلاق، مقاومت در برابر استکبار، درفصل چهل ساله دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر بهره‌گیری از تجربیات درخشان چهل ساله اول انقلاب، بر نقش نیروی انسانی، نسل جوان و توسعه انسانی کشور، سفارشات مهم و ویژه‌ای درخصوص اهمیت علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و معیشت، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و عزت طلبی و سبک زندگی بعنوان راهکار تحقق ارمانهای متعالی جمهوری اسلامی درگام دوم انقلاب سفارش شده است. در این میان هرچند جمهوری اسلامی که شکل برجسته‌ای نظام سیاسی قرانی در دنیای معاصر است، به لحاظ مجموعه‌ای از اهداف، محتوا و دستاوردهای برجسته دینی، دارای قابلیت‌های ممتاز و توانایی‌های مهم درجهت انسان سازی، جامعه سازی و تمدن سازی است، اما تحقق کامل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و حرکت و بالندگی مقتدرانه جمهوری اسلامی در گام دوم و فایق آمدن بر مظاهر مادی دموکراسی، نیازمند استمرار تفکر، و باورهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ذیل است:

حضور دائمی قران کریم در تحلیل و تبیین سیاست داخلی و بین المللی جمهوری اسلامی ایران؛

استقلال و عزت طلبی قرانی؛

اطاعت عمومی از رهبری نظام و تبیین آن بر اساس منویات و دلایل قرانی؛

دشمن شناسی قرانی؛

تبیین عدالت و اجرای عدالت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر اساس سفارشات قران

کریم؛

پیرایش و پالایش علوم انسانی بر اساس مبانی و اصول قران کریم

وحدت و همدلی مردم و گسترش مفهوم اخوت اسلامی قرانی در جامعه؛

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در جهت رسیدن به اهداف انقلاب و نظام اسلامی تدوین توصیه و سفارش شده است، بعنوان یک دستور العمل قطعی تلقی گردد و با دلایل و منطق قرآن در ذهن مردم تبیین شود.

هرچند منویات حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی در چارچوب «بیانیه» ارائه شده است، امامستولان اجرایی و کارگزاران نظام، انرا بعنوان تکلیف دینی و قرآنی در متن اندیشه و عمل خویش قرار دهد.

محافل علمی، رسانه‌ها، مطبوعات، حوزه‌های علمیه و روحانیت معزز مسولیت تردید ناپذیری در تبیین قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دارند. برای عبور از شرایط سخت و بحرانهای سیاسی و اجتماعی و تامین سفارشات و حیانی قرآن کریم، با توجه به نیازهای سیاسی و اقتصادی معاصر، و تکمیل گام دوم انقلاب اسلامی، همدلی و اتحاد مؤمنان در پرتو رهنمودهای حکیمانه رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی یک ضرورت سیاسی، دینی و اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

دموکراسی بعنوان نظام سیاسی مطلوب در جهان غرب با وجود مدافعان سرسخت و امکانات فراوان تبلیغاتی و فرهنگی، با چالش‌های تئوریک همراه است از طرف دیگر در جامعه دینی با توجه به ماهیت غیر دینی دموکراسی، این گونه نظامها در جامعه اسلامی جایگاه سیاسی و فرهنگی ندارد. مردم و پاسداران ارزشهای دینی و انقلابی، مقاصد و اهداف خود را در نظام دینی قرآنی جستجو میکنند. زیرا مؤمنان هدف از مدیریت سیاسی را، به تامین امکانات و مزایای فرهنگی و اقتصادی خلاصه نمیکند. جامعه سیاسی قرآنی، غایت زندگی را رسیدن به سعادت و کمال میداند. روشن است دموکراسی نمی‌تواند جامعه دینی را به اهداف و زندگی متعالی برساند. تنها سیستم سیاسی مطلوب که دین و دنیای مردم را تامین می‌کند، نظام سیاسی است که با تکیه بر آموزه‌های قرآن شکل یافته باشد. جمهوری اسلامی و مردم سالاری دینی اینک گزینه مطلوب برای مدیریت سیاسی جهان معاصر است.

با این وجود برای پویایی و استقرار کامل نظام سیاسی قرانی در ایران اسلامی می‌بایست با دقت و هوشیاری بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری، چالش‌ها و موانع سیاسی و اقتصادی را شناخت، تحلیل کرد و راه حل ارائه نمود. پیگیری آرمانهای بلند جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب با شعار و طرح الگوهای غیر واقعی امکان پذیر نیست. جمهوری اسلامی بدون تردید به لحاظ سیاسی و نظامی در اوج اقتدار است اما به لحاظ اقتصادی و استقلال اقتصادی در مسیر حرکت خود در گام دوم انقلاب با تنگناهای مواجه است. استکبار جهانی با توجه به شناخت کامل از نقاط ضعف نظام اسلامی در ایران، یعنی اقتصاد، تولید، سرمایه و توزیع متوازن منابع پولی، شدیدترین موانع را در برابر جمهوری اسلامی ایجاد کرده است و یکراد استکبار در برابر جمهوری اسلامی بدون برنامه و مطالعه اقتصادی نیست. از طرف دیگر با وجود بی‌سابقه ترین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی از سوی نظام سلطه، هیچگونه خلل و تزلزلی در آرمان و اقدامات فرهنگی و انقلابی نظام اسلامی بوجود نیامده است که طبعاً نشان دهنده عمق و ثبات کامل جمهوری اسلامی به لحاظ سیاسی و نظامی و توجه به آموزه‌های قران است. دفاع از جنبش‌های آزادی بخش، گروههای مقاومت اسلامی، و ملت‌های مظلوم، همچنان در کانون توجه رهبری نظام قرار دارد زیرا مسایل سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی به صورت راهبردی و تغییر ناپذیر در پرتو سفارشات امام راحل و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ﷺ تعریف شده است. تنها نقطه آسیب جمهوری اسلامی، توانایی اقتصادی و معیشت مردم است. با رفع چالش‌های موجود اقتصادی در سایه شاخصه‌های که رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی سفارش فرموده است، ثبات جمهوری اسلامی مستمر، کامل خواهد بود و گام دوم انقلاب اسلامی را با توان و قابلیت‌های مضاعف خواهد پیمود

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی‌جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. مقام معظم رهبری حضرت ایت الله خامنه ای، (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.
۴. آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
۵. آشوری، داریوش، (۱۳۵۷) فرهنگ سیاسی، تهران، انتشارات مروارید.
۶. آربلاستر، انتونی، (۱۳۷۹) دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، انتشارات اشیان.
۷. ارمه، گی (۱۳۷۹)، فرهنگ و دموکراسی، ترجمه مرتضی ثاقب، تهران، ققنوس.
۸. بشیری، حسین، (۱۳۸۲) آموزش دانش سیاسی، تهران، نگاه معاصر.
۹. بیتهم، دیوید و بویل، کوین (۱۳۸۴)، دموکراسی چیست، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران، نشر ققنوس.
۱۰. بشیری، حسین (۱۳۸۱)، درسهای دموکراسی برای همه، تهران، نگاه معاصر.
۱۱. بیتهم، دیوید (۱۳۸۳)، دموکراسی و حقوق بشر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، طرح نو.
۱۲. بازارگاد، بهاء الدین (۱۳۴۴) مکتب‌های سیاسی و فرهنگ مختصر عقاید و مرامهای سیاسی، تهران نشر اقبال.
۱۳. تیجانی، عبدالقادر (۱۳۹۲)، مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی، ترجمه و تعلیق مهران اسماعیلی و مشتاق الحلو، تهران، همان.
۱۴. جهانگللو، رامین (۱۳۸۴)، مدرنیته، دموکراسی و روشنفکران، تهران، نشر مرکز.
۱۵. جمعی از نویسندگان، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، قم زمزم هدایت، چاپ اول.
۱۶. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۳)، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، قم، زمزم هدایت.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۲)، منطق تفسیر قرآن (قرآن و علوم طبیعی و انسانی، قم، جامعه المصطفی العالمیه).
۱۸. زرشناس، شهریار (۱۳۸۳)، واژه نامه فرهنگی سیاسی، تهران، نشر کتاب صبح.
۱۹. سریع القلم، محمود (۱۳۸۰) روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل، تهران، نشر فرزانه.

روز.

۲۰. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۶) تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۳)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۲. قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۶)، سیاست و حکومت در قران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۳. قرشی، باقرشریف، (۱۳۶۹) نظام حکومتی واداری در اسلام، ترجمه عباسعلی سلطانی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.

۲۴. قراملکی، محمدزارع (۱۳۸۹)، اصول تفکر سیاسی درقران، تهران، اندیشه جوان

۲۵. کوهن، کارل، (۱۳۷۳) دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، خوارزمی..

۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، نظریه سیاسی اسلام، ج ۱، ۲، قم انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

۲۷. مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.

۲۸. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۸) موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران، روزنه.

۲۹. های، کالین (۱۳۸۵) درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نی.

مبانی حاکمیت بر فضای سایبری در گام دوم انقلاب از منظر فقه حکومتی

سعید حسینی^۱

چکیده

مدیریت اسلامی «رسانه‌های پیشرفته و فراگیر»، از وظایف حکومت اسلامی به شمار می‌رود؛ که در توصیه دوم «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» بر این نکته تأکید شده است. هدف این پژوهش، بررسی مبانی مدیریت رسانه‌های سایبری در ارائه‌ی راهبرد کلی و راهکار عملی، با استفاده از رویکرد فقه حکومتی است. در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با جستجو در منابع کتابخانه‌ای؛ راهبرد ایمن‌سازی همه‌جانبه‌ی فضای سایبر، با استناد به قواعد فقه شیعه ارائه شده است. در نتیجه، ایجاد امنیت اعتقادی، اخلاقی، جانی، روانی، مالی، اطلاعات شخصی و اطلاعات محرمانه‌ی ملی، در فضای سایبر از وظایف دولت اسلامی دانسته شده است؛ و علاوه بر ضرورت نظارت و پالایش، که یک رفتار سلبی و به نوعی انفعالی است؛ انجام رفتارهای ایجابی و با ماهیت ایجابی و پیشگیرانه، همانند هویت‌نمایی کاربران فضای سایبر نیز به عنوان راهکار عملی مشخص، به عنوان رهاورد رویکرد فقه حکومتی معرفی شده است.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب، رسانه‌های سایبری، فقه حکومتی، ایمن‌سازی

همه‌جانبه فضای سایبر.

۱. سطح ۴ حوزه علمیه و عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

shahidmohammad.4101365@gmail.com

مقدمه

در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی، بیانیه‌ی مهمی از سوی مقام معظم رهبری، آیه الله خامنه‌ای علیه السلام صادر گردید، که همانند سایر سیاست‌های کلی ابلاغ شده از سوی ایشان، بر اساس وجوب اطاعت از ولی امر، لازم الاجرا می‌باشد. در توصیه دوم این بیانیه که پیرامون اخلاق و معنویت است، بر وظیفه سنگین دستگاه حاکمیت نسبت به برنامه ریزی برای مدیریت ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، تأکید شده است؛ که مصداق بارز این رسانه‌ها، رسانه‌هایی هستند که بر بستر فضای سایبر مورد استفاده قرار می‌گیرند. ایشان در دومین توصیه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>)

باتوجه به این که بایسته‌های تمدن نوین اسلامی از رویکرد نوین و حکومتی به گنجینه‌ی فقه جعفری و جواهری به دست می‌آید؛ لازم است تا راهبرد و راهکار عملی مشخص و پیشنهاد شده از رویکرد فقه پژوهی حکومتی در زمینه مدیریت رسانه‌های سایبری کاوش گردد که در این پژوهش چنین امری دنبال می‌گردد. از این روی، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که «برای عملی کردن توصیه دوم بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی در موضوع مدیریت رسانه‌های پیشرفته و فراگیر که مصداق بارز آن‌ها رسانه‌های سایبری هستند، چه راهبردی وجود دارد؟» و در همین رابطه دو سؤال فرعی نیز مطرح شده است:

«آیا راهبرد ایمن سازی جامع و کامل فضای سایبری یک راهبرد مبتنی بر فقه پژوهی حکومتی و تمدن ساز می باشد؟» و «چه راهکارهای سلبی و ایجابی ای برای مدیریت اسلامی رسانه های سایبری، مبتنی بر فقه پژوهی حکومتی پیشنهاد می شود؟»

۱. پیشینه تحقیق

از نیمه دوم قرن بیستم و با انحطاط ابعاد مختلف امنیت در سطح جهانی و بین المللی، مطالعات پیرامون امنیت رو به گسترش است (لک زایی، ۱۳۹۴، ص. ۸۰)؛ و از آن جا که انواع درهم تنیده ای امنیت در حکومت اسلامی مطلوب است (سیدباقری، ۱۳۹۷، ص. ۲۷)؛ پژوهشگران فقه سیاسی، پیرامون وظایف حکومت اسلامی در تأمین تمام ابعاد امنیت در فضای فیزیکی، مطالعات گسترده ای انجام داده اند که در مجلات علمی علوم سیاسی و فقه سیاسی به رشته تحریر درآمده و منتشر شده اند (ر. ک: لک زایی و فاضلی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۲؛ ورعی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۶؛ حاج زاده و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۵۷؛ شریعتمدار جزایری، ۱۳۷۹، ص. ۷)؛ اما در حوزه مدیریت رسانه مخصوصاً در فضای سایبری، تحصیلات در مقطع دکتری در دانشگاه های ایران به تازگی و در دهه اخیر شروع شده است. البته پژوهش هایی در زمینه اخلاق زیستن در فضای سایبری و مبانی حقوقی و فقهی حریم خصوصی افراد و پالایش توسط حکومت، در مراکزی همچون مرکز مطالعات راهبردی فضای مجازی دانشگاه جامع امام حسین (ع) انجام گرفته و برخی پژوهش ها در مجلات علمی به چاپ رسیده است (ورعی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۸؛ حسینی و برزویی، ۱۳۹۶؛ طباطبایی و لیالی، ۱۳۹۷، ص. ۸۷؛ اسماعیلی و نصر اللهی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰). همچنین در فصل سی ام قانون مجازات اسلامی به جرایم رایانه ای پرداخته شده و مجازات های تعزیری اخلاص به ابعادی از امنیت مانند: امنیت اطلاعات سَرِی ملی و شخصی (مواد ۷۲۹ و ۷۴۰)، امنیت روانی و امنیت و آسایش عمومی (مواد ۷۴۶ و ۷۳۹)، امنیت اخلاقی (مواد ۷۴۲ و ۷۴۳)، امنیت جانی نسبت به تهدید، و ترغیب به خودکشی و اعمال خشونت آمیز (ماده ۷۴۳)، و امنیت حیثیت و آبرویی افراد (مواد ۷۴۴ - ۷۴۶)؛ بیان گردیده است (قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، فصل سی ام، ص ۳۱۹ - ۳۳۶)؛ اما بدیهی است که اکتفا کردن به رفتارهای بازدارنده‌ی حکومتی به شکل سلبی، موجب ترسیم روشن تمدن پایدار و برخاسته از فرهنگ اسلام نخواهد شد. در برخی مقالات به جهت گیری عدالت گستری و حکمت افزایی در رسانه های جدید اسلامی بر اساس نگاه مهدوی و به عنوان الگوی هنجاری رسانه مطلوب دولت اسلامی پرداخته شده است (باهنر و صمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳). اما در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی، تنظیم برنامه های جامع کوتاه مدت و میان مدت برای مدیریت رسانه های پیشرفته و فراگیر که مصداق بارز آن ها، رسانه های سایبری است؛ ضروری دانسته شده است. از این توصیه برداشت می شود که اکتشاف بایسته های راهبردی و راهکارهای عملیاتی به جهت مدیریت فضای سایبری، نیازمند پژوهش ها و قوانینی فراتر از قوانین کیفری در مورد جرائم رایانه ای و یا بیان الگوهای هنجاری است. درحالی که در میان مقالات و آثار علمی مرتبط با بایسته های فقهی مرتبط با فضای سایبر، به طور مشخص، راهبرد ایمن سازی همه جانبه فضای سایبر و همراه با ارائه راهکارهای ایجابی و عملیاتی که با رویکرد فقه حکومتی سند پژوهی شود، یافت نشد.

از طرف دیگر در سیاست های کلی برنامه ششم توسعه که از سوی ولی فقیه ابلاغ شده، در قسمت مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات، بند ۳۳ و ۳۴ در کنار تأکید بر تأمین امنیت به عنوان یک راهبرد، برخی راهکارهای عملیاتی مانند بومی سازی شبکه و هویت نمایی کاربران نیز بیان شده است (خامنه ای، ۱۳۹۴/۴/۹).^۱ همچنین در نکات مورد توصیه ی اکید معظم له در حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، اهتمام ویژه

۱. ۳۳. توسعه ی محتوا در فضای مجازی بر اساس نقشه ی مهندسی فرهنگی کشور تا حداقل پنج برابر وضعیت کنونی و بومی سازی شبکه های اجتماعی. ۳۴. ایجاد، تکمیل و توسعه ی شبکه ملی اطلاعات و تأمین امنیت آن، تسلط بر دروازه های ورودی و خروجی فضای مجازی و پالایش هوشمند آن و ساماندهی، احراز هویت و تحول در شاخص ترافیکی شبکه به طوری که پنجاه درصد آن داخلی باشد (حسینی خامنه

به سالم سازی و حفظ امنیت همه جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه و مقابله مؤثر با نفوذ و دست اندازی بیگانگان در این عرصه به عنوان راهبردی مهم ذکر شده است و تدوین و تصویب نظام های امنیتی، حقوقی، قضایی و انتظامی مورد نیاز در فضای مجازی، از وظایف این شورا دانسته شده است (خامنه ای، ۱۳۹۴/۶/۱۴)؛^۱ در حالی که مقام معظم رهبری، بر اساس مبانی فقهی خود با رویکرد فقه حکومتی به طرح و بیان این سیاست ها پرداخته است و لزوم بررسی مبانی فقهی اندیشه های ایشان، ضرورت تحقیق حاضر را دوجندان می کند.

۲. مفاهیم تحقیق

۲.۱. رسانه های سایبری

رسانه به معنای هر آن چیزی است که برای رساندن و انتقال پیامی مورد استفاده قرار

۱. در بندهای پنجم تا دهم این ابلاغیه آمده است: «۵. تسریع در راه اندازی شبکه ملی اطلاعات پس از تصویب طرح آن در شورای عالی و نظارت مستمر و مؤثر مرکز ملی بر مراحل راه اندازی و بهره برداری از آن. ۶. اهتمام ویژه به سالم سازی و حفظ امنیت همه جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه و مقابله مؤثر با نفوذ و دست اندازی بیگانگان در این عرصه. ۷. ترویج هنجارها، ارزش ها و سبک زندگی اسلامی ایرانی و ممانعت از رخنه ها و آسیب های فرهنگی و اجتماعی در این عرصه و مقابله مؤثر با تهاجم همه جانبه فرهنگی و نیز ارتقای فرهنگ کاربری و سواد فضای مجازی جامعه. ۸. احراز جایگاه و سهم مناسب برای اقتصاد دانش بنیان در فضای مجازی در چارچوب سیاست های اقتصاد مقاومتی کشور و برنامه ریزی همه جانبه برای بهبود شرایط کسب و کار مرتبط با فناوری های مجازی و بهره گیری از فرصت های اشتغال زایی و نیز رونق محتوا، خدمات و تجارت در این عرصه. ۹. توسعه محتوا و خدمات کارآمد و رقابتی منطبق بر ارزش ها و فرهنگ اسلامی ایرانی در تمامی قلمروهای مورد نیاز جامعه و جلب مشارکت های مردمی و بکارگیری ظرفیت های بخش خصوصی در این زمینه. ۱۰. تدوین و تصویب نظام های امنیتی، حقوقی، قضایی و انتظامی مورد نیاز در فضای مجازی. (حسینی خامنه ای، ابلاغ حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۵۴۲ <https://www.leader.ir/fa/content/>)

می‌گیرد و رسانه‌های سایبری، ابزارهایی می‌باشند که با فن‌آوری‌های جدید ساخته می‌شوند و در بستری موسوم به فضای سایبری و یا مجازی به کار گرفته می‌شوند. فضای سایبر^۱ معادل دنیای مجازی^۲ قرار داده شده است. این واژه در کاربرد رایج آن در ایران بیانگر محیطی است که در بستر اینترنت ایجاد شده و دارای دو ویژگی اصلی اشتراک‌گذاری و تعامل اطلاعاتی است. به همین منظور، به گستره‌ی فضای مجازی به اختصار «فاوا» (فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات) گفته می‌شود (شریفی دوست و واحد جوان، ۱۳۹۸، ص. ۴۰). به عبارت دیگر محیطی غیر فیزیکی از ارتباطات تعاملی و فکری از طریق شبکه‌ی رایانه‌ای و بر بستر دیجیتال را فضای سایبر می‌خوانند (اسماعیلی و نصر الهی، ۱۳۹۵، ص. ۸۰). در این بحث باید توجه نمود که استفاده از لفظ مجازی به معنای غیر واقعی نیست و مجاز در این استعمال به معنای غیر فیزیکی است و لذا می‌بایست گفت: واقعیت مجازی و واقعیت فیزیکی (عاملی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴).

۲.۲. فقه حکومتی

«فقه حکومت» دانشی است که متکفل بیان وظایف دستگاه حاکمیت و استنباط احکام شرعی تکلیفی و وضعی آن از منابع فقه می‌باشد. همان‌طور که «فقه افراد» وظایف مکلفین را در حیطه‌ی رفتارهای هر فرد انسان به طور معین معرفی می‌کند؛ هرچند ممکن است به شخصیت حقیقی و یا حقوقی افراد نظر داشته باشد (ر. ک: مرتضوی نژاد و میرباقری، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۶ - ۱۳۰ و ۱۴۴). اما اصطلاح «فقه حکومتی» بیانگر یک رویکرد در روند فقه پژوهی است. رویکرد حکومتی در فقه، یک نظریه درباره روش استنباط است و به فقیه توصیه می‌کند تا در مقام استنباط احکام فقهی، با لحاظ مبانی همچون گسترش قلمرو دین به عرصه اداره جامعه، اجرای تمام احکام سعادت بخش اسلام در یک نظام حکومتی را مد نظر قرار دهد (ضیائی فر، ۱۳۹۰، ص. ۷۰). در این رویکرد تمام احکام فقهی اعم از فقه

1. cyber space
2. virtual world

عبادات (فقه الصلاة، فقه الحج و...)، فقه معاملات (فقه التجاره، فقه النکاح و...) و فقه حکومت (فقه القضا، فقه الجزا و...) با نگرش حکومتی بررسی می‌شوند. به این معنا که تأثیر احتمالی و حتمی هر حکم در کیفیت مطلوب اداری نظام معاش و معاد انسان‌های مهذب و تشکیل جامعه‌ی توحیدی لحاظ گردد؛ و هر فرد در قالب جامعه‌ای به هم پیوسته و در هویت جمعی آن نگریسته می‌شود. (مشکانی سبزواری و سعادت، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۶؛ غلامی و میراحمدی، ۱۳۹۳، ص. ۸۶).

۳. مبانی نظری تحقیق

بر اساس مبانی نظری اسلام، مهم‌ترین هدف از تشکیل حکومت، بسترسازی برای اقامه‌ی توحید فردی و اجتماعی و اجرای احکام الهی است؛ و استقرار نظم، امنیت و عدالت، از مقدمات ضروری آن به شمار می‌روند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۵-۱۶۰؛ ورعی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۲-۱۲۶)، که دستیابی کامل به این اهداف، در حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه‌ه تحقق خواهد یافت (صرامی، ۱۳۹۷، ص. ۵۷-۶۰). به تعبیر دیگر در اندیشه اسلامی، سیاست، خادم شریعت است و سیاست متعالیه به دنبال تربیت خلیفه الهی است (لک زایی و دلیر، ۱۳۹۱، ص. ۷۲). این دیدگاه در اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران [فصل اول] (نظر پور، ۱۳۸۹، ص. ۴۸ و ۶۴-۷۸)، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (حسین نژاد و ایزدی فرد، ۱۳۹۶، ص. ۸۸)،^۱ و بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی، ابلاغ شده از سوی رهبر معظم انقلاب (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴)،^۲ انعکاس یافته است. در حالی که مبنای مذکور در تقابل کامل با نظریه‌های اومانیستی و لیبرالیستی است. به این معنا که هدف حکومت غیر الهی، ایجاد رفاه و استفاده‌ی حداکثری از مواهب مادی و محصولات تکنولوژی تلقی شده، و همچنین نحوه‌ی طراحی این محصولات، همسو با هدف یادشده تصویر می‌گردد (ر.ک: شبان‌نیا، ۱۳۹۵، ص. ۴۳-۵۳؛ واعظی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱-۲۶). بر این اساس، در

1. <https://www.leader.ir/fa/content/22262/>.

2. <https://www.leader.ir/fa/content/22734/>.

طراحی سخت افزاری، نرم افزاری، و چستی شکل و محتوای فضای سایبر، و همچنین در سبک زندگی در فضای سایبر، تأثیر مبانی فقه سیاست و مدیریت، خود را نشان می‌دهد و از آن جا که برداشتن گام دوم انقلاب به سوی تمدن نوین اسلامی که تحقق آن از آرزوهای پیشوایان الهی می‌باشد، نیازمند تدوین بایسته‌ها و آموزه‌های فقه شیعی است؛ ضرورت فقه پژوهی با رویکرد حکومتی در زمینه مدیریت رسانه‌های سایبری و عمل به توصیه دوم از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، روشن می‌گردد.

در روش‌شناسی فقه، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی فقه موضوع محور، فقه نظام محور و فقه سرپرستی مطرح گردیده (مرتضوی نژاد و میرباقری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹)؛ و اتخاذ رویکرد سوم به منظور پیشگیری از انفعال فقه در برابر طراحی‌های سبک زندگی مبتنی بر مدرنیته، و به عنوان یکی از مقدمات ضروری در تمدن‌سازی اسلامی و تنها روش صحیح فقه پژوهی [به عنوان اصلی‌ترین دانش مستند به دین و کانون هدایت جامعه] ضروری شمرده شده است (مشکانی سبزواری و سعادت، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶؛ خلف خانی، ۱۳۹۵، ص ۴۱). در فقه سرپرستی جامعه به عنوان یک کل متغیر و متحرک، و با تأثیر و تأثر درونی اجزاء خود بر یکدیگر، مورد تصرف حکومت قرار می‌گیرد و طراحی چستی و مقادیر تمایلات اخلاقی و ذائقه‌ی عموم اعضای جامعه، مهم‌ترین لایه‌ی تصرف در جامعه است (خلف خانی، ۱۳۹۵، ص ۴۴). و در واقع علاوه بر نگرش کلان و منسجم به نظامات اقتصادی، سیاسی، تربیتی و... حرکت تکاملی و اختیاری فرد و جامعه، در سه لایه‌ی فردی، اجتماعی و تاریخی، سرپرستی می‌شود که نیازمند ارتقاء فقه در ناحیه‌ی مبانی کلامی، فلسفه‌ی فقهی و فلسفه‌ی اصولی دانسته شده است (مرتضوی نژاد و میرباقری، ۱۳۹۶، ص ۱۰). اتخاذ رویکرد فقه حکومتی نتایج متعددی دارد که از جمله‌ی آن‌ها، توجه به کارآمدی و میزان اثربخشی احکام و قوانین است؛ که در فقه فردگرا، صرفاً شروط فعلیت احکام لحاظ می‌شوند. و همچنین با این رویکرد، رجوع به اصول عملیه و مخصوصاً «أصالة الإحتیاط» بسیار کاهش خواهد یافت. زیرا قوانین حقوقی که به جهت اجرا در محیط جامعه وضع می‌شوند، به

صراحت و قاطعیت نیاز دارند (ضیائی فر، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

بنابراین دو رویکرد فقه حکومتی و فقه فردگرا، در موضوع، هدف، روش و مبانی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که این اختلاف رویکردی، دارای ثمرات عملی قابل توجهی می‌باشد. و به نظر می‌رسد کشف راهکارهای بستر ساز و ذائقه پرور در زایش سبک زندگی و تولّد تمدّن از آن، و در نتیجه تأثیر تربیتی و سرپرستی حاکمیت بر آحاد جامعه می‌بایست مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلامی باشد و با هدف پرورش انسان در همه ابعاد جسمی و روحی و همچنین فردی و اجتماعی او صورت گیرد. که این بایسته‌های کلی و اصول تربیت در سطح حاکمیت به عنوان مربّی و عامل تربیتی و سرپرستی، در ماهیت و چیستی روش‌های تربیتی حاکمیت تأثیر جدّی دارد.

به منظور استکشاف مجدّد احکام فقهی با رویکرد فقه حکومتی از منابع فقهی‌ای که غالباً با رویکرد فقه فردگرا تولید شده‌اند، انجام اموری لازم دانسته شده است. به طور مثال: استخراج مبانی از روبنا به زیربنا و استنباط نظام مقاصد شریعت، استنباط و اتخاذ منطق حجّیت به جهت هماهنگ‌سازی فهم‌های دینی، و استفاده کارآمدتر از عقل و مصلحت (خلف خانی، ۱۳۹۵، ص ۴۰ و ۴۷؛ غلامی و میراحمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳). که توجه به مقوله‌ی تشخیص مصالح احکام اولیه و ثانویه در عین خطیر بودن، حائز اهمیت بسیار زیادی است؛ تا جایی که رأس هرم فقه اسلامی، مصلحت دانسته شده است (شاگری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹). البته در فقه شیعه استحسان مبنای استنباط نمی‌باشند و کشف ظنّی مقاصد شریعت، توان اثبات حکم شرعی را ندارد (سبحانی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۸۱) که یکی از مفاسد آن، عرفی شدن دین است. اما در هدایت‌گری جامعه به سوی مصالح نفس‌الامری و تولید موضوع احکام، می‌توان توجه به مقاصد شریعت را ضروری دانست. و به طور مشخص در بحث حاضر، قرار دادن فضای سایبری به منزله فضای زیست حقیقی و ایده گرفتن از بایسته‌های مدیریت فضای غیر مجازی برای مدیریت فضای مجازی یک راهکار مبتنی بر

مقاصد شریعت است؛ با این توضیح که مقصود شارع از جعل حکم، تنظیم معاش انسان در شئون زندگی در جهت سعادت بخشی برای اوست، و فهم ارتکازی و عرفی مخاطبین احکام اسلام در بحث اعمال حاکمیت بر فضای زندگی سایبری، تنزیل مذکور را مسلم می‌داند و محل اجرای احکام را فضای زندگی می‌داند؛ درحالی که در استظهار از ادله مربوط به فضای زندگی فیزیکی الغای خصوصیت می‌کند. البته بدیهی است که در هر تنزیلی چشم پوشی از اختصاصات و امتیازات ممکن نیست و موضوع شناسی تخصصی نسبت به فضای سایبر را لازم دارد.

۴. راهبرد برآمده از فقه پژوهی حکومتی در مدیریت رسانه‌های سایبری

بر پایه آموزه‌های قرآن کریم، امنیت یکی از بزرگترین موهبت‌های الهی است (قریش، ۴؛ نحل، ۱۱۲؛ انفال، ۲۶؛ فصلت، ۴۰؛ انعام، ۸۲). و بسیاری از فقیهان متقدم و فقه پژوهان معاصر، مقاصد اصلی شریعت و وظایف حاکمیت اسلامی در راستای اجرا و عینیت بخشی به شریعت را زیر چتر گسترده و چند بعدی امنیت گنجانده‌اند (صرامی، ۱۳۹۷، ص. ۶۰؛ ورعی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۶). شهید اول و فاضل مقداد - قدس سرهما - در استنباطی جامع نسبت به قواعد و ارکان شریعت اسلام، بیان می‌دارند که: شریعت با احکام عبادات، معاملات و قضا و شهادات، برای حفاظت و بقای دین، جان، مال، نسب، و عقل و عقلانیت انسان، و به تعبیر دیگر تأمین امنیت در موارد یاد شده، نازل گردیده است (عاملی مکی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص. ۳۴ - ۳۹؛ حلی سیوری، ۱۴۰۳ق، ص. ۶۰ - ۶۳). و بر اساس حکمت‌هایی تشریع احکام الهی که در روایات وارد شده^۱ (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲؛ ابن بابویه شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص. ۹۹ - ۱۳۲؛ و ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۵۹۲)؛ برداشت این دو فقیه یاد شده وجیه می‌نماید؛ زیرا از این روایات این طور برداشت می‌شود که، فلسفه تشریع

۱. مانند روایت مبسوط فضل بن شاذان نیشابوری از امام رضا - علیه السلام - که بسیاری از فقها و حدیث شناسان همانند شیخ اعظم انصاری (قده) این روایت را صحیح می‌دانند و به آن عمل کرده‌اند (ر.ک: انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص. ۱۱ و ۴۴).

حدود، قصاص و تعزیرات، احکام قضا و شهادات، وجوب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، حرمت فحشا و تعدی به مال و آبرو و وجاهت افراد دارای احترام، حرمت کذب و نشر اکاذیب و مطالب گمراه کننده، حرمت نوشیدن مسکرات و غنا، احکام مدنی مربوط به خانواده و روابط زوجین و والدین و فرزندان و احکام مدنی مربوط به بازار و بسیاری دیگر از آموزه‌های فقهی اسلام، تأمین ابعاد مختلف امنیت مگلفین اعم از امنیت جانی، مالی، آبرویی، اخلاقی، اعتقادی و فکری، روانی، و اطلاعاتی می‌باشد (همان).

در پژوهش‌های فقهی مرتبط با حکم به وجوب پالایش فضای سایبری^۱ به جهت سرایت دادن «حکم به وجوب تأمین امنیت همه جانبه بر عهده حکومت»، نسبت به فضای مجازی و سایبری، به قواعد فقهی همچون قاعده «نهی ضرر»، «وجوب حفظ نظام»، «حرمت نشر کتب ضلال»، «حرمت یاری رساندن و معاونت بر اثم و گناه»، «نهی سبیل» استناد شده است و در استفاده اصولی از این قواعد برای فضای سایبری از الغاء خصوصیت عرفی و یا قیاس اولویت و فحوا کمک گرفته شده است (ر.ک: اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵ ص ۶۲ - ۷۰؛ طباطبایی و لیالی، ۱۳۹۷، ص ۹۰ - ۱۰۰).

یکی از مستندات روایی «راهبرد ایمن سازی فضای سایبری»، فرمایش امیر المؤمنین - علیه السلام - در باب تأمین امنیت در جامعه مخصوصاً نسبت به راه‌های ارتباطی، است که از وظایف اصلی حکومت اسلامی و فلسفه تشکیل آن یاد شده است. ایشان می‌فرماید: «خدا یا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱). در این بیان نورانی یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت اسلامی تأمین امنیت مردم معرفی شده است. در جای دیگر می‌فرماید: «در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا

مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهرمند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاذبه‌ها امن و امان، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). در این بیان، لزوم تأمین امنیت راه‌های ارتباطی به صراحت بیان شده است. که با الغای خصوصیت عرفی از راه‌ها و اماکن فیزیکی، می‌توان فضای ارتباطی و زیستی در محیط سایبر را مشمول کلام امام دانست. زیرا عرف مخاطب کلام امام - علیه السلام - با دقت در عناصر قوام بخش مفاهیمی همچون فضای زندگی شهری و فضاهای ارتباطی بین شهری، «احساس امنیت از سوی محیط پیرامون» را که مقدمه رفتار ارادی و بندگی آزادانه و مانع تعدی و ظلم می‌شود را عنصر قوام‌بخش می‌یابد، و در نظر عرف، محیط سایبری برای زیستن متناسب خود، با محیط زیست فیزیکی، از حیث تأمین ابعاد امنیتی متناسب هر فضا و در حیطه مکنّت و توان حاکمیت تفاوتی وجود ندارد. وانگهی با توجه به قابلیت‌های فضای سایبری برای تحصیل دانش و یا فعالیت‌های اقتصادی و اکتساب و داد و ستد مالی، هیچ تفاوتی میان امنیت حوزه نشریات و یا بازار در فضای سایبری و غیر آن وجود ندارد. بلکه از جهاتی تأمین امنیت و جلوگیری از ضرر رساندن افراد در فضای سایبری اولویت دارد (طباطبایی و لیالی، ۱۳۹۷، ص. ۹۰ و ۱۰۰)؛ زیرا قابلیت انتشار مطالب با سرعت و وسعت زیاد، همانطور که می‌تواند در مسیر توحید و بندگی سهولت و آسانی را به دنبال داشته باشد، می‌تواند به آسانی ضررها و نامنی‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و روانی را به دنبال داشته باشد که نسبت به نا امنی‌های مرتبط با فضای فیزیکی بسیار بیشتر است. به طور مثال افشا شدن اسرار محرمانه شخصی در فضای مجازی به طوری گسترده و خارج از کنترل است که اعاده‌ی حیثیت در بسیاری از موارد ناممکن است. و یا ترویج خشونت و ارباب مردم در این فضا به آسانی و گستردگی ای بسیار بیشتر نسبت به فضای فیزیکی صورت می‌گیرد.

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز با توجه به بنای عقلا و اینگونه احادیث، تأمین امنیت همه جانبه فضای سایبری و ارتباطات مجازی را همانند وجوب ایمن سازی راه‌ها و جاده‌ها، بر حکومت، لازم و واجب می‌داند. ایشان در بیانات خود می‌فرماید:

«یکی وزارت ارتباطات [است]. این فضای مجازی امروز از فضای حقیقی زندگی ما چند برابر بزرگ‌تر شده؛ بعضی‌ها اصلاً در فضای مجازی تنفس میکنند؛ اصلاً آنجا تنفس میکنند، زندگی‌شان در فضای مجازی است. جوانان هم سروکار دارند با فضای مجازی، با انواع و اقسام چیزها و کارها، با برنامه‌های علمی‌اش، با اینترنتش، با شبکه‌های اجتماعی‌اش، با مبادلات و امثال اینها سروکار دارند؛ خب، اینجا لغزشگاه است. هیچ‌کس نمی‌گوید آقا جاده نکش. اگر شما در يك منطقه‌ای جاده‌ای لازم دارید، خیلی خب، جاده بکش، جاده‌ی اتوبان هم بکش اما مواظب باش! آنجایی که ریزش کوه محتمل است، آنجا محاسبه‌ی لازم را بکنید. ما به دستگاه‌های ارتباطی خودمان، به مجموعه‌ی وزارت ارتباطات و شورای عالی مجازی - که بنده از آن هم گله دارم - سفارشمان این است. ما نمی‌گوییم این راه را ببندید؛ نه، اینکه بی‌عقلی است. يك کسانی نشسته‌اند، فکر کرده‌اند، يك راهی باز کرده‌اند به‌عنوان این فضای مجازی و به قول خودشان سایبری؛ خیلی خب، از این استفاده کنید منتها استفاده‌ی درست بکنید؛ دیگران دارند استفاده‌ی درست میکنند؛ بعضی از کشورها طبق فرهنگ خودشان این دستگاه‌ها را قبضه کرده‌اند. ما چرا نمی‌کنیم؟ چرا حواسمان نیست؟ چرا رها میکنیم این فضای غیرقابل کنترل و غیرمنضبط را؟ مسئولند، یکی از مسئولین هم همینها هستند؛ دستگاه وزارت ارتباطات است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۱۳، ۱۴۸۴۳، <https://www.leader.ir/fa/content/14843>).

در ادامه به گونه‌های امنیت^۱ و ضرورت ایجاد امنیت فراگیر با رویکرد فقه حکومتی

۱. ابعاد امنیت در چهار سطح فردی، عمومی، ملی و بین‌المللی قرار دارند و اقسام امنیت عبارتند از: جانی، مالی، آبرویی، فکری، فرهنگی و مذهبی، روانی، قضائی، نظامی، زیست‌محیطی، شغلی و اقتصادی، و سیاسی. (بهرامی، ۱۳۸۲، ص. ۱ - ۳؛ حاج‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۵۵ - ۲۶۸). البته برخی

اشاره می‌گردد:

۱.۴- امنیت اعتقادی و مذهبی

می‌توان از روایات دالّ بر حرمت تولید، نگهداری، نسخه‌برداری، انتشار، اجاره، خرید و فروش کتب حاوی مباحث گمراه‌کننده یا همان «کتب ضلال» (انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۳۳ - ۲۳۸)، الغای خصوصیت کرده و حرمت امور فوق را در مورد سایت‌ها، کانال‌ها و منابع دیجیتال و اینترنتی گمراه‌کننده، استنباط کرد. به همین ترتیب می‌توان از تنقیح مناط در حکم حرمت ساخت، نگهداری، خرید و فروش صلیب و بُت (موسوی خمینی، ۱۴۳۵ق، ج ۱، ص ۱۶۴ و ۲۶۹) و یا حرمت قبول ولایت از طرف جائز (همان، ج ۲، ص ۱۶۷)، حرمت تولید و انتشار هرآنچه موجب گمراه‌سازی اعتقادی و رواج آن در جامعه می‌شود را، نتیجه گرفت؛ که این حکم در مورد فضای سایبر نیز صدق می‌کند.

۲.۴- امنیت اخلاقی

ادله‌ی فقهی حرمت فحشا، لهو، غنا، استعمال مُسکرات و آلات قمار و مانند آن (انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۱۶ - ۱۱۸ و، ج ۲، ص ۴۱ و ۱۱۷) بدون نیاز به الغای خصوصیت و یا تنقیح مناط، شامل موضوعات این احکام در فضای سایبر می‌باشند. و

پژوهشگران ابعاد امنیت را در هفت بُعد «نظامی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی، و قضایی» دسته‌بندی نموده‌اند (افتخاری و شهباز، ۱۳۹۸، ص ۳۱۹). به نظر می‌رسد گذشته از گفتگوهایی که در مورد ابهام داشتن و یا عدم ابهام در مفهوم شناسی تخصصی امنیت وجود دارد (شریعتمدار جزایری، ۱۳۷۹، ص ۶) خطر از دست دادن هرآنچه مطلوب انسان است، به نحوی او را آزوده‌خاطر و نگران می‌کند؛ و هرآنچه بقای آن امور مطلوب را تضمین می‌کند، به او آرامش و احساس امنیت می‌دهد. بنابراین بسته به ارزشگذاری و تعیین امور مطلوب البته با توجه به جهان‌بینی انسان، گستره و ابعاد امنیت تعیین می‌شوند (ر.ک: لک زایی و فاضلی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲) و موضوع امنیت، کاستن از تهدیداتی است که ارزش‌های گران‌قدر را هدف قرار داده‌اند (اسماعیلی، ۱۳۹۷، ص ۸۰ - ۹؛ صرامی، ۱۳۹۷، ص ۵۱).

همان‌طور که قرار دادن فضای فیزیکی برای انجام گناه به صورت اجاره و یا مجانی حرام است (انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۳۸۵؛ ج ۲، ص ۵۳)، فراهم کردن امکان ارتکاب محرمات فوق و مانند آن در فضای سایبر نیز، با الغای خصوصیت عرفی حرام می‌باشد. و بر اساس قاعده‌ی «تعزیر» از وظایف حتمی و بدیهی حکومت اسلامی، انجام پالایش و جلوگیری نسبت به انتشار و ترویج هر آن چیزی است که با اخلاق حسنه و مخصوصاً عفت جنسی آحاد جامعه منافات دارد (اسماعیلی و نصراللهی، ص ۶۵ - ۶۷). در حالی که دادن إذن به پیام‌رسان‌های فحش‌رسان داخلی و خارجی، در حال حاضر در اختیار دولت و حکومت اسلامی است و بر اساس قاعده فقهی «حرمت اعانت و یاری بر گناه» می‌توان گفت هرچند قصد عرفی بر ارتکاب معصیت را در استفاده از این قاعده شرط بدانیم (انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۳۶)، یا وقوع فعل مورد اعانت را در مفهوم اعانت و یاری قید بنیم (موسوی خویی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۲۴۸)، در این جا عرف، مسئولین حاکمیت را دارای قصد شأنی می‌داند و نگاه کلان و حکومتی به فقه به روشنی بر حرمت سهل انگاری مسئولین در پالایش قضاوت می‌کند (طباطبایی و لیالی، ۱۳۹۷، ص ۹۷). از طرف دیگر علاوه بر وجوب نهی و رفع منکر، وجوب دفع منکر مورد تأیید عقل مستقل است و در کلام برخی ستون‌های فقاهاست مورد استناد واقع شده است (انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۴۱). شیخ اعظم انصاری (قده) معتقد است در جایی که می‌دانیم فردی اهتمام به معصیت دارد و در شرف انجام فعل حرام است، و در صورتی که مانع معصیت او نشویم ارتکاب حرام قطعی است، و مانع ایجاد کردن ما سبب و علت تامه در عدم صدور حرام است؛ از باب قاعده لطف و حکم عقل عملی و همچنین ادله نقلی^۱، دفع منکر واجب است (انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۴۱ - ۱۴۳). هرچند برخی فقها این بیان را مطابق

۱. «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَوْ لَا أَنَّ بَيْنِي أُمِّيَّةً وَجَدُوا لَهُمْ مَنْ يَكْتُبُ وَ يَجِيبُ لَهُمُ الْقِيَّءَ وَ يُقَاتِلُ عَنْهُمْ وَ يَشْهَدُ جَمَاعَتَهُمْ لَمَا سَلَبُونَا حَقَّنَا وَ لَوْ تَرَكْتَهُمُ النَّاسُ وَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا وَجَدُوا شَيْئاً إِلَّا مَا وَقَعَ فِي أَيْدِيهِمْ؛ الحديث» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۹۹).

ظاهر کلام مشهور دانسته‌اند ولی معتقدند حکم عقل به وجوب دفع منکر فقط در مواردی است که عدم تحقق آن‌ها مورد اهتمام شارع است، مانند تعرّض به جان و مال و آبروی محترم و هدم اساس دین و شکسته شدن شوکت و اّبهت مسلمین، و ترویج بدعت‌های گمراهان (موسوی خویی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۲۵۲). و موضوع شناسی فقهی نسبت به وضعیت کنونی فضای سایبری غیر بومی، نشان می‌دهد قدر متیقّن ذکر شده در کلام محقق خویی (قده) یعنی مفاسدی که نبود آن‌ها مورد اهتمام شارع است، در فضای سایبری رها شده‌ی فعلی رخ می‌دهند.

۴. ۳- امنیت روانی عموم جامعه

به طور کلی تخویف و ترساندن مؤمن از محرّمات الهی است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۰۳؛ انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۱۰۹) و همان‌طور که در آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره‌ی احزاب وارد شده، مجازات کسانی که با شایعه پراکنی [در مصادیق گوناگون مانند گرانی و یا حمله دشمن در آینده نزدیک و...] تزلزل، ترس، دلهره و اضطراب عمومی ایجاد می‌کنند، لعن الهی و اعدام می‌باشد. در کریمه‌ی فوق، ابزار این اضطراب آفرینی، اطلاق اصولی دارد و شامل ایجاد ناامنی روانی با استفاده از فضای سایبر نیز می‌شود. کریمه‌ی فوق با اعلام مجازات سنگین اعدام، درصدد بازدارندگی حداکثری می‌باشد که اِعمال آن از وظایف واجب حاکم شرع است. در حکمی دیگر اجماع فقهای امامیه بر استحقاق اجرای حدّ اعدام، نسبت به کسی که با اشتهار سلاح، مرتکب اخافه‌ی عمومی شده است، منعقد گردیده (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۵۶۴) و با الغای خصوصیت عرفی از فضای فیزیکی به فضای سایبری، می‌توان در مورد افرادی که به طور مثال با اشتهار سلاح و تهدید و انتشار تصاویر آن در فضای سایبر موجب دلهره عموم جامعه می‌شوند، به چنین حکمی قائل شد. در نتیجه ممانعت از فعالیت تعرّض کنندگان به آرامش روانی مردم در بستر فضای سایبر، و تعقیب و مجازات مجرمین، بر حکومت واجب است.

۴.۴- امنیت آبرویی آحاد کاربران

ادله‌ی فقهی حرمت غیبت، سخن‌چینی، تتبع از لغزش‌های مؤمنین، استهانه و خار کردن مؤمن، تشبیب و ابراز عشق به زن مؤمن و عقیف و ذکر محاسن او، شایع کردن گناه سرتی و پنهان افراد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۷۵ - ۲۷۹ و ۳۰۶؛ انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۷۷ و ۳۲۷، و، ج ۲، ص ۱۱۱ - ۱۱۴)؛ شامل ارتکاب این امور در فضای سایبر نیز می‌شود؛ و در صورتی که تخریب شخصیت افراد محترم و تعرض به عرض و آبروی ایشان در فضای سایبر به نحو خصوصی و یا عمومی انجام شود، با شکایت آن فرد، وظیفه‌ی مجازات بر عهده‌ی دستگاه حاکمیت است. (ر.ک: ورعی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸) و ایجاد ساز و کاری که بستر ناامن سازی روانی و آبرویی توسط مجرمان، را از بین ببرد و یا نا امن کند، بر عهده‌ی حاکمیت است (سید باقری، ۱۳۹۷، ص ۳۰ - ۴۲).

۴.۵- امنیت مالی و اقتصادی

در این مقوله از چند زاویه می‌توان سخن گفت. به طور مثال، طراح‌ی قالب و نحوه‌ی دسترسی به صفحات اینترنتی توسط حکومت می‌تواند به گونه‌ای باشد که موجب نگرانی کاربر در استفاده از اینترنت و مصرف بیهوده از ذخیره‌ی اینترنت خریداری شده‌ی او گردد. چه به صورت کم شدن ناگهانی از ذخیره‌ی اینترنت کاربر در اثر فریب وی توسط برخی اپلیکیشن‌ها، و چه به سبب گران فروشی دولت به مردم و ارائه‌ی اینترنت در استفاده‌های داخلی اما با اخذ مبالغی متناسب با پهنای باند اینترنت بین‌الملل. در این مورد ایمن سازی فضای سایبر، همانند ایمن سازی فضای فیزیکی از وظایف حکومت می‌باشد؛ زیرا جلوگیری از هدر رفت سرمایه‌های مردم از وظایف حکومت اسلامی است (انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۱۰۴ - ۱۰۶).

از زاویه‌ی دیگر، ایجاد بازار تجاری ایمن، از نظر قیمت گذاری اجناس، جلوگیری از تدلیس، تغریب، و غش در معرفی کالاها در تجارت اینترنتی، از وظایف اقتصادی حتمی حکومت اسلامی بوده، و تخلف از قوانین حکومتی مستوجب تعزیر است (نهج‌البلاغه،

نامه ۵۳)؛ تا محیط کسب و کار امنیت اقتصادی داشته باشد. به طور مثال یکی از کسب‌های حرام در اسلام، «نَجَش» می‌باشد. به این معنا که فروشنده با شخص ثالثی توافق کند که او در حین تجارت فروشنده با خریدار، تقاضای خرید کالا با قیمت بالاتر کند و بدین ترتیب قیمت کالا را بالاتر جلوه دهد. این توافق حد اقل در جایی که با قصد اضرار به مسلمین صورت بگیرد، حرام بوده و وجهی هم که در قبالتش دریافت می‌شود، حرام بوده و از نظر ضَمان در حکم غصب می‌باشد (موسوی خویی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۵۹۰؛ انصاری دزفولی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۶۱). چنین موضوعی در فضای سایبر هم اتفاق می‌افتد و مفسد «نَجَش» یعنی تلبیس و غش (فریبکاری)، و اضرار به مشتری که مناط این حکم هستند (همان)، به وضوح مترتب می‌گردند.

۴. ۶- امنیت حریم خصوصی و اطلاعات محرمانه کاربران

اسلام حریم خصوصی را معتبر شمرده و شرط جواز ورود به حریم مسکونی و اختصاصی غیر را، تحصیل اذن او دانسته است (نور، ۲۷ - ۲۸ و ۵۹). و با نهی از تجسس، تفتیش، استراق سمع و بصر و افشاء سر، بر این حکم به شدت تأکید نموده است (حسینی و برزویی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹ - ۱۳۱؛ سیدباقری، ۱۳۹۷، ص ۳۴ - ۳۶). همچنین بر اساس روایات صادر از پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام و اجماع فقها، در صورتی که فردی با نگاهش به حریم خصوصی افراد تجاوز کرده و اشراف و اطلاع حاصل کند و دفع او متوقف بر آسیب جسمانی و یا قتل او شود؛ خون او هدر است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۶۶۰). که این موضوع در مورد فضای سایبر نیز صدق می‌کند و با الغای خصوصیت عرفی، حریم خصوصی کاربران، مشمول این حکم می‌شود (حسینی و برزویی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶).

از این روی، فراهم کردن امکان حفاظت از حریم خصوصی افراد، بر حکومت واجب بوده و عقوبت متجاوزان سایبری به حریم اختصاصی افراد، ضروری است. همان‌طور که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ماجرای سمره بن جندب، با حمایت از حفظ حریم خصوصی مرد انصاری و خانواده اش، دستور به ریشه‌کنی درخت سمره دادند و فرمان حکومتی‌ای صادر

کردند تا راه سوء استفاده‌ی متجاوزان و ضرر رسانندگان برای همیشه بسته شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۴۲۹؛ موسوی خمینی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۵۳۳).

۷.۴- امنیت جانی

تبلیغ و ترویج خودکشی و رفتارهای خشونت‌آمیز و آسیب‌زا و یا فعالیت‌های تروریستی، که تهدید جانی محسوب می‌شوند؛ از تهدیدات ناامن‌کننده‌ی فضای سایبر نسبت به امنیت جانی محسوب می‌شوند. و از آنجا که یکی از اصلی‌ترین وظایف حکومت اسلامی، تأمین امنیت جانی مردم در محیط زندگی‌شان است، جلوگیری از انتشار این گونه مطالب و جلوگیری از فعالیت‌ها و ارتباطات تروریستی در فضای سایبر، بدون اشکال واجب است. و در صورتی که در این زمینه کوتاهی شود، ممکن است گفته شود: مقصّرانی که در تأمین امنیت جانی مردم عامداً کوتاهی کرده و با اجازه به فعالیت جانپان، به نوعی به آن‌ها کمک کرده‌اند، مجرم شناخته می‌شوند. در روایتی وارد شده است: «هرکس بر قتل مؤمنی - هرچند با کوچکترین کلمه‌ای - کمک کند، خدا را ملاقات خواهد کرد در حالی که بر پیشانی او ثبت شده است: فردی که ناامید از رحمت خداست» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۰۵). همانند کسانی که جاده‌ای را باز می‌کنند در حالی که می‌دانند مسیر همواری برای سارقان و قاتلان فراهم کرده‌اند. در حالی که شرط احداث آن جاده، تأمین امنیتش توسط دستگاه حاکمیت اسلامی است.

۸.۴- امنیت اطلاعات محرمانه ملی

استناد به قاعده‌ی فقهی «نفی سیل و سلطه‌ی کفار بر مؤمنین» (بجنوردی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۸۷ - ۱۹۳)، لزوم حفظ عزّت و اقتدار مؤمنین در برابر دشمنان و لزوم تجهیز تمام نیروها در مقابل بیگانگان (منافقون، ۸؛ انفال، ۶۰)، وجوب حفظ اطلاعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... از دستبرد بیگانگان و ممانعت از جاسوسی و شکست اطلاعاتی در فتنه‌های منافقان (توبه، ۴۷؛ و ۱۰۷)، که حتی منجر به تخریب مسجد ضرار شد (سبحانی،

۱۳۸۶: ص ۸۸۲؛ ضرورت مقابله‌ی حکومت اسلامی با اشراف اطلاعاتی و انجام عملیات داده‌کاوی بیگانگان^۱ نسبت به مسلمین را ثابت می‌کند.

۵. راهکارهای برآمده از فقه پژوهی حکومتی در مدیریت رسانه‌های سایبری

راهکارهای فقهی و سپس قانونی قابل طرح در راهبرد ایمن سازی همه جانبه فضای سایبری به دو دسته راهکارهای سلبی یا همان پالایش و راهکارهای ایجابی و بستر ساز تقسیم می‌شوند. راهکار سلبی پالایش که اولین اقدام در جهت تأمین امنیت در گونه‌های فوق است، هرچند یک اقدام انفعالی محسوب می‌شود، و بر اساس رویکرد فقه حکومتی و تمدن ساز نباید به آن اکتفا کرد؛ اما با وجوب آن منافاتی ندارد. در مورد راهکارهای ایجابی باید گفت: همانطور که در سیره معصومین - علیهم‌السلام - آمده است، در فنون و روش‌های دفاعی و نظامی به خرد جمعی اعتنا می‌کردند (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۶۱۳-۶۱۵؛ صالح زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳) و تولید دانش و نظریه علمی بر اساس تجارب عقلانی بشر مورد سفارش قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۸)؛ اما همانطور که بیان شد، ملاحظه مبانی و اصول اسلامی سرپرستی و تربیت و همچنین توجه به مقاصد شریعت، در چیستی روش‌های اجرایی و عملیاتی اداره زیست جمعی انسان ضرورت حتمی دارد. بنابراین بر اساس روش‌های عقلانی موافق اهداف شریعت، می‌توان راهکارهای ایجابی مدیریت رسانه‌های سایبری در تأمین تمام ابعاد امنیت را استخراج کرده و به عنوان راهکار اجرایی مستند به فقه حکومتی و با تفسیر سرپرستی پیشنهاد نمود.

در مورد تأمین امنیت اعتقادی و مذهبی و همچنین اخلاقی، می‌توان گفت: وظیفه‌ی حاکمیت در عرصه انتشار کتاب‌های الکترونیکی و مطالب اینترنتی، انجام پالایش^۲ و جلوگیری از فعالیت رسانه‌های سایبری منتشر کننده‌ی مطالب گمراه کننده در عرصه اعتقادات مذهبی و به تعبیری مرزداری از مرزهای ایدئولوژیک است؛ همان طور که مرزبانی و

1. datamining
2. filtering

تأمین امنیت سرزمینی واجب و ضروری است (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵، ص ۶۲ - ۷۰). البته راهکار ایجاد امنیت اعتقادی، تنها راهکار سلبی فوق الذکر نمی‌باشد؛ بلکه با استفاده از فرصت‌های فضای سایبر، مانند دسترسی سریع و آسان، می‌توان جلسات علمی و کرسی‌های نظریه پردازی و آزاد اندیشی را با رعایت چارچوب‌های مخصوص آن‌ها، در فضای سایبر برقرار نمود. با توجه به این که در تضارب آراء و اندیشه‌ها، رأی و نظر صواب متولد می‌شود و حق از باطل متمایز می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۸) با انتشار مباحث استدلالی متقن و فراهم کردن بستر و محیطی برای مباحثات دینی، ذائقه‌ی عموم جامعه، منطقی شده و از اعتماد به مراجع فکری نامطمئن خودداری می‌کند. و حمایت مادی و معنوی از پیام‌رسان‌ها و سایت‌های ترویج دهنده‌ی آموزه‌های اخلاقی در قالب متن، صوت و فیلم کوتاه، و توسعه‌ی محتوا، راهکار ایجابی پیش روی حاکمیت اسلامی در جهت تأمین امنیت اخلاقی است.

برخی از راهکارهای عملی برای استحکام امنیت روانی و آبرویی در فضای سایبری، عبارتند از: یک: هویت‌نمایی کاربران فضای مجازی، به صورتی که هیچ کس نتواند بدون اظهار هویت واقعی خود، تبادل اطلاعاتی کند همان طور که در فضای زیست اجتماعی غیر مجازی، حضور مرموز و ناشناس، ناپسند بوده و موجب اسائه ادب و احساس ناامنی است. دو: بازنشر مجازات مجرمین و اخلال وارد کنندگان به آرامش روانی مردم در فضای سایبر، به صورتی که زنده باشد و در حکم حضور و شهود مؤمنین بر مجازات‌های کیفری نیازمند انجام در ملاء عام، محسوب گردد.

در مورد تأمین امنیت مالی و اقتصادی نیز همان راهکارهای عقلایی مورد امضای شرع در فضای فیزیکی پیاده می‌شوند. به طور مثال راه‌های پیشگیری از غش در معامله، اسراف در وقت و هزینه و ناامنی نسبت به سرقت در فضای غیر مجازی قابلیت الگوگیری برای مدیریت فضای مجازی به منظور پیشگیری از معایب و مفسد اقتصادی است. بنابراین بر حکومت اسلامی واجب است تا بر محیط تجارت سایبری نظارت کرده و در یک رفتار

ایجابی، بستری فراهم کند تا اولاً، قالب صفحات اینترنتی صرف حداقل وقت و هزینه را بر کاربران تحمیل کند؛ ثانیاً، محتواهای تجاری در معرفی کالاها و قیمت‌ها، مورد نظارت و بازرسی باشند؛ و ثالثاً امنیت رمزهای اینترنتی و حساب‌های مالی مردم تأمین شود.

در مورد امنیت اطلاعات مسلمین نیز باید گفت: همانطور که در فضای غیر مجازی حفظ اطلاعات طبقه بندی شده در گذشته با طراحی روش‌های نامه‌نگاری امن و استفاده از خاتم (مُهر) و مانند آن صورت می‌گرفته، بر اساس موضوع شناسی رسانه‌های سایبری و امتیازات این فضا نسبت به فضای غیر مجازی، ایده‌ی شبکه ملی اطلاعات با تعریف خاص آن، یعنی به وسیله ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات الکترونیکی و فضایی برای تشکیل و توسعه اینترنت ملی، راهکار ایجابی مورد استفاده در حال حاضر جهان است (کهنوند، ۱۳۹۵، ص ۲۳-۳۰) و با مقاصد شریعت که همانا قاعده نفی سبیل است، سازگاری دارد.

نتیجه‌گیری

تأمین امنیت همه جانبه توسط حکومت اسلامی، یک راهبرد مبتنی بر اجتهاد با رویکرد فقه حکومتی است که به جهت تحقق گام دوم انقلاب اسلامی، مدیریت ابزارهای رسانه‌ای فراگیر همچون فضای سایبر، را ممکن می‌سازد. از منظر فقه حکومتی باید گفت: ایجاد امنیت اعتقادی و مذهبی، امنیت اخلاقی، امنیت روانی، امنیت آبرویی، امنیت مالی و اقتصادی، امنیت حریم خصوصی، امنیت جانی و امنیت اطلاعات محرمانه‌ی ملی در فضای سایبر، توسط حاکمیت، واجب و ضروری است؛ و بر اساس رویکرد فقه حکومتی و تمدن ساز، علاوه بر رفتارهای سلبی حکومت مانند جرم‌انگاری و پالایش، انجام رفتارهای ایجابی نیز ضرورت دارد. باتوجه به مبحث گونه‌شناسی ابعاد امنیت فضای سایبری، و بر اساس الگوگیری از بایسته‌های مدیریت فضای غیر مجازی و البته با توجه به امتیازات فضای سایبر، برخی راهکارهای عملیاتی مدیریت رسانه‌های سایبری به ترتیب زیر پیشنهاد می‌گردد:

پالایش محتواهای منافی طهارت فکر، روح و روان به صورت هوشمند و کامل انجام

شود؛

طراحی قالب فضای استفاده برای کاربران شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های خبری و مانند آن به نحوی باشد که هویت کاربران و مراجع بارگذاری اطلاعات معلوم و مورد تأیید قانونی باشند؛

فضای آزاداندیشی زیر نظر دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره در بستری فراهم شود تا با تضارب آراء و نمایان شدن نقاط قوت و ضعف افکار متفاوت، سخن و اندیشه حق خود نمایی کند و ناقدین گفتگوها جلسات را برای این هدف راهبری کنند؛

امنیت حریم خصوصی و اطلاعات محرمانه ملی با راه اندازی شبکه ملی اطلاعات، فراهم شود؛

فعالیت‌های اقتصادی با حضور اتاق‌های بازرگانی و اصناف و بدون توطئه برای افزایش قیمت‌ها؛ و همچنین با نظارت مراجع قضائی صورت گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی‌جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، اول، تهران: نشر جهان.
۴. ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش)، علل الشرایع، اول، قم: کتابفروشی داوری.
۵. اسماعیلی، محسن و محمد صادق نصر اللهی، (۱۳۹۵ش)، پالایش فضای مجازی، حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی، مجله پژوهشی دین و ارتباطات، سال ۲۳ ش ۴۹.
۶. اسماعیلی، محسن، (۱۳۹۷ش)، حق بر امنیت و همگانی بودن آن، مجله ترویجی فقه حکومتی، سال ۲، ۵.
۷. افتخاری، اصغر و حسن شهباز، (۱۳۹۸ش)، کالبد شکافی ابعاد امنیت از منظر آیه الله مهدوی کنی، مجله پژوهشی دانش سیاسی، سال ۱۵، ش ۳۰.
۸. انصاری دزفولی، مرتضی، (۱۴۳۱ق)، کتاب المکاسب، چهاردهم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۹. باهنر، ناصر و مجتبی صمدی، (۱۳۸۹ش)، بررسی مؤلفه غایت شناختی الگوی هنجاری رسانه‌های جدید اسلامی؛ تحلیلی بر تأثیر نگاه مهدوی در ترسیم الگوی رسانه مطلوب اسلامی، مجله پژوهشی مشرق موعود، سال ۴ ش ۱۶.
۱۰. بجنوردی، محمد حسن، (۱۴۳۰ق)، القواعد الفقهية، چهارم، قم، دلیل ما.
۱۱. بهرامی، محمد، (۱۳۸۲ش)، قرآن و مسئله امنیت ملی، مجله پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۵.
۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، دوم، قم: دار الکتب الاسلامی.
۱۳. حاج‌زاده، هادی و دیگران، (۱۳۹۵ش)، جایگاه امنیت نظام سیاسی در فقه امامیه با تأکید بر مرجع امنیت، مجله پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی اسلامی، ش ۳.
۱۴. حسینی، مهدی و محمدرضا برزویی، (۱۳۹۶ش)، مبانی و مؤلفه‌های فقهی حمایت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی، مجله پژوهشی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۶ ش ۱۳.
۱۵. حسین نژاد، سید مجتبی و علی اکبر ایزدی فرد، (۱۳۹۶ش)، فقه الکترونیک در الگوی اسلامی

- ایرانی پیشرفت، مجله پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال ۵ ش ۹.
۱۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۷ش)، ولایت و حکومت، پنجم، قم: صهبا.
۱۷. حلی سیوری، مقداد بن عبد الله، (۱۴۰۳ق)، ضد القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه، اول، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
۱۸. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۴ش)، بنگرید به: <https://www.leader.ir/fa/content/13369>
۱۹. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۴ش)، بنگرید به: <https://www.leader.ir/fa/content/13542/>
۲۰. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۷ش)، بنگرید به: <https://www.leader.ir/fa/content/22734/>
۲۱. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۵ش)، بنگرید به: <https://www.leader.ir/fa/content/14843/>
۲۲. خلف خانی، علی، (۱۳۹۵ش)، بررسی و تحلیل مؤلفه‌های نظریات حوزه فقه حکومتی، مجله تخصصی پژوهشنامه فقهی، سال ۴ ش ۲.
۲۳. زاهدی، عاطفه [گردآورنده]، (۱۳۹۶ش) قانون مجازات اسلامی، دهم، تهران: جنگل.
۲۴. سبحانی، جعفر، (۱۳۹۴ش)، الوسیط فی اصول الفقه، هشتم، قم، امام صادق علیه السلام.
۲۵. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۶ش)، فروغ ابدیت، بیست و پنجم، قم: بوستان کتاب.
۲۶. سید باقری، سید کاظم، (۱۳۹۷ش)، ساز و کارهای تأمین امنیت روانی در فقه سیاسی، مجله ترویجی فقه حکومتی، سال ۲، ش ۵.
۲۷. شاکری، طوبی، (۱۳۹۲ش)، فقه حکومتی فرامذهبی با تحلیل قاعده‌ی التعزیر بما یراه الحاکم، مجله پژوهشی فقه مقارن، سال ۱ ش ۱.
۲۸. شبان‌نیا، قاسم، (۱۳۹۵ش)، فلسفه سیاست، سوم، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی علیه السلام.
۲۹. شریعتمداری جزایری، آیه ...، (۱۳۷۹ش)، امنیت در فقه سیاسی شیعه، مجله پژوهشی علوم سیاسی، سال ۳، ش ۹.
۳۰. شریفی دوست، حمزه و وحید واحدجوان، (۱۳۹۸ش)، درس‌نامه اخلاق در فضای مجازی، اول، قم: معارف.
۳۱. صالح زاده، اکرم، (۱۳۹۴ش)، مشورت در سیره پیامبر اکرم علیه السلام، مقالات همایش علمی - پژوهشی سبک زندگی اهل بیت علیه السلام.
۳۲. صرامی، سیف الله، (۱۳۹۷ش)، ماهیت فقهی امنیت؛ حق یا حکم؟، مجله ترویجی فقه

حکومتی، سال ۲، ش ۵.

۳۳. ضیائی فر، سعید، (۱۳۹۲ش)، فلسفه علم فقه، اول، قم: سمت.

۳۴. ضیائی فر، سعید، (۱۳۹۰ش)، رویکرد فقه حکومتی در فقه، مجله پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، سال ۱۴ ش ۵۳.

۳۵. طباطبایی، سید علی رضا و محمدعلی لیالی، (۱۳۹۷ش)، قواعد فقهی پالایش فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهشی حکومت اسلامی، سال ۲۳، ش ۱.

۳۶. عاملی، سیدسعیدرضا، (۱۳۹۰ش)، رویکرد دوفضایی به آسیب‌ها، جرائم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی، اول، تهران: امیرکبیر.

۳۷. عاملی مکی، شهید اول، (۱۴۰۰ق)، القواعد و الفوائد، اول، قم: مفید.

۳۸. عاملی، شیخ حر، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه، اول، قم: آل البیت علیه السلام.

۳۹. غلامی، نجفعلی و منصور میراحمدی، (۱۳۹۳ش)، فقه فردی و فقه حکومتی، بایسته‌ها و کاستی‌ها، مجله پژوهشی سیاست متعالیه، سال ۲ ش ۴.

۴۰. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴۱. کهوند، محمد، (۱۳۹۵ش)، آسیب شناسی شبکه اجتماعی تلگرام، مرکز مطالعات راهبردی فضای مجازی، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

۴۲. لک زایی، نجف و میرزا حسین فاضلی، (۱۳۹۷ش)، پاسخ به پرسش‌های اصلی مکاتب امنیتی از منظر فقه با تأکید بر دیدگاه صاحب جواهر، مجله ترویجی فقه حکومتی، سال ۲ ش ۵.

۴۳. لک زایی، نجف و بهرام دلیر، (۱۳۹۱ش)، غایات و اهداف نظام سیاست متعالیه، مجله پژوهشی علوم سیاسی، سال ۱۵، ش ۵۹.

۴۴. لک زایی، نجف، (۱۳۹۴ش)، گونه شناسی امنیت پژوهی در علوم اسلامی، مجله پژوهشی مطالعات راهبردی، سال ۱۸، ش ۷۰.

۴۵. مرتضوی نژاد، مهدی و سیدمهدی میرباقری، (۱۳۹۶ش)، روش شناسی فقه حکومتی، مجله تخصصی پژوهش‌نامه‌ی میان رشته‌ای فقهی، سال ۵ ش ۲.

۴۶. مشکانی سبزواری، عباسعلی و ابوالفضل سعادت، (۱۳۹۲ش)، فقه حکومتی نرم افزار توسعه انقلاب اسلامی، مجله پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۰ ش ۳۲.

۴۷. موسوی خمینی، روح الله، (۱۴۳۴ق)، تحریر الوسیله، دوازدهم، قم: جامعه مدرسین.
۴۸. -----، (۱۴۳۵ق)، المکاسب المحرمه، چهارم، تهران: نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۹. -----، (۱۴۳۱ق)، تهذیب الاصول [مقرز: آیه الله جعفر سبحانی]، دوم، تهران: نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۵۰. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۳۴ق)، مصباح الفقاهه، دوم، قم: فقاها.
۵۱. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، هفتم، بیروت: دار احیا التراث العربی.
۵۲. نظر پور، مهدی، (۱۳۸۹ش)، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیست و یکم، قم: معارف.
۵۳. واعظی، احمد، (۱۳۸۶ش)، حکومت اسلامی، پنجم، قم، حوزه علمیه قم.
۵۴. ورعی، سید جواد، (۱۳۹۷ش)، امنیت از اهداف تشریع، مجله ترویجی فقه حکومتی، سال ۲، ش ۵.

راهکارهای تحقق استقلال سیاسی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم

محمدعلی احمدی^۱ (نویسنده مسئول)

حمید رضا طوسی^۲

چکیده

استقلال خواهی در عصرهای مختلف از مهم‌ترین دغدغه‌های فردی و اجتماعی تاریخ روابط بشریت بوده است و امروزه نیز در سطح روابط بین‌الملل دغدغه‌ی ملت‌ها و دولت‌هاست. اسلام به‌عنوان دین توحیدی و جهانی، برای پیشبرد اهداف خود که همانا هدایت و عزت و کمال انسان‌ها و نیز گسترش اسلام در پهنه گیتی هست همواره در روابط متقابل بین انسان‌ها و سیاست خارجی دولت خود به عناصر استقلال توجه خاصی نموده است. از این رو در این زمینه کارهای علمی زیادی صورت گرفته‌اند؛ اما این نوشتار با روش اسنادی به دنبال واکاوی راهکارهای تحقق استقلال سیاسی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اسلام بر اساس مبانی خاص، به انسان و ویژگی‌های آن، راهکارهای عملی استقلال را از قبیل نفی سلطه و سرپرستی و عدم اعتماد و دوستی با ستمگران برای عزت مسلمانان و جامعه و دولت اسلامی در ضمن احترام و پای بندی به تعهدات، ارائه نموده‌اند که آثار و کارکردهای متفاوتی از قبیل عدالت طلبی، استکبار

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی؛ جامعه المصطفی علیه السلام - ahmadi315@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه السلام - hrtoosi123@gmail.com

ستیزی، ثبات سیاسی و امنیت پایدار؛ در شبکه بروندهای نظری و رفتاری مسلمانان در سیاست گذاری و سیاست خارجی دولت اسلامی با جامعه و دول دیگر دارد. واژگان کلیدی: قرآن، دولت اسلامی، استقلال سیاسی، راهکارها، استکبارستیزی، عدالت طلبی، صلح جهانی.

مقدمه

مسئله استقلال یک امر مهم و حیاتی و ارزشی برای دولت و حاکمیت و جامعه هست مبنی بر اینکه خود بر سرنوشت خویش حاکم باشد و رهایی از سلطه بیگانه و دیگران داشته باشد؛ زیرا میل به سلطه جویی در سرشت انسان نهفته است و این میل در دولت‌ها نیز تجلی می‌یابد، به گونه‌ای که در پی مطیع ساختن ملت‌ها و دولت‌های دیگر و بهره‌برداری از منابع و امکانات آنان است. از سوی دیگر میل به استقلال و رهایی از سلطه دیگران نیز جزئی فطرت انسان‌هاست و بدین جهت جوامع و دولت‌های گوناگون در پی هویت و استقلال عملی خویش هستند. استقلال از ارزش‌های مسلم انسانی، عامل عزت و سربلندی انسان‌ها و جوامع و دولت‌ها است نبود آن، نشانی از ذلت و زبونی آنان می‌باشد؛ زیرا هیچ‌کسی دوست ندارد تحت سیطره و سلطه دیگری باشد هرکسی می‌کوشد تا خود دیگری را به استخدام خود درآورد نه آن‌که تحت استخدام دیگری باشد و دیگری بر او چیره و سلطه و سیادت داشته باشد. بدین جهت برای هر انسانی استقلال همانند آزادی امری ارزشی است. استقلال همانند آزادی مسئله اجتماع و جامعه است و اگر به فرد ارتباط می‌یابد به اعتبار ارتباط اجتماعی فرد می‌باشد. از این رو، استقلال چه در حوزه ارتباطات افراد جامعه و چه ارتباط با دولت نسبت به دولت‌های دیگر از ارزش‌های مهم و حساس و عامل عزت و سربلندی است.

بدین لحاظ افراد جامعه و دولت‌ها به جهت نفس استخدام خواهی و استخدام گریزی می‌کوشد تا مستقل باشد و وابستگی خود را نسبت به دیگر افراد و دولت کاهش داده و از میان بردارد؛ زیرا استقلال به تعبیر کهن آن، جلوگیری از مداخله آشکار مستقیم و غیرمستقیم دولت‌های خارجی در امور داخلی یک کشور است. این معنای از استقلال ناظر به رهایی از سلطه استعمار کهن در مقابل استعمار نو و بیشتر به استقلال سیاسی اطلاق می‌شود؛ که دست‌یابی کشورهای مستعمره به استقلال سیاسی عمدتاً توأم با شکل‌گیری و استقرار حاکمیت‌های ملی و تحقق واحدهای سیاسی دولت ملت با اقتضائات ویژه همراه است که

بارزترین معرف و شاخص استقلال سیاسی این کشورها در مراحل اولیه خروج استعمارگران بود.

اما استقلال جنبه‌های مختلف و متعددی دارد؛ که می‌تواند در حوزه‌های فکری و فرهنگی و اقتصادی و نظامی و مانند انسان و یا دولت تأثیرگذار باشد و آن را محدود سازد. از این رو در مقابل فرد و دولت می‌کوشد در همه زمینه‌ها به استقلال ولو نسبی آن دست یابد. البته امروزه با توجه به شرایط زمانه در رابطه با استقلال سیاسی نظریات مطرح هست که بعضی کلاً نفی می‌کند و بعضی نسبی می‌داند که درجایش بحث خواهد شد؛ اگرچه در این موضوع کارهای علمی صورت گرفته است، اما دغدغه اصلی این تحقیق این است که قرآن کریم چه راهکارهای را برای تحقق استقلال سیاسی دولت اسلامی مطرح نموده‌اند؛ در پاسخ اولیه می‌توان گفت در قرآن کریم آیات بسیاری دارد که مسلمانان را به عنوان يك امت از وابستگی به دیگری (امت و ملت‌های دیگر) بر حذر داشته است البته در مفهوم قرآن چون مرزبندی برپایه اعتقادات و عقیده‌اند؛ بدین جهت در اسلام ما با مفهوم دولت قومی و یا ملی مواجه نیستیم بلکه آنچه از استقلال سیاسی در دولت اسلامی گفته می‌شود بر پایه مرزهای اعتقادی است دولت اسلامی شامل هرجایی می‌شود که امت اسلامی در آن زندگی می‌کند، دارای حاکمیت و اقتدار سیاسی هستند. لذا آیاتی که امت و دولت را به استقلال و از وابستگی بازمی‌دارد، آیاتی هستند که درباره ویژگی‌های امت نمونه بیان شده است به این معنا که قرآن به صراحت سخن از استقلال سیاسی به میان نمی‌آورد ولی آیات زیادی به ویژگی‌هایی برای امت اسلامی اشاره می‌کند که بیانگر راهکارها و مفهوم واژگان استقلال سیاسی به معنا و مفهومی امروزی است که اکنون در علوم سیاسی از آن سخن به میان می‌آید؛ که کارهای تحقیقی خوبی نیز در موضوعات مختلف بعضی آیات صورت گرفته است که درجای خودش عالی است؛ اما ضرورت دارد که راهکارهای استقلال سیاسی که قرآن بیان نموده‌اند را از آیات قرآن کریم استخراج نمود تا در دولت اسلامی به کار بست زیرا استقلال سیاسی امروزه به معنای این است که دولت دیگری بر دولت اسلامی سلطه و

چیرگی نداشته و نتواند اراده خود را بر امت و دولت اسلامی تحمیل نماید و دولت اسلامی نیز در ضمن احترام و پای بندی به تعهدات و معاهدات بین دولی و بین المللی در همه ابعاد مستقل باشد.

۱. مفاهیم

۱.۱) استقلال سیاسی

با توجه به مفهوم و واژه استقلال می توان گفت که در معنای گسترده ای به کاررفته اند؛ لذا نمی توان آن را محدود به مباحث مرتبط به دولت ها دانست؛ اما آنچه در اینجا مدنظر است تنها بخشی از معنای گسترده آن که مربوط به علوم سیاسی و دانش های مرتبط با آن و مباحث دولت هاست می باشد. بدین جهت با توجه به منابع اسلامی به مفهوم واژه استقلال اشاره می گردد.

الف) استقلال در لغت

استقلال مصدر باب استفعال از ماده «ق ل ل» به معنای اندک شمردن، حمل کردن، است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۵۶۳؛ گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۲، ج ۲، ۷۵۶) همچنین به معنای به کاری بدون مشارکت دیگران نیز بکار رفته. (احمد حسینی، ۱۳۷۵، ج ۳، ۱۵۱۰) در حقیقت در استقلال سیاسی آنچه مهم است عدم وابستگی هیئت حاکمه و اتخاذ تصمیمات براساس منافع کشور است.

ب) استقلال در اصطلاح

در اصطلاح علوم سیاسی برای استقلال تعاریفی مختلفی ارائه شده است؛ مانند جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه خارجی (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۱۵۴) و آزادی اراده ملی برای اداره امور داخلی و خارجی خود که از خلال سازمان سیاسی دولت پدیدار می گردد. (علی بابایی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۵) بدین جهت استقلال مفهومی است که باید در دو حوزه مورد

توجه قرار گیرد؛ استقلال خارجی و جدا بودن حکومت از سلطه دیگران یعنی آزادی عمل در برقراری روابط با سایر کشورها و درباره مسائل خارجی به طور کلی. استقلال داخلی یعنی آزادی عمل در چارچوب سرحدات کشوری و سیاست گذاری داخلی که در نتیجه آن کشور می تواند هر نوع قانون اساسی که مایل باشد، تصویب کند و تشکیلات اداری خود را به میل خود تنظیم و اداره کند. (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۳۱۰)

با تجزیه و تحلیل این تعریف، سه عنصر، قدرت تصمیم گیری، قدرت اعمال تصمیم گرفته شده و قلمرو حاکمیت قابل بازیافت است. براین اساس، چنانچه ملتی بتواند بدون تأثیرپذیری از محیط خارجی اعم از قدرت های بزرگ، سازمان های اقتصادی بین المللی، بانک جهانی، شرکت های چندملیتی برای خود برنامه های کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قانون اساسی تدوین کند، آن را ملت مستقل می نامند؛ حقی که به موجب آن هر کشوری در سیاست داخلی یا خارجی خود برای برنامه ریزی کلان سیاسی آزاد است. (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۹: ۹۰) زیرا در تعریف نخست که استقلال را در جدایی حاکمیت از غیر دانسته است، در واقع توجه به اصل مهم حاکمیت دارد که سه مؤلفه جدایی و حاکمیت و دیگر؛ به عنوان مؤلفه های اصلی شناسایی شده اند. در مفهوم حاکمیت، مؤلفه های اصلی و اساسی ای که ذکر می شود، اقتدار مشروع، انحصار قدرت برتر و مرزهای جغرافیایی و قانون و شناسایی از سوی دیگران است که می تواند تأکیدی بر مسئله استخدام و استثمار باشد. جدایی نیز مفهوم، گریز از سلطه غیر را می رساند که توجه به یکی از مؤلفه های طبیعی استقلال است. دیگری؛ نیز بیان دیگری از هر فرد و جمعی است که می کوشد تا این اقتدار و استقلال و استخدام را از میان بردارد و یا خدشه دار سازد؛ بنابراین همه مؤلفه هایی که برای مفهوم استقلال سیاسی گفته شده در این تعریف نیز به عنوان مؤلفه استقلال سیاسی مدنظر قرار گرفته است. در تعریف دوم، مؤلفه های چهارگانه ای چون آزادی و اراده ملی و اداره و دیگری؛ طرح گردیده است. آزادی اراده جمعی جامعه از نفوذ دیگری برای اداره امور خود چیزی می باشد که در این تعریف مورد توجه

قرارگرفته است. در این تعریف آنچه مهم به نظر می‌رسد آزادی از دیگری است. به این معنا که استقلال چیزی است که آزادی اراده جمعی را به همراه دارد. این نیز تعریفی درخور توجه است و با مؤلفه‌هایی که درباره استقلال وجود دارد نوعی هماهنگی دارد؛ بنابراین، استقلال سیاسی، به داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه‌ی حاکمیت است. (آقابخشی، ۱۳۷۶، ج ۳، ۲۷۷) اما واژه استقلال در قرآن کریم به صراحت نیامده؛ اگرچه جنبه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی استقلال در نگاه قرآن و با دو مفهوم «دارالاسلام» و «دارالکفر» ارتباط پیدا می‌کند، از تعبیرهای قرآنی قابل اثبات می‌باشد مانند نفی سبیل (نساء آیه ۱۴۱) و عدم سرپرستی و سلطه‌کافران (مائده: ۵۲)، عذت مسلمانان. (فاطر: ۱۰ و منافقون: ۸) که در ادامه به صورت مفصل بدان اشاره می‌شود؛ زیرا مرزبندی‌های جدید جغرافیایی ملاک مناسبی برای استقلال از نظر اسلام نیست. از این رو در تعریف و محدوده واژگان ذکرشده دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده، (الزحیلی، ۱۴۱۲: ۱۶۹-۱۷۰)

۲.۱- دولت اسلامی

دولت به معنای وسیع کلمه عبارت‌اند از عده‌ای از مردم که در سرزمین مشخص به‌طور دائم اسکان دارند و دارای حکومتی هستند که به وضع و اجرای قانون اقدام می‌کنند و از حاکمیتی برخوردارند که به‌صورت روح حاکم و قدرت عالی آن‌ها را از تعرضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد. (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۳۶) لذا مفهوم دولت به همان معنایی امروزی آن است که به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر سیاسی در صحنه‌ی سیاست بین‌الملل از عنصر مختلف مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت تشکیل می‌آید. چنانچه بیان گردید دولت ساخت قدرتی است که ملت برای دفاع از خود و سرزمین خود و برای برقراری نظم و اجرای قانون در میان خود و نگهبانی نظام خود پدید می‌آورد؛ حکومت به‌عنوان دستگاهی دگرگونی‌پذیر در درون این ساخت کمابیش پایدار، انجام کارکردهای آن را به عهده دارد. اکنون پس از بررسی مفهوم دولت ضرورت دارد که دولت با وصف اسلامی بررسی شود تا جایگاه و نقش مباحث

آینده کمی روشن گردد از آن جهت که دولت‌ها بر بنیاد ارزش‌ها و فرهنگ‌ها بنا می‌شوند، جوامع اسلامی نیز دولت یا دولت‌هایی متناسب با نیازها و الزامات فرهنگ و باورهای خود را ساخته‌اند و می‌سازند. با این حال، دولت‌ها به رغم تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، ویژگی‌ها و مشترکات خاصی هم دارند که آن‌ها را از دیگر سازمان‌های اجتماعی مختلف متمایز می‌سازد.

در نظام مدرن و مبتنی بر تفکیک قوا؛ حکومت قوه‌ی اجرایی دولت را تشکیل می‌دهد و در نظام سنتی گذشته که حق الهی اساس مشروعیت فرمانفرمایی بود فرمانفرما قدرت خویش را نظراً از مرجعی برتر و ماوراء الطبیعی می‌گرفت و میان مفهوم دولت و حکومت فرقی وجود نداشت، در واقع کشور عبارت بود از قلمروی که فرمانروا فتح کرده یا به ارث برده و تا زمانی که قدرت او بتواند آن را نگهدارند از آن اوست و مردم سرزمین نیز فرمان‌بران اویند. (آشوری، ۱۳۹۴: ۱۶۳) از این لحاظ سؤال پیش می‌آید که دولت اسلامی از کدام نوع دولت است و اسلامی خواندن دولت از کدام یک از عناصر آن نشئت می‌گیرد؟ آیا سرزمین اسلامی و جمعیت مسلمان یا حاکمیت اسلامی موجب اسلامی خواندن دولت‌ها خواهد شد؟ و دیگر اینکه مبانی و منشأ مشروعیت دولت اسلامی از کجا است و دارایی مشروعیت الهی است و یا مردم مشروعیت می‌بخشد؟ چه کسی و با چه خصوصیتی حکومتش مشروع و اطاعتش لازم است؟ این پرسش‌های می‌باشد که محققین در بحث دولت اسلامی مواجه می‌گردند که باید در حد توان به آن‌ها پرداخته شود. به طور اختصار در پاسخ می‌توان گفت که اسلامی خواندن سرزمین بالعرض است و به واسطه ساکنان مسلمان، سرزمین و کشور به اسلامی توصیف می‌شوند، لکن جمعیت قابلیت آن را دارد که منشأ هر حکومتی گردد؛ بدین لحاظ جامعه اسلامی می‌تواند پذیرای حکومت اسلامی شود؛ همچنین دیگر نوع حکومت‌ها خاستگاه خاص خود را داشته باشند. (حقیقت، ۱۳۷۵: ۲۴) با بررسی متون دینی و آثار اندیشمندان دینی اسلامی می‌توان ویژگی‌هایی را برشمرد که عملاً نوع دولت و یا حکومت اسلامی را از حکومت غیر اسلامی متمایز می‌کند.

در رابطه با مبانی و منشأ مشروعیت دولت اسلامی^۱ باید گفت که در اسلام، منشأ ذاتی مشروعیت تنها خداوند است؛ لذا قبل از بررسی مبانی مشروعیت حکومت، ابتدا باید منشأ مشروعیت و منبع شناخت آن را تفکیک کرد. منشأ مشروعیت همان تکیه‌گاه اصلی است و خاستگاه مشروعیت، ادله و منابع کشف خاستگاه مشروعیت در اسلام‌اند؛ مانند کتاب و سنت اسلامی که نصوص دینی به شمار می‌آیند. در اسلام، منشأ ذاتی مشروعیت تنها خالق هستی است؛ زیرا آفریدگار جهان و انسان، مالک همه هستی و تنها قدرت مستقل تأثیرگذار و اداره‌کننده جهان و جهانیان می‌باشد. در اسلام، حکومت و حاکمیت سیاسی نیز که نوعی تصرف در امور مخلوقات هست، از شئون ربوبیت شمرده می‌شود و توحید در ربوبیت الهی، در نظام تکوین و تشریع، هیچ مبدأ و منشأ دیگری را نمی‌پذیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «حاکمیت نیست، مگر از آن خدا» (انعام: ۵۷)؛ «آیا برای خود سرپرستانی جز خدا گرفته‌اند، همانا تنها خداوند صاحب ولایت است». (شوری: ۹) همان‌گونه که بیان گردید، هیچ‌کس از حق حاکمیت و تصرف در شئون اجتماعی مردم برخوردار نیست؛ مگر خداوند یا آن‌کسی که به دلیل شرعی منصوب یا مأذون بودنش به وسیله خداوند اثبات شده باشد. نصب یا اذن الهی می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، یعنی از طریق پیامبر ﷺ یا اوصیای ایشان ﷺ بیان شود. از سوی دیگر، همه مسلمانان پیامبر اکرم ﷺ را منصوب خداوند می‌دانند. این حقیقت را قرآن کریم در آیات متعددی بیان نموده است. «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است» (احزاب: ۶)؛ «خدا را فرمان برید و از پیامبر و ولی امر اطاعت کنید» (نساء: ۵۹)؛ «هیچ زن و مرد مؤمنی حق ندارد وقتی خدا و فرستاده‌اش حکمی کنند، در کار خویش اختیاری داشته باشند، هر که نافرمانی خدای تعالی و فرستاده‌اش کند، گمراه شده است» (احزاب: ۳۶)؛ «همانا ولی و سرپرست شما خداوند است و فرستاده او و مؤمنان؛ همان کسانی که نماز به پای دارند و در حال رکوع صدقه می‌پردازند». (مائده: ۵۵) همچنین شیعه بر اساس ادله قطعی، ائمه اطهار ﷺ را امامان

منصوب به نصب خاص خداوند می‌داند ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقام جانشین بعد از خود، به این موضوع اشاره دارد: «ای پیامبر آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان، که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده‌ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ خواهد داشت». (مأئده: ۶۷) پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توجه به فرد حاکم و ویژگی‌های او، به مراتب بیش از توجه به اصل حکومت مطرح بوده و موقعیت حاکمان به حکومت تسری داده شد است. از منظر اندیشه سیاسی شیعه، از آغاز، در خاستگاه حاکمان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نوعی دوگانگی پدید آمد که از واقعیت‌های تاریخی ناشی گردید. شیعه خلفای حاکم را دارای مشروعیت الهی ندانسته و همواره معتقد است خلیفه مشروع پیامبر صلی الله علیه و آله از حکومت محروم مانده است؛ به همین دلیل، این اندیشه تقویت شد که تا وقتی حکومت‌کنندگان بر اساس ضوابط و چارچوب‌های شرعی و دینی گزینش نشوند، هیچ حکومتی مشروعیت ندارد. با این ذهنیت تاریخی است که بحران خلافت بر محور خلیفه و حاکم دور می‌زند، نه بر محور حکومت و خلافت. همچنین همه شبهات و پرسش‌ها درباره حاکمان است و از طریق آن‌ها حکومتی مشروع یا نامشروع تلقی می‌گردد. هنگامی که خوارج نهروان بر نفی حکومت حضرت علی علیه السلام و معاویه شعار «لا حکم الا لله» را سر می‌دادند، حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام با تصدیق این شعار فرمود: «ولی این‌ها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست؛ درحالی‌که مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند». (نهج البلاغه، خ: ۴۰) با این استدلال حضرت علی علیه السلام آشکار می‌گردد که مقصود خوارج از نفی حکومت، نفی حاکمان بوده است.

براین اساس است عالمان شیعه بر مبنایی ادله‌ی عقلی و نقلی، فقیهان عادل و باکفایت را منصوب به نصب عام از سوی شارع و نایب امام عصر علیه السلام در امر حکومت و رهبری سیاسی و اجتماعی امت در عصر غیبت می‌دانند. یکی از دلایل عقلی مشروعیت الهی ولایت فقیه، غیبت و عدم حضور امام معصوم علیه السلام است؛ بدین معنا که به حکم عقل، وجود حکومت در هر عصری، برای حفظ و تداوم زندگی اجتماعی انسان ضرورت دارد.

بنابراین حکومت در انحصار امام معصوم علیه السلام نیست؛ آنچنان که در انحصار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نبود؛ زیرا حکومت و ولایت يك جایگاه حقوقی است، نه حقیقی و قائم به افراد؛ که مهم ترین دلیل فلسفه تشریع حکومت در اسلام و ضرورت نیاز به رهبری سیاسی، همانا تشکیل جامعه بر اساس عدل و قسط اسلامی و فراهم کردن زمینه های لازم برای رشد فکری و دینی توده مردم و رساندن آن ها به کمال مطلوب اسلامی در سایه پیاده کردن احکام اسلامی و قرآن است و این شاخص پیوسته در هر عصری وجود دارد. بنابراین با توجه به اینکه احکام و قوانین اسلام به زمان و مکان خاصی محدود نیست، تشکیل حکومت و اداره آن نیز به ضرورت عقل و شرع، پس از امام معصوم و در عصر غیبت لازم است. این موضوع مهم در اندیشه های اندیشمندان بزرگ اسلامی متجلی است. امام خمینی نگرشش را به مسئله دولت و حکومت این گونه مطرح می سازد: «اسلام حکومت است در جمیع شئون آن و احکام شرعی [فرعی] قوانین اسلام هستند احکام جلوه ای از جلوه های حکومت هستند، بلکه احکام مطلوب بالعرض و وسایلی هستند که در جهت اجرای حکومت و بسط عدالت به کار گرفته می شوند. پس اینکه فقیه حصن اسلام است معنایی ندارد مگر اینکه او سرپرست اسلام است، همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام سرپرست اسلام بوده اند در جمیع امور حکومتی». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۳۷) بدین لحاظ می فرماید: «اگر چنانچه فقیه درکار نباشد ولایت فقیه درکار نباشد، طاغوت است. یا خدا یا طاغوت... اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸، ۲۴۶)

با توجه به مطالب مذکور درباره مبانی دولت و ویژگی های حاکمیت و ولایت در اسلام می توان دولت اسلامی را چنین بیان نمود که: دولت اسلامی، دولتی است که نه تنها ارزش های حاکم بر زندگی سیاسی و نیز شرایط رهبران و فرمانروایان آن از جانب شارع مقدس تعیین و تعریف می شود، بلکه حتی شیوه ی استقرار حاکم در رأس هرم دولت و به طور کلی، ساختار نظام سیاسی و روش های مدیریت امور عمومی جامعه نیز به وسیله ی شریعت بیان

می‌گردد. براساس این تحلیل، تنها دولتی را می‌توان مصداق واقعی «دولت اسلامی یا دولت مشروع» دانست که علاوه بر شرایط ویژه حاکمان، شیوه استقرار رهبران در مسند قدرت نیز مطابق با الگوی ارائه شده در شریعت و دین باشد؛ که نظریه نصب در اندیشه شیعه و برخی تفسیرها از خلافت در اهل سنت نیز با چنین مبانی سازگار است؛ بنابراین دولت، ملت، کشور یا سرزمین سه عنصر پایداری هستند که سه رأس یک مثلث را تشکیل می‌دهند و موجودیت هریک وابسته به دیگری هست، اما حکومت یک عنصر متغیر است که شکل آن تابع مقتضیات زمان و مکان و تجربه تاریخی جامعه انسانی تعیین می‌گردد و ماهیت و محتوای حکومت توسط شارع و شریعت و منابع دینی در جامعه‌ی اسلامی مشخص می‌شود؛ اما متأسفانه واقعیت این است که اندیشمندان مسلمان هرگز درباره ماهیت چنان نظام و الگوی ایده‌آل دولت اسلامی اتفاق نظر نداشته‌اند و ندارد؛ و همین اختلاف‌ها از یک سو، موجب طرح الگوهای متفاوتی از دولت ایده‌آل اسلامی شده‌اند و از سوی دیگر، پرسش‌های بسیاری را درباره ملاک اعتبار هریک از مدل‌های ارائه شده، اصول، ساختار و کار ویژه آن‌ها و نیز نسبت آن الگوهای آرمانی با دولت‌های واقعاً موجود در تاریخ و جهان اسلام برانگیخته است؛ که در مجموع و به طور خلاصه می‌توان گفت امروزه دولتی که در چارچوب احکام الزامی شرع مقدس اسلام عمل کند، دولت اسلامی محسوب می‌شود. در ادامه به بحث ضرورت و استقلال سیاسی دولت اسلامی اشاره خواهد شد.

۲. ضرورت بحث

یکی از مهمترین موضوعاتی که در نظام بین‌الملل در عرصه حاکمیت سیاسی از دیرباز مطرح بوده مقوله استقلال یا وابستگی سیاسی حاکمیت‌ها و دولت‌ها و جوامع است؛ بدین جهت بحث برای فهم دقیق مفهوم استقلال سیاسی و آگاهی از نظریات و دیدگاه‌ها نسبت به این امر ضرورت می‌یابد؛ زیرا به علت تنوع و تکثر دیدگاه‌ها در مورد استقلال سیاسی، ضروری است که این آرا و نظریات مورد بررسی قرار گیرد؛ که در عصر حاضر مشخص است که تحقق اهداف دیگر دولت و کشورها تابعی از تحقق استقلال سیاسی به معنای

واقعی آن می‌باشد؛ یعنی استقلال سیاسی مبنای ابعاد دیگر استقلال به شمار می‌رود؛ بدین معنا که دستیابی به استقلال اقتصادی و فرهنگی و نظامی برای یک جامعه در صورتی امکان‌پذیر اند که به استقلال سیاسی دست یابد و دولتمردان آن، به‌دوراز دخالت بیگانگان، استراتژی کشور را تدوین نمایند و به اتخاذ تصمیمات بپردازند. بدین لحاظ تا زمانی که ملت و دولتی به استقلال دست نیابند، نه تنها به عنوان عضوی از جامعه بین‌الملل پذیرفته نخواهند شد؛ بلکه حتی از انجام وظایف خود، در ارتباط با مسائل داخلی و در عرصه بین‌الملل، باز خواهند ماند. چون استقلال یکی از مختصات سیاسی و حقوقی فرآیند ملت‌سازی است. با داشتن استقلال است که دولت خواهد توانست به خوبی کارکردهای کلان خود را انجام داده و در مسیر پیشرفت گام بردارد.

۳. نظریات درباره استقلال سیاسی

با توجه ضرورت موضوع و همچنین روابط گسترده و به هم تنیده ملت‌ها و دولت‌ها در عرصه بین‌الملل، در مورد تحقق استقلال و امکان دستیابی به آن، نظریات مختلفی با در نظر گرفتن شرایط زمان و نظام بین‌الملل ابراز گردیده‌اند که به صورت کلی به سه دسته تقسیم بندی می‌شود که در این تحقیق استقلال از منظر قرآن کریم را به عنوان نظریه چهارم و محور بحث نیز مورد بررسی قرار دادیم که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌گردد.

۱.۳- انزوگرایی سیاسی

برخی براین باور هستند که با انزوگرایی و قطع ارتباط با دیگر کشورها و خوداتکایی می‌توان به استقلال دست یافت؛ یعنی استقلال یک کشور و ملت زمانی تحقق می‌یابد که آن کشور کمترین ارتباط و مبادلات را با دنیای خارج داشته باشد و با اتکا به خود کلیه ابعاد زندگی اجتماعی را تنظیم و اداره نماید. (منصوری، ۱۳۷۴: ۵۴) انزوگرایی بدان معناست که مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک دولت با دیگر واحدهای سیاسی به حداقل کاهش یابد. (قوام، ۱۳۸۷: ۱۷۲) این نظریه برای اعصار پیشین می‌توانست مورد قبول

واقع شود، چراکه سطح نیازهای مردم و همچنین سطح ارتباطات دولت‌ها و ملت‌هایشان، به دلیل فقدان شبکه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل، پایین بودن نوع تقاضاهای ملت‌ها و جهان‌بینی مردم به علت انزوای جغرافیایی، که فقدان سیاحت و سفر و گردشگری را در پی داشت، محدود بود؛ اما در عصر حاضر، یعنی عصر ارتباطات و شبکه‌های ارتباط جمعی و مجازی و حمل‌ونقل سریع عمومی، برای هیچ کشوری و به‌خصوص برای جوامع و دولت اسلامی چنین امری قابلیت اجرایی و عملیاتی را ندارد؛ بلکه از نظر اسلام انزواگرایی مردود است؛ زیرا در این زمان، انزواگرایی یا در انزوا قرار گرفتن برای هر کشور و جامعه‌ی تقریباً به‌منزله نابودی و خودکشی محسوب می‌شود و بدین جهت است که کشورهای قدرتمند در عرصه بین‌المللی از آن به‌عنوان حربه و ابزاری برای به انقیاد کشاندن دیگران استفاده می‌کنند. بدین لحاظ برای جامعه و دولت اسلامی نه تنها انزواگرایی پذیرفتنی نیست، بلکه داشتن روابط با کشورهای دیگر در صحنه بین‌الملل در چارچوب آموزه‌ها و راهکارهای که قرآن بیان نموده‌اند، یک امری ضروری می‌باشد. ضرورت این امر از جهات متعدد است، زیرا بر اساس هدف و رسالت دین مبین اسلام رساندن پیام اسلام به تمام انسان‌ها و آگاه نمودن آنان از حقایق اسلام، در جهت رسیدن به کمال و سعادت، یکی از وظایف ملت و دولت اسلامی به شمار می‌رود.. قرآن کریم می‌فرماید: «و اوحی الیّ هذا القرآن لاندركم به و من بلغ؛ این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که سخنان من در طول تاریخ بشرو پهنه زمان و در تمام نقاط جهان به گوش آن‌ها می‌رسد از مخالفت فرمان خدا بترسانم». (انعام: ۱۹) توجه به کلمه «و من بلغ» به تمام کسانی که این سخن به آن‌ها می‌رسد، رسالت جهانی قرآن و دعوت عمومی و همگانی آن را اعلام می‌دارد. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۵، ۱۷۹ - ۱۸۰) براین اساس یکی از اهداف مهم سیاست خارجی پیامبر اسلام ﷺ دعوت تمامی مردمان آن روزگار به اسلام بود. پیامبر اکرم ﷺ نه تنها مردم مکه، حجاز و شبه جزیره عربستان را به اسلام دعوت نمود، بلکه طبق فرمان خداوند دعوت خویش را حتی به خارج از شبه جزیره عربستان از ایران تا روم و مصر و حبشه و دیگر کشورهای وقت، بر اساس آموزه‌های وحیانی و

در قالب صلح جهانی، رسانند. (جلیلی، ۱۳۷۴: ۳۶) لذا می‌توان گفت که باوجود پیوستگی‌های زیادی در زمینه‌های مختلف میان کشورها و دولت‌ها در صحنه بین‌المللی وجود دارد؛ این پیوستگی‌ها به گونه‌ای هست که تأمین نیازهای آنان را مستقلاً غیرممکن می‌سازد و بدین جهت، شاهد گسترش ارتباطات هستیم. دولتی می‌تواند از عهده انجام وظایف خود برآید که ضمن داشتن این ارتباطات صلح‌آمیز، استقلال خود را نیز حفظ نماید. همچنین دولت اسلامی می‌تواند با رابطه صلح‌آمیز و حاکم بودن جو تفاهم، پیام آزادی بخش و انسان‌ساز اسلام را نیز به‌تره گوش جهانیان برسانند.

۲.۳- نسبی‌گرایی استقلال

با توجه به وجود همبستگی‌های متقابل فراوان میان ملت‌ها و دولت‌ها در صحنه بین‌المللی، بعضی کسب استقلال کامل و توانایی حفظ و تداوم آن را کاری مشکل و غیرممکن می‌داند. هرچند در سایه تلاش‌ها و فداکاری‌های داخلی مقدور باشد، طرفداران این نظریه معتقدند که دولت‌ها باید در پی کسب استقلال نسبی باشند و دولت برخوردار از استقلال نسبی، در صورت توانایی از تأمین نیازهای گوناگون کشور، می‌تواند در بعد سیاسی مستقل و در سایر ابعاد وابسته باشد. (منصوری، ۱۳۷۴: ۶۴) مفروض این نظریه‌پردازان آن است که می‌توان مسائل اقتصادی و صنعتی را از مسائل سیاسی جدا کرد، بدین معنا که استقلال سیاسی برای هر دولت و کشوری از اهمیت خاصی برخوردارند و باید دولت از نظر سیاسی مستقل باشد، اما در مسائل اقتصادی به خاطر پیچیدگی و گسترش روابط، نمی‌تواند در عرصه بین‌المللی مستقل از دیگر کشورها عمل نماید.

بدین جهت در زمان کنونی، صنعتی شدن و تنوع خواست‌های جوامع و عدم توانایی کشورها در برآوردن آن خواست‌ها، اقتصاد را به یکی از ابزارهای سلطه در دست کشورهای غربی تبدیل نموده است. زیرا در دنیای وابستگی امروز، کشورهای معدودی به اندازه کافی از موهبت تنوع کامل منابع طبیعی، غذایی و انرژی برای کمک به تأسیسات اقتصادی جدید یا نوسازی تأسیسات موجود برخوردار نمی‌باشد. بدین ترتیب، مبادلات اقتصادی و تجارت

یکی از لوازم جوامع امروز به شمار می‌رود، اما این فرصت‌ها و مبادلات اقتصادی برای تمام کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه، آسیب‌پذیری‌های عمده‌ای را ایجاد می‌کند؛ که در ذات نظام سرمایه‌داری مکانیزمی وجود دارد که اقتصاد را به سمت اشتغال کامل هدایت می‌کند؛ به عبارت دیگر نظام سرمایه‌داری یک نظام و یا سیستم اقتصادی، خودتنظیم‌کننده به نفع سرمایه‌داری است. (فرجی، ۱۳۸۶: ۲۴۰) یعنی اهرم اقتصاد برای گسترش و حفظ سلطه به صورت مثبت و منفی به کار گرفته می‌شود، شکل مثبت آن ارائه کمک، ارائه تضمین‌های سرمایه‌گذاری، تشویق ورود سرمایه بخش خصوصی و... را در برمی‌گیرد؛ اما آنچه بیشتر از سوی کشورهای لیبرال - دموکراسی برای انقیاد و به بند کشیدن دیگر کشورها به کار گرفته می‌شود شکل منفی آن است. اخلال در جریان مبادلات اقتصادی، مانند انواع دیگر روابط بین‌الملل، می‌تواند برای انواع مقاصد سیاسی صورت گیرد. از این رو عرصه اقتصادی عرصه تبادل می‌باشد، اما تبادل باید دوجانبه و از نوع دادن و ستاندن باشد. اما یکی از شرایط پیشرفت یک کشور استقلال اقتصادی و صنعتی آن است؛ بدین معنا که باید بتواند در زمینه‌های اقتصادی و صنعتی توانایی‌های خود را به کارگیرد و روی پای خود بایستد. لذا اسلام در همه ابعاد بر استقلال طلبی و عدم وابستگی مسلمانان و جوامع اسلامی تأکید دارد. (مائده: ۵۷)

۳.۳- نفی استقلال

با توجه به گسترش ارتباطات، رشد سریع علوم و فنون و پیچیدگی مسائل و جوامع بشری، عده‌ای استقلال را به عنوان حدیث کهنه و غیرقابل تحقق در جوامع امروزی قلمداد می‌کنند. از دیدگاه این نظریه پردازان، مرزهای جغرافیایی و تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای و قاره‌ای معنا و مفهوم خود را ازدست داده و جهان به یک دهکده تبدیل شده است؛ زیرا رفاه‌طلبی روزافزون، افزایش درخواست‌های مختلف برای استفاده از تسهیلات زندگی و به موازات آن، محدودیت‌ها و فقدان کادرهای مناسب، امکان وجود جامعه‌ای را که بتواند به تنهایی و با تکیه بر منافع و امکانات داخلی خود و به طور مستقل زندگی کند منتفی ساخته است.

(منصوری، ۱۳۷۴: ۶۶) طرفداران این نظریه دهکده گرایان هستند، به نوعی آرمان‌گرایانه می‌باشد چون درست است از لحاظ ارتباطات جمعی و اطلاعاتی جهان به دهکده تبدیل گردیده‌اند اما از لحاظ عملی شواهد عینی خلاف آن را نشان می‌دهد بلکه همه در صدد سلطه بر دیگران به نفع خود هستند. بعضی دیگر از اندیشمندان با این دید به مسئله نگاه می‌کنند که استقلال‌خواهی نتیجه پدیده استعمار است. این عده معتقدند که در زمان کنونی، چون دیگر استعمار وجود ندارد، استقلال‌خواهی یک مقوله قدیمی و بی‌ارزش می‌باشد و لذا بحث و نظر دادن و مشغولیت ذهن بیش از این در باب آن بی‌فایده و بلکه مضر است. (رنجبر، ۱۳۸۱: ۱۱۵) بر اساس این دیدگاه، در گذشته استقلال بیشتر مفهوم سیاسی داشت و کشوری وابسته بود که از نظر سیاسی، از یک قدرت خارجی دستور می‌گرفت. در شرایط کنونی که دیگر آن صورت از مداخله در امور کشورها وجهی ندارد، به کار بردن استقلال نیز فاقد صورت و معناست. لذا می‌توان گفت که این نظریه نوعی آرمان‌گرایانه است و مبانی آن، بیش از آنکه بر شواهد عینی و مدارک حقیقی مبتنی باشد، بر تخیلات و آرزوهای طراحان و هواداران آن مبتنی است. هر چند طرفداران این نظریه معتقدند با جهانی شدن و گسترش ارتباطات و... مرزها در نور دیده شده و مفاهیمی مانند وابستگی جای خود را به مفاهیمی مانند همبستگی و تشریک مساعی داده است، اما باید گفت که استقلال‌خواهی معلول شرایط نیست، بلکه در ذات انسان نهفته است و پدیده استعمار در قرن‌های اخیر در قالب‌های جدید تشدیدکننده آن می‌باشد؛ یعنی در عصر و شرایط کنونی، هر چند استعمار به شکل قدیم وجود ندارد، اما استعمار و به سلطه کشیدن دیگران همواره وجود داشته و خواهد داشت و قدرت‌های بزرگ استعمارگر برای ادامه سلطه بر دیگر ملت‌ها و فریب آنان، سلطه خود را به شکل جدیدی با بهره‌گیری از ابزار نوین، دنبال نموده گسترش می‌دهد. بدین جهت نفی استعمار و در نتیجه، نفی و بی‌معنا خواندن استقلال ناشی از خوش‌بینی و سطحی‌نگری نسبت به عرصه بین‌الملل است، لذا در شرایط کنونی، این نظریه‌ها در باب استقلال غیر واقع‌بینانه می‌باشد؛ بلکه القائات فکری خود کشورهای استعمارگر می‌باشند مبنی بر

اینکه دیگر ملت‌های دیگر درصدد استقلال‌خواهی برنیاید چون برای آن‌ها هزینه‌بر است در واقع مکر و حيله ضيف دشمنان اسلام می‌باشد. (آل عمران: ۵۴)

۳. ۴- استقلال از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم واژه استقلال به صراحت نیامده؛ ولی این مفهوم از برخی واژه‌ها، تعبیرها و موضوعات قابل استفاده است؛ که ویژگی‌ها و راهکاری استقلال با تعبیری؛ مانند عزت مسلمانان (نساء آیه ۱۳۹ و فاطر آیه ۱۰ و منافقون آیه ۸) نفی سبیل کافران (نساء آیه ۱۴۱) نفی سلطه و سرپرستی کافران (مائده آیه ۵۱ و ۵۲) عدم اعتماد به کافران (هود آیه ۱۱۳) پیروی نکردن از اهل کتاب و مشرکان (آل عمران آیه ۱۴۹ و مائده آیه ۴۹) و روی پای خود ایستادن (فتح آیه ۲۹) نداشتن دوستی و ارتباط صمیمی با مشرکان (آل عمران آیه ۱۱۸ و مائده آیه ۵۷) اشاره می‌کند. بدین لحاظ استقلال با جنبه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی آن در نگاه اسلام با دو مفهوم «دارالاسلام» و «دارالکفر» ارتباط پیدا می‌کند، زیرا مرزبندی‌های جدید جغرافیایی ملاک مناسبی برای استقلال از نظر اسلام نیست. از این رو در تعریف و محدوده واژگان ذکرشده دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده، (الزحیلی، ۱۴۱۲: ۱۶۹-۱۷۰) که از مجموع آن‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که ملاک دارالاسلام و دارالکفر اجرا و عدم اجرای قوانین الهی است. دارالاسلام به سرزمینی گفته می‌شود که شریعت اسلامی در آن پیاده می‌گردد و حاکم مسلمانی بر آن حکمرانی می‌کند و همه افراد جامعه در برابر حکومت اسلامی تسلیم هستند؛ دارالکفر به سرزمین‌هایی اطلاق می‌شود که احکام اسلامی در آن جاری نیست و مسلمانان در آنجا حاکمیت و سلطه ندارند، بر اساس این مرزبندی است که قرآن مسلمانان را از خطر وابستگی بر حذر داشته و دشمنی کافران و مشرکان با مسلمانان را گوشزد می‌کند و خواستار هوشیاری مسلمانان در برابر نقشه‌ها و توطئه‌های آنان می‌باشد: «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَقْبِضُوا فِئَكُمْ إِلَّا وَلَإِذِمَّةَ يَرْضَوْنَكُمْ بِأَفْوَهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ» (توبه: ۸) و راهکارهای دستیابی به استقلال و نتیجه ارتباط با آنها را تصریح می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةٍ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَهِهِمْ

وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ * هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يَحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لُتُّوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ * إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةُ تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ». (آل عمران: ۱۱۸-۱۲۰)

با توجه به تمهیداتی که قرآن ارائه نموده که در آیه مبارکه می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». (نساء: ۱۴۱) این تصریح قرآن کریم به عنوان یک اصل دولت اسلامی را موظف و مکلف می‌سازد که دولت اسلامی در تمامی روابط بین‌المللی و میثاق‌ها و معاهدات بین‌المللی خود باید آن را مدنظر قرار دهد و نباید در قراردادهای و میثاق‌های که با کشورهای غیر اسلامی می‌بندد موجب سیطره و استیلای آنان بر مسلمین و کشور اسلامی گردد چنانچه امام خمینی رحمه الله در مورد رابطه تجاری و سیاسی دولت اسلامی با دولت‌های غیر اسلامی می‌فرماید: «اگر روابط تجاری با کفار موجب ترس بر حوزه اسلام شود ترک آن روابط بر تمام مسلمانان واجب می‌شود. اینجا فرقی میان استیلای سیاسی یا فرهنگی و معنوی دشمن وجود ندارد. اگر روابط سیاسی بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود و برقرار می‌گردد موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی این‌ها گردد برقراری روابط حرام است و پیمان‌های که بسته می‌شود باطل است». (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۱۸۵) همچنین می‌فرماید: «اگر در روابط بازرگانی دولت‌ها یا بازرگانان با برخی از دولت‌ها یا تجار بیگانه ترس بر بازار مسلمانان و زندگی اقتصادی آنان حاکم گرداند واجب است آن را ترک کنند و چنین تجارتی حرام می‌باشد و در صورت چنین ترسی بر روسای مذهب واجب است که کالاها و نیز تجارت با آنان را طبق مقتضیات زمان تحریم کنند. بر امت اسلامی هم تبعیت از آنان واجب است که در جهت قطع این روابط جدیت کنند». (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۳۳۰) در ادامه امام خمینی همچنین بی‌توجهی سران کشورهای اسلامی که با انعقاد قرارداد زمینه‌ساز سلطه بیگانگان بر کشورهای اسلامی

گردد به قاعده نفی سبیل خیانت دانسته و چنین خیانتی را باعث سلب صلاحیت آنان می‌داند: «اگر سران دولت‌های اسلامی یا برخی از نمایندگان دو مجلس موجب نفوذ سیاسی یا اقتصادی بیگانگان بر مملکت اسلامی گردند به گونه‌ای که از این نفوذ بر اساس اسلام یا بر استقلال مملکت گرچه در آینده بیم و هراس رود این رئیس مملکت یا آن نماینده خائن شمرده می‌شود و فرضاً اگر متصدی شدن آن مقام برای او حق باشد از مقامش هر مقامی باشد معزول می‌گردد و بر امت اسلامی است که گرچه با مقاومت منفی مانند ترک معاشرت و ترک معامله باوی و روی گرداندن از او به هر وجهی که ممکن باشد او را مجازات نمایند و در اخراج او از تمام شئون سیاسی و محروم نمودنش از حقوق اجتماعی اهتمام ورزند». (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۳۲۸) حضرت امام نه تنها مردم آن سرزمین را به مبارزه با چنین حاکمیت خیانت‌کار فرامی‌خواند و می‌خواهد مردم دست او را باید از تمام امور حکومتی کوتاه کنند بلکه سایر دولت‌های اسلامی را هم موظف به برخورد و موضع‌گیری در برابر چنین حاکمیت می‌داند و می‌فرماید: «اگر یکی از دولت‌های اسلامی پیمانی منعقد کند که با مصالح اسلام و مسلمانان مغایرت داشته باشد بر سایر دولت‌های اسلامی واجب است که با هر وسیله ممکن و سایر ابزارهای سیاسی یا اقتصادی مانند قطع رابطه سیاسی و بازرگانی با آن دولت بکوشند که آن پیمان‌ها را به هم بزنند. بر سایر مسلمانان هم واجب است که با هرگونه مقاومت منفی که در امکان آنان است در این جهت اهتمام بورزند و چنین معاملاتی در شرع مقدس اسلام حرام و باطل می‌باشد». (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۳۲۸) بنابراین گرچه دست دولت‌های اسلامی برای انعقاد هر قراردادی در جهت توسعه و تحکیم روابط بین‌المللی با سایر کشورها باز است اما با انعقاد آن دسته از قراردادها که بستر سلطه بیگانگان و کافران را بر مسلمانان و بلاد اسلامی فراهم کند مجاز نیستند. چنین قراردادی از نظر اسلامی و دیدگاه فقهای اسلام حرام و باطل است؛ زیرا اسلام و مسلمین همان‌گونه که متعهد به پای بندی به قراردادها و تعهدات بین‌المللی هست، ملزم به رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در سیاست خارجی اسلامی نیز است. لذا دولت اسلامی حق ندارد

معاهداتی را که منجر به سلطه کفار شود منعقد کند و یا بدان عمل نماید. بینا براین ضرورت دارد که راهکارهای استقلال سیاسی که قرآن بیان نموده‌اند موردبررسی قرار گیرد.

۴. راهکارهای استقلال از منظر قرآن

۱.۴- عزت

عزت در لغت یعنی شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود. اصل معنای آن دشواری است، از اینرو به زمین سخت عزاز یعنی «ارض عزاز» گفته می‌شود؛ زمین محکم و نفوذناپذیر، با توجه به معنای صلابت و حالت شکست‌ناپذیری، این واژه، در معانی دیگری، از جمله: غلبه، صعوبت، سختی، غیرت، حمیت و غیره استعمال شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ۴۰۷) در قرآن کریم نیز واژه عزت به همان معنای لغوی به کار رفته است؛ یعنی شکست‌ناپذیری، توانایی و مغلوب نشدن، که به معنای حقیقی آن در اصل، از آن خداوند است پس باید از او پیروی نمود: «فَلاَ یَحْزَنکَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِیْعًا وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ» (یونس: ۶۵)، اما گاهی بعضی از افراد و گروه‌ها در جامعه‌ای اسلامی هستند که عزت و شرافت را در نفاق بین بین مسلمین و همراهی با دشمنان اسلام می‌داند. «وَبَشِّرِ الْمُنَافِقِیْنَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِیْمًا، الَّذِیْنَ یَتَّخِذُونَ الْكَافِرِیْنَ أَوْلِیَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِیْنَ أَلِیْبَتُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِیْعًا». (نساء: ۱۳۸-۱۳۹) درحقیقت اینها منافقان هستند که باهدف دستیابی به عزت و شکوه ولایت کافران، را می‌پذیرد، در حالی که تمامی عزت، تنها از آن خداوند است و پذیرش ولایت کفار، هرگز مایه عزت و سربلندی نیست، بلکه چون از عزت واقعی تهی‌اند، تکیه بر آنان، خسران است. این آیه شریفه، در واقع دعوتی است ضمنی که برای دستیابی به عزت پایدار، به خداوند روی آورید! چرا که اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران می‌گردد. این که منافقان، عزت را در ولایت کافران می‌جویند، نوعی نفاق سیاسی است که از نفاق عقیدتی آنان ناشی می‌شود. و مایه سرسپردگی و وابستگی سیاسی و روحی به بیگانگان و عدم استقلال در

عرصه‌های بین‌المللی است. (هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۴، ۱۱۰۹) در واقع عزت، تنها در گرو پذیرش ولایت الهی است: «يقولون لئن رجعنا إلى المدينة ليخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ، والله العزّة و لرسوله وللمؤمنين ولكنّ المنافقين لا يعلمون». (منافقون: ۸) بدین جهت آیات فوق به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در همه شؤون زندگی اعم از شؤون اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و مانند آن، در دوستی با دشمنان اسلام نجویند، زیرا هر روز که منافع آنها اقتضا کند فوراً صمیمی‌ترین متحدان خود را رها کرده و به سراغ کار خویش می‌روند که گویی هرگز با هم آشنایی نداشتند،

لذا اسلام به منظور این که در جوامع و فرهنگ اسلامی همه با عزت بار آیند و به ذلت تن ندهد، در تمام برنامه‌های عبادی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود، روح کرامت و عزت را مورد عنایت قرار داده، بلکه تمام آموزه‌های خود را با این خصلت پسندیده، هم‌آوا ساخته‌اند که رعایت آن‌ها عوامل پدیدآورنده عزت در جامعه اسلامی است. زیرا انسان، بریده از جامعه نیست و با دیگران در تعامل می‌باشد. اما در این ارتباط و در رفع خواسته‌ها، هرگز نباید خود را ذلیل و حقیر کند و نیاز خویش را با شکستن عزت خود تأمین نماید. اگر حصار ارزشمند عزت مؤمن بشکند، همه چیز او فرومی‌ریزد. «خودی و هویت» انسان در عزت اوست و با از بین رفتن عزت، حصارهای امنیت اعتقادی او فرومی‌ریزد و بی‌هویتی و پوچی بر او چیره می‌گردد. که در آیات قرآن کریم نیز واژه «عزت»، در مقابل، واژه «ذلت» آمده «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ». (آل عمران: ۲۶) چون ذلت و ذلت‌پذیری، از منفورترین واژه‌ها در مکتب تربیتی اسلام می‌باشد.

بدین سبب قرآن و رهبران الهی از آغاز، بر دوری و برحذر داشتن مؤمنان از ذلت تأکید می‌نمودند و بر مسلمانان، جز عزت و شکوه روا نمی‌دانستند: «و لاتهنوا و لاتحزنوا و أنتم الأعلون إن كنتم مؤمنين». (آل عمران: ۱۳۹) اما متأسفانه امروزه، بر اثر ضعف عملکرد مسلمانان از یک سوء و نفاق افگنی جهان استکبار از سوی دیگر، مسلمانان از جوامع ذلیل و تحقیر شده به حساب می‌آیند و دیگران برای آنان تصمیم می‌گیرند و ثروتهای طبیعی، و

سرمایه‌های انسانی و فرهنگی آنها را به یغما می‌برند. این بلا نخست گریبانگیر سران و حاکمان کشورهای اسلامی شدند که بدون توجه به دستورات الهی ذلت را به جایی رساندند که بی‌رخصت سران کفر، آب از گلویشان پایین نمی‌رود و تأسف بارترا اینکه این روحیه به توده مردم در بعضی جوامع اسلامی نیز سرایت کرده و بسیاری از مسلمانان با نادیده گرفتن رهنمودهای قرآن، دست ذلت به سوی بیگانگان دراز می‌کنند. این وضع، برای هرکس که عرق دینی داشته باشد، سخت ناگوار است. بدین جهت در اینجا به برخی از عوامل عزت اشاره می‌شود: اطاعت خداوند، حاکمیت ارزش‌های اسلامی؛ که یکی از عوامل مؤثر و مهم در ایجاد عزت و تقویت آن، حاکم شدن ارزش‌های اسلامی در همه زمینه‌ها و در زندگی فردی و اجتماعی است. این ارزش‌ها در یک تعبیر کلی همان فرامین الهی و خواسته‌هایی هست که مکتب اسلام، مردم را به رعایت آن الزام نموده‌اند؛ از قبیل تحقق کامل عدالت، امنیت، اصلاح امور فرهنگی و اجتماعی، آبادانی و عمران، ارتقای سطح فکر و اندیشه، پرهیز از غفلت، نفاق، تملق و رفتارهای تحقیرآمیز، (نهج‌البلاغه، ح: ۳۷) تساوی در برابر قانون، دوری از ظلم، تبعیض و هرگونه فساد، امر به معروف و نهی از منکر و رعایت اصل اهلیت و شایستگی در تصدی امور، اجرای دقیق قوانین. (نهج‌البلاغه، ن: ۵۳) با حاکم شدن این‌گونه ارزش‌ها، امت اسلامی عزتمند گشته و زیر بار هیچ ذلتی نخواهد رفت؛ اما قطعاً چنین حاکمیت فراگیری از ارزش‌ها بدون وجود حکومت اسلامی با معیارهای دینی که خود نیز از جمله ارزش‌هاست، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا حکومت اسلامی با معیارهای دینی بر اساس شرافت و کرامت انسان‌ها بنا می‌شود و تعلیم و تربیت و تکامل فرهنگی و معنوی و پیشرفت سرلوحه کار آن هست. در حکومت غیرمعیار دینی ممکن هست برخی افراد باهمت بلند، کرامت و عزت خود را حفظ کنند اما اکثریت جامعه تابع برنامه‌های حاکمان هستند که نه از عزت آگاه‌اند و نه ارزش‌های اسلامی و دینی. از این‌رو، تحکیم همه‌جانبه و عزت آور ارزش‌های دینی نیازمند حکومت آگاه و مقتدر اسلامی و دینی است. (نهج‌البلاغه، خ: ۴۰) که تا این عزت‌آفرینی در زندگی اجتماعی و فردی مسلمانان به وجود آید و در

سیاست‌گذاری‌های خارجی عزت مسلمانان و جامعه‌ای اسلامی را حفظ نماید و با اقتدار از منافع و عزت مسلمانان دفاع نماید. که البته این عزت در سایه نفی سلطه و سرپرستی و عدم اعتماد و دوستی با ستمگران و مستکبران برای مسلمانان و جامعه و دولت اسلامی حاصل می‌گردد.

۲.۴- نفی سلطه

یکی از راهکارهای مهم استقلال سیاسی که به عنوان اصول مهم در سیاست خارجی دولت اسلامی نیز مطرح هست نفی سلطه می‌باشد که شاید در قرآن کریم پس از مسئله‌ی دعوت و جهاد در سیاست خارجی، بر مسئله‌ی سیاسی دیگری نظیر نفی سلطه و ولایت کفار بر مسلمین تأکید نشده‌اند، زیرا اسلام همواره بر استقلال، سربلندی و عزت مسلمانان تأکید ورزیده و جایز نمی‌داند که کفار بر مسلمانان مسلط شوند و آنان را به بند کشند یا به‌گونه‌ای در حاکمیت آنان نفوذ داشته باشند. (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۵، ۲۳۶) از این جهت، اصل نفی سلطه کفار بر مسلمین که از آیات قرآن «وَلَنَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». (نساء: ۱۴۱) و سنت معصومین علیهم‌السلام «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۴، ۳۲۱) استخراج می‌شود و عقل نیز مؤید آن می‌باشد، اصلی مهم و حاکم بر روابط دولت اسلامی با غیر اسلامی است که راه نفوذ و سلطه کفار بر بلاد اسلامی را در تمامی ابعاد سلطه می‌بندد و جلو هرگونه نفوذ و سلطه را می‌گیرد. بدیهی است که مراد از عدم جعل طریق برای کافران بر مسلمانان، جعل تشریعی است نه تکوینی؛ بدین معنا که خداوند به احکامی که تضمین‌کننده‌ی تسلط کفار بر مسلمین باشد، مشروعیت نداده است. بر این اساس آیه نفی سبیل به عنوان اساس روابط خارجی دولت اسلامی و راهکار استقلال سیاسی مطرح می‌گردد، حتی به قول برخی از پژوهشگران بر سایر آیات حاکم است؛ (شکوری، ۱۳۹۴، ج ۲، ۳۸۴) برای نمونه اگر دولت اسلامی با غیرمسلمانان عهد و پیمانی را منعقد کند به حکم صریح قرآن مبنی بر وجوب وفای به عهد «أوفوا بالعهد». (اسراء: ۳۴) لازم است که دولت اسلامی به میثاق و پیمان منعقدشده پایبند باشد، زیرا به تصریح این آیه

شریفه مانند غالب آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت کرده شامل عهدهای فردی و اجتماعی و بین قبیله‌ای و قومی و امّتی و دولت‌ها است، بلکه از نظر اسلام وفای به عهدهای اجتماعی مهم‌تر از وفای به عهدهای فردی است، برای اینکه عدالت اجتماعی مهم‌تر و نقض آن بلائی عمومی‌تر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۵۹) اما اگر این پیمان موجب استیلاى سیاسى، نظامى و فرهنگى کفار بر مسلمانان گردد فاقد اعتبار است و از ذیل وجوب وفای به عهد خارج خواهد شد؛ بدین جهت بر اساس اصل نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسى و نظامى، اقتصادى و فرهنگى باید مسدود گردد. (موسوى بجنوردى، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۸۷)

لذا از نظر سیاسى نپذیرفتن تحت‌الحمایگی، ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسى مورد تأکید است و از نظر نظامى نیز تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامى مدنظر مى‌باشد، در ضمن عدم وابستگی اقتصادى و جلوگیری از نفوذ فرهنگى و منع استشاره و مشورت در حوزه‌های فرهنگى و نظامى در روابط خارجى مورد توجه است؛ بنابراین قاعده نفی سلطه بیانگر دو جنبه ایجابى و سلبى مى‌باشد که جنبه سلبى آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسى، اجتماعى مسلمانان است و جنبه ایجابى آن بیانگر وظیفه دینى امت اسلامى در حفظ استقلال سیاسى و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است. (دهشیرى، ۱۳۷۸، ج ۶، ۶۳)

بدین لحاظ باید روابط خارجى اسلام با غیرمسلمانان به گونه‌ای تنظیم گردد که زمینه‌های سلطه و برتری کفار بر مسلمانان را فراهم نیاورد، در غیر این حالت چنین روابطى نامشروع خواهد بود.

۳.۴- نفی سرپرستى

بر اساس، آیات قرآن کریم برای حفظ استقلال و آزادی، جوامع اسلامى را از پذیرش ولایت و سرپرستى کافران نهی کرده‌اند. (آل عمران: ۲۸، نساء: ۱۴۴، مائده: ۵۷) زیرا ولایت و سرپرستى کافران موجب دخالت و تصرف آنان در شئون مسلمانان و زمینه خروج مسلمانان از

مسیر حق و وابستگی آنان به کافران می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۳۶۸-۳۷۴) قرآن کریم در خطاب‌های گوناگون از پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان خواسته تا از خواهش‌ها و تمایلات دشمنان دین خدا پیروی نکنند که نوعی تملق می‌باشد برای تسلط بر مسلمانان. (شوری: ۱۵) لذا قرآن درباره تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه اسلامی به پیروی از خود هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ ءَاثُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ». (آل عمران: ۱۰۰) که مراقب توطئه‌های کفار باشند و فریب تبلیغات آنها را نخورند که اگر از کفار و مستکبران پیروی کنید، آنها شما را از دینتان بیرون و از اسلام بر می‌گردانند. (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۰۳) براین اساس امام خمینی رحمه الله مانند در زیر سلطه مستکبرین را مایه خفت و سرشکستگی مسلمانان می‌دانست و می‌فرمود: «آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که باین‌همه سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشتوانه الهی تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی وزمینی قرن بدهند؟». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۱۷۲) بدین جهت امام خمینی به عنوان بنیان‌گذار دولت اسلامی در ایران با تمام توان در مقابل غرب و شرق استاد و وابستگی‌ها را نفی نمودند.

۴.۴- اعتماد نکردن به ستمگران

یکی از راهکارهای دیگر را که قرآن برای استقلال سیاسی باتوجه به نفی سلطه و سرپرستی بیان می‌کند عدم اعتماد کردن به ستمگران است. اینکه مسلمانان نباید بر ستمگران تکیه و اعتماد کنند قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ و بر ستمگران و ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش {عذاب ستمگری آنها} شما را فراگیرد و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید». (هود: ۱۱۳)

این آیه در حقیقت یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی و عقیدتی جامعه اسلامی را بیان می‌کند، عموم مسلمانان را مخاطب قرار داده و به عنوان يك وظیفه

قطعی می‌گوید: (وَلَا تَزْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا)؛ به کسانی که اهل ستمگری و بیدادگری هستند، میل و رغبتی نداشته باشید. در واقع نهی در این آیه کسانی را که با ستمکاران در ستمگری به نحوی شرکت دارند، یا از عمل آنها اظهار رضایت کنند، یا با آنها همراهی کنند، یا با آنها رفاقت داشته باشند و یا با آنها با تعارف و چرب زبانی رفتار کنند، همگی را در برمی‌گیرد. (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۷۶) زیرا تکیه و اعتماد بر ستمگران در شکل وابستگی آشکار می‌گردد و وابستگی فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی نتیجه‌ای جز اسارت و استثمار و نابودی استقلال ملت و جامعه اسلامی را در پی نخواهد داشت؛ لذا اعتماد به ظالمان و تکیه بر آنها از آنجاکه موجب تقویت جبهه کفر و استکبار و تضعیف امت اسلامی می‌شود؛ در قرآن در ارتباط با نحوه و الگوی رابطه با کفار قاعده «نفی سبیل» بیان‌گردیده که رابطه را به شرط عدم هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان مجاز می‌داند و غیر آن را نمی‌پذیرد.

۴. ۵- عدم ارتباط و دوستی با مشرکان و مستکبران

قرآن در آیاتی دیگر مسلمانان را از دوستی با مشرکان و مستکبران که زمینه‌ساز سلطه و حاکمیت آنان و نفی استقلال مسلمانان می‌گردد بر حذر داشته می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةٍ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هرگونه شر و فساد دربار شما، کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دلهایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است، ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!» (آل عمران: ۱۱۸، نیز نساء: ۱۴۴)

کلمه‌ی «بطانة» به لباس‌زیر گفته می‌شود که به «بطن» و شکم می‌چسبد. در اینجا کنایه از محرم اسرار است. کلمه‌ی «خبال» به معنای نابودی فکر و عقل است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۹۲-۲۹۳) و به این مطلب اشاره دارد که کافران و بیگانگان نباید محرم اسرار مسلمانان

قرارگیرند، زیرا دوستی و اعتماد و وابستگی به بیگانگان موجب نابودی فکر و عقل مسلمانان گشته و زمینه سلطه استکبار را فراهم می‌کند؛ زیرا مشرکان در قالب دوستی آرزوهای را می‌کند که دشمنان و ستمکاران می‌خواهد؛ لذا اگر به واژه‌ی «وَدَّ» در قرآن بنگریم، آرزوهای دشمنان را درباره ما مسلمانان درمی‌یابیم:

آن‌ها می‌خواهد مسلمانان از سلاح و سرمایه‌ی خود غافل گردد. «وَدَّالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْلِبُونَ عَنْ اسْلِحَتِكُمْ وَاَمْتِعَتِكُمْ» (نساء: ۱۰۲)

آن‌ها از مسلمانان سازش و نرمش می‌خواهد. «وَدَّالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَدِينُ الْمُؤْمِنِينَ» (قلم: ۹)
 آن‌ها برای مسلمانان رنج و فشار و زحمت می‌خواهد. «وَدَّوْا مَا عَنِتُّمْ» (آل عمران: ۱۱۸)
 آن‌ها برای مسلمانان ارتداد و بازگشت از دین را می‌خواهد. «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا». (بقره: ۱۰۹)

یعنی در قالب دوستی و خیرخواهی می‌خواهد مسلمانان را از سرمایه و منابع انسانی و طبیعی بازداشته و محتاج، وابسته به خود نماید، تا استقلال سیاسی و فکری و اقتصادی و... نداشته باشد که در نهایت دین و ایمانش را هم از بین ببرد؛ بدین جهت قرآن در آیه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ؛ اِی اهل ایمان، مبادا کافران را به دوستی گرفته و مؤمنان را رها کنید». (نساء: ۱۴۴) زیرا دشمن که در دل آرزوی کفر را دارد، در عمل از هیچ توطئه و نقشه‌ی خودداری نخواهد کرد. روش‌های اقدام آن‌ها همان طرح سؤالات بی‌جا، وسوسه‌ها، القای شبهات نسبت به دین و قرآن و نظام اسلامی و خیرخواهی و... در قالب دوستی و ارتباط هست که باید نسبت به آن‌ها هشیار بود. همچنان که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «نظام استکبار که قصد سلطه‌ی بر ملت‌ها را دارد، از شیوه توجیه جنایت و پوشاندن لباس خدمت به جنایت، به‌طور متعارف و معمول در همه زندگی‌اش استفاده می‌کند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲ / ۸ / ۲۹) <https://farsi.khamenei.ir/speech-24552content?id=>

نتیجه‌گیری

استقلال سیاسی مقوله‌ای بسیار مهم، حیاتی و راهبردی در سرنوشت کشورها، دولت‌ها است، بدین جهت شایسته توجه علمی و مطالعه روشمند برای فهم موضوعات و راهکارهای آن می‌باشد. اسلام به عنوان مکتب مشتمل بر آموزه‌های فرامکانی و فرازمانی همواره تحول‌زا و منشأ حرکت‌های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی بوده است، به مباحث استقلال سیاسی جامعه و دولت اسلامی به عنوان موضوعی مهم و اساسی توجه داشته است؛ اما آنچه دارای اهمیت می‌باشد، تبیین نقش و دستورات قرآن کریم در استقلال جامعه و دولت اسلامی و مسلمانان در ارتباط با دیگران یا به تعبیری در سیاست خارجی در سطح بین‌الملل، در چارچوب جهان‌بینی اسلامی است؛ که در اینجا، راهکارهای استقلال سیاسی از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت؛ که می‌توان گفت نقش اسلام در تاریخ سیاسی در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی، رفتار سیاسی بسیار برجسته است؛ آموزه‌های اسلامی در سیاست خارجی دولت اسلامی نقش اساسی را دارد، زیرا سیاست‌گذاران دولت اسلامی بدون توجه به آموزه‌ها و ارزش‌های هویتی اسلامی، نمی‌توانند عمل نمایند. از طرفی با توجه به پیدایش نیازهای جدید در عرصه‌ی ارتباطات، علوم، فن‌آوری و اطلاعات، ملت‌ها را ناگزیر می‌کند که ارتباطات گسترده‌ای برقرار کنند. به عبارت دیگر، دولت‌ها، همچنین ملت‌ها برای حل مسائل و برآورده کردن نیازهای علمی، اقتصادی و نیازهای نوین خود، ناگزیر به برقراری ارتباطات وسیع با یکدیگرند. این برقراری ارتباطات از طریق مختلف در چارچوب سیاست خارجی در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد؛ اما قرآن راهکارهای مشخصی از قبیل نفی سلطه و سرپرستی و عدم اعتماد و دوستی با ستمگران برای عزت مسلمانان و جامعه و دولت اسلامی ارائه نموده‌اند تا مسلمان در تعاملات و معاهدات و تعهدات بین‌المللی خود در سطح جهان، تحت سلطه و استعمار دیگران قرار نگیرد بلکه دارای استقلال و عزت باشند که در سایه استقلال می‌توانند ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی و ملی خود به صلح پایدار و ثبات سیاسی و نظم و پیشرفت علمی، اقتصادی و سیاسی برسند، تا دارای اقتدار در سطح بین‌الملل برای پیشبرد اهداف و منافع اسلامی باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. آشوری، داریوش؛ (۱۳۹۴) دانشنامه سیاسی، تهران: نشر مروارید، چ ۲۴.
۴. آقابخشی، علی، مینوافشاری راد؛ (۱۳۸۳) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
۵. آقابخشی، علی؛ (۱۳۷۶) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۶. ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ (۱۳۷۸ ق) شرح نهج البلاغه، قاهره: دارالاحیاء الکتب العربیه.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۸. احمد حسینی، فخرالدین؛ (۱۳۷۵) مجمع البحرین، تهران: بنیاد بعثت.
۹. احمدی، محمد علی؛ (۱۳۹۶) نقش فرهنگ در سیاست خارجی دولت اسلامی، پایان نامه، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله.
۱۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی؛ (۱۳۶۱) صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی؛ (۱۳۷۹) کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی؛ (۱۳۹۰) تحریر الوسیله، قم: اسماعیلیان.
۱۳. بحرانی، یوسف؛ (۱۴۰۵ ق) الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱۹.
۱۴. بیگی، مهدی؛ (۱۳۸۹) قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۵. تقی زاده انصاری، محمد؛ (۱۳۷۹) استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۴۹، پاییز.
۱۶. جعفری، محمد تقی؛ (۱۳۷۰) حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. جعفری، یعقوب؛ (۱۳۷۶) تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت.
۱۸. جلیلی، سعید؛ (۱۳۷۴) سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۹. جمالی، حسین؛ (۱۳۸۰) تاریخ و اصول روابط بین الملل، تهران: نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چ ۱.
۲۰. حرانی، ابن شعبه؛ (۱۳۹۴) تحف العقول عن آل الرسول، بیروت: نشر مؤسسه اعلی، چ ۵.
۲۱. حسینی، سید ابراهیم؛ (۱۳۹۱) جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین الملل معاصر، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۲. حقیقت، سید صادق؛ (۱۳۷۵) مبانی اصول و سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. خامنه ای، سید علی؛ (۱۳۹۲) بیانات در دیدار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲ / ۸ / ۲۹: [tps://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)
۲۴. دهشیری، محمدرضا؛ (۱۳۷۸) اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی، مجموعه مقالات، قم: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۵. رنجبر، مقصود؛ (۱۳۸۱) استقلال و ضرورت های جدید، قم: بضعه الرسول صلی الله علیه و آله.
۲۶. الزحیلی، وهبه؛ (۱۴۱۲ق) آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، بیروت: دارالفکر.
۲۷. شرتونی، سعید الخوری؛ (۱۳۸۵) اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد، قم: سازمان اوقاف و امور خیریه انتشارات اسوه، چ ۲.
۲۸. شکوری، ابوالفضل؛ (۱۳۹۴) فقه سیاسی اسلام، تهران: نشر نورا.
۲۹. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی؛ (۱۳۸۵) من لایحضره الفقیه، قم: نشر جامعه مدرسین.
۳۰. طباطبایی، محمد حسین؛ (۱۳۶۴) المیزان، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. طباطبایی، محمد حسین؛ (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. طبرسی، علی بن حسن؛ (۱۳۸۹) مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، قم: دارالحدیث، چ ۲.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ (۱۳۷۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ (۱۳۷۵) تفسیر جوامع الجامع، ترجمه: عبدالحمیدی، علی ودیگران، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۳۵. علی بابایی، غلامرضا؛ (۱۳۶۹) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر ویس.
۳۶. فرجی، یوسف؛ (۱۳۸۶) پول، ارز و بانکداری، تهران: نشر بازرگان، چ ۱۰.

۳۷. قربانی، زین العابدین؛ (۱۳۸۳) اسلام و حقوق بشر، تهران: انتشارات سایه، چ ۱.
۳۸. قریشی، سید علی اکبر؛ (۱۳۶۴) قاموس قرآن، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
۳۹. قوام، سید عبدالعلی؛ (۱۳۸۷) اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
۴۰. کوئن، بروس؛ (۱۳۷۵) درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، چ ۲.
۴۱. گروهی از نویسندگان؛ (۱۳۹۲ق) المعجم الوسیط، قاهره: دارالدعوه.
۴۲. لوبون، گوستاو؛ (۱۳۵۴) تاریخ تمدن اسلام و غرب، ترجمه: سید هاشم حسینی، تهران: انتشارات اسلامیه.
۴۳. مصطفوی، حسن؛ (۱۳۶۸) التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ (۱۳۸۴) تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. منتظری، حسینعلی؛ (۱۳۶۷) دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۴۶. منشور ملل متحد، تصویب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، ماده ۲، (برابر با ۵ تیر ۱۳۲۴) در سانفرانسیسکو.
۴۷. منصوری، جواد؛ (۱۳۷۴) فرهنگ استقلال و توسعه، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۴۸. موسوی بجنوردی، سید حسن؛ (۱۳۷۷) القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.
۴۹. نظر پور، مهدی و جعفر وفا؛ (۱۳۸۲) آشنایی با نظام سیاسی اسلام، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه.
۵۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران، (۱۳۸۶) تفسیر راهنما، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵۱. هیوود، اندرو؛ (۱۳۸۹) سیاست، ترجمه: عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.
۵۲. یوسفی، نریمان؛ (۱۳۸۳) شکاف بین نسل ها، تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

مبانی قرآنی و حدیثی دولت ملت سازی در جمهوری اسلامی

محمدرضا مهدوی^۱ (نویسنده مسئول)

فاطمه اسلام پناه^۲

چکیده

پس از قرارداد وستفالی در ۱۶۴۸ میلادی، گونه جدیدی از دولت‌ها موسوم به دولت‌های ملی شکل گرفتند. در این گونه‌های جدید از دولت‌ها، مفهوم دولت ملت سازی به عنوان یک فرآیندی جهت تعلق مردم یک کشور به حاکمیت معین با مرزهای مشخص مورد توجه قرار می‌گیرد. این مفهوم از دولت بر پایه چهار عنصر حاکمیت، حکومت، جمعیت و سرزمین پایه‌گذاری شده است. ورود اندیشه دولت ملت سازی به ایران در دوره قاجاریه، هم‌زمان با انقلاب مشروطه به وقوع پیوست و مسیر تکامل خود را پیمود تا پس از انقلاب اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان اصلی مسلم پذیرفته شد. اشاره مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مفاهیمی از قبیل حفظ تمامیت ارضی، استقلال ملی و مانند آن، نشان دهنده حسن توجه ایشان به دولت ملت سازی در جمهوری اسلامی می‌باشد. این مسئله ضرورت بررسی مبانی قرآنی و حدیثی دولت ملت سازی در جمهوری

۱. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران

mmahdavigermi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه مفید قم fatemehesllampanah@gmail.com

اسلامی را دوچندان می‌کند. با توجه به چنین ضرورتی در این مقاله با رهیافتی توصیفی - تحلیلی، به واکاوی مبانی دولت ملت سازی در بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته شده. در این مقاله با توجه به وجود عناصر دولت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب، ارکان دولت - ملت سازی در جمهوری اسلامی، بر اساس مستندات قرآنی و حدیثی مورد بررسی قرار گرفت و مبانی چهار عنصر دولت ملی یعنی حاکمیت، حکومت، جمعیت و سرزمین در منابع اسلامی، به‌طور کلی تبیین گردید.

کلید واژه: دولت ملی، حکومت، حاکمیت، جمعیت، سرزمین، بیانیه گام دوم

مقدمه

قراردادهای وستفالی (۱۶۴۸م) شامل دو قرارداد «مونستر» و «اوزنابروک» که در پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی در اروپا منعقد گردید؛ نقطه آغاز دولت‌های ملی قلمداد می‌گردد. (نقیب زاده، ۱۳۹۸: ۷) از قرارداد وستفالی تا کنگره وین (۱۸۱۵م) مرحله رشد و تکامل دولت‌های ملی محسوب می‌شود که از چهار عنصر سرزمین، جمعیت، حاکمیت و حکومت تشکیل می‌شدند. (نقیب زاده، ۱۳۹۸: ۲۳) این نوع جدید از دولت، با عنوان دولت‌های ملی یا دولت - ملت^۱ شناخته می‌شوند. اگرچه برخی از نویسندگان و تاریخ نگاران، نقطه آغاز دولت ملی در ایران را به عصر صفویه بازمی‌گردانند؛ (ططری، ۱۳۸۶: ۵۳) اما ورود اندیشه دولت ملی و عناصر مربوط به آن را باید به دوره قاجاریه و به‌ویژه دوران ناصری منتسب دانست. (احمدزاده، ۱۳۹۶: ۱۸ - ۲۳) روند دولت - ملت سازی در انقلاب مشروطه، اواخر دوره قاجاریه، حکومت پنجاه ساله پهلوی و در دوران جمهوری اسلامی همواره مسیری رو به رشد و مثبت داشته است. (جلایی پور، ۱۳۸۸: ۴۹) که هرکدام می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی قرار گیرد. پس از انقلاب اسلامی، دولت ملی و عناصر آن به‌عنوان اصلی مسلم پذیرفته شد و در اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل ۹، اصل ۴۱، اصل ۵۶ و مانند آن مورد تأکید قرار گرفت. تأکید بر عناصری از دولت ملت سازی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به‌عنوان چراغ راهنمای چهل سال دوم انقلاب محسوب می‌شود؛ اهمیت دولت ملت سازی و بررسی مبانی آن را مضاعف می‌کند. با این حال هرچند تاکنون مقالات و پژوهش‌های متعددی در رابطه با دولت ملی در ایران انجام گرفته است؛ اما بررسی مبانی دولت ملی از منظر منابع اسلامی، مغفول بوده است. به همین جهت در این مقاله مبانی قرآنی و حدیثی دولت ملت سازی در جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام مکتبی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این منظور ابتدا تعریف و عناصر اصلی تشکیل دهنده دولت ملی به صورت مختصر بیان شده و سپس به مبانی و عناصر تأکید شده دولت ملی در

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود و در نهایت جایگاه و مبانی قرآنی و حدیثی هر یک از آن عناصر، در منابع اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. دولت ملی و عناصر تشکیل دهنده آن

برای تعریف دولت مدرن می‌توان از سه نوع تعریف بهره برد که شامل تعریف حقوقی، تعریف فلسفی و تعریف جامعه‌شناختی و سیاسی می‌شود. این تعاریف ضمن هم پوشانی با یکدیگر، هر یک بر جهتی خاص از ماهیت دولت تأکید دارد. آنچه در این موضوع، مورد نظر و نیاز ماست؛ تعریف حقوقی و ماهیت حقوقی دولت ملی می‌باشد. از جهت حقوقی، دولت «از اجتماع دائمی و منظم گروهی از افراد بشر که در سرزمین معین و مشخصی به‌طور ثابت سکنی گزیده‌اند و مطیع یک قدرت سیاسی مستقل هستند، تشکیل شده است.» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۱۴۹)^۱ بر اساس این تعریف عناصر اصلی تشکیل دهنده یک دولت عبارتند از: الف) جمعیت دائمی، ب) سرزمین معین، ج) حکومت، د) حاکمیت. هر اجتماع سیاسی که فاقد یکی از عناصر مذکور باشد؛ دولت محسوب نمی‌گردد. (عالم، ۱۳۹۴: ۱۳۹) جمعیت، به‌عنوان عنصر اولیه و بنیادی تشکیل دهنده دولت، به این معنا است که هر دولتی باید از تعداد قابل اعتنایی از جمعیت برخوردار باشد. کیفیت و کمیت این جمعیت در ایجاد دولت، نقش ماهوی ندارد و صرف وجود تعدادی از جمعیت که خیلی کم نباشد، برای ایجاد دولت کفایت می‌کند. (عالم، ۱۳۹۴: ۱۴۰) سرزمین نیز به معنای محدوده جغرافیایی معین با مرزهای مشخص می‌باشد که دولت در آن به حکومت می‌پردازد. این سرزمین شامل آب، خاک و فضا یک کشور است که در اختیار دولت می‌باشد و وسعت و اندازه آن در اصل تشکیل دولت تاثیری ندارد. (عالم، ۱۳۹۴: ۱۴۲) حکومت نیز به نهادهای اجرایی و کارگزاری‌هایی گفته می‌شود که اراده دولت به‌وسیله آنها

۱. دولت به این معنا، معادل واژه «STATE» و به معنای کل نظام سیاسی یک کشور و هیئت حاکمه آن می‌باشد. و متفاوت از دولت به معنای دستگاه اجرایی یک کشور است که «GOVERNMENT» خوانده می‌شود.

عملی می‌گردد و بازوان اجرایی دولت می‌باشند. وزارتخانه‌ها، ادارات، پلیس، ارتش و مانند آن را می‌توان ابزارهای حکومتی یک دولت دانست. (عالم، ۱۳۹۴: ۱۴۴) حاکمیت، مهمترین و اصلیت‌ترین عنصر تشکیل دهنده دولت ملی محسوب می‌شود. حاکمیت، دارای دو بعد داخلی و خارجی می‌باشد. حاکمیت در عرصه داخلی به معنای قدرت عالی و بی‌رقیب در یک سرزمین است که اکثریت مردم از آن اطاعت می‌کنند. و در عرصه خارجی به معنای استقلال و رهایی از سلطه و آمریت یک دولت دیگر می‌باشد. (عالم، ۱۳۹۴: ۱۴۵) با تعریف دولت ملی و تبیین عناصر آن، در بخش بعدی به واکاوی عناصر دولت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

۲. عناصر دولت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی^۱

در بخشی از بیانیه گام دوم، «آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برابری» به عنوان شعارها و اهداف جهانی، درخشان و همیشه زنده انقلاب اسلامی معرفی شده و در قسمت دیگر از بیانیه، استقلال به معنای «آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان» تعریف می‌شود که البته نباید به معنای «زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور، در میان مرزهای خود» قلمداد شود. مقام معظم رهبری، استقلال ملی را «خون آورد صدها هزار انسان والا، شجاع و فداکار» می‌دانند که دولت جمهوری اسلامی موظف به پاسداری از آن می‌باشد. تأکید بر استقلال، به عنوان بعد خارجی اصل حاکمیت ملی، اولین عنصر مورد اشاره در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد. در کنار رکن استقلال، تأکید چندباره بر عزت ملی را نیز می‌توان به عنوان بازتابی از حاکمیت ملی قلمداد نمود.

در بخش دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی «ثبات، امنیت، حفظ تمامیت ارضی

۱. آنچه در ذیل این تیتراز مقاله، داخل گیومه «» آورده شده است؛ عیناً از متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

می‌باشد.

کشور و حفاظت از مرزهای کشور» که هدف تهدیدات جدی خارجی بوده است؛ به عنوان یکی از برکات انقلاب اسلامی معرفی می‌شود. بیان حفظ تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها به عنوان هدف و حاصل نظام جمهوری اسلامی، نشانگر توجه ویژه رهبر انقلاب، در بیانیه گام دوم بر عنصر سرزمین است که به عنوان یکی از عناصر اصلی دولت ملی معرفی گردید. علاوه بر موارد فوق، در بیانیه گام دوم «مهمترین ظرفیت امید بخش کشور، نیروی انسانی مستعد، کارآمد، جوان و با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی» معرفی می‌شود که اهمیت عنصر جمعیت در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. همچنین مشارکت عمومی ملت در صحنه‌های سیاسی نیز یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی بیان می‌شود که نشانگر جایگاه ملت در مشروعیت نظام سیاسی اسلامی می‌باشد. در نهایت می‌توان تأکید بر ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی و همچنین تحقق عدالت ساختاری در حکومت اسلامی را اشاره‌ای بر عنصر حکومت، در بیانیه گام دوم قلمداد کرد.

اکنون پس از بیان مبانی و عناصر دولت ملی که در بیانیه گام دوم مورد اشاره واقع شده بودند؛ به بررسی هریک از آنها از منظر قرآنی و حدیثی بر پایه منابع اصیل اسلامی پرداخته می‌شود.

۳. عنصر حاکمیت از منظر قرآن و احادیث

همانگونه که قبلاً ذکر شد؛ عنصر حاکمیت دارای دو بعد داخلی و خارجی است. به همین جهت در این قسمت به بررسی منابع دینی هردو بُعد از حاکمیت پرداخته می‌شود.

۱.۳ - حاکمیت داخلی از منظر قرآن و احادیث

نخستین نکته در این باب، تعلق حاکمیت مطلق به خداوند متعال می‌باشد. تمامی اندیشمندان اسلامی بنا بر منابع قرآنی و روایی متعدد، حاکمیت را از آن خداوند متعال می‌دانند که به بخشی از این منابع اشاره می‌گردد:

آیه ۵۴ سوره اعراف: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» آگاه باشید که آفرینش و تدبیر جهان به فرمان اوست. "علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر واژه امر، آن را اسم مصدر و به معنای تدبیر و تنظیم امور می‌دانند، (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۸، ۱۸۷) که این معنا حاکی از حاکمیت مطلق خداوند بر مخلوقات می‌باشد.

آیه ۵۷ سوره انعام: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» "حکم و فرمان، تنها برای خداوند است." این آیه به روشنی هرگونه حکم و فرمانی در عالم تکوین و تشریع را مختص ذات خواند متعال می‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۲۶۵) اما این هرگز به این معنا نیست که هرگونه حاکمیت غیر خداوند باطل باشد؛ به این دلیل که خود خداوند این حاکمیت را در آیات دیگر به اهل آن واگذار کرده است و در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

آیه نخست سوره ملک: «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» "پربرکت و زوال ناپذیر است. او که حکومت جهان هستی به دست اوست و او بر همه چیز تواناست." در آیه فوق تقدم خبر (بیدیه) بر مبتدا (الْمُلْكُ) دلالت بر مطلق بودن ملکیت می‌کند و این آیه نیز با کمال صراحت تسلط و مالکیت خداوند بر جهان هستی را نشان می‌دهد. روشن است که مالک مطلق هرچیزی برآن حاکمیت مطلق نیز خواهد داشت.

این آیات و آیات مشابه، به وضوح مسئله حاکمیت را منحصر به ذات اقدس الهی می‌داند و تمام امور جهان را در حیطه حاکمیت خداوند قرار می‌دهد. با این حال تحقق حاکمیت الهی و به فعلیت رسیدن آن به وسیله پیامبران الهی است. بنابراین دومین نکته در باب حاکمیت، انتقال حاکمیت الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد. بر طبق منابع اسلامی تحقق حاکمیت خداوند به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد که ایشان به تشکیل حکومت اسلامی مبادرت ورزیدند. منابع قرآنی در این زمینه عبارتند از:

آیه ۳۶ سوره احزاب: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» "هیچ مرد و زن مؤمنی حق ندارد در کاری که خداوند و پیامبرش حکم نمایند؛ رای خلافی اظهار نمایند." طبق نظر مفسرین کلمه قضی در آیه فوق، به معنای

قانون، فرمان و داوری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ۳۱۸) و تمامی مسلمانان موظف به اطاعت از فرمان، قانون و داوری خداوند متعال و پیامبر ﷺ می باشند.

آیه ۶ سوره احزاب: «التَّيَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» "پیامبر نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان است." به بیان این آیه، رسول خدا ﷺ در تمامی امور دین و دنیا اولی و اختیاردارتر نسبت به همه مؤمنان می باشد. (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ۴۱۲) اطلاق فوق منبب بر اولویت پیامبر ﷺ در تمامی امور، اولویت ایشان در حاکمیت و رهبری مسلمانان را نشان می دهد.

آیه ۶۴ سوره نساء: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» "و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به اذن خداوند از او اطاعت کنند." بر طبق این آیه، تمامی پیامبران دارای حاکمیت الهی می باشند. آیه فوق هدف از ارسال پیامبران را اطاعت از آنها می داند. در این آیه پیامبران مبعوث می شوند تا با اذن الهی مردم را هدایت کنند و مردم نیز وظیفه اطاعت و پیروی از آنها را بر عهده دارند.

آیه ۸۰ سوره نساء: «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» "هرکس از پیامبر اطاعت کند؛ از خداوند اطاعت کرده است."

آیه ۵۹ سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» "ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا و پیامبر و صاحب امر از میان شما اطاعت کنید." دو آیه اخیر اطاعت از پیامبر ﷺ را در طول اطاعت از خداوند قرار می دهد. دلیل اطاعت از خداوند همانگونه که گذشت، حاکمیت خداوند بر تمامی مخلوقات می باشد. بنابراین آیات فوق که اطاعت از پیامبر ﷺ را هم طراز و مساوی اطاعت از خداوند قرار می دهد؛ مفهومی چنین است که حاکمیت خداوند به پیامبر ﷺ منتقل شده است.

آیه ۷ سوره حشر: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» "آنچه را که پیامبر به شما داد بگیرید و آنچه را که نهی کرد؛ رها کنید." این آیه نیز حاکمیت مطلق پیامبر را اشاره می کند و آن را مقید و محدود به هیچ امری نمی داند.

بنابراین در زمان حضور پیامبر ﷺ حاکمیت مطلق از آن اوست. اما پس از فوت خاتم الانبیا ﷺ، حاکمیت سیاسی به جانشینان ایشان منتقل می شود که از نظر شیعه، حضرت علی ﷺ و یازده فرزند آن بزرگوار جانشینان بر حق پیامبر می باشند. اکنون به بیان و بررسی دلایل قرآنی و حدیثی حاکمیت ائمه معصومین می پردازیم:

دلایل قرآنی بر حاکمیت ائمه معصومین ﷺ عبارتند از:

آیه اولی الامر، ۵۹ سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا و پیامبر و صاحب امر از میان شما اطاعت کنید. برای استناد به این آیه، باید اثبات شود که مراد از اولی الامر، امامان معصوم می باشند. اما چون این بحث، خارج از موضوع مقاله می باشد؛ لذا به صورت پیش فرض مسلم در نظر گرفته می شود.^۱ عبارت اولی الامر از دو کلمه تشکیل شده است که کلمه «اولی» به معنای صاحب و مالکیت و کلمه «امر» به معنای دستور و فرمان یا کار می باشد. در این آیه مراد از امر، همان حاکمیت خداوند متعال است که با اذن الهی به امام معصوم تعلق گرفته است و امام معصوم، صاحب آن می باشد. (رستمیان، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۳)

آیه ۵۵ سوره مائده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» ولی امر و صاحب اختیار شما فقط خداوند و پیامبر او و مؤمنانی هستند که در حال رکوع صدقه و زکات می دهند. تمام مفسرین شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که آیه فوق در شان علی ابن ابی طالب ﷺ می باشد. (طباطبائی، ۱۳۹۱: ۲۴۷) این آیه صراحتاً ولایت و حاکمیت علی ﷺ را هم طراز و در ادامه حاکمیت پیامبر ﷺ و خداوند متعال قرار می دهد.

دلایل حدیثی بر حاکمیت ائمه معصومین ﷺ عبارتند از:

۱. برای مطالعه در این زمینه ر. ک به مصباح، محمد تقی، آموزش عقاید، چاپ و نشر بین الملل مرکز

حدیث انذار: در پی نزول آیه انذار،^۱ پیامبر ﷺ خویشاوندان و اقربای خود را دعوت کرده و آنها را به اسلام فراخواند. پیامبر ﷺ در بخشی از سخنان خود فرمودند: «کیست که در این امر به من کمک کند تا برادر و وصی و خلیفه من در میان شما باشد؟» و این پرسش را سه بار تکرار کردند. اما هر بار فقط حضرت علی علیه السلام آن را اجابت نمودند. پس از آن پیامبر ﷺ فرمود: «این (علی علیه السلام) برادر و وصی و خلیفه من است. پس از او اطاعت کنید.» این حدیث در بسیاری از منابع شیعی و اهل سنت مانند بحارالانوار، تاریخ طبری، شرح نهج البلاغه ابی الحدید، تفسیر ابن اثیر و تاریخ ابی الفداء ذکر شده است. (رستمیان، ۱۳۸۱: ۱۴۷)

حدیث غدیر: حدیث غدیر مهمترین حدیث اثبات ولایت و حاکمیت علی علیه السلام پس از فوت پیامبر ﷺ می باشد. در جریان بازگشت پیامبر ﷺ از آخرین حج خود در منطقه غدیر، ایشان تمامی حاجیان را جمع کرده و خطبه ای ایراد کردند که در آن علی علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خود اعلام نمودند. این حدیث نیز به صورت متواتر در منابع شیعی و سنی روایت شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۲۵۱)

احادیثی که بر حاکمیت دیگر ائمه پس از حضرت علی علیه السلام دلالت دارند. مانند حدیثی که جابر ابن سمره از پیامبر نقل می کند که فرمودند: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ، أَوْ يَكُونُ عَلَيْكُمْ إِثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» "دین اسلام بر پا است تا قیام قیامت، یا اینکه بر شما دوازده خلیفه حکومت می کنند که همه از قریشند." (مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۳۹) و مانند حدیث سفینه یا احادیثی که امامان دوازده گانه را به اسم معرفی می کند.

بعد از روشن شدن حاکمیت الهی و حاکمیت پیامبر و ائمه معصومین در زمان حضور، اکنون مسئله تداوم حاکمیت الهی در عصر غیبت مطرح می شود. نظام جمهوری اسلامی بر پایه نظریه ولایت فقیه بنیان نهاده شده است و بر طبق این نظریه، ولایت فقیه ادامه ولایت پیامبر ﷺ می باشد. (امام خمینی، ج ۱۰، ص ۳۰۸) اکنون به بررسی منابع حدیثی ولایت و حاکمیت فقیه پرداخته می شود:

۱. وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (سوره شعراء، آیه ۲۱۴)

توقیع امام عصر عجل الله تعالی فرجه: این روایت در کمال الدین شیخ صدوق رحمته الله نقل شده است^۱ که بر طبق آن اسحاق ابن یعقوب، نامه‌ای به امام عصر عجل الله تعالی فرجه می‌نویسد و از حکم مسائلی که برای وی رخ داده است سوال می‌کند. و امام در بخشی از جواب ایشان می‌نویسند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» "در حوادثی که برای شما اتفاق می‌افتد به راویان احادیث ما رجوع کنید که آنها حجت من بر شما و من حجت خداوند برای آنها هستم" این روایت به صریح‌ترین شکل ممکن، ولایت عامه را افاده می‌کند. امام، راویان احادیث را مرجع تعیین وظیفه در حوادث واقعه معرفی می‌کنند و به لزوم مراجعه به آنها حکم می‌کند. روشن است که مراد از رجوع به فقها فقط در امور شرعیه نیست. چون بیان امور شرعیه وظیفه فقها بوده و مردم به آنها رجوع می‌کردند. و آنچه در اینجا نسبت به آن امر تعلق گرفته؛ رجوع به فقها در حوادث و مسائل اجتماعی است و فقیهان، مرجع تعیین تکلیف در حوادث اجتماعی می‌باشند. همچنین عبارت «فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ» فقها را حجت امام معصوم علیه السلام بر مردم قرار داده است که لزوم اطاعت از آنها را سبب می‌شود. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۵۰)

مقبوله عمر ابن حنظله: در این روایت ابن حنظله از امام صادق علیه السلام درباره منازعه میان اصحاب شیعه سوال می‌کند که آیا جایز است که به سلطان یا قاضی منصوب سلطان رجوع کنند؟ امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: «هرکس در حق یا باطلی به آنها رجوع کند، رجوع به باطل کرده است و هر چه را که به حکم آنها گیرد؛ در حقیقت، به حرام گرفته است. هرچند حق ثابت او باشد. راوی می‌گوید که پرسیدم پس چه باید بکنند؟ و امام علیه السلام فرمودند: باید نگاه کنند ببینند از شما چه کسی است که حدیث ما را روایت کرده، و در حلال و حرام ما مطالعه نموده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است. بایستی او را به عنوان قاضی و داور بپذیرند. زیرا که من او را حاکم بر شما قرار داده‌ام. پس زمانی که به حکم ما حکم کرد و از او نپذیرفتند؛ حکم خدا را سبک شمرده و به ما پشت کرده‌اند. و

۱. ر.ک به شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۴۸۳

هرکس به ما پشت کند به خدا پشت کرده است و این در حد شرک به خداوند است.» (حر عاملی، ج ۲۷، ۱۳۶ - ۱۳۷) این روایت اولاً رجوع به قاضی و سلطان را در تمامی منازعات منع می‌کند. چه منازعاتی که رسیدگی به آن در شان قاضی است و چه منازعاتی که رسیدگی به آن در شان سلطان است مانند رسیدگی به دعوای طائفه‌ای دو قبیله. در هر صورت مراجعه به سلطان یا قاضی منصوب سلطان منع شده و از باب رجوع به طاغوت قلمداد می‌شود. دوماً امام معصوم راه حلی را ارائه داده و فقیه شیعه را به عنوان حاکم منصوب می‌کند. بنابراین این نصب هم در شئون قضاوت و هم در شئون ولایت و حکومت معتبر می‌باشد. و نصب از طرف امام معصوم برای هردو شئون قضاوت و حکومت، بیانگر حاکمیت ولی فقیه می‌باشد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۵۵)

۲.۳. حاکمیت خارجی از منظر قرآن و احادیث

در باب حاکمیت خارجی و استقلال دولت اسلامی، آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خداوند طریقی برای کافران به مؤمنان قرار نداده است. "در این آیه واژه سبیل یک کلمه نکره است و در سیاق نفی (وَلَنْ يَجْعَلَ) قرار گرفته است که معنای عمومیت را می‌رساند. افاده معنای عمومیت، به این معناست که کافران در هیچ مسئله‌ای اعم از نظامی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، هیچ برتری و حاکمیتی نباید داشته باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۷۵) و همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «الإسلام يَغْلُو ولا يَغْلَى عليه». این آیه و حدیث گرانقدر به روشنی مسیر حرکت و تنظیم روابط خارجی دولت اسلامی را روشن، و حاکمیت خارجی و استقلال آن را تضمین می‌کند. بر طبق مطالب مذکور، حاکمیت به عنوان یکی از عناصر دولت ملی، در اصل متعلق به خداوند متعال است. و تحقق حاکمیت الهی بر روی زمین بر عهده پیامبران می‌باشد. پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان خاتم انبیا، ائمه معصومین، میراث‌دار حاکمیت الهی می‌باشند. و نیز در زمان غیبت امام معصوم، این حاکمیت به ولی فقیه شیعه منتقل شده است و ولی فقیه شیعه دارای نصب عام از طرف امام معصوم می‌باشد. این مطلب در نظام جمهوری

اسلامی به عنوان مبنای حاکمیت فقیه جامع الشرایط پذیرفته شده است. و اصل نفی سبیل و اصل عزت اسلامی نیز چراغ راه روابط خارجی نظام جمهوری اسلامی می باشد.

۴. عنصر حکومت از منظر قرآن و احادیث

منابع قرآنی و حدیثی موجود در باب حکومت را علیرغم همه گستردگی آنها، می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱.۴ - منابع قرآنی و حدیثی در باب ضرورت حکومت

در باب ضرورت حکومت، به آیات و روایات فراوانی می توان استناد کرد که در ادامه بخشی از آنها به عنوان نمونه ذکر می گردد:

آیه ۱۰۵ سوره نساء: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» "ما این کتاب را به حق برای تو نازل کردیم تا در میان مردم به موجب آنچه خداوند به تو آموخته است؛ حکومت و داوری کنی." این آیه به وضوح، داوری و تشکیل حکومت را از وظایف پیامبر ﷺ می داند و آن را هدف نزول قرآن معرفی می کند. (قاسمی: ۱۳۸۸: ۱۴۸) و روشن است که این وظیفه پیامبر به جانشینان و میراث داران ایشان منتقل می شود.

آیه ۵۸ سوره نساء: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» "خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهل آن واگذار کنید و زمانی که بین مردم حکم می کنید به عدالت حکم کنید." بر طبق اسناد و منابع مختلف، مراد از امانت که باید به اهل آن واگذار گردد؛ امر حکومت جامعه اسلامی می باشد. از جمله حدیث زراره از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) که در تفسیر آیه فوق می فرمایند: یعنی حکومت و ولایت را به اهل آنها بسپارید. (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ۱۰۱)

روایت حضرت علی (ع) در باب ضرورت حکومت که می فرمایند: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰) در این خطبه ضرورت وجود حکومت، برای نظم و اداره جامعه و جلوگیری از هرج و مرج بیان شده است.

۲.۴. منابع قرآنی و حدیثی در باب شرایط و ویژگی‌های حکومت

منابع قرآنی و حدیثی در باب شرایط و ویژگی‌های حکومت در عصر غیبت به دو دسته کلی شرایط ولی فقیه و شرایط کارگزاران جامعه اسلامی مربوط می‌باشد. منابع موجود در باب شرایط ولی فقیه عبارتند از:

منابع بیانگر شرط فقاہت: مانند توقیع امام زمان علیه السلام و مقبوله حنظله که ذکر آن گذشت و مانند حدیث حضرت علی علیه السلام که از پیامبر نقل می‌کنند که سه بار فرمودند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْ خُلَفَائِي» و گفته شده خلفای تو کیستند یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟ و ایشان فرمودند: «الَّذِينَ يَبْلَغُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي ثُمَّ يَعْلَمُونَهَا أُمَّتِي». (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ۴۸۳) پیامبر صلی الله علیه و آله تبلیغ و تعلیم احادیث و سنت نبوی را ویژگی بارز خلفای خود معرفی می‌کند. تعلیم احادیث و سنت نبوی فرع بر فهم و تفقه در آن‌ها می‌باشد. بنابراین خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان غیبت کسانی هستند که اولاً در در فهم احادیث و تفقه در سنت به مرتبه اعلی رسیده و دوماً در راه تبلیغ و تعلیم آن‌ها تلاش می‌کنند.

منابع بیانگر شرط عدالت: مانند آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره شعراء «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ / الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ» "از افراط‌گرایان اطاعت نکنید / کسانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند." و آیه ۲۸ سوره کهف، «وَلَا تُطِيعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» "و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و کارش بر زیاده‌روی و افراط است؛ اطاعت مکن." که این آیات، اطاعت از افرادی که بر سبیل عدالت نباشند را منع می‌کند. و همچنین فرمایش امام حسین علیه السلام که در نامه برای اهل کوفه می‌نویسند: «فلعمری ما الامام الا الحاکم بالکتاب و القائم بالقسط الدائن بدین الحق» "به جان خود سوگند، امام جز آنکه به کتاب خدا، حکومت و داوری کند و برپادارنده عدالت باشد و به دین حق گردن نهد؛ نیست" (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ۳۹) و روایات و احادیث مشابهی که از مجموع آن‌ها روشن می‌گردد که فاسق و جائر نمی‌تواند بر مؤمنان، ولایت و حکومت داشته باشد.

منابع بیانگر شروط عقل و تدبیر: در این باب آیه ۵ سوره نساء «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» و اموالی را که خداوند آن را وسیله قوام شما قرار داده است در اختیار سفها قرار ندهید.، قرار دادن اموال به دست سفیهان را منع می‌کند. بنابراین به طریق اولی قرار دادن اموال تمامی مسلمین و بیت المال به دست حاکم سفیه ممنوع می‌باشد و حاکم باید از شرط تعقل برخوردار باشد. همچنین احادیثی مانند روایتی از علی (ع) که می‌فرمایند: «وَلَكُنْ نِيَّاسِي أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاوُهَا وَفُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا، وَ عِبَادَهُ حَوْلًا، وَ الصَّالِحِينَ حَرْبًا، وَ الْفَاسِقِينَ حِزْبًا» "اندوه من این است که بی‌خردان و نابکاران، کار این امت را و اموال خداوند را به دست گیرند و بندگان خداوند را به بندگی خود گرفته و با صالحان بستیزند و فاسقین را یار و حزب خود قرار دهند." و حدیثی دیگر از ایشان که می‌فرمایند: «مَنْ حَسُنَتْ سِيَاسَتُهُ وَجَبَتْ طَاعَتُهُ» "هر کس تدبیر و سیاستش بهتر باشد؛ اطاعتش لازم است" (آمدی، ۱۳۷۵ق، ج ۵، ۲۱۱، ح ۸۰۲۵)، نیز بیانگر شروط تعقل و تدبیر برای ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی می‌باشد.

در بخش دوم به منابع موجود در باب شرایط و وظایف کارگزاران جامعه اسلامی پرداخته می‌شود که عبارتند از:

رعایت تقوا الهی: مانند نامه حضرت علی (ع) که برای یکی از کارگزاران خویش می‌نویسند: «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرَائِرِ أَمْرِهِ وَ خَفِيَّاتِ عَمَلِهِ، حَيْثُ لَا شَاهِدَ غَيْرُهُ وَ لَا وَكِيلَ دُونَهُ. وَ أَمْرُهُ أَلَّا يَعْمَلَ بِشَيْءٍ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ فِيمَا ظَهَرَ فَيَخَالَفَ إِلَى غَيْرِهِ فِيمَا أَسَرَ، وَ مَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرُّهُ وَ عَلَانِيَتُهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقَالَتُهُ فَقَدْ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ.» "او را به تقوای خداوند فرمان می‌دهم. چه در امور نهانی و چه اعمال پوشیده از نظرها. جایی که جز خدای ناظر اعمال او نیست و جز خدای کارسازی نبود. فرمانش می‌دهم که به آشکارا اطاعت خداوند نکند و در نهان کاری به خلاف آن. زیرا کسی که نهان و آشکارش و گفتار و کردارش یکی باشد، امانت خدا را ادا کرده و در عبادتش اخلاص ورزیده است." (نهج البلاغه، نامه ۲۶)

شایسته سالاری: در این زمینه حضرت علی در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا، وَ لَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَ أَثَرَةً، فَإِنَّهُمْ جِمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ. وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ الْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ» "در کار کارگزارانت نظر کن و پس از آزمایش به کارشان بگمار و به سبب دوستی با آنها و بدون مشورت با دیگران به کارشان نگیر. زیرا این عمل گونه‌ای از ستم و خیانت است. کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربه و حیا هستند و از خانواده‌های صالحی هستند که در اسلام سابقه متقدمی دارند." (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

زهد و ساده زیستی: از دیگر شرایط کارگزاران در حکومت اسلامی، ساده زیستی و دوری از تجملات است که به روشنی در حدیثی از حضرت علی علیه السلام ذکر شده است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِيَخْلُقَهُ فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَصُعَفَاءِ النَّاسِ كِي يَفْتَدِيَ الْفَقِيرُ بِفَقْرِي وَ لَا يَطْغَى الْغَنَى غِنَاهُ» "خدا مرا پیشوای خلقش قرار داد و بر من واجب ساخت که در باره خود و خوراک و نوشیدنی‌ها و پوشاکم، مانند مردم ضعیف و مستمند بر خود تنگ گیرم؛ تا فقیر از فقر من پیروی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان ننماید." (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ۴۱۰)

تساوی در حقوق اجتماعی: به این معنا که کارگزار حکومت اسلامی در برابر قانون اسلامی با همه مردم برابر است و اگر خطایی از او سر بزند، باید همانند سایر افراد مشمول حدود و مجازات اسلامی گردد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۳۴) در این زمینه حدیثی از اما صادق علیه السلام ذکر شده است که می‌فرماید: «امیرالمومنین به خلیفه دوم گفتند: سه چیز است که اگر آنها را به خاطر سپاری و به کار بندی، به چیز دیگری نیاز نخواهی داشت و اگر آنها را فرو گذاری، هیچ چیز دیگری سودت نبخشد. عمر گفت: آنها چیست ای ابا الحسن؟ فرمود: جاری ساختن حدود و کیفرها درباره خویش و بیگانه، حکم کردن بر اساس کتاب خدا در حال خشنودی و خشم و تقسیم عادلانه بیت المال میان سرخ و سفید.» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ۲۱۲-۲۱۳)

فقرزدایی و حمایت از ضعیفان و محرومان: در این باب حاکم جامعه اسلامی، حاکم تمامی افراد ساکن در جامعه اسلامی می‌باشد و وظیفه حمایت از همه آنها، اعم از مسلمان و غیر مسلمان را بر عهده دارد. در این زمینه، نقل شده است که حضرت علی علیه السلام با پیرمرد فقیری روبه‌رو شد که گدایی می‌کرد و پرسیدند که او کیست؟ اصحاب گفتند که او مردی نصرانی است. حضرت فرمودند: او را به کار گرفتید و زمانی که پیر و ناتوان شده است، رهایش کردید؟ به او از بیت المال انفاق نمایید. (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ۶۶)

مدارا با مردم و تعامل با آنها: در این باب مهمترین روایت، عبارت مشهور حضرت علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌باشد که فرمودند: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أُخِّ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ، يَفْرِطُ مِنْهُمْ الزَّلُّ، وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلْلُ، وَيُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَأِ، فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يَعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ، فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ، وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ، وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَاكَ» "دل خود را آکنده از مهر و محبت و لطف، نسبت به مردم گردان و مبدا برای آنان چون جانور درنده‌ای باشی که خوردنشان را غنیمت دانی؛ زیرا که مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند و یا هم‌نوع تو در خلقت. در معرض لغزش و خطا قرار دارند و گاه از روی عمد یا خطا دست به گناه و تجاوز می‌آیند. پس همان گونه که خود دوست داری خداوند نسبت به تو بخشش و گذشت کند، تو نیز نسبت به آنان بخشش و گذشت داشته باش؛ زیرا تو بالادست آنها هستی و فرمانروای بر تو، بالا دست تو می‌باشد و خداوند بالا دست کسی است که تو را به امارت گماشته است." (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۳.۴. منابع قرآنی و حدیثی در باب اهداف و روش حکومت

در حکومت اسلامی، شریعت و احکام اسلامی حرف نخست را در باب روش حکومت بیان می‌کند. روش و اهداف حکومت اسلامی قابل تفکیک از یکدیگر نیستند. به این صورت که با تکیه بر شریعت، به عنوان روش حکومت‌داری، اهداف حکومت اسلامی که

همان برپاداشتن شریعت و قواعد اسلامی و نیل به کمال و اجرای عدالت است؛ محقق می‌گردد. آیه ۱۸ سوره جاثیه بیان می‌دارد: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا» سپس تو را در طریق شریعت و دین قرار دادیم. پس از آن پیروی کن. این آیه و آیاتی از قرآن مانند آیه ۱۰۵ و ۵۸ سوره نساء که ذکر آنها گذشت؛ روش حکومت‌داری در جامعه اسلامی را بر اساس شریعت و آموزه‌های دینی و بر سبیل عدالت می‌داند. به همین ترتیب، اجرای شریعت و تحقق عدالت نیز خود اهداف حکومت اسلامی می‌باشد. آیه ۹۰ سوره نحل «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» خداوند به عدل و احسان امر می‌کند. و آیه ۱۵ سوره شوری «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» و مامور شدم که میان شما عدالت برقرار کنم و آیه ۵۸ سوره نساء که قبلاً ذکر شد؛ همگی موبد این مطلب می‌باشند. همچنین روایات متعددی که عدالت را حق مردم و وظیفه و هدف حکومت معرفی می‌کند. مانند حدیثی که ابوحمزه ثمالی از امام باقر^(ع) نقل می‌کند که از ایشان در باب حقوق مردم بر گردن امام پرسیدند و ایشان فرمودند: «بیت المال را به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌کند و بین رعیت، عدالت برقرار می‌کند.» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ۴۰۵) بدین ترتیب در جامعه اسلامی روش حکومت بر مبنای شریعت و آموزه‌های دینی و بر سبیل عدالت بوده و هدف حکومت نیز دستیابی به عدالت و پیاده سازی شریعت در متن جامعه اسلامی می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق وظایفی عرفی مانند تقویت بنیه دفاعی، تامین امنیت و نظم جامعه نیز از اهداف حکومت اسلامی می‌باشد که مشترک میان تمامی انواع حکومت‌ها است. آیه ۶۰ سوره انفال، «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده، بسیج کنید تا با این تدارکات، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید. "مهمترین دستور صریح قرآنی در این زمینه می‌باشد.

موارد مذکور در باب ضرورت حکومت، شرایط و وظایف حاکمان و روش و اهداف حکومت را می‌توان مبانی بنیادی عنصر حکومت در دولت ملت سازی نظام جمهوری اسلامی قلمداد کرد.

۴.۵. عنصر جمعیت از منظر قرآن و احادیث

عنصر جمعیت، به عنوان یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده دولت، موجب به وجود آمدن بحث تابعیت نیز می گردد. تابعیت یک رابطه سیاسی و معنوی است که بین یک فرد و یک کشور جریان دارد و ثمره آن، حاکمیت قوانین و مقررات موضوعه آن کشور بر فرد مذکور است. (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۰۶) عنصر جمعیت، در ادبیات اسلامی با واژه امت مفهوم بندی می شود. اما امت در ادبیات اسلامی، متفاوت از جمعیت در حقوق اساسی و حقوق بین الملل می باشد. زیرا امت اسلامی، شامل تمامی مسلمانان است و افراد خارج از دایره اسلام را شامل نمی شود حتی اگر در قلمرو دولت اسلامی ساکن باشد. آیاتی از قرآن مانند آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» "شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید. به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید" و آیه ۹۲ سوره انبیا، «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» "این است امت شما که امتی یگانه است"، به روشنی معنای امت را محدود به مرزهای سرزمینی یک کشور ندانسته و آن را شامل تمامی مسلمانان معرفی می کند. آیه ۱۱۰ آل عمران، امت مسلمان را با دو ویژگی اصلی از سایر ملت ها مجزا می کند که عبارتند از: عقیده (تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) و پیاده کردن شریعت و پایبندی به آن. (تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۶۵) بنابراین در ظاهر امر، بین عنصر جمعیت و تابعیت حقوقی از یک جهت و معنای امت از جهت دیگر تعارض وجود دارد و این تعارض باید در حکومت اسلامی مرتفع گردد. آنچه که مسلم است این است که دایره شمول امت، شامل تمامی مسلمانان در اقصی نقاط جهان می شود و به هیچ عنوان، شامل غیرمسلمانان ساکن در قلمرو اسلامی نمی باشد. برای رفع این تعارض باید میان مفهوم امت اسلامی که یک مفهوم عقیدتی است و تابعیت که یک مفهوم سیاسی است و ارتباط افراد با دولتی خاص را مشخص می کند؛ تفاوت قائل شد. (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۰۸) تابعین دارالاسلام که تشکیل دهنده عنصر جمعیت در دولت اسلامی هستند؛ شامل سه دسته

افراد می‌باشند: (۱) مسلمانانی که ساکن دارالاسلام می‌باشند. (۲) غیرمسلمانانی که ساکن دارالاسلام هستند و به‌وسیله عقد ذمه (ساکنین دائم) یا عقد امان (ساکنین موقت) در تابعیت دولت اسلامی قرار دارند و از حقوق و تکالیف مانند مسلمانان برخوردار هستند. (۳) افراد خارج از دارالاسلام که به طریقی تابعیت دولت اسلامی را اخذ کرده باشند. در چنین حالتی، رابطه بین تابعین دارالاسلام و دولت اسلامی به این صورت است که اگر افراد مسلمان باشند، هم دارای تابعیت سیاسی و هم عقیدتی خواهند بود و اگر غیر مسلمان باشند، فقط دارای تابعیت سیاسی هستند. (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۱۰) بدین ترتیب عنصر جمعیت (امت) در منابع اسلامی، دارای مرز عقیدتی است و نه مرز جغرافیایی اما به دلیل شرایط، اوضاع و احوال و عدم امکان تشکیل حکومت جهانی در زمان غیبت، با تفکیک بین تابعیت سیاسی و تابعیت عقیدتی و با به‌کارگیری ظرفیت‌های فقهی مانند عقد ذمه و عقد امان می‌توان بنیان‌های ملت‌سازی را در دولت اسلامی استوار نمود.

۴.۶. عنصر سرزمین از منظر قرآن و احادیث

رجوع به مبانی دینی، اهمیت وطن و مرزهای اسلامی را برای ما روشن می‌گرداند. آیه ۶۰ سوره انفال که ذکر آن گذشت؛ به مسلمانان دستور می‌دهد تا در برابر دشمنان، به آماده سازی نظامی خود بپردازند. روشن است که یکی از ابعاد و چه بسا مهمترین بُعد آماده سازی نظامی، برای دفاع از مرزهای دولت اسلامی می‌باشد. همچنین دعای ۲۷ صحیفه سجاده که در آن امام سجاد (ع) به دعای خیر درباره مرزداران می‌پردازد؛ اهمیت حراست از مرزهای اسلامی را نمایان می‌کند. علاوه بر موارد فوق، حدیث مرسل «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» (ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۴، ۳۵۶۶) از پیامبر اکرم (ص) بیانگر اهمیت وطن در کنار اهمیت مرزهای دارالاسلام می‌باشد. اما آنچه در آن مناقشه صورت گرفته است تعارض میان دارالاسلام به عنوان یک سرزمین عقیدتی غیر محدود و مرزهای جغرافیایی محدود در دولت‌های جدید اسلامی است. در منابع اسلامی سرزمین‌ها به سه دسته: دارالاسلام، دارالحرب و دارالعهد تقسیم می‌شود. دارالاسلام با صرف نظر از اختلافات، به سرزمینی گفته می‌شود که تحت

ولایت مسلمانان بوده و حکومت و قوانین اسلامی بر آن حکم فرما است. و مراد از دارالحرب به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که به ولایت کفار گردن نهاده و حکومت و سلطه غیر مسلمانان در آن حکم فرما می‌باشد. دارالعهد یا دارالصلح نیز سرزمین‌هایی هستند که با قرارداد صلح میان حاکمان اسلامی و ساکنان آن سرزمین، دارای تبعیت محدود از دولت اسلامی هستند. (مصطفوی، ۱۳۸۶، ۷۰) طبق این تقسیم بندی، سرزمین‌های دارالسلام یکی بوده و باید تحت حاکمیت واحد دولت اسلامی باشند. اما در زمان حاضر با تعدد دولت‌های اسلامی، شاهد انواع ممالک اسلامی هستیم. تاکنون تلاش‌های نظری جدی برای حل مسئله سرزمین در دولتهای جدید اسلامی انجام نگرفته است و پذیرش مرزهای سرزمینی در نظریات جدید اسلامی، وضعیتی متزلزل و گاهی خواستگاهی غیر نظری دارند. بسیاری از نظریات جدید، مرزهای سرزمینی را یا از باب ضرورت و تقیه می‌پذیرند و یا پذیرش آن را به صورت موقتی و تا زمان تشکیل حکومت واحد اسلامی معتبر می‌دانند. (فیرحی، ۱۳۹۵: ۶۹) از معدود نظریاتی که تبیین دقیق‌تری از مرزهای سرزمینی ارائه می‌دهد؛ نظریه وکالت حائری یزدی می‌باشد. نظریه وکالت، بر پایه دو قاعده فقهی مالکیت مشاع و وکالت، تنظیم شده است. این نظریه با تکیه بر حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم»، سرزمین جغرافیایی یک کشور را در ملکیت مشاع تمام ساکنین آن قرار می‌دهد که هر فرد به فرد آنها در داشتن مالکیت برابر هستند. این افراد از طریق قاعده فقهی، وکالت فرد یا هیئتی را به نمایندگی از خود برای حکومت انتخاب می‌کنند تا بر آنها حکومت کنند. (حقیقت، ۱۳۹۹: ۱۵۷) این نظریه با بیان مالکیت مشاع، مرزهای سرزمینی را به رسمیت می‌شناسد و آن را بر بنیه نظری روشنی استوار می‌کند. در نظام جمهوری اسلامی و نظریه ولایت فقیه، مبحث سرزمین با نظریه ام القری قابل تبیین می‌باشد. در نظریه ام القری، جهان اسلام یک امت واحد در نظر گرفته می‌شود که داری انسجام و جهت و حرکت می‌باشد. و ولایت به معنای هدایت امت توسط ولی و امام جامعه می‌باشد. بنابراین ولی فقیه نسبت به تمام امت مسئولیت دارد. ملاک وحدت امت در رهبری آن می‌باشد و کشوری ام القری جهان

اسلام محسوب می‌شود که امکان رهبری کل امت را داشته باشد. در چنین حالتی، سطح رهبری از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود. در این شرایط ممکن است قومی برای مدتی به ام القری جهان اسلام تبدیل شود و سپس موقعیت خود را از دست بدهد. بر اساس این نظریه، پس از انقلاب اسلامی، کشور ایران به ام القرای جهان اسلام تبدیل گردید و رهبران جمهوری اسلامی واجد دو مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران و ولایت بر جهان اسلام می‌باشند. در این شرایط وقتی کشوری به ام القری جهان اسلام مبدل شد، به‌گونه‌ای که شکست و پیروزی آن، شکست و پیروزی اسلام محسوب شود؛ در این حالت، دفاع از ام القری واجب می‌باشد و بر هر امر دیگری برتری دارد. (فیرحی، ۱۳۹۵: ۲۷۱) بر اساس این نظریه، نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان ام القری جهان اسلام محسوب می‌شود و ولی فقیه، ولایت کل امت را برعهده دارد. اما از آنجا که شکست و پیروزی اسلام در گرو شکست و پیروزی ام القری می‌باشد؛ از باب اولویت، دفاع از تمامیت ارضی و امنیت مرزهای کشور ایران، واجب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی و بر پایه نظریه ولایت فقیه بنا نهاده شده است. بنیان این نظریه بر پایه منابع قرآنی و حدیثی اسلام، استوار می‌باشد و ضروری است که ارکان این نظام سیاسی، بر اساس منابع اصیل اسلامی تبیین گردد و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. در این مقاله با توجه به وجود عناصر دولت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب، ارکان دولت - ملت سازی در جمهوری اسلامی، بر اساس مستندات قرآنی و حدیثی مورد بررسی قرار گرفت و مبانی چهار عنصر دولت ملی یعنی حاکمیت، حکومت، جمعیت و سرزمین در منابع اسلامی، به‌طور کلی تبیین گردید. بررسی جزئی‌تر هر یک از این عناصر و مقایسه مبانی اسلامی و مبانی غربی هریک از آنها می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی در این زمینه قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
 ۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
 ۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 ۴. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
 ۵. امام خمینی، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
 ۶. احمدزاده، محمد امیر، ۱۳۹۶، «مراحل سه گانه تحول دولت در ایران دوره ناصر الدین شاه قاجار»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۷، شماره ۳۵
 ۷. آمدی، ابوالفتح، ۱۳۷۵ ق، غُرُّ الْحَکَمِ وَ دُرُّ الْکَلِمِ، تهران، دارالکتب الاسلامیه
 ۸. بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت
 ۹. جلائی پور، حمیدرضا، ۱۳۸۸، «جامعه و دولت معاصر در ایران، تمهیدی نظری بر ارزیابی تکوین ملت - دولت»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲
 ۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۲ ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث
 ۱۱. حقیقت، سید صادق، ۱۳۹۹، توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران، نشر نگاه معاصر
 ۱۲. رستمیان، محمد علی، ۱۳۸۱، حاکمیت سیاسی معصومان، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان
- رهبری
۱۳. ری شهری، محمد، ۱۳۷۵، میزان الحکمه، قم، دارالحديث
 ۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۹۵ ق، کمال الدین و تمام التعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
 ۱۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۸، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش
 ۱۶. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۱، شیعه در اسلام، محمد علی کوشا، قم، انتشارات ادباء
 ۱۷. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۷، تفسیر المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی
 ۱۸. ططری، علی، ۱۳۸۶، «آغاز تشکیل دولت ملی در ایران»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۱۰
 ۱۹. عظیمی شوشتری، عباسعلی، ۱۳۹۲، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، انتشارات دادگستر

۲۰. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۹۴، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشرنی
۲۱. فیرحی، داوود، ۱۳۹۵، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، انتشارات سمت
۲۲. قاسمی، فرج الله، ۱۳۸۸، «ادله قرآنی ضرورت حکومت»، مجله حکومت اسلامی، سال ۱۴، شماره ۳
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۴. مجلسی، سید محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء للتراث العربی
۲۵. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴، آموزش عقاید، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی
۲۶. مصطفوی، سید محمد، ۱۳۸۶، درآمدی بر تئوری های حاکمیت و دولت از منظر اسلام، ترجمه مهدی بهزادیان، قم، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور
۲۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۹. نقیب زاده، احمد، ۱۳۹۸، تاریخ دیپلماسی و روابط بین الملل، تهران، نشر قومس
۳۰. واعظی، احمد، ۱۳۸۶، حکومت اسلامی درسنامه اندیشه سیاسی در اسلام، قم، نشر مرکز مدیریت حوزه های علمیه

مستندسازی قرآنی راهبردهای مزیتی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی

محمد امیری^۱ (نویسنده مسئول)

علی آقا صفری^۲

چکیده

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به عنوان یک سند راهبردی هم به دستاوردها و افتخاراتی که بر اثر تلاش و سخت‌کوشی‌ها در چلّه‌ی اول انقلاب اسلامی به دست آمده، اشاره دارد و هم به ظرفیت‌های موجود؛ خوش‌بینی‌ها و امیدهای روح‌افزا نسبت به آینده‌ی درخشان و درک درست قوت‌ها، آسیب‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای استراتژی‌ساز. باتوجه به این‌که راهبردهای مزیتی در بیانیه‌ی گام دوم مورد تأکید ویژه قرار گرفته و نقش حیاتی در پیشبرد برنامه‌ها و تحقق اهداف انقلاب اسلامی دارند؛ مستندسازی قرآنی آن، آثار و برکات خاصی را در پی دارد. ضرورت مسئله نگارندگان را برآن داشت با استفاده از روش ترکیبی و بابه‌گیری از ادبیات مدیریت استراتژیک و مطالعه‌ی آموزه‌های وحیانی راهبردهای مزیتی بیانیه را با هدف اکتشافی و برآیند بنیادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. یافته‌ها و ره‌آورد‌های پژوهش نشان می‌دهد که گزاره‌های وحیانی نیز در حوزه‌ی استراتژی‌های مزیتی، مهم‌ترین‌ها را که

*دانش‌آموخته دکتری قرآن و مدیریت، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه: m.amiri4811@gmail.com

۲. دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، a.a.safari1364@gmail.com

همانان تبیین بنیان‌ها و صدور ارزش‌ها، تقویت روحیه‌ی استقامت و استکبارستیزی، درک و تحلیل درست ظرفیت‌های مردم سالاری دینی، طراحی سبک زندگی اسلامی، حاکم سازی خط‌مشی‌های درون‌گرا و طرد سیاست‌های برون‌گراست؛ مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: مستندات قرآنی، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی، راهبردهای مزیتی.

مقدمه

برای رسیدن به عزت و آزادی و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی، وظیفه‌ی مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی؛ سرنگونی نظام‌های ستم‌گر با پیروی از رهبر و پیشوای دینی است. اگر ملت مسلمانی تبعیت از رهبر راه‌روی انبیا و پیشوایان آسمانی نکند، هیچ‌گاه طعم شیرین عزت و آزادی را نمی‌چشد ولی این کاستی ملت از رهبر و پیشوا سلب مسؤولیت نمی‌کند. از باب نمونه وقتی امام حسین علیه السلام پرچم قیام را برای نجات مردم از زیر یوغ نظام موروثی اموی و نابودی رژیم سفاک یزیدی، برافراشت؛ یاران معدود با روح بزرگی داشت. آنان با پیروی از ولی خدا تا جان در تن داشتند رمزی دند و به مقام والای شهادت و زندگی جاوید رسیدند؛ ولی مردمی که از پیشوای حق پیروی نکردند هیچ‌گاه طعم شیرین حکومت بر خواسته از نظام نبوی و علوی را نچشیدند. همه ائمه‌ی هدی علیهم السلام بر اساس شرایط و اقتضائات و مصالح کلی اسلام، طرح و برنامه، اقدام و عمل در راستای عزت و آزادی امت، اعتلای حق و افشای باطل داشتند.

در عصر غیبت امام عصر علیه السلام فقها وظیفه‌ی نائیبی آن حضرت را به عهده دارند. امام خمینی رحمته الله علیه که یک فقیه جامع شرایط و آگاه به زمانه بود، با تأسی به ذوات قدسیه ائمه علیهم السلام در چارچوب تئوری ولایت فقیه ملت غیور ایران را علیه نظام ستم‌شاهی برانگیخت و سرانجام انقلاب اسلامی پُرشکوه با رهبری او پس از مبارزه‌های طولانی با نظام موروثی شاهنشاهی که مخالف با ارزش‌های دینی بود؛ در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی به پیروزی رسید. این پیروزی محصول مدیریت خردمندانه امام رحمته الله علیه و مشارکت طبقات مختلف مردم اعم از بازاریان، احزاب سیاسی، روشنفکران، دانشجویان، روحانیون و شخصیت‌های برجسته و متفکر و نیز تسلیم شدن ارتش بود (شهبازی، ۱۳۴۹) در پی این تحولات بنیادی ساختار نظام اسلامی مبتنی بر تئوری ولایت فقیه جایگزین نظام ستم‌شاهی گردید.

از آنجا که انقلاب اسلامی، یک حرکت بدیع در جهت احیای ارزش‌های دینی در مقیاس ملی و جهانی؛ با ماهیت غیر از ماهیت انقلاب‌های دموکراتیک و پارلماناریستی و

سوسیالیستی است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۱)، نظام بر خواسته از آن؛ بر اساس فرهنگ اسلامی، تلاش‌های خدایسندانه و شعارها و مطالبات الهی سامان یافته است.

بر همین مبنا نیروها را بسیج و سازماندهی کرده و می‌کند و حاوی پیام‌های فراوان، فرازمینی و فرامکانی چون عدالت خواهی، آزادی خواهی، معنویت خواهی، پیشرفت خواهی، ستم‌ستیزی و مانند آن است (نادری و پیرانی، ۱۳۹۹، پیاپی ۳۱ / ۳۰۶). بی‌گمان هیچ‌گاه غبار فراموشی بر چهره‌ی نظامی که منشأ آن مردمی‌ترین انقلاب بوده و دارای اهداف متعالی انسانی و اسلامی است؛ نخواهد نشست. شاهد این مدعا جوشش شکوهمند هرساله‌ی آن، بیش از پیش است. این بالندگی و سرزندگی را مدام به نمایش گذاشته و با نفوذ بر قلب‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، شناسایی فرصت‌ها و آسیب‌های بیرونی؛ افتخارات بزرگ آفریده و پیوسته با تعمیق بخشی تئوری نظام بر خواسته از آموزه‌های دینی جهانیان شاهد گسترش قلمرو قدرت آن بوده و به نظر می‌رسد نوید بخش یک تمدن نوین اسلامی است.

برای درک درست مطالب بیان شده، بایست مباحث مطرح در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب که تعیین‌کننده‌ی سیاست‌گذاری‌های کلان نظام است به بررسی گرفته شود. بی‌گمان روح حاکم بر بیانیه‌ی که حاصل عمری تجربه‌ی مدیریتی و رهبری با بصیرت است؛ منطق قرآن است و صدها آیه و روایت معتبر برای مستندسازی مجموعه گزاره‌های آن، می‌توان یافت. نفس بیانیه تأثیرات خاص خودش را دارد ولی به نظر می‌رسد مستندسازی قرآنی مطالب آن، تأثیرگذاری را بر قلب‌ها، تقویت روحیه‌ی استکبارستیزی، دوری‌گزینی از معیارها و راهبردهای اندیشه‌ی مادی برای تغییر معادلات در مقیاس جهانی بیشتر می‌کند.

با عنایت به این‌مهم ضروری است که راهبردهای مزیتی و رقابتی مطرح در بیانیه گام دوم از منظر گزاره‌های وحیانی قرآن کریم مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. بنابراین پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که: مستندات قرآنی راهبردهای پیشتازی و رقابتی مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟ لازمه‌ی پاسخ به این پرسش و پرسش‌های متفرع از آن این است که به صورت روشمند قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای

خارجی مطرح در بیانیه به شکل علمی به بررسی گرفته شود.

۱. مبانی نظری

در این قسمت از پژوهش، برای رفع ابهام و درک درست چیهستی، چرای و چگونگی متغیرهای اساسی؛ واژه‌های کلیدی تعریف و ادبیات دانشی در حد نیاز مرور خواهد شد.

یک، بیانیه‌ی گام دوم

انقلاب در لغت، به معانی دگرگونی و واژگون کردن و حالی به حالی شدن، چرخش دورانی و مانند آن، آمده است (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۴: ۲۸). انقلاب در اصطلاح، به تغییری گفته می‌شود که در نظم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستقر، تحت تأثیر نیروهای متشکل با هدف ایجاد یک نظام جدید با ایدئولوژی خاص به وقوع می‌پیوندد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۱). انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی علیه السلام در چهارچوب تئوری سیاسی اسلام مبتنی بر اصل متری ولایت فقیه از اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ با نگارش کتاب «کشف الاسرار» در پاسخ به نقدهای مطرح‌شده در کتاب «اسرار هزارساله» اثر علی‌اکبر حکمی زاده، آغاز شد ولی اوج‌گیری آن، پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی (۱۳۴۰) و به ویژه از زمانی است که طرح انقلاب سفید در دی‌ماه ۱۳۴۱ از سوی نظام ستم‌شاهی ارائه شد.

امام خمینی علیه السلام علیه آن طرح موضع سریع گرفت و پس از سخنرانی امام علیه السلام، نیروهای نظام طاغوت در فروردین ۱۳۴۲ به مدرسه‌ی فیضیه یورش بردند، مدتی بعد امام علیه السلام را دستگیر و پس از آن؛ قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ واقع شد. فضای فکری که امام علیه السلام به وجود آورده بود رژیم را ترساند و چاره را در تبعید او دید! در نتیجه امام علیه السلام را به ترکیه، عراق و «نوفل‌لوشاتو» تبعید کردند. تبعیدها سودی به حال رژیم طاغوت نداشت؛ زیرا امام علیه السلام هرگز از پای ننشت، همواره از بیرون مرزها ملت مبارز و انقلابی را با ارسال نامه‌ها و اعلامیه‌ها طرح و برنامه می‌داد؛ تا این‌که در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و انقلاب اسلامی که مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است؛ به پیروزی نهایی، تدوین قانون اساسی و نظام‌سازی رسید. بر

اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از وظایف رهبری تعیین سیاست‌گذاری‌های کلی نظام است و مبتنی بر همین اصل، در آغاز چله‌ی دوم انقلاب پُرشکوه، رهبرفرزانه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بیانیه‌ای دادند که بیانگر نقشه‌ی راه و تعیین‌کننده‌ی راهبردهای کلان برای برنامه‌ریزی، امید و نشاط بخشی، خوش بینی، ایمان به خدا و باور به توانایی‌های ملت، نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات حال و دورنمای آینده است.

دو) راهبردها

این‌که راهبرد چیست؟ برای یافتن پاسخ آن، در سال ۱۹۹۶ بورتر و گروه «هاروارد» بررسی‌هایی را انجام دادند (روقاس، ۲۰۰۷: ۶) یافته‌های آنان و مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که پاسخ به این پرسش بسیار متنوع و پردامنه است و در اینجا از دو منظر بدان اشاره می‌شود. از نگاه نظامی، راهبرد به معنای «هنر برنامه‌ریزی و هدایت عملیات» معرفی شده است. بر اساس دیدگاه هنری مینتزبرگ که یکی از اندیشمندان شهیر دانش مدیریت است برای «راهبرد» پنج معنا مدنظر است: راهبرد به‌عنوان طرح^۱، راهبرد به‌عنوان تمهید^۲، راهبرد به‌عنوان الگو^۳، راهبرد به‌عنوان وضعیت^۴، راهبرد به‌عنوان دیدگاه^۵ (غفاریان و عماد زاده، ۱۳۸۵: ۴۱). بنابراین برای راهبرد معانی زیادی مطرح است ولی در کل مرتبط با طرح، وضعیت، برنامه‌ریزی و دیدگاه، اصول، روش‌ها و موازینی هستند که سازمان و نظام با توجه به مؤلفه‌های داخلی و خارجی در پیش می‌گیرد تا بر اساس موقعیت منحصربه‌فرد در بازار با مزیت رقابتی به اهداف استراتژیک خود دست‌یابند (امیری، ۱۳۹۶: ۶۴). استراتژی‌ها از جهت، کلان، اساسی، خاص و وظیفه‌ای قابل دسته‌بندی بوده و راهبردهای مربوط به (SO) و (WO) و (ST) و (WT) از چگونگی ترکیب قوت‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدها

-
1. Plan.
 2. Ploy.
 3. Patern.
 4. Position.
 5. Perspective.

حاصل می‌شوند.

الف) فرصت‌ها

فرصت، یک موقعیت مطلوب عمده در محیط سازمان است (پیرس و رایینسون، ۱۳۸۹: ۳۰۷). بنابراین فرصت‌ها، شرایط و موقعیت‌های مناسب برای اقدام و انجام کار جهت رسیدن به اهداف هستند، به‌عنوان مثال شناسایی بخش‌های ناشناخته یا تغییر در شرایط رقابت یا مقررات، تغییرات فناوری و بهبود روابط و... نشان‌دهنده‌ی روندهای کلیدی در محیط یا منبع فرصت‌های احتمالی برای نظام و سازمان است.

ب) تهدیدها

تهدید، یک موقعیت نامطلوب عمده در محیط سازمان است (پیرس و رایینسون، ۱۳۸۹: ۳۰۷). بنابراین تهدیدها، شرایط و وضعیت‌های نابسامان؛ اما مهم در محیط‌اند که موانع اساسی برای وضعیت جاری یا آینده مورد نظر ایجاد می‌کنند. به‌عنوان مثال ورود رقبای جدید، افزایش قدرت چانه‌زنی رقبا، تغییرات مهم فناورانه و مقررات می‌توانند نشان‌دهنده‌ی تهدیدهای مهمی برای موفقیت آینده‌ی نظام و سازمان باشند (امیری، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۳).

ج) قوت‌ها

قوت، منبع، مهارت یا مزیت و شایستگی متمایز نظام و سازمان نسبت به رقبا و نیازهای بازارهایی مربوط به فعالیت است. بنابراین قوت‌ها، بیانگر وجود یک منبع، مهارت و یا مزیت نسبت به رقبا و یا پیش‌بینی رخدادهاست. قوت‌ها نشان‌دهنده‌ی این هستند که نظام و سازمان در مقایسه با رقبا یا نیازها در بازار از یک مزیت یا صلاحیت ممتاز و برتری برخوردار است (جان ای و ریچارد بی، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

د) ضعف‌ها

ضعف، یک محدودیت یا کمبود در منابع، مهارت‌ها و توانایی‌های است که مانع

اساسی عملکرد اثربخش است (پیرس و رایبسون، ۱۳۸۹: ۳۰۸). بنابراین ضعف‌ها یا محدودیت‌ها، نشان دهنده‌ی عدم کارایی در استفاده از منابع، مهارت‌ها و توانایی‌های است که موانعی جدی برای عملکرد موفقیت‌آمیز یک نظام و سازمان در بازار رقابت ایجاد می‌کنند. ضعف‌های یک نظام و سازمان در فقدان تسهیلات، منابع مالی، توانایی‌های مدیریت و مهارت‌ها بروز و ظهور می‌یابند (امیری، ۱۳۹۶: ۶۲).

ه) راهبرد مزیتی

منظور از راهبرد مزیتی (SO) این است که نظام و سازمان در بهترین وضعیت قرار دارد و می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها یا نقاط قوت داخلی اقدامات اساسی مانند: بهره‌برداری از فرصت‌های خارجی، برطرف کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات خارجی را به عمل آورد. (پیرس و رایبسون ۱۳۸۹: ۳۱۰؛ دیوید، ۱۳۹۰: ۳۷۰؛ حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

۲. پیشینه‌ی پژوهش

ازآنجا که ارزش علمی پژوهش مرتبط با آگاهی از تحقیقات پیشین و بیان درجه‌ی اهمیت و تمایز آن است. در جدول (۲) عصاره‌ی از پژوهش‌های درخوری که در مدت انتشار بیانیه گام دوم تا کنون منتشر شده و پژوهشگران بدان‌ها دست یافته‌اند، ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۲: پژوهش‌های پیشین

ردیف	عنوان	نویسنده	سال	مجله/کتاب
۱	انقلاب در گام دوم	اخوان، محمدجواد	۱۳۹۸	ماهنامه برهان اندیشه و گفت‌وگو
۲	عصر جدید (خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانی‌ی گام دوم)	میرباقری، سید محمد مهدی	۱۳۹۸	قم، فرهنگستان علوم اسلامی
۳	نسبت سنجی الگوی پایه‌ی اسلامی ایران پیشرفته در بیانی‌ی	غمامی، سید محمد مهدی	۱۳۹۷	کیهان فرهنگی، ۳۵ (۳۸۶)
۴	چرا بیانی‌ی گام دوم مهم است؟	فضائلی، مهدی	۱۳۹۷	نامه‌ی شورا، ۹ (۱۲۷)

۳۷. صدور، مخاطبان، محتوا و مضامین
راهبردی بیانیه را با روش توصیفی -
تحلیلی به بررسی گرفته است.
۵. راهبردهای پیشرو نادری، مهدی
در و شهره پیرانی
پس‌چهل سالگی
انقلاب (تبیین
بیانیه گام دوم
انقلاب)
- ۱۳۹۹،
دوفصلنامه
علمی دانش
سیاسی، ش ۱،
پیاپی ۳۱،
ص ۳۲۸ -
۳۰۵.
پژوهشگران با روش تحلیل محتوی
کیفی و کاربست تکنیک سیستمی
سوات (SWOT) چهار نوع راهبرد
حاصل از ترکیب قوت‌ها و ضعف‌های
داخلی، فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی
را در بیانیه گام دوم به تحلیل و تبیین
گرفته‌اند.
۶. استقلال و عزت نوری اصل،
ملی: پایه‌ی
سیاست خارجی
ایران (تحلیلی بر
بیانیه گام دوم
انقلاب)
- ۱۳۹۸،
ماهنامه صف،
۳۹ (۴۵۸) ۱۳ -
۱۲.
در این اثر تلاش د شده با روش توصیفی
- تحلیلی سیاست خارجی ایران بر
اساس بیانیه گام دوم انقلاب از دو
جهت تحلیل و تبیین شود. پژوهشگر از
سوی عملکرد چهل ساله پس از انقلاب
و از سوی دیگر لوزم آینده نگری و توجه
به قوت‌ها، استقلال و عزت ملی را
مبتنی بر بیانیه به بررسی گرفته است.
۷. مبانی قرآنی بیانیه قرائتی، محسن
گام دوم انقلاب اسلامی
مبانی قرآنی بیانیه
گام دوم انقلاب اسلامی
در این اثر، مستندات قرآنی بعضی از
جملات بیانیه گام دوم در قالب ۳۲
عنوان، از جمله: توجه به تاریخ گذشته،
نوآوری‌ها، استقلال، آزادی، تقابل اسلام
و استکبار، نعمت‌های خاص، عزت،
عدالت، نقش جوانان، دستاوردهای
نظام اسلامی، توجه به تفاوت‌ها و
ظرفیت‌ها، رعایت اولویت‌ها، اقتصاد
هدفمند، هویت، معنویت، پاک دستی
و... بیان شده است

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تا کنون تفسیر و تحلیل‌های متعددی از جایگاه، الزامات، نوآوری‌ها، مقیاس‌ها، مقایسه‌ها، راهبردها و تبیین بایسته‌ی بیانیه گام دوم انقلاب صورت گرفته و به نظر می‌رسد هرکدام در فهم دالّ و هسته‌ی مرکزی و اهداف بیانیه از روزنه‌ای دارای اهمیت است. با دقت علمی می‌توان گفت این پژوهش‌ها دو دسته‌اند: یک دسته آثار، بیانیه‌ی گام دوم را به صورت عام به تحلیل و تبیین گرفتند و دسته‌ی دیگر، مسئله یا مسائل خاصی را مورد مطالعه و به بررسی قرار داده‌اند. درهرحال آنچه اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد این است که در این جستار متفاوت با آثار پیشین مسئله‌ی خاصی از بیانیه‌ی گام دوم «راهبردهای مزیتی و رقابتی» از منظر قرآن کریم با رویکرد مدیریتی به بررسی گرفته شده است.

۳. روش تحقیق

از آنجاکه روش‌شناسی حاصل مبانی و منابع است و مفروض بنیادی در پژوهش حاضر این است که بیانیه‌ی گام دوم، بر اساس آموزه‌های اسلامی برای چلّی دوم انقلاب؛ نقشه‌ی راه آینده را ترسیم و سیاست‌گذاری‌های کلی نظام را تعیین کرده است، روش منتخب ترکیبی است بدین معنا که از حیث داده کیفی؛ از جهت هدف اکتشافی و برحسب برآیند بنیادی است. با عنایت بر مبنای بنیادی و منبع پایه‌ای، مشخص شد که پژوهش از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات در زمره‌ی تحقیقات اکتشافی قرار دارد؛ زیرا درصدد کشف راهبردهای مطرح در بیانیه و مستندسازی قرآنی آنهاست و برحسب ماهیت مبتنی بر نظریه‌پردازی با روش ترکیبی و کاربرست شیوه‌ی استنتاجی است.

۴. تجزیه و تحلیل راهبردهای مزیتی

از آنجا که راهبردهای مزیتی در بردارنده‌ی استراتژی‌ها تهاجمی (SO) و اهرم‌های نفوذ یعنی بهره‌گیری از قوت‌های داخلی (S) و فرصت‌های خارجی (O) است، مطالعات و

داده‌های حاصل شده به این رهنمونند که مهم‌ترین راهبردهای مزیتی مطرح در بیانیه گام دوم استراتژی‌های ذیل می‌باشند:

۱.۴) صدور انقلاب اسلامی

راهبرد صدور انقلاب در دو سطح «خرد و کلان» قابل طرح و بررسی است. آنچه بدان در این پژوهش پرداخته می‌شود رویکرد کلان است. به نظر می‌رسد یکی از راهبردهای مهم مزیتی مطرح در بیانیه و دیگر فرمایشات رهبری، این راهبرد اساسی است. رهبری در این زمینه در بیانیه پس از شمارش بخش‌های از دستاوردها و محصول چهل‌ساله‌ی انقلاب می‌فرمایند: «این‌ها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید».

ایشان در بخش‌های پایانی بیانیه (توصیه‌ی ششم) با عنایت به این مهم در باره‌ی عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن می‌فرمایند: «این سه شاخص‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌های است که تحقق یافته و یا در آستانه‌ی ظهورند. تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گرش همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن، در سراسر جهان...» بخش‌های از مظاهر عزت نظام اسلامی است که سرمداران نظام سلطه را نگران ساخته و بایست توجه به مرزبندی با دولت‌های خدعه‌گر برای حفظ ارزش‌ها و عدم عقب نشینی از هراس تهدیدهای پوچ آن‌ها داشت و به شکل حکیمانه و مصلحت‌جویانه از موضع انقلابی، مسائل و مشکلات را حل کرد.

مطالعات سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی مطرح در بیانیه گام دوم و توجه دادن به ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و امید بخشی و نگاه خوش بینانه به آینده از جمله نکات ظرفیتی

است که در حوزه‌ی راهبرد صدور انقلاب مطرح شده است نیز در دیگر بیانات رهبر فرزانه معنای صدور انقلاب به روشنی بیان شده است. از جمله ایشان می‌فرمایند: «مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مانند عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می‌شود، همه‌جا می‌رود، نسیم روح‌افزا و روانبخشی است که همه‌جا را به خودی خود می‌گیرد» (امام خامنه‌ای بیانات، در دیدار اعضای بسیج مستضعفین ۹/۶/۱۳۹۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۳۲۴۲۸>).

در فرمایش دیگر دارند: «هدف این نیست که انقلاب را به شکل متعارف در عرف و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی صادر کرد و با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد؛ این غلط است و ما از اول این راه را بستیم. مسئله، مسئله‌ی بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمانان احساس هویت کنند... با تعالیم نجات بخش اسلام آشنا شوند و بدانند که معانی این‌که خداوند متعال می‌فرماید: ما پیامبران را فرستادیم تا بارهای سنگین، و زنجیرهایی بسته برپاها در محیط شرک آلود و بارهای سنگین بردوش که قرآن مطرح کرده است «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، ۱۵۷) چیست؟ و چگونه می‌توان این بارهای سنگین و زنجیره‌های جهل، بی‌خبری و... که بردوش عقل و جان آنان است، برداشت (امام خامنه‌ای بیانات در دیدار غیر ایرانی حوزه علمیه قم، ۳/۸/۱۳۸۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۴۳۲>).

مقام معظم رهبر مبتنی بر همین مبنا می‌فرمایند: «دستگاه‌های استعماری عالم، نظام اسلامی را به صدور انقلاب منسوب می‌کنند. اگر صدور انقلاب به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد جنجال و اغتشاش در میان ملت‌ها و کشورهای دیگر باشد این تهمت از دامان جمهوری اسلامی بکلی دور است. صادر کردن شر و فساد، متعلق به آمریکا و دستگاه‌های جاسوسی و مخرب نظام‌های استکباری است... صدور انقلاب ما به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز اسلام است» (بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم

چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (قدّس سرّه الشّریف) ۱۳۶۸ / ۴ / ۲۲
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۴۰>

با عنایت به مطالب بیان شده و بارمعنای راهبردهای مزیتی که مرتبط با ابزارهای نفوذ و بهره‌گیری مطلوب از قوت‌ها و فرصت‌ها است می‌توان گفت: راهبرد صدور انقلاب از مزیت‌های است که هم در بیانیه گام دوم و هم در مجموعه‌ی منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری مبنی بر اندیشه‌ی توحیدی و آموزه‌های وحیانی در کانون توجه قرار گرفته است. این راهبرد پرمزیت نظام‌های استعماری و استکباری را ترسانده و برای بی‌اثرکردن آن، تهمت‌های را با شیوه‌های مختلف به نظام اسلامی زده و همواره می‌خواهند نور صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را با گفتارهای باطل و تبلیغات بی‌پایه خاموش کنند ولی از آنجا که صدور انقلاب به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز اسلام است، بی‌گمان هرگز نمی‌تواند راه جهان گیرشدن آن را ببندند و به یاری خداوند متعال این نور بیش از پیش پرفروغ‌ترشده و دامنه‌اش گسترده‌تر؛ تا جهان را فراگیرد و تمام جهانیان از پرتو آن بهره‌گیرند؛ هر چند این به خوشایند دشمنان حق و حقیقت نباشد. در این زمینه می‌توان از آیه‌ی: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهُمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه، ۳۲) بهره‌گرفت. در این آیه، آئین خدا و تعالیم اسلام به نور و روشنایی تشبیه شده و مشخص است که نور سرچشمه حیات و جنبش و نمو و آبادی در روی زمین و منشا هرگونه زیبایی است. از آنجا که پایه و اساس انقلاب اسلامی آموزه‌های والای وحیانی است برای آزدگان عالم سرچشمه‌ی خیر و برکت و انگیزه بخش و تحرك آفرین در مسیر تکامل‌ها است. آیه‌ی بیان شده به روشنی می‌رساند که طرح‌ها و تلاش‌های دشمنان ارزش‌های قرآنی به دمیدن و فوت کردن با دهان می‌ماند و چه قدر مضحك است که انسان نور عظیمی همچون نور آفتاب را بخواهد با پف کردن خاموش کند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۳۶). به نظر می‌رسد برای مجسم سازی ناکامی دشمنان نظام اسلامی و بی‌تأثیری تلاش‌های حقیرانه‌ی آنها برای جلوگیری از صدور آموزه‌های وحیانی و ارزش‌های انسانی، تعبیری از این رسا تر نیست؛ زیرا به روشنی بیان

می‌دارد که طرح و تلاش مخلوق ناتوان در برابر اراده‌ی خدای سبحان بسیار ناچیز است.

۲.۴- تقویت راهبرد استقامت

راهبرد صدور انقلاب در سطح کلان مدنظر است و بر اساس آن راهبرد تقویت روحیه‌ی ایستادگی و حمایت از نهضت‌های مقاومت اسلامی و استکبارستیزی شکل می‌گیرد. این راهبرد که ریشه‌ی قرآنی دارد، به‌عنوان یک راهبرد مزیتی هم در بیانی‌ی و هم در دیگر فرمایشات رهبری مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در این حوزه برای آگاهی بخشی نیروهای حزب‌اللهی و انقلابی به اهداف، برنامه‌ها و راهبردهای مقابله با نظام سلطه، به شکل کلی در منظومه‌ی فکری رهبری و به صورت خاص در بیانی‌ی نکات مهمی وجود دارد. از باب نمونه ایشان می‌فرمایند: «ملت عزیز ایران باید همتشان این باشد که قوی بشوند» این گزاره هم از مطالب بیانی‌ی که مرتبط با شعارهای درخشان جهانی و فطری و همیشه‌زنده‌ی نظریه‌ی نظام انقلابی است، استفاده می‌شود و هم بارها از ناحیه‌ی رهبری برای حمایت از مظلومان و ایجاد تحول بنیادی در جهان مطرح شده است. ایشان به صورت خاص در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ دی ماه ۱۳۹۸ در فرمایشاتی که به نوعی جمع‌بندی کلان ناظر به وظایف عموم مردم و مسئولین است؛ فرمودند: «باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تنبلی. اگر این محقق شد، به توفیق و فضل الهی، ملت ایران در آینده‌ی نه چندان دوری آنچنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند» و در این زمینه در بیانی‌ی می‌فرمایند: «به‌رغم همه مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت... نماد پُراپهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زروگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روز به روز برجسته‌ترشد» در ادامه این مطالب برای تقویت روحیه و راهبرد استقامت و پاسداری از عزت و داشتن روحیه‌ی تسلیم‌ناپذیری برای صیانت از ارزش‌ها و انقلاب و گردن بر افراشتن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر و قدرت‌های

انحصارگرجهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمالکردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود، می‌داند؛ می‌فرماید آنان خود اعتراف دارند که در مقابل نیروهای انقلابی ناتوانند. به صورت کلی فرمایشات رهبری در بیانیه به این رهنمون است که ایستادگی روزافزون نیروهای انسانی مستعید و کارآمد و با زیر بنیای عمیق ایمانی محوری‌ترین ظرفیت امید بخش به پیروزی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و نهادینه‌سازی نظام پیشرفته‌ی اسلامی در مقیاس کلان است. ارشادات او حاکی از آن است که برای رسیدن به قدرت مؤلفه‌ها و عناصر مادی و معنوی به‌صورت توأمان نقش دارند و لازمه‌ی دستیابی به عزّت و ارتقای اقتدار، ایستادگی موثر در مقابل دشمنی‌ها و توطئه‌هاست.

بی‌گمان کسی که آگاهی به گزاره‌های دینی داشته باشد به خوبی می‌یابد که این مطالب الهام گرفته از آیات قرآن است. در آموزه‌های قرآنی به مسئله‌ی تقویت و ارتقای روحیه‌ی مقاومت اهتمام خاص شده و رهبرفرزانه نیز مبتنی بر مبانی قرآنی از مراکز علمی خواسته در این حوزه کار علمی و تحقیقات کنند. مطالعات قرآنی نشان می‌دهد که واژه‌ی «استقامت» در مجموع در نه آیه و هفت سوره با الفاظ پنجگانه: و «اَسْتَقِمَّ» (شوری، ۱۵) و «اَسْتَقَامُوا» (توبه، ۷، فصلت، ۳۰، حَقَّاف، ۱۳، جن، ۱۶) و «یَسْتَقِیْمُ» (تکویر، ۲۸) و «فَاسْتَقِیْمَا» (یونس، ۸۹) و «فَاسْتَقِیْمُوا» (توبه، ۷، فصلت، ۶) ذکر شده است. استقامت از باب استفعال است و دلالت بر طلب قیام به صورت ارادی یا طبیعی و یا عملی دارد و از آیات: «فَاسْتَقِیْمْ کَمَا اُمِرْتُ»، «ثُمَّ اَسْتَقَامُوا»، «فَمَا اَسْتَقَامُوا لَکُمْ»، این معانی حاصل می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۴۳) و یافته‌های تفسیری حاکی از آن است که استقامت به معنای استمرار داشتن در جهت واحد به گونه‌ای است که نه به سمت راست عدول کند، و نه به سمت چپ (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰۳). به نظر می‌رسد با نگرش ژرف اندیشانه می‌توان گفت آموزه‌های وحیانی به تنوع مفهومی واژه‌ی «استقامت» رهنمونند و در اینجا به مهم‌ترین‌ها که مربوط به راهبرد مقاومت است، اشاره

می‌شود:

۴.۳- پیمان‌پایی

در قرآن کریم بر لزوم ایفای عهد دو جانبه تأکید شده است. در یکی از آیات، در آغاز سخن از عدم وثوق مشرکین و عدم پایبندی آنان به عهدشان چنین آمده است: «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ.» (توبه، ۷)، «چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهده‌ی تواند بود؟» و در ادامه‌ی آیه گروهی را استثنا کرده و می‌فرماید تا وقتی طرف مقابل بر سر عهد وفادارند، اهل ایمان نیز بایست پایدار برعهد با آنان باشند «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ.» (توبه، ۷). این آیه بیانگر پایداری در استمرار عهد مسلمین در مقابل دسته خاصی از مشرکین است و به خوبی می‌رساند که نبایست از دشمنان اسلام با آن همه اعمال و رفتار و کارهای خلافشان، انتظار پایبندی به تعهداتشان را داشت و آنان نیز انتظار وفاداری به پیمان‌ها را از جانب مسلمان بطور یک‌جانبه نداشته باشند. چنان‌که در آیه‌ی دیگر به این رهنمون است که اگر طرف مقابل عهد و سوگند خود را پس از پیمان شکستند و شما را در دینتان طعن زدند، بر شماست که با پیشوایان منکر حق بجنگید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که از پیمان‌شکنی بازایستند «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه، ۱۲) در این آیه تجویز مبارزه و مقابله با دشمنان حق برای آن است شاید با دیدن شدت عمل و این‌که راه بازگشت به‌روی آنها بازاست از عهدشکنی دست بردارند و به رفتارهای مرتبط با نقض پیمان‌ها پایان دهند «ينتهون عن نكث الأيمان ونقض العهود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۵۹).

این آیات به خوبی می‌رسانند که با استقامت می‌توان هیمنه‌ی واهمه از پیکار با دشمن را از بین برد. برای تقویت روحیه‌ی مقاومت با عنایت به فنون بلاغت یعنی بیان مطالب پر اهمیت با تعبیرات گوناگون هم در آیات و هم در فرمایشات رهبری نکته‌سنجی‌های فنی یافت می‌شود و به‌نظر می‌رسد راز آن این است که با این فنون درصدد ترویج و نهادینه سازی

نگرش استقامت و ضربه‌ی نهایی وارد سازی بر پیکر استکبار و آگاهی بخشی از رفتار آنان برای بیدار سازی اهل ایمان برای تقویت روحیه‌ی استکبارستیزی تا برچیدن آثارشوم استعمار و و پیامدهای ناگوار آن است. هم در آموزه‌های وحیانی و هم در فرمایشات رهبری مطالب انگیزه بخش برای مسلمانان جهت دور سازی هرگونه سستی و ترس و تردید در این حوزه با طرح این پرسش که چرا عهد و پیمان آنان کمترین ارزشی ندارد؟ پاسخ قرآن این است که چون: «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» یعنی درست است که آنها ایمان ندارند و لی نکته‌ی کلیدی‌ترین در این حوزه آن است که آنان به پیمانی که می‌بندند پایبند نیستند و این با تجربه نقض کردن مکرر از سوی دشمنان حق ثابت شده و لهذا آمادگی برای نقض پیمان خود در آینده نیز دارند و از این جهت پیمانشان اعتبار و ارزشی نخواهد داشت. با عنایت به ظرافت‌های که در آیات و نیز فرمایشات رهبری در باب پیمان‌پای وجود دارد به این می‌رسیم که واژه‌ها و کلمه‌های فشرده و پرمغزی که در منظومه‌ی کفری رهبری و به صوت خاص در متن بیانیه کنارهم قرار گرفته‌اند، برگرفته از آیات کلام وحی است.

۴.۴- پایداری بر رسالت ایمانی و وجدانی

در باره‌ی پافشاری و ایستادگی بر رسالت ایمانی و توجه به خردناب که نیروی درونی برای تشخیص خوب از بد و عامل مراقبت از انحراف و زاویه پیدانکردن با حق می‌باشد، سخن بسیار است. در این حوزه چه عوامل درونی و برونی زیادی نقش آفرین است که هم در آیات قرآن و هم در فرمایشات رهبری مرتبط با آن، مطالب ظریف زیادی یافت می‌شود ولی جای طرح مستوفی آن نیست و لهذا در اینجا از باب نمونه به چند مهم اشاره خواهد شد. به نظر می‌رسد یکی از آیاتی که به روشنی آموزه‌های آن تأکید بر پایداری بر رسالت ایمانی و تبعیت از نظام توحیدی و اهتمام مستمر بر تبیین و تبلیغ و ترویج امور مرتبط با خرد، با مقاومت در برابر سرکشان و ستم‌گران دارد، این آیه است: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوُكُمَا فَاسْتَقِمْمَا وَلَا تَتَّبِعَا سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.» (یونس، ۸۹)، «دعای هر دوی شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکنید.» این آیه در باره حضرت موسی و

حضرت هارون علیه السلام است. پیام محوری آن این است که وقتی آن پیشوایان آسمانی مأموریت به هدایت فرعون یافتند، بر اساس رسالت خویش با برنامه‌ی حساب شده اقدام و عمل نمودند ولی پس از آن که نه سخن نرم ولین آنان که به فرعون گفتند: «هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّى» (نازعات، ۱۸)، «آیا سرِ آن داری که به پاکیزگی گرایی» و نه معجزات متعدد یعنی هیچ یک از طرح، اقدام و عمل‌های آن مدیران و پیشوایان حق کمترین تأثیری در تحول فرعون نیاورد! و او همچون گذشته به استکبار و استعلا طلبی و استمرار طرح گمراه سازی مردم، ادامه داد و گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ» (نازعات، ۲۴). حضرت موسی علیه السلام محو اموال و عذاب فرعون و پیروانش را خواست و فرمود: «پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، تا خلق را از راه تو گمراه کنند، پروردگارا، اموالشان را نابود کن.» «... إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا... رَبَّنَا اظْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ...» (یونس، ۸۸) و حضرت هارون علیه السلام برای اجابت دعای او آمین گفت. احادیث و نکات تفسیری حاکی از آن است که دارای‌هایشان تبدیل به سنگ شد «صارت أموالهم حجارة.» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۴۲۳) و سرانجام با نصرت الهی پیروان حضرت موسی علیه السلام نجات یافته و نظارگر گرفتاری فرعون و پیروانش و غرق شدن آنان در دریای عذاب بودند «فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره، ۵۰) به هر حال غرض این که پایداری و استواری بر ترویج مستمر انجام مأموریت دینی و هماهنگی و همراهی با حق و صدای وجدان برای عدم تجاوز از راه مستقیم و بی‌توجهی به تمایلات ستمکاران یکی از راهبردهای اساسی برای پیشبرد اهداف نظام اسلامی است و به پاره‌ی از مهم‌ترین مستندات قرآنی آن، اشاره رفت. در اینجا لازم است به متن و محتوای این آیه نیز دقت داشته شود: «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (هود، ۱۱۲)، «پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن» یافته‌های تفسیری حاکی از آن است که آیاتی که تأکید بر استقامت دارند هم به عنوان دل‌داری و تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله هم برای بیان وظایف و مسئولیت او نازل شده‌اند. به نظر می‌رسد یکی از نتایج مهمی که از شرح داستان‌های اقوام پیشین گرفته می‌شود این است که پیامبر و به تبعیت از او مؤمنان راستین از انبوه دشمنان

نهراسند و در شکست دشمن ستمگری که با آن روبرو هستند شك و تردیدی به خود راه ندهند و به امدادهای الهی مطمئن باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۵۴). در این زمینه فرمایشات رهبری بسیار است، از باب نمونه می‌فرمایند: «استقامت در قرآن به معنای ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن و متوقف نشدن است (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰ / ۱۱ / ۱۰ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18877>) و می‌فرمایند معنای مقابل استقامت «طغیان» است، «طغیان، یعنی سرکشی، منحرف شدن.» (۱۳۸۹ / ۳ / ۱۴) و در جای دیگر می‌فرمایند: «هنگامی که ملتی راهی را آغاز می‌کنند، رسیدن به نتایج، احتیاج دارد به استقامت در آن راه، به پیشرفت در آن راه، به متوقف نشدن میان راه» (بیانات در اجتماع مردم کنگاور، ۱۳۹۰ / ۷ / ۲۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1390727>)

۴. ۵- ثبات قدم در انجام مأموریت

مطالعات قرآنی نشان می‌دهد در باره‌ی این مفهوم از استقامت که بیانگر اهتمام به استمرار انجام مأموریت است از آیات زیادی می‌توان بهره‌گرفت ولی به نظر می‌رسد از کلیدی‌ترین آیات این آیه است: «فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (شوری، ۱۵)، مشخص است که این ایستادگی و استواری در انجام مأموریت با اموری هماهنگ است. گزاره‌های کلام وحی نشان می‌دهد که مهم‌ترین امور دعوت نمودن انسان‌ها به سوی آیین واحد الهی است چنانکه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴) و هم‌چنین ورهانی‌دن مردم از اختلافات است «فَلِذَلِكَ فَادْعُ» و نیز عدم تبعیت از نظام هواها و هوس‌های نفسانی است «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» و هم‌چنین آیاتی که بیانگر وظایف ایمانی و درخواست رهبری به راه راست است «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۶) و آیات: «مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران، ۱۰۱) «هرکس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است.»

جستارها بیانگر آن است که در این حوزه هم در آیات کلام وحی و هم در فرمایشات رهبری سخن بسیار است. از باب نمونه به جان مایه‌ی یکی از فرمایشات رهبری که مبتنی بر همین آیات است اشاره می‌گردد. ایشان می‌فرمایند: «استقیم در قرآن، به معنای ثبات ورزیدن در راه حق و تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار نگرفتن است» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع هیئت‌های دانشجویی در روز اربعین حسینی، ۱۸ / ۸ / ۱۳۹۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۸۱۴>).

لازم به ذکر است که نگاه عمیق به مفهوم استقامت در همین بیان و بطورت کلی در اندیشه‌ی قرآنی رهبری که رهنمون به سرای سلامت و جهت دهنده به سوی اندیشه‌ی درست و بهره‌برداری بایسته از سرمایه‌ی مقاومت در راه راست و نیز منشأ ایستادگی یعنی شرح صدر و نقش تعیین کننده‌ی آن در اقدام و عمل مبتنی بر مبانی دینی و اهتمام ورزی به توسعه‌ی متوازن و ثبات قدم در مسیر حق؛ نیازمند یک مقاله‌ی علمی مستقل است.

۵.۴) طراحی سبک زندگی اسلامی

رهبری در توصیه‌ی هفتم که آخرین سفارش مطرح در بیانیه است، می‌فرماید: «در باره‌ی سبک زندگی سخن بسیار است و آن را به فرصتی دیگر وا می‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت مازده است؛ مقابله‌ی با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد و چشم امید در آن به جوانهاست» بنابراین طراحی سبک زندگی اسلامی از دیگر راهبردهای مزیتی است که در بیانیه بدان اشاره شده و مطالعات در آثار و بیانات رهبری به این رهنمون است که در منظومه‌ی فکری امام خامنه‌ای در باره‌ی سبک زندگی اسلامی بر دو محور و موضوع توجه و تأکید اکید شده است که بطور خلاصه بدانها پرداخته می‌شود.

الف) نظام خانواده

در این حوزه در مجموعه‌ی پنج جلدی تحت عنوان «نقش و رسالت زن» که برگرفته از بیانات رهبری است نکات ظریف و دقیق زیاد وجود دارد، از باب نمونه ایشان می‌فرمایند: «خانواده بهترین منتقل کننده‌ی فرآورده‌های فکری به نسل‌های بعدی است» (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳، ج ۳/ ۹۴).

با عنایت به این مطلب می‌توان گفت نقش خانواده در طراحی سبک زندگی اسلامی بسیار پررنگ است. فرمایشات ایشان مبتنی بر آموزه‌های وحیانی حاکی از آن است که اصرار خداوند بر ازدواج و ناخشنودی او از مرد و زن تنها این را می‌رساند که این مهم از جهتی سری از اسرار آفرینش و سبب آرامش و فراهم سازی محیط سالم و تسهیل کننده‌ی سیر در مسیر فطرت و مصلحت بشر در فضای ایمانی و صداقت و پاک دامنی است و از سوی دیگر نیاز اساسی و سنت نبوی است.

ایشان در مناسبت‌های مربوط به ازدواج در تبیین آیه‌ی: «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱)، «از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد.» و آیه‌ی: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/ ۱۸۹)، «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد» می‌فرمایند: «یسکن یعنی چه؟ یعنی ما در زندگی تلاطم‌ها و اضطراب‌هایی داریم که گاهی انسان را از جا می‌کند. وقتی زن احساس می‌کند شوهرش همراهش است و به او تکیه دارد؛ و وقتی شوهر احساس می‌کند که زنش همراهش است و در هاله‌ی محبت او قرار گرفته، این تلاطم‌ها تبدیل به آرامش می‌شود و این همان سکن است» (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳، ج ۳/ ۱۳۵).

چنانکه اشاره شد در فرمایشات رهبری در این حوزه سخن بسیار است که مجال پرداختن به آنها به صورت مبسوط نیست ولی در کلی ترین شکل می‌توان گفت دیدگاه

رهبری در این خصوص بر محور راه‌های نهادینه سازی ارزش‌های واقعی توجه به نقش محوری زنان در حوزه عواطف و حفظ کانون گرم خانواده است و همچنین در باره چگونگی مطلوبیت حضور بانوان در مسئولیت‌های اجتماعی و اجر زحمات روحی و عاطفی زنان با استناد به حدیث: «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰) می‌فرمایند: «زن گل زندگی است نه مباشر و کارگرخانه... قهرمان، یعنی همین کارپرداز امروز زندگی است. این زن کارپرداز زندگی شما نیست که همه کارهای زندگی‌تان را روی دوش او بگذارید و بعد هم او را مؤاخذه کنید، نه! این یک گُلّی است در دست شماست، حتی اگر دانشمند یا سیاست‌مدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است» (۳۰ / ۶ / ۱۳۷۹).

از منظر مقام معظم رهبری خانواده از پایه‌های اساسی راهبرد سبک زندگی اسلامی و دارای تأثیرات محسوس و تعیین‌کننده‌ی در تقویت روحیه و نفوذ عاطفی است. ایشان تأکید بر این دارند که در نظام اسلامی در باره‌ی شغل زنان و امور مربوط به کانون گرم خانواده و این‌که زن پایه‌ی مهم زندگی و واحد بنیادین اجتماع و شرط لازم برای پیشرفت مبتنی بر آموزه‌های دینی است، توصیه‌های اکید بر اهتمام تشکیل خانواده سالم دارند چه این‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «الْإِنْسَانُ مَعَادِنٌ وَالْعِرْقُ دَسَاسٌ وَادَّبُ الشَّوْءُ كَعِرْقِ الشَّوْءِ» (پاینده، ۱۳۶۳: ۷۸۸)، «مردم، همانند معدن‌ها مختلف اند و اصل و نسب در انسان بسیار مؤثر است و تربیت بد، همانند اصل و نسب بد است» با عنایت به این گزاره‌ها رهبری تبیین نقش خانواده سالم در تربیت معنوی، فکری و روانی بشر، بر پایه‌ی حاکمیت دین تأکید دارند و آن را موجب گسترش عفت، عزّت، بالندگی و ترویج روش زندگی سالم و فراهم سازنده‌ی بستر خیر و برکت و بهره‌گیری مطلوب از التذاذات معنوی و عاطفی در مقابل تلاطم نه در مقابل حرکت می‌دانند (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳، ج ۳).

ب) رفتار مدیران و مسئولان نظام اجتماعی

بی‌گمان شیوه‌ی زندگی مدیران و مسئولین نظام نقش تعیین‌کننده در طراحی سبک

زندگی مردم دارد. در باره‌ی جایگاه تأثیر گذاری آن، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «مردم، به دولتمردان خود شبیه ترند تا به پدرانشان»، «الْأَنَاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸) و در بیان دیگر می‌فرمایند: «الْأَنَاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۶۶)، «مردم به زمان خود شبیه ترند تا به پدران خود» با عنایت به این دو بیان در جای دیگر می‌فرمایند: «هرگاه درستکاری بر روزگار و مردمش حاکم شود و در چنین زمانی کسی به دیگری بی‌آن که گناهی از او آشکار شود، گمان بد ببرد، ظلم کرده است و هرگاه فساد بر روزگار و مردم آن حاکم شود و کسی به دیگری خوشبین باشد، خود را فریب داده است» «إِذَا اسْتَوْلَى الصَّالِحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ ثُمَّ...» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۴). اساس همین آموزه‌های دینی در فرمایشات رهبری در باره‌ی سبک زندگی مدیران و مسئولین نظام تأکید بر ساده زیستی و اهتمام بر هم‌رنگ با مردم بودن و این‌که تلاش و همت‌شان رفع نیازهای مردم باشد، شده است.

یافته‌ی مطالعاتی و مشاهداتی حاکی از آن است دسته‌ای از مدیران اخلاق دارند؛ اما بهره‌ای درک درست شرایط و اقتضائات زمان خویش ندارند. برخی از این جهت بهره‌ی لازم را ندارند ولی اخلاق ندارند و بعضی هیچ یکی از آن دو را ندارند ولی کسانی هستند که هم رفتار مطلوب دارند و هم بهره‌مند از علم و شرایط و اقتضائات زمان خویشند و بدیهی است که این‌ها بهترین مدیران و مسئولان نظام دینی می‌توانند باشند؛ زیرا از سوی فرزانه‌ی خود ساخته‌ی دور از هوا و هوس‌اند و از جهت دیگر عالم به زمانه بوده با هوشمندی ایفای نقش داشته و به وظایف خویش و اقتضائات و طرح دشمن آگاه است. از این رو نه عبادت او را متظاهر و متکبر می‌کند و نه عالمی است که خواهان حرکت دیگران پشت سرش کورکورانه باشد و از او تعریف و تمجید کنند. چنین مدیران و مسئولانی عاقلان دوران و حق شناس حق پویانی هستند که از همت و تلاششان در راستای برپاداری حق و رهایی از زیر یوغ نظام سلطه است.

بی‌گمان چنین افرادی کلید خیر و قفل شرند «مَفَاتِيحُ لِلْخَيْرِ مَغَالِيقُ لِلْشَّرِّ» (پاینده،

۱۳۶۳، ۳۴۰).

شایان ذکر است از باب اینکه به فرموده‌ی امام علی علیه السلام مردم سه گروهند: دانشمند خداشناس، دانش جوی در راه رستگاری و فرومایگان بی‌اراده و سرگردان که هر دعوتی را اجابت می‌کنند و به هر طرف که باد بیايد به همانطرف می‌روند، از نور دانش روشنایی نمی‌گیرند و به پایگاه محکمی پناه نمی‌برند. «الْأَنَاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ زَعَاغٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۴۷) و این‌که قرآن تفاوت میان جایگاه افراد و تسلط برخی افراد بر دیگران را فعل الهی معرفی کرده و می‌فرماید: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْخِيًا» (زخرف، ۳۲)، «ما معیشت مردم را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده و با هم تعاون نمایند.» از این به خوبی استفاده می‌شود که خداوند در زندگی دنیا، ارزاق مردم (اعم از مادی و معنوی) را میان آنان تقسیم کرده و جایگاه‌های متفاوتی به افراد بر اساس ظرفیت و قابلیت داده تا برخی بر بعضی دیگر مدیریت و نقش هدایت‌گری داشته باشند. بدیهی است که لازمه‌ی این مهم ایجاد نظام تبعیت است و به دنبال این فعل الهی، مجموعه‌هایی بر اساس تبعیت در اراده ایجاد می‌شود و مدیریت مصداق پیدا می‌کند.

رهبری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی برای مدیران و مسئولین نظام اسلامی در بیات خود شاخص‌های را بیان کرده است که ترسیم‌کننده‌ی سیما و رفتار است و در اینجا به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌شود.

ایشان در فرمایشات خود به ویژه در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری شاخص‌های نامزد اصلح را بیان کرده و می‌کنند و در اینجا به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌شود. جان مایه‌ی فرمایشات ایشان در این است که: انتخاب هم یک حق است و هم یک وظیفه و بایست در انتخاب اصلح توجه شود به کار اجرایی بلد بودن و توانایی کشیدن بار سنگین اداره مملکت»

(امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۲ / ۱۰ / ۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۹۴>) همه ما دارای نقاط قوت و نقاط ضعف هستیم، در انتخاب به نقاط قوت امروز، منهای نقاط ضعف موجود توجه شود (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم مشهد در حرم رضوی، ۱۳۹۲ / ۱ / ۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۲۳۳>) توانایی مدیریت اجرائی کشور را داشته باشد، معتقد به قانون اساسی و دارای روحیه مقاوم در برابر دشمنان باشد، با برنامه، باتدبیر و با حکمت و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی داشته باشد.... مذهب به اخلاق باشد، به حاشیه‌ها نپردازد و وعده بی‌مبنا ندهد (بیانات در دیدار کارگران و بخش تولیدی کشور، ۱۳۹۲ / ۲ / ۲۲۳۹۵ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۲/۲/۲۲۳۹۵>) تدین، تعهد، آمادگی و توانایی انجام کار بزرگ مدیریت عالی اجرائی کشور را داشته باشد... کاری، مردمی، مقاوم، ارزشی، باتدبیر و قانون‌مدار باشد و درد مردم را حس کند (بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات کشور، ۱۳۹۲ / ۲ / ۱۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۴۹۴>)

این فرمایشات و دیگر بیانات ایشان در این حوزه به این رهنمون است که کشور بایست بر اساس قانون و نظام تبعیت اداره شود؛ زیرا راه گریزی از آن نیست ولی بایست قانون حاکم در انتخاب‌ها و اجراها قانون الهی باشد نه بشری چون قانون حاکم در کشور الهی است نه الحادی که در آن انتخاب از سر هوا و هوس و «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جاثیه، ۲۳) است. این انتخاب چه در باره‌ی انتخاب رئیس جمهور باشد یا نمایندگان یا وضع قانون از سوی آنان معیارهای بیان شده بایست در هر سطحی در حد امکان در قانون توجه قرارگیرد. نکته مهم آنکه توجه به این معیارها و منویات در هر سطحی می‌تواند بستر شایسته سالاری و فضای نقد و بررسی منصفانه و اخلاقی و سفارش‌های خداپسندانه و دلسوزانه را فراهم سازد.

روشن است که این مسئله ارتباط عمیق با بحث معرفت دارد و در این خصوص در منظومه‌ی فکری رهبر و به صورت خاص در توصیه‌ها بیانیه اهتمام ویژه به ارتقای سطح

فرهنگ قرآنی، حضور فعال و پرثمر در مساجد، مردم پایه بودن گسترش اخلاق و معنویت شده و به نظر می‌رسد برای نهادینه سازی این راهبرد در میان اقشار مختلف مردم بایست مدیران و مسئولان نظام به مباحث مانند ساده زیستی، اهتمام به فرهنگ کارجمعی و مقیدسازی مدیران اجرای و کارگزاران و مدیران فرهنگی و گروه‌های مرجع به سبک زندگی اسلامی را در کانون توجه قرار دهند.

واقعیت‌های موجود حاکی از آن است که بسیاری از مدیران و مسئولان سطح کلان جامعه اسلامی از داشتن سبک زندگی مبتنی بر این مبانی و معیارها به معنای واقعی کلمه دورند و در بیانیه نیز به این مهم اشاره رفته است. این درحالی است که شکل‌گیری سبک زندگی سالم در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی، یکی از اهداف و آرمانهای اصلی انقلاب اسلامی بوده است. علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در طول چهل سال عمر انقلاب، تحقق این هدف دچار چالش شده و متأسفانه جامعه کنونی به علت تأثیرپذیری از فرهنگ غرب از یکسو و تحت تأثیر زندگی قبل از انقلاب اسلامی از سوی دیگر، نتوانسته است میان باورهای اصیل اسلامی و سبک زندگی خود در حوزه‌های گوناگون ارتباطی عمیق و تنگاتنگ ایجاد کند و از این جهت در جامعه ایران تاکنون نتوانسته‌اند به شکل مطلوب از میوه‌های ارزشمند عقاید و باورهای دینی خویش در عرصه رفتار و سبک زندگی بهره‌ی لازم گرفته شود.

۴.۶- ظرفیت‌های الگوی مردم سالاری دینی

الگوی مردم سالاری دینی یکی از راهبردهای مزیتی مدنظر در بیانیه گام دوم برای اداره‌ی مطلوب جهان معاصر است و در بیانیه گام دوم انقلاب که يك میثاق پرمایه‌ی مبتنی بر سنت‌های الهی است، در این حوزه گزاره‌های پرمغزی وجود دارد. اهتمام به اجرا و تعهد به آن موجب وارد شدن به آستانه‌های پیشرفت و کمال است. به هرحال مسئله‌ی مردم سالاری از اموری است که در بیانیه فصلی را به خود اختصاص داده و تأکید بر تکیه کردن بر مردم به عنوان حاصل و عامل تغییر شده و از این لحاظ بایسته است نظر رهبری را جویاشد؛ زیرا در فرمایشات ۱۳۷۸ هنگامی که مراحل پنجگانه انقلاب را نام بردند فرمودند: «ما در مرحله‌ی

دولت اسلامی هستیم و بعد جامعه اسلامی و... اما در این بیانیه بحث دولت اسلامی وزنی ندارد و مستقیم مخاطب مردم و به ویژه جوانان هستند.

از این رو مردم سالاری دینی مربوط به چگونگی حکومت داری و مدیریت جامعه در سطح کلان است و لازمه‌ی آن عمل به قوانین است. قوانین یا منبعث از قانون الهی اند یا بشری و الحادی! به این معنا که قانون بشری منهای دین چیزی جز الحادی نیست. البته ممکن است کسی یا کسانی بگویند مردم سالاری همان دموکراسی غربی است و ترکیب دین با آن وصله‌ی ناجور است چون آموزه‌های قرآنی به این رهنمونند که «اکثریت» آراء به کسی یا نگرشی ملاک بر حقانیت و انتخاب درست نیست، کما این که «اقلیت» نیز دلیلی بر حقانیت نیست.

درواقع از نظر اسلام مشروعیت به جعل و نصب الهی است نه حاکمی که مردم انتخاب یا انتصاب کرده‌اند. برآیند این نگرش آن است که استدلال‌های در حوزه‌ی مردم سالاری دینی چوبین و سست است. از منظر دیگر هستند کسانی که اصرار دارند در هر قانونی که به مسئله‌ی عدالت و اخلاق و حقوق بشر و آزادی‌های مطلوب و شایسته سالاری تأکید و الزام شده است، آن قانون عقلانی و اسلامی است. این نگرش‌ها مبانی و مفروضاتی دارند که مجال طرح نیست و آنچه در اینجا مدنظر از مردم سالاری دینی است، اینکه منشاء قدرت و مشروعیت و قوانین در همه حوزه‌ها قانون الهی باشد؛ زیرا از سوی تنها او عدالت آفرین و آزادی بخش است و از سوی دیگر ثابت شده است که قوانین بشری منهای دین، نه تنها مشکل گشا نیستند که گاه مشکل آفرینند. این که آزادی مطلوب چیست؟ عدالت چیست؟ حقوق بشر چیست و برای چیست؟ در قوانین موضوعه‌ی بشری در عرصه‌ی عمل شاهدیم و می‌بینیم که برای برخی راه نفس کشیدن را گرفته‌اند.

باتوجه به شواهد عینی نقد و نقص‌های یافته‌ها بشری در این حوزه می‌توان گفت اساس ترین مشکل بشر کنونی عدم تمکین بر قوانین ماوراء طبعیت و پیروی آن از هوا و هوس و به فرموده‌ی قرآن از افرادی است که هوای نفس را معبود خویش ساخته‌اند «مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»

(فرقان، ۴۳).

بدین جهت کسانی که چنین بینش و نگرش داشته باشند قانون وضع شده آن‌ها الحادی و پراز کاستی است. اینجاست که بحث انواع نظام‌ها مطرح به این معنا که اگر حکومت استبدادی باشد قانون آن همان رأی و نظر حاکم یا حزب حاکم است و رئیس حکومت از سوی نمایندگان انتخاب شود، قانون از سوی مجلسی تصویب می‌شود و این همان دموکراسی مردمی است نه دموکراسی دینی؛ اما اگر قانون حاکم بر ملت قانون الهی بود «کما هو الحق» آن وقت این آشکالی دارد که به چند شکل و چند صورت ممکن است قانون الهی پیاده شود. آنچه در پژوهش مدنظر است پیاده سازی قانون الهی بر مبنای ولایت فقیه است.

جان مایه کلام از این نگاه آن است که پیامبر ﷺ در مدینه نظامی تأسیس کرد و حکومتی ایجاد کرد که نه نظام فردی دیکتاتوری بود، نه نظام شاهنشاهی و نه نظام حزبی و نه نظام مردم سالاری عادی که دین در آن نقش نداشته باشد.

در نظام نبوی حکومت مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است و پس از پیامبر حق ولایت از آن ائمه معصومین علیهم‌السلام است و در عصر غیبت از آن نمایندگان عام ولیعصر علیه‌السلام و در عصر ما این نوع حکومت در نظام ولایت فقیه مجسم شده است. با توجه به این‌که در زمان حیات پیامبر آن حضرت عهده دار نظام بود و به فرموده‌ی قرآن به پیروان از خودشان سزاوارتر و نزدیکتر بود «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب، ۶) روشن است که وقتی به مؤمنین اولی است، نسبت به غیرمؤمنین؛ بطریق اولی سزاوارتر است! چرا؟ برای اینکه پیامبر و پیشوای از جانب خدا برای هدایت بشر است و در باره‌ی سعادت آن حریص و نسبت به مؤمنان به صورت خاص دلسوزمهربان است: «رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) یعنی او هم مصلحت را حکیمانه و بهتر می‌داند و از آن معصومانه آگاه است و هم معصومانه اجرا می‌کند. وقتی کسی معصومانه مصلحت يك ملت را می‌فهمد و معصومانه اجرا می‌کند، این یقیناً اولی نسبت به خو آنهاست و به

نظر می‌رسد این اولویت تعیینی است نه تفضیلی.

۴. ۶-۱) حاکم سازی سیاست‌های تحقق بخش اهداف انقلاب

برای حرکت به سوی حاکم سازی سیاست‌های دورنگرا نکته‌ی محوری موجود در بیانیه گام دوم، توجه به مسئله‌ی خودآگاهی و خودشناسی فردی و ملی است. بایست درک درست از انسان شایسته و باعزم، مؤمن، انقلابی و با همت جهادی داشت تا در راستای چگونگی تأمین اهداف برنامه و عمل داشت.

مقام معظم رهبری تأکید بر این دارند که با دو عامل هدف تأمین می‌شود: یک عامل انتخابات گرم پرشور است، مردم زیاد با شور و شوق شرکت کنند، بیایند پای صندوقها. دوم اینکه این انتخابات منتهی شود به انتخاب یک انسان شایسته‌ی وارسته‌ی باعزم مؤمن انقلابی با همت جهادی.

با این دو اصل، مقصود ملت ایران حاصل می‌شود. ایشان در باره حصول مقصود دشمن می‌فرمایند: مقصود دشمن با این حاصل می‌شود که انتخابات اولاً سرد برگزار شود؛ مردم بی‌رغبت باشند، عده‌ی کمی شرکت کنند، یک عده‌ای بگویند: آقا چرا شرکت کنیم؟ فایده‌اش چیست؟ ما نمی‌خواهیم بیائیم. اینها دشمن را خوشحال می‌کند. ثانیاً نتیجه‌ای که از صندوق‌ها بیرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که دولت را، به تبع دولت، ملت را به سمت وابستگی بیشتر، به سمت تبعیت بیشتر، به سمت قرارگرفتن در سیاست‌های دشمنان قرار دهد؛ دشمن این را میخواهد. ایشان تأکید بر شناخت سیاست‌های دشمن و خنثی سازی برنامه‌های آن و حاکم سازی سیاست‌های درون گرا دارند (۱۳۹۲/۲/۲۵) و راه رسیدن به آن، انتخاب اصلح است؛ زیرا اصلح همت بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب دارد.

رهبری شاخص‌های را در این خصوص بیان فرمودند که به مناسبت در پاره‌های پیشین به برخی از آنها اشاره شد از جمله توانایی مدیریت اجرایی، باور به قانون اساسی و داشتن روحیه مقاومت در برابر دشمنان و اهتمام به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و همچنین

مسئله‌ی خود ساختگی، تدین، تعهد و مردمی بودن است (۱۶/ ۲/ ۱۳۹۲) فرمایش دیگر رهبری حاکی از آن است که انتخاب اصلح نه فقط در طول چهار و پنج سال که گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش باقی می‌ماند و لهذا بایست در باره‌ی انتخاب شایسته فکر کرد و باید معیارها را شناخت و سرانجام می‌فرمایند: «اجمالاً معیار اصلی این است که کسانی سر کار بیایند که همشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد. آنچه ما در این سال‌های طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدف‌های انقلاب بوده است؛ هر جایی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدف‌های انقلاب اسلامی و هدف‌های اسلامی بوده است. کسانی سر کار بیایند که مصداق: «إِنَّ الَّذِينَ إِنْ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت، ۳۰) باشند، اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند» (۲۵/ ۲/ ۱۳۹۲)

۴. ۶- ۲) - طرد سیاست‌های وابستگی

به نظر می‌رسد یکی از مباحث مهم در این حوزه مسئله‌ی درک و طرد درست سیاست‌های برون‌گراست و رهبری نیز به این مهم در بیانیه اشاره نموده و از فرمایشات مربوط به سیاست‌های ناظر به حمایت بیرونی و استکباری از دستگاه و افکار عمومی حاصل می‌شود. ایشان در یکی از بیاناتشان در این باره این چنین تحلیل می‌فرمایند: «هدف دشمن معلوم است، او می‌خواهد از نقاط قوت‌مان صرف نظر کنیم تا بر ما مسلط شود؛ از عناصر اقتدار ملی خودمان دست برداریم تا راحت‌تر بتواند بر کشور ما، بر ملت ما، بر سرنوشت ما و آینده‌ی ما مسلط بشود؛ یک چنین فکری را آنها کرده‌اند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم به مناسبت رحلت مردم، ۱۴/ ۳/ ۱۳۹۷) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۹۷۹۶>

مقام معظم رهبری به خوبی پرده از برنامه‌های دشمن و هدف نهایی آن برداشته است؛ اما با این وجود بازهم مشاهده می‌شود که متأسفانه برخی از رجال سیاسی و نقش آفرین

خواسته یا نخواستۀ همسوی با سیاست‌های نظام سلطه داشته و دارند. باتوجه به خطر و تهدید جدی این نوع همراهی‌ها و هزینه‌های سنگینی که نظام بابت آن مجبور است که متحمل شود رهبری در دیگر از بیانات خویش به پیامدها و تبعات این نوع همراهی اشاره نموده و می‌فرماید: «هدف آنها این است که کشور را به سمت وابستگی، به سمت ضعف، به سمت عقب‌ماندگی در صحنه‌های گوناگون حرکت دهند یعنی دوتا هدف در مقابل هم قرار دارد: هدف ملت ایران، هدف جبهه‌ی دشمنان.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵ / ۲ / ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۲/۲/۲۵>)، بعد ایشان راهکار اصلی جهت خنثی‌سازی و رهایی از تحقق اهداف دشمن می‌فرمایند این است که: «ما باید خودمان کارهای خودمان را منظم و مرتب کنیم. کسی را انتخاب کنیم که برای عزت ملی، برای بازکردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه‌ی معاندان، و برای الگوکردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۶ / ۳ / ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۷۰۸>).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش معلوم می‌دارد که مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم، به خوبی نقشه‌ی راه رشد و تعالی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم نموده و راهبردهای کلان، برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، امید و نشاط‌بخشی، چگونگی استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی و خنثی‌سازی تهدیدهای بیرونی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات حال و دورنمایی آینده را تبیین و تشریح نموده است. بر پایه‌ی داده‌های جمع‌آوری شده مشخص شد که برجسته‌ترین مزیت‌های راهبردی که مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار داده است برگرفته از گزاره‌های سپه‌روحیانی و اهتمام به تحقق بخشی طرح و برنامه‌ها و اهداف متعالی پیامبران، به خصوص پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام بوده است. براین اساس مزیت‌های که ایشان در بیانیه گام دوم با استناد

به قرآن کریم اشاره نموده‌اند تضمین‌کننده تعالی و تکامل و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران در تمام عرصه‌ها (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عبادی و...) است. ایشان وقتی مسئله صدور انقلاب را مطرح می‌کنند می‌فرمایند صدور انقلاب به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد جنجال و اغتشاش در میان ملت‌ها نیست؛ بلکه به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز و برداشتن زنجیرهای بسته برپاهای ملت‌های مظلوم توسط نظام‌های استکباری است. وقتی سخن از تقویت راهبرد استقامت می‌گویند مرادشان با استناد به آیات مختلف قرآن کریم پیمان پایی، پایداری بر رسالت جهانی ایمانی و وجدانی و ثبات قدم در انجام مأموریت و ایستادگی و تسلیم‌ناپذیری در برابر دولت‌های متکبر و مستکبر و قدرت‌های انحصارگر جهان است. وقتی به مسئله طراحی سبک زندگی اسلامی تأکید می‌کنند، دغدغه‌شان حفاظت و حراست از کانون مقدس نظام خانواده و سازگاری رفتار مدیران و مسئولان نظام اجتماعی با آموزه‌های دین اسلام است. تأکید به این مسئله در دنیای پرتلاطم امروز که در بسیاری از جوامع نهاد خانواده متلاشی و سبک زندگی الحادی و مادی پرستی گسترش پیدا کرده است می‌تواند تعیین و ترسیم‌کننده نقشه راه حیاتی طیفه در زندگی فردی و اجتماعی باشد. همچنین وقتی ظرفیت‌های الگوی مردم‌سالاری دینی را با بهره‌گیری از کلام وحی تشریح می‌فرمایند مرادشان این است که مردم‌سالاری دینی مربوط به چگونگی حکومت‌داری و مدیریت جامعه در سطح کلان با التزام و پیروی از قوانین شریعت اسلام است. از این‌رو در منظومه فکری رهبری، نظام فردی دیکتاتوری، نظام شاهنشاهی، نظام حزبی، نظام مردم‌سالاری منفصل از دین و منقطع از وحی هیچ جایگاهی ندارد. افزون بر این راهبردهای مزیتی یادشده مسئله حاکم‌سازی سیاست‌های تحقق‌بخش اهداف کلان انقلاب و طرد سیاست‌های وابستگی از دیگر تأکیدات و تأییدات ایشان در بیانیه گام دوم با هدف ایجاد روحیه خودباوری و عزتمندی در پرتو قدرت ایمان و الگو نشان دادن نظام جمهوری اسلامی ایران در چشم مستضعفان برای ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های معاندان و مستکبران جهان است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
۴. میری، محمد، ۱۳۹۶، مدیریت راهبردی حضرت یوسف و حضرت موسی علیه السلام در قرآن، پایان نامه‌ی ارش، قم، المصطفی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی (راهنما عباس شفیعی).
۵. بیانات رهبری، ۱۳۶۸ / ۴ / ۲۲؛ در دیدار مهمانان خارجی مراسم چلمین روز ارتحال امام خمینی.
۶. بیانات رهبری، ۱۳۶۸ / ۴ / ۱۹؛ در دیدار اقشار مختلف مردم.
۷. بیانات رهبری، ۱۳۷۹ / ۶ / ۳۰، در دیدار با بانوان.
۸. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۱ / ۱، در حرم مطهر رضوی.
۹. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۲ / ۷، در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور.
۱۰. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۲ / ۱۶، در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات.
۱۱. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۲ / ۲۵، در دیدار اقشار مختلف مردم.
۱۲. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۳ / ۶، در دانشگاه امام حسین علیه السلام.
۱۳. بیانات رهبری، ۱۳۹۳ / ۹ / ۶، در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین.
۱۴. بیانات رهبری، ۱۳۸۹ / ۸ / ۳، در دیدار با طلاب غیر ایرانی در قم.
۱۵. پایگاه اینترنتی Khamenei.ir، متن بیانیه و برخی بیانات رهبری از این آدرس در یافت شده است.
۱۶. پابنده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش.
۱۷. پیرس، جان ای، ریچارد بی رابینسون، ۱۳۸۳، مدیریت راهبردی، ترجمه محمود حسینی، تهران، دانشگاه شاهد.
۱۸. پیرس، جان ای و ریچارد بی رابینسون، ۱۳۸۹، مدیریت راهبردی، ترجمه سید محمود حسینی تهران؛ سازمان سمت.
۱۹. دیوید، فرد آر، ۱۳۹۰، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

۲۰. حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۹۰ مدیریت راهبردی، تهران، سازمان سمت.
۲۱. شهبازی، عبدالله (۱۳۴۹). ظهور و سقوط پهلوی، تهران، اطلاعات و مؤسسه مطالعات سیاسی.
۲۲. نادری، مهدی و شهره پیرانی، ۱۳۹۹، راهبردهای پشرو در پسا چلسالگی انقلاب اسلامی، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال ۱۶، پیاپی ۳۱، ش ۱ سال ۱۳۹۹ صفحات ۳۰۵ - ۳۲۸.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین.
۲۶. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. میرباقری، سید محمد مهدی، ۱۳۹۸، عصرجدید (خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام دوم)، قم، فرهنگستان علوم اسلامی، چاپ پنجم.
۲۹. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، نقش و رسالت زن (برگرفته از بیانات آیت الله خامنه‌ای)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۲، تئوری‌های انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۱. عیوضی، محمدرحیم، هراتی، محمد جواد (۱۳۹۴). تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، فروزش.
۳۲. غفاریان، وفا، مرتضی عمادزاده، ۱۳۸۵، معانی نوظهور در مفهوم استراتژی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

مؤلفه‌های وفاداری به نظام اسلامی در آیه ۲۹ سوره فتح (با تأکید بر بیانیه گام دوم)

حسن خواجه‌وند صالحی^۱ (نویسنده مسئول)

علی آقا صفری^۲

چکیده

از سرمایه‌های مهم در نظام اسلامی که از مؤلفه‌های اساسی در توسعه و ثبات جامعه محسوب می‌شود، نیرو انسانی وفادار و صدوق است. مقام معظم رهبری با بهره‌گیری از کلام وحی در بیانیه گام دوم به عنوان سند راهبردی انقلاب، مسلمانان را به اموری فراخوانده است تا با عمل به آن، اعتماد متقابل را در نظام دینی تقویت و تحکیم نموده و همبستگی اجتماعی را پایدار سازد که از جمله آن امور، وفای به عهد و پای بندی به تعهدات است. این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که مؤلفه‌های وفاداری به نظام اسلامی بر پایه گزاره‌های وحیانی آیه ۲۹ سوره فتح چیست؟ و مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم درباره آن مؤلفه‌ها چه تأکیدی کرده است؟ روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و فیش‌برداری و استفاده از تفاسیر معتبر و بیانات مقام معظم رهبری با محوریت بیانیه گام دوم و روش

۱. طلبه سطح ۴، مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، (نویسنده مسئول) h.salehi110@chmail.ir

۲. دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، a.a.safari1364@gmail.com

پردازش اطلاعات به شکل توصیفی تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برجسته‌ترین شاخصه‌های وفاداری مؤمنان به نظام اسلامی، عبارت‌اند از: همگامی و همراهی با رهبران الهی، انعطاف‌ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان، عبودیت، خشوع و خاکساری و تضرع، نفوذناپذیری و قوی شدن و مستقل شدن جامعه اسلامی همچنین روشن شد که مؤلفه‌های یاد شده که در کلام وحی و بیان و بنان مقام معظم رهبری و بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار گرفته‌اند، نشانگر مجموعه‌ای از رفتارهای سرسختانه و مصرانه‌ای مؤمنان در نظام اسلامی است که رشد و تعالی آنان و یأس و ناامیدی دشمنان اسلام را به همراه دارد.

واژگان کلیدی: آیه ۲۹ فتح، وفاداری مؤمنان، نظام، نظام اسلامی، گام دوم انقلاب.

مقدمه

در حکومت اسلامی، قوانین حاکم بر اساس مبانی دینی و الهی ترسیم می‌شود؛ لذا انتظار از چنین جامعه‌ای - اعم از مسئولان و مردم - رفتارهای دین‌مدارانه است. بدون شك، به خاطر تلازم حق و تکلیف در فرهنگ اسلامی، مردم، همچنان که دارای حقوقی هستند، و حاکم، در جهت ادای این حقوق، مسئولیت‌هایی دارد، حاکم جامعه نیز دارای حقوقی است که ادای آن‌ها بر عهده مردم است.

یکی از وظایفی که عموم شهروندان بر عهده دارند و قوام اجتماع و حکومت بدان بستگی دارد، «وفاداری نسبت به حکومت» است. هرکس که ضرورت وجود حکومت را تشخیص دهد و نظم و نظام اجتماع را بدون وجود حکومت ناممکن بداند چنان که اکثر مکاتب بشری و الهی به لزوم آن معترف‌اند «وفاداری به حکومت» را به حکم عقل، شرط نخست بقای حکومت خواهد شمرد. این وظیفه، اختصاص به حکومت خاصی ندارد، و حکومت، چه نهادی بشری باشد و چه منصبی الهی، بقا و تداوم آن بستگی زیادی به التزام شهروندان به انجام دادن این وظیفه دارد.

اگر مردم، در حق حکومتی، بی‌وفایی کنند و آن را در برابر اقسام مشکلات داخلی و خارجی تنها گذارند، بدون شك، چنین حکومتی دوام نخواهد یافت، حتی اگر در رأس چنین حکومتی، بهترین انسان‌ها مانند پیامبر الهی یا امام معصوم باشد؛ زیرا، اساس و بنای خلقت بر این نیست که اگر مردم حکومتی را نپسندند و برای بقای آن تلاش نکنند، با امدادهای غیبی الهی حمایت شده و تداوم یابد.

دراهمیت این وظیفه، همین بس که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یکی از سخنرانی‌های خود که حقوق و وظایف متقابل حاکم و مردم را تبیین فرموده، «وفاداری به بیعت» را یکی از حقوق حاکم و به عبارتی دیگری از وظایف مردم نسبت به حاکم جامعه دانسته و می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ... وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ: فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ...»

(نهج‌البلاغه، خ ۳۴). روشن است که امام، در مقام بیان حقوق شخصی خود نیست، بلکه

به عنوان حاکم اسلامی، از حقوق خود سخن می‌گوید. مردم در برابر پیمانی که با رهبر بسته‌اند باید وفادار باشند. زیرا با بیعتی که انجام داده‌اند متعهد شده‌اند تا تمامی امکانات خود را در اختیار دولت حاکم قرار دهند و او را در تمامی ابعاد کشورداری یاری رسانند و در هیچ بُعدی که یاری آنان نیاز است کوتاه نیایند. دولت آنگاه قدرتمند است که بال‌های نیرومند مردمی تکیه‌گاه او باشد.

در خصوص «وفاداری به نظام و حاکمیت دینی»، پژوهش اندکی صورت گرفته و بصورت پراکنده در کتب تفسیر ترتیبی مفسران بدان اشارتی شده و در این موضوع کتاب‌ها و مقالاتی چند به چشم می‌خورد از جمله «ولایتمداری و انواع آن در نهج البلاغه» نوشته محمدحسین منتظری که برای مجله حصون ۱۳۸۷ شماره ۱۵ نوشته شده و نیز در بخش دوم کتاب «حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان» نوشته جواد ورعی به موضوع وفاداری نسبت به حکومت پرداخته شده است.

در این پژوهش با مراجعه به قرآن کریم با محوریت آیه ۲۹ سوره فتح که بخشی مهم از خواسته‌ها و توصیه‌های رهبر معظم انقلاب «مدظله‌العالی» در بیانیه گام دوم انقلاب را در خود نهفته دارد و با بهره‌گیری از تفاسیر و دیدگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای با روش پردازش اطلاعات به شکل توصیفی تحلیلی و به روش تفسیر موضوعی، دست‌یابی به شاخصه‌های برجسته‌ی «مؤلفه‌های وفاداری مؤمنانه» در نظام اسلامی، تبیین گردیده است.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱- وفاداری

واژه وفی در کاربرد نخستین و در لغت به معنی به عهدش وفا کرد و آن را نشکست، ضد و نقطه مقابل وفا، غدرو مکرو و نیرنگ است که دلالت بر پیمان و عهدشکنی دارد که همان ترک عهد و بی‌وفائی و فریب است (راغب، ج ۴، ص: ۴۷۳). در جای دیگر وفا به انجام اعمالی آمده است که انسان تعهد کرده باشد. (سجادی (۱۳۸۶)، ص: ۷۸۸). مرحوم نراقی در جامع

السعادات بیان می‌کند که وفا، دوستی تام نسبت به برادران در راه خدا و وفای نسبت به آن‌هاست و آن را در مقابل جفا آورده است (نراقی، (۱۳۶۴)، ج ۳، ص ۱۸۸).

در کل می‌توان نتیجه گرفت که وفا آن است که انسان خود را از لحاظ اخلاقی ملزم به انجام عهد و پیمان و وعده‌ها و واجباتی که بر او هستند، بداند. عهد و پیمان‌هایی که با خدا یا مردم و حتی خویشان بسته است به انجام برساند و در وعده‌هایی که به خدا، مردم و خویشان داده است غدروخیانت ننماید (وجدی (۱۳۹۰)، ص ۱۴۶ و ۱۴۷).

اسلام احترام شدید به فضیلت وفاداری و امانتداری را به عنوان یکی از عناصر اخلاقی خود پذیرفت ولیکن آن را با حرکت دادن آن بر محور توحید، بسیار متکامل و متحول کرده و از فضیلتی قومی و قبیله‌ای به امری دینی استحاله یافت. فرهنگ، دین و مذهب، تعلیم و تربیت می‌تواند در مقدار وفاداری انسان‌ها اثری داشته باشد. در بسیاری از ادیان، جهان بینی‌ها و اسطوره‌ها از وفاداری به عنوان یک ویژگی ستایش شده یاد می‌شود.

۲.۱- نظام

معنای لغوی نظام

آنچه که از بررسی اکثر کتب لغت معتبر؛ مانند «کتاب العین»، «تهذیب اللغة»، «المحیط فی اللغة»، «لسان العرب»، «مجمع البحرین»، «معجم مقاییس اللغة»، «قاموس المحيط» و «الصحاح» می‌توان در مورد معنای صحیح لغت نظام که از ریشه نظم گرفته شده است، به دست آورد، انضمام و همراه کردن چند چیز به یکدیگر است و مثال مشترکی که بیشتر این کتب آورده‌اند به این صورت است که وقتی دانه‌های تسبیح و یا مروارید و یا هر چیزی با ماهیت این گونه به رشته درمی‌آیند و با یکدیگر همراه می‌شوند، به این کار «انتظام» می‌گویند و به خروجی‌ای که از این عمل بدست می‌آید «نظام» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۵ ق، ج ۸، ص ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۴، ص ۲۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۲، ص ۵۷۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۶؛ زبیدی، ۱۳۰۷ ق، ج ۱۷، ص ۶۹۰؛ جوهری، ۱۴۲۶ ق، ج ۵، ص ۲۰۴۱).

معنای اصطلاحی نظام (سیستم) از نگاه اندیشمندان اسلامی و غربی

در این قسمت مروری بر معنای اصطلاحی نظام (سیستم) از نگاه اندیشمندان اسلامی و غربی انجام می‌شود تا درک و فهم صحیح‌تری نسبت به نظام و نظام سازی شکل بگیرد. در ادبیات غربی تعاریف زیادی برای نظام که از آن به سیستم تعبیر می‌کنند، ارائه شده است. در جمع‌بندی تعاریف سیستم از نگاه اندیشمندان غربی می‌توان به تعریف ذیل که توسط «رضائیان» ارائه شده است، اشاره کرد: «سیستم، مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیط‌شان یک کل را تشکیل می‌دهند» (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۶۵). در دهه‌های اخیر، اندیشمندان اسلامی نیز تعاریف مختلفی از مفهوم نظام بیان کرده‌اند که در ادامه به چند مورد اشاره می‌گردد.

«اسلام علاوه بر احکام اجتماعی، دارای مذهب و مکتب اجتماعی است که گاهی از آن به نظام اجتماعی تعبیر می‌شود» (صدر، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۰).

ایشان بیان می‌کنند که مکتب [نظام] اجتماعی منظومه‌ای است که زیربنای احکام اجتماعی است. غیر از این احکام، لایه‌های دیگری از نظریات و قواعد عمومی قابل استناد به شریعت وجود دارد که دارای نظم و نسق و انتظام خاصی بوده و قطعات یک پازل و جورچین بشمار می‌روند؛ بطوری که یک «کل» و یک بسته پیشنهادی را در عرصه سیاست، فرهنگ یا... را شکل می‌دهند و با سایر نظامات اجتماعی اسلام هم ارتباط برقرار می‌کنند (همان، ص ۲۵۴).

«نظام در نگاه اسلامی سطحی، تک‌بعدی یا منحصر به رفاه دنیایی نیست، بلکه راه و سیاستی می‌باشد که با احکام و قوانین الهی آمیخته شده است. در الگوی نظام سازی اسلامی، رشد در تمام ابعاد آن، فقط با محوریت رهبری و مدیریت الهی او پیگیری می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱).

«در اسلام قوانینی کلی وجود دارد که حالت تحلیلی دارد و حاکم بر منظومه‌های احکام

است. در نظام به دنبال کشف قواعد تحلیلی هستیم که مبین نگاه اسلام به آن حوزه است؛ مثلاً در حوزه اقتصاد، مالکیت و ارزش آفرینی کار به چه معنا است» (اعرافی، ص ۱). «روح مسئله نظام این است که ما با یک تحلیل از این سطح رویین به عمق می‌رسیم که در این عمق، قواعد بنیادین است» (همان). در تعریف نظام اجتماعی (نظام به معنای کلان) می‌توان چنین گفت: الگوی روابط متقابل و منظم حاکم بر جمعی از انسان‌های دارای هدف مشترک و برخورد از رهبری و مدیریت مرکزی واحد (اراکي، ۱۳۹۳، ص ۵۳).

«فقه نظامات، احکام را به صورت یک «نظام» می‌بیند؛ یعنی احکامی نیستند که روی موضوعات منفصله جعل شده باشند، بلکه یک مجموعه به هم پیوسته هستند که یک کل یا سیستم یا نظام و پیوستار را به ما تحویل می‌دهند. این احکام که نظام واحدی را تشکیل می‌دهند، دارای یک مبنای واحد بوده و اگر محقق شوند، برآیند و نتیجه واحدی خواهند داشت» (میرباقری، سایت فرهنگستان علوم: [www. Isaq.ir](http://www.Isaq.ir)).

«نگرش نظام‌مند به دین؛ یعنی تحلیل گزاره‌های دین برای کشف سازه‌ها و فرایندها در مقیاس کلان تمدن سازانه» (واسطی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱). «سیستم یا شبکه، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش‌اند. در هر شبکه، تغییر هر جزء بر دیگر اجزاء و بر کل، تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر، اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند» (همان، ص ۸۹).

«اگر باور داریم که اسلام احتیاجات انسان را در عرصه‌های مختلف حیات او تأمین و مدیریت کرده است، باید معتقد باشیم این تأمین در قالب یک نظام که اجزای آن هماهنگ و سازگاری دارد، تدوین شده است و هماهنگی و سازگاری اندیشه، عقاید، الزامات، احکام، اخلاق و عرفان می‌توانند آن نظام را معرفی کنند» (سعدی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵). «نظام مجموعه روابطی است که انسان ایجاد کرده تا در بستر آن روابط، جریان نیاز وارضای نیاز شکل بگیرد» (پیروزمند، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲).

«ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار بین اجزای یک مجموعه که کوتاه‌ترین و

سریع‌ترین مسیر به سوی هدف را موجب شود» (نبوی، ۱۳۷۵، ص ۱۴). «هر سیستم کارآمدی از چهار رکن ۱. ساختار کلی، ۲. روابط پیوسته و منسجم، ۳. عقلانیت ۴. سرعت در جهت هدف تشکیل می‌شود» (همان، ص ۱۶).

۲. نظام اسلامی

تعاریف متعددی پیرامون نظام اسلامی وجود دارد که به چند نمونه اکتفا می‌شود: منظور از نظام اسلام، سازمان دین، موجودیت و استقرار حاکمیت آن می‌باشد که معمولاً به بیضه اسلام تعبیر می‌شود و در تعبیر دیگری شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد. (عمید زنجانی، ص ۳۰). حکومت دینی، حکومتی است «دین باور»، «دین‌مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین» (میرمدرسی، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰). حکومت دینی حکومتی است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. حکومت دینی دغدغه‌ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود؛ بلکه نسبت میان دین و کلیه‌ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه‌ی روابط اجتماعی نافذ باشد (واعظی، جامعه دینی جامعه مدنی، ۱۳۷۷، ص ۸۸ - ۹۰).

در ادامه خلاصه‌ای از کلام رهبر فرزانه انقلاب درباره «نظام اسلامی» را بیان می‌کنیم: اساس نظام اسلامی بر اطاعت از خداوند است؛ این آن مایز اصلی است؛ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ»، «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»؛ بنابراین اساس نظام اسلامی، اطاعت از خدای متعال است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶). نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که قوانین آن متّخذ از قرآن است. نظامی است که نمایندگان مردم در آن بر اساس

قوانین و مقررات قرآنی تصمیم‌گیری می‌کنند. قانون آن قرآنی است؛ اجرای آن هم اسلامی و قرآنی است؛ قضای آن هم اسلامی و قرآنی است؛ مسئولان آن هم افتخارشان به این است که خدمتگزار دین و اسلام و قرآن باشند. نظام اسلامی، چگونگی ساخت و پرداختش به نوعی است که همه چیزهایی که در اسلام برای ایجاد يك نظام انسانی و بشری مورد توجه است، در آن مراعات می‌شود. آراء مردم، خواست مردم، اراده‌ی جمعی مردم، عواطف و ایمان مردم، همه در چهارچوب احکام الهی و مقررات قرآنی است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۹/۰۶).

نظام اسلامی، يك نظام مبتنی بر آگاهی مردم است و اگر مردم آگاه و مؤمن نباشند، نظام اسلامی، در حقیقت، روح خود را از دست خواهد داد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۲۸/۰۶).

نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

در مجموع می‌توان گفت که نظام اسلامی برخوردار از ویژگی‌هایی از قبیل ترکیب معنویت با امور دنیا، کمال جویی، توجه توأمان به حقوق الهی و انسانی، اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی، ترکیب دین و سیاست، بهره‌گیری از پتانسیل دین برای اداره جامعه، چارچوب فعالیت‌های حکومت بر اساس قوانین الهی و انسانی، کسب توأمان رضایت الهی با رضایت مردم، رهایی از رذایل اخلاقی رایج در غرب همچون خودپرستی، قدرت‌طلبی، جهت‌بخشی دینی به همه مسائل و عرصه‌ها، دخالت دین در همه عرصه‌ها و حوزه‌ها، پیوستگی همه شئون زندگی، حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در چارچوب دین، مسئولیت دولت در ترویج فضایل اخلاقی و... می‌باشد.

۳. مؤلفه‌های وفاداری در آیه ۲۹ سوره فتح

در آخرین آیه سوره فتح ترسیم بسیارگویایی از اصحاب و یاران خاص پیامبر ﷺ و آنها که در خط او بودند از لسان تورات و انجیل بیان کرده که هم افتخار و مباهاتی است برای آنها که در «حدیبیه» و مراحل دیگر پایداری به خرج دادند، و هم درس آموزنده‌ای است برای همه مسلمانان در تمام قرون و اعصار که اینک به برخی از مؤلفه‌های وفاداری در آن اشاره

می‌گردد.

۱.۳- همگامی و همراهی با رهبران الهی

در ابتدای آیه می‌فرماید «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (فتح / ۲۹) را به خود اختصاص داده و حائز چند نکته است که بدان اشاره می‌گردد:

۲.۳- گواهی خداوند به رسالت پیامبر اسلام

در این آیه نام پیامبر اسلام ﷺ صریحاً برده شده و او به عنوان رسول خدا معرفی شده است؛ اورسول خداست و خدا به این امرگواهی داده و هرگونه ابهامی را بر طرف نموده است، چه مشرکان و مخالفان اسلام بپسندند و چه نپسندند. (قرشی بنابی، ج ۱۰، ص ۲۶۰؛ رضایی اصفهانی، ج ۱۹، ص ۲۳۱).

تصریح به اسم پیامبر اسلام ﷺ بیان‌گر این مطلب هست که: آدمی برای آنکه بتواند به کمالات والای بشری برسد و با استفاده از آن، سعادت جاویدان را تحصیل کند، لازم است مسیررسیدن به آن کمالات متعالی را به خوبی شناسایی کرده و دانش مناسب آن را بدست آورد و از آنجا که عقل بشر در ارائه راه روشن برای دستیابی انسان‌ها به جامعه مطلوب و آرمانی، توانایی کافی نداشته، آن دانشی که انسان‌ها را به هدف متعالی نظام سیاسی اسلام و ایجاد حیات طیبه در جامعه بشری هدایت می‌کند، باید از منبعی خطاناپذیر جوشیده باشد آن منبع نورانی، ذات اقدس حضرت احدیت است که همه جهان هستی را با اراده حکیمانه خویش آفریده و انسان کامل را در این جهان، جانشین خود ساخته و الگویی برای تکامل دیگران قرار داده است.

خدای متعال بر دیگرانسان‌ها واجب فرموده که اگر بخواهند به سعادت ابدی برسند، باید درزندگی خود از الگوی انسان کامل پیروی کنند و سخنان او را که برخی از منبع وحی نبوی و برخی از منبع عقل ربانی برآمده است، ملاک نظر و عمل خویش قرار دهند. حاصل آنکه، عقل بشر به تنهایی نمی‌تواند در اداره امور جامعه برآن دانش خطاناپذیر دست باید و به

طور کامل بر مشکلات فائق‌اید، بلکه برای رسیدن انسان‌ها به سعادت ابدی و حیات طیبه در جامعه، افزون بر استفاده از یافته‌های قطعی عقل، بشر باید از علوم و حیانی نیز به قدر کافی استفاده کند.

در راستای نیازمندی مردم به منبع و حیانی و دانش ربانی برای ایجاد حیات طیبه در جامعه بشری، الگوهای معصوم همچون پیامبر و برگزیدگان از خاندان او در اختیار مردم قرار گرفتند.

برای دست‌یابی و وصول به حیات طیبه و سعادت واقعی، هم شناخت و معرفت به الگوهای آسمانی لازم است و هم اطاعت و تبعیت و همراهی و همگامی از الگوها... انسان‌های کامل در پرتو تقوا و تقرب به خدای متعال به منبع علم ربانی متصل شدند و از این راه بر دانش شیوه هدایت مردم دست یافتند و توانایی اداره جامعه را از حضرت قادر متعال کسب کردند.

۳.۳- مؤمن همراه و ثابت قدم

تعبیر «وَالَّذِينَ مَعَهُ» وصف مؤمنینی است که در پیروی از پیامبر اسلام، صادق و عامل هستند و همراهی آن‌ها دینی و عملی است نه معیت مکانی و بلدی.

تعبیر «کسانی که با پیامبر اسلام ﷺ هستند» اشاره به کسانی دارد که در فکر، اخلاق و عمل همراه با پیامبر بودند که شامل اصحاب هم عصر پیامبر ﷺ و مسلمانان زمان‌های بعد می‌شود که از خط فکری و عملی و اخلاقی آن حضرت پیروی می‌کنند، ولی شامل منافق صفتان نمی‌شود که هم‌زمان و همراه ظاهری پیامبر ﷺ بودند، ولی خط فکری و عملی آنها با آن حضرت متفاوت بود. (رضایی اصفهانی، ج ۱۹، ص ۲۳۳).

جمله‌ی «وَالَّذِينَ مَعَهُ» مفهومش همنشین بودن و مصاحبت جسمانی با پیامبر ﷺ نیست؛ زیرا منافقین هم دارای چنین مصاحبتی بودند، بلکه منظور از «معه» به طور قطع همراه بودن از نظر اصول ایمان و تقوا است. (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۲۲، ص ۱۱۹).

مقام معظم رهبری مسئله همراهی و همگامی و مزدوج شدن و همراه شدن را اساس تفکر

اسلامی و دیالکتیک اسلامی دانسته (بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور به مناسبت روز جهانی کارگر، ۱۳۹۵/۰۲/۰۸) و توصیه‌ی مؤکدشان بر این است که پیروان راستین انقلاب، در راه انقلاب ثابت قدم بمانند: از جمله‌ی چیزهایی که روی آن تکیه می‌کنم این است که بچه‌های مؤمن ما، بچه‌هایی که به این راه عقیده دارند و واقعاً از روی انگیزه دارند کار می‌کنند، باید ثبات قدم پیدا کنند.

ما کم ندیده‌ایم افرادی را که يك روزی، چند صباحی در خط مستقیم بودند، بعد چشمشان به پول و مقام و مانند این چیزها که افتاد، از این رو به آن رو شدند. شما در محدوده‌ی نفوذ خودتان - هر مقداری که می‌توانید تأثیر بگذارید - کاری کنید که بچه‌ها در راه مستقیم و صراط مستقیم ثابت قدم بمانند.

اگر چنانچه در صراط مستقیم ثابت قدم ماندند و حرکت کردند، هرکسی جای خودش را پیدا می‌کند؛ هرکسی موقعیتی را که می‌تواند مفید باشد، پیدا می‌کند و هیچ لزومی ندارد که من بگویم شما در فلان رشته کار کنید، در فلان قضیه کار کنید؛ نه، وقتی ثابت قدم بودند در راه خدا، می‌فهمند چه کار باید بکنند؛ این توصیه‌ی مؤکد بنده است (بیانات در منزل شهید سیدرضا کیش بافان، ۱۳۹۸/۰۶/۱۱).

۴.۳- واژه «مع» در قرآن

در قرآن کریم واژه «مع» فراوان به کار رفته است که معنای رایج آن «مصاحبت و همراهی در زمان، مکان، رتبه و منزلت» می‌باشد. مع در قرآن در اکثر موارد در معنای همراهی نمودن به کار رفته است که در سه نوع مطلق، مطلوب و نامطلوب نمود پیدا کرده است.

۵.۳- همراهی مطلق

در برخی کاربردهای قرآنی «مع» به معنای مطلق همراهی آمده است. به عنوان نمونه می‌توان به همراهی یوسف علیه السلام با برادران که برای بازی و تفریح بیرون از شهر رفته بودند، اشاره نمود (یوسف/۱۲). و نیز آیاتی که بیانگر بهانه‌های کفار، برای پذیرش دعوت پیامبران است

«أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ» (زخرف/۵۳) و «أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ» (هود/۱۲) در این آیات مراد از همراهی، صرف همراه داشتن چیزی است. از این همراهی‌ها معنای مطلوب و نامطلوب برداشت نمی‌شود.

۳-۶- همراهی مطلوب

مفهوم همراهی‌های مطلوب از آیاتی که خداوند به آنها امر می‌کند قابل برداشت است «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره/۴۳؛ آل عمران/۴۳) «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/۱۱۹) و نیز از آن دسته آیاتی که بیان‌کننده دعای مؤمنان‌اند: «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران/۵۳؛ مائده/۸۳)، «وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبِرَارِ» (آل عمران/۱۹۳) همراهی مطلوب دارای دو حوزه دینی و سیاسی است.

تعبیر «وَالَّذِينَ مَعَهُ» و کسانی که با او هستند در آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (فتح/۲۹) سخن از افرادی می‌گوید که در همه امور همراه پیامبر ﷺ بودند، در فکر و عقیده و اخلاق و عمل، نه تنها کسانی که هم‌زمان با او بودند هرچند خطشان با او متفاوت بود (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۲۷).

ایمان به رسول خدا، «آمنوا به» گام اول است، مهم‌ترین گام، همراهی با رسول است (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱۰).

ما مسلمانان در همگامی و همراهی با رسول خدا ﷺ نیازمند به الگویی همچون امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستیم ایشان در سایه همگامی و همراهی با رسول خدا ﷺ، عبادت و ایمان و طاعتش به درجه‌ای رسید که احدی را یارای همگامی و هم‌شانی با او نبود و این مسأله‌ای مورد اتفاق است و همه فرق اسلامی در نوشته‌های خود بدان اشاره دارند.

اگر به حجیت رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام باور داریم، باید در عمل آن را اثبات کنیم، معتقدات و معارفمان را از آنان بگیریم، در فقه و عمل دینی به نظر آنان عمل کنیم و در قیام و قعود و جنگ و صلح و تولّا و تبرّا مواضعمان با مواضع و سیره آنان منطبق باشد، نه تندتر و نه کندتر، بلکه همراه و همگام. این که در وصف ویژگی ائمه آمده است: «الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ

مارِقْ، والمتأخّر عنهم زَاهِقٌ وَالْأَلازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ» (ابن طاووس، ج ۲، ص ۶۸۷)؛ بیانگر ضرورت همسویی و همراهی و همگامی با این حجج الهی است. کسی که از آنان جلو بیفتد، از دین بیرون می‌رود. کسی که از آنان عقب بماند، به گمراهی کشیده می‌شود. کسی که ملازم و همراه و پای به پای آنان باشد و ره بسپارد، به مقصد می‌رسد. آنان امام و جلودارند و باید همپای آنان رفت.

۳. ۷- همراهی‌های نامطلوب

این نوع همراهی از آن دسته آیاتی قابل برداشت است که بیان‌کننده نهی خداوند از همراهی نمودن با گروه‌هایی خاص مانند ظالمان است «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ... يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا». (فرقان / ۲۷ و ۲۸). و نیز از دعای اعرافیان که در قیامت از خداوند درخواست می‌نمایند آنها را همراه ظالمان قرار ندهد (اعراف / ۴۷).

بنابراین یکی از خواسته‌های مهم خداوند از بندگان، همراهی و پیروی و تبعیت صادقانه با اولیا و پیامبران و حق و حقیقت می‌باشد «وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ» (محمد / ۳). و همین تبعیت و پیروی، بیانگر و نشانه محبت واقعی به خداوند متعال و ملاک تقرب و انتساب به انبیاء و اولیای الهی خواهد بود «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي...» (آل عمران / ۳۱). «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي...» (بقره / ۲۴۹). «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ...» (آل عمران / ۶۸).

۳. ۸- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان

کلام وحی در توصیف یاران و پیروان پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (فتح / ۲۹). خداوند متعال در این آیه شریفه اوصاف ظاهر و باطن و عواطف و افکار و اعمال آنها را از جهت عواطف و حب و بغض بیان می‌کند که به برخی از مهم‌ترین آنها در ذیل اشاره می‌گردد:

۸.۳-۱- حب و بغض، دو بال ترقی جامعه توحیدی

وجود انسان مانند دیگر موجودات دارای دو قوای جاذبه و دافعه است که او را در تعادل نگه می دارد. از آنجا که دامنه این دو نیرو تمام امور آدمی از افکار تا اعمال او را متأثر می کند، اثر مستقیم بر سرانجام او دارد. یکی از عوامل ضروری برای حیات و تعالی هر فرد و جامعه، توجه به مسئله «دشمن شناسی و دوست شناسی» و جذب دوستان و دفع دشمنان است. اصولاً حیات و زندگی هر موجود زنده ای وابسته به فرآیند جذب و دفع و مقدمه آن، یعنی دشمن شناسی و دوست شناسی است.

جامعه همان طور که به عدالت و قانون نیاز دارد به عواطف اجتماعی نیز نیاز دارد و جامعه اسلامی بر خلاف مسیحیت تنها به محبت مطلق اکتفا نمی کند. «جامعه همان طور که نیازمند است به اصل عدالت که نگهدار مرزهای حقوقی است، احتیاج دارد به عواطف اجتماعی. بسیاری از مشکلات اجتماعی است که قانون و عدالت قادر به حل آنها نیست، تنها عواطف می تواند آنها را حل کند. برخلاف ادعا و اعتراض مسیحیان لازمه مذهب، محبت مطلق و عدم بغض نسبت به هیچ کس نیست. حب و بعض اگر عاطفی محض باشد چندان فضیلت نیست، نه حب و نه بعض، ولی حب و بعض منطقی از ضروریات یک اجتماع سالم و متکامل است». (مطهری، ج ۳، ص ۱۱۲). قرآن کریم، مسلمانان را از اینکه دوستی و سرپرستی غیر مسلمانان را بپذیرند سخت بر حذر داشته است. در اسلام حب و بغض هست اما عقلی، نه احساسی و عاطفی. اسلام بشر دوست است، اما می گوید: ریشه کفر را از بین ببرید و تا از بین نرفته دستور احتیاط و اجتناب می دهد تا اعتقادات آنها در مسلمانان نفوذ نکند، زیرا طبق نص قرآن، میل قلبی و تلاش کفار این است که دیگران را به کیش و آیین خود درآورند، بنابراین یک مسلمان نباید فراموش کند که او عضوی از یک جامعه توحیدی است و شخص غیر مسلمان عضوی از یک جامعه دیگر و روابط آنها نباید با مصالح کلی جامعه اسلامی منافات داشته باشد. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». (نساء ۱۴۱).

بر اساس آیات و روایات متعدد، محبت، انسان را از گروهی به گروه دیگر ملحق می‌کند. از باب نمونه به چند روایت اکتفا می‌شود. در روایت ابی عبیده از امام باقر علیه السلام آمده است که هر کسی که به ما اهل بیت علیهم السلام محبت داشته باشد از ما حساب می‌گردد «قَالَ مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مِنْكُمْ قَالَ: مِنَّا وَاللَّهِ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ ع: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي» (ابراهیم / ۳۶). (حویزی، ج ۲، ص ۵۴۸). همچنین در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام کسانی را که اهل بیت را بر خود مقدم بدارند آنان را جزء اهل بیت علیهم السلام می‌داند: «هرکس ولایت آل محمد را بپذیرد و آنان را به سبب خویشاوندیشان با رسول خدا بر همه مردم مقدم دارد چنین کسی از آل محمد است چون ولایت آل محمد را دارد نه به خاطر اینکه او از اعیان آنها محسوب گردد بلکه به جهت دوستی با آنها و متابعت از اقوال و افعال آنان از آل محمد به حساب می‌آید» (عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۱).

مقام معظم رهبری یکی از کارهای انبیاء را مرزبندی بین خوبان و بدان در جامعه دانسته و در این باره می‌فرمایند: اصلاً دین یک صف‌بندی است، یک جبهه‌بندی است. همه پیغمبرانی که آمدند اوّل کاری که کردند، یک چوب زدند وسط و اجتماع را دو قسمت کردند - به مؤمن و غیر مؤمن، مؤمن و کافر - و یک صف‌بندی به وجود آوردند (بیان قرآن (تفسیر سوره ممتحنه)، ص ۵۶).

۳. ۸ - ۲) شدت با کفار و رحمت با مؤمنین مهم‌ترین راه مقابله با نفوذ

شدت با کفار

تعبیر «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» همچون دیگر آیات متعدد قرآن، چهره دشمنان اسلام و راه‌های مقابله با شیوه‌های نفوذ آنان را به خوبی تبیین نموده‌اند. این آموزه‌های قرآنی هم دشمنان ما را به ما می‌شناساند و هم شیوه‌های مبارزه با آنان را. طبعاً بدون بصیرت و هوشیاری و دشمن‌شناسی، نمی‌توان بر توطئه‌های دشمنان پیروز گشت.

«أَشِدَّاءُ» جمع «شدید» است. شدید یعنی سخت، محکم، استوار، نیرومند، دلیر،

سخت یعنی نفوذناپذیر. (فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۵۲۱). هر جسمی که سخت‌تر باشد، وقتی با جسم دیگری اصطکاک پیدا کرد، در آن جسم دیگر اثر می‌گذارد، اما از آن جسم اثر نمی‌پذیرد.

مراد از «أَشِدَّاءُ»

خدای متعال در سوره‌ی سراسر حماسه و درس فتح، بعد از آنکه همه آیات حماسه را بیان می‌کند، درباره‌ی اصحاب پیغمبر می‌فرماید «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»؛ این‌ها در مقابل کفار یعنی همان دشمنانی که صف بسته‌اند شدیدند. یعنی این اصحاب و یاران بر اساس موقعیت و تعهدی که به ایمان و دفاع از آن دارند، در برابر هرکسی که می‌خواهد قدرت کفر و بی‌ایمانی را تأیید کند و ایمان را تضعیف کند، در ناباوری شدید هستند. و شدت آنها در اینجا یک حالت و شرایط غیرانسانی نیست که نمایانگر بی‌رحمی، تعصب و تعطیلی باشد؛ بلکه یک وضعیت انسانی است که هدف آن، باز کردن انسان از موقعیت‌های حقیقت است که بتواند برای غنی‌سازی ارزش‌های آزادی و عدالت، ایمانش را نشان بدهد و انسان‌های آزاده را در افق گشودن به سوی خدا حرکت دهد تا عنصری مثبت در معنای تقویت بشریت باشند. با توجه به این، ما می‌فهمیم که شدت در اینجا نگاه کردن به مواضع مسلمانان در صحنه درگیری است، نه به موقعیت آنها در صحنه حمایت، یا در صحنه همزیستی یا در فضای گفتگو، و آنها این‌گونه هستند (فضل‌الله، ج ۲۱، ص ۱۲۸).

رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده‌اند: اشداء بر کفار معنایش این نیست که با کفار دائم در حال جنگند.

اشداء، شدت، یعنی استحکام، استواری، خورده نشدن. يك فلزی زنگ می‌زند، خورده می‌شود، پوك می‌شود، از بین می‌رود؛ يك فلز هم قرن‌های متمادی که بگذرد، دچار خوردگی و زنگ‌زدگی و پوسیدگی و پوکی نمی‌شود. اشداء یعنی این. شدت یعنی استحکام. استحکام يك وقت در میدان جنگ است، يك جور بروز می‌کند؛ يك وقت در میدان گفتگوی با دشمن است، يك جور بروز می‌کند.

شما ببینید پیغمبر در جنگ‌های خود، آنجایی که لازم بود با طرف خود و دشمن خود حرف بزند، چه جوری حرف می‌زند. سرتاپای نقشه‌ی پیغمبر استحکام است؛ استوار، يك ذره خلل نیست. در جنگ احزاب پیغمبر با طرفهای مقابل وارد گفتگو شد، اما چه گفتگویی! تاریخ را بخوانید. اگر جنگ است، با شدت؛ اگر گفتگو است، با شدت؛ اگر تعامل است، با شدت؛ با استحکام. این معنای اشداء علی الکفار است (درس‌های پیامبر اعظم ﷺ، ص ۲۲۱).

مراد از «الکفار»

قرآن می‌گوید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»؛ مسلمانان بایستی نسبت به کفار سخت‌گیر باشند. این کفار کجا هستند؟ و مراد کدام گروه از کفار می‌باشند؟ با توجه به آیات قرآن و کلام مفسرین می‌توان به پاسخ دست یافت. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: هر غیر معتقد به اسلام کسی نیست که باید نسبت به او سخت‌گیر بود و شدت گرفت. (ممتحنه / ۸)؛ کسانی که با شما سرستیزه ندارند و علیه شما توطئه نمی‌کنند و کمر به نابودی نسل و ملت شما نبسته‌اند، و لواز دین دیگری باشند، با آن‌ها نیکی کنید و رفتار خوب داشته باشید؛ کافری که با او باید شدید بود، این نیست. (ممتحنه / ۹). باید با کسانی شدید بود که با هویت، اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزت، ناموس، سنتها، فرهنگ و ارزشهای شما مبارزه می‌کنند. این فرهنگی است که باید بر جامعه‌ی ما حاکم باشد. تساهل و تسامح باید بین خود مسلمانان برقرار باشد (سیاست از منظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ص ۶۱۳).

در کلام مفسرین قرآن به مواردی از مصادیق «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» اشاره شده است. «مراد از کفار، آن یهودی یا مسیحی نبود که زیر سایه‌ی پیغمبر در مدینه زندگی می‌کرد. همان وقت بودند، مسیحیان و یهودیانی که داخل مدینه زندگی می‌کردند و پیغمبر و اصحابش با آن‌ها روابط خوبی داشتند. آن‌ها را «اشدء علی الکفار» نمی‌گوید. «اشدء علی الکفار» به کفاری می‌گوید که یا مثل کفار قریش به طور دائم علیه اسلام و مدینه‌ی اسلامی در حال تحرکات

نظامی بودند؛ یا مثل یهودی‌های بنی‌قریظه و خیبر و بقیه‌ی مناطق که دائم کارشکنی می‌کردند بروند این طرف و آن طرف سفرکنند، این گروه و آن گروه را علیه اسلام جمع کنند؛ لشکرکشی کنند، تحریک کنند، شایعه درست کنند و یا کسانی که در چهره‌ی مسلمان اما با دل و باطن کافر در داخل مدینه زندگی می‌کردند و دائم هم یا با کفار دسته‌ی اول و یا با کفار دسته‌ی دوم ارتباط داشتند. «اشدء علی الکفار»، یعنی اشدء براین سه دسته». (خامنه‌ای، ج ۲۲، ص ۳۱).

رحمت با مؤمنین

تعبیر «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» هم از جهت محتوا و هم از جهت حروف، از نرمی و رخوه برخوردار است و بیانگر آن است که قرآن، مناسبات مؤمن با مؤمنان را بر اساس محبت، دلسوزی و گذشت طراحی می‌نماید.

خودی‌ها باید درصدد استحکام مواضع فکری، عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود باشند و از هر جهت خود را تقویت کنند تا در تاریخ بمانند و گرنه با کمترین تسامح درکام دشمن فرو خواهند رفت. مهربانی مایه حیات اجتماعی مؤمنین است و بدون آن روابط سرد و خسته‌کننده است.

مهربانی دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند، نرمی و عطوفت خودی‌ها را یکپارچه و متحد می‌سازد و امکان سوء استفاده جبهه خودی را از میان می‌برند. از این رو پرهیز از درشت‌گویی، برخورد‌های شدید و گاهی خارج از ضوابط اخلاقی یک ضرورت در حوزه خودی‌ها به حساب می‌آید. مهربانی یک ارزش بزرگ اخلاقی است و خداوند انسان‌های مهربان را دوست دارد.

امت اسلامی و جامعه‌ی مؤمنین باید نسبت به همدیگر «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» باشند؛ همدیگر را تحمّل کنند؛ در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آن‌ها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن پرهیزند.

مقام معظم رهبری درباره شفقت و مهربانی مطالب فراوانی فرموده‌اند از جمله: در اسلام، شفقت و همدلی و مهربانی یکی از دستورهای عمده است. اینکه در قرآن کریم می‌فرماید

«رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» یعنی با یکدیگر مهربانند، رحیم‌اند، این فقط مربوط به بیمارها نیست، مربوط به همه است. همه باید نسبت به همدیگر با شفقت باشند، با مهربانی باشند (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت زینب علیها السلام و روز پرستار، ۱۳۹۹/۰۹/۳۰).

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46963>)

اسلام دین رأفت است، دین رحمت است؛ رحمةً للعالمین است. اسلام به مسیحیت می‌گوید: «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران / ۶۴). مشترکات را با آن‌ها مورد ملاحظه قرار می‌دهد. اسلام علیه ملت‌های دیگر نیست، علیه ادیان دیگر نیست؛ علیه زور است، علیه ظلم است، علیه استکبار است، علیه سیطره‌جویی است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۰۱/۱۷). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3379>).

رهبر معظم انقلاب عمل نکردن به آیه مورد بحث را از آسیب‌های امت اسلامی شمرده و می‌فرماید: قرآن فقط برای سعادت آخرت نیست؛ سعادت دنیا را هم قرآن تأمین می‌کند. سعادت دنیا یعنی برخورداری از نِعَم الهی در این نشئه؛ این را با قرآن می‌شود تأمین کرد. می‌شود ملت‌ها با قرآن، با عمل به قرآن عزت پیدا کنند، رفاه پیدا کنند، دانش پیدا کنند، قدرت پیدا کنند، وحدت و انسجام پیدا کنند، سبک زندگی شیرین پیدا کنند؛ اینها همه امور دنیوی است. آخرت هم که حیات معنوی و حقیقی و مستمر و ابدی است، با قرآن حاصل می‌شود.

پس قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است، به شرط آنکه ما به قرآن عمل بکنیم، ببینیم قرآن چه می‌گوید. ببینید! موارد عمل نکردن به قرآن در بین ما امت اسلامی یکی دو مورد نیست و گرفتاری‌های ما هم ناشی از همینها است.

مثلاً فرض بفرمایید قرآن درباره‌ی پیروان پیغمبر می‌فرماید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا»؛ پس «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». بعضی از ما «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را فراموش می‌کنیم، می‌گذاریم کنار؛ مثل چه کسانی؟ مثل همین‌هایی که در کشورهای اسلامی با آمریکا ساختند، با صهیونیست‌ها

ساختند، خون فلسطینی‌ها را لگد کردند، حق فلسطینی‌ها را ضایع کردند؛ اینها «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را فراموش کردند و شدند نوکر کفار، شدند دنباله‌رو کفار، امر بر کفار. آلان بسیاری از سران کشورهای عربی از این قبیلند؛ اینها يك دسته‌اند.

يك دسته‌ی دیگر هم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را فراموش کرده‌اند، اختلافات بین مسلمان‌ها را [به وجود می‌آورند]. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه / ۷۱؛ این را قرآن میگوید. آن وقت اینها می‌آیند مؤمن بالله را، مؤمن بالقرآن را، مؤمن بالکعبه را، مؤمن بالقبله را تکفیر می‌کنند، میگویند کافر است؛ این «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» فراموش می‌شود.

وقتی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» نبود، جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی راه می‌افتد؛ سوریه را ببینید، یمن را ببینید؛ آلان بیش از چهار سال است که یمن دارد بمباران می‌شود؛ آن بمباران‌کننده کیست؟ کافر است؟ نه، يك مسلمانی است؛ به ظاهر او هم مسلمان است اما به مسلمان رحم نمی‌کند. معنای «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر / ۹۱) این است که به يك قسمت از قرآن [عمل میکنند]؛ «أَفْتُمُوتُونَ بِنَعْصِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ» (بقره / ۸۵) ؟ (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن در حسینیه‌ی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶).

۴. عبودیت، خشوع و خاکساری و تضرع

در این آیه یکی از نشانه‌های پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله را چهره‌ی عبادی آنها معرفی می‌کند. «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ». «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا»؛ از بسیار نمازگزاران و مداومت آنان بر نماز خبر می‌دهد. واژه «تَرَاهُمْ» می‌رساند که رکوع، سجود و نیایش مؤمنان، به گونه مخفی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه آن چنان است که اگر شخصی به جامعه اسلامی نگاه کند، به آسانی روحیه نیایش و نمازگزاری را در آنان مشاهده می‌کند. از سوی دیگر لحن آیه شریفه، تمجید از چنین روش و منش است (هاشمی رفسنجانی، ج ۱۷، ص ۴۵۰).

«يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا»؛ یعنی با طاعات خود از خدا فزونی نعمت می‌خواهند و

نیز طالب خشنودی او هستند. فضل عبارت از فیضی است که خداوند بر حسب مقام کثرت بندگان به آنان افاضه می‌کند و رضوان عبارت از افاضه‌ای است که بر حسب مقام وحدت آنها داده می‌شود. و به عبارت دیگر: فضل عبارت از جزای اعمال است که بر حسب قبول رسالت اخذ شده است که همان احکام قالب است و رضوان جزای اعمالی است که بر حسب قبول ولایت اخذ شده است و آن احکام قلب و روح است. (سلطان علی شاه، ج ۱۳، ص ۳۲۶).

«سِیْمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ اَثَرِ السُّجُودِ»؛ صفت دیگر پیروان راستین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله این است که آثار عبادت و سجده در صورت آنها پیدا و نمایان است. «سیما» در لغت عرب به معنای «علامت» است، برخلاف فارسی که به معنای صورت می‌باشد. علامت مسلمانان واقعی این است که اعتقاد درونی و عبادات پنهانی‌شان به چهره آنها نیز سرایت کند و نور ایمانی که در قلب شان روشن است، از چهره‌هایشان متبلور گردد.

اگر آیه را توسعه دهیم، معنایش این است که آثار ایمان در تمام صحنه‌های زندگی آنها قابل رؤیت است؛ یعنی هم در رفتار فردی شان هم در رفتارهای اجتماعی شان؛ و خلاصه آثار ایمان در تمام حرکات و سکناتشان دیده می‌شود. (مکارم، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱۴). سجده، مظهر روحیه بندگی و نیایش انسان به درگاه الهی است و این روحیه در پرتو مظاهر آن، در اندام ظاهری انسان (چهره) تأثیر می‌گذارد (هاشمی رفسنجانی، ج ۱۷، ص ۴۵).

مراد از اثر سجود در این جا سیاه شدن پیشانی نیست، چون بیش تر این سیاهی و یا مقدار زیادی از آن از روی ریاکاری و نفاق است، بلکه مراد از آن پاکی و درخشندگی است که بر اثر عبادت در چهره شخص پدید می‌آید و معنای آیه چنین است: صحابه به منظور خشنودی و پاداش خدا و نیز به خاطر ترس از خشم و مجازات او، رکوع و سجود کردند و اثر این رکوع‌ها و سجده‌ها در پیشانی آنان آشکار شد؛ زیرا عبادت مخلصانه برای خدا، آن چنان پاکیزگی و صفا در دل عبادت‌گر اخلاص‌مند ایجاد می‌کند که نشانه‌های آن بر گونه‌های چهره او به طور کامل هویدا می‌شود، چنان‌که نشانه‌های اندوه و شادی در چهره‌اش آشکار می‌گردد. (مغنیه،

۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۷۵).

در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب، معانی و ابعاد مختلفی در تبیین معنای عبودیت مطرح شده است:

عبودیت خدا، یعنی چهارچوب حیات را در خدمت اوامر الهی و نواهی الهی قرار دادن (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر اکرم ﷺ).
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42152. (۱۳۹۸/۰۱/۱۴) روح توحید عبارت است از اینکه عبودیت غیر خدا باید نفی بشود؛ یعنی توحید در هر دینی و در دعوت هر پیغمبری معنایش این است که انسان باید از غیر خدا - چه آن غیر خدا يك شخص باشد، مثل فرعون، نمرودی، چه غیر خدا يك تشکیلات و يك نظام باشد، يك نظام غیر الهی، چه غیر خدا يك شیء باشد، چه غیر خدا هوی‌ها و هوس‌های خود او باشد، چه غیر خدا عادت‌ها و سنت‌های رایج غیر الهی باشد - و از هر چه غیر خداست، اطاعت و عبادت نکند و فقط از خدای متعال اطاعت کند. اطاعت از خدا به این معناست که احکام الهی را عمل کند، نظامی را که الهی است و متکی بر تفکر الهی است، قبول کند، رهبر و زمامداری را که ارزشهای الهی را دارد، رهبر و زمامدار بداند، از او اطاعت کند، پیامبری را که از سوی پروردگار می‌آید، واجب‌الاطاعه بداند، ولی امری را که خدا معین کرده، مورد قبول بداند و اطاعت کند و در همه حرکات و رفتار در این چهارچوب فقط زندگی کند و از غیر این چهارچوب هیچ اطاعتی نکند، فقط بنده‌ی خدا باشد (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹).
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21488

توحید خالص، یعنی نفی عبودیت غیر خدا... توحید، فقط این نبود که بت‌ها را کنار بگذارند. توحید يك معنای شامل و عام و سایر در طول تاریخ است. همیشه که بت‌های مکه وجود ندارند. همیشه که بت سنگی و چوبی وجود ندارد. معنا و روح توحید عبارت است از اینکه انسان از غیر خدا عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا، جبهه‌ی بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است. حال شما اگر با چشم روشن بینانه و آگاهانه و

مسلح به دانش‌های مربوط به زندگی بشر - علوم اجتماعی و علوم تربیتی و امثال ذلك - به این عنوان نگاه کنید، خواهید دید که دایره‌ی عبودیت، دایره‌ی وسیعی است.

قیدوبندهایی که به بشر بسته می‌شود، هریک نوعی عبودیت برای انسان به وجود می‌آورد. عبودیت نظام‌های اجتماعی غلط، عبودیت آداب و عادات غلط، عبودیت خرافات، عبودیت اشخاص و قدرت‌های استبدادی، عبودیت هواهای نفسانی - که این از همه رایج‌تر است - و عبودیت پول، زر و زور. اینها انواع عبودیت است. وقتی می‌گوییم «لا اله الا الله، وحده لا شریک له»، یعنی توحید خالص. معنایش این است که همه این عبودیت‌ها به کنار رود که اگر چنین شود، فلاح و رستگاری، حقیقتاً حاصل خواهد شد (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰).

۵. نفوذناپذیری و قوی شدن امت اسلام

اجرا و عملیاتی سازی بخش از آموزه‌های دین مبین اسلام، منوط و وابسته به این است که امت اسلامی قوی شود و جلوی نفوذ دشمن را بگیرد و این مهم زمانی محقق می‌شود که امت اسلامی طبق رهنمودهای وحیانی قرآن کریم عمل کند. کلام وحی در این باره می‌فرماید: «كَزَّيْعٍ أَخْرَجَ شَطَاةً فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ شُوْقِهِ يَجْعَلُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ». به برخی از پیام‌های حیات بخش این بیان نورانی اشاره می‌گردد:

۵.۱- اسلام دین جهانی

در این آیه، پیامبر و یاران و پیروانش بسان زراعتی تشبیه گشتند که رشد کند، رسیده شود، میوه‌ها و شاخه‌هایش افزایش یابد و برخی با برخی دیگر درهم پیچد و برپاهای خود بایستند و از لحاظ نیرومندی و انبوه بودن به آخرین درجه برسد که این تشبیه بیانگر حرکت و نمو و رشد آنها در جنبه‌های مختلف است. «طبق این آیه، مسلمان واقعی نباید تنها به فکر اصلاح و حفظ عقیده و دین خود باشد، بلکه باید به فکر گسترش اسلام و هدایت بقیه مردم نیز باشد. حفظ دین کاری شایسته و خوب است؛ ولی کافی نیست. يك مسلمان باید دائماً

جوانه بزند، شاگرد تربیت کند، فرزندان خوب پرورش دهد، دوستان شایسته انتخاب و اصلاح نماید، خانواده‌ای نمونه پرورش دهد و از آنها حمایت کند تا کم‌کم استحکام یابند و مستقل شوند و خود آنها هرکدام روی خط تولید ورشد و حمایت و استحکام و استقلال قرار گیرند». (مکارم، ج ۲، ص: ۲۱۹).

این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد که به آنچه دارند، قناعت نکنند؛ بلکه در راه جهانی کردن اسلام - که تنها دین برحق است - سعی و تلاش کنند. قرآن طبق این آیه سفارش می‌کند که از تمام ابزار و آلات روز استفاده کنید، از فرستنده‌ها، ماهواره‌ها، کامپیوتر و اینترنت، مطبوعات و کتاب‌ها، مبلّغین، سینما و خلاصه از تمام امکانات جدید بهره‌گیرید و پیام اسلام را به تمام جهان برسانید.

استاد شهید مطهری در تبیین تمثیل مطرح شده در آیه می‌فرماید: «این مثلی است از جامعه‌ای که منظور قرآن است، نموداری است از آنچه آرزوی قرآن است. قرآن اجتماعی را پی‌ریزی می‌کند که دائماً در حال رشد و توسعه و انبساط و گسترش باشد. ویل دورانت می‌گوید: هیچ دینی مانند اسلام پیروان خویش را به نیرومندی دعوت نکرده است. تاریخ صدر اسلام نشان داد که اسلام چقدر برای اینکه اجتماعی را از نو بسازد و پیش ببرد تواناست. اسلام، هم با جمود مخالف است و هم با جهالت. خطری که متوجه اسلام است، هم از ناحیه این دسته است و هم از ناحیه آن دسته». (مطهری، ج ۱۹، ص ۱۱۱).

۲.۵- قوی شدن و استقلال جامعه‌ی اسلامی

درباره قوی شدن و استقلال جامعه اسلامی فرموده‌اند: «فَاسْتَعْلَظْ فَاسْتَوِ عَلَى سُوقِهِ»؛ واژه استَعْلَظْ برای سختی و تندی آماده شد در وقتی که چیزی محکم و سخت شد بکار می‌رود. ویژگی سوم آن مزرعه این است که جوانه‌هایی که مورد حمایت باغ قرار گرفته، کم‌کم محکم می‌شوند و در سایه حمایت و تقویت مزرعه، استحکام می‌یابند.

«فَاسْتَوِ عَلَى سُوقِهِ»؛ سوق: جمع ساق است یعنی بر روی ساقه‌اش ایستاد (طوسی، ج ۶، ص ۸۱). حمایت و تقویت از این جوانه‌ها تا آنجا ادامه می‌یابد که کم‌کم اینها احساس

استقلال می‌کنند و روی پای خود می‌ایستند و دوران وابستگی آنها به سرآمده و خود اینها شروع به جوانه زدن می‌کنند.

بنابراین با توجه به فراز مذکور از آیه، می‌توان «استحکام و قوی شدن» و «استقلال و خودکفایی» را به عنوان شاه کلید تمام دردها و مشکلات جامعه اسلامی یاد کرد و آن را به عنوان موتورپیشران دستیابی به تمدن نوین اسلامی شناخت.

استحکام و قوی شدن

جامعه‌ی ما وقتی یک جامعه‌ی ایده آل و مطلوب قرآنی خواهد بود که زیست کاملاً اسلامی داشته باشد و از زندگی التقاطی، آلوده و آمیخته با انواع فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی پرهیز نماید. نقشه راه تحقق چنین جامعه‌ی ایده آلی، تقویت درونی خود در برابر همه چالش‌ها، آسیب‌ها و کاستی‌ها و مقتدر و مقاوم بودن در مقابل دشمنان است! یعنی در جامعه هم باید شاهد فرهنگ مقاوم باشیم، هم سیاست و اقتصاد مقاوم. با مطالعه قرآن کریم، متوجه می‌شویم که همیشه قوی بودن در قرآن به عنوان یک عامل مثبت و امتیاز، ارزیابی شده است، برای روشن شدن این مطلب، به برخی از آیات قرآنی در این باره اشاره می‌شود:

۱. نهی مؤمنان از اظهار ضعف در برابر دشمن و در مقابل جبهه کفر: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَمُ أَعْمَالَكُمْ» (محمد / ۳۵). مسلماً صلح بسیار خوب است اما در جای خود؛ صلحی که تأمین اهداف والای اسلامی کند و حیثیت و عظمت و آبروی مسلمین را حفظ نماید، نه صلحی که آنها را به خواری و ذلت کشاند.

۲. خداوند افرادی را دوست دارد که دست از مقاومت برنمی‌دارند و از خود ضعف و سستی نشان نمی‌دهند: «وَكَايُنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۶). آیه فوق با یادآوری شجاعت، ایمان و استقامت مجاهدان و یاران پیامبران گذشته، مسلمانان را به شجاعت و فداکاری و پایداری تشویق می‌کند.

۳. دستور آماده باش همه جانبه‌ی مسلمانان در برابر دشمنان و تهیه هر نوع سلاح، امکانات، وسایل و...: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال / ۶۰). «کلمه «قوة»، کلمه کوچک و پرمعنایی است، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بردشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، که آنها نیز در مفهوم «قوة» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بردشمن دارد نیز نباید غفلت کرد. هدف نهایی از کسب «قوت و قدرت» یک هدف منطقی و انسانی است؛ هدف این نیست که مردم جهان و حتی ملت خود را به انواع سلاح‌های مخرب و ویرانگر درو کنید، و آبادی‌ها و زمین‌ها را به ویرانی بکشانید هدف این نیست که سرزمین‌ها و اموال دیگران را تصاحب کنید، و هدف این نیست که اصول بردگی و استعمار را در جهان گسترش دهید، بلکه هدف این است که «با این وسائل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید» زیرا غالب دشمنان گوششان بدهکار حرف حساب و منطق و اصول انسانی نیست، آنها چیزی جز منطق زور نمی‌فهمند! اگر مسلمانان ضعیف باشند همه‌گونه تحمیلات به آنها می‌شود، اما هنگامی که کسب قدرت کافی کنند دشمنان حق و عدالت و دشمنان استقلال و آزادی به وحشت می‌افتند و سر جای خود می‌نشینند» (اقتباس از تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۲).

قوی شدن و استقامت یکی از بایسته‌ها و لوازم اصلی پیشرفت و تعالی انسان در دنیا و آخرت است و در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، مؤمنین به کوه‌های استوار و محکم تشبیه شده‌اند که کنایه از قدرت و قوت آنها می‌باشد. امیرالمؤمنین به فرزند عزیزش محمد بن حنفیه فرمود: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُ» (محدث نوری، ج ۱۱، ص ۸۶).

در تفکر قرآنی رهبر معظم انقلاب درباره مسئله قوی شدن جامعه‌ی اسلامی، مطالب ارزنده‌ای بیان شده است:

و شما برادران عزیز توجه داشته باشید که نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی با انس

روزافزون با قرآن استحکام درونی پیدا می‌کند؛ و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد (بیانات در محفل انس با قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵ در حسینیه امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸). باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تنبلی؛ این اگر [محقق] شد، به توفیق الهی، به فضل الهی، ملت ایران در آینده‌ی نه چندان دوری آنچنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷). اساساً حیات یک ملت و بالندگی یک ملت، وابسته به این است که مؤلفه‌های قدرت و عناصر قدرت را در خود تقویت کند و آنها را در جای لازم و بهنگام، مورد بهره‌برداری و استفاده قرار بدهد (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۷/۰۴/۰۹) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40055>. در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدف‌ها را دنبال کنیم و چشم به این آرمان‌ها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم (بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان «۱۴۳۴»، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23175>.

کشور بایستی قوی بشود؛ قوی شدن کشور جزو هدفهای ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه‌ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید (بیانات در سالروز عید سعید مبعث پیامبر اکرم (ﷺ و سلم)، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45227>. اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شنفت، به اوزور

میگویند؛ اگر ملّتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌گیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت میکنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد میکنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملّت... اگر یک ملّتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می‌گویند. بعضی ملّتها هستند که تا قوی شدن، فاصله‌ی زیادی دارند؛ امیدی وجود ندارد که بخواهند در خود آن نیرویی را که بتوانند مقابله کنند با زورگویان و گردن‌کلفت‌های عالم، ایجاد کنند؛ امّا ملّت ما این جور نیست؛ ما اولاً استعداد قوی شدن، زیاد داریم؛ امکانات و ظرفیت‌ها هم زیاد داریم؛ ملّت ما به سمت اقتدار ملّی هم راه افتاده است و راه زیادی پیموده است (بیانات در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۳، ۰۱/۰۱- /speech- //farsi.khamenei.ir: <https://farsi.khamenei.ir/speech-01/01-01-1393/content?id=259931393>).

استقلال و خودکفایی

استقلال از ارزشهای مسلم انسانی، عامل عزت و سربلندی انسان‌ها و جوامع و نبود آن، نشانی از ذلت و زبونی آنان است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ج ۳، ص ۱۵۳). بسیاری از دانشمندان سیاسی، ریشه همه عقب ماندگیهای جوامع و ملتها را در وابستگی به استعمار دیده و استقلال را کلید حل مشکلات قلمداد کرده‌اند، زیرا محور خط‌مشی کشورهای تحت سلطه به جای منافع خودشان، منافع کشورهای سلطه‌گراست. (همان). در قرآن کریم به انواع مختلف استقلال اشاره گردیده است -هرچند ممکن است واژه استقلال به صراحت نیامده باشد؛ ولی این مفهوم از برخی واژه‌ها، تعبیرها و موضوعات قابل استفاده است و اینک به برخی از موارد آن اشاره می‌گردد:

۱. استقلال فرهنگی: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف / ۱۵۷). وابستگی فکری سرچشمه دیگر وابستگی‌ها می‌باشد. موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگی آن نشئت می‌گیرد و فرهنگ اصلی‌ترین نقش را در کسب استقلال همه جانبه و حفظ

و استمرار آن ایفا می‌کند. اگر انسان از نظر اندیشه مستقل نباشد و چنانچه از وابستگی فرهنگی رهایی حاصل نشود نجات از سایر وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی و... امکان ندارد (همان). از نگاه قرآن راه‌های حفظ استقلال فرهنگی عبارتند از: الف: مبارزه با ارتداد (آل عمران / ۱۴۹، بقره / ۱۰۹). ب: تغییر قبله (بقره / ۱۴۵). ج: نفی تشبه به کافران و برقراری دوستی صمیمانه با آنان (آل عمران / ۱۵۶، نساء / ۱۱۵). د: دخالت ندادن کافران در امور فرهنگی مسلمانان (توبه / ۱۷، بقره / ۱۰۹). ذ: هجرت (عنکبوت / ۵۶). ز: نهی از سازش و تسامح در امور اعتقادی و دینی (اعراف / ۳، جاثیه / ۱۹).

۲. استقلال سیاسی: قرآن کریم برای قطع ریشه ولایت‌های غیرالهی، هرگونه امری را که زمینه‌ساز سرپرستی باطل باشد باطل می‌داند و خواهان قطع رابطه با کسانی است که از این ولایت خارج‌اند. از نگاه قرآن شیوه‌های حفظ استقلال سیاسی عبارتند از: الف: مشروعیت انحصاری مدیریت در جامعه اسلامی برای مسلمانان (آل عمران / ۲۸، توبه / ۲۳). ب: توجه به پاییند بودن کافران به پیمان‌هایشان (ممتحنه / ۱ و ۲، توبه / ۸). ج: هشدار به توطئه کافران و برحذر داشتن از دوستی با کافران (آل عمران / ۱۲۰، نساء / ۸۹).

۳. استقلال اقتصادی: نیاز مادی و اقتصادی زمینه‌ساز سلطه قدرتمندان بر جوامع بشری است. جامعه و دولت اسلامی باید از هرکاری که راه نفوذ کافران و بیگانگان را برای سلطه بر مسلمانان هموار کند خودداری کنند و یکی از راه‌های نفوذ آنان نیازمندی‌های اقتصادی است. (نساء / ۱۴۱، مائده / ۵۱ و ۵۲).

۴. استقلال نظامی: استعمارگران برای تسلط بر جوامع، نیروهای نظامی و دفاعی آنان را به ضعف می‌کشاند و از خارج به‌طور مستقیم بر آن غلبه می‌یابند یا از راه نفوذ در آنان زمینه کودتا و براندازی حکومت را فراهم می‌کنند. در جوامع وابسته، پس از نفوذ سیاسی بیگانگان، نوبت به نفوذ و تسلط بر نیروهای نظامی می‌رسد تا مانعی برای سلطه همه جانبه استعمارگران بر جوامع نباشند (نساء / ۱۴۴، بقره / ۱۹۰-۱۹۴).

رهبر معظم انقلاب درباره مسئله استقلال و خودکفایی جامعه‌ی اسلامی، مطالب

ارزنده‌ای بیان فرموده‌اند: کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران بکلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این (بیانات در دیدار اساتید و

دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362>.

نتیجه‌گیری

آیه‌ی مورد بحث، جامعه توحیدی ایده آل با مهم‌ترین ارکانش را به بهترین شکل به تصویر کشیده و توصیف نموده است؛ اما مسلمانان امروز از رهنمودهای مؤثر این آیه و ویژگی‌هایی که برای مؤمنان راستین و یاران رسول الله ﷺ بیان شده است فاصله گرفته‌اند، گاه آن چنان به جان هم می‌افتند و کینه‌توزی و خون‌ریزی می‌کنند که هرگز دشمنان اسلام آن چنان نکردند! گاه با کفار آن چنان پیوند دوستی می‌بندند که گویی برادرانی از یک اصل و نسب‌اند. نه خبری از آن رکوع و سجود است، و نه آن نیت پاک و «ابتغاء فضل الله» و نه آثار سجود در چهره‌ها نمایان، و نه آن نمو و رشد و جوانه زدن و قوی شدن و روی پای خود ایستادن. و عجب اینکه هر قدر از این اصول قرآنی فاصله گرفته‌ایم به درد و رنج و ذلت و نکبت بیشتری گرفتار شده‌ایم، ولی باز متوجه نیستیم از کجا ضربه می‌خوریم.

اگر مردم، در حق حکومتی، وفاداری کنند و آن را در برابر اقسام مشکلات داخلی و خارجی تنها نگذارند، بدون شك، چنین حکومتی دوام خواهد یافت.

برای ایجاد و دستیابی حیات طیبه در جامعه بشری، الگوهای معصوم همچون پیامبر و برگزیدگان از خاندان او در اختیار مردم قرار گرفتند. برای دستیابی به سعادت واقعی، هم شناخت و معرفت به الگوهای آسمانی لازم است و هم اطاعت و تبعیت و همراهی و همگامی از الگوها.

معنای همراهی با پیامبر اکرم ﷺ، مفهومی همنشین بودن و مصاحبت جسمانی با

پیامبر ﷺ نیست؛ زیرا منافقین هم دارای چنین مصاحبتی بودند، بلکه منظور از «همراهی» به طور قطع همراه بودن از نظر اصول ایمان و تقوا است.

همراهان و پیروان پیامبر ﷺ، یعنی مسلمانان، در برابر دشمنان اسلام، همچون سدی فولادین ایستاده‌اند، اما با برادران مسلمان خود مهربان هستند و سخت‌گیری نمی‌کنند.

جهانی شدن مکتب اسلام، به رهبری الهی و یارانی صادق نیازمند است. مسلمانان باید در برابر دشمن؛ خشونت، قاطعیت، صلابت و شدت داشته و در برابر دیگر مؤمنان؛ رأفت، مودت، رحمت و عطف، مهر و احساسات داشته باشند. بی‌تفاوتی ممنوع، مسلمان باید مظهر حبّ و بغض باشد و ملاک مهر و قهر، ایمان و کفر است، نه قوم و قبیله و مال و ثروت.

در جامعه اسلامی، باید نماز ظهور و بروز داشته باشد، نه مخفی و پنهان. جامعه اسلامی باید خودکفا، مستحکم و مستقل باشد تا روی پای خود بایستد. دین از سیاست جدا نیست. در کنار رکوع و سجود، موضع‌گیری‌های قاطع و دشمن شکن لازم است.

منابع

۳۲. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۳۴. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی‌جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳۵. ابومحمد، حسن بن علی، تحف العقول آل علی علیه السلام، ایران - قم، ۱۳۸۲.
۳۶. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۳۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالصدر، ۱۴۰۷.
۳۸. اراکی، محسن، فقه نظام سیاسی اسلام (جهان بینی سیاسی)، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.
۳۹. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲.
۴۰. اعرافی، علیرضا، دروس خارج فقه نظام سازی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳.
۴۱. امامی، عبدالنبی، فرهنگ قرآن؛ تبیین اصطلاحات قرآن از منظر تفاسیر و روایات، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۸.
۴۲. بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، ۱۳۸۰.
۴۳. پورسید آقایی، مسعود، دین و نظام سازی در نگاه استاد صفایی، قم، انتشارات لیل، ۱۳۸۹.
۴۴. پیروزمند، علیرضا، «نظام سازی مبتنی بر مردم سالاری دینی»، ماهنامه فرهنگی - تحلیلی سوره اندیشه، ش ۵۶، ۱۳۹۱.
۴۵. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم، اسراء، ۱۳۸۰.
۴۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، انتشارات دارالعلم للملایین، ۱۴۲۶.
۴۷. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۵.
۴۸. خامنه‌ای، علی، بیانات (قرن ۱۵)، [بی‌نا]، [بی‌جا] - [بی‌جا]، تعداد جلد ۴۲.
۴۹. خامنه‌ای، علی، بیان قرآن (تفسیر سوره ممتحنه)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.
۵۰. خامنه‌ای، علی، درسهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
۵۱. خامنه‌ای، علی، سیاست از منظر آیت الله العظمی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب

- اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۵۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، قم، دفتر نشر اسلام، ۱۳۸۷.
۵۳. راوندی، فضل الله بن علی، النوادر، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷.
۵۴. رشاد، علی اکبر، کیش پارسایان، تهران، دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.
۵۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۵۶. رضائیان، علی، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۵۷. سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، طهوری، ۱۳۸۶.
۵۸. سعدی، حسینعلی، «فقه مضاف»، سخنرانی در همایش فقه حکومتی نظام ساز، قم، انتشارات مرکز تحقیقات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۲.
۵۹. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباد، تهران، سرالاسرار، ۱۳۷۲.
۶۰. صدر، سید محمدباقر، المدرسه القرآنیه، قم، المجمع العلمی للشهید الصدر، ۱۳۷۸.
۶۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷.
۶۲. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵.
۶۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵.
۶۴. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
۶۵. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۶۶. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه سیاسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴.
۶۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
۶۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۶۹. غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد، کیمیای سعادت، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۷۰. غنیم وجدی، محمد علی سادات، جلوه‌هایی از اخلاق مؤمنان، سسندج، آراس، ۱۳۹۰.

۷۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۵.
۷۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.
۷۳. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵.
۷۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۱.
۷۵. کعبی، عباس، «نظام سازی از منظر حقوق عمومی»، سخنرانی در همایش نظام سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی، قم، ۱۳۹۲.
۷۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۷۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۷۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۷۹. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۶۰.
۸۰. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، قم، صدر، ۱۳۴۵.
۸۱. مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای زمان، تهران، صدر، چاپ چهل و هفتم، ۱۳۹۸.
۸۲. مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران، صدر، ۱۳۹۳.
۸۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدر، ۱۳۷۲.
۸۴. مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری، تهران، صدر، ۱۳۷۹.
۸۵. مغنیه، محمد جواد، ترجمه تفسیر کاشف، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۸۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
۸۷. مکارم شیرازی، ناصر، مثال‌های زیبای قرآن، قم، نسل جوان، ۱۳۸۲.
۸۸. میرباقری، سید محمد مهدی، «جلسات درس خارج فقه حکومتی»، سایت فرهنگستان علوم، قم www.isaq.ir. 1392.
۸۹. میر مدرس، سید موسی، جامعه‌ی برین: جستاری در جامعه‌ی مدنی و جامعه‌ی دینی، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۹۰. نبوی، سید عباس، «فقه، زمان و نظام‌سازی»، کیهان اندیشه، مرداد و شهریور ۱۳۷۵.
۹۱. نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، تهران، حکمت، ۱۳۶۴.
۹۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء

التراث، ۱۴۰۸.

۹۳. واسطی، عبدالحمید، نگرش سیستمی به دین، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۱.

۹۴. واعظی نژاد، حسین، طهارت روح (عبادت و نماز) در آثار شهید مطهری، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۲.

۹۵. واعظی، احمد، جامعه دینی، جامعه مدنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷.

۹۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

بررسی مؤلفه‌های مدیران فاسد از منظر قرآن (با تأکید بر بیانیه گام دوم)

سید رضا انوری^۱ (نویسنده مسئول)

علی آقا صفری^۲

چکیده

مدیران در چگونگی استفاده مطلوب از منابع مادی و انسانی نقش محوری داشته و بخش قابل توجهی از کارایی و اثربخشی و بهره‌وری و نیل به اهداف سازمانی بستگی به عملکرد آنان دارد. با عنایت به اهمیت مسئله و کارکردهای آن ضروری است که نقش مدیران فاسد، ناکارآمد و مخرب در هدر رفتن سرمایه‌های سازمان و ورشکستگی و اضمحلال آن، از منظر قرآن و بیانیه گام دوم مورد بحث و بررسی قرار گیرد. نگارندگان با مراجعه به آیات کلام وحی و اقوال مفسران و بیانیه گام دوم و با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی مسئله یاد شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که قرآن به عنوان کتاب جامع و جهانی و سند راهبردی اسلام مؤلفه‌های مدیران نالایق و فاسد را به خوبی ترسیم و در آیات متعدد خصایص و ویژگی‌های آنان را بیان کرده است که از آن جمله

۱. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه،

anvarim709@yahoo.com

۲. دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، a.a.safari1364@gmail.com

طغیان، عصیان، تکذیب، تمسخر، تحمیق، کاشت بذر و هسته‌ی ناامیدی و مانند آن است. مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم ضمن تأکید بر انتخاب مدیران شایسته‌ی با معیارهای انقلابی، مردمی و پاک دستی در سطوح مختلف؛ به خوبی پیامدهای ویرانگر باورها، عملکردها و رفتارهای انحرافی مدیران ناشایست را در حوزه‌های متعدد بیان و از واگذاری مسئولیت‌های خرد و کلان به آنان به جد نهی کرده است.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های قرآنی، مقام معظم رهبری، مدیران فاسد، بیانیه گام دوم.

مقدمه

امروزه شاهد تغییرات فزاینده‌ای در جوامع سازمان‌ها هستیم که در چگونگی مدیریت آن‌ها تأثیر گذاشته است. این تغییرات باعث شده که مدیران حساسیت بیشتری به مدیریت انسان‌ها در سازمان‌ها داشته باشند. تحقیقات نشان می‌دهد که عملکرد و بهره‌وری سازمان‌ها تحت تأثیر مدیریت صحیح بوده و اندیشمندان عرصه مدیریت علت موفقیت سازمان‌های برتر و موفق دنیای پیشرفته و پیچیده امروزی را در شیوه مدیریت آن‌ها می‌دانند (متین زارعی، ۱۳۹۳: ۵)؛

مدیران کارآمدترین افراد جامعه و سازمان می‌باشند. تجارب و یافته‌های بشری نشان می‌دهد که رشد و شکوفایی سازمان منوط به این است که مدیران امین و کاردان و متخصص در رأس هرم قرار گیرند و اگر هدایت و سکان سازمان‌ها به دست مدیران نالایق و فاسد سپرده شود رکود و افول و اضمحلال سازمان‌ها حتمی است.

آقای قرائتی با استناد به کلام وحی که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيُمْكَّرُوا فِيهَا»؛ (انعام/۱۲۳)؛ تصریح می‌کنند که مدیران و رهبران فاسد، ریشه فساد اجتماع هستند. تزویر و دروغ، حربه‌های اصلی مدیران و رهبران فاسد است (قرائتی، ۱۳۹۱: ۴۳)؛

در طول تاریخ حیات بشر سعی و تلاش همه بر این بوده است که از سپردن مدیریت به مدیران فاسد خودداری شود؛ تا شاهد تنزل و انحطاط در اجتماع نباشند؛ هرچند نهی از واگذاری مدیریت به مدیران فاسد قدمتی به درازی تاریخ بشریت دارد و انسان‌ها ذاتاً از این دسته افراد متنفر هستند؛ اما از سوی دیگر همچنان این مصیبت بزرگ پابرجا است و مدیران فاسد از طرق متعدد و ترفندها و شیوه‌های گوناگون در سازمان‌ها نفوذ نموده و مسئولیت‌های مهمی را به عهده می‌گیرند، ولی با این وجود باید مؤمنان و جوامع اسلامی نسبت به پیامدها و عملکرد مخرب آنها آگاه باشند و معیارها و ملاک‌هایی را که قرآن کریم جهت انتخاب و استخدام و واگذاری مسئولیت بیان کرده است را اتخاذ نمایند و از اعطای

مناصب مدیریتی به این دسته از افراد اجتناب نمایند و بفرض اگر مدیران فاسد زمام امور را به عهده بگیرند نتیجه و پیامدش همان می‌شود که شهید مطهری با استناد به کلام وحی می‌فرماید: «اگر همه مردم این قدر شریر و فاسد و ظالم و دروغ‌گو بودند آن جامعه را هلاک می‌کردیم، چنین جامعه‌ای محال است وجود داشته باشد، اصلاً قابل دوام نیست و فوراً هلاک می‌شود. اینکه قرآن هلاک اقوام گذشته را بیان می‌کند برای چیست؟ می‌گوید: قبل از شما اقوامی بودند که وقتی اکثریت مردم آن اقوام بد شدند، ریشه آنها را کندیم. پس اگر جامعه دوام دارد بدانید که اکثریت مردم فاسد نیستند، بلکه اقلیتی فاسدند که آنها همکف‌های روی آب‌اند» (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۷/ ۴۴۶)؛

بر اساس مطالب یاد شده ضرورت دارد که مؤلفه‌های اصلی مدیران فاسد شناسایی شود؛ تا با شناسایی آنها نحوه مبارزه با مدیران فاسد هم فراهم گردد.

بی‌تردید شناسایی دقیق مؤلفه‌ها منوط و وابسته به این است که به قرآن کریم به عنوان متقن‌ترین منبع وحیانی که هدایت بشر را به عهده دارد مراجعه شود چون؛ مملو از الگوهای عملی برای مدیریت سازمان‌ها در راستای سعادت دنیوی و اخروی بشر است. همچنین بیانیه گام دوم که درواقع برای هدایت جامعه اسلامی به سمت رشد و تعالی تدوین شده است نیز رهنمودهای در این عرصه دارد که آن هم ضرورت دارد مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد. ازاین‌رو نگارندگان با مراجعه به کلام وحی و بیانات مقام معظم رهبری مسئله مورد بحث را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند تا از این رهگذر مؤلفه‌های اصلی مدیران فاسد شناسایی و سازمان‌های اسلامی از وجود منحوس آنان پالایش گردد.

۱. مفهوم شناسی

فهم و تحلیل صحیح یک موضوع علمی درگرو فهم صحیح واژگان و مفاهیم بکاررفته پیرامون آن است؛ زیرا شناسایی متغیرها و مفاهیم کلیدی در هر پژوهشی، جهت رفع ابهام و پایایی تحقیق تأثیر بسزایی دارد. (عباسی مقدم، ۱۳۷۹: ۳۱)؛ ازاین‌رو، پیش از ورود به بحث، ضروری است مفاهیم اصلی مورد تبیین قرار بگیرد.

۱.۱) مدیریت

مدیریت در کتب لغت به معنای توانایی و شایستگی اداره جایی یا رهبری و کنترل فعالیت‌های در حال انجام برای رسیدن به هدف‌های موردنظر، اداره کردن، لیاقت، شایستگی، توانایی، اداره‌کننده یا اداره‌کنندگان یک اداره، سازمان و شرکت، ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۲۵: ۴۴/۴۴؛ معین، ۱۳۸۵: ۳/۳۹۷۳). بر مبنای معنای لغوی کلمه مدیر، مدیریت در اصطلاح تعریف شده به: «کار کردن با و به وسیله افراد و گروه‌ها برای تحقق هدف‌های سازمانی» (فالت، ۱۹۱۸: ۳۴)؛ همچنین در تعریف دیگر آمده است که مدیریت، فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد. (رضایان، ۱۳۹۱: ۷)؛ و اما مدیریت اسلامی به معنای تأثیرگذاری اسلام از طریق نظام ارزشی در مدیریت خرد و کلان است (مصباح یزدی ۱۳۷۹: ۲۸۸)؛ در تعریف دیگر، مدیریت اسلامی، هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است؛ به طوری که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، ۱۳۷۳: ۳۵)؛

۲.۱) بیانیه گام دوم

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» منشوری است که در تاریخ بیست و دوم بهمن هزار و سیصد و نود و هفت توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران صادر شده و در آن ضمن یادآوری دستاوردهای گذشته، افق فراوی انقلاب اسلامی را نیز در ضمن هفت توصیه ترسیم کرده‌اند. در واقع بیانیه گام دوم تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پذیری و تمدن سازی» خواهد بود و «فصل جدیدی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد این گام دوم انقلاب را «به آرمان بزرگش که تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید عظمی (ارواحنا فداه) هست» نزدیک خواهد کرد (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ۱۱،

۲۲ (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-> [\(\(content?id=41673](https://farsi.khamenei.ir/message-)

۳.۱) فساد

فساد در لغت از ریشه فَسَدَ و به معنای تباهی است (قرشی ۱۳۶۷: ۵/ ۱۷۴)؛ از نگاه راغب هرگونه خارج شدن اشیاء از حد اعتدال را فساد گویند (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۶۳۶)؛ و مصطفوی اضافه می‌کند که این ایجاد اختلال ممکن است در وجود خارجی یا اعمال و امور انسانی یا احکام و قوانین الهی باشد (مصطفوی ۱۴۱۶: ۹/ ۸۵)؛ و زبیدی در نهایت بر این عقیده است فساد چیزی است که منجر به بطلان و تغییر و نابودی می‌گردد (زبیدی ۱۴۱۴: ۵/ ۱۶۵)؛ فساد نقطه مقابل صلاح است (فراهیدی ۱۴۰۹: ۷/ ۲۳۱)؛ جوادی آملی می‌نویسد: إفساد نیز مخالف إصلاح و به معنای ایجاد خلل و نابسامانی در نظم و اعتدال اشیاء است (جوادی آملی ۱۳۹۰: ۲/ ۲۷۱)؛

این واژه و مشتقات آن در قرآن پنجاه بار به کار رفته است و این نشان‌دهنده اهمیت دادن قرآن به این مسئله است و تأکید مکرر کلام وحی بر پرهیز از فساد در زمین نشانه اهتمام جدی قرآن نسبت به بعد اجتماعی زندگی بشر است از نگاه قرآن اساس زندگی بر نظم و صلاح بنا شده است بدین جهت خدای متعال باوجود حمایت مستمر از صالحان، همیشه نسبت به مفسدان در زمین اظهار تنفر و غضب نموده و دیگران را به عبرت گرفتن از آنان فراخوانده است إصلاح نیز مصدر باب افعال نقطه مقابل إفساد و به معنای رفع نابسامانی‌ها و ایجاد نظم و اعتدال است (فتاحی زاده و شیردل، ۱۳۹۷: ۳۲)؛ صلاح با تمام مشتقاتش ۱۸۰ مرتبه در قرآن به کار رفته است.

لازم به ذکر است که قرآن این واژه را در حوزه‌های گوناگونی از جمله اصلاح فردی، یا میان دو شخص، یا در محیط خانواده یا در محیط جامعه به کار برده است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۸)؛

از منظر قرآن کریم فساد به عنوان مانع و رادع در تحقق رشد و کمال فردی و اجتماعی

انسان (بقره/۳۰)؛ و از عوامل مؤثر در افول و سقوط تمدن‌ها محسوب می‌شود (اعراف/۸۵ - ۸۶؛ نمل/۱۴)؛ یکی از اهداف و رسالت‌های قرآن کریم پیشگیری و مبارزه با فساد است و پیامبران الهی به عنوان پیشگامان مبارزه با فساد مبعوث به رسالت شده‌اند (بقره/۶۰؛ اعراف/۷۴؛ عنکبوت/۳۶)؛

مفهوم فساد در مقابل صلاح و در زمره مفاهیم کلیدی قرآن به شمار می‌رود که شناخت دقیق آن‌ها نقش محوری در فهم سایر مباحث پیرامون آن دارد در صورتی که این گونه مباحث کلیدی به درستی مورد بررسی قرار گیرند، بحث‌های وابسته به آنها نیز به خوبی جای خود را در میان مباحث باز خواهند کرد؛ اما در صورتی که آن مباحث کلیدی و نقش‌آفرین، مبهم باقی بمانند، سودی از بحث‌های دیگر مبتنی بر آن‌ها عاید کسی نخواهد شد و حتی احتمال سوء استفاده از آن‌ها نیز وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۲)؛

در برداشت عمومی، صلاح و فساد، از مفاهیم روشن و بدیهی به نظر می‌رسد و همگان می‌پذیرند که عمل صالح عملی پسندیده است و جامعه باید بدان سمت حرکت نماید و فساد امر نامطلوبی است و باید از آن پرهیز کرده و با آن به مبارزه برخاست؛ اما در عین حال، همین مفاهیم واضح و بدیهی، به گونه‌ای است که روشن کردن مصادیق و حد و مرزهای آن کاری بس دشوار است (همان، ۳۴ - ۳۵)؛ به همین جهت لازم است که فساد در مدیریت مدیران فاسد که در رأس امور قرار دارد از نگاه قرآن کریم مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم درباره مبارزه با فساد در جمهوری اسلامی می‌فرماید: «عدالت و مبارزه با فساد این دو لازم و ملزوم یکدیگرند فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی توده چرکین کشورها و نظام‌ها اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود زلزله ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنهاست؛ و این برای نظام چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است بسیار جدی‌تر و بنیادی‌تر از دیگر نظام‌ها است و سوسه مال و مقام ریاست حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت علی علیه السلام کسانی را لغزند پس خطر بروز این

تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده زیستی می‌دادند هرگز بعید نبوده و نیست و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)؛

حضرت امام خمینی رحمه‌الله هم در اوایل انقلاب اسلامی راجع به وزارت خانه فرمودند: «وزارتخانه‌ها الآن هیچ‌کدام یک وزارتخانه صحیح نیست... باید یک هیئتی از طرف مجلس تعیین شود از اشخاص قاطع، راه بیفتند دور ممالکی که سفارتخانه داریم، سفارتخانه‌ها را اصلاح کنند. این اشخاص سازمانی و این اشخاص فاسد را کنار بگذارند که سفارتخانه یک سفارتخانه انسانی بشود. سفارتخانه حالا در هر جا که دست رویش می‌گذارند فاسد است. هر جا که دست می‌گذارند جز خوردن و خوراک و جز تفریح و فحشا چیزی در آن نیست. این‌ها باید اصلاح بشود.» (خمینی، ۱۳۹۲: ۳۷۱)؛

برپایه گزاره‌های وحیانی قرآن کریم فساد به دو نوع قابل تقسیم است.

۴.۱) فساد طبیعی

فساد طبیعی به آن نوع فساد که دست بشر در ایجاد آن دخالت ندارد، فساد طبیعی گویند. جهان هستی همواره در حال کون و فساد است. این دگرگونی و حیات و ممات در عالم وجود امری طبیعی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۷/۲)؛ بر اساس قانون نزاحم و تنازع در بقاء هر موجودی با گردش زمان از حیث تکوین، محکوم به فنا و فساد است (سهرابی، ۱۳۹۲: ۹۷)؛ کاربرد این نوع فساد در قرآن محدود است چنان که از میان تمام موارد استعمال این واژه در قرآن تنها دو آیه در این رابطه آمده است (مؤمنون/۷۱)؛ و (انبیاء/۲۲)؛ در این دو آیه فساد به معنای برهم خوردن نظام حاکم بر طبیعت است.

۵.۱) فساد بشری

مقصود از فساد بشری آن فساد است که به دست بشر پدید می‌آید و بر اساس آن ارزش‌های دین یا جامعه پایمال و نابود می‌شود و وضعیت جامعه از حالت مطلوب به نامطلوب تغییر می‌یابد. این نوع فساد در آموزه‌های اسلامی، مذموم شمرده می‌شود؛ زیرا آنچه سبب بازماندن انسان از سعادت ابدی می‌شود همین فساد است (عالمی، ۱۳۸۶: ۱۱۹)؛ که یکی از اهداف بعثت انبیاء دفع و رفع این نوع فساد بوده است که بیشترین کاربرد این واژه در قرآن ناظر به همین نوع فساد می‌باشد.

مقام معظم رهبری هم در بیانیه گام دوم راجع به این نوع فساد می‌فرماید: «البته نسبت به فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فساد پرور بود، بسی کمتر است و بحمد الله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است.

همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشد و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌های فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌های نورانی است این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کاربرد (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)؛

۲. مؤلفه‌های مدیران فاسد

۱.۲) طغیان

واژه طغیان مصدر از ماده طغو طغی به معنای تجاوز از حد متعارف، تجاوز از حد در

عصیان و نافرمانی (مصطفوی ۱۳۶۰: ۸۲ / ۷)؛ تجاوز از حد با افراط و تفریط (راغب ۱۴۱۲: ۳۰۴)؛ ابن فارس طغیان را تجاوز از حد در گناه معنا کرده و گفته است واژه طغی با مشتقاتش در قرآن ۳۹ بار در معانی مختلفی به کار رفته است (ابن فارس ۱۴۰۴: ۳ / ۴۱۲)؛ معنی اصطلاحی طغیان با توجه به منابع لغوی و تفسیری عبارت است از: «تجاوز و سرپیچی انسان از حدود مقرر شده از طرف خداوند که ناشی از جهل، غفلت، خودبینی و هوی پرستی اوست»

گزاره‌های وحیانی قرآن کریم حکایت از آن دارد که طغیان منشأ و موجب بسیار از مشکلات و نابسامانی‌های جوامع انسانی است به نحوی که این طغیان در هر طیف و طبقه‌ای که باشد باعث ناکارآمدی نظام اجتماعی و سازمانی در روابط اجتماعی شود البته طغیان در برخی افراد و گروه‌های اجتماعی دارای عوارض وسیع‌تری است برای نمونه طغیان حاکمان و اطرافیان او سیاست‌مداران و افراد وابسته به آن مدیران و کارکنان هم فکر و هم حزب او خطرات بیشتری به دنبال دارد و عوارض سوء آن قسمت وسیعی از اجتماع را گرفتار می‌کند همان‌گونه که قرآن کریم با اولویت دادن برای درمان این دسته از طاغیان نخستین مأموریت حضرت موسی علیه السلام را درمان طغیان فرعون معرفی می‌کند و می‌فرماید: «أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَنَا تَزَكَّىٰ» (نازعات ۱۷ - ۱۸)؛

یکی از برجسته‌ترین رذایل اخلاقی که باعث محرومیت انسان از الطاف بی‌کران الهی می‌شود مسئله طغیان و سرکشی افراد است و علت ابتلاء به طغیان عوامل متعددی دارد که شاید مهم‌ترین عامل آن احساس بی‌نیازی باشد وقتی انسان خودش را بالاتر و بی‌نیاز از دیگران احساس کند اقدام به طغیان و تمرد از دستورات و فرامین الهی و حتی سازمانی می‌کند همان‌گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْغَىٰ * أَن رَّاهُ اسْتَعْصَمَ» (علق ۶ - ۷)؛

علامه طباطبایی در تفسیرش بر این عقیده است که این آیه علت طغیان انسان را بیان می‌کند و می‌فرماید: علت طغیان این است که او خود را بی‌نیاز از پروردگار خود می‌داند،

پروردگاری که بر او انعام کرده و سراپای وجود او انعام وی است و نعمت‌های بی‌شمار او را کفران می‌کند و علت این انحراف آن است که انسان به خود و هواهای نفسانی خود می‌پردازد و دل به اسباب ظاهری که تنها وسیله مقاصد او است (و نه هدف) می‌بندد و در نتیجه از پروردگارش غافل می‌شود و به هیچ وجه خود را محتاج او نمی‌بیند، چون اگر خود را محتاج او می‌دید همین احتیاج و ادارش می‌کرد که به یاد او بیفتد و او را ولی نعمت‌های خود بداند و شکر نعمت‌هایش را بجای آورد، نتیجه این انحراف این است که در آخر خدا را به کلی فراموش نموده، سر به طغیان بردارد (طباطبایی ۱۳۷۴: ۵۵۰/۲۰)؛

خداوند در قرآن از فرعون که مدیریت و رهبری کشورش را به عهده داشت، به عنوان سمبل طغیان نام برده است چرا فرعون طغیان کرد و حتی کارش به جای رسید که ادعای خدای کرد به این دلیل که او با توجه به قدرت و مکنت که داشت احساس بی‌نیازی کرد و در نتیجه بر اساس حرکت برخلاف آموزه‌های دینی سرانجام در رود نیل غرق شد. بدون تردید فرعون به عنوان یک مدیر فاسد و سرکش دارای انحرافات فراوانی بود ولی قرآن کریم از میان این همه انحرافات به طغیان او اشاره می‌کند چرا که علت همه آن انحرافات طغیان است.

همان‌طوری که یکی از مفسرین می‌نویسد: «بدون شك فرعون دارای نقاط انحرافی فراوانی بود، کافر بود، بت پرست بود، ظالم و بیدادگر بود و... ولی قرآن از میان همه این انحرافات، مسئله طغیان او را مطرح می‌کند (إِنَّهُ - طَغَى) چرا که روح طغیان و گردنکشی در برابر فرمان حق، عصاره همه این انحرافات و جامع تمام آنها است (نجمی ۱۳۹۸: ۳۳۱)؛ مؤلف تفسیر نمونه هم در این باره می‌نویسد: «درآیات قرآن مکرر به این موضوع اشاره شده که امکانات فراوان مادی باعث غرور و غفلت افراد کم ظرفیت می‌شود، زیرا با داشتن اینها خود را بی‌نیاز از پروردگار می‌پندارند» (مکارم ۱۳۷۴: ۵/ ۱۵۶)؛ لذا مناصب سازمانی وقتی به مدیران فاسد و بی‌لیاقت واگذار می‌شود و حوزه اختیارات آنان وسیع می‌شود احساس منیت و خودبرتربینی و بی‌نیاز به آنان دست می‌دهد و موجب فساد گسترده آنان می‌شود. بنابراین باید وظائف سازمانی به گونه‌ای تعریف شوند که هر شخص در هر سمتی باید پاسخ‌گو

باشد، پاسخ‌گویی موجب مسئولیت‌پذیری شده و جلوی بسیار از فسادهای اداری را می‌گیرد.

مقام معظم رهبری هم در مناسبات مختلف نسبت به این موضوع تأکید فراوان داشته است از جمله ایشان با تمسک به این آیه درباره فرعون به عنوان یک مدیر و حاکم فاسد می‌فرماید: «خدای متعال به موسی در مواجهه با فرعون می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/۴۴)؛ فرعون هم این امکان را داشت که تذکر پیدا کند، به خود آید، یاد خدا را و یاد گوهر انسانی خود را در درون خود زنده کند؛ اما طغیان نگذاشت. طغیان هوای نفس، طغیان دنیاطلبی، طغیان خودخواهی‌ها، کبرها، طغیان روح بهیمیت در انسان، اینها مانع است. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۷/۱۰/۲۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2926>)

با توجه به آیات قرآن کریم و سخنان مفسرین و رهبر معظم انقلاب، می‌توان چنین برداشت کرد که مدیران به عنوان رکن اساسی در هر سازمان دارای قدرت جسمی و مالی بوده و احساس بی‌نیازی در آنها وجود دارد که همین احساس ممکن است آنها را به فساد و طغیان و سرکشی از قوانین سازمان مبتلا کند و هر مدیری که فاقد تقوا و بی‌اعتناء به آموزه‌های وحیانی باشد این حس بی‌نیازی وی باعث طغیان و سرکشی او می‌شود لذا خدای متعال از سپردن مدیریت به مدیران که واجد این صفت می‌باشند نهی کرده است.

۲.۲) عصیان

عصیان از ریشه واحد عصى است و اصل در معنای آن مطلق ترک پیروی است (مصطفوی ۱۳۶۰: ۸/ ۱۹۲)؛ چنانچه که به شتری که از شیر گرفته شده و دیگر دنبال مادرش نمی‌رود عاصی گفته می‌شود (فراهیدی ۱۴۰۹: ۲/ ۱۹۷)؛ علامه طباطبایی می‌نویسد: «عصیان، در لغت به معنای تحت تأثیر قرار نگرفتن، و یا به سختی قرار گرفتن است، مثلاً وقتی گفته می‌شود کسرتة فعصى معنایش این است که من آن چیز را شکستم، ولی نشکست، یعنی از عمل من متأثر نشد، پس عصیان به معنای متأثر نشدن است، و عصیان

امرونی هم در حقیقت اثر نکردن این فرمان بر ذهن و ضمیر فرد است (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱/ ۱۳۸)؛ گرچه عصیان درگفتمان امروز به معنای گناه می‌آید، ولی در لغت به معنای خارج شدن از اطاعت و فرمان است (راغب ۱۳۷۴: ۳۳۷)؛

عصیان و گناه از اموری است که عموماً انسان‌ها به آن مبتلا است و علت ابتلا به عصیان دارای عوامل متعدد و مختلف می‌باشد که آموزه‌های دینی نسبت به آن اشاره کرده است و یکی از عوامل عصیان قدرت و داشتن تمکن مالی و جانی است که باعث می‌شود انسان به این صفت رذیله آلوده شود قرآن کریم درباره ابتلای عصیان انسان‌ها از جمله فرعون می‌فرماید: «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيًّا» (مزمّل/ ۱۶)؛ نه لشکر عظیم او مانع از عذاب الهی شد، و نه وسعت مملکت و قدرت حکومت و اموال و ثروتمندانشان جلوا این کار را گرفت و سرانجام همگی در امواج خروشان نیل که به آن مباحثات می‌کردند غرق شدند (مکارم ۱۳۷۴: ۲۵/ ۱۸۷)؛

شهید مطهری رحمته الله در این باره می‌نویسد: «تعلیمات قرآن یکسره بر اساس مسئولیت است، مسئولیت خود و مسئولیت جامعه امر به معروف و نهی از منکر دستور طغیان فرد است علیه فساد و تبه‌کاری جامعه. قصص و حکایات قرآن غالباً متضمن عنصر طغیان و عصیان فرد در برابر محیط‌ها و جَوّهای فساد اجتماعی است. داستان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، رسول اکرم، اصحاب کهف، مؤمن آل فرعون و غیره همه متضمن این عنصر است. (مطهری ۱۳۷۲: ۳/ ۳۵۱)؛

مدیریت هم یک مسئولیت بزرگ مهم و تأثیرگذار در جوامع می‌باشد که عصیان در آن باعث ناکارآمدی و انحلال سازمان‌ها می‌شود عصیان انسان به نحوی مهم و خطرآفرین است که یکی از فیلسوفان به اسم سارتر با استدلال به این واژه موجودیت خود را اثبات می‌کند و می‌گوید: «من عصیان می‌کنم پس هستم» سارتر هم می‌خواهد بگوید جوهر انسانیت و موجودیت واقعی انسان عصیان و تمرد است، اگر عصیان را از انسان بگیرید دیگر او انسان نیست. (همان: ۲/ ۴۰۸)؛ بر اساس این اندیشه ناقص که انسانیت انسان را در

تمرد و عصیان می‌داند در صورتی که خلاف آیات قرآن کریم است اگر چنین انسان‌های فاسد با این نوع طرز فکر مدیریت یک سازمان را به عهده بگیرد رکود و سقوط آن سازمان بدون شک قطعی و مسلّم خواهد بود زیرا عصیان طبق آیات قرآن کریم باعث نابودی امت‌ها شده است.

علامه طباطبائی رحمته الله می‌فرماید: «عصیان امت یک پیامبر را مساوی با عصیان همه پیامبران می‌داند و می‌فرماید: «قوم عاد علاوه بر انکار آیات مشتمل بر حکمت و موعظه و انکار معجزه‌ای که - گفتیم - راه رشد را برایشان روشن می‌ساخت، رسولان پروردگار خود که عبارت بودند از هود و انبیاء قبل از آن جناب را نیز عصیان نمودند، خواهید پرسید که قوم هود هم‌زمان با انبیاء قبل از خود نبودند چطور آنان را عصیان کردند؟ در پاسخ می‌گوییم: عصیان يك پیغمبر، عصیان همه پیغمبران است برای اینکه دعوت همه انبیاء به يك دین است، پس قوم هود اگر شخص هود پیغمبر عليه السلام را عصیان کردند با عصیان کردن او سایر انبیاء را نیز عصیان کرده‌اند» (طباطبائی ۱۴۱۷: ۱۰ / ۳۰۵)؛ با توجه به این بیان علامه می‌توان این گونه برداشت کرد که عصیان و تمرد یک مدیر فاسد در یک سازمان مساوی با عصیان و سرپیچی از قوانین یک کشور است زیرا هر کشور دارای یک قوانین و مقررات می‌باشد بنابراین لازم است به هر طریقی که ممکن است جلوی عصیان مدیران فاسد را گرفت. تا زمینه رشد و بالندگی در آن جامعه فراهم شود و در سایه سار محیط پاک و مدیران مؤمن بستر شکوفای سازمان‌ها به نحو مطلوب مهیا گردد.

۳.۲ تکذیب

تکذیب مصدر باب تفعیل از ماده «کذب» به معنای انکار کردن، دروغ پنداشتن چیزی و نسبت دروغ دادن به کسی است (فیومی، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۲۸؛ مصطفوی ۱۳۷۴: ۱۰ / ۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۵۲)؛

در قرآن و روایات تکذیب در برابر تصدیق (ایمان) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۷۹ - ۴۸۱)؛ صدق و کذب (حرانی، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۵۸)؛ (و به معنای انکار

حقایقی مانند خداوند، پیامبر امام و روز قیامت است) (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۱/۶۵۳)؛ و به طور کلی مگذب به کسی گفته می‌شود که حق را تکذیب می‌کند (عسکری، ۱۴۱۲: ۱/۲۱۴)؛

قرآن کریم در بیش از ۲۰۰ آیه به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع تکذیب پرداخته است و این تکرار در آیات قرآن نشان از آثار مخرب و سوء است که برای تکذیب وجود دارد در این آیات از تکذیب این امور سخن به میان آمده است: آیات الهی (انعام/۳۹)؛ حق (انعام/۵ - ۶۶)؛ انبیاء و رسولان (شعراء/۲۰۵؛ بقره/۸۷)؛ بیم دهندگان (قمر/۲۳)؛ قرآن (انعام، ۵۷، یونس، ۳۹ و قلم/۴۴)؛ سخن راست خداوند (زمر/۳۲)؛ نعمت‌های الهی (رحمن/۱۳ و ۱۶)؛ لقای الهی (انعام/۳۱)؛ لقای آخرت (مؤمنون/۳۳)؛ روز جزا (انفطار ۹ و حاقه/۴)؛ قیامت (فرقان/۱۱)؛ و پاداش نیکوکاران (لیل/۹)؛

یکی از چیزهای که باعث شکست و ناکارآمدی مدیران می‌شود دروغ‌گویی است مدیران که به راحتی دروغ می‌گویند کارکنان را به خطا می‌افکنند و مسائل بسیاری را به وجود می‌آورند. گاهی در مورد پیشرفت زمانی درباره مشکلات موجود یا در مورد جو کاری سازمان یا درباره کیفیت تلاش و کوشش نیروها و... دروغ می‌گویند و با سخنان خلاف واقع باعث اطلاعات غلط به هم کاران و هم نوعان خودشان می‌شوند که بر اساس این اطلاعات تصمیم‌گیری می‌گیرند در نتیجه سازمان با تصمیم‌های غلط به طرف پرتگاه سقوط سوق داده می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از کسی که زیاد دروغ می‌گوید طلب کمک مکن زیرا او دور را نزد تو نزدیک و نزدیک را به تو دور جلوه می‌دهد. (مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۲۳۰)؛

تکذیب و متهم ساختن پیامبران به دروغ گوی یک شیوه معمولی و همیشگی از سوی مخالفان آنها بوده است پیامبرانی که به عنوان بهترین مدیران برگزیده شده از سوی خداوند برای مدیریت جامعه بشری فرستاده شده تا جامعه و آحاد مردم را به کارایی و بهره‌وری کافی و لازم برسانند تا شاهد تعالی و بالندگی جامعه و سازمان‌های بشری درگرو اطاعت و پیروی از

دستورات این مدیران رحمانی باشیم ولی پیروان و رهروان آن انبیاء الهی توفیق درک حضور و بهره کافی را از آن مدیران کارآمد نبردند لذا برای سرپیچی از دستورات آنها شروع کردند به تکذیب رسولانی که برای دست‌گیری و تعالی آنها فرستاده شده بودند و منشأ و عوامل تکذیب پیامبران در قرآن کریم؛ جهل و نادانی (یونس/۳۹)؛ نبود بصیرت (مجلسی ۱۴۰۳: ۳/۶۰)؛ متابعت از هوی نفس (بقره/۸۷)؛ گناهان متوالی (اسراء/۹۴)؛ ثروت‌اندوزی و دنیا طلبی (روم/۱۰)؛ آنها بود که طبق بسیاری از آیات قرآن مکذبان فرجام خوشایندی نداشته و سرانجام آثار سوء تکذیب دامن‌گیرشان خواهد شد «فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامَا» (فرقان/۷۷)؛ و در نتیجه باعث هلاک و سقوط آن پیروان متمرد شدند.

۴.۲ تمسخر

یکی از رفتارهای نادرست و مذموم اخلاقی تمسخر و استهزاء دیگران است که بیشتر انسان‌ها به این رذایل مبتلا هستند اکثر واژه شناسان و مفسران قرآن کریم استهزاء را هم‌معنای تمسخر می‌دانند. معنای این واژه این است که کسی را تحقیر کند و شأن و منزلت او را پایین آورند. (مصطفوی ۱۳۶۰/۱۱: ۲۵۶؛ قرشی ۱۳۷۱/۷: ۱۵۴)؛ و یا یکی از مبانی، اصول و آموزه‌های دینی و انسانی را بی‌ارزش جلوه دهند و آن را به ریشخند بگیرند. کلمه سخریه که مبدأ اشتقاق کلمه یسخر است، به معنای استهزاء بوده، و استهزاء عبارت است از: «این که انسان چیزی بگوید که با آن کسی را حقیر و خوار بشمارد، حال چه این که چنین چیزی را به زبان بگوید و یا به این منظور اشاره‌ای کند و یا عملاً تقلید طرف را در آورد، به گونه‌ای که بینندگان و شنوندگان به طور طبیعی از آن سخن، یا اشاره و یا تقلید، بخندند» (طباطبایی ۱۳۷۴: ۱۸/۳۲۱)؛

این دو معنا از قرآن کریم قابل استفاده است؛ مانند آیات زیر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمٍ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٍ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ...» (حجرات/۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گروهی [از مردان]، گروهی [دیگر] را ریشخند نکنند، شاید [آنان] از اینها بهتر باشند؛ و زنانی، زنان

[دیگر] را (ریشخند نکنند)، شاید [آنان] از اینها بهتر باشند؛ و (شما) از خودتان عیبجویی نکنید و یکدیگر را بالقب‌ها [ی زشت] نخوانید.

«قُلْ أَلِلّٰهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤْنَ»؛ (توبه / ۶۵)؛ تمسخر دارای انواع مختلف است که در این جا فرصت پرداختن به همه انواع آنها نیست و همچنین گاهی می‌تواند زبانی باشد و گاهی عملی در هر صورت این رذیله مورد نهی و مذمت قرآن می‌باشد که شایسته است انسان‌ها سعی کنند در هیچ حالی مبتلاء به این رذیله نشوند.

هر گناهی به تناسب بزرگی و ویژگی‌هایی که دارد فارغ از عذاب آخرت، آثار بد و عبرت‌انگیزی در این دنیا به همراه خواهد داشت. تمسخر و استهزاء و توهین به حقایق، از جمله پلیدی‌هایی است که غالباً توسط کسانی که منافع دنیایی خود را در خطر می‌بینند برای کاستن از ابهت و رسوخ حقایقی همانند انبیای الهی و معجزاتشان به کار گرفته می‌شود. استهزاء و توهین به فرستادگان الهی رویداد تازه‌ای نیست، بلکه همه ایشان از این طریق، مورد هجوم قرار گرفته‌اند چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ»؛ (حجر/ ۱۱)؛ روشن است که خدای متعال هیچ‌گاه پیامبران خود را در میان آزار و اذیت‌ها رها نکرده است و قطعاً مسخره و توهین کنندگان به ایشان را به شکل‌های مختلف در دنیا و آخرت مجازات کرده و خواهد کرد. مدیرانی که دارای ایمانی استوار و قوی باشند از مسخره و سرزنش دیگران خودداری کرده با قدرت تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند و مانند کوه استوار و پا بر جا در مسیر درست گام بر می‌دارند (نبوی ۱۳۸۵: ۳۸۰)؛

۵.۲ منشأ و انگیزه تمسخر

از منظر آیات قرآن استهزا و تمسخر مانند بقیه افعال ناپسند انسان‌ها عوامل مختلفی دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۵.۲-۱ تکبر و برتری‌بینی

یکی از بیماری‌های مهلک مدیریت، گرفتار عجب و خودبینی شدن است به محض

منصوب شدن فرد به مدیریت خود را بالاتر از دیگران دیده و به افراد به دیده حقارت بنگرد و به همین خاطر تماس خود را با مردم قطع کرده و از آنان دوری گزیند.

اسلام به تنها به مدیر اجازه نمی‌دهد نیلش به منصب مدیریت او را به خودبینی و تکبر بکشاند، بلکه مدیر اسلامی باید به شکرانه چنین توفیقی که یافته بر تواضعش افزوده گردد و رابطه خود را با دیگران صمیمی‌تر و نزدیک‌تر و فعال‌تر کند. بی‌شک چنین رفتاری سبب خواهد شد که کارکنان و افراد تحت مدیریت وی نیز او را یکی از خود بدانند و با علاقه تمام برای رفع مشکلاتش بکوشند و نسبت به موفقیت وی از خود علاقه و حساسیت نشان دهند و بر عکس اگر فرد به اصطلاح خود را بگیرد و رابطه‌اش را با آنان قطع کند، آن‌ها هم روحاً نسبت به او احساس بیگانگی خواهند کرد و شور و شوق کار در آن‌ها رو به خاموشی خواهد نهاد. (حیدری ۱۳۸۶: ۹۶-۹۷)؛

ایشان از تکبر به عنوان سم قاتل یاد می‌کند و می‌گوید: «یکی از خصوصیات تکبر، این است که انسان خودش را از دیگران بزرگ‌تر ببیند. معنای تکبر این نیست؛ این یکی از خصوصیات تکبر است. این چیز خیلی خطرناک و عجیبی است. انسان وقتی آیات قرآن را ملاحظه می‌کند، می‌بیند روی این صفت - که با اسم‌های گوناگونی هم از آن یاد شده: استعلا، علوّ، استکبار، تکبر - خیلی تکیه شده و انسان مؤمن که در راه خدا حرکت می‌کند، از این خصوصیت خیلی برحذر داشته شده است. برای کسی که خود را مقتدر ببیند، تکبر فرق نمی‌کند این نوعی از تکبر است. انسان خود را دارای قدرت و غنا و بی‌نیازی احساس کند یا خود را دارای علم و دانش احساس کند (همان)؛

قطعاً بالاتر و برتر دیدن خود و یا اقوام و نزدیکان خود، یکی از ریشه‌های استهزای افراد، نسبت به سایر اقوام و ملیت‌ها می‌باشد بسیاری از تمسخر و طنزها که متوجه فرهنگ‌ها و نژاد قبایل دیگر است از این قبیل است آنجا که قرآن می‌فرماید: «... نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، ...» (حجرات/۱۱)؛ از این قسمت آیه که می‌فرماید «شاید آنها از این‌ها بهتر باشند» این طوری استفاده می‌شود که منشأ

تمسخر و استهزا، همان برتر دیدن خود و تگبر است و وجود این خصیصه در مدیران پیامدهای ویرانگر فراوانی را به همراه دارد.

۲. ۵- ۲) دنیاخواهی

بر اساس آموزه‌های دینی و وحیانی دل بستگی کافران به دنیا، یکی از عوامل استهزا و تمسخر مؤمنان معرفی شده است و کافران زینت دنیا را می‌بینند به همین دلیل (افراد با ایمان را که گاهی دستشان تهی است) مسخره می‌کنند، در حالی که مؤمنین در قیامت بالاتر و برتر از آنها هستند به خاطر اینکه حقیقت اعمال انسان در آنجا به منصفه بروز و ظهور می‌رسد و خداوند هرکسی را که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد (بقره/۲۱۲)؛

۲. ۵- ۳) جهالت و نادانی

منشأ عجب و خودپسندی معمولاً جهل و نادانی است و چون انسان خود پسند به فقر ذاتی و نیازمندی‌های فراوان خود واقف نیست کردار و گفتار خود را بزرگ می‌شمارد و بوادی وحشتناک خودپسندی کشیده می‌شود. (تقوی ۱۳۸۳: ۲۳۷)؛

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خودپسندی انسان، نشانه ایست بر کم‌خردی او» (کلینی ۱۴۰۷: ۵۱/۱)؛ پس ضروری است که مدیر بیش از هر چیز به سلاح اندیشه و بینش تیز و تند، مسلح باشد، تا بتواند مسئولیت خویش را با جامعیت فکری بیشتر، در مسند مدیریت که جنبه هدایت و رهبری دارد به پایان ببرد ولی آنچه که تیغ تفکر را کند و درخشش ذهن را تیره می‌سازد بیماری خودپسندی است. (همان: ۲۳۸)؛ بسیاری از مردم بر اثر ندانستن آثار بد استهزا و تمسخر و عدم آگاهی از حکم به حرمت آن مرتکب این رفتار ناپسند می‌شوند؛ لذا برای سرگرم کردن خود و دیگران و عدم آگاهی از عقوبت آن اقدام به این عمل می‌کنند در حالی که در آموزه‌های دینی جهل و ندانستن، مورد مذمت و درباره آثار سوء آن بارها هشدار داده شده است از جمله حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أسوأ السقم الجهل»؛ (تمیمی ۱۳۶۶: ۷۳)؛ بدترین بیماری، ندانستن است.

مدیرانی که فکر و اندیشه‌شان اسیر خودپسندی شده باشد محکوم به شکست و ناکامی خواهند بود چون خودپسندی و خودمحوری با بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌ها سازگاری ندارد. در نتیجه ظهور و بروز چنین خصلتی موجب می‌شود که اصول انسانی زیر پا گذاشته شود و انواع ظلم‌ها بوجود آید و در نهایت شیرازه سازمان و تشکیلات از یکدیگر بگسلد.

۲. ۵- ۴) تحمیق

تحمیق به معنای بی‌خرد خواندن، نابخرد شمردن، نسبت حماقت به کسی دادن آمده است (معین، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۰۴۲)؛ اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از فکر و اندیشه نگهدارند و با انواع وسایل آن‌ها را تحمیق کنند، آن‌ها را در يك حال بی‌خبری از واقعیت‌ها فروبرند و ارزش‌های دروغین را جانشین ارزش‌های راستین کنند و دائماً آن‌ها را نسبتاً به واقعیت‌ها شستشوی مغزی دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۸/۲۱)؛ تا بتوانند به امیال و خواسته‌های شیطانی حیوانی خودشان نائل شوند.

آنچه که از مطالعه عملکرد و رفتار فرعون به عنوان مدیر فاسد با پیروانش بدست می‌آید این است که تمام تلاش و کوشش را انجام می‌داد تا آنها در بی‌خبری کامل فرو روند و از این طریق از او اطاعت کنند. لذا قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ...»؛ (احزاب/ ۵۴)؛ (فرعون) قوم خود را سبك شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند.

علامه طباطبایی می‌گوید: «فرعون با سخنانش عقول قوم خود را دزدید و فریشتان داد» (طباطبایی ۱۳۹۰: ۱۱۱/۱۸)؛ به عبارت دیگر فرعون برای استعمار و استثمار بنی‌اسرائیل از دین و دفاع از آن سخن می‌گفت و اظهار می‌داشت که من احساس می‌کنم، موسی علیه السلام ساحری باشد که می‌خواهد آیین عالی و مذهب حق شما را از بین ببرد: «وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى»؛ (طه/ ۶۳)؛ یا آن‌که دین و آیین شما را عوض کند: «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ»؛ (غافر/ ۲۶)؛ پیدا است، دینی که فرعون در دفاع از آن سخن می‌گفت، دین و آیینی در مسیر تخدیر و تحمیق مردم و ابزاری برای مقدس شمردن سلطه جابرانه خود بوده است (جوادی

آملی، ۱۳۸۷: ۴)؛

تصویری که قرآن کریم از فرعون که نمادی از مدیر فاسد است ارائه می‌دهد این است که جلوی رشد فکری پیروان اش را می‌گرفت تا به زعم باطل خودش بی‌باک‌تر حکمروایی کند. البته لازم به ذکر است که این شیوه فرعونی یعنی استخفاف عقول با شدت هر چه تمام‌تر در عصر و زمان ما بر همه جوامع کفر حاکم است، اگر فرعون برای نیل به این هدف وسایل محدودی در اختیار داشت طاغوتیان و ابر مدیران سازمان‌های بزرگ جهان امروز با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، فرستنده‌های رادیو تلویزیونی، و انواع فیلم‌ها، و حتی ورزش در شکل انحرافی، و ابداع انواع مدهای مسخره، به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازند.

نمونه‌ای از کار و برنامه‌های مدیران فاسد را می‌توان در تبلیغ و ترویج فرهنگ برهنگی و لاابالی‌گری مشاهده کرد. مدیران فاسد و سردمداران خیانت‌کار در سازمان‌های اسلامی یکی از تحفه‌های که به کارکنان هدیه می‌کنند فرهنگ یاد شده است که در پوشش تمدن غربی در رسانه‌های اجیرشده ترویج و تبلیغ می‌شود! معنی این کار چیزی نیست جز احمق کردن جوان‌ها. به خصوص اقشار مرفه‌تر جامعه که برای مصرف کردن فرهنگ غربی از توانایی مالی برخوردار هستند.

یکی دیگر از ابزارهایی که مدیران ناشایست و ناکارآمد آن را به جامعه تزریق کردند فرهنگ مصرف‌گرایی بود. این فرهنگ به شدت در قرآن نهی شده و یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های فرعون معرفی شده است (یونس/۸۳؛ دخان/۳۱)؛

اسراف و برهنگی فرهنگ‌هایی هستند که مردم را از خدا دور کرده و روح معنیت و الهی بودن را در انسان می‌راند. انسانی که از خدا دور می‌شود شیطان بر او مسلط می‌شود «اَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ»؛ (مجادله/۱۹)؛ وقتی شیطان بر انسان مسلط شد عاقبت جز خواری و ذلت چیزی دیگر عاید انسان نمی‌شود؛ زیرا قسم خورده است که انسان را گمراه سازد (حجر/۳۹)؛

در نتیجه مدیران فاسد وقتی مدیریت سازمان‌ها را به عهده می‌گیرند با تحمیق کارمندان زمینه طغیان و خیانت را برای خود بلکه برای همه کارکنان سازمان فراهم می‌سازند و در بلند مدت موجب انحلال و اضمحلال و ورشکستی سازمان‌ها می‌شوند.

۵.۲- ۵) یأس و ناامیدی

ناامیدی نشئت گرفته از وسوسه‌های شیطانی است که دامن‌گیر انسان می‌شود و در دل او رخنه می‌کند به نحوی که انسان را از سعی و تلاش نسبت به مقصد و هدفش باز می‌دارد و او را به یک موجود بی‌خاصیت و منزوی تبدیل می‌کند ولی بر عکس آن امیدواری هدیه‌ای است از جانب خداوند نسبت به انسان‌های مؤمن تا در تحت هیچ شرایطی از سعی وافر دست بر نداشته و با قوت و جدیت بیشتری مسیر زندگانی را طی کنند حضرت پیامبر گران قدر اسلام ﷺ در این باره فرمودند: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّلْمُتِّیِّ وَلَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا عَرْسٌ عَارِشٌ شَجَرًا»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۱۷۳)؛ امید و آرزو رحمت است برای امت من و اگر آرزو نبود مادر بچه‌اش را شیر نمی‌داد و باغبان نهالی نمی‌کاشت.

در مقابل امیدواری صفت ناشایست ناامیدی قرار دارد. اینقدر این خصلت نامیمون و زشت است که در لسان روایات از گناهان کبیره محسوب شده است امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: بزرگ‌ترین گناهان کبیره نزد خدا، یأس از روح‌الله و ناامیدی از رحمت و نیکی خداست (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۷۲)؛

قرآن کریم هم در این باره از زبان حضرت یعقوب به فرزندانش نسبت به عدم ناامیدی دریافتن یوسف علیه السلام می‌فرماید: «يَا بَنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُّوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛ (یوسف / ۸۷)؛ در قرآن مجید ناامیدی از رحمت خداوند امری ناپسند و از خصایص کافران شمرده شده است و در برخی از آیات قرآن ناامید شدن از رحمت خداوند برگرفته از رفتار انسان با ناملائمات زندگی است ناخوشی‌های که به دست خود انسان رقم می‌خورد و درواقع می‌توان گفت برآیند نتیجه و عملکرد خود اوست همانطوری که خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ

تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ»؛ (روم / ۳۶)؛

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که لاقلاً، بخشی از مصائب و گرفتاری‌هایی که دامان انسان را می‌گیرد نتیجه اعمال و گناهان او است، خدا می‌خواهد به این وسیله به آنها هشدار دهد و آنان را پاك کرده و به سوی خود آورد. ولی در حالی که مؤمنان راستین کسانی هستند نه به هنگام نعمت گرفتار غرور و غفلت می‌شوند و نه به هنگام مصیبت، گرفتار یاس و نومیدی، نعمت را از خدا می‌دانند و شکر به درگاه او می‌برند، و مصیبت را آزمون و امتحان، و یا نتیجه اعمال خویش محسوب می‌دارند و صبر می‌کنند و روبه درگاه او می‌آورند.

در حالی که افراد بی‌ایمان در میان «غرور» و «یاس» دست و پا می‌زنند افراد با ایمان در میان «شکر» و «صبر» قرار دارند. (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۴۳۷)؛

این مفهوم در قرآن کریم با واژه‌های یأس، قنوط، ابلاس و خیبه بیان شده است که از نگاه قرآن کریم علت ابتلاء به یأس و ناامیدی ظاهربینی و دنیاگرایی و دوری از معنویت در زندگی است که از جمله عواقب و پیامدهای این حالت به صورت بیماری‌های مختلفی در زندگی بروز و ظهور پیدا می‌کند مانند اضطراب و افسردگی و صدمات روحی شدید بی‌هدفی و احساس پوچی لذا از نگاه قرآن این حالت ناامیدی و یاس همواره مورد نکوهش واقع شده است.

رهبر معظم انقلاب هم در این باره بارها هشدار لازم را به همه مردم داده است و از عواقب نا کارآمدی آن آگاهی کافی را بیان کرده است از جمله در دیدار مدال آوران المپیاد علمی ایشان فرمودند: «مشکلات نباید جوان را متوقف و نا امید کند، زیرا نا امید، سم است. (بیانات معظم له در دیدار مدال آوران المپیاد علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان، ۱۳۹۸ / ۵ / ۱۶ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43188>)، ایشان در جای دیگر امید را یکی از نقاط مهم و کلیدی برای پیشرفت کشور می‌داند و می‌فرماید: «امروز مسئله‌ی «امید» یکی از نقاط محوری در حرکت روبه جلوی ملت ایران است.

مجموع تأکیدات مقام معظم رهبری، حکایت از نقش محوری یأس و ناامیدی و نقطه

مقابل آن امید، در عملکرد مثبت و منفی مدیران دارد و بدیهی است که هریک از این دو ره‌آورد‌های خاص خودشان را دارند؛ بنابراین باید سعی شود مطابق با تأکیدات کلام وحی و بیانات رهبری سازمان‌ها به دست مدیران توانمند و امیدوار به آینده روشن سپرده شود تا رشد و تعالی و شکوفایی آنها تضمین گردد.

نتیجه‌گیری

ره‌آورد‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیران نقش محوری در شکوفایی و ورشکستگی سازمان‌ها دارند. تأکید کلام وحی و بیانیه گام دوم بر این است که مسئولیت ادارات دولتی و سازمان‌ها به مدیران فاسد و نا کارآمد سپرده نشود چون خطر اضمحلال و نابودی و هدر رفتن سرمایه‌های مادی و انسانی سازمان حتمی است. همچنین روشن شد که عملکرد منفی مدیران تنها متوجه سازمان‌ها نیست بلکه در سطح کلان‌تر جامعه نیز متضرر خواهد شد؛ لذا تصریح شد که مدیران تنها مسئول انجام اموری اداری نیستند، بلکه رفتار آن‌ها می‌تواند بیان‌کننده مسئولیت‌ها و الزامات اخلاقی در شغل باشد.

پست سازمانی برای مدیران مسئولیت‌های را به وجود می‌آورد که می‌تواند نگرش کارکنان و مردم را به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی دگرگون سازد، از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی و کج‌روی‌های اجتماعی در سازمان، می‌توان به فساد اشاره کرد مدیران جز افراد تأثیرگذار در جامعه می‌باشند و می‌توانند در بهبود سلامت اجتماعی جامعه به‌طور چشمگیری مؤثر باشند؛ بنابراین مدیران فاسد هم در کارکنان تأثیر می‌گذارند و هم در ارباب‌رجوع چون به‌طور متناوب به این دو در ارتباط هستند و از آنجا که مدیران از بستر جامعه به سازمان‌ها می‌آیند، توجه به تربیت اخلاقی افراد در جامعه زمینه مناسبی برای کاهش کجروی فردی مدیران می‌باشد.

گزاره‌های وحیانی قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری روشن ساختند که فساد مدیران ریشه در ضعف ایمان و اطلاعات ناقص و باورهای نادرست مذهبی دارد؛ لذا مدیرانی که از اعتقادات دینی و پایبندی‌های مذهبی صحیحی برخوردار نباشند، اسیر هوی و هوس و

پست و مقام شده و فسادهای بزرگی را مرتکب می‌شوند، از این رو تأکید به این است که مدیران از خصوصیات فردی و ارزش‌های مذهبی بالا برخوردار باشند.

حسب یافته‌های پژوهش مشخص شد که برجسته‌ترین مؤلفه‌های مدیران فاسد از منظر قرآن و بیانیه گام دوم عبارت‌اند از طغیان، عصیان، تکذیب، تحقیر، تحمیق، مایوسی و ناامیدی به آینده. همچنین روشن شد که هریک از موارد یاد شده نقش مخرب و نابودکننده در سرمایه‌های مادی و انسانی سازمان‌ها دارد و باید از این منظر مدیرانی که مسئولیت به آن‌ها واگذار می‌شود ارزیابی شوند. لازم به ذکر است که مؤلفه‌های یاد شده در مباحث دانش سازمان و مدیریت رایج جایگاهی ندارند؛ اما کلام وحی نسبت به آنها هشدار داده و مقام معظم رهبری نیز با الهام‌گیری از قرآن در بیانات و تألیفاتشان تأکید و تصریح نموده است که مدیران جامعه و سازمان‌های اسلامی مبرا از خصایص یاد شده باشند و تحت هیچ شرایطی مدیریت به افرادی با این ویژگی‌ها سپرده نشود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
- ۳.
۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر ۱۴۱۴.
۶. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، ناشر چاپخانه مهارت، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۷. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم: ۱۳۷۷/۱۰/۲۸
۸. بیانات معظم له: ۱۳۸۳/۱۲/۲۴
۹. بیانات معظم له: ۱۳۷۶/۷/۲۴
۱۰. بیانات معظم له در دیدار با دانشجویان: ۱۳۹۷/۳/۸
۱۱. بیانات معظم له در دیدار مدال آوران المپیاد علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان: ۱۳۹۸/۵/۱۶
۱۲. بیانات معظم له در ماه رمضان با موضوع: سی روز، سی گفتار: ۱۳۹۰/۵/۲۰
۱۳. بیانیه گام دوم انقلاب: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۶۶.
۱۵. جوادی آملی، تسنیم، تحقیق حسین شفیعی و محمد فراهانی، ناشر اسراء ۱۳۹۰.
۱۶. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، نشر اسلامی ۱۴۰۴.
۱۷. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، قم، بی جا ۱۳۷۶.
۱۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ناشر بیروت دارالفکر، ۱۴۱۴.
۱۹. حیدری تفرشی، غلام حسین، مدیریت اسلامی، ناشر انتشارات نویسنده ۱۳۸۶.
۲۰. خمینی، روح الله، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۹۲.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۲، ۱۳۲۵.
۲۲. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مرتضوی ۱۳۷۴.

۲۳. رضایان، علی، اصول مدیریت، تهران، سمت، چ ۲۳، ۱۳۹۱.
۲۴. زارعی متین، حسن، مدیریت سازمانی پیشرفته، تهران، آگه، چ ۲، ۱۳۹۳.
۲۵. سهرابی، منصوره و حسن مجیدی، بررسی تفسیری رابطه افساد فی الارض با محاربه با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۱. تهران، دانشگاه تهران ۱۳۹۲.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم ۱۴۱۷.
۲۷. عالمی، لیاقت علی، افساد فی الارض از نظر مذاهب اسلامی، طلوع، ش ۲۳، قم جامعه المصطفی العالمیه ۱۳۸۶.
۲۸. عباسی، مقدم، مدیریت آرزوهای از دیدگاه قرآن و احادیث، ناشر انتشارات جیرفت ۱۳۷۹.
۲۹. عسکری، ابوهلال، معجم الفروق اللغویه، قم، انتشارات اسلامی ۱۴۱۲.
۳۰. فتاحی زاده، فتحیه، امینی، فریده، معناشناسی «امام حق» در آیات قرآن، مطالعات تفسیری، ش ۲، قم، دانشگاه معارف اسلامی ۱۳۹۳.
۳۱. فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، قم، ناشر هجرت ۱۴۰۹.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره، چ ۱، ۱۴۱۴.
۳۳. قاسمی محمد، حمید، اصلاح و افساد در آموزه‌های قرآنی، مطالعات قرآن و حدیث. ش ۱، تهران، دانشگاه امام صادق ۱۳۸۷.
۳۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱، ۱۳۸۳.
۳۵. قرائتی، محسن، سیصد نکته در مدیریت اسلامی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۵، ۱۳۹۱.
۳۶. قرآن در کلام رهبری، بیانات معظم له ۱۳۹۸/۱۰/۴
۳۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چ ۶، ۱۳۷۱.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه ۱۴۰۷.
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، چ ۲، ۱۴۰۳.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چ ۱، ۱۳۷۷.

۴۱. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ، چ ۵، ۱۳۸۴.
۴۲. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۶۰.
۴۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چ ۳، ۱۳۷۲.
۴۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، ناشر چاپخانه سپهر، چ ۲۳، ۱۳۸۵.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۱، ۱۳۷۴.
۴۶. نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، قم، موسسه بوستان کتاب، چ ۱۰، ۱۳۸۵.
۴۷. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، ناشر انتشارات اسلامیہ ۱۳۹۸.
۴۸. نقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۸۳.
۴۹. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ایران؛ قم، چ ۱، ۱۳۷۹.

تبیین معیارهای گزینش و انتخاب نیروی انسانی از منظر قرآن کریم (بر اساس آیه شریفه ۲۶ سوره مبارکه قصص)

سیدعلی حسینی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین معیارهای انتخاب نیروی انسانی از منظر قرآن و با تمرکز بر آیه ۲۶ سوره مبارکه قصص انجام شده است. انتخاب و گزینش و معیارهای آن، یکی از مباحث مهم در مدیریت منابع انسانی است که مباحث گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. اهمیت این موضوع از دیدگاه قرآن کریم نیز ثابت است و از سخنان مقام رهبری در بیانیه گام دوم نیز می‌توان ضرورت آن را بیان داشت. در این نوشتار، پژوهشگر با روش تحلیلی - توصیفی و «با توجه به ویژگی‌های بیان شده در آیه شریفه ۲۵ و ۲۶ سوره قصص، و با معیارهای مستند سخنان رهبری در بیانیه گام دوم، در زمینه انتخاب نیروی انسانی» به دو معیار کلی توانایی و امانت داری دست یافته و ناظر به همین دو معیار کلی، مؤلفه‌های مختلفی را در ارتباط با گزینش و انتخاب افراد سازمانی بیان کرده است.

کلید واژگان: نیروی انسانی، گزینش، معیارهای گزینش در قرآن، بیانیه گام دوم.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و علم گرایش مدیریت مجتمع عالی قرآن و حدیث استاد همکار نمایندگی

مقدمه

در مدیریت منابع انسانی، مباحث گوناگونی درباره شناسایی، انتخاب، استخدام، تربیت و پرورش منابع انسانی به منظور نیل به اهداف سازمانی مطرح می‌شود. یکی از مهم ترین بحثها در مدیریت منابع انسانی تعیین معیارهایی است که در انتخاب و استخدام نیروی انسانی نقش اساسی دارد. این بحث جزو اقداماتی است که نقش پیشگیرانه و کنشی دارند و لذا تعیین معیارهای مناسب و درست می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از بروز فسادها، کم کاری ها، هزینه‌های نابجا و استفاده نادرست از منابع داشته باشد. (رحیمی، ۱۳۸۹) گزینش و انتخاب نیروی انسانی مطلوب و متناسب با مناصب و مشاغل سازمانی، از مهم ترین مباحثی است که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سوی رهبر انقلاب مطرح است. (مقام معظم رهبری / بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

۱۳۹۷.

گزینش، سنت جاری خداوند در نظام هستی است: «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (حج: ۷۵) خدا از میان فرشتگان، و نیز از میان مردم رسولانی برمی‌گزینند، که همانا خدا (به سخن عالمیان) شنوا و به (لیاقت آنان) بیناست. از نظر قرآن کریم، احراز شایستگی لازم در واسپاری مسئولیت ها، مشاغل و مناصب مختلف، از ضرورت های انتخاب و گزینش نیروی انسانی است (انعام ۱۲۴)؛ در تعبیر دیگر مسئولیت ها امانت های الهی هستند (نساء ۵۸) که باید به اهلش سپرده شود. قرآن کریم همانگونه که تأکید بر شایستگی افراد در واگذاری مسئولیت ها کرده است، معیارهای مختلفی را نیز در انتخاب افراد متناسب به مناصب و مشاغل مختلف بیان کرده است. آیه شریفه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه قصص از آیاتی است که در یک بیان کلی دو معیار اصلی را در انتخاب و گزینش افراد برای تصدی هر شغلی، بیان داشته و آن عبارت از توانایی و امانت داری است. این دو معیار، از معیارهای عامی است که می‌توان مؤلفه های مختلفی برای

هرکدام از آنها بیان نموده و در انتخاب و گزینش افراد با توجه به شغلی که استخدام می‌شوند، مورد توجه قرار داد.

پرسشی که این تحقیق در پی پاسخ آن است عبارت است از اینکه بر اساس دو ویژگی بیان شده در آیه شریفه ۲۵ و ۲۶ سوره قصص، چه معیارهای را می‌توان با استناد به آیات، در زمینه انتخاب نیروی انسانی بیان کرد؟

در این مقاله سعی شده است با توجه به آیه شریفه یاد شده و دو معیار کلی که در آن بیان شده است، مهمترین مؤلفه‌های متناظر با معیارهای یاد شده را با استناد به دیگر آیات قرآن کریم، استخراج نموده و به عنوان معیارهای گزینش و انتخاب نیروی انسانی ارائه نماید.

۱. تعریف انتخاب (گزینش)

«به فرآیند گزینش مناسب ترین افراد، جهت پست‌ها از گروه متقاضیان کار، انتخاب گفته می‌شود.» (سید جوادین، ۱۳۹۶: ۴۷۱) در تعبیر دیگر گفته شده است: «انتخاب فرآیند گردآوری اطلاعات به قصد ارزیابی و تصمیم گیری در این مورد است که چه کسی باید با رعایت موازین قانونی و با در نظر گرفتن منافع نزدیک و دور فردی و سازمانی بکار پذیرفته شود» (طوسی و صائبی، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

۲. ضرورت گزینش از منظر اسلام

از آیات و روایات بسیاری استفاده می‌شود که گزینش و انتخاب نیروی انسانی، یک ضرورت انکارناپذیر است. از نگاه قرآن کریم، واسپاری مشاغل و مناصب یک نوع امانت محسوب می‌شود که باید به اهل خود واگذار گردد. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهلش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید!.

اطلاق این آیه شریفه هر نوع واسپاری، از جمله مشاغل سازمانی و مدیریتی را شامل می‌شود؛ چرا که همانطوری که حفظ و نگهداری امکانات و سرمایه‌های مادی یک فرد یا جامعه در گرو امانت داری است، سپردن مشاغل و مناصب سازمانی نیز امانت‌هایی است که باید در دست اشخاص دارای صلاحیت و امانت دار قرار گیرد تا از ضیاع آن جلوگیری گردد. به عقیده مفسران شیعه (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۶۰۳) و سنی (فخر رازی، ۶۰۶: ۱۰/۱۳۵-۱۳۹) امانت در این آیه شامل امانت‌های مادی و معنوی شده و مقام‌ها و مناصب را نیز مصادیق‌های آن شمرده می‌شود. (توکلی و گائینی، ۱۳۹۲: ۸۳) علامه طباطبائی معتقد است: حکومت و ولایتی که از جانب خداوند متعال به کسی محول می‌گردد، یا مردم به شخصی واگذار می‌کنند، از بزرگ‌ترین امانت‌هاست (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۴/۳۸۵).

امیر مؤمنان علی علیه السلام در عهد نامه مالک اشتر بر ضرورت دقت کافی در گزینش افراد اینگونه تأکید می‌فرماید:

ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا، وَلَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) سپس در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با میل شخصی، و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف و مدار، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است.

آنچه در این فراز از نامه امام آمده است، تأکید به سه نکته خیلی مهم در انتخاب نیروی انسانی است:

گزینش افراد باید معیار داشته باشد و بر اساس شایستگی صورت بگیرد و از میل شخصی و خواست افراد بالاتر پرهیز شود.

انتخاب افراد سازمان باید با همراه با تحقیق و مشورت از دیگران صورت گیرد. اگر در انتخاب کارگزاران دقت صورت نگیرد، نوعی خیانت و ستمگری صورت گرفته است.

از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام عدم رعایت امور ذکر شده در انتخاب نیروی انسانی، نوعی ظلم

و خیانت محسوب می‌شود.

۳. معیارهای گزینش و انتخاب نیروی انسانی از منظر قرآن

محوری ترین آیات قرآن کریم که در یک تعبیر جامع و کلی دو ویژگی مهم در زمینه انتخاب و گزینش نیروی انسانی را بیان می‌کند، آیه ۲۵ و ۲۶ از سوره مبارکه قصص است که از زبان دختران حضرت شعیب پیامبر در مورد انتخاب حضرت موسی بیان شده است. در این دو آیه خداوند متعال چنین بیان می‌کند: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)

در این آیات شریفه “قدرت و توانایی” و «امانت داری» به عنوان دو ویژگی یا معیار اصلی گزینش نیروی انسانی بیان شده است. آنچه در توضیح این دو ویژگی می‌توان بیان داشت: پاسخ به این دو سؤال است که ۱) آیا قدرت بیان شده در آیه، فقط قدرت جسمانی را شامل می‌شود یا قدرت بر انجام مسئولیت‌ها است؟ ۲) منظور از امانت داری چیست و چه اموری را می‌تواند شامل شود؟ در پاسخ به سؤال اول می‌توان چنین بیان داشت که قرائن و شواهد بسیاری گواه بر این مطلب است که مراد از قدرت در این بیان خداوند متعال تنها داشتن قدرت جسمانی نیست، بلکه شامل هر گونه توانایی می‌شود که انسان را بر انجام مسئولیت قادر می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۷۸/۱۶) در پاسخ به پرسش دوم نیز اطلاق آیه و قرائن دیگری از قرآن، بیانگر شمول آن در امور گوناگون مادی و معنوی است.

بر اساس آیه شریفه ذکر شده، معیارهای انتخاب و گزینش از منظر قرآن کریم در دو دسته کلی: ۱. معیارهای ناظر به قدرت و توانایی و ۲. معیارهای ناظر به امانت داری، قابل دسته بندی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

یک) معیارهای ناظر به توانایی نیروی انسانی

همانطوری که بیان گردید، منظور از توانایی در آیه شریفه ۲۶ سوره مبارکه قصص، منحصر در توانایی جسمی نبوده و شامل توانایی‌های مختلف نیروی انسانی در عرصه‌های

مختلف می‌شود. این توانایی‌ها برخی ذاتی و برخی دیگر اکتسابی است. توانایی‌های نیروی انسانی در دو قسم ذیل قابل تقسیم اند:

الف) توانایی جسمانی

توانایی‌های جسمانی انسان؛ آن بعد از توانایی است که در اثر خدادادی یا ریاضت و تلاش جسم انسان ورزیده شده و از لحاظ هیکل ظاهری قادر بر انجام کارهای محوله می‌تواند باشد. خداوند متعال در انتخاب طالوت به عنوان فرمانده لشکر در مقابله با جالوت که از ضرورت‌های چنین مقابله‌ای داشتن توانایی جسمانی است، انتخاب وی را با توجه به توانایی او در دو امر دانسته است که یکی توانایی جسمی است و دیگری توانایی علمی. از این رو در آیه ۲۴۷ سوره بقره می‌فرماید: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از) لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.» از آیه شریفه به خوبی نکات ذیل استفاده می‌شود: از منظر قرآن کریم انتخاب افراد باید بر اساس معیار صورت بگیرد. شایستگی در هرکاری معیار اصلی انتخاب افراد است. چنانکه در این آیه معیارهای نام و مقام و شهرنشینی، نشانه برتری را نفی کرده؛ توانایی جسمی طالوت را معیار برگزیدگی او در این پست که نیاز اصلی آن است، دانسته و کسانی که ملاک برتری را مال و مقام دانسته‌اند، انتقاد شده است. بر اساس این آیه شریفه تناسب پست و مقام با شخصیت به خوبی رعایت شده است چرا که قدرت علمی (تخصص) و توانایی جسمی (تعهد)، دو شرط لازم برای فرماندهی لشکر است. (قرائتی، ۱۳۷۴: ۱/۳۸۴)

ب) توانایی علمی - تخصصی

منظور از توانایی علمی یعنی دانایی و توانایی در انجام دادن وظایف خاص که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه و شایستگی عملی در رفتار و فعالیت است. مهارت‌های فنی از طریق تحصیل، کارورزی و تجربه حاصل می‌شوند. مدیران معمولاً این مهارت‌ها را طی دوره‌های آموزشی یا کارآموزی فرا می‌گیرند نظیر دانش، فنون و روش‌های برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی، کنترل، حسابداری، امور مالی، کارگزینی، کارپردازی و غیره ویژگی بارز مهارت، فنی آن است که به بالاترین درجه شایستگی و خبرگی در آن می‌توان دست یافت زیرا این نوع مهارت دقیق، مشخص، دارای ضوابط عینی و قابل اندازه‌گیری است. (نظری راد، ۱۳۹۷). در تعبیر دیگر منظور از تخصص برخورداری فرد مورد نظر از دانش و تجربه لازم در یک شغل است. با این توصیف ضرورت و اهمیت آن روشن می‌شود، زیرا در سایه تخصص است که افراد به شایستگی می‌توانند از منابع و امکانات مادی و معنوی سازمان به صورت کارآمد و اثربخش استفاده نمایند و در غیر این صورت همه آنچه مورد استفاده قرار می‌گیرد به گونه‌ای تلف خواهد شد، چون در مورد و زمان مناسب خود استفاده نمی‌شود. معنای دیگر این ضرورت، همان شرط «مطابقت شغل با شاغل» و بالعکس است. این شرط با گستردگی بیشتر، شامل مطابقت شغل با شاغل از جهات مختلف چون مطابقت روانی، فرهنگی، تخصصی، و... می‌شود. این شرط به گونه‌های مختلف در مدیریت منابع انسانی مورد تأکید قرار گرفته است تا آنجا که تخصص یکی از مبانی اعطای پاداش محسوب می‌شود (سعادت، ۱۳۹۱: ۲۶۲).

با استناد به آیه پیشین، (بقره: ۲۴۷) و تصریح به توانایی علمی، می‌توان این معیار را نیز از معیارهای ضروری گزینش نیروی انسانی از منظر قرآن کریم بیان داشت. آیه دیگری که در این زمینه می‌توان به عنوان مؤید بیان داشت، آیه ۵۵ سوره مبارکه یوسف است که حضرت یوسف از حاکم مصر درخواست می‌کند که «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵) مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگه دارنده (حافظ) و

آگاهم. این آیه با تعبیر زیبایی «إِنِّي حَفِیْظٌ عَلَیْهِمْ» علاوه بر «امانت داری» از «توانایی علمی» سخن می‌گوید که نشانگر آن است که آگاهی و تخصص شرط لازم برای واسپاری مشاغل و مناصب به افراد است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۲/۴۳۰)

مواردی که از لازمه توانایی علمی به تناسب هرکاری می‌تواند به عنوان معیار مورد توجه قرار بگیرد:

ج) برخورداری از دانش و آگاهی نسبت به شغل

از آیاتی که در باره توانایی علمی و ضرورت آن بیان گردید به خوبی نقش و اهمیت برخورداری از دانش و آگاهی نسبت به کار و مشاغل سازمانی را بیان می‌کند. اهمیت این موضوع را در روایتی از رسول خدا ﷺ بیشتر روشن می‌شود. آن حضرت فرموده است: «إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا، فَمَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» ریاست شایسته نیست مگر برای شایسته اش؛ پس هر کس مردم را به خود بخواند و در میان مردم داناتر از او وجود داشته باشد، خداوند در روز قیامت به وی نظر نخواهد افکند (مفید، ۱۳۷۲: ۱/۲۵۱).

د) برخورداری از تجربه کافی

برخورداری از تجربه کاری از دیگر مؤلفه‌هایی است که می‌تواند در سنجش توانایی افراد مورد عنایت قرار گیرد. برخورداری از تجربه باعث می‌شود که افراد سازمانی بتواند به شکل بهتر با چالش‌ها در کار مواجه شوند و چالش‌ها و مسائل سازمانی به خوبی تجزیه و تحلیل نموده و برای حل آنها اقدام نمایند. امیر مؤمنان علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «الْأُمُورُ بِالتَّجَرِبَةِ، الْأَعْمَالُ بِالْخُبْرَةِ» کارها به تجربه است، و کردارها به کاردانی. (غرر الحکم: ۳۶،

ه) بهره‌گیری از عقل و هوش

سلامت عقلی و بهره‌گیری از عقل و هوش و رهایی از بی‌خردی و سبک مغزی از دیگر امتیازات و محسنات هر انسانی است. این مهم در انتخاب و گزینش نیروی انسانی از اهمیت بیشتری برخوردار است که سزاوار است مورد ملاحظه قرار گیرد. (طیب، ۱۳۷۶: ۱۹). آیه ۱۰ سوره ملک بیان می‌کند: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» آنگاه اهل دوزخ (با تأسف و حسرت باهم) گویند اگر ما سخن انبیاء را شنیده یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم امروز از دوزخیان نبودیم (ملک: ۱۰).

به تعبیر امام صادق علیه السلام: عقل، راهنمای مؤمن است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵/۱). هرگونه تصمیم‌گیری در باب فعالیت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان در اختیار عقل اوست و به هر میزان که عقل وی آزادتر و بالاتر باشد تصمیم‌گیری‌های وی نیز شایسته‌تر و دقیق‌تر خواهد بود؛ تعقل و خردورزی نه تنها به تولید و کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی ثمر بخش جهت می‌دهد بلکه در مقابل سبک مصرف انسان را نیز تعیین کرده و از مواردی که به دور از عقل و خرد است، مانند اسراف و تبذیر، ممانعت می‌کند. کاربرد درست منابع گوناگون از ثمرات خردورزی است.

و) برخورداری از مهارت ارتباطی

ارتباطات سازمانی از مهم‌ترین مباحث مدیریت رفتار سازمانی است. دلیل اهمیت آن هم این است که امروزه بخش اعظمی از مشکلات و مسائل نیروی انسانی در سازمان‌ها به نحوه ارتباطات آنها بر می‌گردد. برخورداری افراد سازمان از مهارت ارتباطی مناسب، می‌تواند در موفقیت سازمان‌ها و پیشرفت کارهای سازمانی اثرگذار باشد. خداوند متعال در آیه چهارم سوره قلم در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله، خُلق عظیم را برای ایشان ذکر می‌کند: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» و در حقیقت تو بر خلقی عظیم آراسته‌ای. (قلم/۴).

خوش برخورد بودن یکی از معانی حسن خلق است. امام صادق علیه السلام در پاسخ شخصی که از او خواسته بود تا حسن خلق را برای او تعریف کند، می‌فرماید: «ثَلَاثُ جَانِبِكَ، وَ تَطْيِيبُ

كلامك و تلقى اخاك ببشر حسن». با مردم با فروتنی برخورد کنی، سخنت عطر آگین باشد، و با برادر دینی خود با چهره باز و بشاش ملاقات نمایی» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۵۰۲۷/۱۴۲/۳).

همین خلق عظیم پیامبر گرامی اسلام باعث می‌شد که اشخاص مختلف با سلاقی مختلف مجذوب او شده و به سادگی با او ارتباط برقرار کند. سازمان یک محیط اجتماعی است و از ضروریات اجتماع روابط سالم و صمیمی است که افراد را وادار به همکاری و رفع مشکلات همدیگر می‌کند. هرگونه ناملاصحت، تند خویی، رفتار خشونت‌گفتاری و رفتاری و... در ارتباط با دیگران، زمینه همکاری را از افراد سازمانی سلب خواهد کرد.

دو) معیارهای ناظر به امانت داری

امانت داری به معنای حالتی است که انسان را به حفظ حقوق دیگران برانگیخته و او را از تضییع یا تصرف در آن باز می‌دارد. (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۸ / ۲۰۳). در تعبیر دیگر گفته شده است: مراد از امانت، مطلق تعهد است؛ چه امانت‌ها و تعهداتی که انسان را نزد خدای سبحان مسئول می‌کند؛ یا پیش افراد معین یا جامعه. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۱۸/۱۹) امانت معنی بسیار وسیع و گسترده‌ای دارد که شامل تمام مواهب الهی و نعمت‌های خدادادی می‌شود. از قرآن مجید و اسلام و ایمان و ولایت گرفته تا کوچک‌ترین مواهب مادی و معنوی همه در مفهوم وسیع امانت داخل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۸۵/۳).

مفسران در ذیل آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» ما امانت [تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه] را بر آسمان-ها و زمین و کوه-ها عرضه داشتیم، (احزاب/۷۲) در تفسیر کلمه «امانت» در آیه شریفه احتمالات متعددی ذکر کرده‌اند که دلالت بر وسعت مفهومی کلمه امانت دارد به این صورت که:

۱. منظور از امانت «ولایت الهیه» و کمال صفت عبودیت است که از طریق معرفت و

عمل صالح حاصل می‌شود.

۲. مقصود «عقل» است که ملائک تکلیف و مناطق ثواب و عقاب است.

۳. منظور «اعضاء پیکر انسان» است، چشم امانت الهی است که باید آن را حفظ کرد و در طریق گناه مصرف نمود، گوش و دست و پا و زبان هر کدام امانت-های دیگری هستند که حفظ آنها واجب است.

۴. منظور صفت «اختیار و آزادی اراده» است که انسان را از سایر موجودات ممتاز می‌کند.

۵. منظور «واجبات و تکالیف الهی» همچون نماز و روزه و حج است.

۶. مقصود «معرفت الله» است. (طباطبایی، ۳۵۲/۱۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۶۶ - ۷۲؛

قرطبی، ۱۳۶۸: ۱۴ / ۲۵۵؛ مکارم شیرازی، ۴۵۲/۱۷ - ۴۵۵).

بنابراین رعایت امانت تنها در مسائل مالی خلاصه نمی‌شود، بلکه مسائل اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، حکومتی و فردی را نیز دربر می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۲۲۵) با توجه به این مطلب می‌توان معیارهای ذیل را با استناد به آیات قرآن کریم به عنوان معیارهای گزینش ناظر به امانت داری بیان کرد:

الف) معیارهای اعتقادی

اعتقاد به جهان بینی الهی و عقاید حقّه اسلامی در زمینه‌های مختلف مبدءاً، معاد، نبوت، امامت و... از امتیازاتی است که سبب رجحان فرد بر کسانی می‌شود که به صورت کلی از آن محروم اند یا در مراتب پایین‌تری قرار دارند. (طیب، ۱۳۷۶: ۱۶)

اعتقاد به رسالت پیامبر اکرم ﷺ و به ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام و عمل به رهنمودهای آنان، همه امانت‌های الهی‌اند، چنان‌که حکومت و ولایت در روایات، مشمول یا مصداق امانت خوانده شده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۲۲۶). از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه کریمه (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا) پرسیده شد و آن حضرت علیه‌السلام فرمود: «أمر الله الإمام الأول أن يدفع إلى الإمام الذي بعده كل شيء عنده» (العروسی الحویزی: بی تا، ۴۹۶/۱).

از مستندات قرآنی که ارزشمندی عمل را در کنار ایمان دانسته‌اند نیز می‌توان بر ضرورت سلامت اعتقادی منابع انسانی تأکید داشت. در قرآن کریم ایمان و عمل صالح

توأمان و در کنار هم ذکر شده است. خداوند متعال صدور عمل صالح را از انسان با ایمان (صالح) مورد ستایش قرار داده است. به تعبیر دیگر عملی مورد تأیید قرآن است که هم حسن فعلی داشته باشد (هم عمل پسندیده باشد) و هم حسن فاعلی داشته باشد (فرد صالح آن را انجام دهد). در این کتاب الهی به صراحت بیان شده است که ارزش، عملکرد و جایگاه انسان مؤمن و درستکار با فرد فاسق و خرابکار یکسان نیست.

در آیه شریفه ۲۸ سوره ص می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟! (ص: ۲۸).

در آیه دیگری نیز چنین بیان شده است:

“فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ” آیا کسی که با ایمان باشد همچون کسی

است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند (سجده: ۱۸).

پر واضح است که در عملکردهای افراد نوع بینش افراد بر عملکرد ایشان تأثیر مستقیم داشته و معیار خوب و بد از نگاه افرادی که دارای اعتقادات و بینش‌های متفاوت هستند، تفاوت پیدا می‌کنند. این معیار از نظر قرآن کریم در صورتی که دو یا چند نفر در معیارهای دیگر تفاوتی نداشته باشند، به عنوان یک اولویت در انتخاب افراد محسوب می‌شود.

ب) معیارهای اخلاقی

سلامت اخلاقی و اخلاق صالح از مصادیق امانت الهی است و فرد امین به رعایت این امانت موظف است. (جوادی آملی ۱۳۹۰: ۱۹/ ۲۲۶). سلامت اخلاقی مؤلفه‌های مختلفی دارد که می‌توان برخی از مهمترین آن‌ها را که در ارتباط با کار، مشاغل و مناصب سازمانی است، بیان داشت:

صداقت و راستگویی

قرآن مجید از راستگویی به عنوان کلید کشف باطن اشخاص یاد می‌کند: «لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ» (محمد: ۳۰)؛ می‌توانی آنها (منافقان) را از طرز سخنانشان بشناسی. صداقت در اسلام چنان اهمیتی دارد که علاوه بر توصیه هر مسلمانی به آن، به همراهی با راست‌گویان نیز تأکید شده است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹) ای مؤمنان از خدا بترسید و همگام با راستان باشید. صداقت در گفتار و عمل است و راستی یکی از مهم‌ترین پایه‌ها و اصولی است که اساس جوامع انسانی را تشکیل می‌دهد، ترقی و عروج ملتها و امتها بر اساس پایبندی و التزام آنان به صداقت در کردار و گفتار آنان عیارگذاری می‌شود و از آن رو که انسان‌ها بر اثر نیازمندی‌های فراوان روحی و جسمی ناگزیرند به صورت اجتماعی زندگی کنند و آنچه بقای چنین حیاتی را تضمین می‌کند صداقت و راستی میان افراد جامعه است. (حسن زاده و عزیز خانی، ۱۳۹۰: ۹ / ۱۳۸)

وجدان کاری

چیزهایی که انسان، خوبی و بدی آنها را در باطن و درون خویش و بدون تعلیم کسی درک می‌کند، و به سان امور غریزی جزء سرشت او به شمار می‌روند، «وجدان اخلاقی» و یا «اخلاق فطری» نامیده می‌شوند. (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۴/۷۱) از جلوه‌های وجدان، داشتن وجدان کاری است؛ یعنی گوهر انسانیت آدمی ایجاب می‌کند که هر فعالیت و وظایفی را که انسان به عهده می‌گیرد به نیکوترین وجه ممکن به پایان رساند و از هرگونه سهل‌انگاری و مسامحه کاری پرهیزد. به دیگر سخن، منظور از وجدان کاری در کوتاه‌ترین و زیباترین کلام، خوب، دقیق و کامل انجام دادن کار است. (<http://noo.rs/tFdJu>)

وجدان کاری در هر مسئولیتی آن قدر مهم و ضروری است که رسول اکرم ﷺ حتی برای چیدن لحد نیز آن را لازم می‌داند: ابراهیم - فرزند خردسال رسول اکرم ﷺ درگذشت، وقتی او را در قبر نهادند و لحد را چیدند، رسول خدا ﷺ روزه‌ای در لحد مشاهده کرد و با دست خود آن را پوشاند، سپس فرمود: «هرگاه یکی از شما کاری انجام می‌دهد، آن را محکم و دقیق

انجام دهد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۳/۳).

بنابراین، شایسته است که در گزینش افراد برای فعالیت‌ها و مناصب سازمانی به این خصیصه اخلاقی توجه شده و افرادی به کار گمارده شود که دارای روحیه تلاش و مسئولیت‌پذیری بوده و وظایف خود را به بهترین شکل انجام دهد.

نظم و انضباط کاری

یکی از متغیرهای کلیدی در رشد و توسعه هر سازمان نظم و ترتیب در امور و داشتن کارکنانی منضبط است؛ نظمی که بر اطاعت و احترام متقابل بین سازمان و کارکنانش مبتنی است و برای موفقیت در کار ضرورت دارد زیرا در سایه همین نظم و انضباط است که بسیاری از دغدغه‌های سازمانی مرتفع می‌شود و بستر امنیت پایدار در سازمان حکمفرما خواهد شد. (<https://www.forsatnet.ir>). دارا بودن انضباط کاری به معنای پرهیز از هرگونه سستی و نظم و ترتیب و آراستگی از عمده‌ترین آداب انسانی است که اسلام بسیار بر آن تأکید دارد و بی‌رعایت آن، تواناترین افراد به توفیق دست نخواهند یافت. (جوادی آملی، بی‌تا: ۳۱۹)

امیر بیان امام علی علیه السلام در منشور حکومتی خطاب به مالک اشتر نخعی چنین فرمود: کارها را با دقت و در زمان خاص خود انجام ده، زیرا هر زمانی کاری مخصوص به خود دارد. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، بند ۱۰۴-۱۱۴). بر این اساس توجه به این معیار و انتخاب افرادی که دارای سابقه نظم در کار و مسائل سازمانی است، موجب می‌شود که سازمان پیشرفت کند.

صبر و پایداری

صبر و پایداری عبارت است از ثبات و آرامش نفس در سختی‌ها، بلاها و مصایب و پایداری و استقامت در برابر آنها به طوری که از گشادگی خاطر و شادی آرامشی که پیش از حوادث داشت، بیرون نرود و زبان خود را از شکایت و اعضای خود را از حرکات ناهنجار، نگاه دارد. (نراقی، ۱۴۲۲: ۲۸۱/۳)

صبر از مفاهیم بسیار مهمی است که در سرلوحه دستورهای سرنوشت ساز قرآن قرار گرفته است. این واژه در ۴۵ سوره از سور قرآن کریم، بیش از صد مرتبه و در بیشتر کتب اخلاقی مطرح شده و بیانگر اهمیت این موضوع است. در سایه داشتن ویژگی صبر و پایداری است که انسان می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، رشد و تکامل نموده و به اهداف خویش دسترسی پیدا نماید. (بدرالدین، صبر: <http://pajoohe.ir>). قرآن کریم در آیه ۱۵۳ سوره بقره آورده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» ای اهل ایمان! در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر خدا و نماز، توسل جوئید که خدا یاور بردباران است. (بقره: ۱۵۳)

هر سازمانی همانگونه که در یک زمانی در حال اوج و پیشرفت است، در زمان دیگر ممکن است با ناملایماتی درگیر شود، همچنانکه کارهای سازمانی مشقت‌ها و سختی‌های خود را دارد. در چنین مواقعی هر سازمانی نیازمند کارمندان صبور و اهل استقامت است که بتواند با استعانت از صبر و استقامت کارها را به پیش ببرد. بنابراین گزینش افرادی با چنین خصیصه‌ای سبب می‌شود که سازمان را به سمت موفقیت سوق یابد و در مسیر ترقی و پیشرفت قرار گیرد.

حفظ اسرار و آبروی دیگران

اسرار مردم نزد یکدیگر امانت است، چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «المجالس بالأمانة» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۶۰/۲) پس این اسرار باید پنهان بمانند؛ همچنین حفظ اسرار جامعه اسلامی که مهم‌تر است بر همگان واجب است. آبروی افراد نیز از امانات شمرده می‌شود و فرد امین باید افزون بر حفظ آبروی دیگران از آبروی جامعه اسلامی نیز پاسداری کند (جوادی آملی، همان: ۲۲۷). بنابراین در انتخاب و گزینش افراد، ضرورت دارد که افرادی به کار گمارده شوند که بتوانند اسرار افراد و سازمان باشند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار بیان گردید که مسئله‌گزینش همانگونه که در مباحث سازمانی مطرح است، در قرآن کریم نیز مورد توجه قرار داده شده و در این کتاب الهی بحث‌گزینش و انتخاب از سنت‌های الهی = مطرح شده و خداوند متعال با به کارگیری واژه «اصطفی»، برگزیدگان خود را معرفی کرده است. از بسیاری از آیات قرآن کریم می‌توان معیارهای انتخاب و گزینش افراد را در ارتباط با مناصب و مشاغل سازمانی بدست آورد. در این پژوهش با تمرکز به آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه قصص، به دو معیار کلی توانایی و امانت‌داری اشاره شده و ناظر به همین دو معیار کلی، مؤلفه‌های مختلفی را در ارتباط با گزینش و انتخاب افراد سازمانی بیان کرده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: مؤسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن عاشورا التونسی، محمد بن محمد الطاهر، تونس: الدار التونسیه، ۱۹۸۴ م.
۴. توکلی، عبدالله و گائینی ابوالفضل، مدیریت منابع انسانی با رویکرد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ادب قضا در اسلام، قم، مؤسسه اسراء، بی تا.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم: انتشارات اسراء، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۷. حسن زاده، مهرداد و عزیزخانی، عبد العظیم اصول ومبانی مدیریت در اسلام، انتشارات هنر آبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.
۸. رحیمی، محمد رضا؛ معیارهای گزینش نیروی انسانی از منظر امام علی (ع)، مجله کوثر معارف، تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۱۷۱۴.
۹. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دار الحديث - قم. تاریخ الاصدار: ۱۴۲۲ هـ.
۱۰. سبحانی تبریزی، جعفر، نظام اخلاقی اسلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. سعادت، اسفندیار، مدیریت منابع انسانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱ ش.
۱۲. شیخ مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، بیروت - لبنان، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، فی علوم القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت - لبنان، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. طوسی، محمد علی و صائبی، محمد، مدیریت امور کارکنان ومنابع انسانی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵.
۱۷. طیب، مهدی، معیارهای عمومی شایستگی و برتری نیروی انسانی در مدیریت اسلامی، مدیریت دولتی، شماره ۳۶، سال ۱۳۷۶.
۱۸. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۱۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۷۴.

۲۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۸.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.
۲۳. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص/تحقیق علی اکبر غفاری، محمود زرندی، بیروت، دارالمفید، ۱۳۷۲
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۶
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه تهران دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول ۱۳۷۴.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۷. نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۲ ه ق.
۲۸. نظری راد زهرا، مهارت‌های سه گانه مدیریت، ۱۴ مهر ۱۳۹۷: www.aftab.ir
۲۹. <http://noo.rs/tFdJu>
۳۰. نقش و جایگاه انضباط در سازمان ها: <https://www.forsatnet.ir/the-role-and-place-of-discipline-in-organizations.html>

ظرفیت‌های جسمی جوانان و مدیریت آن‌ها برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

روح اله مقدسی^۱ (نویسنده مسئول)

مجید حیدری فر^۲

محمد رضا جواهری^۳

آمنه قلی پور^۴

چکیده

جوانی از مهم‌ترین فرصت‌های زندگی مظهر پویایی و سازندگی است. بیانیه گام دوم منشوری است در دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی برای ملت ایران به ویژه جوانان به عنوان هسته اصلی مخاطبان در این بیانیه. شناخت ظرفیت‌های جسمی جوانان از جمله قدرت جسمی بالا و ارائه راهکارهای مدیریتی مانند اطاعت کامل از دستورهای الهی و رویکرد به ورزش برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ضروری است. این شناخت برآمده از آموزه‌های قرآن مجید و احادیث پیشوایان معصوم به

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف. دانشگاه فردوسی مشهد. ro.moghadasi@chmail.ir

۲. استاد سطوح عالی و دروس خارج حوزه علمیه قم dr.mheidarifar313@yahoo.com

۳. استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد javaheri@um.ac.ir

۴. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده هدی (جامعه الزهراء) amaneh.gholipour@chmail.ir

جوانان کمک می‌کند تا عمر خودشان را در راه بندگی خدای والا سپری کنند و روح ناآرامشان را آرامش بخشند و به چکادهای برافراشته سعادت و کمال بار یابند. پرداختن تحلیلی به ظرفیت‌های جسمی و ارائه راهکارهای مدیریت صحیح آن‌ها برای تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی، بر اساس آیات و روایات و چیدمان منطقی و دسته‌بندی گویا و نگارشی روان از نوآوری‌ها و برجستگی‌های این نوشتار به شمار می‌آید. روش پژوهش این مقاله، نقلی و حیانی (گزارش و تحلیل دلالتی متون آیات و روایات) و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و پردازش متن مقاله، به شیوه تبیینی و تحلیلی است.

واژگان کلیدی: جوانان، گام دوم انقلاب، ظرفیت‌های جسمی، مدیریت، راهکارها.

مقدمه

بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان، که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافده) هست» نزدیک خواهد کرد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، جوانان را محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی قرار داده که می‌توانند مسیر تمدن‌سازی را محقق کنند. ایشان بارها در این بیانیه بر اعتماد به جوانان تأکید کرده، به‌گونه‌ای که در این بیانیه ۴۱ بار واژه جوانان به کار رفته است. این میزان اهتمام نشان می‌دهد مقام معظم رهبری به جوان اعتقاد بسیاری دارند، البته این به معنای پیرزدایی نیست، بلکه جوان به دلیل سلامتی برتر، انرژی بیشتر و ریسک‌پذیری بالاتر می‌تواند در کنار تجربه مدیران سابق منشأ تحولات و پیشرفت باشد.

در بیش از چهار دهه گذشته بیشتر کارهای انقلاب را جوانان انجام داده‌اند؛ در دفاع مقدس جوانان نقش‌آفرینی کردند و پس از آن نیز کارهای انقلاب و نظام اسلامی را جوانان پیش بردند. مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی به‌خوبی نقش مهم جوانان را در پیشرفت روزافزون ایران در عرصه‌های مختلف به‌ویژه علمی نمایان کرده است.

باید ظرفیت‌های جوانی را که جای مدیریت‌های اساسی است به‌خوبی شناخت و باتیزینی این نعمت خدادادی را مدیریت و از آن بهره‌برداری کرد، زیرا این فرصت رفتنی است و ضایع ساختن آن چیزی جز اندوه و پشیمانی را به ارث نمی‌گذارد.

از آنجا که ضرورت جوان‌گرایی در مقطع کنونی برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیش‌تر از هر زمانی احساس می‌گردد، شایسته دیدیم که با توجه به اهمیت موضوع و سخنان و تأکیدهای رهبری در بیانیه گام دوم، تحقیقی با عنوان ظرفیت‌های جسمی جوانان و مدیریت آن برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم از منظر قرآن و حدیث انجام دهیم.

پرداختن تحلیلی به برخی از ظرفیت‌های جسمی جوانان که عبارتند از: برخورداری از برترین سلامتی، قدرت جسمی بالا و فوران غرائز و ارائه راهکارهای مدیریت صحیح آن‌ها برای تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی، بر اساس آیات و روایات و چیدمان منطقی و دسته‌بندی گویا و نگارشی روان از نوآوری‌ها و برجستگی‌های این نوشتار به شمار می‌آید. روش پژوهش این مقاله، نقلی و حیانی (گزارش و تحلیل دلالتی متون آیات و روایات) و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و پردازش متن مقاله، به شیوه تبیینی و تحلیلی است. در این نوشتار تلاش خواهد شد رسالت نسل حاضر به ویژه جوانان نسبت به ظرفیت‌های جسمی بیان شود، تا بتوان با تکیه بر آن در مسیر تحقق اهداف بیانیه گام دوم قدم برداشت. در این راه از خدای والا مدد می‌خواهیم و این آرزو را در خود می‌پرورانیم که در سال‌های نزدیک به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه جوانان ما مهدوی باشند و راه مولایمان را ادامه دهند.

۱. مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به تبیین و تحلیل کارکرد ظرفیت‌های جسمی جوانان در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ارائه گزارشی کوتاه از معانی واژگان تحقیق بایسته است:

۱. بیانیه: اطلاعیه یا نوشته‌ای که از سوی سازمان، حزب، یا شخص مسئولی در زمینه خاصی صادر می‌شود و اطلاعاتی را به تفصیل بازگو می‌کند. (حسن انوری و همکاران، ۲: ۱۱۰۰/۱۳۸۱)

۲. ظرفیت: از لحاظ لغوی اسم مصدر عربی است. خلیل درباره معنای ظرف می‌نویسد: «هُوَ الْبَرَاعَةُ وَ ذُكَاءُ الْقَلْبِ» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۸ / ۱۵۷)؛ ظرف زیرکی و باهوش بودن است.

در زبان فارسی ظرفیت قابلیت گنجاندن چیزی در خود، بیش‌ترین حد یا میزان گنجایش، توانایی پذیرش چیزی یا انجام کاری، قدرت تحمل، اندازه و میزان معنا شده است. (انوری، ۱۳۹۰ش: ۵ / ۴۹۲۹)

ظرفیت در اصطلاح روان‌شناسی عبارت است از توانایی افراد و سازمان‌ها یا واحدهای سازمانی برای اجرای وظائف خود به صورت اثربخش (effectively)، کارآ (efficiently) و پایدار (sustainably). (گنجی، ۱۳۸۹ ش: ۲۲۶)

بر این اساس، مراد از واژه ظرفیت در رابطه با جوان و دوران جوانی همان ویژگی‌ها و توانایی‌های خدادادی جوان است.

۳. جوان: به معنای هر چیزی است که از عمرش زمان بسیاری نگذشته باشد، انسان یا حیوان یا نبات؛ در مقابل پیر و شیخ. (معین، ش ۱۳۸۰: ۳۶۰ و حسن انوری و همکاران، ۲: ۱۱۰۰/۱۳۸۱)

در قرآن کریم و احادیث واژه‌های گوناگونی بیانگر جوان هست. دو تعبیر رایج در این زمینه عبارتند از:

۱. «فَتًی» از ریشه «فت‌ی» یا «فت‌و» است که در قرآن کریم و احادیث آمده است. ابن فارس در معنای آن می‌نویسد: «يَدُلُّ عَلَى طَرَاوَةٍ وَجِدَّةٍ» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۴/۴۷۳)؛ بر شادابی و جدید بودن دلالت می‌کند.

۲. واژه «شَاب» از ریشه «ش‌ب‌ب» در معنای لغوی آن آمده است: «يَدُلُّ عَلَى نَمَاءِ الشَّيْءِ وَ قُوَّتِهِ فِي حَرَارَةٍ تَعْتَرِيهِ» (همان: ۱۷۷/۳)؛ بر شکوفایی و برخورداری از حرارت دلالت می‌کند.

این دو معنا باید در جوان وجود داشته باشد؛ یعنی جوان باید با نشاط و شاداب باشد و ایستا نیز نباشد و همواره نوآوری و شکوفایی داشته باشد تا به سوی کمال پیش برود. این شادابی نباید فقط ظاهری باشد؛ بلکه باید با شادکامی همراه باشد؛ یعنی چنان دل‌شاد باشد که در اوج مشکلات امید داشته باشد، از این‌رو «جوانی» در اصطلاح قرآن به دو معنا به کار رفته است:

أ) مرز خروج از دنیای کودکی، رسیدن به مرحله بلوغ جنسی است: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (النور: ۵۹)؛ هنگامی که کودکان تا

به بلوغ رسیدند باید [برای ورود به اطاق ویژه و خلوتتان] اجازه بگیرند، همان‌گونه که بزرگسالان پیش از آنان [در آن شرایط خاص] اجازه می‌گرفتند.

بر این اساس، نوجوانی از این زمان شروع می‌شود و انسان به مرحله جوانی می‌رسد که به تعبیر قرآن مرحله بلوغ اشد است؛ اما برای پایان این دوران در قرآن اشاره به سن چهل سالگی شده است، چنانکه خدای والا می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِإِلَادِهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً...» (الأحقاف: ۱۵)؛ و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج و زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید. و دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر سی ماه است، تا زمانی که به رشد و نیرومندی خود و به چهل سالگی برسد.

آری از نظر قرآن انسان تا سن چهل سالگی جوان به شمار می‌آید و باید برای رشد خود بکوشد.

ب) گاه منظور قرآن کریم از جوان، افراد با ایمانی است که دارای فتوت و جوانمردی و رشادت هستند؛ آن‌گونه که خدای والا در برخی آیات قرآن به افرادی که ایمان و تقوای الهی آنان را غیرتمند کرده، لقب جوان داده است. درباره اصحاب کهف می‌فرماید: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (الکهف: ۱۳)؛ ما خبر [عبرت آموز] شان را به حق و درستی برای تو بیان می‌کنیم: آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «... أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ كَانُوا كُلُّهُمْ كُهُولًا، فَسَمَاهُمُ اللَّهُ فِتْنَةً بِإِيمَانِهِمْ...» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۳۲۳/۲)؛ اصحاب کهف پیرمردانی بودند که خدا به سبب ایمان شان آن‌ها را جوان نامید.

این معنا مفهوم زیبایی را در خود دارد؛ یعنی افراد با ایمان قلب‌های جوانی دارند و ایمان در زمینه مساعد و با برکت روح جوان به شکوفائی می‌رسد.

یک) جوانی از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت سر پا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کارافتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند؛ حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید - شهید سلیمانی، و بنده شب و روز به یاد او هستم - شصت و چند سال سِتَش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده می‌ماند و بنده زنده می‌ماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه می‌داشتم، یعنی کنار نمی‌گذاشتم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه خوبی را می‌توانند انجام بدهند.» (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5399>)

پس نباید با نگاه شناسنامه‌ای به جوان، محدودیت سنی ایجاد کنیم؛ چرا که برخی از ویژگی‌ها از جمله روحیه انقلابی‌گری، نوآوری و پیشرفت، انگیزه و تحول می‌تواند معیارهای جوانی باشد. زمانی که انقلاب رخ داد چون نیروی باتجربه نداشتیم از جوانان بیشتر استفاده شد؛ اما امروز نیروی باتجربه داریم و باید همانطور که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آمده از ترکیب نیروی باتجربه و نیروی جوان استفاده کنیم که بهتر است با غلبه جوانان باشد. جوانان باید به چرخ‌دنده‌های حرکت تبدیل شوند، مدیر باید آدم باتجربه‌ای باشد که این ماشین را حرکت دهد.

۴. مدیریت: مدیر و مدیریت هر دو عربی هستند، مدیر اسم ثلاثی مزید از مصدر «إدارة» است و مدیریت هم اسم مصدر است که از مدیر گرفته شده است. هرسه (مدیر و مدیریت و اداره) در اصل از ماده «دَوَر» گرفته شده‌اند، که صاحب کتاب مقایس اللغة در معنای آن می‌نویسد: «يَدُلُّ عَلَى إِحْدَاقِ الشَّيْءِ بِالشَّيْءِ مِنْ حَوَالِيهِ» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق:

۳۱۰/۲؛ دَوَر بر گردیدن شیئی به اطراف شیء دیگر دلالت می‌کند. پس مدیر به معنای گرداننده و مدیریت به معنای گرداندن است.

مدیریت در زبان فارسی به معنی توانائی و شایستگی اداره جائی با رهبری و کنترل فعالیت‌های در حال انجام برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر است. (حسن انوری و همکاران، ۶۸۳۱/۱۳۸۱:۷)

دو) مدیریت در اصطلاح علوم اجتماعی

نویسندگان و پژوهشگران مختلف هر کدام از منظری به تعریف مدیریت پرداخته‌اند، به عنوان نمونه آن را «فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت بر کار اعضای سازمان و کاربرد کلیه منابع قابل دسترسی برای رسیدن به اهداف تعیین شده سازمان» (رایینز، استیفن پی و سنزو، دیوید ای دی، مبانی مدیریت، ۱۳۹۱ش: ۱۹) تعریف کرده‌اند؛ زیرا مدیران با اتخاذ تدابیری برای انجام کارها، اهداف سازمان را محقق می‌کنند.

استاد شهید مطهری (رضوان الله علیه) مدیریت را این‌گونه تعریف می‌کند: «مدیریت انسان‌ها عبارت است از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آن‌ها.» (مطهری، ۱۳۷۸ش: ۴/۶۰۵)

درباره معنای اصطلاحی مدیریت تعاریف دیگری نیز آمده، از جمله: (پیروز و دیگران، ۱۳۹۴ش: ۶؛ نبوی، ۱۳۸۰ش: ۳۳؛ مقیمی، ۱۳۹۴ش: ۵۷)

سه) مدیریت از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در تعریف مدیریت، قائل به مدیریت جهادی هستند و مدیریتی را قبول دارند که جهادی باشد. ایشان می‌فرمایند: «برای شکوفایی اقتصاد کشور، به کاری احتیاج داریم که هم مجاهدانه باشد، هم عالمانه باشد. با تنبلی، با بی‌حالی، کم‌انگیزگی، مسئله اقتصاد کشور حل نخواهد شد. کار جهادی باید انجام بگیرد، مدیریت‌های جهادی باید بر مسائل اقتصادی کشور احاطه داشته باشند... کار جهادی یعنی کاری که هم در آن

تلاش هست، خستگی ناپذیری هست، هم اخلاص هست؛ [یعنی] انسان می‌فهمد که برای خودش، برای پُر کردن کیسه‌ی خودش کار نمی‌کند، دارد برای مردم کار می‌کند، برای خدا کار می‌کند؛ هم این، و هم عالمانه؛ یعنی بنشینند و با موازین علمی، با شیوه دقیق عالمانه راه‌های صحیح را پیدا کنند؛ هم باسواد باشند، کارآمد باشند، هم امکانات گوناگونی داشته باشند؛ اینها بنشینند کار کنند؛ اقتصاد کشور قطعاً شکوفایی پیدا خواهد.» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5386>، ۱۳۹۸/۰۱/۰۱).

چهار) تعریف برگزیده این مقاله

مدیریت ظرفیت‌های جسمی جوانان “فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن این ظرفیت‌ها و به‌کار بردن آن‌ها بصورت جهادی برای رسیدن به هدف‌ها و آرمان‌های مورد نظر است.”

۲. پیشینه تحقیق

در این پژوهش ظرفیت‌های جسمی جوانان و مدیریت آن‌ها برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث را بررسی می‌کنیم که این موضوع تا کنون به شکل مورد نظر در هیچ کتاب یا مقاله‌ای مطرح نشده است. حول محور این بیانیه نگاشته‌ها و نشست‌های زیادی نوشته و برگزار شده، که از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. همایش بین‌المللی بیانیه گام دوم انقلاب و جهان اسلام ۲. همایش ملی جستارهای پژوهشی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب ۳. بررسی دلایل ضرورت ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری ۴. راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) ۵. کتاب روش‌شناسی تفسیر متن به متن در بیانیه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در گام دوم انقلاب اسلامی (بسیج اساتید ۱۳۹۸) ۶. کتاب بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن‌سازی نوین ۷. کتاب بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به

ملت ایران.

همان طور که از عناوین مشخص است این پژوهش‌ها در مقام تبیین و تفسیر بیانیه هستند، ولی ما برآن شدیم در تحقیقی جامع ظرفیت‌های جسمی جوانان و مدیریت آن‌ها برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را بررسی کنیم و این کاری است که به طور خاص صورت نگرفته است.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

انقلاب اسلامی از زمان به وجود آمدن تاکنون از پویایی خارج نشده است. خیلی از انقلاب‌ها طی یک حرکت و جنب‌وجوشی برای رسیدن به نقطه مطلوب آغاز می‌شوند و در نقطه‌ای به پایان می‌رسند، اما انقلاب اسلامی همچنان پویا است؛ گاهی نیز انقلاب به ثمر می‌رسد و بعد از مدتی ارزش‌های آن را کنار می‌گذارند، اما انقلاب ما قرار است در طول مسیر ادامه داشته باشد و پویایی را از دست ندهد برای این کار احتیاج داریم به افرادی که پویایی داشته باشند.

بی‌شک جوانان از ظرفیت‌های فراوان جسمی پویا برخوردارند که با شناختی درست، می‌توان راهکارهایی برای مدیریت آن‌ها بیان کرد:

یک) برخورداری از برترین سلامتی

استفاده بهینه از نعمت سلامتی و جوانی برای دستیابی به سعادت در معارف دینی مورد تأکید قرار گرفته، به‌گونه‌ای که بیش از ۳۰۰ آیه درباره سلامت و سالم زیستن در قرآن کریم وجود دارد.

امام علی (ع) در تفسیر آیه «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...» (القصص: ۷۷) می‌فرماید: «لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ وَ غَنَاكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهِ الْآخِرَةَ» (ابن اشعث، بی‌تا: ۱۷۶ و ابن بابویه، ۱۳۷۶ش: النص/۲۲۸)؛ سلامت و نیرومندی و جوانی و نشاط و بی‌نیازی خود را فراموش نکن و در دنیا از آن بهره ببر و متوجه باش که از آن سرمایه‌ها به نفع

آخرت استفاده کنی.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِيهِ لَمْ يَتَهَنَّ بِالْعَيْشِ الصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالْغِنَى وَالْقَنَاعَةَ وَالْأَنْيَسَ الْمُوَافِقُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۹۱)؛ پنج چیز است که اگر کسی نداشته باشد، از زندگی لذت نمی‌برد: سلامت و امنیت و بی‌نیازی و قناعت و مونس همراه.

در سخنان پیشوایان معصوم بر توجه به ارزش جوانی و استفاده بهینه از نعمت سلامتی تأکید بسیاری شده، چون سلامتی انسان در جوانی پیش از هر زمان دیگر است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شَيْئَانِ لَا يَعْرِفُ فَضْلَهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا: الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۴۱۴ و ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ ق: ۲۸/۲)؛ دو چیز است که قدر و قیمتشان را نمی‌شناسد، مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد: جوانی و تندرستی.

سلامتی از نعمت‌های گرانقدر الهی است که با وجود آن بدن مسیر طبیعی خود را می‌پیماید و اگر نباشد زندگی برای انسان تلخ می‌شود و دیگر نعمت‌ها و لذت‌ها نیز شیرین نخواهند بود؛ اگر چه فرد ثروتمند باشد و امکانات فراوان و بی‌نظیری نیز در اختیار داشته باشد.

بسیاری از مردم فکر می‌کنند که فقط تغذیه است که باعث جوان ماندن و شادابی در انسان می‌شود و مسائل معنوی در این قضیه دخیل نیستند؛ اما در قرآن خدا مهم‌ترین رکن جوانی و سلامت را ایمان می‌داند: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (الکهف: ۱۳)؛ ما خبر [عبرت آموز] شان را به حق و درستی برای تو بیان می‌کنیم: آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «... أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ كَانُوا كُلُّهُمْ كُهُولًا، فَسَمَّاَهُمُ اللَّهُ فِتْنَةً بِإِيْمَانِهِمْ...» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۲/۳۲۳)؛ اصحاب کهف پیرمردانی بودند که خدا به سبب ایمان‌شان آن‌ها را جوان نامید.

یکی از برترین نعمت‌هایی که خدای والا در اختیار انسان نهاده، نعمت «سلامتی و

صحت جسم و جان» است.

سیستم منظم و دقیق موجود در بدن انسان به گونه‌ای طراحی شده است که در صورت رعایت تمامی اصول و ضوابط بهداشت فردی و اجتماعی، درصد ابتلای انسان به بیماری و امراض گوناگون را تا حد امکان منتفی می‌نماید؛ لکن گاه شخص خواه ناخواه در معرض بیماری قرار می‌گیرد.

تمامی نعمت‌هایی که خدا به انسان ارزانی داشته، به منظور بکارگیری آنان برای رستگاری و رسیدن به سعادت اُخروی است و نعمت سلامتی نیز از این قاعده مستثنی نیست. به این ترتیب کسی را که بیماری جسمی ندارد نمی‌توان سالم دانست؛ بلکه شخص سالم کسی است که از سلامت روح نیز برخوردار و از نظر اجتماعی در آسایش باشد؛ زیرا پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که ممکن است ریشه بسیاری از ناتوانی‌های جسمی، نابسامانی فکری و عاطفی باشد؛ به طور مثال دلهره‌ها و ناراحتی‌های فکری می‌تواند عامل مهمی در ایجاد زخم‌های معده باشد و چون دلهره و بسیاری از احساسات عاطفی انسان در اثر زندگی با مردم و به علت فرهنگ جامعه به وجود می‌آید، سلامت جسم تا حد زیادی به سلامت فکر و شرایط فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌شود و به عبارت دیگر تندرستی یا سلامت سه بعد جسمی، روانی و اجتماعی دارد.

همه مردم به طور طبیعی خواهان سلامت هستند و از بیماری هرچند خفیف باشد، ناراضی و گریزان‌اند؛ ولی هدف افراد در این خواسته متفاوت است. برخی دستگاه تعقل و تفکر خود را در مطالعه نظام حکیمانه عالم و شناخت آفریدگار توانا به کار بسته و عالم را پدیده تصادف پنداشته و به آخرت عقیده ندارند. اینان انسان را فقط از دیدگاه مادی و لذت‌گرایی می‌نگرند و پیرو خواسته‌های خویش هستند. سلامت را به این سبب می‌خواهند که بتوانند با نشاطی بیشتر و رغبتی فزون‌تر تمایلات حیوانی خود را هرچه بیشتر و بهتر پاسخ دهند.

خدای والا در معرفی این گروه می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ

قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (الأعراف: ۱۷۹)؛ و مسلماً بسیاری از جتّیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم [زیرا] آنان را دل‌هایی است که به وسیله آن [معارف الاهی را] در نمی‌یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه‌های حق را] نمی‌بینند، و گوش‌هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی‌شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه‌ترند؛ اینانند که بی‌خبر و غافل [از معارف و آیات خدای] اند.

اینان دستگاه تعقل و تفکر دارند؛ اما آن را در درک حقایق به کار نمی‌گیرند، چشم دل دارند؛ ولی از آن برای دیدن واقعیت‌ها استفاده نمی‌کنند، گوش دل دارند؛ اما نمی‌خواهند سخنان حق را بشنوند. اینان گرچه در ظاهر به صورت انسان‌اند؛ ولی در واقع همانند دام‌ها بلکه گمراه‌ترند.

گروه دیگر عقلشان را به کار بسته و در نظام جهان فکر کرده و به خوبی دریافته‌اند که محال است این عالم منظم و حساب شده بدون آفریدگار عالم و حکیم به وجود آمده باشد. از این رو، نظریه مادیون را باطل شناخته و به الاهیون پیوسته‌اند؛ اما در این باره فکر نکرده‌اند که چرا خالق حکیم در کره زمین فقط انسان را از مزایای عقل و هوش بسیار و قدرت تکلم و فراگرفتن علم و سلطه بر جهان طبیعت و دیگر معیارهای ارزشی انسانی برخوردار کرده و حیوانات را از این عطایا بی‌نصیب آفریده است.

آیا خدا از خلقت انسان هدفی نداشت؟ آیا بشر عاقل در پیشگاه الاهی مسئولیتی ندارد؟ آیا انسان‌ها در زمین بی‌هدف آفریده شده‌اند و می‌توانند مرتکب هر ناروائی شوند؟ خدای والا در این باره فرمود: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (المؤمنون: ۱۱۵)؛ آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم، و اینکه به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

این گروه گرچه الاهی هستند؛ ولی در عمل مانند مادیون گام برمی‌دارند و چون به دعوت پیامبران توجه نکرده‌اند، خویشتن را آزاد و رها می‌پندارند و نعمت سلامت را فقط

برای اقناع بُعد حیوانی خویش می‌خواهند. رسول اعظم (ﷺ) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَرِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةً إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصَرَ عَمَلُهُ وَ دَنَا عَذَابُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۱۶/۲)؛ کسی که نعمت الاهی را درباره خود منحصر به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها بداند، عملش نارسا و کوتاه است و عذابش نزدیک.

گروه سوم کسانی هستند که به آفریدگار و پروردگار جهان ایمان دارند، دعوت پیامبر (ﷺ) را اجابت کرده و به احکام الاهی و حلال و حرامش معتقدند. اینان در مقام عمل، از جهت ادای فرائض و ترک محرمات با هم تفاوت دارند، بسیاری از آن‌ها کم و بیش اعمالشان آمیخته به گناه است. برترین این گروه، مسلمانانِ وظیفه‌شناس و درست‌کاری هستند که در انجام دادن واجبات و پرهیز از گناهان می‌کوشند. این گروه ممتاز مانند دیگر مردم خواهان سلامت هستند و هرگز نمی‌خواهند نعمت سلامتی را در راه ارتکاب کوچک‌ترین گناه صرف کنند؛ ولی بسیاری از آنان آگاهانه یا ناآگاه، در حال تندرستی به جلب مادیات حلال و اقناع تمایلات مشروع حیوانی بیش از جنبه‌های معنوی و انسانی ابراز علاقه می‌کنند.

امام زین‌العابدین (علیه السلام) در دعای خود از پیشگاه خدای حکیم آن گونه از تندرستی را می‌طلبد که فقط در راه عبادتش مصرف گردد و سبب تعالی معنوی و تکامل انسانیتش شود: «وَ ارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ» (علی بن الحسین، امام چهارم (علیه السلام)، ۱۳۷۶ش: ۱۰۰)؛ خدایا به من سلامت عطا فرما تا در راه عبادتت به کار برم.

دو) مدیریت سلامتی

برای مدیریت این ظرفیت جسمی جوانان، راهکارهایی را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:
یکم. راهکارهای وادارنده و تقویت کننده

أ) اطاعت کامل از دستورهای الاهی برای استفاده بهتر از سلامتی؛ برای نمونه جوانان باید سعی کنند نمازهای واجب را در اول وقت و روزه ماه رمضان را با آداب و شرائط مخصوص بجا آورند؛ چنانکه پیامبر اعظم (ﷺ) می‌فرماید: «صُومُوا تَصِحُّوا» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ۳۴۲/۱)؛ روزه بگیرید تا سلامتی خود را تضمین کنید.

سلامتی انسان موجب بالا رفتن سطح فعالیت های اجتماعی و خانوادگی فرد می شود و علاوه بر این فرد سالم می تواند رابطه بهتری با ذات اقدس الهی برقرار کند و نیایش های همیشگی داشته باشد تا به هدف والای خلقت که همان قرب الهی و پرستش ذات اقدس الهی است، دست یابد.

ب) ورزش سهم شایانی در تقویت سلامت جسمی و روانی دارد، چون خون بیش تری به اندام ها و بافت های بدن می رسد؛ در نتیجه قدرت انبساط و انقباض قلب افزایش می یابد و بدین سان قوی می گردد. تلاش های بدنی و تحرک جسمی فرد را از ابتلا به بیماری هایی چون فشار خون و نارسائی کلیه و اختلالات قلبی و عروقی و نابسامانی های روانی بازمی دارد.

کسی که مشغول فعالیت های ورزشی است، به تدریج به کنترل روحیه خویش می پردازد و عواطف و عقده ها و انگیزه های او را اصلاح می کند و از این رهگذر به تقویت روحیه خودباوری می پردازد.

ت) آگاه کردن جوانان به اهمیت سلامتی؛ از آنجا که جوانان در برخورداری از سلامتی موقعیت برتری دارند، والدین باید آنان را آگاه کنند تا به این امر واقف باشند. همچنین زمینه بهره برداری از چنین نعمتی را برای آنان فراهم کنند، تا بتوانند از اوقات گران قدر عمر خویش بهره کافی ببرند و پایه های پرورش معنویت و سازندگی روحشان را بر مبنای سلامتی استوار سازند.

دوم. راهکارهای بازدارنده و ممانعت کننده

أ) پرهیز از ارتکاب اعمال مخالف سلامت؛ سلامتی گوهری پرارزش است. هر انسانی که بخواهد آن را حفظ کند و از خطر مصونش دارد، باید همواره متوجه آن باشد و مراقبت های لازم را برای محافظت ش معمول دارد. پیامبر اعظم (ﷺ) در این مورد می فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ الصِّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعُ خِصَالٍ قِلَّةُ الْكَلَامِ وَ قِلَّةُ الْمَنَامِ وَ قِلَّةُ الْمَشْيِ وَ قِلَّةُ الطَّعَامِ» (ابن شاذان قمی، ۱۳۶۳ ش: ۱۵۳)؛ هر کاری را چاره ای است و چاره تندرستی در دنیا چهار چیز است: کم سخن گفتن، کم خوابیدن (خواب کافی)، کم راه رفتن و کم

خوردن.

ب) پرهیز از بی خوابی در شب؛ قرآن کریم توجه زیادی به داشتن خواب شبانه داشته؛ چراکه خواب شبانه موجب تقویت حافظه و رفتارهای عادی سلول‌های مغز و توانایی کار و خلاقیت در روز می‌شود. خدای حکیم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَاقِمُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (الروم: ۲۳)؛ و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او خواب شما و جستجویتان برای تأمین معاش در شب و روز است، یقیناً در این [امور] نشانه‌هایی است برای مردمی که گوش شنوا دارند.

علاوه بر این خدای والا می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا» (الفرقان: ۴۷)؛ و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید.

از همین رو، پزشکان نیز تأکید ویژه‌ای بر خواب شبانه دارند؛ چرا که عدم خواب کافی علاوه بر اختلال در تمرکز، بروز چاقی، آشفتگی در چهره و... را در پی دارد.

سه) قدرت جسمی بالا

از منظر قرآن مجید انسان از زمان تولد، زندگی خودش را با ضعف آغاز می‌کند: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ ضَعْفٍ» و به تدریج بر قوت او اضافه می‌شود: «ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً» و این قدرت در جوانی به اوج خود می‌رسد؛ هرچند نیروی جوانی نیز همیشگی نیست، روزگار ضعف و ناتوانی به‌ویژه در دوران پیری از راه می‌رسد: «ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً» (الروم: ۵۴)

جوانی دوره کمال و نقطه اوج قدرت جسمی است، زیرا فرد به نقطه‌ای می‌رسد که تقریباً از بُعد جسمی رشد نمی‌کند و اندام‌های او به عالی‌ترین حد توان و استحکام می‌رسند؛ بازوها توانمند می‌شوند، شور و غوغای جسمی فروکش و غدد جنسی به وضع ثابتی ترشح می‌کنند.

در این دوره جوان بر روی پای خود می‌ایستد و هیچ نیازی به کمک دیگران ندارد. همین

توانمندی به جوان قدرت عمل می‌بخشد تا هر چه را بخواهد انجام دهد یا ترک کند و مخالفت ورزد. این مرحله از حیات جسمی که حدود ۲۴ سالگی رخ می‌دهد، نقطه اوج رشد جسمانی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْغُلَامَ... يَسْتَكْمِلُ طَوْلَهُ فِي أَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ» (ابن اشعث، بی‌تا: ۲۱۳)؛ قد و طول جوان در ۲۴ سالگی کامل می‌شود.

جوان در این مرحله به فعالیت ورزشی و قهرمانی بیش‌تر از گذشته می‌اندیشد و سعی می‌کند توان بدنی خودش را با قهرمان شدن، به عرصه ظهور برساند؛ به کشتی و وزنه‌برداری و دیگر رشته‌های ورزشی که با جنبه پهلوانی و زورآزمایی ارتباط بیشتری دارد، علاقه بیش‌تری نشان می‌دهد.

برخی در این مقطع حساس افزون بر ورزیده کردن جسم، به خودسازی و معنویات روی می‌آورند؛ هم‌زمان با بدن‌سازی، به پرورش روح و روان خود نیز می‌پردازند و روحیه جوانمردی و آزادگی و عشق به آفریدگار و پروردگار هستی را در خود تقویت می‌کنند، در بُعد معنوی نیز به کمالات خاصی دست می‌یابند. آنان قهرمانی را فقط در قدرت بدنی و بازوان توانمند جستجو نمی‌کنند؛ بلکه خواسته‌های شیطانی نفس اماره را مهار و خدا دوستی و عشق به معنویات را در خودشان نهادینه می‌سازند؛ چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَ إِذَا قَوَّيْتَ فَأَقْوَى عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۵۵۶/۳ و شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۴۴)؛ هرگاه نیرومند شدی، در اطاعت و بندگی خدا باش.

چهار) مدیریت قدرت جسمی بالا

راهکارهای زیر برای مدیریت قدرت جسمی بالا در جوانان پیشنهاد می‌گردد:

یکم. راهکارهای وادارنده و تقویت کننده

أ) تحکیم ایمان و اراده؛ در مکتب اسلام، قوی بودن ارزش و کمالی انسانی به شمار می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ» (برقی، ۱۳۷۱ق: ۱۹۶/۱)؛ خدا مؤمن ضعیف را دوست نمی‌دارد.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَا ضَعُفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوِيَتْ عَلَيْهِ النِّيَّةُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴/۴۰۰)؛ وقتی نیت و اراده آدمی قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نخواهد شد.

ب) رویکرد به ورزش؛ انسان با ورزش می‌تواند از نظر آمادگی جسمی به حد مطلوب برسد و بتواند کارائی بدن را ضمانت کند و در کاربرد اعضای خود تسلط کامل از خویشتن بروز دهد و انواع مهارت‌ها را کسب کند. در مکتب اسلام، ورزش‌های هدف‌دار سرگرمی محسوب نمی‌گردند؛ چنانکه رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السِّبَاخَةَ وَ الرِّمَايَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۶/۴۷)؛ به فرزندان خود شنا و تیراندازی آموزش دهید.

پ) توانمندی‌های جسمی جوانان در مسیر تحصیل و اشتغال و کسب حلال به کارگرفته شود؛ قرآن مجید حضرت موسی علیه السلام را سمبل و الگوی یک جوان فعال، تلاشگر و پرتحرک معرفی می‌کند که بدون سرمایه و ثروت، ولی با تلاش و کوشش برای حضرت شعیب کار کرد و بعد از انتخاب همسر و تشکیل خانواده، با ثروت فراوان به شهر خود (مصر) بازگشت. بنابراین، یک جوان باید با اراده و پشت‌کاری قوی و عزمی راسخ بکوشد و از فراز و فرودهای زندگی به سلامت عبور کند.

موضع اسلام در برابر جوانان، موضعی است که آن‌ها را بزرگترین سرمایه‌ها تلقی کرده و بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از طریق آنان مرتفع گردیده است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَلَكًا يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ فَيَنْادِي يَا أَبْنَاءَ الْعَشِيرِينَ جِدُّوا وَ اجْتَهِدُوا» (دیلمی، ۱۳۷۶ش: ۱۲۹)؛ هر شب ملائکه به زمین می‌آیند و ندا سر می‌دهند که ای فرزندان بیست ساله! تلاش و کوشش نمائید.

پیامبر با هر کسی روبه رو می‌شد می‌پرسید: آیا شغلی داری؟ و اگر جواب منفی می‌داد، می‌فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي» (شعیری، بی‌تا: ۱۳۹)؛ از چشمم افتاد.

همچنین امام کاظم علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ التَّوَّامَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِعَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳/۱۶۹)؛ خدا بنده پر خواب و انسان

بی‌کار را دشمن می‌دارد.

دوم. راهکار بازدارنده و ممانعت‌کننده

پرهیز از به کار بستن قدرت در راه نادرست؛ از قدرت باید در راه ارزش‌های دینی و انسانی استفاده کرد. خدای والا در این زمینه می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (الحديد: ۲۰)؛ بدانید که زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی و آرایش و زینت، و فخر فروشی به یکدیگر و فزون‌طلبی در اموال و اولاد نیست، [چنین دنیایی که دارنده‌اش فاقد ارتباط با خدا و قیامت است] مانند بارانی است که محصول [سرسبز و خوش‌منظره] آن کشاورزان را شگفت‌زده کند، سپس خشک شود به‌گونه‌ای که آن را زرد رنگ ببینی، آن‌گاه [ریز ریز و] خاشاک گردد! [این‌گونه دنیایی برای بی‌دینان] عذاب سختی در آخرت است، و [برای مؤمنان که از دنیا استفاده درست می‌کنند] آموزش و رضایتی [از سوی خدا] است، زندگی دنیا [بدون ایمان] جز کالای فریبنده نیست.

غرور به معنای فریفته شدن به دنیا و امکانات آن، ممکن است برای هرکسی رخ دهد؛ اما جوانان که در اوج توانایی جسمی و ذهنی قرار دارند، می‌توانند از این تهدید فرصتی برای رسیدن به سعادت و کمال بسازند. جوانان نباید از قدرت جسمی خود برای ظلم به دیگران استفاده کنند؛ بلکه باید توان بدنی را برای بارور ساختن ارزش‌های دینی و انسانی به‌کار گیرند.

این‌گونه افراد در جامعه از دیگرانسان‌ها جدا نیستند و «من» در این افراد، به «ما» بدل می‌شود و چون دردی و ضایعه‌ای در پیرامونش پدیدارگردد، گویی که این ناراحتی در جایی از بدن یا روح او پیدا شده و از این جهت لحظه‌ای قرار و آرام ندارد. اندیشیدن به سرنوشت انسان‌های محروم و تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی و یاری در کارهای خیر، از اعمال افرادی است که قهرمان میدان ارزش‌ها هستند و ورزش را وسیله‌ای برای عملی کردن رفتارها

و حالات خوب در جامعه می‌دانند.

چهار) فوران غرایز

در دوره جوانی رشد همه جانبه غرائز انسان به گونه‌ای گسترده و پرشتاب است که اگر به صورت متعادل، اعمال و ارضا شوند، مشکل خاصی پیش نمی‌آید. غریزه جنسی در این دوره رشد چشم‌گیری دارد و سبب مشغول شدن دل و فکر جوان می‌شود و عقل را به انزوا می‌کشانند. این غریزه مانند آتش سوزانی است که از اعماق وجود زبانه می‌کشد و بزرگ‌ترین پرتگاهی است که در راه زندگی جوانان وجود دارد و مانع رشد می‌گردد.

جوانی که در پیکار با نفس و شهوت‌های نیرومند احساس ناتوانی می‌کند، نیازمند الگوئی واقعی است که در این معرکه دامنش را از آلودگی‌ها برهاند؛ آن سمبل بزرگ هواسستیزی، حضرت یوسف صدیق علیه السلام است که در قرآن از او به آسوه‌ای نیرومند و پیروز یاد شده است.

حضرت یوسف علیه السلام در سنین جوانی که اوج تمایلات جنسی است، در معرض امتحان دشوار الهی قرار گرفت و گفت: «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوًى إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف: ۲۳) [یوسف] گفت: پناه بر خدا! او مالک و مربی من است [و من به مالکم خیانت نمی‌کنم]، جایگاهم را [در همه امور زندگی] نیکو قرار داد [و ارتکاب فحشا ناسپاسی از نعمت، و ستم است]، یقیناً ستمکاران [در هیچ کاری] پیروز نمی‌شوند.

رمز پیروزی در آن امتحان سخت طبق این آیه شریفه عبارت است از: (أ) پناه بردن به خدا، و خود را در حصن حصین و دژ استوار او قرار دادن: «مَعَاذَ اللَّهِ». (ب) او را آفریدگار و پروردگار خود دانستن و در همه حال نظارت او را بر اعمال خود حس کردن: «إِنَّهُ رَبِّي».

پ. گناه مناسب کرامت والای انسانی و جایگاه او نیست: «رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوًى». (ت) گناه ظلم است و ثمره آن محرومیت از سعادت و کامیابی: «إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ». در واقع نیروی بزرگ ایمان، توانست یوسف جوان را در سخت‌ترین شرائط هیجان و

شهوت جنسی حفظ کند و دامنش را همچنان پاک نگه دارد.

وقتی دل همراه خواهش‌های نفس باشد و عقل و فکر کنار گذاشته شود، گفتار و نصیحت بر انسان اثر نمی‌گذارد. این همه از جهالت فرد است که تمام وجود خود را درگیر هوای نفس کند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الجاهل عَبْدُ شَهْوَةٍ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۴)؛ انسان جاهل بنده و مطیع شهوت‌های خویشتن است.

انسان دانا هیچ‌گاه دنبال شهوات نمی‌رود، چون ارزش انسانی خودش را بالاتر از آن می‌داند که پیوسته در پی هوس‌رانی باشد. امام علی علیه السلام در تأیید این امر می‌فرماید: «الکَيْسُ مَنْ أَحْيَا فُضَائِلَهُ وَأَمَاتَ رَذَائِلَهُ بِقَمْعِهِ شَهْوَتَهُ وَهَوَاهُ» (همان: ۱۰۳)؛ فرد دانا و زیرک کسی است که خوبی‌هایش را زنده کند و بدی‌هایش را بمیراند و خواهش‌ها و هوس‌های خود را از بیخ برکند.

بر این اساس، جوان باید خودش را تربیت کند و بکوشد هوای نفس خودش را در مهار عقلش درآورد و در راه صحیحی گام بردارد که اسلام برای کنترل شهوت‌ها بیان فرموده است؛ مانند ازدواج بهنگام و رویکرد به عفت و پاکدامنی و تقوا.

اندیشه‌های دینی روایت‌گر این حقیقت زنده و پاینده است که غریزه جنسی، مایه زندگی و رونق‌بخش و جلادهنده پایدگی است؛ خدائی که آن را آفریده و در نهاد بشر قرار داده، آن را عامل تباهی قرار نداده تا زمینه‌ساز فساد و انحراف گردد؛ بلکه سلامت و سعادت و آرامش، نیز همکاری و همدردی با همسر برای تشکیل کانون خانواده و دستیابی به برکات بسیار از آثار ارزنده آن به شمار می‌آید.

آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی و فقهی اسلام شیوه‌نامه‌های برجسته‌ای درباره نکاح و زفاف و آمیزش و آرایش زوجین برای فراهم‌سازی زمینه جذب و عشق و اشتیاق ارائه می‌کند تا این نیروی کارساز در مسیر اصلی قرار گیرد و به دور از تشدید و تعطیل، تعدیل شود.

این بینش روشنی بخش سبب شده که بیداری زود هنگام یا بیداری دیر هنگام غریزه،

کاری نادرست قلمداد شود؛ بلکه باید بر بیداری بهنگام آن از سوی پدران و مادران و مربیان و معلمان و مبلغان دینی توصیه و بر هدایت این انرژی ناپیدا در راه خیر و صلاح فرد و اجتماع تأکید گردد.

پنج) مدیریت فوران غرایز

راهکارهای زیر برای مدیریت این ظرفیت جوانان پیشنهاد می‌گردد:

یکم. راهکارهای وادارنده و تقویت کننده

أ) تقویت بینش‌ها و باورهای دینی جوانان؛ آشنا ساختن نسل نو با ارزش‌های والای انسانی و تقویت ابعاد عقلانی از يك سو و معرفی چهره‌های ارزشمند و الگوهای درس‌آموز در قشرهای مختلف اجتماعی و در دسترس قرار دادن زندگی‌نامه آنان، کارهای شایسته و بایسته‌ای است که از سوی والدین و مربیان و مبلغان می‌تواند انجام پذیرد تا دل‌ها و دیده‌های پاک‌صورت و پاک‌سیرت جوانان را سمت و سوئی الاهی بخشد.

ب) همدلی و همراهی عملی با جوانان؛ امروزه شاهد شکوفائی اندیشه پدران و مادرانی فهیم هستیم که پس از اطمینان و انتخاب همسر برای جوان خود، با کمک‌های معنوی در برداشتن موانع نادرست و کمک‌های مادی در تشکیل و ساماندهی زندگی دختر و پسر خود، الگویی شایسته برای دیگر خانواده‌ها می‌شوند. گاه زمان عقد دختر و پسر خود را تا پایان تحصیل آن دو طولانی می‌کنند تا آنان با طراوت روحی به دور از جاذبه‌ها و لغزش‌های غیرشرعی گه‌گاهی در کنار هم باشند؛ گاه والدین دختر و پسر همچون گذشته خود را مسئول اداره فرزند خویش می‌دانند و تا کسب درآمد داماد کمک‌های خود را ادامه می‌دهند.

راه‌هایی می‌تواند وجود داشته باشد که در آن، مراسم عقد و عروسی، رفت و آمدهای زائد و غیرضروری در ازدواج برداشته شود و در کنار آن، گلستانی از طهارت و تشکیل کانونی ملکوتی پدید آید که لحظه لحظه آن برکات بی‌پایان از پاداش جاودان برای پدران و مادران خواهد داشت؛ به شرط آنکه والدین بدانند چه باید انجام دهند و بخواهند انجام دهند.

پ) یاد فراوان خدا؛ در صورتی که شرائط ازدواج مهیا نباشد یاد خدا بهترین راه رسیدن به آرامش است. خدای والا می‌فرماید: «... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (الرعد: ۲۸)؛ آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

بر این اساس، در بحران‌هایی مانند شعله‌ور شدن شهوات طبیعی، گاه تنها راه رهایی از دغدغه‌ها و اضطراب‌ها یاد خدای رؤف است که این غرائز را برای رسیدن به اهدافی در وجود انسان سرشته است. ایمان به خدا و دین‌باوری، سبب تخلیه هیجانات و هویت‌یابی فرد و اجتماع می‌شود.

ت) تقویت اراده؛ راه‌های بسیاری برای تقویت اراده وجود دارد: تلقین مثبت، ورزش، روزه گرفتن و خواب بهنگام. پیامبر اعظم (ﷺ) درباره تأثیر روزه گرفتن می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ عَلَيْكُمْ بِالْبَاهِ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهُ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّيَامِ فَإِنَّهُ وَجَاؤُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۰/۴)؛ ای جماعت جوان! بر شما باد مهار غریزه جنسی؛ اگر نمی‌توانید از روزه گرفتن کمک بگیرید.

ث) یادآوری آخرت و توجه به مرگ؛ یکی دیگر از عوامل مهم در پرهیز از گناهان و مهار غریزه جنسی، یاد مرگ است که انسان را به تهذیب اخلاق و کاهش شهوات وامی‌دارد. خدای حکیم می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (العنکبوت: ۶۴)؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست، بی‌تردید سرای آخرت همان زندگی [واقعی] است، چنانچه [این بی‌خبران]، معرفت داشتند [دنیا را به جای آخرت انتخاب نمی‌کردند].

آری یاد مرگ شهوات نفسانی را می‌میراند و اساس غفلت را می‌زداید و دل را به وعده‌های خدا قوی می‌کند و سبب نرمی و رقت قلب می‌شود.

دوم. راهکارهای بازدارنده و ممانعت‌کننده

أ) پرهیز از یاد ندادن آموزه‌های جنسی؛ پدران و مادران موظفند آداب اسلامی را در رابطه با امور جنسی، به فرزندان خود بیاموزند تا پیش از هرگونه رخداد ناگواری، فرزندان به طور کامل

توجیه باشند و فعل و انفعالات جسمی یا کنش‌ها و واکنش‌های روحی آن‌ها را دچار دلهره یا متهم به گناه و خطائی غیرقابل جبران نسازد و از نظر اجتماعی در دام ناپاکان نیفتند. والدین در این زمینه تکیه گاه فرزندان خود هستند. فرزندان، آنان را از اعماق جان و دل دوست دارند و در گفتار و رفتار از آنان تقلید می‌کنند.

ویژگی‌هایی چنین برجسته و بی‌نظیری همراه با حُسن نیت لازم، والدین را مؤظف می‌سازد تا آگاهی‌های مفید را درباره ریشه غریزه، ابعاد وجودی و کاربردهای فردی و اجتماعی آن به طور مستقیم، با گفتار خویش یا غیرمستقیم با ارائه نوار و کتاب یا از زبان یکی از دوستان و آشنایان مورد اعتماد، در اختیار فرزند خویش قرار دهند.

پارساترین افراد در سن جوانی با تهاجم غرائز شهوانی و در محیط‌های پر لغزش، در معرض خطاهای اخلاقی قرار می‌گیرند. باید با فراهم ساختن زمان‌های زرینی برای گفتگو، اطلاعات غلط و دلبری‌های زیانبار و آموزه‌های هلاکت‌بار را از رواق وجود آنان دور ساخت و با روحیه‌ای برتر، عزیزان خود را به آینده امیدوار سازند تا با تقویت اراده و خویش‌داری و آموزش مداوم و با طراوت روحی در مسیری سبز و زیبا قرار گیرند و با کمک آموزه‌های دینی سال‌های دشوار را آسان سپری کنند.

ب) نبود ممانعت از ازدواج به‌هنگام؛ یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که می‌تواند جوانان را هنگام فوران غرایز نجات دهد، تشکیل خانواده است. والدین باید موانع ازدواج به‌هنگام را رفع و تسهیلات ازدواج آسان را فراهم سازند.

پیامبر (ﷺ) می‌فرماید: «ما مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سِتِّهِ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ، يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مَتَى ثُلُثَى دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ۱۹۰/۲)؛ هر کسی در آغاز جوانی ازدواج کند، شیطان فریاد بر می‌آورد که وای بر من، وای بر من! دو سوم دینش را از دستبرد من ایمن نگه داشت! بنده باید برای حفظ یک سوم باقی مانده دینش تقوای الهی پیشه کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پی پژوهش از ظرفیت‌های جسمانی جوانان و راهکارهای مدیریت آن‌ها برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به نتایج زیر دست یافتیم:

یکم. برترین نوع سلامتی برترین ظرفیت جسمی برای جوان است که با شیوه‌های گوناگون وادارنده (مانند اطاعت کامل از دستورهای الهی) و بازدارنده (مانند پرهیز از ارتکاب اعمال مخالف سلامت) قابل مدیریت و بهره‌برداری بهینه برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

دوم. قدرت برتر از اهم ظرفیت‌های جوانان به شمار می‌رود که با روش‌های گوناگون وادارنده (مانند تحکیم ایمان و اراده) و بازدارنده (مانند پرهیز از به کار بستن قدرت در راه نادرست) قابل مدیریت و بهره‌برداری بهینه برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

سوم. فوران غرائز سومین ظرفیت جسمی جوانان است که با راهکارهای گوناگون وادارنده (مانند تقویت بینش‌ها و باورهای دینی) و بازدارنده (مانند پرهیز از یاددادن آموزه‌های جنسی) قابل مدیریت و بهره‌برداری بهینه برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

بدون ترسیم دقیق نقشه راه، تقسیم وظایف، انباشت و تجمیع تجارب و توانمندی‌ها، و بدون ارتباط و اتصال و کار زنجیره‌ای، حرکت گام دوم پیش نخواهد رفت. نخ تسبیحی باید که این دایره‌های جدا از هم را مجتمع نماید.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، قم، ۱جلد، چاپ: یکم، هجرت.
۴. علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، ۱۳۷۶ش، صحیفه سجادیة، قم، چاپ: یکم، دفتر نشر الهادی.
۵. ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، ۱جلد، چاپ: یکم، مکتبة النینوی الحديثة.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ش، الأمالی (للصدوق)، تهران، ۱جلد، چاپ: ششم، کتابچی.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، ۴جلد، چاپ: دوم، انتشارات اسلامی.
۸. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ق، دعائم الإسلام، مصحح: آصف فیضی، قم، ۲جلد، چاپ: دوم، مؤسسه آل البيت.
۹. ابن شاذان قمی، أبوالفضل شاذان بن جبرئیل، ۱۳۶۳ش، الفضائل، قم، ۱جلد، چاپ: دوم، رضی.
۱۰. ابن فارس، أحمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم المقاییس اللغة، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم، ۶جلد، چاپ: یکم، مکتب الاعلام الإسلامی.
۱۱. انوری، حسن، ۱۳۹۰ش، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، ۸جلد، چاپ: یکم، انتشارات سخن.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم، ۲جلد، چاپ: دوم، دارالکتب الإسلامیة.
۱۳. پیروز، علی آقا و دیگران، ۱۳۹۴ش، مدیریت در اسلام، قم، چاپ: دهم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و دُررالكلم، مصحح: سیدمهدی رجائی، قم، ۱جلد، چاپ: دوم، دارالکتاب الإسلامی.
۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۳۷۶ش، أرشاد القلوب، ترجمه: سید عباس طباطبائی، قم، ۲جلد، چاپ: پنجم، جامعه مدرسین.

۱۶. رابینز، استیفن پی و سنزو، دیوید ای دی، ۱۳۹۱ش، مبانی مدیریت، مترجم: سید محمد اعرابی، محمد علی حمید رفیعی و بهروز اسراری رشاد، تهران، چاپ: یازدهم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۷. شعیری، محمد بن محمد، بی‌تا، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف، ۱جلد، چاپ: یکم، مطبعة الحیدریه.

۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، التفسیر، مصحح: رسولی محلاتی، ۲جلد، چاپ: یکم، تهران، المطبعة العلمیه.

۱۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد، ۱۴۰۹ق، العین، قم، ۹جلد، چاپ: دوم، نشر هجرت.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، ۸جلد، چاپ: چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

۲۱. گنجی، حمزه، ۱۳۸۹ش، روانشناسی عمومی، تهران، چاپ: ۵۲، نشر ساوالان.

۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸ش، یادداشت‌های استاد مطهری، قم، ۱۳جلد، چاپ: هشتم، انتشارات صدرا.

۲۳. معین، محمد، ۱۳۸۰ش، فرهنگ فارسی، تهران، ۱جلد، چاپ: دوم، نشر سرایش.

۲۴. مقیمی، محمد، ۱۳۹۴ش، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران، چاپ: دوم، راه دان.

۲۵. نبوی، محمد حسن، ۱۳۸۰ش، مدیریت اسلامی، قم، چاپ: ششم، بوستان کتاب قم.

۲۶. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰ق، مجموعه ورام، قم، ۲جلد، چاپ: یکم، مکتبه فقیه.

۲۷. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۹۷، تهران، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای،

۲۸. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، 22/11/1397.

۲۹. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5386>، ۱۳۹۸/۰۱/۰۱.

۳۰. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5399>، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸.

مبانی مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

سید علی اصغر علوی^۱

چکیده

امید در ادبیات رهبر معظم انقلاب کلمه‌ای پربسامد است. در متن بیانیه گام دوم، توصیه نخستین، توصیه به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. این امید که البته امیدی صادق است و تبیین آن در آینه آموزه‌های وحیانی ضروری می‌نماید، مدیریتی را به دنبال خواهد داشت که برای مدیران سودمند است. با عنایت به این مطلب که قرآن در رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد بایست در قرآن دلایل این امید را جست. سنت‌ها یا همان قانون‌های خدا در قرآن زمینه‌ای برای ایجاد این امید صادق ایجاد می‌کند و پشتوانه‌هایی برای مدیریت امیدمحور خلق می‌نماید. تحقیق حاضر درصدد است با روش تحلیلی توصیفی نسبت بین سنت‌ها و کیفیت ایجاد امید به آینده را در مدیران بیابد و این باور مبنایی را در مدیریت تبیین نماید. از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش فهم نسبت بین آموزه‌هایی مانند سنت‌ها در قرآن و رفتار مدیران و خصوصاً تصمیم‌های آنها است که محوری‌ترین جلوه آن مدیریت امیدمحور و نگاه خوش‌بینانه به آینده است.

واژگان کلیدی: مبانی مدیریت، مدیریت امیدمحور، مدیریت در قرآن، بیانیه گام دوم

انقلاب، سنت‌های الهی

۱. قرآن پژوه سطح چهار مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب modirekarbala313@chmail.ir

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب که به مثابه منشوری برای دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است و فصل جدیدی را در زندگی جمهوری اسلامی گشوده است. در متن بیانیه گام دوم، توصیه نخستین، توصیه به امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. این امید که البته امیدی صادق است و تبیین آن در آینه آموزه‌های وحیانی ضروری می‌نماید، مدیریت را به دنبال خواهد داشت که برای مدیران سودمند است. با عنایت به این مطلب که قرآن در رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد بایست در قرآن دلایل این امید را جست. سنت‌ها یا همان قانون‌های خدا در قرآن زمینه‌ای برای ایجاد این امید صادق ایجاد می‌کند و پشتیبان‌هایی برای مدیریت امیدمحور خلق می‌نماید.

۱. بیان اهمیت و ضرورت

بیانیه گام دوم انقلاب را از مهم‌ترین اسناد بالادستی تفکر انقلابی باید دانست. متنی که باید برای همه قابل توجه باشد و خود را به آگاهی و عمل نسبت به آن ملزم بدانند. این آگاهی هر قدر عمیق تر باشد عمل به آن هم جدی تر خواهد شد. این بیانیه برای همه حرفه‌های تازه‌ای دارد اما خواص و خصوصاً مدیران باید خود را بیش از همگان مخاطب این سند راهبردی بدانند که از رهبری حکیم صادر شده است و آنها باید هم خود واقف بر مضامین و مبانی آن باشند و هم دیگران را به آن هدایت و تشویق نمایند. از این منظر مهمترین توصیه این متن یعنی دعوت به امید و نگاه خوش بینانه به آینده شأن تازه‌ای برای مدیران خواهد داشت. آنها باید به خوبی ریشه‌های این توصیه را دریافت کنند تا هم خود عامل باشند و هم هادی دیگران. این پژوهش تلاشی برای توجه دادن به مبانی این مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن است.

۲. جنبه نوآوری تحقیق

درباره بیانیه گام دوم انقلاب کارهای گوناگون ارزشمندی صورت گرفته است. برخی

پژوهشها به شرح تک تک عبارتهای آن پرداخته اند. برخی مقالات به تعدادی از پشته‌ها نظری آن توجه داشته است، اما توجه به محوری‌ترین توصیه بیانیه گام دوم و تبیین مبانی آن از منظر مدیریت برای مدیران رده‌های مختلف افق ناگشوده‌ای است که این تحقیق سعی دارد بر اساس سنت‌های خدا در قرآن به آن بپردازد.

۳. روش تحقیق و شیوه گردآوری داده‌ها

تحقیق حاضر درصدد است با روش تحلیلی توصیفی نسبت بین سنت‌ها و کیفیت ایجاد امید به آینده را در مدیران بیابد و این باور مبانی را در مدیریت تبیین نماید. به این منظور سعی نموده به تعریف سنن الهی و بیان انواع آن بپردازد و نسبت آن را با مفهوم امید از میان آیات مختلفی که به قوانین الهی اشاره دارد تبیین نماید و به تجزیه و تحلیل آنها بپردازد.

۴. بیان خلاصه‌ای از ساختار و چهارچوب مقاله

پیش از هرچیز باید درباره بیانیه گام دوم دانست. در مرحله بعد جایگاه امید در بیانیه گام دوم و اندیشه رهبر معظم انقلاب تبیین شود. بعد از این دو مرحله باید سراغ از ریشه تفکر این رهبر قرآنی در آینه آیات قرآن داشت و قوانین حاکم بر عالم که خدا در قرآن از آن به سنتها یاد می‌کند شناخت. آن وقت است که بهتر می‌توان نسبت سنتهای خدا را با امید درک نمود. با این تمهیدات می‌توان از مدیریت امیدمحور و مبانی آن بر اساس سنتهای خدا در قرآن سخن گفت. آنچه که این تحقیق به امید خدا در سیر خود به آن خواهد رسید.

۵. پیشینه

در بررسی‌های انجام شده با کلیدواژه «بیانیه گام دوم» به پژوهش‌های مختلفی می‌توان رسید که هریک از منظری و رویکردی به بیانیه گام دوم پرداخته‌اند. (بیش از ۱۸۵ مقاله) و چند کتاب مانند:

گام تمدن ساز (بسط بیانیه گام دوم انقلاب با تکیه بر اسناد بین المللی)، راجی، سید محمد حسین و دیگران، قم، نشر معارف، ۱۳۹۸.

کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مشرقی، محسن، عقیقی، فاطمه، تهران، موسسه علمی آینده سازان، ۱۳۹۸.

اما با محدودسازی جستجو با کلیدواژه «امید» به مقاله‌ای در نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی (شهریور ۱۴۰۰، سال سوم، شماره ۲۶، ص ۵۵ - ۶۷) با عنوان «مصادیق قرآنی اقدامات کفار و منافقین در مایوس سازی مؤمنین با رویکرد به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» (تابش و دیگران، ۱۴۰۰) می‌توان رسید.

در مورد رویکرد مدیریتی به بیانیه گام دوم هم به مقاله‌ای در نشریه حکومت اسلامی (بهار ۱۳۹۹، شماره ۹۵، ص ۱۱۳ - ۱۳۴) با عنوان «اصول و مؤلفه‌های نظام سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» (موسی زاده، ۱۳۹۹) می‌توان اشاره کرد.

درباره مفهوم «سنن الهی» نیز مقالاتی یافت شد (حدوداً ۱۰ مقاله) که بیشتر به بحث قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر (سعادت و شقاوت جامعه، فتنه و ایمان، استدراج، قرآن و کتاب مبین) در نشریه پاسدار اسلام (محمدی گیلانی، ۱۳۶۳ - ۱۳۶۶) پرداخته است. حدوداً ۱۰ کتاب هم در مورد سنن الهی در قرآن کار شده است که در مقاله مورد استفاده قرار گرفته و در بخش منابع معرفی شده‌اند. در مورد نسبت مبانی مدیریت و بحث امید آن هم با رویکرد قرآنی و بر اساس سنت‌های خدا مقاله‌ای یافت نشد.

۱. بیانیه گام دوم انقلاب و امید

یک، بیانیه گام دوم انقلاب

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن

پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافداه) هست» نزدیک خواهد کرد.

دو) امید در بیانیه گام دوم انقلاب

بر اساس متن بیانیه گام دوم انقلاب امید، کلید اساسی همه قفل‌ها است و بدون آن نمی‌توان گامی برداشت: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.» (بیانیه گام دوم انقلاب) البته این امید می‌تواند امیدی صادق باشد یا کاذب: «آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتهای پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ،

برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگردد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.» (همان)

سه) امید در اندیشه رهبر معظم انقلاب

امید بیت الغزل همیشگی بیانات رهبر معظم انقلاب بوده است تا آنجا که امید را بزرگترین قوه محرکه معرفی نموده‌اند: «عزیزان من! امید بزرگترین قوه محرکه انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، هر انسانی را به حرکت وادار می‌کند. اگر شما بخواهید هر انسان فعال و سرزنده و شادابی از حرکت بیفتد، کافی است او را نا امید کنید، اگر ناامید کردید، دست‌های فعال او سست خواهد شد؛ زانوان فعال و استوار به لرزه خواهد افتاد...» (مشرقی، ۱۳۹۸، ۱۲۳)

در جابه‌جای صحبت‌های ایشان می‌توان ردپای این مضمون حرکت‌آفرین و حیاتی را دید: «... خدای متعال بر ما منت گذاشت و کسی مثل امام را بر ما گماشت و ایشان با وجود و حرکت خود، آن احساس را که احساس امید به آینده است، در ما تقویت کرد. من خدا را شاکرم که حتی برای یک لحظه هم، امید خود را در همین عرصه پر دغدغه از دست نداده‌ام. اگر تلاشی می‌کنم، حرفی بر زبان می‌آورم و دست به اقدام می‌میزم، همه ناشی از آن امید است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۸) «... البته باید به خدای متعال توکل کرد و به آینده

خوش‌بین بود؛ که من حقیقتاً به آینده خوش‌بینم و خیلی از افقها را خوب و روشن می‌بینم.» (همان، ۲۲)

چهار) سنت‌های خدا در قرآن و امیدآفرینی

از منظر قرآن و دیدگاه اسلام، تحولات اجتماعی به خصوص به اعتبار نگاه تاریخی، همگی قانونمند، قابل کشف و شناسایی، تعریف شده، دارای روند و بر اساس ضوابط و قواعد مشخصی شکل می‌گیرند و هرچند ممکن است چنین تغییر و تحولات و حوادثی در ظاهر، تک پاره، گسسته یا غیر مرتبط با یکدیگر به نظر برسند اما در واقع ارتباط و نظامی عمیق، وثیق، منطقی و حکیمانه بین حوادث و تحولات وجود دارد، به گونه‌ای که هیچ خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌شود. کشف یک چنین نظام مندی و قاعده مندی از طریق چند کلیدواژه در قرآن به دست می‌آید که مهم‌ترین آنها «سنت» است. (علی اکبری، ۱۳۹۸، ۳۶)

در بیانیه گام دوم دعوت به امیدهای صادق است. یکی از منابعی که می‌تواند روح امید را در انسان و خصوصاً مدیران زنده نماید توجه به این آموزه‌های وحیانی است. قرآن سرشار از چنین مطالبی است که توجه به آن امیدبخش است. سنت‌های الهی یا همان قوانین نظام‌مند عالم خلقت از جمله این آموزه‌هاست. رهبر معظم انقلاب، بدون توجه به شخصیت سیاسی ایشان، دارای قدرت تحلیلی بسیار ویژه‌ای هستند که آشنایی ایشان با قرآن کریم و تاریخ اسلام موجب شده است قدرت تحلیل معظم له بیشتر نمایان شود و همچنین از دیگران متمایز شوند، زیرا طلاب فراوانی هستند که به مقامات بالای اجتهاد رسیده‌اند اما به صورت کامل به قرآن نپرداخته‌اند.

الف) سنت‌های خدا: اصرار بر شناخت قانونمندی تاریخ

قرآن از یک سو به شناخت کتاب پر اسرار طبیعت و قوانین حاکم بر جهان خلقت فرا می‌خواند (عنکبوت: ۱۹ - ۲۰، زمر: ۲۱، نور: ۴۳ - ۴۷، بقره: ۱۶۴) و از دگر سو به انسان اصرار می‌ورزد تا حوادث تاریخی، اتفاقات و رخدادها، تحولات و دگرگونی‌ها، فرازا و نشیب‌ها،

اوج‌ها و حضیض‌ها را به دقت مطالعه کند تا ضمن عبرت‌آموزی، برای خودسازی و ساختن دیگران، علل پیشرفت و انحطاط ملت‌ها و رشد و شکوفایی یا پسرفت و فروپاشی امت‌ها را کشف کند و با کشف دلایل و عوامل ظهور و افول سلسله‌ها و چگونگی تکوین و فروپاشی قدرت‌ها، و کنکاش در راز و رمز حیات و مرگ تمدن‌ها و بروز جنبش‌ها و دگرگونی‌ها و انقلابات اجتماعی، قوانین حاکم بر تاریخ و سنن الهی را در سیر جامعه‌ها بنگرد. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳، ۷۸) قرآن برای این اندیشه ترغیب می‌کند که رهروان راه آن، دوران‌های گذشته را به دنیای معاصر، و جهان معاصر را با تاریخ گذشته پیوند دهند و پیوند نسل حاضر را با نسل‌های گذشته اش برای درک حقایق و دریافت واقعیت‌ها ضروری بدانند، چرا که از ارتباط و گره خوردن دنیای گذشته و معاصر است که رسالت ما در ساختن تاریخ فردا و نیز مسئولیت نسل‌های آینده روشن می‌شود. (همان، ۷۹)

ب) اهمیت کشف سنت‌های تاریخ در قرآن

قرآن با این فکر که حوادث خود صورت می‌گیرد به شدت مقابله می‌کند و به کشف قواعد این عالم دعوت می‌نماید.

«انسان‌های معمولی حوادث تاریخی را توده‌ای از اتفاقات نامربوط می‌دانند که بر حسب تصادف یا بر اساس قضا و قدر یا بر مبنای قدرت خدا و لزوم تسلیم در برابر امر او شکل گرفته و تفسیر و توجیه می‌گردد. قرآن با این فکر به شدت مقاومت کرده، هیچ حادثه‌ای را بی‌جهت یا از روی اعمال قدرت، لزوم تسلیم در برابر آن توجیه نمی‌کند، بلکه برعکس عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این زمینه، سنن و قوانینی حاکم است و برای اینکه انسان بتواند در سرنوشت خود حاکم شود لازم است این سنت‌ها و قوانین را بشناسند و برای اینکه بتواند در این قوانین نفوذ کند باید شناخت نسبت به آنها داشته باشند، در غیر این صورت هر چند شما چشم بسته باشید آن قوانین در شما حکومت خواهد کرد شما چشمانتان را باز کنید این قوانین و سنت‌ها را ببینید تا شما در این حاکم کردید نه اینکه آنها در شما اثر بگذارند.» (صدر، ۱۳۸۰، ۷۹)

ج) سیر علمی و اندیشمندانه در زمین و زمان

قرآن بارها به صورت جدی به سیر و سیاحت در زمین و زمان دعوت می‌کند هم سیر محققانه برای شناخت قوانین طبیعی، هم برای شناخت سنن حاکم بر جامعه و تاریخ و عبرت آموختن از آن و فرا گرفتن تجربیات پیشین. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳، ۷۹) لازمه این دعوت، ثابت بودن قوانین حاکم بر جامعه است. قرآن در آیات متعددی روی مساله تغییر ناپذیر بودن این قوانین الهی تکیه کرده است. این قوانین ثابت و لایتغیر عالم تکوین و تشریع که قرآن از آنها به سنت‌های الهی تعبیر کرده هرگز دگرگونی در آنها راه ندارد، این قوانین همان گونه که بر گذشته حاکم بوده بر امروز و فردا نیز حاکم است، مجازات مستکبران بی‌ایمان هنگامی که اندرزهای الهی سود نبخشد، همچنین یاری رهروان راه حق به هنگامی که دست از تلاش مخلصانه بر ندارند از این سنت‌ها است و هر دو در گذشته و امروز تغییر ناپذیر بوده و هست. سنت‌های الهی نه به کلی عوض می‌شود، و نه حتی کم و زیاد و ضعیف و شدید می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۸، ۲۹۷)

د) قانونمندی حرکت جامعه و تاریخ

از دیدگاه اسلام حرکت تاریخ، حرکتی است خردمندانه و بر اساس ضوابط و قوانین و بر روند جامعه‌ها، مقررات و سنت‌هایی حکومت می‌کند که جاودانه، تخلف ناپذیر و جهان‌شمول هستند. این قانون‌مداری تاریخ و نظام حاکم بر مسیر جامعه‌ها، در کران تا کران قرآن و بیانات پیشوایان نور، با واژه‌های مختلف، قالب‌ها و چارچوب‌های خاص و جمله‌های ویژه وارد شده و نشانگر این حقیقت حیاتی است که هرگز ترقی و تکامل یا انحطاط و سقوط ملت‌ها و امت‌ها بی‌دلیل نیست و هرگز بر تاریخ بشر تصادف و اتفاق فرمان نمی‌راند و شانس و اقبال آن را نمی‌سازد بلکه جامعه نیز همچون فرد برای خود مقررات و سنن و ضوابط ویژه خود را دارد و این ضوابط و قانونمندی حاکم بر سیر جامعه و تاریخ همان سنت‌های جهان‌شمول و خلل ناپذیر است.

آیات بیانگر این حقیقت بزرگ و چند دسته قابل تقسیم است:

آیاتی که در قالب واژه خاص سنت و سنن، این قانونمندی را صریح و گویا بیان می‌کند «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران/۱۳۷) پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت؛ (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند؛ که شما نیز، همانند آن را دارید.) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟!

«سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (الفتح/۲۳) این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت!

«وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا * اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر/۴۲ - ۴۳) آنان با نهایت تأکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری اندازکننده به سراغشان آید، هدایت یافته‌ترین امت‌ها خواهند بود؛ اما چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله‌گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود! اینها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگ‌های بدشان بود؛ اما این نیرنگ‌ها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛ آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذاب‌های دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا» (فاطر/۴۴) آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همان‌ها که از اینان قویتر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست!

آیاتی که موضوع قانونمند بودن سیر جامعه تاریخ را به شکل سربسته و کلی که «برای روند تاریخ و حرکت جامعه ضوابط و قوانین و نظام ویژه وجود دارد» موضوع را طرح می‌کند:

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (الأعراف/ ۳۴) برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است؛ و هنگامی که سرآمد آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

«وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ* مَا تَشِيقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلُهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ» (الحجر/ ۴ - ۵) ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند! هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد؛ و از آن عقب نخواهد افتاد!

«وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» (الإسراء/ ۵۸) هیچ شهر و آبادی نیست مگر اینکه آن را پیش از روز قیامت هلاک می‌کنیم؛ یا (اگر گناهکارند،) به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت؛ این، در کتاب الهی [= لوح محفوظ] ثبت است.

آیاتی که در چهره قضیه شرطیه آمده اند:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (الأعراف/ ۹۶) و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کفر اعمالشان مجازات کردیم.

«وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابٌ كَبِيرٌ» (هود/ ۳) و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس بسوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدت معینی، (از مواهب زندگی این جهان،) به خوبی بهره‌مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم!

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/ ۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار

می‌دارد.

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (الجن/ ۱۶) و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم!

«عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُحَمِّكُمُ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (الإسراء/ ۸)

امید است پروردگارتان به شما رحم کند! هرگاه برگردید، ما هم باز می‌گردیم؛ و جهنم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم.

این آیات نشانگر این واقعیت است که اگر جامعه و تمدنی به دست خود، خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا از روی ناآگاهی شرط یا مقدمه هر کدام از این قضایای شرطیه را فراهم ساخت، ظهور جزا و نتیجه، قطعی و تخلف ناپذیر است

آیاتی که ضمن بیان گزیده‌های درس آموز و عبرت انگیز از سرگذشت پیامبران و جامعه‌های گذشته و پس از بیان عملکرد ظالمانه و تبه‌کاران حکومت‌های استبداد گر و گروه‌های طغیانگر و حق ستیز به این حقیقت تصریح می‌کند که جریان سنن و فرود عذاب یا کیفر طبیعی عملکرد آنها، ثمره تلخ ظلم و استبداد و بیدادگری آنهاست:

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ* وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (القصص/ ۵۸ - ۵۹) و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم این خانه‌های آنهاست (که ویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند.

«وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ* فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسَاسِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ* لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ* قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا

كُنَّا ظَالِمِينَ* فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ» (الأنبياء/ ۱۱ - ۱۵) چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم. هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند (گفتیم: فرار نکنید؛ و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای پر زرق و برقتان بازگردید، شاید (سائلان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید) گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمگر بودیم» و همچنان این سخن را تکرار می‌کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم.

«ثُمَّ نُنْعِيهِمُ الْآخِرِينَ* كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ» (المرسلات/ ۱۷ - ۱۸) سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آنها می‌فرستیم! (آری) این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم.

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ* فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ* ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمُ الْوَادِيَّ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ* فَقَالُوا رَبِّ

نَا بَاعِدْ بَيْنَ أَشْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (سبأ/ ۱۵ - ۱۹) برای قوم «سبأ» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آنها گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)، اما آنها (از خدا) روی گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گر و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم. این کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم؟! و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم: شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید. ولی

(این ناسپاس مردم) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند و به این طریق) آنها به خویشتن ستم کردند و ما آنان را داستانهای (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیتشان را متلاشی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه‌های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است.

آیاتی که به جهانگردی و سیاحت هدفدار و مطالعه تاریخ و اقوام و ملل گذشته تشویق و تحریک می‌کند

«أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا» (محمد/۱۰) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد؛ و برای کافران امثال این مجازاتها خواهد بود!

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر/۲۱) آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آنها در قدرت و ایجاد آثار مهم در زمین از اینها برتر بودند؛ ولی خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند!

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (الروم/۹) آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند!

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ* إِنَّ فِي

ذَلِكَ لَذِكْرِ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» (ق/۳۶ - ۳۷) چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم، اقوامی که از آنان قویتر بودند و شهرها (و کشورها) را گشودند؛ آیا راه فراری (از عذاب الهی) وجود دارد؟ در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد.

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ* حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ* لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف/۱۱۱) و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می‌کردیم! آیا (مخالفتان دعوت تو،) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟! (پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود. در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند!

آیاتی که فرجام خوش و دل‌انگیز نجات و پیروزی را در برابر خودکامگان و انحصارگران به صورت یک اصل قطعی بیان می‌کند:

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر/۵۱) ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به

پا می‌خیزند یاری می‌دهیم!

«كَتَبَ اللَّهُ لِلْأَعْلِيِّينَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (المجادلة/۲۱) خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ* وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (الصافات/۱۷۱ - ۱۷۳) وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده... که آنان یاری شدگانند، و لشکر ما پیروزند!

آیاتی که در قالب‌ها و صورت‌های مختلف از جمله بعضی مثال‌های روشنگر به ترسیم واقعیت سنن پرداختند:

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ اثْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (الرعد/۱۷) خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره‌ها،) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می‌آید - خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند - اما کفها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند؛ خداوند اینچنین مثال می‌زند.

۲. مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا با تأکید بر بیانیه گام دوم

بر اساس توجه به سنت‌های خدای متعال در قرآن می‌توان به رهیافتی از مدیریت امیدمحور دست یافت. منظری که بیانیه گام دوم ما را به توجه و عنایت به آن دعوت و هدایت می‌کند. کسی که نسبت‌های عالم را به خوبی بشناسد، به این حقیقت که پیوند کار مدیریتی از آغاز تا پایان و در طی اجرای آن با معنویت و تدبیر از اصلی‌ترین شاخص‌های کار مدیریتی متعهد و موفق است، پی خواهد برد. التزام مدیران به ارزش‌های اسلامی و تقویت و ارتقای سطح معنوی در خود و مجموعه‌های خویش از عواملی است که

در نتیجه بخش بودن فعالیت‌های فرهنگی بسیار اثرگذار است. به همین جهت، ضروری است مدیران این نکات را مدنظر داشته باشند و هم در خود و هم در مجموعه‌ها و اعضا نهادینه کنند. این امر مستلزم آن است که نسبت معنویت، انس با خدا و خصوصاً قرآن با مباحث دانش مدیریت را بفهمند تا بتوانند در کسب آن تلاش نمایند. کوتاه‌سخن آنکه یک مدیر لازم است نسبت‌ها را بشناسد و از آن مهم‌تر به فهم نسبت‌ها و کشف روابط بین آن‌ها اهتمام ورزد. اگر مدیران بتوانند نسبت‌ها و معادلات عالم را بشناسند، کارهای خود را از حالت تکاثری و حجمی خارج می‌کنند و به‌سوی کارهایی کوثری و فزاینده می‌روند. فهم نسبت‌ها آثار سلبی و ایجابی دارد. اثر سلبی آن سبب کاهش فرسایش و رفع موانع در کارهای فرهنگی می‌شود. اثر مثبت و ایجابی فهم نسبت‌ها باعث هم‌افزایی در مجموعه‌ها می‌شود. (علوی، ۱۳۹۸، ۵۱)

چگونه می‌توان بر اساس سنت‌های خدا در قرآن به این رویکرد مدیریتی دست پیدا کرد؟ مبانی آن کدام است؟ این منظر در متن بیانیه گام دوم نیاز به توجه و تحقیق دارد و کمتر به این مطلب پرداخته شده است.

نقش سنت‌ها در ایجاد امید

امید می‌تواند برخاسته از شناخت باشد یا توهم. امیدی قابل اعتنا است و می‌تواند حرکت مستمر و عمیقی ایجاد کند که مبتنی بر شناخت باشد. سنت‌ها را به عنوان یک منبع ارزشمند شناخت باید دانست؛ منبعی که به مدیر توان مانور بیشتری در اقداماتش خواهد داد. شناخت سنت‌ها به عنوان قانونهای خدا در جهان می‌تواند درک دقیقی از عالم را به انسان بدهد. اگر مدیری بر اساس شناخت درست از قوانین خدا حرکت کرد حرکتی ماندگار و با ثبات خواهد داشت و درگیر نگرانیهای بی‌مورد نخواهد شد؛ چرا که با فهم درست قواعد جهان می‌تواند تصمیمهای درستی را بگیرد و همین شناخت او را به یک پختگی در تدابیر خواهد رساند.



شکل ۱: سنت‌های الهی به عنوان منبعی برای شناخت و زمینه‌ای برای ایجاد امید صادق

۳. مبانی مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن

شناخت سنت‌های گوناگون الهی (مطلق و مقید) و توجه به شروط هرکدام به مدیر توان شناخت و همچنین توان تصمیم مقتضی را خواهد داد. برای همین ضروری است سنن الهی در قرآن را به همراه نمونه‌هایی از آن مورد بررسی قرار داد تا بتوان بر اساس آن شناخت به نگرشی توحیدی نسبت به عالم دست یافت. سنت‌هایی که برخی مطلقند و برخی مقید: یک تقسیم‌بندی سنن از منظر مطلق و مقید و ذکر نمونه‌هایی از آن

الف) سنن مطلق

سنن مطلق آن دسته که متوقف بر چیزی نیستند، بدون استثنا شامل همه می‌شوند، برای همیشه هستند و محکوم نمی‌گردند. سنت‌های مطلق نقش عوامل هدایت را در زندگی انسان مختار دارند، مانند سنت آفرینش به وجه احسن (سجده ۷)، سنت هدایت تکوینی

(طه/۵۰)، سنت قضا و قدر (توبه/۵۱)، سرعت تبشیر و انذار (فاطر/۲۴)، سنت سنخیت میان مرسل و مرسله علیه (اسراء/۹۵)، سنت نفی حرج (مائده/۶)، سنت نفی ظلم از طرف خداوند (آل عمران/۱۰۸)، سنت عمل و عکس العمل (انعام/۱۶۴)، سنت دفاع از حق و سرکوبی باطل (انبیاء/۱۶۴)، سنت استعدادها (اعراف/۵۸)، سنت حفظ کتاب آسمانی قرآن (حجر/۹)، سنت مرگ و اجل و عدم تاخیر و تقدیم آن (یونس/۴۹)، سنت اختلاف در درجات (اسراء/۲۱)، سنت آزمایش و امتحان (عنکبوت/۲-۳)

ب) سنن مقید

سنن مقید برخلاف سنن مطلق، تحقق آنها بر مقدماتی متوقف است که فراهم ساختن مقدمات در اختیار انسان می‌باشد. این سنن گاه حاکم هستند و گاه محکوم. سنن مقید را با ایمان و عدم آن، به دو دسته سنن مربوط به مؤمنین و سنن مربوط به گمراهان و کافران می‌توان تقسیم نمود.

ج) سنن مربوط به مؤمنین

اجزای آن‌ها بر ایمان مترتب می‌شود که ایمان شامل صبر، تقوا، اصلاح طلبی، نیکوکاری و... می‌باشد. مانند خدا کسانی را که دارای زمینه هدایت باشند هدایت می‌کند (انفال/۲۲ - ۲۳، محمد/۱۷)، خدا سرپرست مؤمنان و صلحان و خدا ترسان است (اعراف/۱۹۶، آل عمران/ ۶۸) شیطان بر بندگان خالص خدا سلطه‌ای ندارد (حجر/۴۲)، خدا بندگان مخلص اش را از سو و فحشا دور می‌دارد (یوسف/۲۴)، خدا بردباران را دوست دارد (انفال/ ۴۶)، بر دشمنان غلبه می‌دهد (حج/۳۸)، کفار را بر مؤمنین سبیلی نیست (نساء/۱۴۱)، سلطه خداپرستان در جهان (قصص/۵) و...

البته شکی نیست که موارد ذکر شده بعضاً در همدیگر تلاقی دارند و خلاصه تمام آنها این است که کسی که ایمان به خدا داشته باشد خدا در دنیا و آخرت ناصر اوست و خدا در صورت وفای به عهد از طرف مردم به عهد خود وفا می‌کند. وفای به عهد خداوند عبارت

است از اعطا و توفیق و هدایت و حمایت و دفاع در دنیا و متمرکز ساختن از بهشت و نعمتهای آن.

د) سنن مربوط به گمراهان و کافران

این سنن بر خلاف سنن مؤمنین، در صورت عدم ایمان و تقوا پیش می‌آید. مانند: سنت امهال یا استدراج (آل عمران / ۶۸)، ست عدم هدایت کافران و فاسقان (صف / ۵، نساء / ۱۵۵) و... (قانع، ۱۳۷۹، ۱۰۵ - ۱۰۸)

دو) نشانه‌ها و ویژگی‌های اطمینان‌آفرین و امیدبخش در سنت‌ها

با نگرش در آیات قرآن می‌توان برای سنت‌های الهی نشانه‌ها و ویژگی‌هایی را بر شمرد که برای مدیر، تولید مبنایی خواهد کرد که بر اساس آن امیدوارانه حرکت کند مانند:

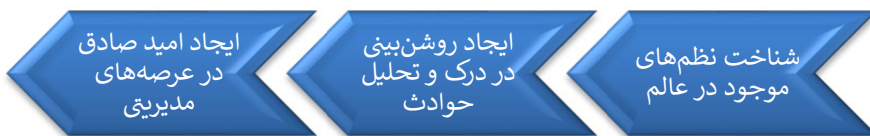
جدول ۱: نشانه‌ها و ویژگیهای سنت‌های اجتماعی در قرآن (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳، ۱۰۶

- ۲۱۵، حامد مقدم، ۱۳۷۹، ۱۴ - ۱۷)

آیات ناظر	نشانه‌ها و ویژگیهای سنت‌های اجتماعی
احزاب: ۶۲، جن: ۱۶، مائده: ۶۶، اعراف: ۹۶، هود: ۳، محمد: ۷	عمومیت و جهان شمولی سنت‌ها
احزاب: ۶۲، فتح: ۲۱ - ۲۳، غافر: ۸۲ - ۸۵، احزاب: ۳۸، احزاب: ۶۰ - ۶۲	استمرار و دوام سنت‌ها
اعراف: ۳۴، مؤمنون: ۴۳، حج: ۴۵ - ۴۸، رعد: ۳۲، بقره: ۸۰، بقره: ۲۱۴، محمد: ۱۰، غافر: ۲۱، روم: ۹، ق: ۳۶ - ۳۷، مریم: ۷۴، غافر: ۸۲ - ۸۵، محمد: ۱۳، فجر: ۴ - ۱۵	تخلف ناپذیری سنت‌ها
فتح: ۲۳، فاطر: ۴۳، احزاب: ۶۲، انعام: ۳۶، یونس: ۶۲ - ۶۴، کهف: ۲۷	تبدیل ناپذیری سنت‌ها
فاطر: ۴۳، اسراء: ۷۷	تحویل ناپذیری سنت‌ها
انعام: ۱۶۴، نجم: ۵۳، نجم: ۳۹، فاطر: ۳۵، فاطر:	زمینه اجتماعی سنت‌ها

۱۹، زلزال: ۷-۸، مریم: ۹۵، جاثیه: ۲۸-۲۹	
احزاب: ۳۸، احزاب: ۶۹، غافر: ۸۵، فتح: ۲۳، فاطر: ۴۳، اسراء: ۷۶، آل عمران: ۱۳۷، نساء: ۱۲۶، انفال: ۳۸، حج: ۱۳، کهف: ۵۵	الهی بودن سنت‌ها
نحل: ۱۱۲، ابراهیم: ۵-۷، طه: ۱۲۴-۱۲۹، نمل: ۴۸-۵۳، انبیاء: ۱۱-۱۵، کهف: ۵۹	این جهانی بودن سنت‌ها
انفال: ۲۵	سرنوشت مشترک در جریان سنت‌ها
اعراف: ۳۴، فاطر: ۴۵، نحل: ۶۱، طه: ۱۲۴-۱۲۹، کهف: ۵۸-۵۹، حجر: ۴، اسراء: ۵۸، آل عمران: ۱۴۰	سررسید و موعد مقرر در سنت‌های اجتماعی

سنت‌های الهی دارای ویژگی‌هایی مانند استمرار، تکرارپذیری، تخلف ناپذیری، عام و عمومیت داشتن است. به عبارتی سنت‌ها به عنوان یک رویه و امری جاری، همیشه و در همه جا جواب می‌دهند و جابجا یا کم و زیاد نمی‌شوند و قابل تبدیل و تغییر و تحویل نیستند. سنت‌ها همان روش‌ها، راه‌ها و شیوه‌هایی هستند که خداوند متعال برای اداره جهان و هدایت موجودات و از جمله انسان به سوی کمال و در قالب نظم و نظامی مشخص تعیین فرموده است، به گونه‌ای که حاکم بر زندگی انسان‌ها و موجودات می‌باشند. (علی اکبری، ۱۳۹۸، ۴۱) شناخت نظم‌های موجود در عالم و در نتیجه بهره‌مندی از آن قواعد باعث ایجاد روشن‌بینی در درک و تحلیل حوادث خواهد شد و در نتیجه سبب ایجاد امیدهایی صادق در عرصه‌های مدیریتی مدیران خواهد شد.



شکل ۲: فرایند امیدآفرینی سنت‌ها

۴. اثر شناخت سنن الهی بر تصمیم‌های مدیر

توجه به سنت‌های مطلق و مقید خداوند در قرآن و اشراف بر آنها شناخت دقیقی از جریان مؤمنین و کافران خواهد داد، خصوصاً توجه به سنت‌های خاصی که ناظر به جبهه مؤمنین است؛ اینکه اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد خدا در دنیا و آخرت ناصر اوست و خدا در صورت وفای به عهد از طرف مردم به عهد خود وفا می‌کند. سنت استخلاف، سنت هدایت، سنت اضلال، سنت ابتلا و آزمایش، سنت امداد، سنت تغییر و عدم تغییر، سنت امدادهای الهی سنت‌هایی است که یک مدیر الهی به واسطه انس با آموزه‌های قرآن در مواجهه با آن و عنایت به مطلق یا مقید بودن آن و نوع عمل و عکس العمل آن به تشخیص و تصمیم مقتضی آن دست می‌زند. به عنوان نمونه توجه به سنت امدادهای الهی یک زمینه برای ایجاد امید به حرکت و خوش‌بینی به عالم است. مدیریت مرسوم با همه محاسبات و معادلاتش باز هم خود را محدود می‌داند، برای همین به ناچار قدرت مانور محدودی دارد؛ برخلاف مدیران الهی که به پشتوانه کلام نورانی خدای متعال پشتوانه نامحدودی دارند و به پشت‌گرمی امدادهای ویژه خدا به پیش می‌روند. (علوی، ۱۳۹۸، ۸۷)

«وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ

أَنْ يَمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزِلِينَ * بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ * وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران / ۱۲۳ - ۱۲۶) خداوند شما را در بدر یاری کرد و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت؛ درحالی که شما نسبت به آن ها ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید) تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید در آن هنگام که تو به مؤمنان می گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می آیند، یاری کند؟! ” آری، امروز هم اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! ولی این ها را خداوند فقط بشارت و برای اطمینان خاطر شما قرار داده وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است!

در جهان بینی الهی زندگی انسان ها با جهان فرشتگان مرتبط است و امدادهای غیبی را در میدان های کارزار نباید فراموش کرد. بر این اساس از سویی یکی از وظایف مدیر و رهبر الهی، امیدوار کردن و توجّه دادن مردم به امدادهای غیبی است و از سویی دیگر امید به لطف خداوند برای همه اعضا ضروری است. در این جهان بینی و شناخت نورانی، تمام مقدمات مادی، علمی، روانی و انسانی، بدون اراده خداوند کاری از پیش نمی برند و امدادهای الهی سرنوشت جنگ را معین می کند، نه عوامل طبیعی. ملائکه به فرمان خداوند در خدمت مؤمنان قرار می گیرند. استقامت و تقوا، عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است و از همه این ها مهم تر دانستن اینکه امدادهای الهی، اختصاص به زمان پیامبر ندارد، مایه دلگرمی بیشتر و اقدام قوی تر است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۵۹۹ - ۶۰۲) انسان به عنوان موجودی سراپا فقر، همواره به دنبال ملجأ و پناهگاهی برای خود می باشد؛ مدد های الهی به عنوان عاملی فراتر از اسباب مادی، نور امید و خوش بینی را در فرد ایجاد نموده و شوق به ادامه راه را در افراد افزایش می دهد. از سویی دیگر علم و اطمینان به این امداد از جهت

روانشناسی اجتماعی باعث ایجاد شادابی و تلاش بیشتر خواهد شد و نیز باعث ایجاد شجاعت در حرکت‌های بزرگ اجتماعی و اعتماد به نفس در هنگام سختیها خواهد شد. (مرادخانی تهرانی، ۱۳۹۴، ۲۹۰)

البته و صدالبته باید یادآور شد نیروهای ذخیره به یاری انسان‌های سست و تنبل نمی‌آیند و با تلاش انسان‌های مؤمن فعال می‌شود (جن: ۱۶) برای اینکه همه قوانین عالم با ما همراه بشود، اراده خدای متعال در جهت پیشرفت ما قرار بگیرد، باید خدایی بود و حرکت کرد: «اگر برای خدا بودیم و نیت کردیم و تصمیم گرفتیم و حرکت نمودیم، خدای متعال اراده‌اش را در جهت پیشرفت ما قرار خواهد داد و آن وقت همه قوانین عالم با ما همراه خواهد شد. بدون این، ما مثل گروه دیگری از مردم دنیا خواهیم بود. وقتی انسانی با خدا نیست و برای خدا کار نمی‌کند، حالا اسمش ایرانی باشد، جای دیگری باشد، اسمش مسلمان باشد، غیرمسلمان باشد، چه تفاوتی می‌کند؟ چه تضمینی هست که اگر کسی فرضاً یک اعتقاد دینی هم به اسلام دارد و چند عمل عبادی را هم انجام می‌دهد، این عزت اسلامی هم با او باشد؛ کمالینکه دیدیم قرن‌ها گذشت و عزت اسلامی با ما نبود.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۲/۲۱)

نتیجه‌گیری

توجه به سنت‌های مطلق و مقید خداوند در قرآن و اشراف بر آنها شناخت دقیقی از جریان مؤمنین و کافران خواهد داد؛ خصوصاً توجه به سنت‌های خاصی که ناظر به جبهه مؤمنین است. سنت‌هایی مانند سنت استخلاف، سنت هدایت، سنت اضلال، سنت ابتلا و آزمایش، سنت امداد، سنت تغییر و عدم تغییر، سنت امدادهای الهی سنت‌هایی است که یک مدیر الهی به واسطه انس با آموزه‌های قرآن در مواجهه با آن و عنایت به مطلق یا مقید بودن آن و نوع عمل و عکس العمل آن به تشخیص و تصمیم مقتضی آن دست می‌زند. توجه به سنت‌های الهی از این منظر زمینه‌ای برای ایجاد امید به حرکت و خوش‌بینی به عالم ایجاد می‌کند. شناختی که به واسطه فهم سنت‌های الهی اتفاق می‌افتد

تکلیف رهبر و پیروان را در مقابل حوادث گوناگون روشن‌تر می‌کند و تحمل ابهام آنها را نیز افزایش می‌دهد چرا که شناخت نظم‌های موجود در عالم و در نتیجه بهره‌مندی از آن قواعد باعث ایجاد روشن‌بینی در درک و تحلیل حوادث خواهد شد و در نتیجه امیدهایی در عرصه‌های مدیریتی مدیران ایجاد خواهد کرد. سنت‌های الهی دارای ویژگی‌هایی مانند استمرار، تکرارپذیری، تخلف‌ناپذیری و عمومیت داشتن است. سنت‌های الهی به واسطه داشتن چنین نشانه‌ها و ویژگی‌هایی که دارد برای مدیر، تولید مبنایی خواهد کرد که بر اساس آن امیدوارانه حرکت کند.

آموزه‌هایی مانند سنت‌ها در قرآن بر رفتار مدیران و خصوصاً تصمیم‌های آنها موثر خواهد بود که محوری‌ترین جلوه آن مدیریت امیدمحور و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. چنین مدیری در مقابل اتفاقات پیش رو منفعل نخواهد شد و همیشه دست برتر و بالاتر را خواهد داشت. کنش‌گری فعال بر اساس امید، رهاورد چنین بینشی است. او به واسطه داشتن چنین تصویر روشنی که به پشتوانه آیات روشن خدا از سنت‌ها دارد دچار سردرگمی، ابهام و ناامیدی نخواهد شد و در عوض مدیریت او سرشار از نشاط و امید به آینده خواهد بود. این اثر امیدهای صادق به پشتوانه آموزه‌های وحیانی است. چنین مدیریتی حرکت بخش و تحول‌آفرین خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی‌چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. حامد مقدم، احمد (۱۳۷۹)، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۴. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، دغدغه‌های فرهنگی، گردآوری و تنظیم متن: مرکز صهبا، تهران، موسسه ایمان جهادی
۵. صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۰)، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه و تحقیق دکتر سید جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران، تفاهم.
۶. علوی، سید علی اصغر (۱۳۹۸)، آنچه در دانشکده مدیریت نیاموختم، تهران، سدید.
۷. علی اکبری زنانی، حسن (۱۳۹۸)، جریان الربوبیه یا نظام سنن الهی در قرآن، به همت و تلاش محمد شامحمدی، تهران، حدیث عشق.
۸. قانع، احمد علی (۱۳۷۹)، علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۰. کرمی فریدنی، علی (۱۳۸۳)، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم، نسیم انتظار.
۱۱. مرادخانی تهرانی، احمد (۱۳۹۴)، سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۲. مشرقی، محسن، عقیقی، فاطمه (۱۳۹۸)، کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، موسسه علمی آینده سازان.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.